



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



خاندان علم و تقوا فقاہت و سیاست

سیدہ عائشہ خیر و شاہین

مؤسسہ کتاب شناسی شیبہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خاندان علم و تقوی، فقاہت و سیاست

نویسنده:

سید ہادی خسرو شاہی

ناشر چاپی:

کلبہ شروق

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانہ ای قائمیہ اصفہان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	خاندان علم و تقوی، فقاہت و سیاست
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۵	فهرست مطالب
۲۵	آذربایجان مهد آزادگان
۲۵	اشاره
۲۷	پیش گفتار
۳۱	آذربایجان مهد بزرگان
۳۳	مهد مفاخر جهان اسلام
۳۸	اسامی برخی از عالمان بزرگ آذربایجان
۴۶	فصل اول : خسروشاه
۴۶	اشاره
۴۸	الف) تاریخ و فرهنگ خسروشاه
۴۸	وجه تسمیه
۴۸	غارت و وحشت
۴۸	سلسله سالاریان
۴۹	دوران نهضت مشروطیت
۴۹	آبادانی
۴۹	موقعیت
۵۰	راه های ارتباطی
۵۰	اقتصاد کشاورزی
۵۱	هفته بازار
۵۲	آثار باستانی

۵۳	خسروشاه در آثار مورخین و پژوهشگران
۵۷	(ب) مزارات و مشاهیر خسروشاه
۵۷	اشاره
۵۷	۱. مزار امیر مضر بن عجیل -
۵۷	۲. مزار حمزه بن عبدالعزیز دیلمی (۴۶۳/۴۴۸ق)
۵۹	۳. مزار سید فضل الله راوندی (م ۵۷۱ ق)
۶۰	۴. شمس الدین خسروشاهی (۵۸۰ - ۶۵۳ق)
۶۵	۵. ملا حسین بن علی تبریزی خسروشاهی (زنده در ۱۲۸۱ ق)
۶۶	۶. آیت الله سید علی ایروانی (۱۲۸۵ - ۱۳۲۴ق)
۶۸	۷. آیت الله حاج میر حجت ایروانی (۱۳۱۱ - ۱۳۹۵ق)
۶۹	۸. میرزا مهدی جیواد (۱۳۲۶ - ۱۴۰۹ق)
۷۰	۹. میرزا صادق خسروشاهی (... - ...)
۷۰	۱۰. آیت الله سید هادی خسروشاهی (۱۳۲۷ - ۱۴۱۸ق)
۷۲	۱۱. آیت الله سید ابراهیم خسروشاهی (معاصر)
۷۴	فصل دوم : خاندان خسروشاهی
۷۴	اشاره
۷۶	خاندان خسروشاهی و نسب نامه آن ها
۷۶	اشاره
۷۷	۱. آیت الله سید ابوالحسن خسروشاهی (قرن ۱۳ ه . ق)
۷۷	۲. آیت الله سید علی حسینی خسروشاهی (۱۲۰۰ق - ...)
۷۸	۳. آیت الله سید محمد خسروشاهی (۱۲۲۹ - ۱۳۱۲ق)
۸۴	۴. آیت الله سید احمد خسروشاهی (۱۲۶۶ - ۱۳۲۷ق)
۸۹	۵. آیت الله سید مرتضی خسروشاهی (۱۲۹۹ - ۱۳۷۲ ق)
۱۰۷	اجازات و: چند سند
۱۰۷	اشاره
۱۲۴	موقوفه خسروشاهی - ترکداری -

۱۴۷	فصل سوم : اولاد و احفاد - فرزندان و نوادگان -
۱۴۷	اشاره -
۱۴۹	فرزندان و نوادگان
۱۵۲	یادی از: دو برادر بزرگوار
۱۵۲	۱. آیت الله سید ابوالفضل خسروشاهی
۱۶۵	۲. آیت الله سید احمد خسروشاهی
۱۹۶	یادی از دو برادر دیگر
۲۰۶	یادی از آخرین برادر و: نقش وی در مبارزات تبریز
۲۲۷	اسناد مبارزات
۲۲۷	نمونه هایی از اعلامیه های اخوان عظام و علمای آذربایجان - و چند سند درباره اخوان
۲۲۹	اعلامیه های علمای تبریز
۲۴۷	اسنادی درباره دو برادر
۲۴۹	چند گزارش خبری
۲۵۹	فصل چهارم : سید هادی خسروشاهی
۲۵۹	اشاره -
۲۶۱	ولادت و تحصیلات -
۲۶۳	تألیفات
۲۶۳	حضور مجذانه در عرصه فرهنگی
۲۶۴	فعالیت در سطح جهانی
۲۶۵	تأسیس مرکز بررسی های اسلامی
۲۶۵	همگام با شخصیت های مبارز و جهانی
۲۶۹	زندان و تبعید
۲۶۹	از واتیکان تا قاهره
۲۷۱	فعالیت علمی - فرهنگی
۲۷۴	کتابخانه و یادگاری ماندگار
۲۷۵	و: نام ماندگار...

اجازات بزرگان و مراجع	۲۷۷
اشاره	۲۷۷
۱. امام خمینی	۲۷۷
۲. آیت الله سید ابوالقاسم خویی	۲۷۹
۳. آیت الله سید محمد هادی میلانی	۲۸۰
۴. آیت الله سید کاظم شریعتمداری	۲۸۱
۵. آیت الله شیخ ابوالفضل زاهدی قمی	۲۸۲
۶. آیت الله سید احمد زنجانی	۲۸۲
۷. آیت الله شیخ مرتضی حائری	۲۸۲
۸. آیت الله سید صادق روحانی	۲۸۴
۹. آیت الله سید کاظم شریعتمداری	۲۸۴
۱۰. آیت الله عبدالجواد اصفهانی	۲۸۴
۱۱. اجازه ای از آیات عظام	۲۸۵
۱۲. آیت الله شیخ آقا بزرگ تهرانی	۲۸۶
۱۳. آیت الله مرعشی نجفی	۲۸۸
۱۴. اجازه ای دیگر از آیت الله مرعشی نجفی	۲۹۰
۱۵. اجازه ای دیگر از آیت الله آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی	۲۹۲
تأیید و گواهی برخی مراکز علمی - فرهنگی	۲۹۴
نمونه ای از دیدگاه ها - در شصت سال پیش	۳۷۷
اشاره	۳۷۷
اسلام و دموکراسی	۳۷۹
حکومت دموکراسی	۳۷۹
اسلام و دموکراسی	۳۸۰
نمونه ای از دموکراسی اسلامی	۳۸۰
دموکراسی در ادیان دیگر	۳۸۱
دموکراسی در آمریکا	۳۸۳

۳۸۵	دموکراسی در شوروی ، قطب مقابل آمریکا
۳۸۵	دموکراسی در کشورهای غربی
۳۸۶	دموکراسی در ممالک آسیا و آفریقا
۳۸۶	حکومت دموکراتیک در سایه اصول اسلام
۳۸۸	در حکومت دموکراتیک اسلامی چه می گذرد؟
۳۹۱	طبقات اجتماعی پس از ظهور اسلام
۳۹۲	دموکراسی علی(علیه السلام)
۳۹۳	روش های اجتماعی و بهترین آن ها
۳۹۴	طرز حکومت اسلامی
۳۹۴	وضع زنان
۳۹۴	اهمیت فضایل و اخلاق
۳۹۵	دومینیک سوردل
۳۹۵	پروگره ایسلامیک
۳۹۶	بشریت چه می خواهد؟! -
۴۰۱	پیوست ها
۴۰۱	۱ : شاگردان آیه الله سید مرتضی خسروشاهی
۴۳۱	۲ : درباره کتاب مشکاه المصابیحی التعادل و التراجیح
۴۵۳	۳ : پاسخ صدرالمألهین به سؤالات خواجه نصیرالدین طوسی از شیخ شمس الدین خسروشاهی
۴۶۹	۴ : شیدای سحر
۴۸۵	۵ : درباره مرکز بررسی های اسلامی و: کتابخانه عمومی
۴۹۵	۶ : مراسم افتتاح کتابخانه عمومی مرکز بررسی های اسلامی
۵۱۱	فهرست ها
۵۱۱	اشاره
۵۱۳	فهرست اعلام
۵۳۵	فهرست کتب
۵۴۹	فهرست اماکن

- ۵۵۳ ----- عکس های مربوط به بخش اول و دوم کتاب -
- ۵۸۹ ----- عکس های مربوط به بخش سوم و پیوست -
- ۶۰۰ ----- تصاویری از دیدارها -
- ۶۳۳ ----- مراسم افتتاح کتابخانه مرکز بررسی های اسلامی -
- ۶۵۱ ----- مجموعه ها -
- ۶۵۹ ----- درباره مرکز -

مشخصات کتاب

سرشناسه: خسروشاہی، سیدہادی، 1317 -

عنوان و نام پدیدآور: خاندان علم و تقوی، فقاہت و سیاست / سیدہادی خسروشاہی.

مشخصات نشر: قم: کلبہ شروق، 1395.

مشخصات ظاہری: 592ص.: مصور.

شابک: 6-64-7255-964-978 : 300000 ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامہ.

موضوع: خسروشاہی (خاندان)

موضوع: Khosroshahi family

ردہ بندی کنگرہ: 1395 52 خ / 1419 CS

ردہ بندی دیویی: 955/083092

شماره کتابشناسی ملی: 4906539

ص: 1

اشارہ

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

خاندان علم و تقوی

فقاہت و سیاست

سید ہادی خسروشاهی

ص: 4

فهرست مطالب

آذربایجان مهد آزادگان 11

پیش گفتار 13

آذربایجان مهد بزرگان 17

مهد مفاخر جهان اسلام 19

اسامی برخی از عالمان بزرگ آذربایجان 24

فصل اول خسروشاه 29

الف) تاریخ و فرهنگ خسروشاه 31

وجه تسمیه 31

غارت و وحشت 31

سلسله سالاریان 31

دوران نهضت مشروطیت 32

آبادانی 32

موقعیت 32

راه های ارتباطی 33

اقتصاد کشاورزی 33

هفته بازار 34

ص: 5

خسروشاه در آثار مورخین و پژوهشگران 36

ب) مزارات و مشاهیر خسروشاه 40

1. مزار امیر مضر بن عجیل 40

2. مزار حمزه بن عبدالعزیز دیلمی (.../463/448ق) 40

3. مزار سیّد فضل الله راوندی (م 571 ق) 42

4. شمس الدین خسروشاهی (580 - 653 ق) 43

5. ملا حسین بن علی تبریزی خسروشاهی (زنده در 1281 ق)

48

6. آیت الله سیّد علی ایروانی (1285 - 1324 ق) 49

7. آیت الله حاج میر حجّت ایروانی (1311 - 1395 ق) 51

8. میرزا مهدی جیواد (1326 - 1409 ق) 52

9. میرزا صادق خسروشاهی (... - ...) 53

10. آیت الله سیّد هادی خسروشاهی (1327 - 1418 ق) 53

11. آیت الله سید ابراهیم خسروشاهی (معاصر) 55

فصل دوم خاندان خسروشاهی 57

خاندان خسروشاهی و نسب نامه آن ها 59

1. آیت الله سیّد ابوالحسن خسروشاهی (قرن 13 ه . ق) 60

2. آیت الله سیّد علی حسینی خسروشاهی (1200 ق - ...) 60

3. آیت الله سیّد محمّد خسروشاهی (1229 - 1312 ق) 61

4. آیت الله سید احمد خسروشاهی (1266 - 1327 ق) 67

5. آیت الله سیّد مرتضی خسروشاهی (1299 - 1372 ق) 72

اجازات و: چند سند 89

فرزندان و نوادگان 131

یادی از: دو برادر بزرگوار 134

1. آیت الله سید ابوالفضل خسروشاهی 134

2. آیت الله سید احمد خسروشاهی 147

یادی از دو برادر دیگر 178

یادی از آخرین برادر 188

اسناد مبارزات 209

نمونه هایی از اعلامیه های اخوان عظام و علمای آذربایجان و چند سند درباره اخوان 209

اعلامیه های علمای تبریز 211

اسنادی درباره دو برادر 229

چند گزارش خبری 231

فصل چهارم: سید هادی خسروشاهی 241

ولادت و تحصیلات 243

تألیفات 245

حضور مجدّانه در عرصه فرهنگی 245

فعالیت در سطح جهانی 246

تأسیس مرکز بررسی های اسلامی 247

همگام با شخصیت های مبارز و جهانی 247

زندان و تبعید 251

از واتیکان تا قاهره 251

فعالیت علمی - فرهنگی 253

کتابخانه و یادگاری ماندگار 256

و: نام ماندگار... 257

اجازات بزرگان و مراجع 259

1. امام خمینی 259

2. آیت الله سید ابوالقاسم خویی 261

3. آیت الله سید محمد هادی میلانی 262

4. آیت الله سید کاظم شریعتمداری 263

5. آیت الله شیخ ابوالفضل زاهدی قمی 264

6. آیت الله سید احمد زنجانی 264

7. آیت الله شیخ مرتضی حائری 264

8. آیت الله سید صادق روحانی 266

9. آیت الله سید کاظم شریعتمداری 266

10. آیت الله عبدالجواد اصفهانی 266

11. اجازه ای از آیات عظام 267

12. آیت الله شیخ آقا بزرگ تهرانی 268

13. آیت الله مرعشی نجفی 270

14. اجازه ای دیگر از آیت الله مرعشی نجفی 272

15. اجازه ای دیگر از آیت الله آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی

274

تأیید و گواهی برخی مراکز علمی - فرهنگی 276

نمونه ای از دیدگاه ها - در شصت سال پیش - 359

حکومت دموکراسی در سایه ایدئولوژی و اصول تعلیمات اسلامی

359

حکومت دموکراتیک جمهوری اسلامی 359

اسلام و دموكراسى 361

حكومت دموكراسى 361

اسلام و دموكراسى 362

ص: 8

نمونه ای از دموکراسی اسلامی 362

دموکراسی در ادیان دیگر 363

دموکراسی در آمریکا 365

دموکراسی در شوروی، قطب مقابل آمریکا 367

دموکراسی در کشورهای غربی 367

دموکراسی در ممالک آسیا و آفریقا 368

حکومت دموکراتیک در سایه اصول اسلام 368

در حکومت دموکراتیک اسلامی چه می گذرد؟ 370

طبقات اجتماعی پس از ظهور اسلام 373

دموکراسی علی (علیه السلام) 374

روش های اجتماعی و بهترین آن ها 375

طرز حکومت اسلامی 376

وضع زنان 376

اهمیت فضایل و اخلاق 376

دومینیک سوردل 377

پروگره ایسلامیک 377

بشریت چه می خواهد؟! 378

پیوست ها 383

1 - شاگردان 383

2 - مشکاه المصابیح فی التعادل و التراجیح 413

3 - رساله الجواب عن الأسئلة النصیریّه 439

4 - شیدای سحر 451

5 - درباره 467

فهرست ها 493

فهرست اعلام 495

فهرست کتب 505

فهرست اماکن 513

عکس های مربوط به بخش اول و دوم کتاب 513

عکس های مربوط به بخش سوم و پیوست 543

تصاویری از دیدارها 553

مراسم افتتاحیه کتابخانه مرکز بررسی های اسلامی 575

مجموعه ها 585

ص: 10

در سال 1332 ش که دومین سالگرد رحلت والد معظم آیت الله حاج سید مرتضی خسروشاهی بود و در آن زمان اینجانب هم چهارده یا پانزده سال بیشتر نداشتم، شرح حال ایشان را در حدّ معلومات یک فرزند نوجوان نوشتم و با استقراض یکصد ریال از آقا میرزا حسن - که در مسجد بازار پس از منبر والد نوحه می خواند - آن را چاپ کردم که به قیمت سه ریال به بازار نشر عرضه شد!

از آن زمان که فهمیدم پدرم علاوه بر فضلا و علمایی که در تبریز می شناختم و یا بعدها شناختم، استاد مشاهیری چون: مرحوم آیت الله سید محمد حجّت کوه کمری (از مراجع قم)، علامه شیخ عبدالحسین امینی (صاحب الغدیر)، آیت الله آقا میرزا محمد مجاهدی (از معاریف اساتید حوزه علمیه قم) و امثال آنان بوده است، فکر کردم که شرح حال مبسوط تری از والد بزرگوار و اجداد عظام خود، که هر کدام به نوبه خود در شمار علمای برجسته نجف و تبریز و قم، صاحب رساله عملیه و مرجع تقلید بخشی از مردم مسلمان ایران بوده اند، تهیه و منتشر کنم .

در این کاوش، به طور طبیعی به مرور کوتاهی بر تاریخ «خسروشاه» هم پرداختم که در این بررسی، به نام و شرح حال و آثار فلاسفه و علمای برجسته ای از آن خطّه - مانند فیلسوف نامدار شمس الدین خسروشاهی و فقیه معروف سألار - برخوردم که اشاره کوتاهی به شرح حال و شخصیت و موقعیت علمی - فلسفی آنان را، در آغاز این کتاب بی مناسبت ندیدم .

با همین اندیشه، هرگونه نامه، سند یا عکسی را که در بین اوراق به دست می‌آورد - که بعضی از آن‌ها را در اصطلاح سند لای کتاب می‌نامند - جمع‌آوری و نگهداری می‌کردم.

مجموعه انبوه این یادداشت‌ها و اوراق و اسناد، چه درباره خاندان و چه درباره علمای آذربایجان یا تاریخچه و منطقه خسروشاه، همچنان در طول نیم قرن گذشته در کتابخانه اینجانب و در بین اسناد خاص نگهداری می‌شد و فرصت تنظیم و ترتیب و تکمیل و نشر آن‌ها نبود، تا آنکه فرزند گرامی و ارجمند جناب سیّد محمود خسروشاهی - که به یاری حق مشغول تحصیل در حوزه علمیه قم بوده و به فکر جمع‌آوری و نشر مقالات و نوشته‌های قدیمی حقیر است - از اسناد و مدارک مربوط به تاریخ این خاندان آگاه شد و درخواست تعجیل در تکمیل و نشر آن‌ها را داشت که کارهای روزمره، مانع این توفیق می‌گردید.

در دیدار کوتاهی با دوست ارجمند حجت الاسلام جناب آقای علی اکبر مهدی پور (حفظه الله) در قم، پیشنهاد کردم که وی زحمت تنظیم این اوراق و اسناد را به عهده بگیرد، به ویژه که او از آشنایان قدیمی خاندان ما بود و مرید پدر... ولی برای تسریع در کار به پیشنهاد ایشان، این کار به محقق جوان و نویسنده معاصر آقای کریم فیضی، که آثاری درباره استاد محمدرضا حکیمی - فیلسوف عدالت - و شخصیت‌های دیگر دارد، واگذار شد.

آقای کریم فیضی که از همشهریان عزیز و جوانی کوشا و پرکار است و در آن ایام در مرکز نشر آثار علامه محمدتقی جعفری به کار تحقیق و پژوهش مشغول بود، این پیشنهاد را پذیرفت و قرار شد تا در تعطیلات تابستان به آن پردازد.

پس از نخستین دیدار، تمامی اوراق و یادداشت‌های چاپ شده درباره شرح حال پدر و دو برادر و جزوه‌های: مشکاه المصابیح، مقدمه سیاست حسینی، اسلام و دموکراسی و غیره، همراه نمونه‌هایی از اجازات، نامه‌های مراجع و بزرگان، اسناد ساواک و حدود یک دهم از عکس‌ها و نامه‌ها را در اختیار ایشان قرار دادم که خوشبختانه در زمانی کوتاه به تنظیم آن‌ها پرداخت و مقدمه‌ای مفصل و پنجاه

صفحه ای(1) نیز بر آن افزود و محصول آن کتابی شد که هم اکنون در اختیار شما

قرار می گیرد.

البته تکمیل، اضافات، بازبینی و ویرایش نهایی، سرانجام باز نصیب خود حقیر گردید و چند هفته ای از وقت مفید ما را گرفت و چون در بخش های خاصی ناکفته هایی مانده بود، چاره ای جز افزودن برخی مباحث نبود.

هدف ما در این کتاب، شناخت اجمالی و فهرست وار موقعیت علمی و تاریخی تبریز و خسرو شاه و اشاره ای فهرست وار به اسامی عده ای از علمای نامدار این خطه از ایران اسلامی است و بخش بسیار مختصری از اسناد و مدارک و عکس های مربوط به آن نیز در اختیار علاقه مندان به تاریخ معاصر قرار می گیرد.

از زحمات دوستان سپاسگزارم که اگر کوشش ایشان و اجرای عملی طرح و برنامه نبود، این اوراق و اسناد همچنان در میان انبوه اوراق و کتاب های حقیر در قم و تهران و دفتر «مرکز بررسی های اسلامی» باقی می ماند و پس از ما هم، البته سرنوشت آن ها معلوم نبود که چه خواهد شد و به هر حال، اگر اقدامی هم می شد به نحو مطلوب کنونی نمی توانست باشد.

امیدوارم که دوستان و اساتید و فضلاء حوزه ها، نشر این کتاب را به عنوان اصل مثبت! تلقی نکنند و هرگونه نقد و نظر یا تکمیل و توضیحی دارند، در اختیار ما قرار دهند تا در چاپ احتمالی بعدی، کامل تر و مفیدتر و به عنوان کتابی که درباره علمای بزرگوار آذربایجان و بیانگر گوشه هایی از تاریخ معاصر ایران است، در اختیار عموم قرار گیرد.

... اصولاً در زمینه های تاریخی، اگر معاصرانی آگاه تاریخ را ننویسند، در آینده تاریخ سازان! آن را خواهند نوشت که البته نوعاً به شکل واقعی و حقیقی نخواهد بود، به ویژه در عصر ما که هنوز اولاد و احفاد خاندان ها و صاحب اسناد و عکس ها زنده اند، تحریف گرانی! به تاریخ سازی می پردازند و در کتاب ها و نشریاتی که

ص: 15

1- به لحاظ پرحجم شدن کتاب، از مقدمه محققانه ایشان، فقط صفحاتی در اول فصل چهارم کتاب نقل شده است و ان شاء الله متن کامل آن، در جای دیگری مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

فعلات نقد و بررسی آن ها را ندارم، مطالبی می نویسند که کاملاً از واقعیت ها به دور است .

وقتی در کتابی به نام انقلاب تبریز یا انقلاب نامه تألیف واعظ معروف، برادر گرامی و دوست محترم مرحوم حاج شیخ محمدحسن بکایی، حتی یک بار هم نامی از برادر بزرگوارم آیت الله سید احمد خسروشاهی و نقش او در مبارزات تبریز و گل آذربایجان، به میان نمی آید و یا در کتابی درباره زندگی و مبارزات آیت الله قاضی دوستانی که در آن دوران شاید هنوز به دنیا نیامده بودند، به تحریف تاریخ و نقل اکاذیب درباره آیت الله آقا سید احمد خسروشاهی و برادر دیگرم آقا سید جعفر خسروشاهی می پردازند، ظاهراً سکوت ما دیگر توجیهی ندارد.

البته تصحیح و نقد کتاب های دوستان را برای فرصتی دیگر می گذارم و فعلاً همین کتاب و نمونه هایی از اسناد و گزارش های مندرج در آن، برای اهل خرد کافی خواهد بود. امید آنکه دوستان و قلم به دستان اهل عدل و انصاف، سعی در اخفای حقایق نکنند که اگر پاداش دنیوی! هم نداشته باشد، بی تردید اجر اخروی خواهد داشت ...

... در پایان یادآوری این نکته هم ضروری است که حجت الاسلام جناب آقای شیخ محمد الوانسانز خویی، از پژوهشگران تاریخ و تراجم نویسان معاصر حوزه علمیه قم، توضیحات و اضافاتی در مورد عده ای از علمای معاصر آذربایجان و شاگردان مرحوم آیت الله سید مرتضی خسروشاهی نوشته اند که در اوائل کتاب و بخش ملحقات نقل می گردد که جای تشکر و تقدیر دارد.

بی تردید اگر همکاری دوستان و همت و پشتکار ستودنی مدیریت محترم مؤسسه «کتابشناسی شیعه» نبود، کتاب به این زودی ها آماده نشر نمی شد و در این فرصت زمانی نه چندان کوتاه! در اختیار علاقه مندان قرار نمی گرفت .

فروردین 1395

قم - سید هادی خسروشاهی

ص: 16

مقدسی گوید :

تبریز! چه می دانی تبریز چیست؟! آن زر ناب و کیمیای پرارزشی است و شهری استوار و برتر از مدینه الاسلام (بغداد). مسلمانان بدان مباحثات کنند. از میان آن، چشمه ها روان است و در پیرامونش درختان به هم پیوسته است. از ارزانی و فراوانی آن مپرس! مسجد جامعش میان شهر بنیاد یافته. نیکی های آن را مرزی نیست (1).

بیا که کوی محبت دیار تبریز است *** بیا که دامنش از عطر عشق لبریز است

کمال خلق هنرپرورش زبانزد عام *** جمال دلبرکانش عجب دلاویز است

مکان دانش و تقوا و مکتب ایثار *** دیار معرفت و خانقاه پرهیز است (2)

سخن از آذربایجان است و مفاخر آن... و مرا، شعر و شعور شهریارِ آذر زمین پهناور فرا باد می آید :

پر می زند مرغ دلم با یاد آذربایجان *** خوش باد وقت مردم آزاد آذربایجان

در مکتب عشق وطن، جان باختن آموخته *** یا رب که بوده است از ازل، استاد آذربایجان؟

بر زخم آذربایجان، هان! شهریارا مرهمی *** تا شاد گردانی دل ناشاد آذربایجان

ص: 17

1- مقدسی، ابو عبدالله، أحسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم، ص 378. نیز رک: حسین سلطان زاده، تبریزخشتی استوار در معماری ایران، ص 15.

2- مسعود عالم پور رجبی، گاهشمار تاریخ تبریز، ص 5.

در این میان، تبریز از قدیم الایام، از اربابان دانای علم و اسراردانان پر تُرْهت معرفت و پویندگان حقیقت تاریخ و سراینندگان مرزشکن شعر و سرداران و فاتحان قلم و ادب سوار انشاء و نگارش مملو بوده است .

مؤید این سخن پر وضوح، مندرجات آثار و مآثری است چونان:

- تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، تألیف نادر میرزا، (1)

- تاریخ آذربایجان، احمد کسروی، - شرح حال رجال ایران، تألیف مهدی بامداد،

- رجال آذربایجان در دوره مشروطیت، تألیف دکتر مهدی مجتهدی،

- داستان دوستان، تألیف محمدعلی صفوت ،

- آثار باستانی آذربایجان، عبدالعلی کارنگ،

- دانشمندان آذربایجان، تألیف محمدعلی تربیت ،

- سخنوران آذربایجان، تألیف عزیز دولت آبادی ،

- علماء معاصرین، تألیف مرحوم آیت الله ملا علی واعظ خیابانی،

- ریحانه الادب، تألیف علامه میرزا محمدعلی مدرّس تبریزی،

- تاریخ تبریز مینوریسکی، ترجمه کارنگ،

- رجال و علمای آذربایجان، تألیف دکتر مجتهدی،

و ده ها و صدها اثر کوچک و بزرگ دیگر که اخبار دانشمندان این منطقه را تا جایی که مقدورشان بوده است، جمع و ضبط کرده اند.

و بدین گونه می نگریم که: ویژگی عمده و انکارناپذیر بهشت آذربایجان و تبریز، در طول تاریخ هایی که پشت سر نهاده است، مردان بزرگ، مفاخر علمی ، قهرمانان میدان های نبرد، رجال فرهنگی و محافل ادبی و هنری آن بوده است :

اهالی تبریز از شهر خود قهرمانانه دفاع کردند. هنگامی که مبارزه طولانی شان با

ص: 18

1- به نوشته هاینریش بروگش در ایران قدیم ، «میرزا» لقب کارمندان بوده است. (سفری به دربار، ص 184)

قشون مهاجم تُرک رو به ضعف گرایید و آن‌ها مجبور به عقب نشینی شدند، در خیابان‌های شهر جنگ تن به تن خونین در گرفت. و سرانجام چنان که حزین می‌گوید: ترک‌ها که مغلوب دلاوری‌های مردم شهر شده بودند، اعلام کردند که مبارزه را قطع می‌کنند... و تبریزیان اجازه دادند تا آن‌ها با زن و فرزند و آن مقدار از اموال که خود بتوانند حمل کنند، شهر را ترک کنند.

آن‌گاه پنج هزار نفر با شمشیر از تبریز خارج شدند. به گواه شاهد: از هنگامی که جهان به وجود آمده، تاکنون چنین دلاوری بی‌مانندی در میان ساکنین شهرها ندرتاً اتفاق افتاده. (1)

با نظر به همین شجاعت‌ها، مردانگی‌ها و پایداری‌های شور آفرین بوده است که در تمامی پایداری‌ها و نهضت‌های انسانی و حتی انقلابات سیاسی سازنده معاصر ایران، آذر زمین و آذربایجانی را پیش‌قراولی می‌بینیم که تا آخرین قطره خون از جان و مال خود گذشته و هیچ‌گاه نیز خود را از انقلاب به ثمر نشسته، طلبکار ندانسته است، بلکه با سعه صدر و بلند نظری مثال‌زدنی‌اش، باز خود را مدیون و بدهکار انقلاب حس کرده و آرزومندانه خواهان خدمت و ایثارگری مجدد و بیش از پیش به جریان تکاملی و رو به رشد حیات بوده است.

دکتر زرین کوب ضمن معرفی اثری از مرحوم اسماعیل امیرخیزی، مطالب بسیار جالب و شایان دقتی درباره قیام آذربایجان می‌نویسد و از ایوانف نقل می‌کند: «انقلاب آذربایجان، مترقی‌ترین انقلاب آسیایی در اوایل قرن بیستم به شمار است». (2)

مهد مفاخر جهان اسلام

ادّعای اینکه خاک تبریز فرهنگ پرور است و قابلیت کامل پرورش مردان بزرگ تاریخ و تاریخ ساز را دارد، نه تنها گزاف نیست بلکه حقیقتی است که از اثبات گذشته و به مقام

ص: 19

1- دولت نادر شاه افشار، ترجمه حمید مؤمنی، ص 66.

2- عبدالحسین زرین کوب، نقش بر آب، ص 659.

ثبوت رسیده است، تا به آن حد که نیازی به ذکر مصداق و بر شمردن نمونه و مثال وجود ندارد. (1)

خاصیت ذاتی و گوهر پرور این خاک علمی و قهرمان خیز، همواره به مردانش آموخته است که بیش از هر چیزی، پیام آور آزادی و وارستگی در گوش فرزندان خویش باشند و معنای بلند جاودانگی را پاس دارند. بی جهت نیست که این دیار در طول تاریخ، بالاترین عناوین و القاب را به خود اختصاص داده و همچون پیکر یک ماه تمام، درخشش و فروزش داشته است:

تبریز، شهر معروف آذربایجان که نه فقط در ایران بلکه در تمام دنیا تحت عنوان قُبه الاسلام شناخته شده، از نظر سیاسی و اقتصادی و علمی و صنعتی توجّه و دقت همگان را جلب کرده... (2)

غلامرضا انصاف می نویسد:

اسناد و منابع تاریخی کهن... همگی بر سر این نکته اتفاق نظر دارند که مردم ماد (آذربایجان) در تبار و هویت ملی و فرهنگی و تاریخی و زبان و دین و عادات و رسوم با دیگر اقوام ایرانی یگانه اند. در بندهش (اوستا) آمده است: ایرانویچ ناحیت آذربایجانی است. ایرانویچ بهترین سرزمین آفریده شد. اگر من نمی آفریدم مینوی بوم و سرزمین را همه مردم به ایرانویچ می شدند... .

آذربایجان همیشه سر ایران و ایران تن آذربایجان بوده است. از آنجا که نه سر بدون تن و نه تن بدون سر تواند زیست، ایران همیشه آذربایجان و آذربایجان همیشه ایران بوده است. (3)

نویسنده دیگری معتقد است:

آذربایجان در یکی از پر رفت و آمدترین و حادثه بارترین گذرگاه های اقوام و کشور گشایان و بازرگانان و حاملان فرهنگ ها و تمدن های گوناگون قرار گرفته و

ص: 20

1- نادر میرزا، تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، ص 27-30.

2- اکرم بهرامی، تبریز از نگاه سیاحان خارجی، ص 5.

3- غلامرضا انصاف، تاریخ، تبار و زبان مردم آذربایجان، ص 19 و 151.

در عین حال که تاریخ ویژه خود را دارد، از جریان عمومی تاریخ ایران و خاور نزدیک و میانه نیز اثرها پذیرفته است... سرزمین آذربایجان به عنوان یک واحد سیاسی - جغرافیایی در طی قرن ها شکل گرفته و حدودش در طول تاریخ نوساناتی داشته و در نتیجه، کشمکش هایی را در میان تاریخ پژوهان پدید آورده است. (1)

پروفسور مینوریسکی گوید :

تبریز مرکز حاکم نشین آذربایجان است که به جهت موقع جغرافیایی ممتازش، مرکز استان حاصلخیز و وسیع آذربایجان به شمار می رود. این شهر یکی از شهرهای پر جمعیتی است که میان استانبول و هند واقع شده و جز تفلیس و تهران و اصفهان و بغداد، هیچ شهری به پای آن نمی رسد. (2)

بانو منصوره رفیعی می گوید:

تبریز وضعی کاملاً استثنایی داشته است و غیر قابل قیاس با هیچ یک از شهرهای دیگر ایران . پس از پایتخت، بزرگ ترین شهر ایران و محل اقامت ولیعهد بود و لذا با همه دوری، از همه طرق مختلف با پایتخت ارتباط داشت. (3)

به هر دوره ای از تاریخ یک قرن اخیر ایران که بنگریم، تبریز را در پیشاپیش صفوف افتخار و آزادی خواهی و پیشرفت و مبارزه مشاهده خواهیم کرد که درفش آزادی و سر بلندی ایران، در آن برافراشته بوده است، با مردمی سربلند و آزاده، با کارنامه درخشانی از قهرمانی، با مجاهدین تفنگ به دست، با ستارخان، همان مردی که لنین

ص: 21

1- رحیم رئیس نیا، آذربایجان در سیر تاریخ ایران، ص 11 و 63.

2- مینوریسکی، تاریخ تبریز، ترجمه عبدالعلی کارنگ، ص 2 و 3.

3- منصوره رفیعی، انجمن ؛ ارگان انجمن ایالتی آذربایجان، ص 30. طبق رسوم سلسله قاجاریه ، ولیعهد به عنوان فرمانداری آذربایجان در تبریز اقامت داشت و یکی از اشخاص عالی مقام و مورد اعتماد شاهوقت برای اداره امور به عنوان پیشکار ولایت عهد گماشته می شد. (انقلاب مشروطیت ایران ؛ نظراتیک دیپلمات روس، ص 38).

ستاد انقلاب او را رهبر نیروهای انقلابی ایران نامید، با شهیدانی چون: آیت الله ثقه الاسلام، شیخ محمد خیابانی و... (1) (2)

بخش عمده ای از تحقیقات ارباب تراجم و تاریخ و تذکره ها، به بازگویی برخاستگان از این سرزمین اختصاص یافته است و از اینجا روشن می شود که شاکله و تاریخ تمدن اسلام - لاقلاً در بخشی از کیان خود - مدیون بزرگ مردان والاتبار و عالم آذربایجان است .

این دیار که از قدیم الایام، شهر خاندان های بزرگ علمی شناخته شده و خاندان های افتخار آمیز و ریشه داری چون خاندان: قاضی ها، مولاناها، انگجی ها، مرعشی ها، طباطبایی ها، دینوری ها، خسروشاهی ها، اهری ها، علیاری ها، سلطان القرایی ها، مجتهدی ها، غروی ها و... از دامن آن پا به معراج تکامل و هدایت گذاشته اند، در سده حاضر نیز مملو از عطر وجود فضلاء، نوابغ و علمایی سترگ بوده است به طوری که برای تبیین ابعاد شخصیتی شان، گروه هایی برای تحقیق و پژوهش لازم است . ناگفته پیداست که در صورت عدم تبیین رسا و کامل آنچه گفتیم، سرمایه ای کلان و گنجی بسیار پر قیمت بلا استفاده خواهد ماند و علاوه بر ضررهای انسانی و اخلاقی در هر دو قلمرو فردی و اجتماعی، برای نخستین و یا چندمین بار به تاریخ مشحون از دُر و جواهر آذربایجان عزیز، نقص و ضعف راه خواهد یافت و حیات علمی و عملی رو به رشد و زاینده آن در دوران آینده را به مخاطره خواهد افکند. مرحوم میرزا محمدعلی مدرس خیابانی در کتاب خود تحلیلی زیبا دارد که آوردن جملاتی از آن در مقدمه این کتاب برای توضیح مطلب خالی از لطف نیست :

بدیهی است که علم تاریخ و دانستن اطوار و ادوار زندگی پیشینیان، به ویژه طبقات علما و اهل فضل و دانش از ایشان، از مهمات عقلیه و نقلیه بوده و یک قسمت عمده از آیات شریفه قرآنی به همین موضوع تخصیص داده شده و قلم و

ص: 22

1- محمد عباسی، تاریخ انقلاب ایران، ص 733.

2- درباره این دو شهید بزرگوار، به دو کتاب تاریخی «سردار نامدار عاشورا» و «نهضت آزادیستان»، تألیفاینجانب مراجعه شود.

رقم از احصای مزایای آن قاصر و همین بس که احیای آثار پیشینیان و سلف، تأمین حیات آیندگان خلف و به مثابه احیای خودشان و بهترین وسیله عبرت و تجربه ایشان است و توان گفت که در حقیقت، عمر ایشان را با عمر خود توأم کردن و چندین عمر بر عمر خود افزودن است:

بالفکر فی الأمم الماضین تحسبه *** کائما عاش فیهم تکلم المددا

والذکر فی الأمم الباقین صیره *** کائما هو موجود و ما فقدا

یعنی: با فکر کردن در امت های گذشته و ادوار و اطوار زندگانی ایشان، تصوّر می کنی که آن فکر کننده مدت های دور و دراز در میان ایشان بوده است و همچنین یادگار گذاشتن ذکر خیر و نام نیک در میان آیندگان، مثل آن است که نمرده و خودش در میان ایشان زندگی می کند... (1)

البته درباره تاریخ و رجال آذربایجان، کتاب های زیادی نوشته شده و اخلاق و انصاف ایجاب می کند که از آن ها تجلیل، و از مؤلفان آن ها قدردانی به عمل آید.

از این اشارت که بگذریم، موضوع اصلی خود را نمایان خواهد ساخت: حق ادا نشده آذربایجان!

آری! با تمام این سعی ها و کوشش های متنوع و دامنه دار، متأسفانه حق آذربایجان و علمای آن ادا نشده است و اگر نگوئیم که هنوز ناگفته ها بسیار فراوان تر از گفته هاست، حق دارالاسلام آذربایجان، علماء، فقها، مؤلفان، محققان و فرهنگ دوستان تکاپوگر آن را ادا نکرده ایم و طبیعتاً با تواضع و تلقینی بی اساس، خود را فریفته و رسالتمان را نادیده انگاشته ایم.

با کمال احترام به کارهای ماندگار و باارزش انجام شده درباره علما و مفاخر آذربایجان، باید گفت: ضروری ترین و نخستین موضوعی که درباره آذربایجان سزاوار بحث و اندیشه راه گشا و عملی - ونه لفظی و نظری - است، حق ادا نشده و به تعبیر بهتر، ناگفته های واقعاً زیاد آن است.

ص: 23

منظور از حقّ ادا نشده و ناگفته ها، ناگفته های علمی، فقهی، معرفتی، فلسفی و عرفانی آذربایجان و در یک کلام، سهم حقیقی این قلعه استوار در کاخ تمدّن انسانی است، نه چیز دیگر.

هیچ مشکل پسندی، هرگز نمی تواند به تمام آنچه تاکنون نوشته شده، بسنده کند و لنگر اطمینان خویش را به آن ها بند کند و بایستد. او گاهی مقداری از نوشته های تکرارگونه و متطوّرانه را بادی دیگر می بیند که بر بادهای بی رحم و هجوم گر می پیوندند و می کوشند از سفره پروانه ها چیزی برای خود بر دارند، آن هم بی آنکه گرهی باز کرده و پروانه ای را زنده و تقویت نموده باشند. به راستی جمع آوری و ترتیب و انضمام آنچه گفته شده، هنری بس گران بها در احیای یاد و خاطره بزرگان و علمای خطه آذربایجان خواهد بود.

اسامی برخی از عالمان بزرگ آذربایجان

آنچه در زیر می آید، اسامی گروهی از عالمان بزرگ آذربایجان در دو قرن اخیر است که ضمن درود به روان های پاک و متعالی آن ها، اسامی شان را زینت بخش این اوراق می کنیم:

1. علامه میرزا محمّد حسن زنوزی خویی (صاحب ریاض الجنه).

2. آیت الله سیّد محمّد تقی قاضی طباطبایی .

3. آیت الله میرزا احمد قراجه داغی .

4. آیت الله حاج میرزا یوسف طباطبایی .

5. آیت الله سیّد محمّد خسروشاهی .

6. آیت الله سیّد جمال الدین طباطبایی .

7. آیت الله حاج میرزا محمود نظام العلما .

8. آیت الله شیخ محمّد باقر اسکویی .

9. آیت الله حاج میرزا باقر مجتهدی .

10. آیت الله سیّد محمّد حسین قاضی طباطبائی (نیای خاندان قاضی طباطبائی).
11. آیت الله سیّد حسین تُرک کوه کمری .
12. آیت الله سیّد ابوالحسن خسروشاهی .
13. آیت الله ملاً محمّد فاضل ایروانی .
14. آیت الله حاج میرزا محسن قاضی تبریزی .
15. آیت الله حاج میرزا لطفعلی تبریزی .
16. آیت الله شیخ محمّد علی آونساری قراجه داغی .
17. آیت الله حاج میرزا محمود شیخ الإسلام .
18. آیت الله سیّد علی حسینی خسروشاهی .
19. آیت الله حاج میرزا جواد آقا مجتهد .
20. آیت الله حاج میرزا محمود اصولی خویی .
21. آیت الله سیّد علی سیدالاطباء مرعشی .
22. آیت الله سیّد علی ایروانی . 23. آیت الله ملاً محمّد فاضل شربانی .
24. آیت الله شیخ محمّد طه نجف تبریزی .
25. آیت الله سیّد احمد خسروشاهی . 26. آیت الله ملاً علی علیاری .
27. آیت الله شهید میرزا علی آقا ثقه الإسلام تبریزی .
28. آیت الله شهید میرزا ابراهیم دُنبلی خویی .
29. آیت الله حاج میرزا حبیب الله هاشمی خویی .
30. آیت الله شهید حاج میرزا عبدالکریم امام جمعه .
31. آیت الله حاج میرزا حسن مجتهدی تبریزی .
32. آیت الله حاج میرزا مصطفی مجتهدی .
33. آیت الله حاج میرزا یوسف مجتهدی .
34. آیت الله حاج میرزا فضلعلی مجتهد تبریزی .

35. آیت الله حاج میرزا علی آقا مجتهد تبریزی .
36. آیت الله حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی .
37. آیت الله حاج شیخ عبدالله مامقانی .
38. آیت الله حاج میرزا صادق آقا مجتهد تبریزی .
39. آیت الله حاج میرزا ابوالحسن مجتهد انگجی .
40. آیت الله حاج میرزا ابوالقاسم طباطبایی تبریزی (ملقب به «علامه»).
41. آیت الله حاج سید محمد مولانا.
42. آیت الله حاج میرزا کاظم مجتهد شبستری .
43. آیت الله حاج سید محمد باقر قاضی طباطبایی .
44. آیت الله حاج میرزا علی آقا قاضی طباطبایی .
45. آیت الله حاج ملا علی واعظ خیابانی .
46. آیت الله حاج سید مرتضی خسروشاهی .
47. آیت الله حاج میرزا فتاح شهیدی .
48. آیت الله سید محمد حجّت کوه کمری .
49. آیت الله شیخ محمد حسین سبحانی تبریزی .
50. آیت الله حاج میرزا محمد علی مدرس خیابانی .
51. آیت الله میرزا ولی الله اشراقی سرابی .
52. آیت الله شیخ مرتضی چهرگانی .
53. آیت الله سید ابراهیم دروازه ای .
54. آیت الله آقا میرزا رضی زنوزی .
55. آیت الله حاج میرزا عباسقلی واعظ چرندابی .
56. آیت الله سید کاظم طباطبایی (معروف به «مفید آقا»).
57. آیت الله علامه شیخ عبدالحسین امینی .

58. آیت الله سیّد محمّد هادی میلانی .

59. علامه سیّد محمّد حسن الهی طباطبائی .

60. آیت الله حاج میرزا عبدالله مجتهدی تبریزی .

ص: 26

61. آیت الله حاج سید احمد خسروشاهی .
62. آیت الله شهید سیّد محمّد علی قاضی طباطبائی .
63. آیت الله سیّد حسین قاضی طباطبائی .
64. آیت الله شهید سیّد اسدالله مدنی .
65. علامه سیّد جلال الدین محدث ارموی .
66. آیت الله سیّد ابوالفضل خسروشاهی .
67. آیت الله شیخ عبدالحسین غروی .
68. آیت الله میرزا کاظم دینوری .
69. آیت الله شیخ کاظم تبریزی .
70. آیت الله میرزا جواد آقا سلطان القرایی .
71. علامه حاج شیخ محمّد تقی جعفری تبریزی .
72. آیت الله حاج شیخ جعفر اشراقی تبریزی .
73. آیت الله حاج سیّد علی مولانا .
74. آیت الله حاج سیّد مصطفی مولانا .
75. آیت الله سیّد ابوالحسن مولانا .
76. آیت الله سیّد کاظم شریعتمداری .
77. آیت الله میرزا نصرالله شبستری .
78. آیت الله میرزا محمد غروی توتونچی .
79. آیت الله سیّد حسن خلخالی .
80. آیت الله حاج سیّد هادی حاتمی خسروشاهی .
81. آیت الله حاج سید علی اصغر خویی .
82. آیت الله حاج میرزا احمد اهری .
83. آیت الله حاج میرزا محمّد علی اردوبادی .

84. آیت الله حاج میرزا آقا باغمیشه ای .

85. آیت الله آقا میرزا عبدالله مجتهدی سراپی .

86. آیت الله آقا میر حجّت ابروانی .

87. آیت الله علامه سیّد محمد حسین طباطبایی .

ص: 27

88. آیت الله سید یوسف هاشمی حکم آبادی .

89. آیت الله میرزا ابوالقاسم گرگری .

90. آیت الله سید محمد بادکوبه ای .

91. آیت الله سید نصرالله مستنبط .

92. آیت الله حاج شیخ رضا توحیدی .

93. آیت الله میرزا علی اکبر مرندی .

94. آیت الله میرزا محمود دوزدوزانی .

95. آیت الله میرزا علی اکبر محدثی .

96. آیت الله حاج سید ابوالقاسم کوکبی تبریزی .

97. آیت الله حاج میرزا جواد آقا تبریزی .

98. آیت الله حاج سید مرتضی مستنبط غروی .

99. آیت الله حاج سید ابراهیم علوی خویی (مقبره ای).

100. آیت الله میرزا محمد مجاهدی تبریزی.

البته این فهرست فقط شامل اسامی عده قلیلی از علمای بزرگ آذربایجان و تبریز در دو قرن اخیر است و علاوه بر این ها، می توان ده ها - بلکه صدها - شخص دیگر را نام برد که متأسفانه شرح حال و زندگی و آثار علمی و فعالیت و مبارزه و تأثیر و نقش آن ها در حوادث سیاسی - اجتماعی آذربایجان، مکتوب و در اختیار عموم قرار نگرفته است ... به امید آنکه دیگر دوستان و بازماندگان خاندان های محترم آن ها، هر کدام به نوبه خود، به نشر آثار و اسناد ایشان به عنوان یک خدمت واجب علمی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی بپردازند.

فصل اول : خسرو شاه

اشاره

الف) تاريخ و فرهنگ خسرو شاه

ب) مزارات و مشاهير خسرو شاه

ص: 29

وجه تسمیه

در دوران پادشاهی خسرو پرویز که بهرام چوبین به مخالفت با وی برخاست، پادشاه ساسانی ضمن حمله به بهرام چوبین، وارد سرزمین سرسبز و حاصلخیزی شد که برایش جالب و بی نظیر بود. این سرزمین، به خاطر سرسبزی و خرمی خود، مورد پسند خسرو پرویز واقع گردید و او در همان محل، چشمه ای یافت که آن را قوم کیازان ایجاد کرده بود و برای درمان امراض گوناگون مفید بود. شاه در این چشمه استحمام نمود و بهبودی یافت و پس از برگشتن از بیزانس که بر بهرام چوبین غالب شده بود، به یمن بهبودی مرضش، آنجا را به نام خود، خسرو شاه نامید!

غار ت و وحشت

در سال 787 ق توقتمش خان، از خوانین دشت قیچاق و از نوادگان باتو (پسر چنگیز خان)، به تبریز حمله ور شد و به غارت و کشتارهای وحشت انگیزی دست یازید که از آن حملات، خسرو شاه مصون نماند و به شدت آسیب دید و تقریباً ویران گردید.

سلسله سالاریان

به نوشته احمد کسروی، در زمان سلاطین سالاریان در آذربایجان، خسرو شاه مرکزیتی داشت و هم اکنون در آنجا، بقایای قبور منسوب به برخی بزرگان سلسله سالاری موجود است .

ابوعلی حمزه بن عبدالعزیز سالار(1) که قبرش در آرامستان عمومی خسروشاه

واقع شده است، از بازماندگان سلاطین سالاریان است و به قولی در سال 448 ق وفات کرده است .

دوران نهضت مشروطیت

... خسروشاه در دوران نهضت مشروطیت و استبداد صغیر، زیر سم سواران صمدخان شجاع الدوله قرار گرفت و صمدخان چندی در خسروشاه ماند و آذوقه سربازان و اسبان خود را از مردم خسروشاه و حوالی آن تأمین نمود و در خسروشاه بود که حاج احتشام لیقوانی با سواران و سربازانی که عین الدوله فرستاده بود، به او پیوست (پنجشنبه 14 ذی الحجه 1326) و از خسروشاه حرکت کرد و از راه سردرود به مجاهدین حمله کرد.

آبادانی

... بعد از انقراض سلسله قاجاریه، خسروشاه در دوران بعدی، رو به آبادانی گذاشت و روز به روز بر وسعت و زیبایی آن افزوده شد و به یکی از زیباترین بیلاق های آذربایجان تبدیل گردید.

موقعیت

خسروشاه در حدود 38 درجه و 57 دقیقه عرض شمالی و 46 درجه و 3 دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ واقع شده و ارتفاع آن از سطح دریا 1500 متر است . حدّ شمالی آن، رشته ای از کوه های سهند است که به صورت قوسی از شرق به غرب امتداد یافته و آواراق نامیده می شود و انتهای غربی آن مُشرف به جاده اصلی است که قیز قالاسی (قلعه دختر) نامیده می شود و سپس جلگه رسوبی آجی چای (رود تلخ) و

ص: 32

زمین های قدیمی دریاچه و مزارع بزاملو با خط آهن تبریز - تهران، واقع شده است .

خسروشاه 22 کیلومتر از تبریز فاصله دارد، حدّ جنوبی آن اراضی دیمه قرای دیزج و خصیل و حد فاصل کوه های صرافلار و شام شرف و دو گاو است و در حدّ شرقی خسروشاه، باغات میوه پُردرخت قرای کلجاه و بایرام از شمال به جنوب طوری پیچیده شده اند که چشم انداز زیبایی را در اطراف جاده به وجود آورده اند.

راه های ارتباطی

راه اصلی تبریز به طرف غرب ایران، از خسروشاه می گذرد و از همین طریق، خسروشاه با تبریز و دیگر شهرهای کشور ارتباط دارد. وجود این راه اصلی آسفالت، باعث رشد اقتصادی در این ناحیه گردیده است ؛ به طوری که اکثر کارگران از شهرها و روستاهای دور و نزدیک به خسروشاه می آیند و در مزارع و باغات آن مشغول کار می شوند.

راه فرعی خسروشاه - اسکو نیز که از همین راه اصلی منشعب می شود، ارتباط خسروشاه را به اسکو و سایر بخش ها و روستاهای واقع در مسیر این جاده برقرار می سازد. این جاده فرعی نیز آسفالت است .

اقتصاد کشاورزی

در حدود سی سال پیش، کشاورزی خسروشاه از کمبود آب به طور جدّی در خطر افتاده بود و هر روز بر میزان کوچ مردم به سایر شهرستان ها اضافه می گردید. عمده آبی که از قنات ها استفاده می شد، اغلب در دست متنفذان محلی بود و افراد کم بضاعت نمی توانستند از آن بهره بگیرند و در نتیجه میزان رشد تولیدات کشاورزی همچنان سیر نزولی می پیمود و چه بسا اتفاق می افتاد که افرادی به خاطر آب و آبیاری مزارع، حتی جان خود را از دست می دادند!

اما دیری نگذشت که با حفر اولین چاه عمیق، تحول عظیمی در آبیاری مزارع و

باغات خسروشاه صورت گرفت. بعدها دومین و سومین چاه نیز حفر شد و اکنون بیش از 25 چاه عمیق در خسروشاه به طور شبانه روزی مشغول آبیاری مزارع و تاکستان ها و باغات است و این امر باعث شده که بر جمعیت خسروشاه اضافه گردد و نیز کوچ کنندگان دوباره به دیار خود برگردند.

محصولات عمده خسروشاه در مرتبه اول پیاز و صیفی جات و در مرتبه بعد سر درختی مانند بادام، زردآلو، انگور، سیب و هلو است که به بازار تبریز و سایر شهرستان های دور و نزدیک صادر می شود. در سال نزدیک به صدها تن خشکبار در خسروشاه تولید می گردد.

هفته بازار

هفته بازار خسروشاه که روزهای سه شنبه دایر می شود، پر رونق تر از بازارهای دیگر است؛ به طوری که در اطراف مشهور شده است: «هر فروختنی که داری، به بازار خسروشاه ببر!» زیرا از تمام روستاییان اطراف، از هر خانه، یک نفر حتماً در بازار خسروشاه برای خرید و فروش حضور می یابد.

بازار هفته خسروشاه که در اکثر هفته بازارها نیز معمول است، دو بخش جدا از هم دارد: قسمتی مخصوص اجناس، خوراک، پوشاک و لوازم خانگی، و بخش دیگر مخصوص فروش چهارپایان است. در بخش اول که یک میدان وسیع است، فروشندگان برای خود سال های متمادی مکان ثابت و دائمی ایجاد کرده اند که سایر فروشندگان نیز آن را به رسمیت شناخته اند و اغلب آنان بساط خود را پهن کرده، گاهی نیز چادر برپا می کنند.

بخش دوم بازار هفته به انواع دام ها و احشام مانند گوسفند، گاو، بز، بره، بزغاله و غیره اختصاص دارد و در این بخش سود بیشتری عاید واسطه ها و دلال ها می شود که سال ها استاد کار و طرف اطمینان بوده اند و با قاطعیت معاملات را

روبه راه می کنند.

بازار قدیمی خسروشاه که اکنون به گاراژ تبدیل شده، خیلی مناسب ساخته شده بود و کسبه محل معینی داشتند و در آن محل بساطشان را پهن می کردند؛ مثلاً کفاش ها، قصاب ها، بقال ها و بزازها و سایر کسبه هر کدام جدا از دیگران و در جای مشخص و معلوم به خرید و فروش مشغول بودند و حتی خانه ها، به صورت مغازه در اطراف میدان بازار بنا شده بود.

اما اکنون در میدان پشت شهرداری، در یک طرف بازار عمومی و در طرف دیگر بازار احشام و دام هاست و روزهای سه شنبه را هیچ کس فراموش نمی کند و معمولاً در اطراف خسروشاه، سه شنبه را «خسروشاه گونی» یعنی روز خسروشاهی گویند.

خسروشاه اکنون از تمام خدمات شهری بهره گرفته و دارای آب لوله کشی و برق شبانه روزی از شبکه برق سراسری است .

آثار باستانی

در خسروشاه، تعداد 32 باب مسجد در داخل و 9 باب مسجد مخروبه در خارج از شهر وجود دارد که هر یک دارای سابقه طولانی است . مسجد جامع خسروشاه که بزرگ ترین مسجد شهر به شمار می رود، دارای ستون های بسیار بزرگ است . تاریخ بنای این مسجد به درستی معلوم نیست، ولی قدمت آن بیش از سه قرن است .

از آثار تاریخی خسروشاه می توان عیده مسجد را که گویا در سیل سال 988 ق ویران شده است، نام برد. از دیگر آثار تاریخی خسروشاه، یازیلی مسجد است که در زمان سلطنت مظفرالدین شاه بنا شده است . میدان مصلا، آرامگاه شیخ سلار و آرامگاه امیر مضر بن عجیل و آرامگاه برخی بزرگان دیگر نیز از آثار تاریخی خسروشاه به شمار می رود. از یادگارهای سلسله سالاریان می توان باغ سالار و چشمه سالار را نام برد.

در مرداد 1339، یک هیأت چهار نفری انگلیسی به ریاست چارلز برنی، استاد دانشگاه منچستر که چند سال قبل، از وضع قره تپه خسروشاه بازدید کرده بود، در قسمت قره تپه خسروشاه به خاک برداری و کاوش علمی اقدام کرد. در نتیجه آن، بنیان دیوارهای خشتی چند خانه ظاهر شد و آثاری از ظروف سفالی قدیمی به دست آمد که

در موزه آذربایجان در معرض دید قرار گرفته است. بنا به اظهار چارلز برنی، این آثار مربوط به 2500 سال قبل از میلاد (یعنی زمان دولت مادماننا) است و با ادامه کاوش های علمی و اساسی در سال های آینده، ممکن است نتایج مطلوب به دست آید و گام های مفیدی در کشف آثار تاریخی و قدیمی برداشته شود.

خسروشاه در آثار مورخین و پژوهشگران

در کتاب هایی مانند مسالک و ممالک اصطخری، البلدان و مختصر البلدان ابن فقیه و بسیاری از کتاب های دیگر، خسروشاه از شهرهای آذربایجان شمرده شده است. حمدالله مستوفی در کتاب نزه القلوب، آذربایجان را هفت ناحیه نامیده که ناحیه سوم ویدهر است. وی از شهرهای بزرگ این ناحیه، خسروشاه را نام برده است. یاقوت حموی نیز در معجم البلدان از دو خسروشاه نام می برد: یکی در نزدیکی مرو که دهکده ای بیش نیست، و دیگری شهر خسروشاه که در هفت فرسنگی تبریز قرار دارد و دارای ساختمان ها و بازارهای باشکوهی است.

یکی از پژوهشگران معروف تبریز، دوست بسیار ارجمند اینجانب مرحوم عبدالعلی کارنگ، درباره خسروشاه می نویسد: خسروشاه شهرکی است آباد، حاصلخیز و بهره مند از فرهنگ و بهداشت و برق و آب لوله کشی شده و دیگر مزایای شهری. مرکز دهستان محسوب می شود، (1) با اسکو شش کیلومتر فاصله دارد، جاده تبریز - آذرشهر از وسط آن عبور می کند. گورستان کهنی دارد که در جنوب آبادی، در دو سوی جاده مزبور واقع شده است.

در این گورستان عده زیادی از اهل علم و عرفان به خاک سپرده شده اند. صاحب روضات الجنان می نویسد: «بابا محمد گازر، شیخ

ص: 36

1- خسروشاه 28 روستا دارد که جمعیت آن ها در مجموع، پانزده هزار و 874 نفر در 2919 خانوار است. جمعیت خود خسروشاه نیز طبق سرشماری سال 1345 ش، پنج هزار و 137 نفر بوده است که در هزار و 130 خانوار زندگی می کنند. البته اکنون جمعیت شهر، بسیار بیشتر از رقم مزبور است و حدود چهل هزار نفر تخمین زده می شود.

يعقوب رومی (متوفی در 912ق) و درویش جلال الدین اخی، در این گورستان دفن گردیده اند.»

نگارنده (عبدالعلی کارنگ) دو بار از این گورستان دیدن کرده: یک بار همراه آقای محمود اصفهانی زاده و یک بار همراه آقای دکتر حسین علیزاده خسروشاهی. اکنون هیچ یک از آن چهار قبر مشخص نیست، اما تعداد زیادی از قبور کهن به جا مانده که پاره ای کتیبه و ماده تاریخ دارد و عده ای، یا نوشته و تاریخ ندارد و یا نوشته آن ها به کلی از بین رفته است.

در بین قبور کهن، قبر ابوعلی حمزه بن عبدالعزیز از همه مشخص تر است. این قبر نزدیک دیوار غربی گورستان واقع شده، دو سنگ نبشته دارد: یکی کهن و دیگری تازه. سنگ نبشته کهن بر بالاسر قبر نصب گردیده و خط آن، نستعلیق ناپخته ای است، بدین مضمون: «هو الله الباقي، کلّ من علیها فان، هذا قبر العالم العابد الزاهد... (1) ابوعلی بن... (2) عبدالعزیز شیخ سلار...». و سنگ نبشته تازه

بر روی قبر نهاده شده و خط نستعلیق برجسته ای دارد...

اخیراً آورده و محفظه ای نیز از آهن برای این قبر تعبیه شده است.

از سنگ نبشته های سالم و ناشکسته دیگر، دو لوح مرمرین را نیز می توان نام برد که یکی متعلق به قبر نظام الدین عبدالحمید و دیگری متعلق به قبر شخصی موسوم به محمد شفیع است.

میرزا جعفر سلطان القرایی در سال 1343ق از این گورستان تاریخی دیدن کرده و مندرجات دو لوح مزبور را یادداشت نموده و نوشته آن ها را در حواشی روضات الجنان چنین آورده است:

«لوح مرمرینی که به قبر نظام الدین عبدالحمید تعلق دارد، در جنوب غربی آن عرصه خرابه به شکل عمودی بر سر قبری نصب و نوشته آن چنین است:

اللهم انک عفوّ تحبّ العفو، فاعف عنّی

هذا مرقد المولی العالم الکامل، جامع فنون المعالی و الفضائل، عمده القضاء و

ص: 37

1- و 2. به جای نقطه چین ها، بر روی سنگ قبر، کلمه ای شبیه «استاد» یا «سلار» حک شده است.

الولاه المتشرّعين، أسوه الفقهاء و العلماء المتورّعين، الواصل إلى رحمه ربّه المجيد، القاضى نظام الملّه و الشريعه و التقوى و الدين، عبدالحميد ابن المولى الأعظم الأفخم، المقرب إلى الملك الولى، تاج الدين على (طاب ثراهما) توفى فى ربيع الأوّل سنه تسع و تسع مائه.

و در صفحه آن ديگرى كه در جنوب شرقى آن عرصه افتاده است، نام صاحب قبر را پس از ذكر اسامى ائمه اطهار اين گونه نوشته اند :

توفى من دارالعناء و موضع ابتلاء الاحبّاء بالبلاء، (فانّ الجنه هى المأوى)(1)

الشيخ المتورّع المتشرّع، المتقى الصّالح العابد، المبرور إلى برّ الحرمين و زائر أميرالمؤمنين و أولاده المعصومين، الحاج محمد شفيع المرحوم ابن قدوه السالكين الحاج خواجه محمد المبرور... سنه 1078».

و پس از بحثى مفصّل درباره شيخ سلار بن عبدالعزيز، چنين نوشته اند :

«يكي از محلات اين ده، به اسم لوات موسوم است و مزارى نيز در آنجا به نام قطب الدين راوندی(2) معروف است. ريش سفيدان ده معتقدند كه اين محله به نام

قطب الدين راوندى - كه مدفنش آنجاست - موسوم است. عامه در لفظ راوند تصرف کرده و به تحريف لوات(3) مى خوانند.

اين قبر، در زير قبه اى كه تازه تعمير کرده اند، واقع و روى آن با گچ و آجر پوشيده شده، از نام و نشان صاحب قبر اثرى در آنجا ظاهر نيست. (4)

ص: 38

1- نازعات (79): 41 «همانا جایش بهشت است».

2- «ابوالحسن سعد بن هبه الله بن حسن راوندی، ملقب به قطب الدين، عالم و فقيه و محقق و محدث و شاعر بود. او از بزرگان علمای امامیه محسوب می شود. تألیف 43 اثر را به وی نسبت داده اند. درگذشت او روز چهارشنبه 14 شوال 573 در شهر قم اتفاق افتاد و در صحن بزرگ مزار حضرت معصومه (علیها السلام) به خاک سپرده شد». (محمد علی مدرس تبریزی، ریحانه الادب، ج 4، ص 469). آقای سلطان القرابی نیز با نقل عبارت ریاض العلماء، به این نکته اشاره کرده اند. صاحب ریاض العلماء می نویسد: «این راوندی، یا فضل الله راوندی است و یا یکی از اولاد قطب الدين راوندی. به هر حال خداداناتر است». (حواشی روضات الجنان و جنات الجنان، ج 1، ص 544 - 542).

3- عده ای از اهالی خسروشاه نیز اکنون «راوات» تلفظ می کنند.

4- عبدالعلی کارنگ، آثار باستانی آذربایجان، ج 1، ص 581 - 575.

در دایره المعارف سرزمین و مردم ایران، از خسروشاه به عنوان یکی از نقاط دیدنی خارج از تبریز در فصول سیاحت نام برده شده و آمده است :

منطقه خسروشاه و سردرود و اسکو - که در سر راه تبریز واقع شده - در فصل بهار، مرکز تفریح مردم تبریز است . خسروشاه از تبریز 22 کیلومتر فاصله دارد. در کتاب مسالک و ممالک اصطخری و البلدان و مختصر البلدان ابن فقیه، نام خسروشاه به عنوان شهری از آذربایجان ذکرش آمده است. (1)

ص: 39

1- دایره المعارف سرزمین و مردم ایران، ص 314 - 313.

خسروشاه، هم خاستگاه دانشمندان بزرگ بوده و هم مزار فرزاندگانی را در خود جای داده است. در اینجا برخی از آنان را نام می‌بریم:

1. مزار امیر مضر بن عجیل

یکی از مزارات خسروشاه، مزار امیر مضر بن عجیل (1) است. (2) سید محمد رضا

طباطبایی در مورد وی می‌نویسد:

امیر مضر بن عجیل بن عبدالمطلب، عم زاده حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، با سلطان اسامه در مرتبه اول به آذرآباد از جهت جنگ و کارزار با کفار آمده‌اند و بعد از جنگ‌های بسیار با آن جماعت در غزای باویل (3) به درجه شهادت فایز گردید و با

اینکه از صحابه کبار است، شرافت قرابت را هم دارد با جناب رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، و مزار آن بزرگوار در حوالی قریه خسروشاه در مکان مرتفع و با صفا واقع است. (4)

2. مزار حمزه بن عبدالعزیز دیلمی (.../448/463ق)

ابوعلی حمزه بن عبدالعزیز دیلمی معروف به سالار و سالار از علمای بزرگ امامیه و

ص: 40

1- نام ایشان مضر بن عجیل نیز ثبت شده است.

2- حافظ حسین کربلایی، روضات الجنان، ج 1، ص 24 و 25؛ ملاً محمد امین حشری تبریزی، روضه اطهار، ص 22.

3- دهی است از حوالی اسکو و در مسیر راه شوسه اسکو به تبریز قرار دارد (علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج 3، ص 3739).

4- محمد رضا طباطبایی، تاریخ اولاد اطهار، ص 27.

از فقهای نامدار قرن چهارم هجری است. سلّار تحصیلات خویش را در محضر شیخ مفید و سیّد مرتضی علم الهدی که هر کدام به نوبه خود از مشاهیر علمای اسلام بودند، به اتمام رساند. از سلّار تألیفاتی برجای مانده که فقط «مراسم» چاپ شده و بقیه به دست ما نرسیده است. فهرست آن ها چنین است:

1. المراسم العلویه فی الأحکام النبویه - معروف به مراسم -؛ 2. المقنع فی المذهب؛ 3. التقریب؛ 4. الرّد علی أبی الحسن البصری فی نقض الشافی؛ 5. التذکره فی حقیقه الجوهر و العرض؛ 6. الأبواب و الفصول فی الفقه؛ 7. المسائل السلّاریه.

ایشان در ششم ماه رمضان 463 یا در ماه صفر 448 ه. ق در خسروشاه بدرود حیات گفت و در آنجا به خاک سپرده شد. اینکه این فقیه بزرگ، چرا و چگونه در این مکان رحلت کرده اند؟ معلوم نیست، ولی احتمال دارد سلّار نیز مانند بسیاری از فقیهان و عالمان به دنبال آشوب ها و جنگ های داخلی، بغداد را ترک گفته و به آذربایجان پناه آورده و در این سرزمین وفات کرده باشد.

متن اولین سنگ مزار وی چنین است:

هو الله الباقي، کل من علیها فان، هذا قبر العالم العارف الشيخ سلّار... فی تاریخ ذی الحجه سنه ثلاثه عشر و سبعمائه.

سال 713 تاریخ نصب سنگ قبر است، نه تاریخ وفات او. و در سنگ مزاری که در سال 1388 ق نصب شده، چنین آمده است:

مرقد شیخ بزرگوار، عالم عظیم الشان، حمزه بن عبدالعزیز معروف به سلّار، از اهالی دیلم و طبرستان و از اعظام مجتهدین و دانشمندان شیعه است که علمای رجال نویس شیعه و سنی به شرح زندگانی اش پرداخته و او را ستوده اند. از شاگردان جناب شیخ مفید و سیّد مرتضی علم الهدی بوده و بنا به قول صحیح، در ماه صفر سال 448 هجری درگذشته و در قبرستان خسروشاه مدفون شده است.

و الدیلمی قدوه الأعظم *** سلّار الجلیل ذو المراسم (1)

هدیه حاج علی رفیعی، تبریز، اثر میرعلی اکبر حجّار.

ص: 41

1- محمد تقی ادهم نژاد، «سالار فقاها»، گلشن ابرار، ج 6، ص 17 - 9؛ عبدالعلی کارنگ و سید جمالتربی طباطبایی، آثار باستانی آذربایجان، ج 1، ص 580 - 574.

از دیگر مزاراتی که در خسروشاه مورد توجه مردم خوب آن دیار است، مزار منسوب به عالم جلیل القدر، فخر شیعہ علامہ سید ضیاء الدین فضل الله راوندی کاشانی (حدود 483 - 571ق) است. این مرقد پاک در زاویه جنوبی گورستان محله «پنجه شاه» نزدیک مسجد جمعه واقع است و از زمان دفن تاکنون مورد احترام و زیارتگاه مردم آن دیار بوده است.

در تابستان 1387 در خسروشاه مقبره مجلی در واقع کشف شد که پس از جستجو معلوم گردید که در بین اهالی خسروشاه معروف به مزار قطب الدین راوندی بوده و یکی از خیرین محلی در سال های اخیر بنای آن را احداث کرده است. پس از حضور در مقبره یاد شده، مشاهده شد که بر فراز در ورودی، اسم سید فضل الله راوندی حک شده و بنا به گفته برخی از اهالی، این مزار از قدیم الأيام به مزار قطب الدین راوندی مشهور بوده است.

با رجوع به منابع معلوم گردید که مزار قطب راوندی در قم است و فقط تراجم نگار برجسته میرزا عبدالله افندی به نقل از تذکره الأولیاء فی أحوال العلماء تألیف ملا حشری این مطلب را نقل کرده و سپس خودش آنجا را دیده است. البته در تذکره ملا حشری این مطلب دیده نشد.

صاحب ریاض العلماء در این خصوص می نویسد:

در روستای خسروشاه قبری دیدم که در میان مردم روستا معروف به قبر قطب راوندی است که آن قبر را زیارت می کنند. من نیز در همان روستا آن قبر را زیارت کردم، اما بعید نیست که یکی از آن دو قبر [کذا]، قبر شیخ قطب الدین راوندی و دیگری قبر سید فضل الله راوندی باشد و یا یکی از آن دو، قبر یکی از اولاد آن ها، یا قبر پدر و جد او، و آن دیگری قبر سید فضل الله باشد. (1)

متأسفانه هویت واقعی صاحب قبر بر ما معلوم نگردید و احتمال دارد مزار موجود در آنجا مزار یکی از اولیای الهی و علما یا یکی از نزدیکان راوندی باشد که به نام ایشان شهرت یافته است.

ص: 42

ابومحمد عبدالحمید بن عیسی خسروشاهی (منسوب به خسروشاه تبریز). (1) وی در

حکمت، طب و علوم شرعی استاد بود و پیوسته به مطالعه کتب و تدریس طلاب و محصلین اشتغال داشت. او در سال 580 متولد شد. پس از تحصیل مقدمات و ادبیات عرب، علم کلام و فنون حکمت را نزد فخرالدین رازی آموخت و از موید طوسی سماع حدیث کرد، تا در اصول و عقلیات بر اقران خویش تقدّم یافت و پس از مرگ فخر رازی، سفری به قهستان کرد و مدتی نزد محتشم شهاب، رئیس و حاکم اسماعیلیّه که از دانشمندان و حکمای این طایفه بود، به سر برد و او شمس الدین را گرامی داشت و از محضرش استفاده کرد.

پس از آن، از ایران به شام رفت و چندی در آنجا رحل اقامت افکند و به تدریس علوم مشغول شد و در کرک، به خدمت ملک ناصر صلاح الدین داود بن الملک المعظم پیوست و منزلتی عظیم یافت و احسان بسیار از او دید. (2)

ابن ابی اصیبعه گوید:

در دمشق او را دیدم، مردی باهوش و عالم و خوش بیان و نیکو محضرش یافتم و در خدمت او بودم، که یکی از فقیهان بغداد نامه ای به او داد. وقتی نامه را دید، بوسید و بر سر نهاد. پرسیدم: این نامه از کیست؟ جواب داد: خطّ استادم فخر رازی است. (3)

ابن العبری از نجیب راهب محاسب مصری نقل می کند که:

ملک ناصر، صاحب کرک برای استفاده از محضر شمس الدین خسروشاهی به

ص: 43

1- ابن خلدون، العبر، ج 5، ص 211، و یاقوت حموی، معجم البلدان، ج 2، ص 1443. در الجامعه، عبدالرزاق بن احمد بن فوطی، ص 311، ذیل حوادث سال 653 مسطور است که: «توفی بعده عبدالحمید بن الحسن بن شاهی بدمشق» که مسلماً مقصود خسروشاهی است که با اسقاط نام پدر (عیسی) به اشتباه، خسروشاهی «حسن بن شاهی» خوانده شده است.

2- رک: منهاج سراج، طبقات ناصری، ص 415، چاپ هند.

3- ابن ابی اصیبعه، عیون الانباء، ص 90، 91 و 216.

خدمتش می رفت و کتاب عیون الحکمه ابوعلی سینا را نزد او می خواند و وقتی که به ابتدای محله ای که خسروشاهی در آنجا منزل داشت می رسید، از اسب پیاده می شد و حشم و غلامان خویش در همان مکان به جا می گذاشت و خود تنها، کتاب را زیر بغل گرفته و مندیلی بر سر نهاده، به در خانه حکیم می رفت و در را می کوفت. در که گشوده می شد، به درون خانه می شد، و درس را قرائت کرده، ایراد و اشکالی اگر باقی می ماند، سؤال نموده و بر می خاست و شیخ برای او قیام نمی کرد. (1)

شمس الدین خسروشاهی در اواخر عمر، به دمشق بازگشت و در آنجا توطن اختیار کرد، تا در دوازدهم شوال 652 - و به قول ابن جوزی در مرآه الزمان 653 - بدرود حیات گفت و در جبل قاسیون مدفون گشت. (2)

شمس الدین از فقههای شافعی بوده و سبکی نامش را در طبقات الشافعیه ذکر کرده است. از شاگردان میرزوی، سدیدالدین ابو منصور است که از اطبای فاضل محسوب می شود و در کرک حکمت و طب را از خسروشاهی فرا گرفت. (3)

از آثار او، مختصر مهذب در فقه، تألیف شیخ ابو اسحاق شیرازی شافعی (متوفی 476) و دیگری مختصر منطق شفای ابوعلیسینا است و تألیف دیگری هم به نام تتمه آیات البیئات دارد که آیات بینات استاد خود فخر رازی را تمام کرده است. (4)

به طوری که ابن فوطی می نویسد، شمس الدین و محقق طوسی، هر دو از شاگردان فریدالدین داماد بوده و این دو بزرگ از محضر این استاد استفاده کرده اند. بعدها هم بین این دو رابطه مکاتبه ای بوده و خواجه نصیر، از شمس الدین

ص: 44

1- ابن العبری، تاریخ مختصر الدول، ص 455؛ مرآه الزمان ابن جوزی.

2- ابن خلدون، العبر، 25 شوال، ج 5، ص 212.

3- حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج 1، ص 64 و ج 2، ص 576؛ ابن ابی اصیبعه، عیون الانباء، ص 216. علاوه بر این منابع، درباره شمس الدین خسروشاهی، ر.ک: قاموس الاعلام، ج 4، ص 2871؛ محمد علی مدرس تبریزی، ریحانه الادب، ج 2، ص 135.

4- ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب، ج 5، ص 255.

خسروشاهی ضمن نامه ای مسائلی از حکمت پرسیده است که آن سؤال ها در ضمن آثار خواجه آمده است. (1) شهید مطهری در این زمینه نوشته است :
از جمله قرائن برای اینکه مسائل مربوط به خروج نفس از قوه به فعل، برای پیروان بوعلی حل نشده بوده است، رساله معروفی است که حکیم نصیرالدین طوسی، به حکیم معاصرش شمس الدین خسروشاهی نوشته است و سه مسأله در آنجا طرح کرده است... معلوم نیست که شمس الدین خسروشاهی جوابی داده یا نداده است. اگر هم داده است، ظاهراً در تاریخ ثبت نشده است، ولی صدرالمتألهین رساله ای کوچک در پاسخ این سه سؤال نوشته است.
شمس الدین، عبدالحمید عیسی خسروشاهی، معروف به شمس الدین خسروشاهی، ابن ابی اصیبعه، از او به عنوان امام العلماء، سیدالحکماء، قدوه الإمام، شرف الإسلام یاد می کند. (2) در طب و علوم شرعیّه مبّرز و از شاگردان مبّرز فخرالدین رازی بوده. کتاب شفا را تلخیص کرده، ولی شهرتش در محیط فلسفه، به واسطه برخی سوالات فلسفی است که خواجه نصیرالدین طوسی از او - که در طبقه اساتید خواجه بوده است - کرده و او جواب داده و در کتب فلسفی مطرح است.... (3)
صدرالمتألهین که جواب های خسروشاهی را کافی نمی داند، خود رساله مستقلی در جواب این سوالات نوشته و در حاشیه شرح هدایه و حاشیه مبدأ و معاد چاپ شده است. (4)
صدر الدین شیرازی در اسفار می گوید :

اعلم أنّ المحقق الفاضل، أفضل المتأخرين، نصير الدين محمد الطوسي (رحمه الله) قد بعث رساله إلى بعض معاصريه من العلماء، هو العالم النحرير شمس الدين

ص: 45

-
- 1- محمد تقی مدرس رضوی، احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، ص 193-191.
 - 2- ابن ابی اصیبعه، عیون الانباء، ج 3، ص 383.
 - 3- صدرالمتألهین، اسفار، ج 4، ص 95، چاپ سنگی؛ تعلیقه صدرالمتألهین بر شفا، ص 17.
 - 4- شهید مرتضی مطهری، مجموعه آثار (مباحث فلسفی)، ج 13، ص 128، چاپ اول، 1373.

الخسروشاهی و سأل عنه بعض المسائل المعضيه له ... و كانت مسأله بقاء النفس بعد البدن إحدى تلك المسائل ... و نحن قد أجبنا عن هذا السؤال في سالف الزمان بأنّ البدن الإنساني... (1)

سؤالات خواجه نصیرالدین از شمس الدین

اشاره شد که محقق طوسی ضمن نامه ای، از شمس الدین خسروشاهی سه سؤال پرسیده، ولی معلوم نیست خسروشاهی به آن ها جواب داده است یا خیر؟ البته از متأخران، ملاصدرای شیرازی و احمد بن زین العابدین عاملی، داماد و شاگرد میرداماد، به آن مسائل جواب داده اند.

رساله خواجه الاسئله النصیریة و جواب ملاصدرای شیرازی در حاشیه مبدأ و معاد ملاصدرا به سال 1314 ق و نیز در حاشیه هدایه ملاصدرا به سال 1313 ق چاپ شده است. همچنین نسخه جواب احمد بن زین العابدین عاملی در شمار کتب اهدایی استاد محترم سید محمد مشکات به دانشگاه، (2) و نیز نسخه دیگر این رساله و

طباطبایی، به شماره 1176 موجود است. (3)

آغاز رساله خواجه طوسی از این قرار است:

لما كانت الكتابه وسيله إلى تواسل من دانت أفندتهم، و تفاصلت ألسنتهم، و السؤال ذریعه إلى استفاده الخبر لمن كان حرصه علیه شدیداً ممّن كان باعه إليه مديداً، رأى الخادم الداعی محمد الطوسی التوسل بهما إلى جناب العالم الفاضل المحقق المدقق شمس المله و الدین، برهان الاسلام و المسلمین، سید الملوك و السلاطين، قدوه العلماء المتأخرین، سلطان الحكماء المحققین (أدام الله میامن آیامه و سهّل سبیل مراره ... و وفق فی افتتاح کلّ امره و اختتامه، سیما لإدراک مبتغاه، و وصله الی ما یتمناه، فهذا مبلغ التحیه و الخدمه و الدعاء بدوام العزّ و مزید النعمه).

ص: 46

1- صدر المتألهین، الاسفار، ج 8، ص 390 و 391، ویرایش جدید، چاپ تهران، 1378 ق.

2- فهرست کتابخانه اهدایی مشکات به کتابخانه دانشگاه تهران، ج 3، ص 179 و 189.

3- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج 23، بخش دوم، ص 671.

و در آخر نوشته است :

و المتوقع من كرمه العميم و لطفه الجسيم أن يعذر الخادم الداعي على هذا التجاسر فيستخدمه فيما يستأهله، فإنه ممثّل لما يأمره، و الله تعالى يمدّ في الأيّام العالیه، و یقرنها بنعمه المتوالیه، إنّه على كلّ شیء قدير و یاجابه الدعاء جدیر. (1)

همانطور که اشاره شد، حکیم ملاًصدرا پاسخ های مستدل و متقنی به سه پرسش خواجه طوسی از محقق خسروشاهی، می دهد و در ابتدا با تعبیری چون «الفاضل التّحریر و العالم البصیر»، از شمس الدین خسروشاهی یاد می کند.

سه پرسش خواجه نصیر طوسی عبارت اند از :

1. وجود حرکت، بدون وصف سرعت یا بطوء نیست. بنابراین سرعت و بطوء در تحقّق حرکت های خاص مؤثر است، و از طرفی، تحقّق سرعت و بطوء در گرو زمان است. در نتیجه، زمان در تحقّق حرکت های خاص مؤثر است، در این صورت، چگونه می توان حرکت خاص را علت وجود زمان دانست؟
2. حکما گفته اند: آنچه برای امکان وجود و عدمش، حاملی نیست، محال است که پس از نیستی موجود گردد و یا پس از موجود شدن، معدوم گردد و از طرفی، گفته اند: نفس انسان، حادث است، ولی فنای آن محال است. اکنون سؤال می شود: اگر حامل امکان وجود آن بدن است، چه مانعی دارد که حامل امکان عدم آن هم بدن باشد؟ و اگر به سبب اینکه نفس، مجرّد از ماده است، حامل امکان عدم برای آن متصوّر نیست به همین دلیل، باید امکان وجود هم نداشته باشد و در نتیجه، وجود شیء از اوّل محال خواهد بود.
3. اگر سبب صدور کثیر از علّت واحده (خداوند متعال) کثرتی است که در ذات معلول اوّل است، اکنون سؤال می شود که این کثرت، از کجا حاصل شده است؟ اگر از علّت نخست صادر شده، از دو حالت بیرون نیست :

الف) با هم صادر شده اند که لازمه اش این است که صدور کثیر از مبدأ نخست به

ص: 47

سبب کثرت در معلول نخست نباشد. به عبارت دیگر، کثیر از واحد بی واسطه صادر شده باشد.

ب) به ترتیب صادر شده اند، در این صورت، معلول اول، معلول اول نخواهد بود.

و اگر کثرت مزبور، از علت نخست صادر نشده است، پس جایز است که کثرتی بدون استناد به علت نخست تحقق یابد و همه فروع یاد شده، باطل است.

این پرسش ها، آن روز بی جواب ماند، تا اینکه چهار قرن گذشت و صدرالمتألهین شیرازی - که گویا دست آفرینش او را برای حلّ این گونه معضلات فلسفی پرورش داده بود - از راه رسید و به آن ها پاسخ گفت. متن سؤالات و پاسخ های ملاحظه شده به آن ها، در حاشیه دو کتاب شرح الهدایه الاثیریّه و مبدأ و معاد و سپس در مجله گرانسنگ کلام اسلامی (1) چاپ شده است.

5. ملا حسین بن علی تبریزی خسروشاهی (زنده در 1281 ق)

ملا حسین بن علی تبریزی خسروشاهی از شاگردان سید کاظم رشتی در کربلای معلّی بود. شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره تألیفات و شیخ اجازه وی می نویسد:

رساله فی الأوعیه الثلاثه 1. السرمد؛ 2. الدهر؛ 3. الزمان و حقائقها و الفرق بینها. ألفها للمیرزا حسن بن أمان الله الدهلوی العظیم آبادی ... و یروی عنه المیرزا محمّد تقی المامقانی بإجازه تاریخها 1281 كما ذكره المجاز فی کتابه صحیفه الأبرار فالظاهر أنّ وفاته بعد ذلك. (2)

از آثار دیگر ایشان که شیخ آقا بزرگ بدان اشاره نکرده، می توان به رساله هایی همچون 1. التقلیدیه، 2. ملا علی مرادیه، 3. هندیه، 4. حسنیّه اشاره کرد. این

ص: 48

1- ر.ک: کلام اسلامی، صاحب امتیاز آیت الله استاد شیخ جعفر سبحانی، ش 15، ص 93-104.

2- شیخ آقا بزرگ تهرانی، الکرام البرره، ج 1، ص 403.

کتاب‌ها در اختیار آیت‌الله حاج میرزا محسن کوچه‌باغی بود و در تاریخ 25/2/1386 ش در اختیار کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی قرار گرفت و اکنون در آن کتابخانه نگهداری می‌شود.

6. آیت‌الله سید علی ایروانی (1285 - 1324 ق)

آیت‌الله سید علی ایروانی، فرزند علامه آقا سید عبدالله، فرزند علامه آقا سید محمد ایروانی در 26 شوال 1258 در خاندانی علمی و روحانی در شهر ایروان (پایتخت ارمنستان کنونی) متولد شد. نسب شریفش با چند واسطه به امام موسی کاظم (علیه السلام) منتهی است و جدّ اعلایش در خسروشاه متوطن بوده و از آنجا به ایروان منتقل شده است. اجداد و پدرانیش از مشاهیر علما و مبرزین عصر خود بوده‌اند و به تقوا و کرامت شهرت داشته‌اند. مزار اجدادش در شهر ایروان، محل برآوردن حوایج و مطاف اهالی آنجاست.

تحصیلات خویش را تا سال 1280 ق در نزد پدر علامه اش ادامه داد و سپس در جوانی روانه نجف اشرف گردید و نزدیک به هشت سال در محضر شیخ اعظم مرتضی انصاری و آیت‌الله سید حسین کوه‌کمری معروف به «تُرک» استفادہ کرد و در اثر جودت ذهن و قوت حافظه، به مدارج عالی علم و عمل نایل آمد و پس از دریافت اجازه از آیت‌الله سید حسین کوه‌کمری در سال 1290 ق به زادگاه خویش مراجعت کرد و به وظایف شرعی و ارشاد و خطابه در «مسجد تخته بند» پرداخت.

آیت‌الله ملا علی خیابانی در مورد حافظه قوی، خطابه و مهاجرت ایشان از ایروان به تبریز می‌نویسد:

... در جوانی از حیث قوه حافظه و فطانت نابغه محصلین بوده و در اوقات تعطیل تواریخ و کتب سیر مطالعه می‌نمود... در مسجد معروف به تخته بند با بیانات وافیه و مواعظ شافیه به تبلیغ احکام دینیه و ترویج شعائر اسلامیه اشتغال و مراقبت تامّه ورزید و از لطف خدا آن بزرگوار صاحب قریحه صافیه... و در لسان وعظ و

فَنّ خطابه وحید عصر خود بود و بر خصوصیات و مزایا و نکات اخبار اطلاع کامل داشته و در تمام کتبی که به نظر شریفش رسیده، فواید نفیسه ثبت فرموده است ... معظم له در ماه جمادی الاخره سنه 1294 تمام قوم و خویش و قبر اجداد خود را وداع و از ایروان که مسقط الرأس خود و پدرانیش بود، مهاجرت و در 25 شهر مذکور وارد تبریز گردیده، رشته تبلیغ و اصلاح عامه را از سر گرفت تا در 11 رجب 1325 خواهر حضرت حجت الاسلام الشیخ الورع و الزاهد آقا رضا التبریزی - که از مفاخر آذربایجان و مرجع تقلید مسلمین و در فقه متضلع و در نجف اشرف پس از چهل سال افاده و استفاده در مقبره شیخ انصاری (قدس سره) مدفون شده - به حباله نکاح درآورد و در عرض چند سال مرجعیت عامه و مقبولیت تامه پیدا کرده، منزل شریفش مطاف علما و امرا و اشراف گردید و در خلال این احوال، کرارآبه زیارت ائمه اطهار (علیهم الصلوه و السلام) مشرف و در نجف اشرف در دارالشرف آیت الله العظمی فاضل ایروانی که خال مفضال او بود، وارد می شد و در تمام دوره زندگانی خود از قاطبه حجج الاسلام به اجازات عالیه مفتخر شده است که همه آن ها موجود است. (1)

برخی آثار علمی ایشان عبارت است از:

1. رساله احتیاطات (خطی)؛ 2. کتاب تنبیهات در سواقط اخبار (خطی)؛

3. مجموعه ای در علم جفر (خطی)؛ . حکایت حاج علی بغدادی (مطبوع). این رساله درباره تشرف حاج علی بغدادی به حضور مقدس حضرت ولی عصر

(عجل الله فرجه) است که مؤلف در یکی از سفرهایش به عتبات عالیات با آن حضرت دیدار کرده و پس از مراجعت از سفر، آن حکایت را به زبان عربی و فارسی در ذیل حدیث کسا، چاپ و منتشر کرده است .

واعظ خیابانی که او را دیده و در پای منبرش نشسته، در مورد وی گوید :

حُسن بیان و طلاقت لسان مترجم معظم ضرب المثل و معروف و مسلم است،

ص: 50

1- ملا علی واعظ خیابانی، علماء معاصرین، ص 87.

سال‌ها در تبریز به خدمتش مشرف شدم، عالمی را با وقار و تمکین و ابهت او ندیده بودم، و بارها در پای منبر او نشستم، نظیر تقریر او را از واعظی نشنیدم، در مسجد درب خیابان در ماه مبارک رمضان به منبر تشریف می‌بردند. ازدحام عام از طبقات انام واقع می‌شد و مرحوم مظفرالدین شاه قاجار ارادت کامل در حق وی داشتند و در زمان ولیعهدی غالباً در ایام صیام با اعظام امر او و اکابر اعیان به مجلس وعظ او حاضر می‌شدند و در ایام سلطنت خود در سفر فرنگستان، در ایروان که صاحب ترجمه هم در آنجا تشریف داشتند و حسب الامر همایونی ملاقات علمای بلد را در مسجد کبود ایروان - که مؤلف کتاب نیز در مسافرت مشهد مقدس دیده ام - مقرر فرموده بودند و بعد از تشریف فرمایی با صاحب ترجمه ملاقات نموده و زیاده از وصف تکریم و تبجیل به جا آورده، هزار تومان که زیاده از ده هزار تومان این زمان می‌باشد، تقدیم فرموده بودند. (1)

سرانجام آیت الله سید علی ایروانی در سال 1324ق، در مسافرت به عتبات عالیات، در نجف اشرف وفات یافت و پس از تشییع اهل نجف و اقامه نماز آقا شیخ رضا تبریزی بر او، در وادی السلام به خاک سپرده شد و از خود فرزندی برنموند چون آیت الله حاج میر حجت ایروانی، و کتابخانه ای بزرگ و نفیس که در حقیقت گنجینه گران بهای ایران اسلامی است، به یادگار گذاشت. (2)

7. آیت الله حاج میر حجت ایروانی (1311 - 1395ق)

آیت الله حاج میر حجت مهاجر ایروانی تبریزی، فرزند آیت الله سید علی، فرزند علامه آقا سید عبدالله، فرزند علامه آقا سید محمد ایروانی در سال 1311ق در تبریز به دنیا آمد. پس از وفات پدر، جهت تحصیل به نجف اشرف مهاجرت کرد، و

ص: 51

1- ملا علی واعظ خیابانی، علماء معاصرین، ص 88.

2- شیخ آقا بزرگ تهرانی، نقباء البشر، ج 4، ص 1471؛ سید محمد تقی حشمت الواعظین طباطبائیقمی، بلوغ الامانی، ص 346-344؛ محمود طیار مراغی، مرزداران فقاقت، ص 140-139؛ ملا علیواعظ خیابانی، علماء معاصرین، ص 88 - 86.

نزد آیت الله شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و دیگر اساتید، به تحصیل معارف الهی پرداخت و پس از نیل به درجه اجتهاد به تبریز بازگشت.

او ظهرها در مدرسه «حاجعلی اصغر» اقامه نماز می کرد و از علمای موّجه و محترم تبریز بود و قیافه ای جذاب و منبری گیرا داشت و در ماه رمضان، در «مسجد حاجی صفرعلی» به منبر می رفت و همه روزه، جمعی از علما و فضلا در منزل او، از محضرش استفاده می کردند. مدرسه علوم دینی خواجه علی اصغر زیر نظر وی اداره می شد و در تربیت طلاب بسیار پرتلاش بود.

کتابخانه شخصی ایشان از مهم ترین کتابخانه های آذربایجان بود که از پدرش آیت الله سید علی ایروانی باقی مانده و وقف طلاب علوم دینی بود. فرزند وی آیت الله سید عبدالمجید ایروانی - از دوستان قدیمی اینجانب - این کتابخانه را در سال های اخیر به تهران منتقل کرد و بعد از وفات وی، گویا در کتابخانه «مهدیه» نگهداری می شود.

اصل این خانواده، از خسروشاه، از توابع تبریز بوده که از آنجا به ایروان رفته و دوباره به تبریز برگشته اند و به این علت به ایروانی معروف شده بودند. از آثار قلمی وی حاشیه بر رساله عملیه استادش آیت الله غروی اصفهانی است.

آیت الله ایروانی پس از عمری خدمت به اسلام و مسلمین و زندگی توأم با شرافت و احترام، در ربیع الأول 1395 برابر با 1354 ش چشم از جهان فرو بست و در یکی از حجرات صحن مطهر کریمه اهل بیت حضرت معصومه (علیها السلام) به خاک سپرده شد. (1)

8. میرزا مهدی جیواد (1326 - 1409 ق)

میرزا مهدی جیواد خسروشاهی، فرزند شیخ صادق خسروشاهی در سال 1326 ق در خسروشاه به دنیا آمد. در تبریز پیش حضرات آیات: میرزا ابوالحسن انگجی و

ص: 52

1- معلم حبیب آبادی، مکارم الآثار، ج 5، ص 1563؛ مجله تاریخ و فرهنگ معاصر، ش 5، ص 295؛ عبدالحسین جواهرکلام، تربت پاکان قم، ج 2، ص 881 و 882؛ میرزا عمران علیزاده، نامداران تاریخ، ج 2، ص 297؛ عبدالعلی کارنگ، آثار باستانی آذربایجان، ج 1، ص 321.

میرزا صادق آقا مجتهد تبریزی، و در قم در محضر آیت الله حاج سید محمد حجت کوه کمری شاگردی کرد. پس از آن به نجف اشرف رفت و نزد حضرات آیات: آقا ضیاءالدین عراقی، غروی اصفهانی و سید ابوالحسن اصفهانی به تکمیل معلومات پرداخت و سپس به زادگاه خویش بازگشت و به خدمات دینی پرداخت. فضائل الأئمه از آثار اوست.

ایشان در سال 1409ق در این شهر وفات یافت و در جوار فقیه اهل بیت سلار بن عبدالعزیز دیلمی به خاک سپرده شد. فرزندش حاج شیخ غلامحسین جیواد، از علمای خسروشاه است.

9. میرزا صادق خسروشاهی (... - ...)

آقا میرزا محمد صادق، فرزند حاج آقا یوسف تبریزی در سال 1352ق به شهر مقدس قم آمد و نزد آیت الله آقا میرزا محمد همدانی و دیگر مدرسین به تحصیل علوم حوزوی پرداخت و منظومه (قسمت حکمت) را نزد آقا نورالدین خوانساری فرا گرفت. وی با رفیقش میرزا حسین تبریزی هم مباحثه بود. (1)

10. آیت الله سید هادی خسروشاهی (1327 - 1418ق)

10. آیت الله سید هادی خسروشاهی (2) (1327 - 1418ق)

آیت الله حاج سید هادی حاتمی خسروشاهی، فرزند آیت الله حاج سید باقر خسروشاهی از علمای موجه آذربایجانی ساکن تهران بود. شرح حال وی که بنا به درخواست دوست ارجمند اینجانب مرحوم حاج میرزا عمران علیزاده به رشته تحریر در آمده، چنین است:

مرحوم والد، آقای حاج سید باقر خسروشاهی، از شاگردان مرحوم آقای شیخهادی تهرانی بود که پس از مراجعت از نجف اشرف، در خسروشاه اقامت داشت و مقبره اش در آنجا، جنب منزلشان است.

خود اینجانب سید هادی خسروشاهی، در خانواده ای که تا هفتمین اجدادم

ص: 53

1- سید علیرضا ریحان یزدی، آینه دانشوران، به اهتمام ناصر باقری بیدهدنی، ص 323.

2- تشابه اسمی ایشان با حقیر، موجب مشکلات عدیده ای برای هر دو می گردید که اغلب با «تسامح» و «غمض عین» برطرف می شد!...

روحانی بودند، در خسروشاه به سال 1327 ق در ماه جمادی الثانی، شب جمعه، موقع اذان صبح، به این دنیای پر از ماجراهای گوناگون چشم گشودم.

پس از طی مرحله مکتب خانه در خسروشاه، در تاریخ 1342 ق در بیست و دوم محرم الحرام، جهت کسب علوم دینی وارد مدرسه طالبیه تبریز شدم و مقدمات صرف و نحو را از مدرّسین طلاب مدرسه فرا گرفتم. کتاب مطول را از مرحوم حاج حسینعلی واعظ، شرح لمعه را از حاج ملا صادق طاهباز، قوانینشایح حسین شنب غازی، رسائل را تا مبحث اجماع از مرحوم حاج سید محمد مولانا فرا گرفتم. بعد از آن، شورش و انقلاب پیش آمد و اوضاع مدارس دینی، من جمله مدرسه طالبیه به هم خورد. لذا در اواخر ذی حجه 1347 ق به مشهد مقدس مهاجرت نموده و بقیه رسائل و مکاسب را از مرحوم حاج میرزا ابوالحسن آقا انگجی که در آنجا به عنوان تبعید اقامت داشت، تحصیل نمودم. کفایه را از آقا شیخ هاشم قزوینی، منظومه و اسفار را از مرحوم آقا میرزا مهدی آقا بزرگ، الربوبیه را از مرحوم آقا بزرگ حکیم فرا گرفتم و به درس خارج اصول مرحوم آقا میرزا مهدی اصفهانی و مرحوم آقا میرزا محمد آقازاده، و خارج درس فقه حاج آقا حسین قمی حاضر شدم.

در سال 1351 ق به نجف اشرف رفته و در درس مرحوم حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و مرحوم آقای نائینی و مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آقاضیاء عراقی، تا سال 1359 ق حاضر شدم.

در تاریخ 1359، به تبریز مراجعت نموده، بیست سال در تبریز مانده، بدترین ایام عمرم را گذراندم، تا آنکه در تاریخ 1336 ش به تهران رفته و تا حال در آن شهر اقامت نموده ام.

اما خدمات علمی و اجتماعی اینجانب، از اوان ورودم به تبریز تدریس شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایه و درس خارج و در تهران هم تقریباً از اوایل

ورودم، تدریس و تربیت طلاب و اداره مدرسه شیخ عبدالحسین در بازار تهران و در تبریز علاوه بر تدریس، تشکیل خیریه نوبر و مدارس هاشمیه و قدس بود که تا حال (27/9/1367ش) آن خدمات ادامه دارد و حالات در 82 سالگی با ضعف مزاج، باز فی الجملة به تدریس اشتغال دارم و از خداوند متعال، تقاضای فضل و کرم دارم.

الأحقر خسروشاهی (1)

میرزا عمران علیزاده گوید :

معظم له، از اساتید اینجانب عمران علیزاده بود و من جلد دوم شرح لمعه و مقداری از رسائل را از محضر ایشان فرا گرفته ام . او قلب پاک و نیت سالم و بیان شیوایی داشت و در مدت نیم ساعت، زیاده از یک صفحه شرح لمعه را تحویل می داد و می فهماند و سه جلسه پشت سر هم درس می فرمود.

در آخر، به برنشیت مزمن مبتلا شد و به علت ناسازگاری هوای تبریز و تجویز پزشکان، به تهران منتقل شدند... (2)

ایشان در روز چهارشنبه 16 شعبان 1418 برابر با 26 آذر 1376 در تهران بدورد حیات گفت و در تهران به خاک سپرده شد. فرزندش حجت الاسلام والمسلمین حاج سید باقر خسروشاهی داماد مرحوم آیت الله حاج آقا رضا صدر مدیر حوزه علمیه تهران و متولی مدرسه علمیه شیخ عبدالحسین در بازار تهران است .

11. آیت الله سید ابراهیم خسروشاهی (معاصر)

آیت الله سید ابراهیم خسروشاهی در سرگذشت خود گوید :

خانواده پدری بنده از ارحام و خویشان مرحوم آیت الله حاج سید مرتضی

ص: 55

1- میرزا عمران علیزاده، نامداران تاریخ، ج 2، ص 379 - 378.

2- همان.

خسروشاهی تبریزی هستند که ایشان در زمان خود از مراجع به حساب می آمدند و نسبت به مرحوم علامه امینی (صاحب الغدیر) سمت استادی داشته است. بنده خودم خدمت ایشان و یکی از فرزندان بزرگشان در قم مشرف شده ام.

پدر بنده در اوان جوانی از همان خویشان در تبریز همسری اختیار می کنند. ایشان از تبریز برای زیارت عتبات عالیات با پدرش مرحوم حاج سید عبدالمطلب و سایر اعضای خانواده با کاروان های زیارتی سابق عازم عراق می شوند، اما ظاهراً با شروع جنگ اول جهانی موفق به خروج نمی شوند و در مسیر اجباراً در کرمانشاه می مانند، و پس از فوت همسرشان در کرمانشاه با یک خانواده متدین یزدی الاصل ساکن کرمانشاه وصلت می کنند. ایشان پس از مدتی زندگی و کسب و کار، و در عین حال اشتغال به عبادت در لباس روحانیت خانوادگی در کرمانشاه، عازم قم می شوند؛ چون می فرمودند که دستور دینی داریم که در آخرالزمان به قم مقدسه برویم تا از فتنه ها و فساد زمانه در امان بمانیم.

در حضور مرحوم حاج شیخ عباس تهرانی وقتی نقل شد که انگیزه هجرت مرحوم ابوی بنده، حاج سید هاشم خسروشاهی از کرمانشاه به قم چه بوده است، ایشان فرمودند: من از خدا می خواهم در عالم برزخ او را ببینم؛ زیرا این اقدام او حکایت از اهتمام کامل به امور دینی دارد. آن مرد وارسته و عارف دلسوز بر مهاجرت بسیار تأکید می فرمود و خود از تهران که در آنجا شاید به مرتبه عالی روحانی مشهور می شد به طور کلی صرف نظر کرده و در زمان رضاخان، به قم آمد و به سختی زندگی می گذراند. (1)

ص: 56

1- خلوت نشین: شرح حال آیت الله سید ابراهیم خسروشاهی، ص 31-32.

خاندان خسروشاهی، یکی از خاندان های برجسته و پر بار روحانی - علمی خسروشاه است. این خاندان با سابقه بیش از چندین قرن حیات علمی و فقهی و با تربیت دانشورانی زبده و توانمند، دین خویش را به فرهنگ اسلامی ایران و آذربایجان ادا کرده است.

شیخ محمد شریف رازی در مورد این خاندان می نویسد:

تمامی اسلاف این خاندان، به تقوا و علم و پرهیزکاری و طهارت و پاکی و ایثار و بذل در راه دعوت به خدا و ارشاد مردم به تعالیم اسلامی معروف اند، و چرا چنین نباشد، در حالی که آنان از خاندان اهل بیت هستند. (1)

بدون شک نمی توان تأثیرگذاری خاندان خسروشاهی را فقط در منطقه خسروشاه محدود ساخت؛ چه این خاندان به سان بذری که به آب و خاک خویش تعلق داشته باشد، پس از جوانه زدن، از قیود خاک و زمین رسته و به شجره طیبه ای بدل شده که در نجف و تبریز و قم درخشیده و به ثمر رسیده و در واقع چهره ای جهانی یافته است.

خاندان خسروشاهی از سادات حسینی آذربایجان اند. اسلاف این خاندان به تقوا و پرهیزکاری، طهارت و پاکی، ایثار در راه دعوت به خدا و ارشاد مردم به تعالیم اسلامی معروف اند. نسب آنان با 36 واسطه به امام حسین بن علی بن

ص: 59

ابی طالب: می رسد. در اینجا فقط از زندگی برخی از افراد این خاندان یاد می کنیم :

1. آیت الله سید ابوالحسن خسروشاهی (قرن 13 هـ . ق)

ایشان را که جدّ اعلاّی خاندان خسروشاهی است، می توان آغازگر مرجعیت علمی خاندانی دانست که با وی به شکوهی خاص رسید و این شکوه و شکوفایی با فرزندان و نوادگان عالم و فقیهش، ادامه یافت . ایشان در خسروشاه به دنیا آمد و سپس راهی تبریز گردید و در آنجا ساکن شد و از آن پس، خاندان وی به خسروشاهی معروف گشت .

متأسفانه از حیات علمی و زیست نامه دقیق ایشان مطلبی در تذکره ها قید نشده و ما نیز به همین اندازه بسنده می کنیم .

2. آیت الله سید علی حسینی خسروشاهی (1200ق - ...)

او در سال 1200ق، در تبریز به دنیا آمد و برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت و در همان جا اقامت گزید. وی از نظر علمی، در عصر خود از فقهای بزرگ بود و فرزندش در مقام فضل و علم وی در کتاب خود می نویسد:

... ثمّ إنّ المرجوّ من أعزّ الناس علیّ و أكرمهم لدىّ أعنی جناب الوالد الماجد، جامع المعقول و المنقول، حاوی الفروع و الأصول مشیّد مبانی مسائل الحلال و الحرام، ممهّد قواعد الشرائع و الأحكام، معلم معالم أصول الحقائق، مفسّر مقاصد رموز الدقائق، زبده العلماء و المحقّقین، عمده الفقهاء و المدقّقین، السیّد المعزیّ إلیه الأعظم - السیّد علی الحسینی التبریزی الخسروشاهی - أن یصلح ما یجد من الخلل و النقصان و الخطأ

و النسیان....

من از پدر بزرگوارم، جامع معقول و منقول، حاوی فروع و اصول، تحکیم کننده مبانی مسائل حلال و حرام، ممهّد قواعد شرایع و احکام، معلّم اصول و مفسّر

ص: 60

رموز، زبده علما و محققان، عمده الفقهاء و المدققین، حاج سید علی حسینی خسروشاهی، انتظار دارم که در ضمن بررسی کتاب، به رفع اشکالات و اشتباهات و نواقص آن پردازد. (1)

3. آیت الله سید محمد خسروشاهی (1229 - 1312 ق)

این عالم ربّانی و فقیه توانا در سال 1229 ق در کربلای معلّی به دنیا آمد و همراه پدرش آیت الله سید علی حسینی خسروشاهی که از عالمان بزرگ بود، برای تحصیل علوم دینی به نجف اشرف رفت و به درس استاد اعظم شیخ مرتضی انصاری بار یافت (2) و در حلقه تحقیق و تدریس پر بار و فقیه پرور وی درخشید و توانست در اوج

جوانی، آثاری ارزشمند و پخته از خود بر جای بگذارد که با وجود سپری شدن دو قرن، هنوز ارزش علمی ویژه ای دارند.

ایشان پس از اتمام تحصیلات عالی در نجف اشرف و نیل به مقام اجتهاد، به زادگاه اجدادی خود، تبریز، برگشت و به وظایف دینی از جمله: افتاء، تدریس، امامت و تحقیق و تألیف مشغول شد.

تألیفات

آثار برجای مانده از وی، حاکی از دقت نظر و تعمق او در مسائل فقه و اصول است. تألیفات وی عبارت اند از:

1. رساله فی التّقیه: این رساله در 28 صفحه رحلی، به ضمیمه کتاب المصابیح در سال 1310 ق در نجف چاپ شده است. و با این جمله آغاز می شود:

ثمّ انّه لما كانت مسأله التّقیه من المسائل المهمّه الكثيره الجدوی و عامّه البلوی و الأخبار فی خصوصها متظافره بل متواتره...

ص: 61

1- سید محمد خسروشاهی، مشکاه المصابیح، چاپ نجف، ص 361.

2- شیخ مرتضی انصاری، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص 305.

2. الرسالة الباقرية في المسائل الفقهية: این رساله در آخر کتاب مشکاه المصابیح در 40 صفحه بزرگ ، همراه حواشی فرزند مؤلف با امضای ابن المصنّف (آقا سیّد احمد) چاپ شده است . آقا بزرگ تهرانی درباره این کتاب می نویسد:

- الرسالة الباقریه للسید محمد بن علی بن أبی الحسن الخسروشاهی التبریزی فی بعض مسائل الخیارات . طُبعت فی حیاته مع مشکاه المصابیح له 1310، عارض فیها بعض الأجلّه من معاصریه بل من مشایخه و هو الشیخ المیرزا باقر بن أحمد - إمام الجمعه بتبریز المتوفی بسلیخ رجب 1286 - وتوفی المؤلف حدود 1312 فحمل ولده السید أحمد جثمانه إلى قرب سرداب النراقیین

فی الصحن الغروی .(1)

- الباقریه فی بعض مسائل الخیارات ، للسید محمد بن علی بن أبی الحسن الحسینی الخسروشاهی ، المتوفی سنه 1310، رساله عارض فیها بعض الأجلّه من معاصریه ، بل مشایخه و هو میرزا باقر بن میرزا أحمد المجتهد التبریزی ، المتوفی سنه 1285. ألفه سنه 1276 و قد طبع مع مشکاه المصابیح له سنه 1310ق.(2)

3. مصابیح الضلام فی شرح شرائع الاسلام: شیخ آقا بزرگ تهرانی در مورد این رساله می نویسد :

ظاهرآ للسید محمّد بن علی بن أبی الحسن الحسینی الخسروشاهی التبریزی ، المتوفی 1312. ذکره المیرزا محمّد علی الأردوبادی... (3)

4. رساله فی بیان وضع الألفاظ و الحقیقه الشرعیّه: این رساله در سال 1268ق تألیف شده ، و در سال 1310 در آخر مشکاه المصابیح در حدود 120 صفحه چاپ شده است .(4)

مشکاه المصابیح که با سه رساله دیگر چاپ شده ، بالغ بر 420 صفحه در قطع رحلی

ص: 62

1- شیخ آقا بزرگ تهرانی ، الذریعه، ج 11، ص 126.

2- همان، ج 3، ص 11.

3- همان، ج 21، ص 89.

4- همان، ج 2، ص 479.

است و همه این کتاب به خط محمد خیابانی است . مؤلف، تألیفات دیگری هم داشته که ظاهراً از بین رفته است. (1)

این کتاب گرانسنگ، مهم ترین و ماندگارترین اثر علمی آیت الله سید علی خسروشاهی است که در علم اصول فقه است و به تقریر و توضیح نظریات استادش شیخ مرتضی انصاری در موضوع تعادل و تراجیح پرداخته است . این کتاب در کنگره شیخ مرتضی انصاری به مناسبت دویستمین سال ولادت ایشان توسط اینجانب در یک رساله مستقل که به چاپ رسید، معرفی گردید. (2)

در آن زمان که آیت الله سید علی خسروشاهی در حوزه علمیه نجف به تحصیلات خود ادامه می داد، آن حوزه در اوج شکوفایی بود و اقامت شخصیت برجسته علمی همچون استاد اعظم شیخ انصاری در آن دیار مقدس ، رونق فراوانی به حوزه علمیه نجف بخشیده بود و طلاب مستعد از کشورها و شهرهای مختلف اسلامی به سوی نجف سرازیر شده بودند و ظاهراً آیت الله آقا سید محمد خسروشاهی هم برای استفاده از محضر شیخ انصاری ، حوزه کربلا را ترک گفت و در نجف رحل اقامت افکند.

او در درس استاد بزرگ شرکت کرد و در سایه فکر مّواج و استعداد سرشار و تلاش و کوشش فراوانش ، در اوایل اقامتش در نجف به اجتهاد رسید. او تقریرات درس استاد خود را نوشت و سپس به تدریس پرداخت .

وی به فقاہت و علمیت استاد اعظم شیخ انصاری اعتقاد کامل داشت و تا شیخ زنده بود، محضر وی را مغتنم می شمرد. در مشکاه المصابیح استاد خود را چنین وصف می کند :

... و الحبر الأفضّل ، البحر النخصّم و الطود الأشمّ ، قدوه الأنام و فرید الأیام ، نخبه الأعلام و المولی القمقام ، حجّه الإسلام و مصباح الظلام ، صدر المحقّقین ، و بدر المدقّقین ، کاشف أسرار رموزات الدلائل و شمس فقهاء الأواخر و الأوائل ، أزهّد عبّاد الأبرار و أعبّد زهّاد الأخیار ، أعلم فقهاء الأعصار وأفقه

ص: 63

1- سید مرتضی خسروشاهی ، مقدمه سید هادی خسروشاهی بر کتاب : نثرات الكواكب، ص 11.

2- معرفی این کتاب در بخش ملحقات خواهد آمد.

علماء الأمصار، شيخنا الأستاذ و ملاذ العباد، مصطفى المصطفى و مرتضى المرتضى، علم الهداية و التقى، أعنى جناب الشيخ المرتضى (أدام الله توفيقه و مدّ عمره و تأيده) و لا زالت رياض علمه ممطوره و أعلام فضله مرفوعه... (1).

وی درباره کتاب مشکاه المصابیح می گوید :

... ثمره ای از ثمره باغ علمش را چیدم و دُرهایی از دریای علمش را استخراج نمودم و آنچه هم به ذهن قاصر خودم رسید، بر آن افزودم... و در آن، مهمّات مسائل اصول را که در ابواب اصول درج نشده بود، درج کردم و آن را مطابق ترتیب درس استاد تنظیم نمودم، نه به ترتیب کتابش؛ زیرا آن موقع هنوز خود شیخ تعادل و تراجیح را ننوشته بود. (2)

مؤلف مشکاه المصابیح به سال 1269ق از تألیف آن فارغ شد. این کتاب در سال 1310ق در حال حیاتش در 334 صفحه در قطع بزرگ (رحلی) با حواشی فرزند برومندش آیت الله سیّد احمد، در نجف به چاپ رسید.

شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره مشکاه المصابیح می نویسد :

مشکاه المصابیح فی أصول الفقه من التعادل و التراجیح، للعلّامه الحاج سید محمد بن علی بن أبی الحسن الحسینی الخسروشاهی التبریزی، المتوفی حدود 1312. مرّ تفصیله بعنوان التعادل و التراجیح. فرغ منه سنه 1269 و طبع 1310، کتبه لابنه السیّد أحمد و علیه تقریضات. (3)

صاحب اعیان الشیعه در دو جا از آیت الله آقا سیّد محمّد اسم برده و تصریح کرده است که وی از شاگردان شیخ انصاری بوده و کتاب مشکاه المصابیح فی التعادل و التراجیح و رساله ای در وضع الفاظ از تألیفات اوست. (4)

مؤلف، تقریظ دو تن از شخصیّت های بزرگ علمی آن عصر را در آخر کتابش نقل کرده است؛ از جمله کسی که در میان دوستانش به ابن داود معروف بوده، در تقریظ

ص: 64

1- سید محمد خسروشاهی، مشکاه المصابیح، ص 3، چاپ نجف.

2- سید محمد خسروشاهی، مشکاه المصابیح، ص 3.

3- آقا بزرگ تهرانی، الدرّیعه، ج 21، ص 61.

4- سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج 9، ص 273 و 427.

بر مشکاه المصابیح نوشته است :

... و لعمری کتابک الأصول الأحكام كالعمود للخيام وقد استحسنه أحاسن القوم مادحه إياکم فی کُلِّ ليله و يوم...؛(1)

به جانم سوگند، کتاب تو در اصول احکام مانند ستون خیمه است و احاسن قوم (شیخ انصاری) آن را نیکو شمردند... .

تقریظ دیگر، از شیخ مهدی بن شیخ علی بن شیخ جعفر کاشف الغطا می باشد که وی پس از حمد و ثنا و درود بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نوشته است :

... و لقد سرحت بکر الفكر فی هذا التحقيق الأنيق و أطلقت عنان النظر فی مسرح هذا التدقيق الرّشيق الذي سمحت به فكره جامع المعقول و المنقول و مستنبط الفروع من الأصول، قطب دائره الاجتهاد و الكمال و منبع الفضل و الإفضال، من إليه انتهى فضل علماء زمانه، و منه انبعث تحقیقات فضلاء أوانه المرتضع من ثدى التحقيق و المتربى فی حجر التدقيق، فوجدته بحمد الله جامعاً لمحاسن تحقیقات الأئمه و التدقیقات الرشيقه منبأ عن طول باع مؤلفه... .

فهو الحرى بأن يرسم بالتبر لا بالمداد و الحبر، و أن يكتب بالنور على و جنات الحور...؛(2)

مؤلف در آخر کتاب، خود را چنین معرفی می کند :

... هذا غاية ما قصدنا بيانه و أنا الحقير محمد بن علي أبي الحسن الحسيني الحائري مولداً، و الغروي مسكناً، التبريزي أباً، الشهير بالخسروشاهي جداً... و قد وقع الفراغ من تأليف هذا الكتاب الذي عنيت بجمعه و تهذيبه و تأليفه و ترصيفه... أعني مشکاه المصابيح في التعادل و التراجيح في سنه 1269 ق، لقرتني عيني أحمد و أبي الحسن و ذلك بعد أن أتممت من العمر الثلاثين و دخلت في عشر الأربعين... (3).

ص: 65

1- - سيد محمد خسروشاهی، مشکاه المصابیح، ص 362.

2- همان، ص 363.

3- همان، ص 362 - 361.

چنان که ملاحظه می فرمایید مؤلف، کتاب مشکاه المصابیح را در واقع به دو فرزند خود آقا سید احمد و آقا ابوالحسن اهداء نموده و در آن زمان وارد دهه چهارم عمر خود شده است . او سپس از پدرش می خواهد نقص و عیب کتاب را با بزرگواری خود اصلاح فرماید.

پس از نوشتن همین کتاب بود که آوازه شهرت علمی مؤلف در مجامع علمی نجف اشرف پیچید و زبانزد علما و فضلا واقع گردید. گفته اند: مقام علمی وی در حوزه، آن چنان بود که بعد از استادش از مراجع دینی و اساتید بلند پایه به شمار می رفت و در حوزه درسش جمع کثیری از فضلا و طلاب شرکت می کردند.⁽¹⁾

شیخ آقا بزرگ تهرانی، در نقباء البشر می گوید:

الحاج السید محمد بن علی بن ابی الحسن الحسینی الخسروشاهی التبریزی علامه ورع تقی جلیل، صار من العلماء الأعلام و المراجع العاظمه بتبریز، وله كتاب التّعدل و التراجیح المطبوع، الموسوم بمشکاه المصابیح الذی ألفه 1269، و الرّساله الباقیّه الذی ألفه 1276 و رساله فی الحقیقه الشرعیّه، فرغ منها 1268، کلّها طبعت سنه 1310 و علیه تقاریظ کثیره...⁽²⁾

به هر حال، کتاب مشکاه المصابیح یکی از غنی ترین و مشروح ترین کتاب های اصولی درباره تعادل و تراجیح و شامل تقریرات درس استاد اعظم شیخ انصاری (قدس سره) و نظریات مؤلف یعنی آیت الله سید محمد خسروشاهی است. البته بحث خود استاد اعظم شیخ انصاری در این موضوع، در کتاب گران سنگ رسائل صفحاتی بیش نیست، ولی در این کتاب مباحث آن به چند صد صفحه در قطع بزرگ می رسد.

وفات:

آیت الله سید محمد خسروشاهی پس از مدّت کوتاهی از چاپ کتاب رساله فی بیان وضع الألفاظ و الحقیقه الشرعیّه، در سال 1312 ق در تبریز دار فانی را وداع گفت و

ص: 66

1- سید مرتضی خسروشاهی، مقدمه کتاب نثار اناالکواکب علی خیارات المکاسب، ص 11.

2- شیخ آقا بزرگ تهرانی، نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، ج 5، صص 243 - 242.

طبق وصیت پیکر پاکش را به نجف اشرف منتقل کردند و در رواق مطهر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به خاک سپردند. (1)

4. آیت الله سید احمد خسروشاهی (1266 - 1327ق)

آیت الله سید احمد خسروشاهی فرزند آیت الله سید محمد خسروشاهی در سال 1266ق در تبریز متولد شد. تحصیلات خویش را در زادگاهش آغاز کرد و پس از فراگیری علوم مقدماتی، نخست در خدمت آقا میرزا مهدی مجتهد معروف به «قاری» به فراگیری فقه پرداخت و آن گاه برای کسب کمالات بیشتر و تقه در دین، رو سوی نجف اشرف نهاد و از اساطین و عالمان آن دیار همچون حضرات آیات: ملا محمد فاضل ایروانی، میرزا حبیب الله رشتی و شیخ محمد حسن مامقانی استفاده های شایانی برد و به مقام بلندی از علم و عمل دست یافت. (2)

اهتمام به نماز شب

ایشان به لحاظ معنوی و اخلاقی، از مقام والایی برخوردار بود و از عالمان اهل معرفت و خود ساخته روزگار خویش به شمار می رفت. خود آن عارف والا مرتبه برای فرزندش آیت الله سید مرتضی خسروشاهی نقل کرده است:

در نجف اشرف به نماز شب مواظبت داشتم، بعضی شب ها که به واسطه کثرت مطالعه دیر می خوابیدم و بیدار نمی شدم، هاتقی صدایم می نمود: آقا، آقا! و یا می گفت: آقا سید احمد! آقا سید احمد! بیدار می شدم، ولی شخصی را نمی دیدم. می دیدم که وقت نماز شب است و می فهمیدم که هاتف فرشته بوده است؛ چنانچه در روایت وارد شده است که مؤمن مواظب نماز شب را ملک

ص: 67

1- شیخ مرتضی انصاری، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص 305.

2- ملا علی خیابانی تبریزی، علماء معاصرین، ص 353.

بیدار می کند، اگر به خواب بماند... . روزی شفاهاً فرمود: ایامی که در نجف بودم، شبی تهجد و نماز شب از من فوت نمی شد، ولی از آن وقتی که به تبریز آمده ام، یک شب موفق نشده ام. (1)

عارف واصل حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، در آثار خود از شخصیتی نام می برد که شب ها، فرشته او را با خطاب آقا بیدار می کند و اسم نمی آورد که آن شخص چه کسی است و عده ای چنین گمان کرده که مراد از آن عالم، خود اوست، ولی به احتمال زیاد، مقصود میرزا جواد آقا ملکی، طبق قرینه ای که گذشت، آقا سید احمد آقا خسروشاهی بوده است. اگر ملاقاتی میان این دو بزرگ صورت گرفته باشد و اثبات شود که همدیگر را درک کرده اند، جای هیچ تردیدی نخواهد بود که منظور میرزا جواد آقا، آیت الله سید احمد خسروشاهی بوده است.

آن مرحوم پس از کسب درجه اجتهاد، با تأسی به پدر، به زادگاهش تبریز بازگشت و نزدیک به چهارده سال به وظایف علمی و دینی مشغول بود و تا حدّ توان به تحقیق و تألیف و تدریس پرداخت. از جمله شاگردان او ملاً علی واعظ خیابانی، حاج میرزا فتاح شهیدی و شیخ ابراهیم وحدت تبریزی بوده اند.

آقا بزرگ تهرانی او را با عبارت «عالم فقیه» و «ورع تقی» (2) و شاگرد فاضلش ملاً

علی واعظ خیابانی وی را با چنین عباراتی یاد می کند:

آن مرحوم از اجلاسی علما و مشاهیر فقهای تبریز در اوایل ماهه رابع عشر، عالم محقق نحیر و الفاضل المضطلع الخیر، إسناد اساطین العصر و أستاذ فضلاء الدهر سیف الشریعه و مصباح الشریعه حامی المله و الدین و قانع بدع الملحدین المتفرّع من دوحه السیاده و المترعرع فی روضه الساده. (3)

ص: 68

1- همان، ص 354.

2- شیخ آقا بزرگ تهرانی، نقباء البشر، ج 1، ص 119.

3- ملاً علی خیابانی تبریزی، علماء معاصرین، ص 354.

آثار و تألیفات به جای مانده از ایشان ، بدین قرار است:

1. حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی انصاری، خطی ؛

2. رساله ای در حجیت قطع و ظن، خطی ؛

3. رساله ای در برائت، خطی ؛

4. حاشیه بر المسائل الباقریه پدرش آیت الله سید محمد خسروشاهی ؛

5. حاشیه بر مشکاه المصابیح؛

این دو اثر در حاشیه و یا به ضمیمه آن کتب به چاپ رسیده است .

حمایت از مشروطه مشروعه

آیت الله سید احمد خسروشاهی ، از علمای بزرگ عصر مشروطیت در آذربایجان بود و در مشروطه ، هوادار خطّ سوم و در واقع خواستار مشروطه مشروعه بود و مدتی نیز در اعتراض به اوضاع جاری و برای دوری از جنجال مشروطه خواهی غیر مشروعه ، به نجف اشرف رفت . متأسفانه یک راپورتچی حکومت تهران در نجف، سفر وی را وارونه و غیرواقعی گزارش داده که به هیچ وجه صحّت ندارد. اینجانب متن دستخط راپورتچی را - که جزء اسناد وزارت خارجه ، جزوه دان 5، سال 1325ش است - بدون شرح کوتاه در آخر کتاب نقل می کنم ، با تأکید بر اینکه خاندان ما هرگز با حکومت های طاغوتی رابطه آشکار یا پنهان نداشته اند، تا چه رسد به اینکه در جهت اهداف آن ها گام بردارند. متن گزارش راپورتچی به نام الحاج شیخ محسن مدیرالمحدثین در بخش اسناد این کتاب آمده است. (1)

رحلت

سرانجام این فقیه پارسا در سال 1327ق در مدینه منوره چشم از جهان فرو بست و در آن دیار به خاک سپرده شد. ملاً علی واعظ خیابانی در مورد وفات استادش می نویسد :

ص: 69

1- توضیح مشروعی نیز درباره مشروطیت و علمای تبریز در کتاب مستقلی با عنوان «مشروطه مشروعه» و نقش آیت الله سید احمد خسروشاهی منتشر خواهد شد.

در سنه 1325 قاضیه مشروطه در ایران اتفاق افتاد. آن مرحوم عزیمت به عتبات عالیات نموده و از آنجا به زیارت بیت الله الحرام مشرف و در مراجعت از حج، چند روزی در مدینه منوره اقامت ورزید و روز عید غدیر به حرم حضرت رسول 6 مشرف و مرگ خود را به واسطه تراکم احزان و تهاجم اشجان زمان و سوء قصد اشرار بی ایمان به عنوان عیدی از جد بزرگوارش درخواست نمود. پس از مراجعت از حرم، سرمازدگی در مزاجش حادث شد و به فاصله چند روز، به رحمت حق پیوست و در قبرستان بقیع ما بین بیت الأحزان و قبور ائمه اربعه: و قبر فاطمه بنت اسد مادر علی (علیه السلام) مدفون گردید. (1)

اجساد سالم بزرگان

در حدود سال 1312 ق حاج سید محمد خسروشاهی، مؤلف مشکاه المصابیح درگذشت. جنازه ایشان از آذربایجان به نجف اشرف منتقل گردید و در مقبره نراقی هابه خاک سپرده شد. فرزند برومندش آیت الله حاج سید احمد خسروشاهی به احترام پدر بزرگوارش، وارد سرداب می شود تا پیکر پاک پدر گرامی اش را در سرداب قرار دهد. وی در آنجا اجساد مطهر ملا مهدی و ملا احمد نراقی را مشاهده می کند که هیچ تغییری پیدا نکرده و تر و تازه اند. این داستان را نویسنده ریحانه الادب کرده است. (2)

آیت الله حاج سید احمد خسروشاهی، پدر آیت الله حاج سید مرتضی خسروشاهی و جد آیتین: سید ابوالفضل، حاج سید احمد و این جانب سید هادی خسروشاهی است.

از تاریخ وفات سید محمد خسروشاهی (1312ق)، روشن می شود که به هنگام پدیدار شدن جسد نراقی ها، بیش از یکصد سال از وفات ملا مهدی و در حدود 67 سال از وفات ملا احمد می گذشته است.

ص: 70

1- ملا علی خیابانی تبریزی، علماء معاصرین، ص 354.

2- محمد علی مدرس تبریزی، ریحانه الادب، ج 6، ص 163.

شیخ آقا بزرگ تهرانی این داستان را به تفصیل در ضمن شرح حال حاج سید محمد خسروشاهی در نقباء البشر نوشته و در الکرام البرره آورده و می افزاید :

مسأله نبوسیدن اجساد برای بسیاری از قُدا و متأخرین اتفاق افتاده است: از قدماکلینی و صدوق ، و از متأخرین نراقی ها، شیخنوری ؛ که گروهی از آن ها را در نقباء البشر در ضمن شرح حال سید محمد خسروشاهی یاد کرده ایم. (1)

وی در نقباء البشر در شرح حال حاج سید محمد خسروشاهی می نویسد :

سید دانشمند، پارسا، پرهیزکار و جلیل القدر، حاج سید محمد بن سید علی بن سید ابوالحسن خسروشاهی ، صاحب تعادل و تراجیح و... از علمای اعلام و مراجع بزرگ تبریز، در 1310 و اندی درگذشت . فرزندش عالم جلیل القدر حاج سید احمد جنازه پدر را به نجف اشرف حمل کرد و در سردابی در مجاورت سرداب نراقی ها دفن کرد. هنگامی که مرحوم سید احمد، برای دیدن وضع سرداب ، با شمعی وارد سرداب می شود، می بیند که از سرداب نراقی ها تعدادی سنگ فرو ریخته و داخل سرداب دیده می شود. شمع را به داخل سرداب می برد و جسد هر دو نراقی را می بیند که تر و تازه هستند، حتی کفنشان نیز پس از گذشت این همه زمان ، هیچ تغییری نکرده است. (2)

و لذا مرحوم سید احمد وصیت می کند که او را نیز در کنار پدر بزرگوارش دفن کنند، و لکن مقدر چنین بود که در بقیع دفن شود.

برای علمای اعلام که خدمتگزار شریعت مقدسه خداوند متعال هستند، شایسته همین است که زمین پیکر پاکشان را نخورد؛ زیرا این پیکرها در اطاعت پروردگار، ضعیف و نحیف شده اند. (3)

ص: 71

1- شیخ آقا بزرگ تهرانی ، الکرام البرره، ج 1، ص 422.

2- این داستان را شیخ آقا بزرگ تهرانی به هنگام نوشتن اجازه نامه به نام اینجانب در کتابخانه خود در نجف اشرف ، به تاریخ 1386ق به تفصیل نقل کردند. اجازه نامه روایی ایشان ، در این کتاب و رساله‌هاجازات حقیر آمده است .

3- شیخ آقا بزرگ تهرانی ، نقباء البشر، ج 5، صص 243 - 242.

آن گاه جمعی از بزرگان را نام برده که پیکر پاکشان پس از گذشت سالیان دراز، نپوسیده است. او در ضمن شرح حال حاج سید احمد می نویسد:

وی به جهت علتی که در شرح حال پدرش خواهیم نوشت، وصیت کرده بود که در کنار پدرش دفن شود، جز اینکه در آخرین سفر حج خود، از این نظر برگشت و بعد از مراجعت از مکه معظمه، در مدینه منوره حاجتی جز این نداشت که در حریم مادر بزرگوارش حضرت زهرا 3 مدفون گردد. به جد بزرگوارش حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) متوسل شد که این حاجتش روا شود و مکرر به همراهانش می گفت که از جد بزرگوارش چنین حاجتی درخواست کرده است. از ورودش به مدینه منوره چند روزی نگذشته بود که تب مختصری کرد. یک روز در آن حال ماند و شب درگذشت و در قبرستان بقیع در کنار پله های «بیت الأحران» - که مقام صدیقه طاهره است - به خاک سپرده شد. (1)

5. آیت الله سید مرتضی خسروشاهی (1299 - 1372 ق)

شصت و چهار سال پیش - 1332 ش - مطالبی را درباره پدر بزرگوار، آیت الله سید مرتضی خسروشاهی، نوشته ام که اینک از نظر خوانندگان می گذرد:

(2):

شرح وفات

ایام عید نوروز بود و مطابق معمول، همه جا غرق در شادی و فرح گشته بود و بازدید، رفت و آمد و مجالس سرور تازه شروع شده بودند. همه خوشحال و خندان به نظر

ص: 72

1- همان، ج 1، ص 119؛ ملاً علی خیابانی تبریزی، علماء معاصرین، ص 354.

2- آنچه در شرح حال پدر بزرگوارم آیت الله سید مرتضی خسروشاهی آورده ام، در واقع اولین تألیف اینجانب است که در چهارده سالگی، به مناسبت سالگرد رحلت آن بزرگوار نوشته ام که در سال 1332 ش در 32 صفحه جیبی، در تبریز چاپ شده است. و برای حفظ سبک نگارش خود، آن را بدون ویرایش تقدیم می دارم. این جزوه با دو بیت شعر چنین آغاز شده: «تا رسته حیات تو، دست اجل گسیختما را به لب، ز درد فراق تو جان رسیدم با سرشک دیده، مگر می توان نشانده آن آتشی که بر دل اسلامیان رسید؟»

می رسیدند، ولی این خوشحالی دوام نیافت و ناگه، عید عمومی اهالی آذربایجان مبدل به پُر اندوه ترین ایام سال 1332 گردید؛ برای اینکه روز دوم فروردین، اکثریت مردم آذربایجان مطلع شدند که آیت الله خسروشاهی رحلت کرده اند.

در آن روز، مصیبت بزرگی به اسلامیان روی آورد و خلق مسلمان آذربایجان، بزرگ ترین دانشمند و روحانی خود را از دست داد، اما چه کسی حاضر بود رحلت آن مرحوم را باور کند؟ همه گمان می کردند دشمنان اسلام برای اینکه سرور و شادی مسلمانان را از بین ببرند، این شایعه را منتشر کرده اند! همه در شک به سر می بردند و هیچ کس باور نمی کرد کسی که دیروز برای تبریک گفتن به حضورش شرفیاب شده بودند، امروز دنیا را ترک کرده و اسلامیان را در غم و اندوه گذاشته است؟!

ولی متأسفانه بعد از چند دقیقه، شک آن ها مبدل به یقین می شد؛ برای اینکه آن ها به هر وسیله ای که میسر می شد، خود را به منزل آیت الله می رسانیدند و با کمال تأسف می دیدند که این شایعه صحت دارد.

پس از چند ساعت، رادیو تبریز هم خبر اسفناک رحلت آیت الله خسروشاهی را پخش کرد و در نتیجه تمامی مردم آذربایجان و شهرستان ها، همه و همه از این ضایعه بزرگ اسلامی باخبر شدند.⁽¹⁾

در منزل آیت الله غوغایی بر پا بود. کوچه و اطراف منزل آیت الله و اطاق ها و حیاط منزل آن مرحوم پر از جمعیت بود. همه جا مردم با دیده پُر اشک و مأیوسانه به یکدیگر نگاه می کردند. دقیقه به دقیقه جمعیت زیادتر می گردید و همه جا از مردم مسلمان تبریز موج می زد.

علما و روحانیون و طبقات مختلف حاضر بودند. آیت الله مرحوم را در منزل خودشان غسل دادند و سپس برای نماز خواندن و دفن، از منزل خارج نمودند. کوچک و بزرگ - از هر طبقه و صنف - در این تشییع شرکت جستند؛ به طوری که تاکنون یک چنین تشییع با عظمتی در تبریز به وقوع نپیوسته بود. جنازه پس از ادای

ص: 73

1- رادیو تبریز، پس از این قضیه، چند روز برنامه موسیقی خود را تعطیل کرد.

نماز به وسیله حجت الاسلام آقا سید احمد خسروشاهی، - به طور امانی - در مقبره امامزاده سید ابراهیم دفن گردید و بدین وسیله چراغ هدایت خلق مسلمان آذربایجان برای ابد خاموش شد؛ یعنی آیت الله درگذشت و دیگر به این دنیا برنخواهد گشت .

آری ، دیگر مردم آذربایجان حقایق را از زبان ایشان نخواهند شنید. آری ، با مرگ او ، یکی از ستون های کاخ پر عظمت اسلام منهدم گردید و یک صدمه جبران ناپذیری بر عالم اسلام وارد آمد و از فراق او ، داغی بر دل اسلامیان رسید که با هیچ مرهمی خوب شدنی نیست ؛ یعنی زخمی را که از مرگ او بر دل مسلمانان نشست ، هیچ گونه دوایی علاج نخواهد کرد.

آری ، مرگ او توأم با شکست یکی از ارکان مهم اسلامی گردید. مرگ او ، یعنی : مرگ یگانه دانشمند مذهبی مردم مسلمان آذربایجان و یگانه آرزوی نامشروع دشمنان حق و حقیقت . وجود او سدّ محکم و فساد ناپذیری بود که در مقابل دشمنان اسلام به وجود آمده بود، و مرگ او یعنی: شکست این سد و هجوم بی رحمانه سیل بنیان کن بی دینی و لامذهبی .

خواننده عزیز! گفتنی ها بسیار است ، ولی وقت کم ، و لذا از این موضوع صرف نظر کرده ، به نوشتن مختصری از شرح حال آن مرحوم ، به نقل از نوشته های چند کتاب و چند جریده پرداخته و تفصیل بیشتر را به وقت دیگر موکول می نمایم .

محتویات جراید پس از فوت آیت الله

پس از فوت آیت الله، اغلب جراید آذربایجان ، قسمتی از شرح حال آن مرحوم را منتشر ساختند و در تهران هم روزنامه اطلاعات، خبر رحلت آیت الله را نوشت و عکسی هم از مجلس ترحیمی که از طرف دولت در «مسجد شاه تهران» منعقد شده بود، چاپ کرد و متأسفانه آن عکس به دست نیامد تا در اینجا چاپ کنیم . در زیر آن عکس که در اطلاعات چاپ شده بود، نوشته بودند :

«امروز، از طرف وزارت دربار، در مسجد شاه ، مجلس ختم به مناسبت

درگذشت آیت الله آقای حاج سید مرتضی خسروشاهی تبریزی منعقد بود که عموم علما و حجج اسلام و رجال و طبقات مختلف در آن شرکت داشتند.

در عکس بالا، آیت الله حاج میرزا مسیح تهرانی، آیت الله بهبهانی، آیت الله شیخ بهاءالدین نوری، آقای علاء و آقای شمس ملک آراء دیده می شود.

مجله هفتگی نور دانش چاپ تهران، در شماره 11، سال ششم، صفحه 42 خود نوشته بود:

مرحوم آیت الله خسروشاهی که یکی از علمای بزرگ و مراجع تقلید تبریز بودند، در سن 73 سالگی در تاریخ 2 فروردین 1332 فوت کردند. این مرحوم، یکی از علمای بزرگ ایران بودند که چهارده جلد کتاب نوشته اند.

شرح زندگانی ایشان در روزنامه وزین توحید افکار - چاپ تبریز - نیز به تاریخ 17 فروردین چاپ شده و فوت آن مرحوم را به خانواده و تمام برادران مسلمان تسلیت گفته است.

روزنامه پر تیراژ توحید افکار در شماره 41 سال اول، مورخه فروردین ماه 1332، علاوه بر چاپ عکس آیت الله و عکسی از تشییع جنازه و عکسی از نماز در صفحه اول، در زیر تیتر بزرگ: «ضایعه بزرگ اسلامی» می نویسد:

جامعه روحانیت ما به مصیبت عظیمی در رحلت آیت الله آقای حاج سید مرتضی آخسروشاهی مواجه گردید. شب دوم فروردین، حضرت آیت الله خسروشاهی، بعد از ادای نماز مغرب، به طور ناگهانی دار فانی را وداع کردند؛ در صورتی که روز اول فروردین در منزل خود از واردین و تبریک گویندگان عید نوروز پذیرایی می نمودند، روز دوم انتشار خبر تأسف انگیز، اهل شهر را دچار بهت و ماتم نمود.

جمعیت از هر طرف به سوی منزل آیت الله فقید رهسپار شدند. منزل و کوچه های اطراف، مملو از جمعیت بود. تمام علمای شهر در منزل فقید سعید به حال سوگواری اجتماع نمودند.

در ساعت ده صبح، جنازه در میان احساسات تأثرآمیز جمعیت کثیری که به

چندین هزار بالغ می شد، به طرف مقبره سید ابراهیم حرکت داده شد. حزن و اندوهی که در میان مشیّین حکم فرما بود، کم نظیر بود. دسته های عزای مختلف، هر آن به جمعیت ملحق می شد. در اثنای راه مکرراً توقّف کرده، سوگواری و قرائت فاتحه به عمل می آمد و بعد جنازه به راه می افتاد. در محوطه وسیعی که در جوار مقبره واقع است، جنازه برای نماز میت به زمین گذاشته شد.

بعد از انجام مراسم نماز، جنازه فقید به مقبره قریب مزار سید ابراهیم نقل شد و مراسم تدفین به طور امانت انجام گردید. ساعت یک بعد از ظهر، مراسم تدفین خاتمه یافته و مشیّین با حزن و اندوه غیر قابل توصیفی مراجعت نمودند.

از عصر همان روز، مجلس ترحیم در مسجد آیت الله شروع گردید و در مساجد دیگر، در بازار و محله ها ادامه داشت. مردم که از فقدان غیر مترقب متأثر بودند، برنامه های عید و دید و بازدید خود را تعطیل کردند و در مجالس ترحیم عصر و صبح حاضر می شدند.

آخرین مجلس ترحیم، در مسجد سید حمزه از طرف علما و اهالی محله سرخاب منعقد بود. در این مجلس، فرزندان آیت الله فقید با اظهار تشکر از احساسات و قدردانی از اهالی، خواهش کردند که مجالس ترحیم ختم بشود.

حضرت آیت الله خسروشاهی، از علمای طراز اول آذربایجان بودند و عمر هفتاد و سه ساله خود را با خدمت به دین، تبلیغ، امر به تقوی و پرهیزکاری، تدریس، تربیت طلاب و تألیف کتب دینی به سر رسانیدند و در قلوب متدینین، علاقه مخصوصی نسبت به آن مرحوم موجود بود.

تصادف وفات آیت الله خسروشاهی با رحلت های متوالی آیت الله شهیدی و آیت الله حجت، حزن و اندوه مردم را بیشتر کرده و باعث اندیشه شده است. خبر رحلت آیت الله، با تلگراف به مراکز اطلاع داده شده بود. در قم و نجف الاشرف و مشهد، از طرف علما و مراجع مجلس منعقد گردید. در تهران از طرف دربار، در مسجد سلطانی و بعد، از طرف علما و اهالی در مسجد ترک ها مجلس ترحیم برگزار شد.

ما این مصیبت را به جامعه روحانیت و طبقات مسلمین تسلیت عرض می کنیم.»

روزنامه توحید افکار، علاوه بر نوشته های فوق، شرح زندگانی آیت الله مرحوم را

در صفحه 3 همان شماره چاپ کرده است و چون ما خود شرح زندگانی آن مرحوم را در صفحات بعدی خواهیم نوشت ، لذا از نقل آن خودداری می کنیم

روزنامه تبریز، سال چهل و چهارم شماره 16، در صفحه اول می نویسد:

روز شنبه ، اول فروردین ماه ، حجّت الاسلام حاج سید مرتضی خسروشاهی (حشره الله تعالی مع التّبی المختار) از جوه اهالی به مناسبت عید شریف باستانی پذیرایی می کردند، شب یکشنبه که شب دوم فروردین ماه بود، دعوت حق را لبیک گفت .

ای بسا عقاید مقبول که عقل هر عاقلی می پسندد و پایه های ایمان مؤمنین را محکم می نماید، گاهی خودنمایی هم می کند. این سید و عالم جلیل القدر گذشته از ترویج احکام شرع مبین ، در اثر اعمال نیک و اخلاق حسنه ، با ترک نمودن این دنیای بی وفا، جامعه آذربایجانی را اندوهگین و عزادار نمود.

اول در مسجد خسروشاهی (مسجد خودشان) مجلس فاتحه خوانی بسیار باشکوه از طرف قوم و اقربایشان فراهم و بعد از طرف آقایان حجج الاسلام در مسجد بزرگ آیت الله شهیدی مجلس عزایی برپا بود.

مرحوم آیت الله خسروشاهی ، این دار فانی را وداع فرمود و روح مطهرش به شاخسار جنان پرواز نمود و از این مصیبت جگرسوز و غم اندوز، تمام علاقه مندان چنان متألّم و متأسف شدند که ذکر آن ممکن نیست .

جنازه آن مرحوم را در مقبره امامزاده سید ابراهیم دفن نمودند. عجب تشییع جنازه ای اهالی تبریز نمودند، صغیراً و کبیراً، خاص و عام، مهموم و مغموم در مشایعت حاضر بودند، چنین تشییعی به جهت هیچ یک از علمای اعلام دیده نشده بود.»

دانشمند محترم حجّت الاسلام شیخ ولی الله السرابی - که صاحب تألیفات عدیده بوده و یکی از دانشمندان بنام آذربایجان هستند و فعلاً هم ریاست حوزه علمیه سراب

به عهده ایشان است (1) - در همان ایام، شرح حال آیت الله را در نشریه ای مستقل انتشار

دادند که اینک چند سطر آن را برای مزید اطلاع خوانندگان عزیز می آوریم:

... حضرت آیت الله الـكـبـرى و آن قائد عظیم الشان که به رحلت آن، ایام عید بر عموم طبقات اهالی آذربایجان، به ویژه به حضرات آقایان اهل علم و دانش، مبدل به سوگواری شد، در واقع استادالکُل در علوم اسلامی علی الخصوص در فقه جعفری و مقبول دلپسند تمام طبقات اهل علم و مسلمین بوده و سال های سال، پس از فراغ از تحصیل علم و اخذ نصیب خودشان از بحار علوم اسلامی در نجف و حوزه های علمیه نامی، در منزل خودشان مشغول تدریس علوم دینیّه از فقه و اصول و تربیت طلاب و فضیلاب اهل علم شده و آنی غفلت نورزید.

هزاران نفر از علمای اعلام، از حوزه درس آیت الله در اثر تربیت ایشان به درجه کمال علماً و عملاً رسیده و حوزه های علمیه نامی شهرستان ها و قصبات را اشغال و مشغول تدریس و تبلیغ احکام هستند.

از این جهت است که تمامی مسلمین و دانشجویان با چشم گریان در فوت آن فقید، سرا پا غرق به ماتم هستند.

آیت الله فقید، عالم بزرگ و متعصب در دین بود و در همه اوقات در ترقی و تعالی علم و دین و حفظ ناموس الهی مواظبت داشت، و تا اینکه کارهای شخصی خود را به عقب می انداخت و اقدام بر اصلاح و پیشرفت اوضاع اجتماعی دینی، به طرز مخصوصی که عنوان دیانت باقی بماند، از جهت فرط شوق به عالم دیانت می نمود...»

جراید دیگری هم در این موضوع مطالبی نوشته اند که چون بنا بر اختصار است، از نقل آن ها خودداری گردید و اینک به نقل مطالب چند کتاب درباره آیت الله مرحوم مبادرت کرده و سپس به نوشتن شرح حال آن مرحوم خواهیم پرداخت.

ص: 78

الذریعه الی تصانیف الشیعه، تألیف آقا بزرگ تهرانی که تاکنون (1) هشت جلد آن

منتشر شده است، در صفحه 482 جلد دوم در ضمن کتاب شماره 1894 می نویسد :

اهداء الحقیق، معنی حدیث الغدیر الی آخیه البارع البصیر الشیخ محمد صدیق، از علمای عامّه، ساکن قریه حمامیان از دهات آذربایجان را سید مرتضی بن سید احمد بن سید محمد حسینی خسروشاهی تبریزی، در سال 1352 تألیف کرده و در سال 1353 در نجف اشرف طبع شده، و آن کتاب جلیلی است در باب خود و ممتاز است به قوت حجّت و جودت بیان، از تحقیق معنی «مولی» ابتدا شده و انتقاد کرده از کلام فخر رازی در مقام، و در مقامات دیگر از تفسیر آن، و متعرّض شده بر اثبات اولویه اتباع طریقه امامیه، و دفع کرده بعضی از اوهام (خرافات) وهابیّه را، و ایشان از مبرزین و از خانواده علم هستند، جدّ ایشان سید محمد بن علی بن ابی الحسن - از شاگردان علامه انصاری - و مؤلف مشکاه المصابیح در سال 1296 می باشد چنان که می آید، و والد ایشان سید احمد هم از اجلّه علما بود و در بقیع، در سال 1326 دفن گردیده است.

سخن کتاب کنز الحسینی ... در جلد دوم دیوان کنز الحسینی، چاپ سال 1317 شمسی که به قلم نویسنده شهیر و ادیب دانشمند آقای آقاسید رضا حسینی (معروف به سعدی زمان) تنظیم شده، در صفحه 250 چنین آمده است :

بیر سید جلیل، کی عالم دی دهر ده *** معروف دور، امام جماعتدی شهر ده

کمیا بدور نظیری اونون فضل و حلمده *** غوّاص وار اوزی متبحّر دی علمده

همتا مدور ولیّ خدایه، او مقتداء *** خسرو شهیدی شهرتی، اوز آدی مرتضی

بر گون که منبری واریدی ذکر و صحبتی *** فرمایش ایلدی او، همین بوروایتی

ص: 79

سعدی زمان، شاعر خوش قریحه و معروف آذربایجان که کتاب هایش چندین مرتبه چاپ شده، در جلد دوم کنز الحسینی، پس از چهار بیت فوق، روایتی را که مرحوم آیت الله در منبر ذکر فرموده اند، به نظم در آورده است که نقل آن را در اینجا بی مناسبت دیدیم. طالبین به خود کتاب مراجعه فرمایند.

سخن علماء معاصرین

در کتاب علماء معاصرین که در سال 1366 در تهران چاپ شده است، در صفحه 252 تحت عنوان حاج سید مرتضی آقا خسروشاهی، پس از نوشتن مختصری از شرح حال و نام کتاب ها و استادان و نام آقایانی که آن مرحوم از آن ها اجازه اجتهاد داشته اند، مؤلف محترم آن کتاب، آقای حاج ملا علی واعظ خیابانی، از قول حجت الاسلام آقای سید ابوالفضل می نویسد:

مؤلف گوید: مترجم معظم از طراز اول علما و طبقه اولی از فقها تبریز می باشد، عالم تقی نقی، و فاضل زکی ذکی و فقیه بارع جامع، در امر به معروف و نهی از منکر متصلب، و در حفظ قوانین دینیّه و نوامیس شرعیّه و حرمان الهیه متعصب، خشن فی ذات الله، لا یخاف لومه لائم، جمع کثیری از تبلیغات منبری آن عالم متبحر، متنبّه و جم غفیری از طلاب و محصلین از تدریس و تعلیمات دینی آن فاضل یگانه و عالم و متفقه، مخصوصاً در صفت کریمه تعفّف، متفرد و حفظ حیثیت و وضعیّت و صیانت نفس خویش، نذیر التظیر است.

در این مدت چهل سال، با این تفرّق آرا و تشّت هوا و اختلافات مسلک - که هرگز در این گونه اختصارات نمی گنجد و عشری از معشارش بیان نمی شود - ابدآقدمی از وظیفه شرعیّه خود بیرون ننهاد، و کلمه حق و طریق قویم دین حنیف را بدون مزاج جوئی و اقتراح مستمعین در منبر و محضر اعلان و ابلاغ فرموده و در هیچ حکمی از احکام و بیان حلال و حرام و توضیح بدعت و سنّت و کشف ظلم و عدل به هیچ وجه مبهم و توریه و مسامحه و مداهنه ننموده اند، و بسیار کریم النفس و سخی الطبع و عالی همت هستند.

ص: 80

در سفر اول حج سال 1331، در مراجعت از مکه معظمه إلى تبریز، با ایشان بودم، و محرم 32، در کشتی نماز جماعت با ایشان و موعظه و روضه با اینجانب، با جمع کثیری از اعیان و تجار تبریز منعقد بود. در آن سفر، مراتب علم و ورع معظمه به همه معلوم و مبرهن گردید.

سخن آثار الحجّه

در جلد دوم کتاب آثار الحجّه، تألیف آقا شیخ محمد رازی - که اخیراً در قم چاپ و منتشر شده است - در صفحه 231 مختصری از شرح حال آن مرحوم به عربی آمده است که اینک ترجمه آن از نظر خوانندگان عزیز می گذرد :

علم الحجّه، آیه الله الکبری، الحاج سید مرتضی الخسروشاهی التبریزی (اعلی الله مقامه) ابن العلم الحجّه، المحقق الحاج سید احمد الخسروشاهی .

به درستی که آن مرحوم (قدس سره) در تمامی عمر خود، مواظب عمل و صلاح بود، بلکه همیشه به تدریس اشتغال داشت و تدریس آن مرحوم، به وجهی بود که طلاب فقه و علم بر آن رغبت می کردند و از این لحاظ، همه منقاد و جمیع اهل علم به آن مرحوم خاضع بودند و به فقه و فقاہت آن مرحوم اقرار کرده اند. آن مرحوم، مقتدا و پیشوا بود و از علم ایشان جمع کثیری از معمرین اهل علم استفاده نمودند؛ به طوری که هر روز به منزل آن مرحوم برای کسب علم و استضائه از نور دانش و اخذ هدایت از ظلمات جهل به دور شمس هدایت آن مرحوم جمع می شدند. عابد و مجتهد بود و بر اقامه ستون علم اشتغال داشت و بر بزرگی علم و جلالت شأن آن مرحوم کفایت می کند، در تهران هم اول از طرف وزارت دربار در مسجد شاه و سپس از طرف آذربایجانی های مقیم مرکز در مسجد ترک ها، و در مشهد مقدس هم از طرف علما، و در قم هم از طرف آیت الله بروجردی و علما، و در نجف الاشرف هم از طرف آیت الله خویی و سایر علما، مجالس ترحیم منعقد گردید.

و بعداً در تبریز به مناسبت چهلمین روز باز هم مجلس ترحیمی منعقد کردند و در آخر سال، باز هم به مناسبت یکمین سال وفات مجلس سوگواری و عزا برپا

گردید، و یک قطعه شعر مفصلی هم در آن ایام چاپ کردند که آن اشعار ترکی هستند و لذا در اینجا نقل نکردیم .

و چند ماه پیش هم می خواستند که جنازه آن مرحوم را به نجف الاشرف نقل کنند و از این جهت ، اعلان کردند و علما و سایر طبقات جمع شدند، ولی متأسفانه در نتیجه کارشکنی های عدّه ای مغرض! دولت هم با بهانه جویی های عجیب و غریبی ، مانع نقل جنازه شدند و لذلک به قبر دست زده نشد و همچنان در مقبره سید ابراهیم جنازه آن مرحوم به ط ور آمانی باقی است ، ولی به یاری خدای توانا، به زودی جنازه ایشان به نجف حمل خواهد شد.

محلّ تولد نجف الاشرف و نسب آن مرحوم ، بنا به تقریر ولد اکبر ایشان ، عالم جلیل آقا سید ابوالفضل خسروشاهی ، با 36 واسطه به امام سبط شهید حضرت ابی عبدالله(علیه السلام) متّصل می شود.

تاریخ وفات: در شب 6 رجب سال 1372 هجری مطابق شب دوم فروردین ماه سال 1332 شمسی .

مدت عمر: ایشان 73 سال ، عزیز و سعید زندگانی کرد و وفات نمود و ترک اولاداً صلحاء.

مجالس ترحیم

پس از وفات آیت الله، نخست در مسجد خودشان و سپس در مسجد مرحوم آیت الله شهیدی ، مجلس ترحیم برپا شد و بعداً نیز در تبریز در متجاوز از بیست محلّه ، مجلس ترحیم برپا کردند و عاقبت هم بنا به تقاضای باقی ماندگان آیت الله مرحوم ، مجالس ترحیم را ختم کردند. و در شهرهای دیگر آذربایجان هم ، مجالس ترحیم برپا شد که من جمله «خطیب» و «خوی» و «خسروشاه» را در چند فرسخی تبریز، می توان نام برد.

تاریخ تولد و مختصری از شرح زندگانی

آیت الله سید مرتضی خسروشاهی ، در تاریخ 14 شوال 1299 هجری ، در نجف اشرف متولد شده و سپس به اتّفاق والد ماجدش ، به تبریز آمده و مشغول تحصیل

ص: 82

گردید. مقدمات و فقه و اصول را در تبریز خوانده و در بیست سالگی، برای ادامه تحصیل به نجف اشرف عزیمت فرمودند.

و پس از تکمیل تحصیل و ارتقا به مقام عالی اجتهاد، دوباره به تبریز برگشته و مدت پنجاه سال، مشغول انجام وظایف روحانیت، از قبیل امر به معروف و نهی از منکر، تدریس به طلاب و وعظ و خطابه در هر روز جمعه و غیره شدند و روزها در مسجد بزرگ خودشان در بازار، و شب ها هم در مسجد واقع در خیابان تربیت - معروف به مسجد مناره - اقامه نماز جماعت می کردند و علاوه بر روزهای جمعه، ایام محرم و رمضان را نیز در مسجد خود به منبر می رفتند.

نسب آیت الله

آن مرحوم، پسر حجج اسلام و آیات عظام: حاج سید احمد خسروشاهی، پسر حاج سید محمد که ایشان هم پسر حاج سید علی، و او هم پسر سید ابی الحسن - از شاگردان مرحوم علامه شیخ مرتضی انصاری - بوده و با 36 واسطه، نسبش به امام حسین (علیه السلام) می رسد.

فرزندان آیت الله

مرحوم آیت الله خسروشاهی، دارای هشت فرزند هستند که پنج نفر از آن ها پسر و به ترتیب عبارتند از: حجّت الاسلام آقا سید ابوالفضل و حجّت الاسلام آقای آقا سید احمد، که هر دو از علمای معروف شهر تبریز هستند و در مسجد خسروشاهی منبر رفته و اقامه نماز جماعت می کنند، و آقایان آقا سید محمد و آقا سید جعفر، که در بازار مشغول کسب و تجارت هستند، و آقای سید هادی هم که کوچک ترین فرزند مرحوم آیت الله خسروشاهی هستند، مشغول تحصیل علوم اسلامی می باشند. (1)

تبعید به سمنان

قریب سی سال پیش، (2) یعنی در سال کشف حجاب (1314)، معروف به سال قیام،

ص: 83

1- القاب و عناوین مربوط به 65 سال پیش است. به تاریخ نشر این مطالب - 1332 ش - توجه نمایید.

2- به تاریخ کتابت این مقال - 1332 ش - دقت شود.

رضاخان، آیت الله سید مرتضی خسروشاهی و عدّه ای دیگر از علما را به علّت مخالفت با افعال او دستگیر کرده و به سمنان تبعید کرد.

آیت الله خسروشاهی و سایر زندانیان، پس از مدت مدیدی زندانی شدن، آزاد گردیدند. آن وقت آیت الله و اغلب علمای تبعیدی به مشهد مقدّس رفتند و فعلاً هم عدّه ای، از همان وقت در مشهد مقدّس به سر می بردند، ولی آیت الله خسروشاهی پس از شش ماه اقامت در مشهد، بنا به تقاضا و اصرار اهالی آذربایجان به تبریز برگشتند و پس از برگشت، همچنان در مسجد بزرگ خودشان، با ایراد خطابه های آتشین به مبارزه خود علیه دشمنان اسلام ادامه دادند و این تبعیدها و کار شکنی ها و این ترور و وحشت ها، در روحیه ایشان اثر نکرد.

آری، او مسلمان بود و مسلمان هرگز از گفتن و نوشتن «حق» و لو اینکه علیه خودش بوده باشد، نمی ترسد و از این لحاظ، ایشان از تهدیدها و اشکال تراشی های پلیس و سایرین نترسید و همیشه دشمن ظالم و یار مظلومان بود.

... و در موقع حکومت پویشالی پیشه وری ها هم، ایشان بدون ترس و واهمه، مطابق معمول در مسجد خود به منبر می رفتند و مردم را موعظه کرده و گفتنی ها علیه خائنین دین پاک و مقدّس اسلام را می گفتند و در نتیجه، حکومت قلابی دموکرات ها، نام آیت الله را در لیست اشخاصی که می بایست در روز معین (عید خون) که قرار بود عدّه ای از علما و رجال آذربایجان کشته شوند، نوشته بودند، ولی به حکم اینکه اگر شما خدا را یاری کنید خدا هم شما را یاری خواهد کرد، پیشه وری و سایر بیگانه پرستان در شب عید خون! فرار را بر قرار ترجیح دادند!

خلاصه اینکه آیت الله مرحوم، از هیچ نیرویی به جز از خدا نمی ترسید و با کمال شهامت و مردانگی، گفتنی ها را بی پرده برای خلق مسلمان آذربایجان بیان و تشریح می کردند و حتی با اشخاصی که زیر ماسک مشروطه خواهی، افعال و اعمال ضدّ اسلامی و ضدّ انسانی انجام می دادند، شدیداً مبارزه می کردند.

آن مرحوم، دارای صفات برجسته انسانی بود و در میان عام و خاص، دوست و دشمن، به تقوا و پرهیزکاری و زهد و ورع متّصف بودند و به طور کلی می توان گفت

که آن مرحوم یک نمونه کامل از انسان مسلمان واقعی شمرده می شدند و هیئات که مادر روزگار، فرزندی چون او، تحویل جامعه اسلامیّت بدهد.

تألیفات و آثار آیت الله

آیت الله مرحوم، با کبر سن و کثرت مشاغل، در مواقعی که فراغت حاصل می کردند، مشغول تألیف می شدند که از جمله آن ها، کتب ذیل می باشد:

1. فوائد الأفهام فی قواعد الأحکام، در 300 صفحه، به قطع نیم ورقی (1)» در

فقه؛ (خطی)

2. نثرات الکوکب علی خیارات المکاسب، در 336 صفحه (2) این کتاب، در

سال 1370 در تبریز چاپ شده است و چون کتاب علمی است و اغلب دانشجویان دینی را قدرت خریدن آن نیست، لذا به وصیّت آن مرحوم، مجاناً برای دانشجویان داده شده است؛ (3)

3. هدایه الأئمه إلی زیاره الائمه. این کتاب را چون در تبریز اجازه ندادند که چاپ شود، در مشهد چاپ کردند؛

4. إهداء الحقییر إلی أخیه البارع البصیر. این کتاب را در ردّ اوهام و خرافات مذهب باطله وهابیه نوشته اند (4) و در خاتمه کتاب هم، به ملک ابن السعود پیام داده اند که:

علمای خود را وادار کند تا جواب آن را بنویسند! ولی کیست که بتواند دلایل منطقی آن کتاب را رد نماید؟

ص: 85

1- معرفی شده در الذریعه، ج 23، ص 213.

2- معرفی شده در الذریعه، ج 24، ص 50.

3- این کتاب چندی پیش پس از حروف چینی جدید با مقدمه اینجانب، در قم منتشر شد.

4- علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، این کتاب را این گونه معرفی نموده است: اهداء الحقییر بمعنی حدیث الغدیر، ... (الذریعه، ج 2، ص 482). مرکز بررسی های اسلامی حوزه علمیه قم، این کتاب ارزشمند را تحت عنوان معنی حدیث الغدیر، بهکوشش و مقدمه ای از امام موسی الصدر، در 192 صفحه رقعی، تجدید چاپ کرده است. این کتاب پس از ویرایش و تکمیل با مقدمه ای از حقیر با عنوان کلی: «معنی حدیث الغدیر» برای بار سوم از سوی انتشارات بوستان کتاب، در قم چاپ و منتشر شد. عنوان نوشته امام صدر بر این کتاب سابقات الغدیر نام دارد.

5. تعلیقہ استدلالیہ، بر بحث اجتهاد و تقلید از عروه؛(1)

6. رساله عملیه، در ضمن حاشیه بر رساله آیت الله اصفهانی (ذخیره العباد لیوم المعاد) چاپ شده است؛

7. مجلد الطهاره در حکم طهارت؛

8. إِمطار الدرّ فی مقدار الکُتر؛

9. ذروه العاده فی تبه العباده؛(2)

10. مختصر الکلام فی حکم السلام؛(3)

11. قمع الشکوک عن لباس المشکوک؛(4)

12. متنزه الاخبار، ادله کراهت تشبه به کفار؛

13. تسهيل التناول؛

14. فی أحكام الصّرفه المستحدثه؛

15. رساله فی التّقیه؛ 16. حاشیه عروه الوثقی؛

17. حاشیه بر قوانین؛

18. حاشیه بر رسائل شیخ انصاری؛

19. حاشیه بر شرائع؛

20. حاشیه بر شرح لمعه؛

21. حاشیه صید و ذباحت، مرحوم شیخ محمد حسن؛

22. حاشیه بر مناسک آیت الله بروجردی؛

23. رسائل مفرده در مسائل متفرقه؛

24. مواعظ و منابر، چهار جلد.(5)

علاوه بر این ها، آیت الله خسروشاهی، نوشتجات و آثار دیگری هم دارند که

ص: 86

1- معرفی شده در الذریعه، ج 13، ص 370.

2- معرفی شده در الذریعه، ج 10، ص 34.

3- معرفی شده در الذریعه، ج 20، ص 205.

4- معرفی شده در الذریعه، ج 17، ص 171.

5- اغلب کتاب ها و رساله های فوق مخطوط و در کتابخانه اینجانب - در قم - محفوظ است.

متأسفانه تکمیل نشده و در صورتی که آن ها هم تکمیل می شد، آن مرحوم در طی زندگانی خویش متجاوز از سی جلد کتاب تألیف کرده بودند.

چنان که در پیش نوشتیم ، وفات ایشان در شب 6 رجب سال 1372 هجری ، مطابق 2 فروردین ماه 1332 شمسی اتفاق افتاد و اسلامیان را در غم و اندوه غیر قابل توصیفی باقی گذاشت . رحمه الله علیه .

شعرای آذربایجان و آیت الله

پس از وفات آیت الله، عدّه زیادی از شعرای آذربایجان قطعاتی سرودند، ولی چون بنا بر اختصار است و نیز اغلب آن ها به زبان ترکی است ، و لذا نقل آن ها را مناسب ندیدیم و فقط قطعه ای را که عمده العلماء، دانشمندان محترم ، آقای آقا عبدالصمد دانایی تبریزی، متخلّص به «مقدم» به زبان فارسی در آن ایام در حوزه علمیه قم سروده اند، در اینجا درج کرده و به نوشته خود خاتمه می دهیم :

افغان و غم ، سراسر عالم فرا گرفت *** یا للعجب ، که صفحه عالم عزا گرفت

در گلستان ، به روی گل و غنچه ، بلبلان *** هر یک به جای زمزمه ، آه و نوا گرفت

افسوس از حوادث این روزگار دون *** خوشحالی جهان ، همه بر زیر پا گرفت

امروزها، ز جور و جفای گردش زمان *** انوار حق ، ز روی زمین برملا گرفت

رونق همه بر روی زمین بود، هر دمی *** اما به خود، ز اوج زمین ، آن سما گرفت

افسوس از آن چراغ هدی نور ایزدی *** که اسمی به خود ز اسم شه لافتی گرفت

ص: 87

خسرو شاهی که فخر بر همه مسلمین بود *** با این نشانه ، شهرت بس منجلی گرفت
دریای علم و کانِ ورع ، نام «مرتضی» *** این است اجل به بردن روحش ، رضا گرفت
تسلیم کرد روح به جانان و لیک او *** عالی مقام و منزلتی از خدا گرفت
بودی صفا به باغ دل یک رعیتی *** آمد اجل ز باغ رعیت ، صفا گرفت
از سر به پا، نشانه تقوا و زهد بود *** رفته و لیک منقبت اتقیا گرفت
حجّت بُدی ، چو شمس به اسلام و مسلمین *** آیت بُدی و ز نور تو، عالم ضیا گرفت
کی رفت از این سرای فنا آیتی ز حق *** دیگر کسی نظیر شده ، تا که جا گرفت
آمد ندای «قد ثلمت» آن زمان به گوش *** غمناک گشت و شور و نوا، زین ندا گرفت
مانند دهر، قلب «مقدم» از آن زمان *** هر روز و شب بدید و غم و هم بلا گرفت (1)

ص: 88

1- شرح زندگانی آیت الله سید مرتضی خسروشاهی، چاپ اول، 1332ش، به مناسبت دوّمین سالرحلت آیت الله خسروشاهی، به قلم سید هادی خسروشاهی، تبریز، 32 صفحه رقعی. مطالب جزوهچاپ شده در سال 1332 در اینجا پایان می یابد.

اجازات و: چند سند

اشاره

ص: 89

آیت الله سید مرتضی خسروشاهی به دلیل استعداد خدادادی و توان علمی پس از تکمیل تحصیلات در نجف اشرف، از برخی بزرگان حوزه های علمیه، اجازات اجتهاد و نقل اخبار و احادیث را دریافت کرد که متن برخی از آن ها را می آوریم :

1. اجازة اجتهاد و نقل حدیث از آیت الله میرزا محمد حسین نائینی :

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و أفضل صلواته و تحياته على من اصطفاه من الأولين و الآخرين و بعثه رحمه للعالمين محمد و آله الأئمة الطيبين الطاهرين الكهف الحصين و غياث المضطر المستكين و عصمه المعتصمين و اللعنه الدائمه على أعدائهم أبد الأبدین.

و بعد فإنّ جناب السید العالم المؤید و الفاضل الكامل المسدّد و عمدہ العلماء و نخبہ الأتقیاء، عماد الأعلام و ثقه الإسلام، جناب الآغا الحاج السید مرتضی التبریزی المعروف بخسروشاهی، قد بذل في تحصیل العلوم الشرعيه و المعارف الدينيه برهه من عمره و اشتغل به شطراً من دهره معتكفاً بجوار أمير المؤمنين - صلى الله عليه و آله الطاهرين - و مستمداً من الأساطين حتى أدرك مناه و نال مبتغاه، قد بلغ رتبه الاجتهاد مقرونه بالصالح و السداد، فلجنابه العمل بما يستنبطه من الأحكام على النهج المتداول بين المجتهدين الأعلام.

و لقد أجزت له أن يروى عني جميع ما صحّت لي روايته من مصنفات أصحابنا و ما رووا عن غيرنا، بطرق المنتهيه إلى أرباب الجوامع العظام و الكتب و الأصول و منهم إلى أهل بيت العصمه و موضع الرساله و مهبط الوحي و معدن العصمه - صلوات الله عليهم اجمعين - .

و أوصيه بملازمه التقوى و التحذر من أن تغره الدنيا، فإنّها بحر عميق و قد غرق فيها عالم كثير و لا ينجو منها إلا من عصمه الله تعالى و تمسك بالولاء و ركب سفينه التقوى عصمنا الله تعالى جميعاً من مرديات الهوى و وقفنا لما يحبّ و يرضى و أرجوه أن لا ينساني من صالح دعواته و السلام عليه و رحمه الله و بركاته، حرّر في رمضان المبارك

.1348

الأحقر محمد حسين الغروي النائيني - (مهر)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد المرسلين وخاتم النبيين محمد وآله الطاهرين ولعنه الله على أعدائهم أجمعين، من الآن إلى يوم الدين.

و بعد لما ابتليت الأمة بالبلاء وغشيهم الظلمه الظلماء وحيل بينهم وبين اللقاء والوصول إلى حضره وصي الأوصياء وولي الأوصياء إمام المتقين ويعسوب الدين وقوده الصالحين ناموس الدهر وولي الدهر - صلى الله عليه وعلى آبائه الطاهرين - لم يترك الناس خياراً ضالين لا يجدون حيله ولا يهتدون سبيلاً، بل نصب لهم الطرق وبيّن لهم ما ينجيهم من الضلاله والردى حيث أرجعهم إلى العلماء العاملين والفقهاء الراشدين الهادين المهتدين المقتبسين علومهم من مشاكي أنوار الأئمة الطاهرين صلوات الله عليهم أجمعين، لئلا يزول الحق ويغلب الباطل ولئلا يكون للناس على الله حجه بعد الرسل.

و من جمله من من الله عليه بذلك وخصه وحباه بهذه النعمه الجليله والموهبه العظمى السيد السند والفرد الأوحده ونعم الخلف لنعم السلف حضره السيد الأعلى الأمام والمجد والعالم المعتمد صاحب النقيه الزاكيه والقوه القدسيه الباهره كهف الأنام ركن الإسلام الحاج السيد مرتضى التبريزي الخسروشاهي - أطال الله بقاءه ومن كل مكروه وقاه - فإنه بحسن تأييد الله وفضله جد واجتهده فبلغ المأمول وحاز المسؤول ونال في الفروع والأصول مرتبه الاستنباط والاجتهاد، فيحرم عليه التقليد فيما يستنبطه من الأحكام الشرعيه عن أدلتها التفصيليه وللعوام أن يسترشدوه ويقلدوه في ذلك ويتبعوه، فاستجازني - أدام الله بقاءه - في ذلك، فاستخرت الله وأجزت له في ذلك، فليحمد الله على جزيل نعمه وعظيم عطائه وأسأله أن لا ينساني من صالح الدعوات كما لا أنساه إن شاء الله تعالى والسلام عليه وعلى جميع إخواننا المؤمنين ورحمه الله وبركاته، كتبه بيمنه الدائر، تواب أقدام العلماء؛ على اصغر بن محمد حسين التبريزي، في القميره الرضويه على مشرفها آلاف السلام والتحيه في اليوم الرابع من شهر شوال المكرم من شهر سنه 1347.

ابن حسن محمد علي اصغر - (مهر)

3. اجازة اجتهاد وروایت از آیت الله میرزا محمد نجفی :

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى جعل العلماء ورثة الأنبياء وفضل مدادهم على دماء الشهداء والصلوة والسلام على محمد أشرف أنبيائه وآله خير أصفياه واللعنة على أعدائهم أجمعين ، إلى يوم الدين .

وبعد، فإن من عنايه الله تبارك وتعالى ، ايجاد العلماء الأعلام لأستنباط الأحكام وإرشاد الناس إلى الحلال والحرام ، صوتاً لشريعته سيّد المرسلين وحفظاً للدين المبين ، ففرض على المسلمین تحصیل العلم بشرايع الإسلام وقواعد الأحكام وتنقيح مسالكها وتوضيح مداركها، فبادر إلى ذلك فى كلّ زمان جماعه من الأتقياء، فبدلوا مهجهم وأسهروا أعينهم وأتعبوا أبدانهم - جزاهم الله عن الإسلام وأهله خير الجزاء - وممن جدّ فى نيل هذا المرام واجتهد فى تحصیل هذا المقام ، العالم العامل والفاضل الكامل ، السالك مسالك التحقيق والعارج معارج التدقيق ، فخر المحققين وافتخار المدققين ، سيّد الفقهاء الراشدين وعماد العلماء العاملين ، السيّد السند والمولى المعتمد؛ السيّد مرتضى التبريزى الخسروشاهى - أيّده الله تعالى بحسن تأييداته - فإنه سلّمه الله تعالى ، قد قرء على الفحول أمّهات مسائل الفروع والأصول قرآنه تحقيقاً وتدقيقاً ، إلى أن بلغ بحمد الله تعالى مرتبه الاستنباط ووصل إلى درجه الاجتهاد، فليحمد الله تعالى على ما آتاه وليشكره على ما أولاه وأجزتُ جنابه أن يروى عنى كلّ ما صحّت لى روايته عن مشايخي العظام وأسائدي الكرام ، من الأخبار والآثار المرويه عن أئمّتنا الأطهار - صلوات الله عليهم - وأرجو من أخلاقه الكريمه ، أن لا ينساني من الدعوات ، سيّما عقيب الصلوات ، كما لا انساه إن شاء الله تعالى .

فى العاشر من شهر شوّال المكرّم 1347، الأحقر محمد النجفى مولداً وخراسانى مسكناً وموطناً عفا الله عنه .

محمد النجفى - (مهر)

ص: 95

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْعِلْمَ ذُرِّيَّةَ الْإِيمَانِ وَفَضَّلَهُ مِنْ أَعْمَارِ عَالَمِهِ
 الْمُتَهَيِّئِينَ وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى مُحَمَّدٍ الرَّسُولِ الْبَشَرِيِّ وَالْأَهْلِ الْخَيْرِ فِيهَا
 وَاللَّعْنَةَ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ فِي يَوْمِ الدِّينِ وَرَضِيَ عَنْكَ يَا صَاحِبَ
 عِلْمِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِجَاهِ الْأَعْلَامِ لِأَسْتَنْبَاتِ الْأَعْيُنِ
 وَأَرْشَادِ الْفُتُوخِ لِلْمَجَالِدِ وَالْمَحْرَمِ صَوْنًا لِشَرِيئَةِ سَيِّدِ الْأَرْوَاحِ
 وَحِفْظًا لِلدِّينِ الْبَيْتِ قَرِينِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ بِحَسْبِ الْمَشْرِقِ
 الْإِسْلَامِ وَقَوَاعِدِ الْأَحْكَامِ وَتَنْبِيهِ مَسَائِلِكُمْ وَأَوْضَاعِ مَسَائِلِكُمْ
 فَبِذَلِكَ وَفِيهِمْ وَأَسْمِعُوا أَعْيُنَهُمْ وَأَنْعِبُوا بِأَعْيُنِهِمْ اللَّهُمَّ
 الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ خَيْرَ بَيْتٍ وَبَيْتِ جَدِّ فِي بَيْتِ طَائِفَةِ الْمَلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ
 فِي مَحْسَبِ طَائِفَةِ الْقَامِ الْعَامِلِ وَالْمُضَامِلِ الْكَامِلِ الْإِسْلَامِ
 فَكُنْ مَسْأَلَةَ التَّحْقِيقِ وَالْمَعَارِضِ مَبَارِجِ الدِّينِ قَبْلَ تَحْقِيقِ
 الْمُتَقَرِّبِينَ وَخِطَابِ الْمَدِينِ سَيِّدِ الْفَقْهَاءِ وَالْمُرْتَدِّينَ
 عَادِ الْعِلْمَاءِ الْعَامِلِينَ السُّوْدَانَ وَالْمَوْلَى الْمُجْتَهِدِ الْكَبِيرِ
 مَرْيَمَ لَيْسَتْ بِمَرْيَمَ وَنَسِيَتْ بِرَبِّهَا إِنَّهُ تَعَالَى بِعِلْمِهِ الْكَبِيرِ
 فَاتَمَّ سَلْمُهُ اللَّهُ تَعَالَى قَرِيبًا عَلَى الْفُقَرَاءِ أَهْلِي الْمَسَائِلِ الْفُقَرَاءِ
 وَالْأَصُولِ قَرِيبًا تَحْقِيقًا وَبَدِيعًا إِلَى أَنْ يَبْلُغَ بِعَمَلِهِ كَمَالَهُ
 مَرْتَبَةَ الْأَسْطِطَاةِ وَصِلَ إِلَى مَرْتَبَةِ الْأَجْتِهَادِ فَلْيَعْرِضْ اللَّهُ
 عَلَى مَا آتَاهُ وَتَلَكَّرْ عَلَى مَا أَدْلَاهُ وَأَجْرِبْ جَنَابَهُ أَنْ يَرَى
 عَنِ كَلِمَاتِهِ لَيْسَ وَابْتِهِ عَنْ مَسَائِلِ الْعُلَمَاءِ وَأَسَائِلِ الْفُقَرَاءِ
 الْكِرَامِ مِنَ الْأَعْيُنِ وَالْمُرْتَبَةِ عَنْ أَسْمَاءِ الْأَطْفَالِ وَاللَّه

اجازه اجتهاد و روایت از آیت الله میرزا محمد نجفی

4. اجازة اجتهاد از آیت الله میرزا ابوالحسن انگجی و آیت الله حائری یزدی :

الحمد لله الذى جعل مداد العلماء أفضل من دماء الشهداء و صلّى الله على محمد خير خلقه و آله الذين اصطفى .

و بعد و لما كان مجارى الأمور و الحوادث الواقعه بمرّ الدهور بيد العلماء بالله، الأئمة على حلاله و حرامه ، الذين اصطفاهم الله تعالى و فضّلهم على الناس بمعرفه أحكام أهل البيت و معادن الوحي و مهبطه و روايه أحاديثهم و النظر فى حلالهم و حرامهم ، كما نطقت به أخبارهم و صدعت عنه صحاح آثارهم صلوات الله و سلامه عليهم .

ثمّ إنّ من جملة من وفقه الله تعالى شأنه للارتقاء بهذه الدرجة الرفيعة و حباه بفضله من الفضل ما خصّه بهذه الطائفة الجليله و جعله خلفاً للأسلاف الصالحين و آتاه ما زواه عن أكثر العالمين ، السيد السند و العالم المعتمد، جامع المعقول و المنقول ، المجتهد فى الفروع و الأصول ، صاحب القوّة القدسيّه مولانا السيّد مرتضى التبريزى الخسروشاهى - أطال الله بقاءه و أعطاه فوق ما يتمناه - فله الحكم و الفتوى و الرادّ عليه رادّ على الله.

كتبه بينماه الدائره ابوالحسن الحسينى التبريزى، عفا الله عنه و عن والديه ، فى 28 شهر رمضان المبارك 1347 (مهر).

بسم الله الرحمن الرحيم

صحّ ما رقمه - دامت بركاته - و هو ممّا صدر من أهله و وقع فى محلّه ، و أسأل الله أن يكثر أمثاله و أن يشيّد به الدين و يستدّ به أزر المسلمين و الملتمس من جنابه أن لا ينسانى من الدعاء، سيّما فى مظانّ الإجابة كما إنّى لا أنساه إن شاء الله .

حرّرها الأحققر عبدالكريم الحائرى

عبدالكريم بن محمد جعفر - (مهر)



اجازہ اجتہاد از آیت اللہ میرزا ابوالحسن انگجی تبریزی

و آیت اللہ حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی

5. اجازة آيت الله سيّد محمد كاظم يزدي طباطبائي :

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ربّ العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين ولعنه الله على أعدائهم أجمعين ثمّ السلام على إخواننا المؤمنين ، ألبسنا الله وإياهم جنن العافية وأنهلنا من عفوه المناهل الصافية .

وبعد فإنّه لا يزال يبلغنا عن الولد الجليل الماجد صاحب الفضائل والمحامد عنوان صحيفه الكمال وديباجه صفحه الجلال ، جذوه الفهم والذكاء وندوه العلم والعلاء ، سيف العلم المنتضى ولدنا الأعزّ السيد مرتضى أيده الله تعالى بتأييداته الجليله وسدده بتسديداتة الجميله وأمدّه بعناياته الكامله وأسعده بألطافه الشامله ما تقرّ به عيوننا وتتهجج به نفوسنا مع ما به من هدىّ وصلاح وتقوى ونجاح وكرم أخلاق وطيب أعراق وشرف ذات وحسن صفات وجدّ واجتهاد في إحراز كلّ فضيله وسعى واستباق لنيل المراتب الجليله ولاعروفقد استقى عرقه من منبع النبوه ورضع من ثدى الرسالة وعرق فيه أبوه عمده العلماء العاملين وصفوه الفضلاء الكاملين ، علم الأعلام وعماد الإسلام ، الفاضل الأوحد جناب السيّد أحمد ، لا زالت آيات فضله باهره وبحار علمه زاخره ، فهو ثمر ذلك الشجر وهلال ذلك القمر وقد أذنت له - أدام الله البارى علاه - فى جميع ما يعود إلى الحاكم الشرعى ، ممّا يقبل الإذن من الأمور الحسينية .

ووصيتى إليه و أليتى عليه أن يجعل التقوى شعارها دون الدثار والورع نجيّه وسميره دون الأخلاء والسّمّار وأن لا ينسانا من الدعاء فى الخلوات وأوقات الصلوات والسلام عليه وعلى جميع إخواننا المؤمنين المختلفين إليه والمترددين لديه ورحمه الله وبركاته .

حرّره الأحقر محمد كاظم الطباطبائي فى الرابع والعشرين من رمضان المبارك سنة 1323 .

محمد كاظم الطباطبائي - (مهر)

6. نامه ای از آیت الله سیّد کاظم یزدی طباطبائی :

- در پاسخ به نامه آیت الله حاج سید احمد آقا خسروشاهی -

بسم الله الرحمن الرحيم

ان شاء الله تعالى، از برکات اجداد طاهرين (صلوات الله و سلامه عليهم اجمعين) همواره به الطاف و عنايات خاصه حضرت اقدس احدیت (جلّت مواهبه) مخصوص بوده در ترویج دین مبین و تشیید مبانی شرع مطهر متین، مؤید و مسدّد و منصور خواهید بود.

خط شریف واصل، مندرجات و مضامین آن معلوم، استکشاف سلامت، موجب مسرت گردید.

حسب الاستصواب آن جناب، نوشته اذن از برای جناب آقای آقا میر محمدعلی ترکی در جوف است و کذا چند کلمه در خصوص قره العین معظّم آقای آقاسیدمرتضی (سلمه الله)، و چون استفسار حالات او را از چند نفر از موثّقین نمودم، بسیار مدح نمودند، از هر بابت من حیث الورع و التقوی و العداله و من حیث الفهم و الاستعداد، کمال مبالغه کردند، بسیار مسرور شدم و خواستم بنویسم به آن جناب که ایشان را رخصت دهند در آمدن به این صفحه، و چندی ماندن به جهت استکمال قوه و فعلیّت استعداد و ترقیّات کلیّه علمیّه بعضی مذکور نمودند که مزاج ایشان با هوای عربستان مساعدت ندارد، قدری دلگیر شدم.

خداوند عالم (عزّت أسماؤه) به حقّ اجداد طاهرين (صلواته عليهم) ایشان را در

ظلّ مرحمت جناب عالی سالم داشته، موفق بدارد و به مقامات عالیّه برساند. ادام الله تعالی توفیقکم و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته. همواره حالات سلامت را اطلاع داده، از دعا فراموشم نفرمایید.

الأحقر محمّد کاظم الطباطبائی

ص: 101

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شہادہ پر تعلق از ریگات اہلادھا ہرین صلوات اللہ وسلامہ علیہم جمعین سوا ذلک
وہن یاتھا حضرت اقدس احدیت صحت سوا ہبہ مخمض مجھ درو بہ
سین تشبیہ مبالغہ شیخ مطہرین توبہ وسعد و منصرف خواہید بود خط
وہم سندرہ است وضا بین ان صدم ہفت فسادت درجہ بر شہاد
حسب الکفر اب ان جناب نوشتہ اذن از بار جناب تارک میر جو علی کرک
در جوف بہت وکلہ چند کل در نظر سر ترہ العین منظم اقا سید سید کرک
و چون ہتفا رجعت اورا از چند نوز از مرتعین نمود ہست
از ہر بیت سن حیش الورع والنعوذ والمدادوسن حیش العلم اللہ
کمال صافند کردہ سبب رسد و رمدم و غور ہست بزرگسین جناب کہ
سبب فی ما رخصت و ہند و آمدن باہرین صغیر و جز ہر ماہن ہر
قوتہ و فعلیت سہماد و ترقیات کلہ علی بعض نکور ہندہ کر تراج
بہت بن باہر اسر حلسن مساعت نہار و ہر ہر و لکر سیدم
خداوند عالم عزت سہماد بحق اہلادھا ہرین صلوات اللہ وسلامہ
و در نظر صحت جناب عالم داشتہ سونج ہر رو ہفت
عالمیہ بر س نہ ادا ہر تعلق توہمکم و مسلم علیکم در علمہ ہر کار
ہمرا کہ کتاہہ سہماد سہ اولیہ دادہ از زہد فراہم ہر
اللہ صر ہر ہر علم اللہ علیہ

متن نامہ آیت اللہ سید محمد کاظم یزدی طباطبائی بہ آیت اللہ حاج سید احمد خسرو شاہی

حضرت مستطاب سیدالفقهاء و المحققین حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید مرتضی آقا خسروشاهی (دامت برکاته)

بسمه تعالی

به شرف عرض عالی می رساند:

ان شاء الله تعالی، همواره وجود مسعود، قرین صحت و اعتدال و در تأیید کلمه حقه و اعلاى اعلام دین مبین، مؤید و مستدام و منظور نظر حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) خواهید بود. مدتهاست که برخلاف مترقب، از الطاف عالی و مکارم اخلاق و محامد شمیم آن جناب مستطاب و المعلوم لدیکم از ارادت و اخلاص اینجانب از مجاری حالات کریمه و تقدم صحت و خدمات دینیّه که همواره ملتزم هستيد، اطلاع درستی ندارم، جز آنچه در اثر فحص و سؤال از السنه و افواه شنیده می شود. خالی از اقتضاء نبود که گاهی به دست خط مبارک یاد و شادم می فرمودید؛ اگرچه مختار آن جناب، عین صواب است.

تلوآ تصدیع می نماید: جناب سید الأفاضل الأعلام، ثقه الإسلام آقای سید نورالدین خودمان، به جهت انکسار مزاج و عدم ملائمت گرمای عراق متوجه ایران، شاید به همین جهت یا ضمیمه صله ارحام، سمت تبریز نیز توجه نماید و در عین حال، به جهت پیش آمدهای غیر مترقب دیون و مصارف فعلیه خود و عائله که همراه دارد و اختلال امور و انقطاع کثیری از جهات و عدم تمکن حضرت آقای میلانی از اقامه به تمام شئون ایشان دچار زحمات.

بناءً علیه، حضرت مستطاب عالی، آنچه مقتضای لطف و سوابق حسنه و مکارم شمیم و سجایای مرضیه می باشد، از اعداد و تسبیب و حث و ترغیب در تسدید خلّه و رفع اعواز

ص: 103

1- درباره آیت الله میرزا محمد علی اردوبادی فرزند آیت الله میرزا ابوالقاسم اردوبادی، (1312 - 1380ق) رجوع کنید به کتاب ارزشمند «مولود کعبه» ترجمه عالم و محقق گرانقدر حجت الاسلام جناب حاج شیخعیسی اهری با مقدمه و تحقیق حجت الاسلام علی اکبر مهدی پور، صفحه 76 - 33.

ایشان ، البته مرعی خواهید فرمود، لعله مکفی المؤمن و مقصیّ الدیون مراجعت نموده ، مشغول تحصیلات خود گردد، إن شاء الله تعالی و لکم الأجر الجزیل و الشکر المتواصل در این صورت مادّه لائقی را مهیّای ترقیات علمیه و خدمات دینیّه نموده و عندالله سبحانه مورد تقدیر شایان خواهید بود ان شاءالله تعالی .

تسلیمات وافر خدمت آقایان عظام آقای آقا میر ابوالفضل آقا و آقای آقا سید احمد آقا اهداء، و قوف بر شرح تقدّم صحّت آقای آقا میر ابوالفضل را طالبم.

و السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته .

الأحقر محمدعلی الغروی الاردوبادی

ص: 104

روستاهای ترکداری، صادق آباد و محمد آباد موقوفه جدّ بزرگوار آیت الله آقا سیّد محمد خسروشاهی در آذربایجان است. بخش عمده این موقوفه، طبق وصیّت، صرف امور خیریه می شود. افطاری در ماه رمضان، اطعام در ماه محرم، برگزاری روضه در ایّام خاص، زیارت در عتبات نجف، کربلا، قم، مشهد، کمک و مساعدت به طلاب خاندان و افراد نیازمند، خرید کتاب های علمی و فقهی، قسمت عمده مصرف موقوفه است.

البته وراثت و اولاد خاندان نیز سهمی از عوائد این موقوفه دارند و با ازدیاد وراثت در طول یک قرن و ربع گذشته، سهم ناچیزی به هر یک می رسد؛ مثلاً با تقسیم یک صد هزار تومان بین بیش از پنجاه نفر از وراثت، به هر یک دو هزار تومان می رسد! که به مطالبه آن نمی ارزد و اغلب وراثت زنده ترجیح می دهند که سهم آن ها هم صرف امور خیریه شود.

در گذشته، پدر بزرگوار و سپس برادر بزرگ آیت الله سیّد ابوالفضل خسروشاهی، متولّی امور موقوفه بودند و سپس برادر محترم آقای حاج سیّد جعفر خسروشاهی، مسئول آن بود و پس از فوت ایشان، اکنون گویا اداره اوقاف! به دنبال متولی شرعی نیست!

...قسمت عمده کتاب های خریداری شده برای کتابخانه خاصّ خاندان، از بودجه موقوفه ترکداری می باشد و وقف خاصّ اولاد گردیده است و اکنون قسمت عمده این کتاب ها در اختیار اینجانب قرار دارد که در کتابخانه عمومی مرکز بررسی های اسلامی قم - که در منطقه پردیسان توسط اینجانب تأسیس شده است - مورد استفاده طلاب و عموم علاقمندان قرار گرفته است.

از عجایب روزگار آنکه همسر مرحوم حجّت الاسلام آقا سیّد حسن قمی (در قم) و حجّت الاسلام شهید علی حیدری (در نهاوند) از عواید این موقوفه بهره می بردند؛ چون از سوی مادر، جزء وراثت محسوب می شدند.

قریه ترکداری، مانند بسیاری از روستاهای کشور، پس از تقسیم اراضی شاهانه! روبه خرابی گذاشت و با کوچ کردن بسیاری از روستاییان ساکن آن، به شهرهای دور و نزدیک، در واقع هم اکنون وضع خوبی ندارد.

به هر حال، متن اصلی وقف نامه که یکی از دوستان ارجمند در اختیار اینجانب قرار داد،⁽¹⁾ برای ذکر خیری از جد بزرگ و یادآوری نیت خیر ایشان در اینجا

نقل می شود.

متن وقف نامه موقوفه ترکداری

متن وقف نامه تاریخی املاک مرحوم آیت الله خسروشاهی با امضای علمای اعلام و بزرگان وقت، در تاریخ 1306 قمری:

هو الواقف

بعد الحمد و التّحیه و الثّناء، غرض از نگارش این کلمات واضحہ الدّلالات آن است که در تاریخ تحریر کتاب مستطاب، جناب مستطاب عمده العلماء العظام و زبده الفقهاء الکرام، سرکار حاجی سید محمد مجتهد (سلمه الله تعالی) ولد مرحمت و غفران پناه علمای احکام آقا سید علی ولد غفران مآب میرزا ابوالحسن الحسینی خسروشاهی الاصل، تبریزی المسکن (رفع مقامهما و علت فی فرادیس الخلد اقدامهما و اعلامهما) وقف مؤبّد و حبس مخلد شرعی نمود فی سبیل الله و وجوه الخیر و البرّ، تمامی چهار دانگ از جمله شش دانگ قریه ترکدار و چهار دانگ از جمله شش دانگ قریه صادق آباد، به انضمام چهار دانگ از جمله شش دانگ قریه محمّد آباد، هر سه متّصله به همدیگر و محال مهراں رود که جملتان عبارت باشد از دوازده دانگ شایع، از جمله هیجده دانگ آنها با جمیع توابع

ص: 107

1- متأسفانه به هنگام نگارش این سطور، نام ایشان را به یاد نیوردم و به هر حال، از ایشان «سپاسگزار یغانبانه!» دارم.

شرعیّه و عرفیّه از اراضی آبی و دیمی و جبال و تلال و عیون و انهار و دهکده و خرمنگاه و مزارع و مراتع و مرايض و چمن زار و یونجه زار و غیر ذلک ممّا یسمی تابعاً به انضمام شش دانگ جمیع طواحین و آب مختص آنها و تمامی شش دانگ یک قطعه باغ مشجر مع قنات مختص آن ، که همه در قریه ترکدار واقع است ، به انضمام شش دانگ طاحونه محمد آباد، به انضمام مزرعه سخسلو متصل به محمد آباد که در کنار رودخانه آجا....

و غیر ذلک ممّا یسمی تابعاً للقری المزبوره و حدود قرآء ثلاثه مزبوره از قرار تفصیل ذیل است که سال به سال جمیع حاصل منافع ، بعد از وضع مخارج لازمه و مبلغ پنجاه تومان حق تولیت متولی که هر سال از اصل منافع برداشته و تتمه را تنصیف نموده ، نصف آن را به اولاد ذکور و اناث واقف ، نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن ، علی کتاب الله و قاعده الارث: (للذکر مثل حظّ الأنثیین) قسمت نمایند و نصف دیگر آن را سال به سال به قرار تفصیل ذیل خرج و مصرف نمایند و تولیت آنها با خود واقف معظم له :

1. در نجف اشرف ، سه ماه تابستان ، طرف عصر و مغرب ، در صفوف جماعت آب سبیل نمایند، همه ساله؛

2. هر سال در نجف اشرف ، هر روز نائب الزیاره بگیرند، از جانب زیارت جامع کبیر للأئمه الأطهار (علیهم السلام)؛

3. در کربلای معلا هر سال نائب الزیاره بگیرند، هر روز زیارت وارث و هر شب جمعه زیارت جامع کبیر بخوانند و روز زیارت جناب عباس (علیه السلام) نمایند؛ 4. هر سال نائب الزیاره بگیرند، در کاظمین : و سُرَّ مَنْ رَأَى ... در حرم و شب های جمعه حضرت قاسم (علیه السلام)؛...

5. هر سال نائب الزیاره در مشهد مقدس و قم بگیرند و هر روز زیارت نمایند؛

6. هر سال حجّ میقات با زیارت مدینه منوره و ائمه بقیع : در هر یک ... زیارت ؛

7. هر سال تعزیه داری سید الشهداء در خانه پانزده روز مصرف نمایند؛

8. به مشغول تحصیل علوم دینیّه در عتبات عالیات که محصل اصول و فقه و از اولاد ذکور واقف و یا اولاد ذکور اناث واقف باشد هر سال...؛

9. در هر سال ، به فقراء اولاد و ذوی الارحام بتقدیم فقراء اولاد از بابت پول ... و زغال و هیمه و غیرها بدهند؛

10. در هر سال در ماه مبارک ختم کلام الله نمایند سه عدد...؛

11. در هر سال وقف کتب اصول و فقه و اخبار نمایند هر ساله...؛

12. به پیاده های زوار ائمه هدی : هر ساله بدهند...؛

13. اگرچه علاوه باشد متولی می بایست که هر سال مبلغ بیست و چهار تومان به مشغول علوم دینیّه از اولاد واقف به قراری که در فوق نوشته شده بدهند؛

14. در تقدیم و تأخیر مصارف مزبوره ، و مصرف در زیاد و کم نمودن آنها متولی مأذون است و الحاق بعضی امور خیریّه و حسبیّه ایضاً متولی مجاز است ؛

15. هر چه در دهات مزبوره ، محتاج به خرج بوده باشد، از بابت تنقیه قنوات و احداث قنات جدید و تعمیر... و تعمیر طواحین و بنا نمودن طاحونه جدید و سایر مخارجی که موجب آبادی دهات... بر مصارف مقرّره مفصله مقدّم دارند؛

16. هر سال از علاوه مزبوره پنج شب خیرات جناب سید الشهداء(علیه السلام) بدهند.

مادام حیاته باشد، و بعد از وفات ایشان با جناب مستطاب عمده العلماء و نخبه الفقهاء الکرام فخر المحققین و المجتهدین الدوحه اللامعه آقا سید احمد (سلمه الله تعالی) فرزند واقف معظم له می باشد که به استحضار و نظارت عالی جنابان سیادت و نجابت مآبان آقا میرزا ابوالحسن و آقا میرزا باقر، ولدان واقف (وقّهما الله تعالی) مراتب مزبوره مفصّله فوق را انجام دهد و هر یکی از ناظرین غایب و معذور و متوفی بوده باشد، به استحضار ناظر دیگر انجام دهد و اگر ناظرین هر دو غایب و معذور و متوفی باشند، متولی بالاستقلال مراتب مفصّله مسطوره را اقدام نماید و متولی مأذون است که شخصی امین و متدین را در جای خود نایب نصب نماید.

اگر مذکورین و خودش به سفر واجب و یا مباح برود، و اگر متولّی وفات نماید و او را پسر اکبر و ارشد نباشد، تولیت با ناظرین مزبورین باشد و اگر احدی از ناظرین وفات یابد، آن دیگری که حاضر است، تولیت با او باشد. ولد اکبر ارشد جناب آقا سیّد احمد معزّیّ الیه در تولیت به ناظرین مقلّم است و اگر ولد ارشد نداشته باشد و ناظر متولی منحصر به یک نفر باشد، از اولاد ذکور خود یا اولاد ذکور متولی سابق که اقل ناظر بوده، متولّی قرار دهد که بعد از وفات خودش، او انجام دهد و هکذا نسلاً بعد نسل از اولاد ذکور واقف متولی قرار دهد و اگر العیاذُ بالله اولاد صلبی متولی ها منقرض شدند، یک نفر ذکور از اولاد اناث واقف متولّی قرار بدهد، متولی آخر اگر در این مراتب مزبوره، خود متولی، متولی قرار ندهد، حاکم شرع جامع الشرائط به قرار تفصیل فوق متولی قرار دهد و اگر اولاد ذکور واقف منقرض شود، از طرف ذکور و اناث حاکم شرع نافذ الحُکم یک نفر از عدول ناس متولی قرار دهد، تا اولاد ذکور رشید از طرف ذکور یا از طرف اناث به هم رسد، بعد از آن تولیت به آن راجع شود و هکذا بدین رفتار نمایند و متولّی به هیچ وجه مأذون نمی باشد که دهات مفصّله مسطوره را و سایر توابع آنها و سایر املاک مسطوره را کلاًّ أو بعضاً زیاده از دو سال به اجاره دهد. باید از دو سال الی دو سال به اجاره بدهند و در اجاره دادن الی یک سال مأذون می باشند و صیغه وقف جاری و واقع گردید و تصرّف به عمل آمد. و کان و ذلک تحریر آفی غره شهر ذی القعدّه الحرام من شهر 1304 (هزار و سیصد و چهار).

نعم صحّ ما رقم و سطر فيه من البدايه إلى التّهایه حرّره بیده الفانیه

محمّد بن علی بن أبی الحسن الحسینی - (محل مهر واقف)

و در حاشیه آن آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

بين هذه الورقة وأصله الملحوظ المختوم ... طباق و وفاق في المتن و الحواشي و السجلات ، [محل مهر چهار نفر از علماء محترم]

هو الله تعالى

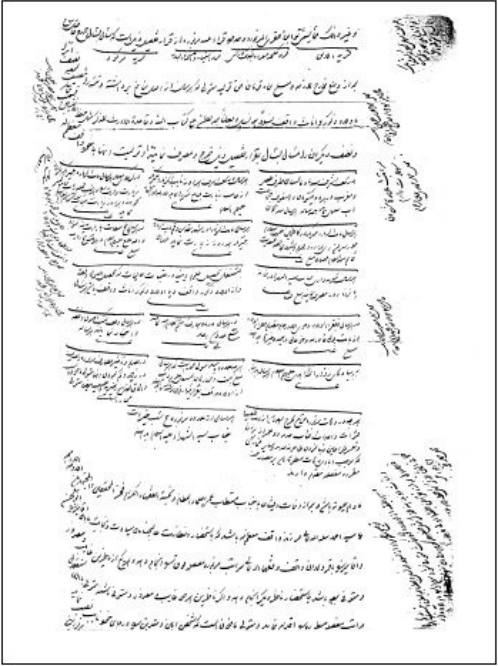
نعم قد أقر و اعترف الواقف الماجد الموفق (أصلح الله تعالى حاله و مآله و أيده الله تعالى و أبقاه) بتمام ما في الورقة من الوقف الصحيح الصريح الشرعي و القبض و جريان الصيغه حسبما فصل في الورقة لدى في 8 شهر رجب 1345.

حرره الداعي ، محل مهر حضرت عليين رتبت ، كروبي منزلت آقاي حاجي ميرزا جواد آقا مجتهد (أعلى الله مقامه).

ص: 111



صفحه اول سند مربوط به وقف ترکداری با مکتوبات شهود در حواشی



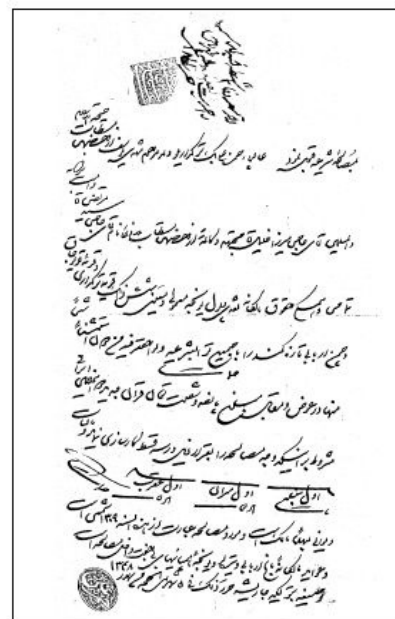
صفحه دوم سند مربوط به وقف ترکداری



صفحه سوم سند مربوط به وقف ترکداری

علاوه بر هزینه های خیریه ای متعدد مذکور، طلاب و اعضای خاندان، برخی از علمای آذربایجان و مراجع عظام بعدی مانند: آیت الله سید ابوالقاسم خویی، آیت الله سیّد محمد مولانا، آیت الله شیخ ابراهیم سلماسی کاظمی و ... در دوران تحصیل از درآمد این موقوفه برای ادامه تحصیل و اداره معیشت خود استفاده کرده اند که حاکی از درآمد مطلوب موقوفه و استفاده صحیح از آن است .

در اینجا چند مصالحه نامه اجاره این موقوفه و توابع آن، توسط مرحوم آیت الله حاج میرزا خلیل آقا مجتهد، با آیت الله حاج سید مرتضی خسروشاهی، متولی شرعی موقوفه ترکداری، و چند سند که موارد مصرف موقوفه را بازگو می کند، نقل می گردد.

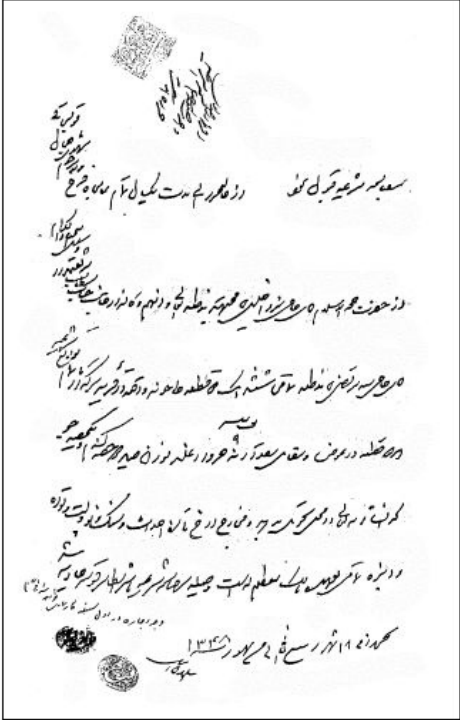


متن مصالحه نامه شرعیّه حاج میرزا خلیل آقا مجتهد (معروف)

با حاج سید مرتضی خسروشاهی درباره شش دانگ قریه ترکداری و توابع... (1)

ص: 116

1- با تشکر از جناب آقای دکتر هادی هاشمیان از پژوهشگران معاصر که این سه خاندان را در اختیار اینجانب گذاشتند.



مصالحه نامه دیگر

1. مبلغ یکصد و شصت و یک روپيه ، در وجه يازده تومان مال الوصيه مرحوم خلد برين آقاي حاجي سيد محمد خسرو شاهي (قدس سره) به جهت صرف هشت تومان در نائيب الزياره يك ساله عتبه مقدسه عراق عرب و سه تومان در قرائت قرآن و آب سبيل نمودن از حضرت مستطاب آقاي مباشر امور وصيت آن مرحوم به توسط و ايصال جناب مستطاب افتخار الذاکرين آقاي حاجي ميرزا علي اکبر آقا (دام بقاء) به اينجانب رسيد، في 16 صييام 1341.

حرره الفاني عبدالله المامقاني عفي عنه

(محل مهر)

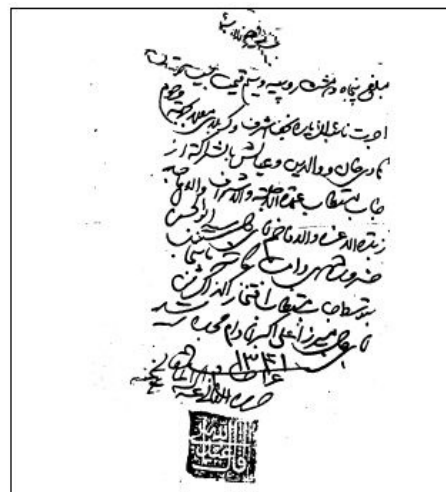
تصوير



2. مبلغ پنجاه و هشت روپيه و نيم ، قيمت بيست تومان اجرت نائب الزياره نجف اشرف و كربلاى معلّا به جهت مرحوم هادى خان و والدين و عيالش بالشراكه از جناب مستطاب عمده الأجلّه و الاشراف والد ماجد زبده الأعزّه و الأفاخم آقای سيّد ابوالحسن خسروشاهى (دامت برکاته)، به اينجانب به توسط جناب مستطاب افتخار الذّاكرين آقای حاجى ميرزا على اكبر آقا (دام مجده) رسيد. 16 صيام 1341

حرّره الفانى ، عبدالله المامقانى (عفى عنه) - محل مهر

تصوير

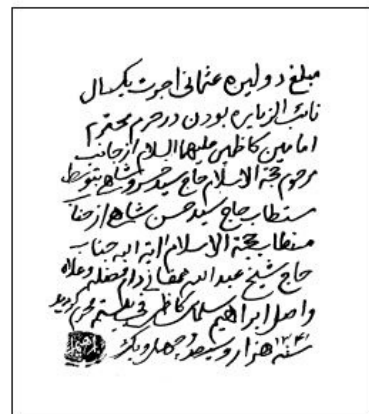


3. مبلغ دولیره عثمانی، اجرت یک سال نائب الزیارة بودن در حرم محترم امامین کاظمین 3 از جانب مرحوم حجّه الاسلام حاج سید خسرو شاهی، به توسط مستطاب حاج سید حسن شاهی از جناب مستطاب حجّه الاسلام آیت الله جناب حاج شیخ عبدالله ممقانی (دام فضله و علاه) واصل ابراهیم سلماسی کاظمی، فی بیستم محرم گردید.

سنه هزار و سیصد و چهل و یک (1341)

محل مهر (ابراهیم)

تصویر



ص: 121

4. مبلغ بیست و هشت روپيه... دوانه قیمت دوليره وجه نائب الزياره به زیارت امین الله از مرحوم مغفور خلد آشیان جنت مکان حاجی سیّد محمد خسروشاهی و یک زیارت جامعه کبیره از اجداد و جدّات و اولاد کبار مرحوم مزبور (طاب الله ثراهم) از جناب مستطاب آقای حاجی سیّد حسن آقای خسروشاهی (سلمه الله تعالی) به توسط حضرت مستطاب حجّه الاسلام والمسلمین آقای شیخ عبدالله (ادام الله ظلّه العالی) واصل اقلّ السادات هاشم الحسینی التبریزی گردید.

بتاریخ 20 محرم الحرام 1341.

(الراجی هاشم الحسینی)

محل مهر

تصویر

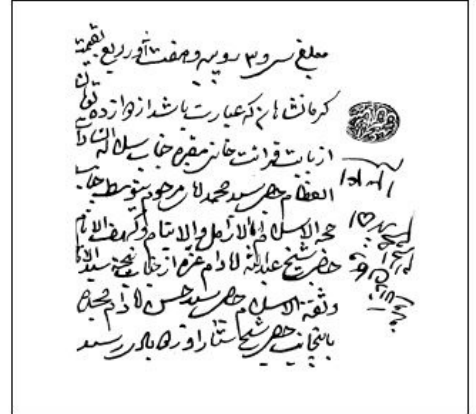


5. مبلغ سی و سه روپیه و هفت آنه و ربع به قیمت کرمانشاهان که عبارت باشد از دوازده تومان از بابت قرائت خانی مقبره جناب سلاله السادات العظام حاجی سید محمد آقای مرحوم به توسط جناب حجّه الاسلام أباالأرامل و الأیتام و كهف الأنام حاجی شیخ عبدالله آقا (دام عزه) از جناب نتیجه سید الأنام و ثقه الإسلام حاجی سید حسن آقا (دام مجده) به اینجانب حاجی شیخ ستار اردوبادی رسید.

و كان ذلك في 5 شهر محرم الحرام 1341.

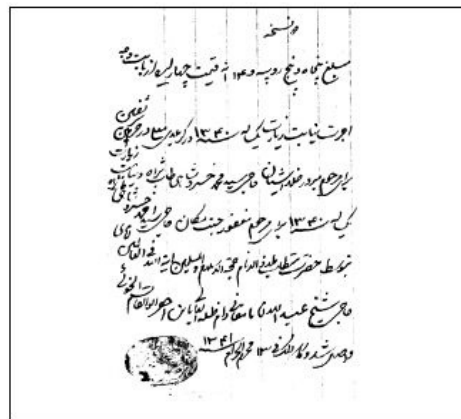
محل مهر (ستار بن عبدالحسين)

تصوير



6. مبلغ پنجاه و پنج روپيه و 14 آنه ، قيمت چهار ليره از بابت وجه اجرت نيابت زيارت يك ساله سنه 1340 در كربلاي معلّاه، در حرمين شريفين براي مرحوم مبرور خلد آشيان ، حاجي سيّد محمد خسروشاهي (طاب ثراه) و نيابت زيارت يك ساله سنه 1340 براي مرحوم مغفور جنّت مكان ، حاجي سيّد احمد خسروشاهي (طاب ثراه) به توسّط حضرت مستطاب ملاذ الأنام حجّه الاسلام والمسلمين آيت الله في العالمين آقای حاج شيخ عبدالله مامقاني (دام ظلّه العالی) به اين احقر ابوالقاسم الخوئي واصل شد، و كان ذلك في 13 محرم الحرام 1341، محل مهر.

تصوير



7. مقرّر و معترف گردید حاجی حسن ، خلف مرحوم حاجی علی حمزه معطوف بر اینکه موازی یک صد و چهل رویه انگریز (1) ، از بابت نیابت حجّت الاسلام زوجه آقای حاجی

میرزا هادی خان به توسط حضرت مستطاب عمده العلماء العظام وزیده الفقهاء الکرام آقای حاجی میرزا علی اکبر آقا واعظ تبریزی واصل اینجانب گردید و زیارت مدینه منوره هم خواهد نمود، فی 13 شهر ذی الحجه الحرام 1341.

(در حاشیه نوشته شده است:) به مطالب مزبوره شهادت دارم ، اقلّ السادات میر فتاح ، محل مهر.

حسین بن علی حمزه - (محل مهر)

صحیح است: محمد حسین خلیلی

محل مهر

تصویر



ص: 125

1- انگلیس .

8. مبلغ یکصد و چهل روپيه وجه نيابت حجّ ميقات و مدينه حاج سيّد احمد آقا خسروشاهی مرحوم از جناب حاجی میرزا علی اکبر (دام ظلّه) واصل و عايد اينجانب گردید.

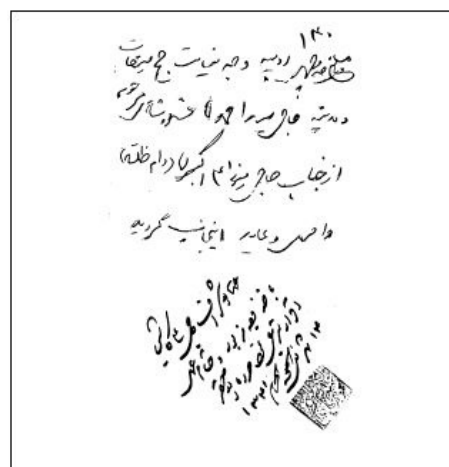
عمده الاشراف حاجی علی کاشی به اخذ وجه مزبور و ختام عمل اقرار شرعی نمود.

حرّره الاحقر 14 شهر ذی الحجّه الحرام 1341

(محمد بن عبدالکریم الموسوی)

محل مهر

تصویر

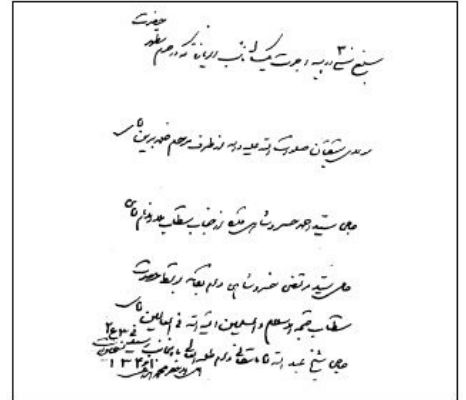


ص: 126

9. مبلغ سی روپیه أُجرت یک ساله نائب الزیارة که در حرم مطهر حضرت مولای متقیان (صلوات الله علیه و آله) از طرف مرحوم خلد برین آقای حاج سید احمد خسروشاهی (قدس سره) از جناب مستطاب ملاذ الأنام آقای حاجی سید مرتضی خسروشاهی (دام بقائه) به توسط حضرت مستطاب حجّه الاسلام و المسلمین آیت الله فی العالمین آقای حاج شیخ عبدالله مامقانی (دام ظلّه العالی) به اینجانب رسید.

فی 3/ع 1341/2 الأقل الأحققر محمدالداعی.

تصویر

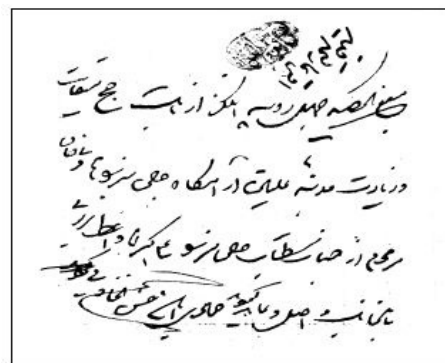


ص: 127

10. مبلغ یک صد و چهل رویه انگریز از بابت حج میقات و زیارت مدینه علیین آرامگاه حاجی میرزا هادی خان مرحوم، از جناب مستطاب حاجی میرزا علی اکبر واعظ تبریزی به اینجانب واصل و عاید گردید.

(در حاشیه) اقّر بما رقم فیه جمادی الثانی، حسن الخادمی

تصویر



همان طور که از این قبوض ملاحظه می شود، شخصیت های برجسته علمی و مراجع عظام بعدی، از عوائد موقوفه ترکداری استفاده کرده اند و البته از سوی دیگر، این سندها نشان دهنده وضع اسفناک مالی حوزه های علمیه هم می تواند باشد که شخصیتی چون آیت الله خویی برای تأمین هزینه تحصیل خود، ناچار می شود با مبلغ کمی به عنوان وجه نائب الزیاره بودن! به زندگی و تحصیل خود ادامه دهد.

ص: 128

مرحومان آیت الله سید احمد و فرزندش آیت الله سید مرتضی خسروشاهی در داخل جلد صفحه اول قرآن مجید، اسامی فرزندان و نوه های خود را با سلیقه خاصی چنین نوشته اند: (1)

[1] تاریخ ولادت اقلیلی، صبیّه، دهم شهر ذی القعدة الحرام، قدری به صبح مانده سنه 1315.

[2] تاریخ ولادت نور چشمی، سید کاظم، روز یکشنبه، تقریباً دو ساعت به ظهر مانده 26 شهر صفر المظفر سنه 1318. اللهم اجعله من عبادک الصالحین المعقّدين بمحمّد خاتم النبیین صلواتک علیه و آله.

[3] ولادت نور چشمی، سید ابوالفضل، فرزند نور چشمی آقا سید مرتضی، یوم چهارشنبه حوالی ظهر، هفتم شهر جمادی الاولی سنه 1320. اللهم احفظه بحقّ محمد و آل محمد و صیره عالمآ عاملاً ورعاً متّقياً.

[4] ولادت نور چشمی، آقا سید احمد، در شب بیست و ششم، وقت اذان صبح شهر ربیع الثانی من شهر سنه 1330. اللهم احفظه بحقّ محمد و آله و صیره عالمآ عاملاً ورعاً متّقياً.

ص: 131

1- ظاهراً تاریخ های تولد 1315، 1318 و 1320 یادداشت مرحوم آیت الله سید احمد یعنی جدّ امجد، و مابقی یادداشت مرحوم آیت الله سید مرتضی یعنی والد بزرگوار است؛ زیرا جدّ امجد به سال 1327 از دنیا رفته اند.

[5] تاریخ تولد نور چشمی، نرجس خاتون،... هفدهم شهر صفر الخیر من شهر سنه 1333.

[6] تاریخ ولادت صبیّه فاطمه علویّه مکنانه به امّ حبیبه، شب جمعه بیست و هفتم شهر شعبان المعظم، وقت اذان صبح سنه 1334. اللهم احفظها و اجعلها من شیعه علیّ ابن ابی طالب (علیه السلام).

[7] ولادت نور چشمی، آقا سیّد حسین، شب دوشنبه دهم شهر صفر، چهار ساعت و یک ربع از شب گذشته، من شهر سنه 1341. اللهم احفظه و اجعله عالماً عاملاً ورعاً متقیّاً بمحمّد و آله الامجاد، صلواتک علیهم اجمعین. (1)

[8] ولادت نور چشمی، سیّد محمد، در 24 شهر صفر من شهر سنه 1346، از طلوع آفتاب تقریباً سه ساعت گذشته. اللهم احفظه بحقّ محمد و آله و صبیّره عالماً عاملاً ورعاً متقیّاً.

[9] ولادت نور چشمی، سیّد جعفر، در شب 22 ربیع الاول، شش ساعت از شب گذشته سنه 1349. اللهم احفظه بحقّ محمد و آله و صبیّره عالماً عاملاً ورعاً متقیّاً.

[10] تاریخ تولد نور چشمی، بتول خانم، نیم ساعت به غروب مانده، یازدهم شهر شعبان من شهر سنه 1351.

[11] تاریخ تولد نور چشمی، جمیله خانم، دو ساعت الاّ یک ربع از شب 27 ذی الحجه الحرام گذشته من شهر سنه 1353.

[12] ولادت نور چشمی، سیّد محمّد هادی، یک ساعت و نیم گذشته از شب چهارم شهر شعبان من شهر سنه 1356. اللهم احفظه بحقّ محمّد و آله و صبیّره عالماً عاملاً ورعاً متقیّاً.

[13] ولادت نور چشمی، آقا سیّد جواد، فرزند میر ابوالفضل، شب 16 شعبان من شهر سنه 1366. اللهم احفظه بحقّ محمد و آله و صبیّره عالماً عاملاً ورعاً متقیّاً.

ص: 132

1. آیت الله سید ابوالفضل خسروشاهی

برادر بزرگوار، آیت الله سید ابوالفضل خسروشاهی، در سال 1320 هجری قمری مطابق با 1279 شمسی، در خاندان زهد و تقوا، علم و فقاہت، محراب و منبر، در تبریز به دنیا آمد... و به تحصیل پرداخت و پس از طیّ مقدمات در تبریز، برای ادامه تحصیل، راهی نجف شد و سالیانی دراز، در محضر اساتیدی چون مرحوم آیت الله میرزا ابوالحسن مشکینی (صاحب حاشیه بر کفایه) و مرحوم آیت الله ملا محمد ایروانی (صاحب حاشیه بر مکاسب) و مرحوم فیروزآبادی بزرگ و مرحوم حاج سید یونس اردبیلی و آیت الله سید ابوالقاسم خویی و دیگر علمای بزرگ نجف، به تلمذ پرداخت و سپس در دوران اختناق سیاه رضاخانی، به ایران بازگشت و در تبریز سکونت گزید...

مؤلف کتاب «آثار الحجّه» درباره او می نویسد:

... آیت الله سید ابوالفضل خسروشاهی، عالم زاهدی که همواره به پاسداری از شریعت و ارشاد مردم به راه حق و امر به معروف و نهی از منکر پرداخت (1)....

اما در آن دوران سیاه دیکتاتوری، دفاع از شریعت و بیان حقیقت، جرمی بود که رضاخان و مزدورانش آن را تحمل نمی کردند و به همین دلیل، و پس از افشای مفاسد کشف حجاب و زورگویی نظام رضاخان در این رابطه و هشدار دادن به مردم، با توقیف شبانه و ارباب ایشان که هم زمان با تبعید والد معظّم، مرحوم آیت الله حاج سید مرتضی خسروشاهی و دیگر علمای مبارز تبریز به سمنان بود، (2) مانع از ادامه

مبارزه شدند و برادر بزرگوار، از فشار و شکنجه و ظلم دژخیمان رژیم بیمار و بستری شد و یک عمر تمام، درد و رنج آن دوران را با خود همراه داشت....

ص: 134

1- محمد شریف رازی، آثار الحجّه، ج 2، ص 233.

2- به تاریخ 1314 شمسی که راقم این سطور هنوز به دنیا نیامده بود.

البته چیزی نگذشت که دوران باطل به پایان رسید و این بار، نه تنها پدر از تبعیدگاه برگشت، بلکه برادر دیگر آیت الله حاج سید احمد خسروشاهی هم از قم به تبریز آمد و به تعلیم و تربیت مردم و تدریس برای طلاب اقدام کرد و مبارزه برای طاغوت زدایی آغاز شد.

... سلطه ظالمانه عسس های دموکرات های وابسته به شوروی و اعلام تجزیه آذربایجان و تشکیل حکومت قلابی «آذربایجانین دموکرات فرقه سنین ملی حکومتی!» باعث شد که نبرد پدر و دو برادر علیه متجاسرین و نظام منحوسشان شدت یابد، تا آنجا که نام آنان، در لیست سرخ آقایان به اصطلاح دموکرات ها! جای گرفت و قرار بر آن بوده که در روز «قان بایرامی» - عید خون! - همراه چند نفر دیگر از علمای بزرگ مبارز تبریز، به دار آویخته شوند که این بار نیز با قیام مردم آذربایجان و فرار مزدوران وابسته به اجنبی، به آن سوی مرزها، دوران قلدری این گروه ستمگر نیز به پایان رسید و مسجد بازار تبریز، به عنوان سنگر تسخیرناپذیر پدر و فرزندان باقی ماند و از همان جا مبارزه با طاغوت ادامه یافت.

گفتنی است که پس از فرار سران فرقه دموکرات و تسخیر و آزادی شهر ما به وسیله مردم، سه روز بعد ارتش شاهی از «شهر میانه» وارد تبریز شد و بعد از آن، شاه به عنوان فاتح و ناجی! آذربایجان به تبریز آمد و علی رغم فشار و شرایط مساعد! روز، نه پدر و نه برادران، حاضر به دیدار با شاه در مدرسه طالبیه یا «محل استانداری» نشدند و این، روش همیشگی آنان با حکام بود که شرح و تفصیل آن در این مقال مختصر نگنجد.

اما نقل دو خاطره از چگونگی برخورد این برادر بزرگوار با طاغوتیان بی مناسبت نخواهد بود:

پس از قیام 15 خرداد و کشتار مردم و دستگیری امام، مبارزه در تبریز اوج گرفت... پرچمدار مبارزه، برادر بزرگوار آیت الله حاج سید احمد خسروشاهی و شهید آیت الله قاضی طباطبایی بودند.

تیمسار! سرتیپ مهرداد، رئیس شهربانی و ساواک تبریز، به دیدار برادر آیت الله آقا سید ابوالفضل آمده بود، تا توسط ایشان به برادر دیگر اخطار دهد که ادامه این

روش و تحریک مردم در مسجد بازار علیه قانون اساسی و مقدّسات! کشور قابل گذشت و اغماض نیست و این اخطار هم جدّی است .

برادر بزرگوار گفته بود: «وظیفه برادرم ، ابلاغ حق است و این تکلیف شرعی اوست و تشخیص چگونگی آن هم بر عهده من و شما نیست و من فکر نمی کنم که با اخطار شما، او از عقیده خود و بیان حقیقت دست بردارد...».

... و طولی نکشید که آیت الله حاج سیّد احمد همراه با شهید قاضی طباطبایی، حجت الاسلام و المسلمین حضرت آقای حاج سیّد مهدی دروازه ای، حجت الاسلام حضرت آقای حاج شیخ محمّد حسین انزابی (نماینده سابق تبریز در مجلس شورای اسلامی) و مرحوم حاج میرزا حسن ناصرزاده (واعظ) شبانه دستگیر و به زندان قزل قلعه تهران انتقال داده شدند.

چند ماه بعد، تیمسار! مهرداد به شیراز انتقال یافت و در آنجا به علت انحراف اخلاقی؟!، توسط نوجوانی به قتل رسید و موجب شرمساری بیشتر ژنرال های شاهی شد. بعد از مهرداد، قدر قدرت تبریز، سرهنگ سلیمی بود که او هم خود را یگه تاز میدان می دانست .

این بار، او برادر پیر و بیمار، آیت الله سیّد ابوالفضل را به ساواک احضار کرده بود، ولی چون او نرفت ، جناب سرهنگ به اخطار جدّی پرداخت و به نقل برادر دیگرم - آقای حاج سیّد جعفر خسروشاهی - که خود حاضر در جلسه بوده ، جناب سرهنگ به منزل ما آمده و هشدار داده بود که: او نمی تواند در منبر مسجد بازار، علیه رباخواری که سیستم بانکی مملکت بر آن استوار است ، سخن بگوید و آن را نوعی تحریک مردم! قلمداد کرده بود که باید تعهّد بدهد دیگر از این سخنان بر زبان نیاورد!...

مرحوم اخوی بزرگوار، از این وقاحت و بی شرمی برآشفته و گفته بود:

«من تعهّد می دهم که هر هفته درباره چگونگی احکام الهی ، از جمله حرمت رباخواری ، در مسجد تبریز صحبت کنم...!»

سرهنگ سلیمی از این گستاخی! یا صراحت یک روحانی ، خشمناک گشته و تلفنی خواستار شده بود که مأموری برای دستگیری و زندانی کردن ایشان اعزام شود،

ولی تا رسیدن مأموران، ایشان از آن منزل خارج شده بود و علی رغم تهدید، هر هفته در روزهای جمعه در مسجد بازار، بیان احکام همچنان ادامه داشت. ... انقلاب اسلامی پیروز شد و سرهنگ سلیمی هم در زیاله دان تاریخ، به مهرداد ملحق گردید و برادر پیر، بدون هیچ توقعی همچنان مدافع انقلاب باقی ماند، تا آنکه بیماری او شدت یافت و خود توانست به مسجد برود....

در اوایل انقلاب، روزی به من گفت: تو چرا به تبریز نمی آیی؟ مسجد خالی است. گفتم: آقا داداش! می دانی که خَلَقَ اللهُ لِلْحُرُوبِ و للمحراب رجالا! هر کسی، بهر کاری ساخته شده و من اگر برخلاف ذوق و استعداد خود کاری را انجام دهم، فکر نمی کنم که نتیجه مثبتی داشته باشد.... من برای مبارزه و کار فرهنگی - سیاسی ساخته شده ام و اهل پیش نمازی نیستم و او به شوخی گفت: آری، تو از اول کله ات بوی قرمه سبزی می داد!...

اما برادر نمی خواست مسجد بازار - این سنگر تسخیرناپذیر تبریز - خالی بماند، جای خود را به آیت الله شهید مدنی داد و از ایشان خواسته شد که به مسجد ما بیاید و او هم مخلصانه پذیرفت و آمد... تا که شهید شد... و اکنون برادر پیر بیت، دیگر در میان ما نیست و مسجد بازار خاموش است و رمضان تبریز هم شاهد یاد سلاله پاک یادآوران دویست ساله بیت ما نیست.

ولی نه، اگر توفیق خدمت در سنگر مسجد و محراب تبریز نصیب حقیر نشد، تاریخ پربار بیت در اینجا خاتمه نمی یابد... رهروان دیگری در راه اند و مایه امید....

برادرزاده گرامی، آقا سید رضا خسروشاهی - که فکر می کنم هنوز در قید و بند القاب نیست! - هم اکنون از مدرّسین و فضلالی حوزه علمیه قم به حساب می آید و امید که همیشه در قم جا خوش نکند و جای پدران را در تبریز خالی نگذارد.

اشاره کردم که درد و رنج ناشی از ارباب دژخیمان رضاخانی، به ویژه جلادی به نام «الله سیز حسن خان» - حسن خان بی خدا! - پنجاه سال تمام در جسم ناتوان و رنجور او به یادگار مانده بود، ولی باید بگویم که من، هیچ وقت و هرگز حتی برای یک بار از او شکوه و یا ناله ای که حاکی از ناراحتی جسمی و روحی او باشد، نشنیدم، تا آنکه سرانجام در بیستم آبان ماه سال 1365 در تبریز به لقای حق پیوست و در

همان شهر به خاک سپرده شد... و از خود، جز دو اتاق موروثی پدری و لوازم بسیار محدود آن، به اضافه تعدادی کتاب، هیچ چیز دیگری باقی نگذاشت.

از برادر بزرگوار، علاوه بر یادداشت های متفرقه، کتاب مفید و ارجداری به نام

نهج البیان به یادگار مانده است که شامل منتخبی از خطبه ها و سخنان گهربار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) تا امام باقر (علیه السلام) می باشد و حدود 250 صفحه به قطع بزرگ است و متأسفانه تاکنون این اثر گران بها تکمیل نشده و به چاپ نرسیده است. رحمه الله علیه رحمه واسعة.

سید جواد، تنها فرزند آیت الله سید ابوالفضل خسروشاهی، کودکی باهوش و جستجوگر بود. مدتی به تحصیل مقدمات پرداخت، ولی متأسفانه به علت مشکلات داخلی، از تربیت صحیح و کاملی برخوردار نشد و به طور طبیعی از تحصیل علوم و معارف باز ماند و کم کم در تبریز با درویش و اهل خانقاه آشنا شد و پدر پس از مدتی محبت و نصیحت، سرانجام او را به خاطر یاغیگری طرد کرد....

مدتی در تهران و شهر ری به سر برد و به علت ابتلا به بیماری قند، از زندگانی عادی باز ماند! البته اینجانب برای معالجه او کوشش زیادی در قم و سپس در تبریز به عمل آوردم. آقای دکتر گنجویان - مرشد طریقه ذهبیه در تبریز - به درخواست من او را در بیمارستانی که خود مدیر آن بود، بستری کرد و مدت چند ماه به معالجه او پرداخت و آن گاه که بهبود یافت، از بیمارستان مرخص گردید... و در همین رابطه، پدر ایشان با حقیر که برادر کوچک وی بودم، قهر کرد و حتی جواب سلام مرا نداد، که چرا سید جواد را در بیمارستان بستری کرده و به معالجه او اقدام نموده ام.. اما قهر اخوی بزرگوار را که سخت از فرزندش رنجیده بود پذیرا شدم، چرا که یک انسانی را از بیماری نجات داده بودم...

... اما متأسفانه چند روزی پس از ترخیص، سید جواد به طور ناگهانی در عنفوان جوانی درگذشت، غفر الله له و لوالدیه...

نقل دو نامه از اخوی بزرگوار در مورد مشکلاتش با تنها فرزندش در پاسخ به آیت الله مرعشی نجفی، نوع رنجش و گرفتاری وی را نشان می دهد:

حضور مبارک حضرت مستطاب حجه الاسلام والمسلمین غوث الفقهاء والمجتهدین آیت الله العظمی آقای سید شهاب الدین نجفی مرعشی مدظله العالی

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليك يا سيّدتى يا بنت موسى بن جعفر وعلى آبائك الطّيبين واهل بيتكم اجمعين ورحمه الله وبركاته

به شرف عرض مقدس می رساند همواره مأمول از درگاه خداوند احدیت جلت عظمته صحت و سلامتی و مزید توفیقات و تأییدات ذات مقدس در اعتلاء کلمه حقه و تربیت حوزه علمیه و حفظ و حراست بیضه مقدسه اسلامیه و دوام سایه مبارک بر سر عالم اسلامی خاصه این حقیر ناچیز بوده و می باشد. اگر لطفاً از حالات مخلص جو یا بوده باشید، بحمدلله تعالی سلامتی عاریت حاصل و همیشه مشغول ذکر خیر و دعاگویی وجود مبارک. خاصه محرم و صفر در منبر به غیر از آیت الله حکیم در نجف و غیر از حضرت تعالی در قم کسی را دعا نکرده ام و اظهار ننموده ام که به عقیده حقیر امروزه علم اسلام در نجف بر دوش معظم له و در قم بر دوش حضرت تعالی می باشد، دیگر تنها هستم از دستم به غیر از این چیزی نمی آید و تأییدنامه حضرت تعالی درباره حضرت آقای قاضی دامت برکاته موجب تشکر دوستان گردید، فعلاً همین نامه را بالای تخت خواب در «باسمنج»⁽¹⁾ می نویسم، چون دکتر امر کرده است که چهار

ماه در «باسمنج» باشم و فعلاً منبر را ترک کرده ام، بلی در آخر صفرالخیر اطلاع دادیم که انشاءالله در ایام فاطمیه و بعد از آن جمعه ها به مسجد و منبر خواهیم رفت تا خدا چه خواهد، همیشه خودم را در این باره و در اینکه تمامی سعادت دارین محتاج به دعای حضرت تعالی می دانم. بحمدالله در «باسمنج» حالم نسبت به گرمای تبریز خیلی خوب شده است، منتظر بهبودی کلی هستم، چند روز قبل برای کاری یک ساعت به تبریز رفتم، در منزل چند عدد نامه دیدم، از جمله دستخط مبارک حضرت تعالی را زیارت نمودم، از تأخیر معذرت می خواهم به اطراف «باسمنج» رفته بودم، والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته.

ابوالفضل بن مرتضی الحسینی

ص: 139

1- دهکده ایست در نزدیکی تبریز.

السلام عليك يا سيّدتى ويا مولاتى يا بنت موسى بن جعفر و على آبائك الطّيبين و اهل بيتكم اجمعين و رحمه الله و بركاته

به شرف عرض مقدس مى رساند دستخط مبارك در حاشيه نامه حجه الاسلام آقاى مسعودى زيارت و شرف وصول بخشيد. خداوند سايه مبارك را بر عالم اسلامى و حوزه علميه و بر سر اين حقير لاشىء، كم و کوتاه نفرموده همواره بر تأييدات و توفيقات ذات مقدس بيفزايد، كه طبق وظيفه هميشه دعاگو هستيم البته متوقعيم كه حضرتعالى هم لطفآ در مظان اجابت خاصه در ليالى و ايام متبركه و شريفه فراموش نفرماييد، تا حال ماه مبارك به منبر و مسجد نرفته ام انشاءالله اگر عارضه روى ندهد تا آخر مى روم.

درباره جواد مرقوم فرموده بوديد كه رها كردن بالمره هم خوب نيست، سه سال است درس نمى خواند و اگر از منزل مى رود خيرش را مى آورند يا از منزل و خانقاه در اويش ذهبي، و خودم در دستش پنجاه نسخه كتاب هاى آنها را ديده ام كه صراحتاً نوشته اند خدا على و صراحتاً نوشته اند بعد از امام عسكرى (عليه السلام) امام زمان فعلى مرشد و در شيراز است و از باب جمع بين النقيضين به منزل وهابى ها و مكرراً روزهاى جمعه به نماز جمعه ميرزا على اصغر به بناب مى رود به همه اينها خودش به حقير اقرار کرده به سان موعظه تشويق پول دادم، بالاخره گفتم از اين راه ها دست نخواهم برداشت. خلاصه شرعاً و عرفاً قادر به حمايت او نيستم، غير از تبرى چاره ندارم ...

چون ماه مبارک است قدری مطالعه دارم، از جواب نامه حجت الاسلام آقای مسعودی فعلاً معذرت می‌خواهم و قسم به جدّتان از باسمنج جواب مرقومه مبارکه حضرت‌تعالی را سفارشی فرستاده بودم، نمی‌دانم چرا نرسیده یا رسیده است فراموش فرموده‌اید و پارسال هم اواخر ماه مبارک تسلیت نامه به خدمت حضرت حجه الاسلام والمسلمین آقای غفّاری و برادرانش نوشته و ارسال نموده‌ام نمی‌دانم چرا تا بحال جواب مرقوم نفرموده‌اند.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

ابوالفضل بن مرتضی الحسینی

ص: 142



ادامه نامه

البته مرحوم آیت الله مرعشی نجفی، به اینجانب نیز توصیه کرده بود که در سفر رضائی به تبریز، اخوی را راضی کنم که تنها فرزندش آقا سید جواد را مورد عفو و محبت خود قرار دهد، وقتی سید جواد به تبریز آمد، از آیت الله مرعشی نجفی نامه ای نیز آورده بود که در واقع به نوعی تذکار و یادآوری نکته مزبور بود.

متن نامه آیت الله مرعشی نجفی چنین بود :

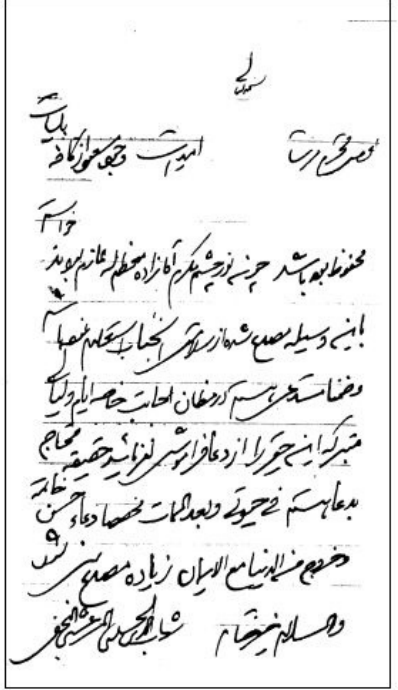
بسمه تعالی

حضور محترم می رساند امید است وجود مسعود از کافه بلیات محفوظ بوده باشد. چون نور چشم مکرم آقا زاده معظم له عازم بودند، خواستم به این وسیله مصدع شده از سلامتی آنجناب استعلام نموده باشم و ضمناً مستدعی هستم در مظان اجابت خاصه ایام و لیالی متبرکه این حقیر را از دعا فراموش نفرمایید، حقیقتاً محتاج به دعا هستم فی حیوتی و بعد الممات مخصوصاً دعاء حسن خاتمه و خروج من الدنیا مع الایمان زیاده مصدع نمی شود.

والسلام خیر ختام

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

ص: 145



دستخط آیت الله نجفی مرعشی

برادر بزرگوار دیگر، آیت الله آقا سید احمد خسروشاهی، در 26 ربیع الآخر سال 1330 هـ، به دنیا آمد و پس از طی مراحل کودکی و آموزش های مقدماتی، سطح را در نزد والد ماجد و اساتید دیگر آموخت و پس از تبعید والد به سمنان و سپس مشهد در دوره رضاخان - در سال 1314 ش، به دلیل مخالفت علنی ابوی با رژیم پهلوی و به ویژه مسأله کشف حجاب - برادر بزرگوار نیز پس از انتقال ایشان به مشهد، به آن جا رفت و در آنجا از محضر اساتیدی چون آیت الله حاجابوالحسن انگجی، آیت الله آقا میرزا محمد آقازاده خراسانی استفاده نمود و سپس همراه پدر به تبریز برگشت و دو سال بعد، برای ادامه تحصیل به قم رفت و در حوزه علمیه قم:

در درس مرحوم آیت الله حائری یزدی و آیت الله حجّت و بلاخص مرحوم آیت الله حاج سید محمد تقی خوانساری حاضر شد، تا به مدارج علم و کمال ارتقا یافت و سال ها در حوزه علمیه تدریس فقه و اصول و کلام و اخلاق نمود. وی دارای محامد اخلاق و محاسن آداب و ملکات فاضله و عالمی متین و فکور و قلیل المعاشره و وقور و ذاکر بود....(1)

یکی از علمای معروف و محقق تبریز، آیت الله شیخ ولی الله سرابی - که خود دارای تألیفاتی است و از شاگردان والد و برادر بزرگوار بود - در ضمن شرح حال ایشان می نویسد:

... در قم، چهار سال از محضر استاد آیت الله حائری استفاده نمود و سپس در درس آیت الله حجّت شرکت کرد و در مرحله پایانی، مدت مدیدی در جلسات درس آیت الله حاج سید محمد تقی خوانساری حضور یافت و به مراحل عالیّه در فقه و اصول نایل آمد و سپس به تبریز مراجعت نمود و به تدریس و تبلیغ در این شهر پرداخت....(2)

ص: 147

1- محمد شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ج 3، ص 308.

2- محمد شریف رازی، آثار الحجّه، ج 2، ص 236 - 235.

در مورد مراجعت برادر بزرگوارم به تبریز، با توجه به موقعیت علمی - اجتماعی ایشان در حوزه علمیه قم، نکته ای نهفته است که نشان دهنده تقیّد وی به مسائل شرعی است. والد ماجد از ایشان می خواهد که به تبریز برگردد؛ در حالی که اخوی بزرگوار تمایل داشته که در حوزه علمیه قم بماند. و در این باره، مرحوم آیت الله خوانساری وساطت نموده و نامه ای به والد ماجد می نویسد - نامه به خط آیت الله شیخ محمد علی اراکی است که تصویر آن در اینجا آورده می شود - و از ایشان می خواهد اجازه دهند که آقا سیداحمد در قم بمانند! ولی مرحوم والد، رضایت قلبی ندارد... و برادر بزرگوار به محض اطلاع از عدم رضای والد، کلیه شئون را در قم ترک نموده و برای رضایت ایشان به تبریز بر می گردد.

متن نامه آیت الله محمد تقی خوانساری به خط آیت الله شیخ محمد علی اراکی :

بسم الله الرحمن الرحيم

سلخ/ع/2/64

خدمت ذی مکرمت حضرت مستطاب حجه الاسلام والمسلمین آقای حاجی سید مرتضی خسروشاهی دامت برکاته العالیه

به عرض عالی می رساند، انشاء الله تعالی مدام در کمال استقامت و صحت مندی موفق و مؤید باشید. و این سال جدید بر وجود شریف و سایر بستگان محترم، مبارک و مسعود باد برب العباد. بشارت سلامت مزاج شریف را که از حضرت رکن الاسلام آقای خسروشاهی دامت برکاته شنیدم، بسیار بسیار موجب خورسندی گردید. حالت احقر هم له الحمد نیک و به دعاگویی اشتغال دارم. تلوأ چون در موضوع توقف حضرت معظم له در قم مذاکره شد، موکول به اجازه حضرت عالی نمودند والبته چنین هم هست و توقف ایشان گذشته از این که برای خود ایشان روحاً و جسماً اصلح است نظر به حال جامعه مسلمین و حوزه علمیه و اسلام هم رجاء واثق به اصلحیت هست، لهذا متمنی است که حضرتعالی هم مفارقت ایشان را بر خود هموار نموده و اجازه توقف ایشان را دو کلمه به خط شریف صادر فرمایید تا برای ایشان حجّت باشد، در خاتمه دوام سعادت و سلامت وجود شریف را از درگاه خلاق متعال سائلم و ملتتمس دعا در مظان آن می باشم، والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.

المخلص الصمیمی محمد تقی الموسوی خوانساری

حاضرالوقت مخلص صمیمی محمد علی عراقی به عرض سلام و التماس دعای مخصوص مصدع و مترصد زیارت دستخط شریف که حاکی از سلامت حالات مع الاجازات المزبوره باشد، می باشم، والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.

ص: 149



نامه آیت الله سید محمد تقی خوانساری (رحمه الله)

- با خط مرحوم آیت الله اراکی - به مرحوم والد ماجد.

نگارنده در روز سه شنبه اول ماه مبارک رمضان 1409، در حوزه علمیه قم خدمت آیت الله شیخ محمد علی اراکی رسیده و از ایشان درباره اخوی و نامه ای که به خط ایشان است، سؤالاتی نمودم که متن پاسخ های معظم له چنین بود:

... مرحوم والد شما تبجری در فقه داشت. شرحی بر قواعد علامه نوشته اند که متأسفانه ناتمام ماند و شرحی بر مکاسب نوشته اند که تعرضی دارند بر مطالب حاشیتین مرحوم آخوند و مطالب سید. شرح خیارات، نفس گرم ایشان را در فقه نشان می دهد. من مخطوط شرح قواعد را هم دیده ام که از انشراح صدر و تسلط ایشان در ابواب فقه بر می آید که خیلی مسلط بر فقه بودند. خود آقا سید احمد - اخوی هم - بالوراثه، از پدر نفس گرمی در فقه و اصول و تبلیغ داشت. روزی به منزل ما آمد و گفت: سعه الدار، دلیل علی سعاده صاحب الدار.

مدت مدیدی در امور معنوی و اخلاقی مشغول بود و متعدّد به مشهد مقدّس مشرف می شد و آخر هم پس از وفات، در جلوی بقعه ای در مشهد، در صحن قدیم دفن شد.

در قم، در درس حاج شیخ حاضر می شد و بیشتر در درس آقای خوانساری شرکت می کرد، ایشان نجف نرفت، ولی آقا سید ابوالفضل در نجف تحصیل نمود.

در مورد نامه ای که به خط من است، والد موافقت نکرد و ایشان بلافاصله به تبریز مراجعت نمود. من به ایشان خیلی علاقه داشتم. مرد مخلصی بود و اهل علم و معرفت. بعدها هر وقت که قم می آمدند، دیدار ما تجدید می شد... خداوند ایشان را رحمت کند!...⁽¹⁾

درباره چگونگی سیر و سلوک و مراحل عرفانی برادر بزرگوار - که آیت الله اراکی

ص: 151

1- در جلسه ای که آیت الله اراکی این مطالب را بیان می کردند، فرزند برومندشان حجّت الاسلام والمسلمین آقای مصلحی اراکی - که متأسفانه به تازگی از دنیا رفت - نیز حضور داشت و در واقع، ایشان سؤالات مرا آهسته و شمرده بر پدر نقل می کردند و من جواب ها را یادداشت می کردم.

به آن اشاره می‌کنند - شهید استاد مطهری، سخت پی‌گیر امر بود و حتی برای همین منظور مشتاقانه به دیدار ایشان شتافت، ولی اخوی اظهاری نکرد و ظاهراً تنها آیت الله اراکی، آیت الله سید حسین بدلا و شیخ العرفاء، حاج میرزا حسن مصطفوی، در این زمینه اطلاعاتی داشتند.

البته اخوی نکاتی در مورد استادشان در سیر و سلوک - به نام آقا شیخ رضا - به نگارنده، آن هم پس از اصرار زیاد نقل کردند، با این شرط که به طور مکتوب در حال حیات ایشان در جایی نقل نشود. مرحوم اخوی، اعتقاد عجیبی به این مرد ناشناخته داشت و وی را از اولیاء الله در عصر خود می‌دانست و می‌گفت: پس از وفات آقا شیخ رضا، کمر من شکست و دیگر ره به جایی نبردم! (1)

مرحوم اخوی بزرگوار، آثاری در فقه و اصول و اخلاق دارد که از آن جمله است:

1. رساله فی حرمه التثبته (خطی)؛

2. رساله فی جواز التافله لمن علیه الفریضه (خطی)؛

3. رساله فی المواعظ (خطی)؛

4. الحواشی علی التبصره (خطی)؛

5. الحواشی علی العروه (خطی).

از آثار ایشان، فقط رساله عملیه در اواخر عمرشان در سال 1388ق در تبریز چاپ شد.

چند سند و نامه

مرحوم اخوی در دوران سیر و سلوک، استادی به نام شیخ نورالدین خراسانی داشته که به شدت مریدش بود و تحت تأثیر او قرار داشت و او را واسطه فیض و رابط بین خود و امام رضا(علیه السلام) می‌دانست که در نامه‌ی متبادله اشاراتی در این زمینه هست و

ص: 152

1- در این باره ضمن شرح حال علامه شیخ حسن مصطفوی به قلم نگارنده، اشارتی شده است، مراجعه شود به روزنامه اطلاعات مورخ 17 مرداد 1384، ص 6، چاپ تهران.

ما آن‌ها را در بین اوراق ایشان به دست آورده ایم که برای ثبت در تاریخ زندگی وی نقل می‌گردد:

محضر انور حضرت مستطاب آقای آقا شیخ نورالدین خراسانی (ادام الله توفیقاته)

به شرف عرض عالی می‌رساند با تبلیغ سلام و استعمال از سلامتی وجود مسعود، تصدیق آنکه نتیجه عرایض سابقه و لاحق این دعاگو رضا ابن صادق تبریزی از آستانه مقدسه مبارکه گرفته لطفاً به طور مکاشفه یا به وسیله مشاهده و هم گفتار مرحمت، و خواهشمندم عین عرایض معروضه... مقدسه آنها با هم با نتیجه اش مرقوم و هم به طور مرقومه فوق مرحمت، و ضمناً متمنی است که در مواقع ادعیه و مظان استجابت این مخلص را فراموش نفرموده و با یک یادگاری مادام العمری مخلص صمیمی خود را شاد... همین ورقه سفید جوفیه که لفاً ارسال به آن آستان ملایک پاسبان تقدیم بفرمایند. (إن الله لا یضیع أجر من أحسن عملاً). أجرکم علی الله ورسوله.

زیاده زحمت و جسارت است

بسمه تعالی

السلام علیک یا اباالحسن وعلی آبائک و أمّک و أولادک و اختک و رحمہ الله وبرکاته.

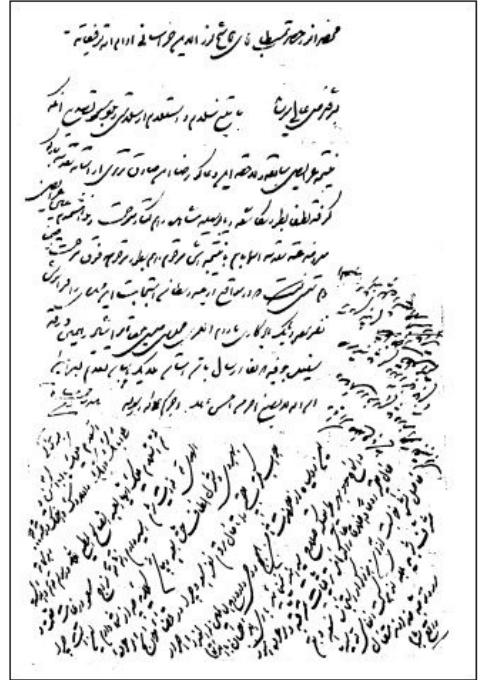
ثم السلام علیک ایها العبد الصالح المطیع لله ورسوله (صلی الله علیه و آله) والائمه الهدی: .

فدایت شوم امیدوارم ان شاء الله تعالی مزاج مسعود در غایت صحت و بهبودی و مشمول الطاف حق بوده و می باشد گلایه [ای] چند از شما دارم. این است [که] چرا جواب مکتوب حقیر را تا حال مرقوم نفرموده و چرا در قضاء حوائج موعوده این روسیاه از حضرت ثامن الحجج (روحی و ارواح العالمین له الفداء) اصرار و الحاح به هر طریقی که صلاح می دانید، نمی نمایید؟ باری الاحسان بالاتمام.

حال حقیر روحاً و اخلاقاً راکد مانده، ترقیات مترقبه و موعوده هنوز حاصل نشده؛ خوب است از آن بزرگوار استجازه نموده و به قم مشرف بشوید، بلکه از برکت انفاس قدسیه مورد توجه خداوند متعال واقع شویم. و یا اگر صلاح باشد وسائل را فراهم بیاورند احقر به عتبه بوسی دو مرتبه بیایم و در آنجا بمانم تا آدم بشوم. منتظر جواب قطعی هستم.

العبد الذلیل السید احمد الخسروشاهی

ص: 153



متن نامه آیت الله سید احمد خسروشاهی به عارف ناشناخته خراسانی که در ذیل نامه فردی به نام رضا فرزند صادق تبریزی آن را نوشته است.

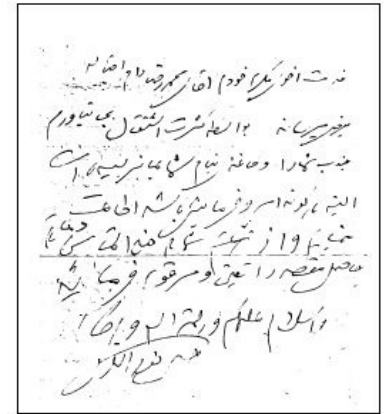
خدمت اخوی مکرم خودم آقای محمد رضا دام اقباله

به عرض می رساند به واسطه کثرت اشتغال به جا نیاورم جناب شما را و کاغذی به نام شما به ما نرسیده است ، البته هر گونه امر و فرمایشی باشد اطاعت می نمایم و از شما هم خیلی التماس دعا داریم، حاصل مقصد را تعیین و مرقوم فرمایید.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

حسن نورالدین

تصویر



نامه شیخ حسن نورالدین به یکی از علاقمندان توسط اخوی معظم

ص: 155

روحی فداکم

پس از مراسم اظهار ارادت و بندگی به عرض می رساند: مرقومه مبارک رسید. خیلی خوش وقت شدم، ولی خجلم از گذشته. امیدوارم به توفیق خداوند متعال جبران گردد، ان شاءالله. عرض دیگر راجع به دستورالعمل، همان است که حضوراً عرض کردم و فوق العاده مشتاق زیارت هستم. خواهم آمد برای معالجه. از معلم فدوی دستوری که برای حضرت عالی خواستم، آمده: در هر شب و روز یک هزار مرتبه گفتن «یا علی (علیه السلام)»، هر موقع که باشد، مفید است، با مداومت به دستور سابقه.

عرض دیگر هر موقع که در رؤیا حواله دادند، فوری مرقوم دارید، و خدمت آقای سید محمود آقا عرض سلام برسانید. خدا می داند فوق العاده گرفتار اشخاصی شدم که شب و روز آرام ندارم و از مرقومه سابق خجلم. امیدوارم عفو فرمایید در جبران گذشته از حضرت بخوهم و دعاگو و نایب الزیاره باشم. خاطر مبارک جمع باشد.

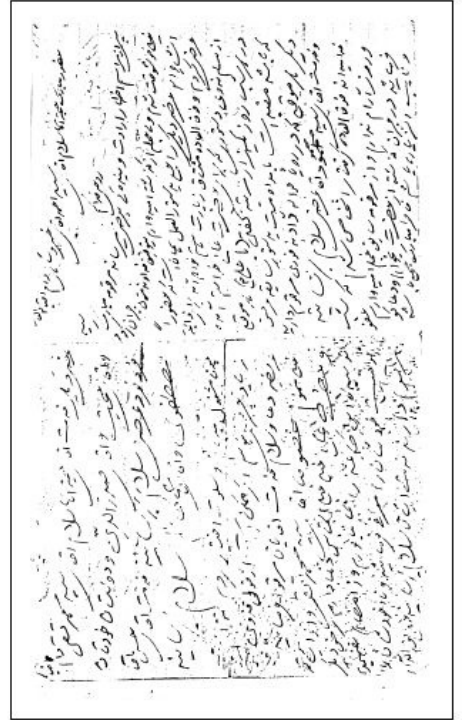
عرض دیگر خدمت آقای حجه الاسلام آقای سید محمد تقی (دام اقباله) و آقای حجت و آقای صدرالدین⁽¹⁾ و دوستان خودتان فرد فرد عرض سلام برسانید. خدمت

آقای حسن آقا مصطفوی و آقای شیخ کاظم سلام برسانید. چون مشغول می باشم و سکوت اختیار کردم، نمی توانم زیاد چیزی بنویسم. اگر ممکن است، از قول فدوی عریضه دعا و سلام خدمت آقایان مرقوم فرمایید، خیلی ممنونم، مخصوصاً آقای سید محمد تقی و از ایشان و حضرت عالی خیلی خیلی التماس دعا دارم. عرض دیگر نویسنده این کاغذ را به جا نیاور[د]م و از امضا هم نفهمیدم خودشان را معرفی فرمایند و نام خودشان را مرقوم دارند، خدمت ایشان سلام برسانید.

حسن نورالدین...

ص: 156

1- مراد آیات و مراجع ثلاثه قم می باشد.



پاسخ شیخ نورالدین به نامه اخوی...

... پس از رحلت آیت الله بروجردی، مسئله تعیین مرجع در تبریز با مسائلی رویه رو گردید که اخوی معظم آیت الله سید احمد خسروشاهی هم به نحوی درگیر بود که اشاره به یک نمونه از تبعات آن بی مناسبت نیست :

... در تبریز نیز مانند دیگر استان ها و شهرهای کشور، ایادی ساواک همواره برای ایجاد اختلاف بین علما و مردم توطئه می چیدند و با جدا کردن مسئله مراجع و هواداران آن ها، به بدبینی ها و اختلافات دامن می زدند. در تبریز علاوه بر چاپ و نشر جزوه «اباطیل حکیم» - نشریه ای که متن عربی آن در نجف اشرف از سوی مخالفان مرجعیت ایشان چاپ شده بود - و تشدید اختلافات بین علماء هوادار مراجع متعدد، با نشر اکاذیبی در مورد تغییر نظر آیت الله آقا سید احمد خسروشاهی درباره مراجع، به دامن زدن کشمکش و نزاع پرداختند و ایشان طی پاسخی که به پرسش یکی از علاقمندان دادند، این توطئه را خنثی کردند...

چگونگی این توطئه، از متن سؤال و جواب، روشن می گردد :

سؤال :

حضرت آیت الله آقای آقا سید احمد خسروشاهی دام ظلّه العالی

تاکنون معروف بود و همه هم شنیده بودیم که حضرتعالی آیت الله العظمی خوئی را اعلم علمای عراق و آیت الله العظمی آقای شریعتمداری را اعلم علمای ایران معرفی کرده و تقلید هر دو بزرگوار را جایز می دانستید ولی اخیراً ورقه ای با امضاء و مهر شما منتشر شده که در جواب سئوالی که اسم آیت الله العظمی آقای خوئی هم هست فقط آیت الله العظمی آقای شریعتمداری را برای تقلید تعیین فرموده اید و اینک عین سؤال و جوابی که با امضاء و مهر شما منتشر شده است نقل می شود و انتظار توضیح را داریم.

24 تیرماه 41 - جلیل فرخندی

ص: 158

متن ورقه ای که اخیراً منتشر کرده اند :

حضور محترم حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین سید الفقها والمجتهدین آیت الله فی الارضین آقای آقا سید احمد آقا خسروشاهی مدظله العالی

اسلامیان پناها چه می فرمایید در این مسئله شرعیه از قسمت اجتهاد آقایان حاجی سید هادی شیرازی در نجف اشرف و آقای حکیم و آقای شریعتمداری (و آقای خوبی) کدام یک از اجتهاد بیشتر است لطفاً دو کلمه ذیلاً دستخط نمایید به آدرس ذیل - تبریز بازارچه حاجی جبار نائب جنب مسجد حاجی هاشم خواربار فروشی متین سر تیپ دانشور.

بسمه تعالی شأنه العزیز

احقر حضرت مستطاب آیت الله العظمی آقای سید کاظم آقا شریعتمداری مدظله العالی را از آن (سه)! بزرگوار مقدم و جایز التقلید می دانم.

به تاریخ 19 محرم الحرام من شهر 1382

الاحقر سید احمد خسروشاهی

جواب :

بسمه تعالی شأنه العزیز

بر عموم برادران دینی روشن است که حقیر بعد از رحلت مرحوم حضرت آیت الله العظمی آقای بروجردی اعلی الله مقامه، حضرت آیت الله العظمی آقای خوبی دام ظلّه را اعلم علماء عراق و حضرت آیت الله العظمی آقای شریعتمداری دام ظلّه را اعلم علماء ایران دانسته و هر دو بزرگوار را جایز التقلید می دانسته ام و حالا هم در همین نظریه ثابت و ابداً تزلزلی در عقیده من نشده و در سؤال مزبور که کتباً از من نموده اند، فقط اسم مرحوم آیت الله شیرازی و آیت الله حکیم و آیت الله شریعتمداری درج شده و ابدآ اسمی از آیت الله خوبی برده نشده بود و من نیز طبق عقیده خودم در جواب آیت الله شریعتمداری را بر این دو بزرگوار (آیت الله شیرازی و آیت الله حکیم) مقدم دانسته ام، ولی یک عده از مغرضین که کارشان نشر اکاذیب است در سؤال و جواب

ص: 159

تصرف و تحریف نموده و اسم آیت الله خویی را بعداً در سؤال درج نموده و کلمه دو را در جواب تحریف کرده سه نموده اند، چنانکه با کمی دقت تحریف در ورقه منتشره محسوس است و این گونه اکاذیب تا حال از این عده زیاد دیده شده است و متن سؤال و جواب را قبل از تحریف عده ای از موثقین علما و حجج الاسلام تبریز نیز مشاهده نموده اند و برای افرادی که بخواهند آنها را هم معرفی می نماییم. عصمنا الله من الزلل فی القول والعمل

الاحقر سید احمد خسروشاهی

ص: 160

سؤال ۱

حضرت آیت الله آقای آقا سید احمد خسر و شای دام ظلہ العالی

تاکنون معروف بود و همه میپندیدند بویج که حضرتعالی آیت الله العظمی آقای خوری دام ظلہ العالی عراق و آیت الله العظمی آقای شریعتی دام ظلہ العالی ایران معارفی کرده و تالیف هر دو را گردانیدند میباشند ولی اخیراً و شای بانصاف و بر خدا متشکر شدیم که در جواب سئوالی که کم آیت الله العظمی آقای خوری هم هست فقط آیت الله العظمی آقای شریعتی دام ظلہ العالی را برای تالیف تعیین فرمودند و اینست مع شرف و جلالی که بانصاف و بر خدا متشکر شدیم است نقل میبود و انتظار ترویج را داریم

۲۲ تیر ۱۴۰۰
حلیل فرخنده

میزبانی کاخ شیراز منتشر کرده اند:

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی آقا سید احمد خسر و شای
سید القیام العظیمی آیت الله العظمی الاصفهانی آیت الله العظمی آقا خسر و شای
مد ظله العالی

السلامین شما چه میفرمایید در این منشاء شریفه از خدمت اجتهاد آقایان
حاجی سید هادی شیرازی در تفسیر اشرف و آقای حکیم و آقای شریعتی (و
آقای خوری) که یک یک از اجتهاد پنهان است لعمریه که به نظر من است
به آدوسی ذیل - ابریز بادار چه حاجی جبار نائب جنب مسجد حاجی علم
خوابار خردی منین سرآید انشور

بسمه تعالی خانه العزیز

احقر سزاستغفار آیت الله العظمی آقای سید کاشف آقا شریعتی دام
مد ظله العالی را از آن (۱۰ -) بزرگوار بدمه تجارین التلاوه میباید (تاریخ ۱۸
حرم الحرام من شورد ۱۳۸۳)
الاحقر سید احمد خسر و شای

جواب ۱

بسمه تعالی شاه الوهین

بر عموم برادران دینی روشن است که مختصر بعد از رحلت مرحوم حضرت آیت الله العظمی آقای
بروجردی آیت الله مد ظله حضرت آیت الله العظمی آقای دام ظلہ العالی خوری دام ظلہ العالی عراق حضرت آیت
الله العظمی آقای شریعتی دام ظلہ العالی ایران دانسته و هر دو بزرگوار را مجاز تقلید
میباشند و حال آنکه در همین نظریه ثابت و ابدی و تزلزل ناپذیر و در شرف و در شرف معزوم که کتباً از
من نبودند و مکتوب هم آیت الله العظمی آقای شریعتی دام ظلہ العالی آیت الله العظمی آقای شریعتی دام ظلہ العالی آیت الله
خوری دام ظلہ العالی بود و من نیز طبق طبع خود در جواب آیت الله العظمی آقای شریعتی دام ظلہ العالی آیت الله
(آیت الله شیرازی و آیت الله حکیم) بستم دانستیم ولی یکمده از تفسیرین که کاربندی تفسیر آیت الله
است در شرف و جواب شریف و تحریف نمود و اسم آیت الله خوری را بعد از شرف درج نمود و گفته
دو را در جواب تحریف کرده نه نبودند چنانکه با کسی وقت تحریف دور که متشبه محسوب میشوند
گویند که آیت الله العظمی آقایان همه زیادند خدمه الهی و منین شرف و جواب را تفسیر تحریف معارف از
'موتلفین طفا و حجج الامم نیز نیز مشاهده نمودند و برای التاری که بنامند آنها را هم معرفی
میکنیم صحتنا الامین الزالی فی القول و السبل
الاحقر سید احمد خسر و شای

متن سؤال و جواب جعلی و پاسخ یا اعلامیه ای که نقشه ساواک را خنثی کرد

برادر بزرگوار آیت الله سید احمد خسروشاهی، علاوه بر مبارزاتی که در دوره رضاخان و سپس در دوره حکومت قلابی دمکرات فرقه سی پیشه‌وری در تبریز به عمل آورد، پس از قیام 15 خرداد 42 هم، تا مراحل پیش از انقلاب نقشی اساسی در مبارزه منطقه آذربایجان به ویژه تبریز داشت و از این رو چندین بار دستگیر و زندانی و یا تبعید گردید که امیدوارم دوستان صاحب اسناد! در بخش تاریخ انقلاب در آذربایجان منصفانه و بدون حب و بغض شخصی، به تفصیل به آن بپردازند، در اینجا فقط اشاره ای کوتاه به موضوع می کنم :

برادر بزرگوار، روابط صمیمی و دوستانه ای با حضرت امام خمینی (قدس سره) از دوران تحصیل در حوزه علمیه قم داشت. در واقع اخوی با امام در درس مرحوم آیت الله حائری، موسس حوزه علمیه، هم دوره بود و در مدرسه دارالشفاء، حجره ای در کنار حجره ایشان و آیت الله لواسانی داشت که موجب تحکیم روابط شده بود و این آشنایی و دوستی تا روز آخر استمرار داشت.

اخوی هر سال یک بار به قم می آمد و امام خمینی از جمله بزرگانی بودند که بلافاصله به دیدار ایشان تشریف می آوردند و در دید و بازدید که اغلب، نگارنده این سطور هم حضور داشت، میزان انس و الفت بین امام و ایشان کاملاً مشهود بود.

... در آغاز نهضت و پیش از حوادث خونین 15 خرداد، آقای شیخ حسن صانعی به سراغ من آمد که حاج آقا با شما کار دارند (منزل من، در محله یخچال قاضی متصل به خانه حضرت امام بود، بعد از مراجعت شهید هاشمینژاد و آقای سید حسن ابطحی به مشهد که در آن ساکن بودند، این منزل نصیب ما شده بود و آقای حاج محمود آقا لولاچیان، بانی خیر این امر بود). بلافاصله به خدمت ایشان رفتم. فرمودند:

این حرکتی که از قم آغاز شده، اگر توسط آقایان علمای بلاد تأیید و پی گیری

نشود، دستگاه فکر می کند که قم تنهاست و آن وقت نتیجه مطلوب به دست نمی آید. خوب است جنابعالی به تبریز و دیگر بلاد آذربایجان تشریف ببرید و با آقای اخوی و آقای مجتهدی و آقای قاضی و بقیه علما تماس بگیرید، موضوع را بگویید و خطرات را گوشزد کنید و متن تلگراف های آقایان قم را نشان دهید، تا آقایان بلاد هم اقدام کنند.

هزینه سفر را هم امام دادند و من پس از امر، به ملاقات آیت الله شریعتمداری برای کسب نظر تأییدی ایشان رفتم که ایشان موافق بودند و من همان روز عازم تبریز شدم. همراه جناب آقای شیخ محمود وحدت و جناب آقای محمد حسن بکائی - هر دو از وعاظ معروف تبریز - با اخوی و بقیه علما ملاقات کردم و تلگراف نخستین تبریز توسط اینجانب تهیه و توسط آقایان تبریز تکمیل و امضا و مخابره شد و تا تیمسار مهرداد - رئیس ساواک تبریز - از موضوع آگاه شود، من همراه آقای بکائی به مرند، خوی، رضائیه، عجبشیر و شبستر هم رفته و از آقایان آن دیار در تأیید حرکت، تلگراف گرفته و به مرکز مخابره نموده و به قم مراجعت کرده بودم.

اعلامیه ای مستقل

... در مراحل بعدی و به دنبال بازداشت امام خمینی، پس از کشتار وحشیانه

15 خرداد، آذربایجان نیز به حرکت درآمد و علما و مردم مسلمان، با تعطیل کردن مساجد و درس ها و بازار، اعتراض و خشم خود را اعلام نمودند...

در این برهه آیت الله سید احمد خسروشاهی اعلامیه ای مستقل منتشر ساخته و اقدام رژیم را تقبیح و محکوم کردند و البته حقیر نیز به نوبه خود - و طبق معمول - در این امر و تهیه اعلامیه به نحوی دخیل بودم...

متن اعلامیه ایشان بدین قرار بود:

بسم الله الرحمن الرحيم

مردم مسلمان آذربایجان! واقعه شوم و جانگداز 12 محرم قلوب طبقات را جریحه دار ساخت و سبب شد که عده ای از علمای اعلام این استان نیز مانند سایر نقاط

ص: 163

ایران به مرکز مهاجرت نموده و عملاً برخلاف تمام شایعات و دروغ پردازی ها، اتحاد و اتفاق و همدردی و پشتیبانی خود را ابراز نمایند و بالنتیجه در جلسات مذکوره شرکت نموده و در اصلاح امور تا سر حد امکان بکوشند. هدف اساسی علمای مهاجر علاوه بر ابراز پشتیبانی، دو مطلب بود:

1- استخلاص عموم بازداشت شدگان این حادثه از آیات عظام و مبلغین و سایر طبقات.

2- تعقیب این نهضت مقدس که صلاح دین و ملت و بقاء و استقرار کشور بستگی کامل به آن دارد. نهضتی که عموم طبقات طرفدار آن بوده و از دادن تلفات جانی و مالی خودداری ننموده است.

متأسفانه قبل از عملی شدن این دو امر و به جای تقدیر از حسن نیت علمای بزرگ که با گذشت و فداکاری در اصلاح امور صمیمانه کوشش می کنند، ما را به همراهی گروهی از علما شبانه دستگیر نموده و جبراً به شهرهای خود اعزام داشتند و برخلاف تمام اصول آزادی و قانون کشور (آزادی اختیار مسکن) همه گونه آسایش ما را سلب کردند.

آری، شبانه ما را توقیف کردند و حتی نگذاشتند که با حضرت آیت الله العظمی آقای شریعتمداری (دامت برکاته) و آیت الله العظمی آقای میلانی (دامت برکاته) و سایر علمای عظام تهران تودیع و خداحافظی نماییم.

اکنون جای بسی خوشوقتی است که قسمت اول این هدف تا حدی به طور کامل صورت عمل به خود گرفته است، حتی دیروز خبر آزاد شدن حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی (دامت برکاته) در سراسر کشور با شور و شوق عجیب عموم مردم مسلمان رویرو گردید.

البته جامعه روحانیت و علمای بزرگ به همین مقدار اکتفا نکرده و هدف های مقدس دینی خود را تعقیب خواهد کرد و نهضتی را که با پشتیبانی عموم طبقات به وجود آمده، ادامه خواهد داد یعنی با تمام قوا حداکثر کوشش خود را به کار خواهد

برد تا در محیط آرام و از طریق مسالمت آمیز مشکلات دینی و اجتماعی و خواسته های مردم غیور و مسلمان را اصلاح نماید و در این راه از ارواح طیبه انمه اطهار(علیهم السلام) و از حضرت ولی عصر (عج) استمداد نموده و از پشتیبانی همه جانبه ملت مسلمان برخوردار خواهد بود.

14 ربیع الاول 1383

الاحقر سیّد احمد خسروشاهی

و البته پیش از این ماجرا، پس از قیام مردم سراسر ایران و حرکت علمای بزرگ بلاد به سوی تهران، برای اعتراض به بازداشت امام و کشتار مردم، اینجانب به خواست آیت الله شریعتمداری، مجدداً برای تشویق علمای تبریز و شرکت در حضور علمای بلاد در تهران، باز به تبریز رفتم و این بار همراه اخوی معظم و آیت الله آقای حاج میرزا عبدالله مجتهدی و آیت الله آقای حاج سید یوسف حکم آبادی به تهران آمدم و تا روز دستگیری، در باغ ملک حضرت عبدالعظیم، به فعالیت ادامه دادیم، تا آنکه یک شب پس از نماز، اینجانب همراه اخوی بزرگوار و حجج اسلام آقایان: حاج شیخ حسین اهری، شیخ حسین گوگانی و حاج سیّد مهدی دروازه ای دستگیر و شبانه به تبریز تبعید(!؟) شدیم و برادر بزرگوار به محض رسیدن به تبریز، اعلامیه ای منتشر ساخت(1) که متن آن را نقل کردم، ولی نقل دیگر ماجراها را به وقت

مناسب تری موکول می کنم.

ص: 165

1- متن اصلی اعلامیه را به درخواست اخوی معظم، گویا آیت الله سبحانی نوشته بودند و بعد، من آن را «تکمیل» و «ویرایش» نمودم و سپس طبق معمول به سراغ زنده یاد «سیّد جواد پیمان»، مدیر روزنامه و چاپخانه مهد آزادی، رفتم و اعلامیه، شبانه در چاپخانه روزنامه چاپ شد و خود مرحوم پیمان، آن ها را آخر شب به منزل ما آورد و فردا صبح، همه جا پخش گردید. خدمات پیمان در مبارزات آذربایجانناشناخته ماند. او چند سال پیش به رحمت حق پیوست. در واقع، وی روش پدر خود مرحوم اسماعیل پیمان را داشت.

بیانیه حضرت ایتاله آیت سیداحمد خسروشاهی صاحب برکات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 مردم مسلمان آذربایجان

واقعه ویدو جانگاز ۱۲ محرم قلوب لیلیات را برپه‌ها ساخت سبب شد که همه‌های از علماء با اعلام این استان نیز مانند سایر نقاط ایران پس از مهاجرت نموده و معالیر خلاف تمام شایعات دور و بر غیر از بیعت اتحاد و اتفاق و وحدت‌مدی و پیشانی خود را بر آستانید و البته بعد چلیستاد کوروش کت نموده و بر اصلاح امور تاسر جامگان یکوشند

مدفاسمی علماء مهاجر علاوه بر این پیشانی خود مطالب بود

۱. استعلائی عموم بازداشت شد که این حادثه از آیات عظام و مملین و سایر طیفان

۲. بتقیب این نهفت‌فنی که صلاحین و ملتوفاء و استر از کشور استگی کله به آرداره + نهفتی که عموم طیفان طرفدار آن بود و از تان تلفات جانی و مالی خود داری ندره است +

متذکران طیار از علی شدن این جو امر و جای تقدیر از حسن نیت‌های بزرگ که با گشت و فداکاری در اصلاح امور و سمیانه کوشی میکند + مارا هم‌راهی گروهی از علماء با بیعت‌نگین نموده و دست‌راهی خود را از این نشتند و بر خلاف تمام اصول آزادی و قانون کشور (آزادی اختیار مکن) همه گونه آسایش از این مطالب کردند +

آری شیاعمار از ترفیف کردند و حتی نگذاشتند که با حضرت ایتاله الهامی آفر آفری شریتمنداری نامت‌برکات و ایتاله العظمی آفری جلای نامت‌برکات و سایر علماء عظام پتیر از توجیع خود اذاعت نداشتیم

اکتور جای پس خوشی است که قسم اول این هفت‌نمادی بطورک لـ ورت عمل بنمود گرفته + حتی بیروز خبر آرد شدن حضرت ایتاله العظمی آفری ضمنی نامت‌برکات و کلامی بر نفس کشور را و دروشی جیب عموم مردم مسلمان زور و کرده

البته جامعه روحانیت و علمای بزرگ‌ترین نهاد را کتفا نگرد و همه‌های مقدس‌خیز خود را تهب خواهد کرد و نهفتی را که با پیشانی عموم طیفان بوجود آمدن خواهد بود یعنی تمام افراد کفر کوش خود را بیکر خواهد برد تا در حدی آرام و از طریق مسالمت آمیز مشکلات دینی و اجتماعی و خواست‌های مردم غرور مسلمانان را ملایح نماید و در این راه از انواع طایفه اشغالگران از حضرت ولی عصر استمداد نمود و چون پیشانی همه جانی‌های مات مسلمانان خود را بر خواهد بود

۱۴ ربيع الاول ۱۳۸۳ الاحقر سید احمد خسروشاهی

بیانیه آیت الله سید احمد خسروشاهی

ص: 166

در پایان این شرح حال کوتاه و نقش اخوی معظم در مسائل نهضت اسلامی ایران، گزارشی را نقل می‌کنیم که مهرداد، رئیس ساواک تبریز، پس از دستگیری ایشان و یاران، آن را به مرکز ارسال داشته است. لحن گزارش، موقعیت و اهمیت مرحوم اخوی را در مبارزه نشان می‌دهد:

مدیریت کل اداره سوم

متمنی است به عرض تیمسار قائم مقام ساواک برسد:

به فرموده تیمسار قائم مقام سازمان اطلاعات و امنیت کشور، با استفاده از دو روز تعطیلات به آذربایجان عزیمت و اینک نتیجه بررسی های معموله را ذیلا به استحضار می‌رساند:

1. در نتیجه اقدامات قبلی و پی گیری های مداوم آن، اختلافات نسبتاً زیادی بین روحانیون طراز اول تبریز به علت تندروی های آقایان میرزا محمد علی قاضی طباطبایی و سید احمد خسروشاهی و چند تن دیگر ایجاد و به تدریج معتقد شده اند که سخنرانی های دو نفر مذکور - که معمولاً روزهای چهارشنبه و پنجشنبه هر هفته پس از خاتمه نماز جماعت در مساجد شعبان و حاجی میرزا یوسف مجتهدی به عمل می‌آید و ارتباطی با مسائل مذهبی ندارد - بالمآل به ضرر جامعه روحانیون منجر خواهد گردید.

2. اکثریت بازرگانان و اصناف که با توجه به رکود فعلی بازار، مایل به ادامه کسب و کار خود در محیط آرام هستند، تا حدّ زیادی به حقایق امور پی برده و مایل نیستند که بیش از این، تحت تأثیر و تلقینات سوء بعضی از روحانیون قرار گیرند.

3. با کمال تأسف، مشاهده گردیده مقامات قضایی لشکر، هفت نفر از متهمانی را که در تاریخ 14/7/42 (روز افتتاح مجلسین) به علت تحریک مردم به بستن بازار از طرف شهربانی دستگیر و جهت تعقیب قانونی از طرف ساواک به لشکر معرفی شده بودند، به علت فقد دلیل (یا اینکه دلایل کافی علیه ایشان

ص: 168

وجود نداشت)، به فاصله یک ساعت آزاد نموده است. این روش مقامات قضایی لشکر که بر خلاف انتظار و رویه قبلی بوده است، تأثیر بسیار سوئی بخشیده و علاوه بر تجزی آزاد شدگان، منجر به این گردیده است که شهربانی تبریز از دستگیری و معرفی سایر متهمین خودداری نماید.

4. مسجد معروف به قلعه بیگی که از طرف شهربانی بسته شده بود و به وعظ ناراحت، اجازه رفتن بالا منبر داده نمی شد، مجدداً باز و چند نفر از نام بردگان که سابقه طرد از تبریز به مرکز را دارند، دوباره به کار خود و تبلیغ مردم مشغول گردیده اند.

نظریه

الف) برای اینکه ادامه سخنرانی های میرزا محمد علی قاضی طباطبایی و سید احمد خسروشاهی و اقدامات چند نفر از روحانیون و وعظ ناراحت، بالاخره باعث گمراهی مردم و موجب حوادث نامطلوب خواهد شد، با توجه به نزدیک شدن ماه رمضان، مصلحت منطقه چنین ایجاب می نماید که در درجه اول، اشخاص مشروحه زیر به وسیله شهربانی و با پشتیبانی و راهنمایی های ساواک دستگیر و به مرکز اعزام گردند، مشروط به اینکه حداقل به مدت یک سال از مراجعت آنان به آذربایجان قویاً جلوگیری شود، در غیر این صورت، بدون تردید نتیجه معکوس گرفته خواهد شد:

1. میرزا محمد علی قاضی طباطبایی؛ 2. سید احمد خسروشاهی؛ 3. میرزا محمد علی انگجی (رئیس کمیته جبهه ملی استان)؛ 4. اشراقی؛ 5. دروازه ای؛ 6. انزایی.

ب) در صورتی که پس از دستگیری نام بردگان، باز هم سایرین از اعمال خود دست بردارند، اشخاص مشروحه زیر متعاقباً دستگیر و حداقل به مدت یک سال از منطقه طرد گردند:

1. حاج میرزا عبدالله مجتهدی؛ 2. ناصرزاده؛ 3. گو

ص: 169

اهری (1)؛ 5. سید جواد هشترودی؛ 6. بکایی .

پ) به احتمال قریب به یقین، دستگیری سری اول مخصوصاً ردیف 1 و 2 و

3 عکس العمل هایی ایجاد و حوادث سوئی به بار خواهد آورد. برای جلوگیری از خطرات احتمالی، و با توجه به اینکه در جریانات چند ماه اخیر در نتیجه تدابیر متّخذ، هیچ گونه حادثه سوئی در منطقه رخ نداده است، مقامات استانداری و انتظامی و امنیتی عقیده مندند که به محض احساس خطر و به منظور جلوگیری از وقوع حوادث نامطلوب، این اختیار قبلاً به استانداری داده شود که حداکثر به مدت یک هفته، حکومت نظامی اعلام و طبق مقررات آن رفتار شود.

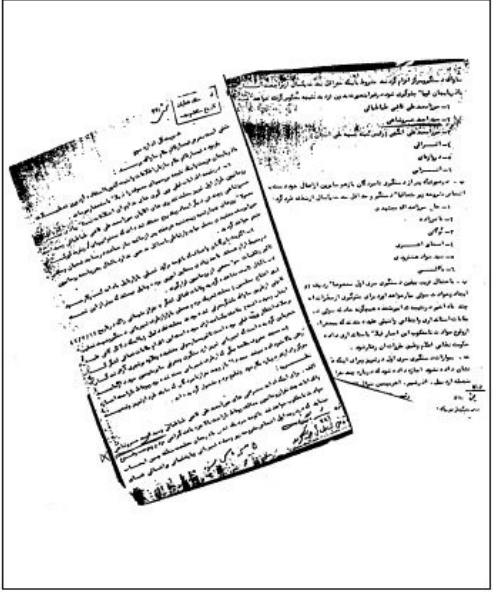
ت) به موازات دستگیری سری اول در تبریز و برای اینکه عکس العمل هایی در سایر نقاط استان نشان داده نشود، اجازه داده شود که درباره چند نفر از روحانیون مخالف و ناراحت منطقه من جمله اردبیل، آذرشهر و اهر به همین منوال اقدام گردد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت آذربایجان شرقی

مهرداد

ص: 170

1- عیسی اهری.



گوشه ای از متن گزارش رئیس ساواک تبریز به مرکز

... فعالیت های گسترده و روزافزون آیت الله خسروشاهی، قاضی، مجتهدی، انگجی و دیگر علما و وعّاظ تبریز، رئیس ساواک تبریز را بر آن داشت که در تاریخ 28 مهر 1342 ش از «مرکز» بخواهد که اجازه دهند، از تحرکات روزافزون برخی از علمای برجسته از جمله آیت الله خسروشاهی جلوگیری به عمل آید :

«به منظور قطع ریشه فساد و جلوگیری از تحرکات علنی چند تن از روحانیون که اهالی را دعوت به ادامه مبارزه و ایستادگی در مقابل قوای انتظامی می نمایند و این عمل در روحیه متعصبین این شهر بسیار مؤثر واقع و در صورت ادامه آن امکان وقوع حوادث ناگوار می رود، کمیته امنیت مصمم است که چهار نفر از علمای طراز اول به اسامی: قاضی طباطبایی، سید احمد خسروشاهی، میرزا عبدالله مجتهدی و میرزا محمد علی انگجی و دو نفر از وعّاظ ناراحت به نام های انزایی و ناصرزاده را دستگیر و به مرکز اعزام دارد. چون طبق اوامر صادره، دستگیری این قبیل اشخاص مستلزم کسب اجازه قبلی از مرکز می باشد مقرر فرمایند مقتضیات رأی عالی را سریعاً امر به ابلاغ فرمایند. توضیحاً به عرض می رساند ضمن اینکه ممکن است دستگیری نامبردگان منجر به تعطیلی بازار و وقوع حوادثی بشود، ولی در عین حال دستگیری آنان تأثیر فوق العاده زیادی در امنیت منطقه داشته و به این ترتیب ریشه فساد به کلی قطع خواهد شد...» و همانطور که در سند قبلی نقل شد، مهرداد، به شدت خواهان دستگیری برخی از روحانیان مبارز، از جمله آیت الله خسروشاهی، قاضی و انگجی و... است :

«... اقدامات چند نفر از روحانیون مخالف و وعّاظ ناراحت بالأخره باعث گمراهی مردم و موجب وقوع حوادث نامطلوب خواهد شد. با توجه به نزدیک شدن ماه رمضان، مصلحت منطقه چنین ایجاب می نماید که در درجه اول اشخاص مشروحه زیر به وسیله شهربانی و با پشتیبانی و راهنمایی های ساواک دستگیر و به مرکز اعزام گردند، مشروط به اینکه حداقل به مدت یک سال از مراجعت آنان به آذربایجان قویاً جلوگیری شود. در غیر این صورت بدون تردید، نتیجه معکوس گرفته خواهد شد: 1. میرزا محمد علی قاضی طباطبایی، 2. سید احمد خسروشاهی، 3. میرزا محمد

علی انگجی (رئیس کمیته جبهه ملی استان)، 4. اشراقی، 5. دروازه ای، 6. انزایی...»

تیمسار! مهرداد! همچنین در سوم آذر 1342 ش در گزارش به مرکز می نویسد :

«... برای خاتمه دادن به تبلیغات سوء چند تن از روحانیون، مراتب مجدداً در کمیته امنیت مطرح و تصمیمات زیر اتخاذ گردید :

1. قرار شد آقایان قاضی طباطبایی، سید احمد خسروشاهی، دروازه ای، انزایی، ناصرزاده و میرزا محمد علی انگجی دستگیر و به مرکز اعزام شوند.

2. نسبت به دستگیری میرزا محمد علی انگجی که فعلاً در مسافرت تهران و قم می باشد، به ساواک مرکز و شهربانی کل گزارش شود که نامبرده را در مرکز دستگیر و یا نگذارند به آذربایجان بیاید، زیرا دستگیری ایشان در تبریز با نفوذی که برادر مجتهد ایشان در بین مردم دارد، ممکن است حوادث نامطلوبی ایجاد نماید. نامبرده در تهران در منزل برادرش حاجی میرزا مهدی انگجی است...»

و بالاخره، تیمسار! مهرداد، نقشه خود را عملی می سازد و به سرکوب مردم و دستگیری علمای بزرگوار و اعزام آن ها به زندان قزل قلعه تهران، اقدام می کند.

چگونگی این دستگیری و واکنش های مردم را، دوست و همکار گرامی، مورّخ محقق جناب حجّت الاسلام والمسلمین آقای علی دوانی در کتاب خود چنین نقل می کند :

... علمای اعلام تبریز، ترتیب کار را طوری داده بودند که هر شب در مسجد یکی از آقایان، همگی اجتماع کنند و ضمن بیان مسائل اسلامی، مردم را در جریان روز و آنچه برای مراجع عالی قدر و شخص آیت الله خمینی روی داده بود، قرار دهند. این کار عملی شد و مردم نیز استقبال پر شوری از آن به عمل آوردند.

عمّال رژیم ضدّ مردمی نیز در تاریخ 12 آذر 1342، سه تن از علما و ائمه جماعات مرحوم حاج سید احمد خسروشاهی و حاج سید محمد علی قاضی طباطبایی و حاج سیّد مهدی دروازه ای و دو تن از وعّاظ به نام آقایان حاج میرزا حسن ناصرزاده و حاج میرزا محمد حسین انزایی را دستگیر و به تهران

آوردند و مستقیماً به زندان قزل قلعه برده و زندانی نمودند.

به دنبال دستگیری روحانیون تبریز، اهالی غیرتمند این شهر، دست به اعتصاب زدند، و بازار و مغازه های خیابان ها بسته شد. این اعتصاب تا چهار روز ادامه داشت. رژیم شاه، به منظور سرکوبی اعتصاب کنندگان حکومت نظامی اعلام کرد و عده ای از مردم را بازداشت نمود.

بعد از دستگیری علما و وعّاظ نام برده، چون رژیم می دانست سایر روحانیون و گویندگان آذربایجان شدّت عمل نشان خواهند داد، جمعی دیگر از گویندگان به نام تبریز، آقایان حاج شیخ عیسی اهری، حاج شیخ محمدحسن بکایی، حاج میرزا محمود وحدت، حاج سیّد جواد هشترودی، حاج میرزا محمد جلیلی اسنتقی، حاج میرزا عبدالرحمن واقفی بخشایشی و حاج میرزا حمید بنایی را در خود تبریز دستگیر و همان جا در ساواک بازداشت نمود.

چون در تهران نیز به عنوان بازداشت علمای تبریز تظاهراتی توسط دانشجویان به راه افتاد، رژیم جمعی از دانشجویان رشید را بازداشت و زندانی کرد، تا نشان دهد که چه در تهران و چه در تبریز، و چه در دانشگاه و چه در بازار، خواه مقامات روحانی باشند، یا افراد دانشگاهی و بازاری، همین که بر ضدّ رژیم قد علم کردند، پاسخ آن ها مسلسل و گلوله و بازداشت و زندان است.

آقایان علما و وعّاظ تبریز، 45 روز در زندان قزل قلعه و 15 روز در زندان خصوصی سلطنت آباد و 15 روز دیگر هم در منازل تحت نظر و مراقبت شدید مأمورین قرار داشتند؛ به طوری که از زندان هم بدتر بر آن ها گذشت و به طور خلاصه چندین ماه بدین گونه و به سختی در تهران زندانی و بازداشت بودند. البته چند نفر از آقایان وعّاظ نامبرده را هم به تهران آوردند و در زندان قزل قلعه زندانی نمودند... (1)

البته علیرغم غرض ورزی ها و انحصارطلبی های بعضی از مدعیان مبارزه و تخریب

ص: 174

و سیاه‌نمایی درباره زحمات و فعالیت‌های دیگران، مبارزات اخوی بزرگوار تا نزدیکی پیروزی انقلاب اسلامی ایران ادامه یافت (1) که شرح آن نیازمند فرصت دیگری است ...

رحلت...

... سرانجام برادر بزرگوار در تاریخ 28 خرداد 1356 در تبریز به رحمت حق پیوست و با تجلیل و اکرام کامل مردم غیور و مسلمان تبریز و علمای عظام، تشییع شد و جنازه طبق وصیت، به مشهد منتقل و در صحن مطهر حضرت رضا علیه السلام به خاک سپرده شد. مجالس ترحیم و بزرگداشت آن مرحوم در تبریز و شهرهای دیگر از سوی طبقات مختلف مردم به مناسبت اولین هفته توسط آیتالله قاضی طباطبایی و به مناسبت چهلمین روز توسط اخوان و خانواده، با حضور انبوه مردم مسلمان تبریز برگزار گردید. (رحمه الله و أسکنه فی جنته الخاصه لعباده)

در اینجا یکی دو نمونه از اعلامیه‌های مجلس بزرگداشت ایشان را می‌آوریم:

ص: 175

1- رجوع شود به محتوای اعلامیه‌هایی که در پی می‌آید.

مجلس ترحیم
ثلمة فی الدین لایسدهاشی ء

نظر بفرا رسیدن اولین هفته رحلت اسفناک حضرت مستطاب
 حجة الاسلام و المسلمین سید الفقهاء و المجتهدین آیتا... آقای

حاج سید احمد آقا خسرو شاهی

اعلیٰ... مقامه که با فقدان عظیم خویش قلوب عموم علمای اعلام
 و فاطمیه اهالی محترم و علاقه‌مندان را جریده‌دار نموده و در این
 ضابطه خسارت علمی بزرگی بر جامعه علم و فقاہت وارد گشته و یک
 شخصیت بارز دینی از صف مبارزان اسلامی از دست رفته مجلس
 ترحیمی روز پنجشنبه ۱۲ رجب مطابق ۹ تیر ماه از ساعت ۸
 صبح در مسجد مقبره منعقد و ساعت ۱۰/۵ ختم خواهد شد
 بدیهی است برای عرض تسلیت بساحت اقدس حضرت بقیة ا...
 فی العالمین ارواحنا فداہ عموم اهالی و طبقات محترم و علمای
 اعلام و مبلغین دینی و عزاداران حسینی و کسبه و اصناف برای
 تعظیم و بزرگداشت شعائر مذهبی و قدردانی از خدمات دینی
 آن بزرگوار در این مجلس سوگواری شرکت خواهند فرمود

سید محمد علی قاضی طباطبائی

نشانی: روبروی راسته بازار - مسجد مقبره

۹۹۷ ج ۱

۷۱۴ هجری قمری

متن اعلامیه آیت الله قاضی در رابطه با رحلت اخوی و برگزاری مراسم

نظر بفرما رسیدن چهلمین روز رحلت اسفناک
حضرت آیه آه العظمی آقای

حاج سید احمد آقا

خسر و شاهی قدس سره

که با فقدان خود قلوب عموم علمای اسلام و قاطبه مردم آذربایجان، بویژه تبریز را چو یخه درازند و دستاره در خشان علم و تقوی و فطانت اول کرده آخرین مجلس یاد بود و بزرگداشت خاطره آنمر حوم از طرف بازماندگان در روز شنبه ۳ شعبان المعظم از ساعت ۳ و ۵ تا ۳ و ۷ بعد از ظهر در مسجد خسر و شاهی برگزار خواهد بود امیدواریم که برای قدر دانی از خدمات دینی آن مرحوم عموم طبقات در این مجلس شرکت فرمایند

مجلس یاد بود و بزرگداشت خاطره آنمر حوم از طرف بازماندگان در روز شنبه ۳ شعبان المعظم از ساعت ۳ و ۵ تا ۳ و ۷ بعد از ظهر در مسجد خسر و شاهی برگزار خواهد بود امیدواریم که برای قدر دانی از خدمات دینی آن مرحوم عموم طبقات در این مجلس شرکت فرمایند

و در ضمن تکریم سبب بی پایان از قدر دانی مراجع ائمه تیف طرف نام و آيات مقام و علماء اعلام و جمع اسلام و مقام و سطوة و آبرویان و کتب و اصناف ابرو، ائمه، اسطبه و غیره استغای دیگر بگذر داریم که عموم طبقات از روز یکشنبه بمناسبت میلاد با سعادت حضرت ولی عصر (عجل آه به عجلای عزاداری و زکریا و جوده پادشاه و به تعظیم شاکل مدیعی و بزرگداشت میلاد صلح جهان امام زمان علیه السلام بپردازند امیدواریم که مؤمنین حضور در کارهای خیرات و امور اسلامی موفق و موید باشند

از طرف بازماندگان و وابستهگان

سید محمد خسر و شاهی
الاسطر سید خدای خسر و شاهی
الاسطر سید نورالله خسر و شاهی

نشانی: بازار مسجد آقا امام خسر و شاهی
تبریز - ۹۲۸۳۳

متن اعلامیه حقییر و «اخوان» در مورد مراسم چهلمین روز

ص: 177

سید محمد و سید جعفر: ... علاوه بر دو برادر بزرگوار عالم و مجتهد - که ذکرشان گذشت - دو برادر دیگر نیز به نام های آقا سید محمد خسروشاهی و آقا سید جعفر خسروشاهی، از یادگاران پدر هستند. هر دو برادر، در دوران نوجوانی، علاوه بر حضور در مکتب خانه، به تحصیل مقدمات و ادبیات در مدرسه طالبیه تبریز پرداختند و در این تحصیلات مقدماتی حوزوی، هم دوره آیت الله آقا میرزا جعفر سبحانی بوده اند.

البته بعدها هر دو برادر ترک تحصیل کرده، و به کسب و کار و اداره امور معاش پرداختند... و هر دو از اخیار و صلحا و مورد وثوق اهل بازار.

آقای حاج سید محمد خسروشاهی، با پنج فرزند، علاقه ای به سیاست و دخالت در این قبیل امور را نداشت، ولی آقای حاج سید جعفر، با چهار فرزند، با توجه به موقعیت شغلی و سرپرستی هیأت معروف دلریش تبریز، به طور طبیعی در امور اجتماعی و سیاسی به ویژه در دوران نهضت اسلامی دخیل بوده و به سبب همین نوع فعالیت ها، چند بار دستگیر و زندانی شد و مورد شتم و اهانت قرار گرفت.

متأسفانه در کتاب زندگی و مبارزات شهید آیت الله قاضی طباطبایی، مطالبی درباره ایشان و اخوی بزرگوار آیت الله آقا سید احمد خسروشاهی و حقیر! به نقل از یک گزارشگر ساواک نقل شده که عاری از صحت است، و چون مکتوب و منشور! شده، ثبت سطورى چند به عنوان پاسخ و توضیح، ضروری به نظر رسید. در کتاب مزبور چنین آمده است:

«... نقی دوستدار، در بیمارستان مهر خود را به آیت الله قاضی نزدیک نمود، پس از مراجعت قاضی به تبریز، دوستدار نیز راهی تبریز شد و از وی تقاضا نمود تا خانه ای گران قیمت برای ایشان خریداری نماید. اما آقای قاضی جواب رد

داد. این فقط بهانه ای بود، چه اندکی بعد دو نامه در تبریز منتشر شد که خطاب آن ها یکی به شاه و دیگری هیراد - رئیس دفتر مخصوص شاه - از زبان آیت الله قاضی بود. این خود، سرآغاز حملات ناجوانمردانه مریدان آیت الله شریعتمداری به قاضی شد. جعلی بودن نامه از امضاهاى آن به خوبی آشکار بود، اما بهانه ای برای تاخت و تاز علیه قاضی شده .

در این باره ساواک گزارش می کند که:

اخیراً نامه ای از طرف شریعتمداری به حاجی میرزا عبدالله مجتهدی جهت توصیه به روحانیون درباره اعتراض به نامه آقای قاضی طباطبایی که به دربار شاهنشاهی نوشته بود، رسید که آقای مجتهدی روحانیون را به منزل خود دعوت و در این مورد تذکرات لازم را می دهند. ضمناً عده ای از روحانیون، درباره نامه قاضی از مخالفت خود دست نکشیده اند.

محرک آنان، عده ای در بازار به نام های حاج مجید ثلاثه، رحیم صافی خرازی، سید جعفر خسروشاهی، حاجی جلیل نوحه خوان حکم آبادی و حاج حسینقلی بهتاش می باشند.

هر روز تمام روحانیون مخالف، در مغازه های حاجی مجید ثلاثه و حاجی جلیل نوحه خوان حکم آبادی جمع می شوند. روحانیونی هم که در مجالس به قاضی حمله می برند، عبارت اند از: وحدت، بکایی، بخشایشی، اسنقی، سید احمد خسروشاهی، حاج میرزا یوسف هاشمی حکم آبادی .

... به دنبال همین اقدامات، طرفداران آیت الله شریعتمداری، در منزل میرزا عبدالله مجتهدی اجتماع کردند، تا طوماری را علیه آیت الله قاضی و خطاب به آیت الله شریعتمداری تهیه کنند که وی (یعنی قاضی طباطبایی) بر علیه شریعتمداری در تبریز تبلیغ می کند و وی را درباری معرفی می کند.

طومار تهیه شد، افرادی که آن را امضا کردند، عبارت بودند از :

1. سید احمد خسروشاهی ؛ 2. سید هادی خسروشاهی ؛ 3. سید یوسف

حکم آبادی؛ 4. میرزا محمود وحدت؛ 5. میرزا جعفر اشراقی؛ 6. سید هادی خسروشاهی؛ 7. میرزا جعفر سبحانی؛ 8. محمد حسن بکایی؛ 9. عبدالله مجتهدی، و عده ای از اصحاب مسجد جامع.

مرحوم آیت الله سید احمد خسروشاهی، به بهانه زیارت مشهد مقدس طومار امضا شده را به قم و نزد آیت الله شریعتمداری برد! (1)

همان طور که ملاحظه می شود، اتهامات عجیب و غریبی با استناد به گزارش های کذب مأمورین جاهل ساواک تبریز مطرح شده است که هیچ کدام از آن ها نه تنها صحّت ندارد، بلکه محتوای آن ها به دور از عقل و منطق است.

اخوی محترم، آقای حاج سید جعفر خسروشاهی، از معتمدین بازار و از مریدان سابق مرحوم آیت الله قاضی و مسئول هیأت عزاداری دلریش تبریز، توضیحاتی در این باره نوشته اند که به دنبال این سطور می خوانید، اما نکته ای که ضروری است در اینجا به آن اشاره کنم، این است که:

اولاً: برای مخالفت با آقای قاضی، نیازی به تهیه طومار! آن هم در منزل مرحوم آیت الله مجتهدی که رفیق آقای قاضی و شخصیتی فرهیخته و مرد خرد و تسامح و تعامل با همه بود، نداشت.

ثانیاً: اصولاً اینجانب که گویا دوبار (!) هم آن طومار را امضا کرده ام! در آن تاریخ، در تبریز نبوده ام.

ثالثاً: مرحوم اخوی، آیت الله حاج سید احمد خسروشاهی، همه ساله طبق نذر شرعی قدیمی، به زیارت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می رفت و این را همه مردم تبریز می دانند.

ص: 180

1- رحیم نیکبخت و صمد اسماعیل زاده، زندگی و مبارزات شهید آیت الله قاضی طباطبایی، صص 226 - 221 (چ اول، 1380، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی). البته امیدواریم که برادران عزیز، در چاپ های بعدی موضوع را اصلاح نموده و دقت بیشتری در بررسی حوادث داشته باشند.

رابعاً: بی تردید این دون شأن مقام علمی - فقهی آیت الله آقا سید احمد خسروشاهی است که برای امر هیچ و پوچی ، طومار! تهیه شده با دو امضای بنده! را به بهانه زیارت مشهد!! (که همه ساله به آن جا می رفت) به قم ببرد.

به هر حال، این نوع تاریخ نگاری ، با استناد به گزارش های غیر مستند مأموران نوعاً بی شعور و مزدور ساواک، و با تخریب دیگران ، ره به جایی نمی برد ... ، به ویژه که بعضی از آقایان، از جمله حقیر به اندازه کافی سند و مدرک زنده و شهادت عینی و حضور دائمی در صحنه مبارزات ، از روز اول تا به امروز، داریم که متأسفانه به علت احتیاط شرعی و التزام به عدم تجریح افرادی که خدمتی هم انجام داده اند، و با صرف نظر از اشتباهات و خطاها و دروغ ها و حُب و بغض ها و جناح بندی ها به سبب اهداف شخصی و موهوم و موقت و ... قصد نشر آن ها، و تعرّض به اموات! را نداریم و امیدوارم که خداوند، از تقصیرات همه آن ها و همه ماها! بگذرد و صالح اعمال ما را عامل محو سیئات بفرماید.

اما توضیحات اخوی ارجمند و محترم ، آقای حاجی سید جعفر خسروشاهی، در پاسخ نامه من (1) که از ایشان خواسته بودم توضیحی در این باره مرقوم دارند، چنین است :

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر مکرم دانشمند معظم جناب آقای سید هادی خسروشاهی (دامت برکاته).

پس از سلام و عرض ارادت ، دستخط مبارک با نامه مربوطه زیارت گردید که لازم است توضیحات مختصری به عرض برسد، البته قبلاً از تصدیق اوقات معذرت خواسته ، امید عفو دارم .

1. بنده نمی دانم آقایان مؤلفین کتاب مبارزات آیت الله قاضی چه منظوری داشته اند؟ چون آن موقع که ما خدمت آقای قاضی بودیم ، هیچ یک از این دوستان نبودند! بنده و آقای حاج حمید نوحه خوان و آقای اسنقی را به جرم

ص: 181

1- متن نامه عیناً و بدون ویرایش نقل می گردد.

ترتیب دادن مراسم استقبال، پیش از تاریخ ورود آقای قاضی دستگیر و چند روز در سلول ساواک تحت شکنجه های روحی و جسمی سرهنگ سلیمی قرار دادند، آن وقت این آقایان کجا بودند؟!

2. بنده، دوست و رفیق مرحوم آقای قاضی بودم و تقریباً تمام شب ها نماز مغرب و عشا را به امامت ایشان در مسجد شعبان ادا می کردیم و شب های یکشنبه هم پای منبرشان بودیم.

خاطره ای به نظرم رسید که یک روز جمعه، پس از اتمام جلسه هیأت حسینی دلریش، به همراه چند نفر از دوستان آمدیم به مسجد شعبان که یکی از همراهان، حاج کریم تقوی - فرش فروش که فعلاً در تهران هستند - بود، بنده متوجه شدم آقای حاج کریم آقا، نماز مغرب را اقتدا نکرد و منفرداً خوانده!

رفتم جلوی ایشان نشستم و عرض کردم: آقای حاج کریم آقا! چرا به آقا اقتدا نکردید؟ گفت: آخر من از آقا شناخت ندارم. گفتم: اینجا در حال اقامه نماز جماعت، نماز فرادا باطل است؛ چون عملاً توهین به آقا است، ضمناً من و آقای حاج میر علی اکبر فردوس را می شناسی؟ گفت: بلی! گفتم: وقتی دو نفر مثل ماها اقتدا کردیم، تو هم باید اقتدا نمایی... که قبول کرد و اقتدا نمود. این مختصر نمونه دوستی ما و آقای قاضی است و فعلاً هم با فرزندش آقای سید محمد تقی دوست صمیمی و رفیق هستیم.

از اول انقلاب، رسم شده بعضی افراد با حزب الهی نمایی و اظهار وابستگی به بعضی از آقایان، با نظرات خاصی اقدام! به بهره برداری خوب! کرده و می کنند که بعضاً هم قضایا کشف و مطرح شده است، ولی ان شاء الله این آقایان نظر خاصی ندارند.

3. نوشته اند: هر روز روحانیون و مخالفین آقای قاضی، در دکان آقای حاجی مجید ثلاثه و حاج جلیل حکم آبادی جمع می شوند که از اساس دروغی آشکار است؛ چون محل کوچک نیم طاقی دکان حاجی، گنجایش این همه آدم را نداشت. بنده هم تا به حال، نه به دکان آقای حاج جلیل حکم آبادی رفته ام و نه اصلاً می دانم که دکان ایشان کجاست؟

4. از افتخارات عالم شیعه، آزادی بیان و اظهار نظر مخالف است؛ به طوری که بنده استفتا نموده ام رهبر انقلاب، تسبیحات اربعه را در نمازها سه مرتبه واجب می دانند، ولی خیلی ها یک مرتبه را، یا معظم له قصد انفراد را جایز می دانند، ولی خیلی ها جایز نمی دانند و سایر مسائل.

حدود تقریباً 22 مجتهد بر عروه الوثقی سید یزدی حاشیه زده اند و نظراتی را مغایر سید مرحوم اظهار کرده اند. اصلاً کنجکاوی و بحث، راه و رسم ماست. ما درس بزرگان را دیده ایم که شاگردان به استاد ایراد می کنند، هیچ آبی هم از آب تکان نمی خورد. پس اگر در تبریز علمایی هم با آقای قاضی اختلاف داشته اند، ظاهر آبه ماها مربوط نیست، آن هم پس از فوت تمامشان یا اکثرشان... نه آقای قاضی شهید، نه آیت الله شریعتمداری، نه آیت الله آقا سید احمد خسروشاهی هیچ کدام در قید حیات نیستند، آیا آقایان حالا می خواهند آب را گل آلود نمایند و حتی توهین به رفتگان و عالمانی چون حضرت آیت الله سید احمد آقا خسروشاهی نمایند که ایشان هم درس مرحوم آیت الله خمینی در حوزه درس آیت الله مؤسس آقای حائری یزدی بوده اند و تقریرات مرحوم آیت الله خوانساری و آیت الله اراکی از ایشان را هم شما دارید.

مرحوم آیت الله شهید مدنی می فرمود: من پیش ایشان درس خوانده ام، حالا آن ها بی ادبانه می نویسند: سید احمد!! که البته بر دامن کبریا نشیند گرد!، و مردم عاشقانه نوارهای ایشان را خواستار و پی گیر، و در خانواده ها مطرح است و یک نفر به بنده می گفت که: «وصیت کرده ام آن نوارها را از حساب ثلث بنده محاسبه و تکثیر کنند، تا مردم بعد از فوت من هم، به این فرمایشات گوش کنند»، حالا آقایان بنویسند: احمد خالص؟! (1) مگر چه می شود؟

5. قصه حسنیه معروف است: در مجلس مأمون خواستند بر ضد حسنیه توطئه چینی کنند، مطرح کردند که چه می گویی، بعد از پیغمبر اکرم، علی افضل است یا عباس عموی پیامبر؟ جواب فرمود: به من و تو چه ربطی دارد؟ اگر عباس عمویش افضل است، مایه افتخار علی است که چنین عمویی دارد و بعد از پیغمبر

ص: 183

1- در نوشته آقایان نام آیت الله سید احمد خسروشاهی، بدون القاب حتی بدون ذکر «آقا» و «سید» آمده است که نشان دهنده بی ادبی و دوری از اخلاق اسلامی است.

افضل است و اگر علی افضل باشد، مایه افتخار عباس است که این نوع برادرزاده دارد. به شما چه مربوط است؟ حال علمای محترم همان طور است، هر کدام بهتر باشند، موجب افتخار ما شیعیان است. به بچه های جدید الولاده چه ربطی دارد؟

6. آقای حاج بهتاش و آقای حاج جلیل حکم آبادی، خیلی وقت است که فوت کرده اند. آقای حاج رحیم آقا صامی، پسرش در بمباران صدام شهید شده، خودش به مشهد مقدس کوچ کرده و در آنجا ساکن است. آقای حاج مجید ثلاثه هم در تهران ساکن است و می توانند از این دو بزرگوار موضوع را سؤال کنند.

7. تعداد نوارهای منبرهای آیت الله آقا سید احمد آقا معلوم نیست، ولی اقلاً پانصد نمونه هست که اغلب مردم در آذربایجان دارند. آقایان یک نوار سخنرانی ایشان را پیدا کنند که به آقای قاضی حمله کرده باشد؟ بلی، سر بسته از علمای سوء انتقاد کرده، خودش را هم گفته... تهمت و افترا و دروغ گویی هم اندازه دارد و امام فرموده اند: روحانی بد، از ساواکی بدتر است.

8. در موقع پیشواز از آقای قاضی که من را هم دست اندرکار و محرک دانسته اند، بنده آن موقع در حیاط منزل مرحوم آقای قاضی اشعاری پشت میکروفون در تعریف ایشان خوانده ام که عکس را گرفته بودند و در ساواک جعفر رستگاری ساواکی، روی میز جلوی بنده انداخت و بازجویی کرد و خواستار معرفی مردم شد که بحمدالله یک نفر را هم لو نداده ام، پرونده بنده در ساواک تبریز موجود بود! (حالانمی دانم!) (1)

9. اگر چند نفر در دکان آقای حاجی مجید ثلاثه، علیه مرحوم قاضی برابر گزارش مأمور مزدور ساواک و پندار آقایان صحبت نمایند، چه تأثیری در مسیر مبارزات آقای قاضی می تواند داشته باشد و پس از این مدت و فوت آقایان، طرح این مسائل چه سود و یا پیامد مثبتی می تواند داشته باشد؟

10. ظاهراً همه نوشته های آقایان در این رابطه با استناد به گزارش جعلی مأموران ساواک است که اصل آن در کتاب نقل شده است. آیا به نظر شما، با

ص: 184

1- بخشی از این پرونده را، که پس از فوت ایشان به دست آمد، در بخش بعدی - مبارزات وی - نقل خواهیم کرد.

استناد به گزارش یک آدم فاسق و بدون تحقیق از کسانی که نامشان ذکر شده، و هنوز زنده هستند، می توان تاریخ نهضت و انقلاب و مبارزات آقای قاضی و یا دیگران را نوشت؟ و یا می توان دیگری را حتی اگر مخالف آقای قاضی باشد، متهم شناخت؟

مثلا گزارشگر می نویسد: هر روز تمام روحانیون مخالف در مغازه حاجی مجید جمع می شوند، اصلا می شود باور کرد که آقایان روحانیون مخالف آقای قاضی - که تعدادشان هم کم نبود - هر روز! در دگانی در بازار جمع شوند؟ در یک دگان نیم وجبی بنده و یا آقای حاج مجید، چند نفر آدم جامی گیرد؟

جالب است که همین دوستان، در سند شماره 26 مندرج در کتاب، سندی نقل کرده اند که در آنجا، ضمن «عناصر بازاری فعال در هنگام ورود آقای قاضی» نام اینجانب را هم ذکر کرده اند... و البته این اسناد لابد در پرونده من در ساواک تبریز موجود است و متأسفانه به جای استناد به آن ها، به جعلنامه ای استناد نموده و ما را متهم به مخالفت با آقای قاضی کرده اند.

از خداوند متعال خواستارم که عاقبت همه ما را ختم به خیر فرماید.

با احترام

اخوی شما

تبریز، حاج سید جعفر خسروشاهی

30/2/1384 ش

... اما گزارشی که مورد استناد دوستان قرار گرفته به شرح زیر است :

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

رونوشت گزارش خبر شماره: 5864/ه - 17/10/46

منبع: 439

موضوع: دعوت اتاق بازرگانی از آقای فلسفی

چند روز است که در بازار و مساجد شایع شده که از طرف تجار و اعضای اتاق

ص: 185

بازرگانی از آقای فلسفی (واعظ و دانشمند بزرگ تهران) دعوت به عمل آمده که ده روز در مسجد جامع تبریز سخنرانی مذهبی بنماید و این شایع در بین اشخاص ساده مذهبی و آن‌هایی که از صحبت‌های واعظین فعلی تبریز تنفر دارند و تمام سخنرانی‌های آنان را خرافاتی می‌دانند، با خشنودی تلقی شده، ولی اکثر واعظین تبریز من جمله میرزا حمید بنایی، سید احمد خسروشاهی، موسی زاده و قاضی طباطبایی از این خبر (دعوت فلسفی) بسیار ناراحت هستند و در بین مردم، فلسفی و راشد را مداحان دربار و شکوهی را واعظ و نماینده امام جمعه تبریز معرفی می‌نمایند و بیشتر از همه میرزا حمید بنایی از این موضوع ناراحت است و به چند نفر از اطرافیان خود از قبیل مجید ثلاثه (اسفهلانی) و حاجی میر علی اکبر فردوسی و سید جعفر خسروشاهی گفته که در بین مردم به نوعی تبلیغ نمایند که در صورت آمدن فلسفی به تبریز، جهت استماع سخنان وی کسی حاضر نشود.

نظریه منبع

چند نفر از روحانیون به نامان میرزا عیسی اهری و استغی و حاجی میرحسین کهنمویی از شنیدن دعوت فلسفی شاد و خرسند شده اند که آقای فلسفی با سخنرانی از حق و حقیقت و [اثبات] حقانیت دین اسلام به مردم، روحانیون خرافاتی و بی سواد از قبیل حمید بنایی و سید احمد خسروشاهی و موسی زاده و قاضی و سایرین را رسوا خواهد نمود و مردم نیز خواهند فهمید در گذشته چه کسانی خرافات را به جای دین به آنان تبلیغ کرده اند.

رونوشت برابر اصل است. اصل در پرونده روحانیون تبریز است.

در پرونده محمد تقی فلسفی بیان شده است.

موضوع: بهره برداری از روی گزارش رحیمی

1. اخیراً نامه ای از طرف شریعتمداری به حاجی میرزا عبدالله مجتهدی جهت توصیه به روحانیون درباره اعتراض به نامه آقای قاضی طباطبایی که به دربار شاهنشاهی

ص: 186

نوشته شده بود، رسیده که آقای مجتهدی، روحانیون را به منزل خود دعوت و در این مورد تذکرات لازم را می دهند و ضمناً عده ای از روحانیون درباره نامه آقای قاضی از مخالفت خود دست نکشیده اند و محرک آنان عده ای در بازار به نامان حاجی مجید ثلاثه، رحیم صافی خرازی و سید جعفر خسروشاهی و حاجی جلیل نوحه خوان حکم آبادی و حاجی حسینقلی بهتاش می باشند و هر روز تمام روحانیون مخالف در مغازه های حاجی مجید ثلاثه و حاجی جلیل نوحه خوان حکم آبادی جمع می شوند. روحانیونی که در مجالس به قاضی حمله می نمایند، عبارت اند از: وحدت بکایی، بخشایشی اسنقی، سید احمد خسروشاهی، حاجی میر یوسف هاشمی حکم آبادی می باشند.

2. درباره سوابق و مشخصات میرزا اصغر حسن زاده اهل و متولد قریه هریس، شغل محصل طالبیه مسجد جامع، منزل: ساکن مسجد جامع که در تکلم پرحرف و حرّاف بوده و پر رونیز می باشد و تا به حال نیز هیچ گونه در سیاست دخالتی نداشته و بعضی مواقع نیز به روحانیون منحرف در بین رفقای خویش حمله می نماید و سال گذشته از درد... بستری و حالیه می لنگد و بیشتر اوقات به منازل روحانیون بی طرف از جمله سید حسن حجّت و حاجی میر... اصفهانی تردد می نماید و گزارشات از روحانیون مخالف به آنان می دهد. 3/7/45»

این بود متن اصلی گزارش مجعول ساواک که متأسفانه مورد استناد دوستان جوان تاریخ نگار! ما قرار گرفته است و امیدواریم که در چاپ های بعدی کتاب، آن را اصلاح کنند.

یادی از آخرین برادر و: نقش وی در مبارزات تبریز

... سلاله الابرار، زبده الاخیار، خادم اهل البیت، حاج سید جعفر خسروشاهی با سابقه ای دراز در دنیای علم و ادب و شعر و تجارت، در آخرین روزهای اسفند 1393 در تبریز درگذشت و به رحمت حق پیوست.

این برادر، متولد 1308 ش در تبریز بود و پس از طی مراحل ابتدایی تحصیلی در «مکتب خانه»، به «مدرسه طالبیه» رفت و همزمان با حضرت آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی (مدظله) در آن مدرسه، به تحصیل ادبیات و علوم مقدماتی اسلامی پرداخت... و مدت ها، در این مسیر گام برداشت و بخشی از علوم مقدماتی را فرا گرفت، ولی سرانجام، برای استقلال مالی، علاوه بر تحصیل، به بازار رفت و به کسب و کار پرداخت و سپس، درس را کنار گذاشت و به مکتب خانه عشق حسینی، قدم نهاد و به عنوان «نوحه خوان» و «مداح» ممتاز اهل بیت (علیهم السلام) در قدیمی ترین هیئت عزاداری معروف تبریز، «دلریش»، انتخاب شد و بیش از نیم قرن تمام، به این خدمت ادامه داد.

برادر، به موازات کارهای جاری خود و رسیدگی به امور خانواده، خدمات عام المنفعه ای در کمک به نیازمندان، در حد توان خود و دوستان و یارانش، انجام می داد. اینک برادر، یک «بازاری» متشرع و محبوب در انظار عمومی مردم باایمان تبریز شناخته می شد ولی هرگز از این موقعیت اجتماعی مطلوب و موثری، به نفع خود بهره نگرفت و رمز و راز محبوبیت عام وی نیز همین خصلت های انسانی بود.

نقشی در نهضت ها

... در دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت، برادر به سهم خود، بدون وابستگی سازمانی به جبهه یا گرایشی خاص، به پیروی از علمای عظام، وظایف ملی خود را انجام می داد و نهضت ضداستعماری مردم ایران را به رهبری علما و مراجع عظام - آیت الله خوانساری و آیت الله صدر در قم و علمای بزرگ در تبریز - راهی برای رهایی

ص: 188

مردم و جلوگیری از سقوط اخلاقی - فرهنگی نسل جوان می دانست و در این راستا علاوه بر محافل مختلف، در مراسم «هیئت دلریش» ضمن اقامه مجلس عزاداری، اشعار خاصی هم در تأیید نهضت علما و مردم، برای صدها هوادار هیئت دلریش قرائت می کرد.

... پس از شکست نهضت ملی، به علت تمامیت خواهی ملی گرایان سکولار و کنار زدن جریان های سیاسی اسلام گرا و متهم ساختن علمای بزرگی چون آیت الله کاشانی و ظهور حوادث دیگر، برادر مدتی سیاست را کنار گذاشت و به همان تعلیم و تربیت جوانان در «هیئت دلریش» یا جلسات خاص ادامه داد...

... با آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی و مراجع عظام قم و مشهد و نجف و علمای بلاد، برادر به نهضت پیوست و در محافلی که در آن ها نفوذ و تأثیر داشت، به ویژه «بازار» و «بازاریان»، همگان را به همکاری با نهضت اسلامی جدید دعوت می کرد و خود نیز، با تمام قوا در آن حضوری عینی داشت؛ به ویژه که بازاریان تبریز، از دوران مشروطیت و سپس نهضت ملی، همواره نقش تأثیرگذاری در مبارزه داشتند. برای برادر، اخوی بزرگتر آیت الله سید احمد خسروشاهی با آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبایی فرقی نداشت، به هر دو ارادت می ورزید. ظهرها نماز جماعت را در مسجد پدری در بازار تبریز به امامت اخوی بزرگ تر و شب ها نماز مغرب و عشاء را در «مسجد شعبان» - ابتدای خیابان تربیت - به امامت آقای قاضی، اقامه می کرد و در نشر افکار و پخش اعلامیه ها، به ویژه در هیئت ها - و توسط مسئولین هیئت ها در میان توده مردم - نقش ویژه ای داشت، گرچه خود بر عدم تظاهر و ضرورت «مخفی کاری» عقیده مند بود، ولی علیرغم «مخفی کاری»، مأمورین ساواک که در همه هیئت ها و مساجد حضور می یافتند، اسامی افراد فعال را به دست می آوردند و طی گزارش هایی، «فعالیت های مخرب»! آنان را به اطلاع ساواک و شهربانی کل می رساندند. در این رابطه در یکی دو گزارش چنین آمده است :

گزارش

«محرماً به عرض عالی می رساند در مورخه 28/12/41 طبق تحقیقاتی که به

ص: 189

عمل آمد معلوم گردید که اعلامیه های مختلف به نشانی آقای حاجی مختار صدقی واصل و توسط افراد زیر در بازار و نقاط مختلف شهر پخش می گردد و ضمناً ردیف 6 آقای محمد حسین تأملی در تاریخ 25/12/41 از اصلاحاتی که به دست اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به عمل می آید، با حال تمسخر انتقاد می نماید که جنبه اهانت داشته است.

1- سید جعفر خسروشاهی، شغل: چرم فروش، تیمچه حاجی ابوالقاسم

2- مجید متین هوایی، شغل: نوحه خوان

3- غلام اصلان زاده، شغل: عمده فروش پارچه، تیمچه میرزا شفیع

4- کریم تقوی، شغل: فرش فروش، بازار آئینه ساز

5- حاجی مجید ثلاثه، شغل: خواربار فروش، روبروی دودری راسته بازار

6- محمد حسین تأملی، شغل: خشکبار، راسته بازار جنب تیمچه حاجی تقی

7- محمد علی، شغل: آئینه ساز، راسته بازار جنب تیمچه حاجی تقی

8- حاجی مجید ناجیان، شغل: کشفاف، سرای دودری

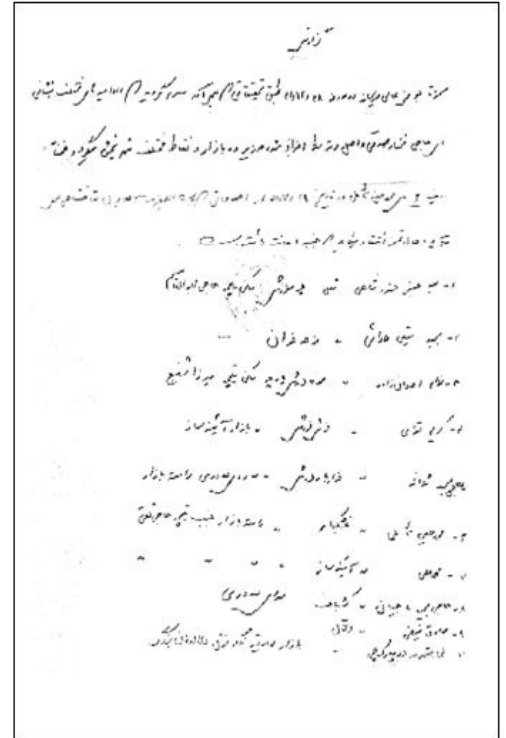
9- صادق فیضی، شغل: دلال

10- علی مشهور زرچارک چی، شغل: دلال، بازار صادقیه فلکه اول

11- احد، شغل: فرش فروش، مارالان

مراتب جهت استحضار به عرض می رسد. رستگار»

ص: 190



به دنبال گزارش «رستگار»، مأمور معروف، ریاست ساواک آذربایجان طی نامه رسمی شماره 15210 مورخ 28/12/41 از ریاست شهربانی تبریز می خواهد که عناصر اصلی مورد گزارش، دستگیر و به سازمان امنیت تحویل داده شوند. متن نامه محرمانه شهربانی تبریز چنین است:

«نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

س.ا.و.ا.ک

گیرنده: شهربانی تبریز تاریخ: 41/28/12

فرستنده: ساواک آذربایجان شماره: 15210

تیمسار ریاست شهربانی های آذربایجان شرقی

خواهشمند است دستور فرمایید به نامبردگان مشروحه زیر اخطار شود خود را رأس ساعت 10 صبح روز چهارشنبه 29/12/41 به این سازمان معرفی نمایند. م

از طرف رئیس سازمان اطلاعات و امنیت آذربایجان شرقی - حاجیعلیلو

1- سید جعفر خسروشاهی، شغل: چرم فروش، تیمچه حاجی ابوالقاسم

2- غلام اصلان زاده، شغل: عمده فروش پارچه، تیمچه میرزا شفیع

3- حاجی مجید ثلاثه، شغل: خواربار فروش، روبروی تیمچه دودری

4- حاجی مجید ناجیان، شغل: کشفاف، سرای دودری

5- محمد حسین تأملی، شغل: خشکبار، راسته بازار جنب تیمچه حاجی تقی

6- محمد علی، شغل: آئینه ساز، راسته بازار تیمچه حاجی تقی

7- علی مشهور زرچارک چی، بازار صادقیه فلکه اول

8- احد، شغل: فرش فروش، ساکن مارالان.»

ص: 192

کمره: ...
فرستنده: ...
شماره: ...
تاریخ: ...

سازمان نظامی و انتظامی ...
موضوع: ...

میا شهنشاد است و سایر برادران ...
تاریخ: ...

۱- ...
۲- ...
۳- ...
۴- ...
۵- ...
۶- ...
۷- ...
۸- ...

۱۳۸۵ / ۱ / ۱۰

به دنبال این درخواست سرپرست شهربانی تبریز، سرهنگ نیری، طی نامه محرمانه و رسمی شماره 515069 مورخ 8/2/42، نخست دو نفر از مسئولین اصلی تحرکات در هیئت های عزاداری را دستگیر و به ساواک تحویل می دهد:

«وزارت کشور

شهربانی کل کشور

شهربانی های آذربایجان (تبریز)

تاریخ: 43/8/2

شماره: 5/5069

از: شهربانی های آذربایجان شرقی

به: تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت آذربایجان شرقی

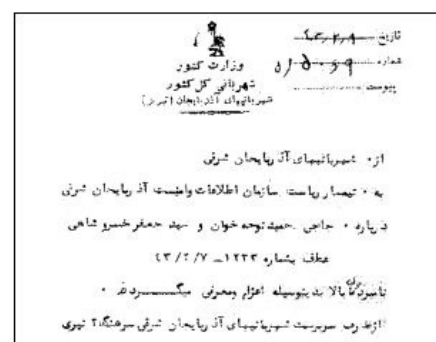
درباره: حاجی حمید نوحه خوان و سید جعفر خسروشاهی

عطف به شماره 1232 - 43/7/2

نامبردگان بالا بدین وسیله اعزام و معرفی می گردند.

از طرف سرپرست شهربانی های آذربایجان شرقی - سرهنگ 2 نیری»

تصویر



سندی از پرونده شهربانی تبریز درباره دستگیری اخوی

ص: 194

البته سرهنگ 2 عباسقلی پوریوسف از شهربانی در نامه مورخ 29/12/41 به ساواک تبریز اطلاع می دهد که: «... به هفت نفر اعضا منظور ابلاغ گردید که خودشان را به آن سازمان معرفی نمایند...»

... ولی این فشارها و دستگیری ها و زندانی کردن افراد مبارز تبریز، ماجرا را خاتمه نمی دهد و «بازاریان» به پیروی از روحانیت مبارز، همچنان در میدان مبارزه، طبق خواست شرایط، حضور می یابند و به فعالیت خود ادامه می دهند. در واقع در جریان نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی و مراجع عظام، مردم و بازاریان تبریز مانند دوران نهضت مشروطیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت، پیشگام بودند و حوادث مراسم بزرگداشت نخستین چهارم شهدای قم در تبریز را همه ما به یاد داریم و در همین رابطه، فرماندار نظامی تبریز در نامه شماره 64/11/501/4 مورخ 4/7/57 به فرماندهی ضد اطلاعات در ساواک تبریز چنین گزارش می دهد:

«خبر حاصله حاکیست که چند نفر از بازاریان تبریز به شرح زیر، در جریان اخیر، فعالیت های مضره داشته اند:

1- سید جعفر خسروشاهی، فرزند مرتضی (محل کار: سرای هاشمیه)

2- احمد نوید (تیمچه رضوی)

3- اکبر شکوهی (سرای صاحب دیوان)

4- یوسف شاهکار (بازار کفاشان)...».

... به دنبال دستگیری بازاریان و علما و وعاظ تبریز، آیت الله سید احمد خسروشاهی، آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبایی، آیت الله سید مهدی دروازه ای، حاج آقا ناصرزاده و آقای محمد حسین انزلی (واعظ) هم بازداشت و شبانه به تهران اعزام و به زندان قزل قلعه تحویل داده می شوند...

... فشار و خفقان در تبریز بیشتر و شدیدتر می شود، اما مبارزه ادامه دارد... و چند ماه بعد، وقتی مردم تبریز اطلاع می یابند که آیت الله قاضی، پس از آزادی از زندان و حبس خانگی چند ماهه در تهران، همراه دیگر تبعیدشدگان تبریز، خود به تنهایی و بدون کسب اجازه از مقامات دولتی، با قطار عازم تبریز شده است، «بازاریان» طی یک اطلاعیه چاپی، مردم را به حضور در مراسم استقبال از آیت الله قاضی دعوت می کنند

ص: 195

که متن آن چنین بود :

«در زیر سایه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه

به مناسبت مراجعت حضرت آیت الله المجاهد آقای حاج سید محمد علی قاضی طباطبایی تبریکات مخلصانه خود را به پیشگاه علمای اعلام آذربایجان تقدیم و موفقیت کامل مسلمین را از خداوند متعال خواستاریم. اهالی تبریز»

برادر که خود نقشی خاص در دعوت مردم به شرکت در استقبال از آیت الله قاضی طباطبایی داشت، پس از حضور در مراسم، در بیت آیت الله حضور می یابد و ضمن قرائت قرآن، شعری نیز در مدح ایشان می خواند که متن آن چنین است :

چه خوش روزیست یاران، خودم را شاد می بینم *** دل دیوانه از غم را، ز نو آباد می بینم

عزیز خویش را بعد از گرفتاری و مهجوری *** میان قوم خویش و دوستان، آزاد می بینم

گذشت آن روز مردم پی هر شخص می رفتند *** مرام تازه ای، در اکثر افراد می بینم

جوانان غیور صاحب تقوا و خوش نیت *** برای تربیت در مکتب استاد می بینم

مگو بر این جوانان، رهنمای دین و دنیا کو؟ *** مثال قاضی ما، صاحب ارشاد می بینم

... به دنبال استقبال کم نظیر مردم تبریز از بازگشت آیت الله قاضی طباطبایی، ساواک برای قدرت نمایی، شبانه به منزل آیت الله قاضی هجوم برده و مجدداً ایشان را بازداشت و به مرکز اعزام می دارد و به دنبال آن دستگیری، عناصر اصلی فعال در صحنه هم بازداشت و به زندان ساواک تبریز، منتقل می گردند که از جمله آن ها، برادر بود...

طبق پرونده برادر در ساواک تبریز، اخوی در بازجویی ها، پاسخ های مورد قبول! مأموران را نداده و به اصطلاح آنها را «سر کار» گذاشته است. سطوری از بازجویی ها و پاسخ های برادر به قرار زیر است :

«س: هویت خود را بیان نمایید.

ج: سید جعفر، فرزند سید مرتضی، متولد 1308، ساکن تبریز، خیابان تربیت.

ص: 196

س: چه کاره هستید؟

ج: فروشنده چرم در بازار تبریز.

س: در کدام یک از احزاب و جمعیت‌ها عضو هستید؟

ج: تا این تاریخ در هیچ یک از احزاب عضو نبوده‌ام.

س: اعلامیه‌هایی که به مناسبت آمدن آقای محمد علی قاضی چاپ و منتشر شده بود و از جیب شما کشف گردیده است، چه کسی به شما داده بود؟

ج: در منزل آقای قاضی پشت میکروفون قرآن می‌خواندم که یک نفر از پشت سر، این اعلامیه‌ها را به من داد چون مشغول قرآن خواندن بودم قیافه اعلامیه دهنده را نشناختم.

س: شما اشعار مورد نظر را، که در حال حاضر جلوی چشم شما است، در پشت میکروفون خوانده اید؟

ج: من قرآن می‌خواندم...

س: گوینده اشعار که بود؟

ج: نمی‌دانم.

س: شما در پشت میکروفون در چه موردی سخنرانی کردید؟

ج: من فقط کلام الله مجید را فرائت می‌کردم.

س: اعلامیه‌ها را در کجا چاپ کرده‌اند؟

ج: نمی‌دانم.

س: به غیر از شما چه کسی در پشت میکروفون صحبت کرد؟

ج: آقای استقی (واعظ).

س: چه گفت؟

ج: از اینکه مردم استقبال کرده بودند، از طرف آقای قاضی از آنان تشکر کرد و حرف‌های دیگر ایشان را نشنیدم!

س: اشخاصی که در عکس ملاحظه می‌کنید و نزد شما ایستاده‌اند، کیستند؟ نام ببرید.

ج: آقا میرزا حاج شماره یک، آقا میرزا اسماعیل شماره دو، و شماره سوم هم خود بنده هستم، دیگران را نمی‌شناسم!

س: اعلامیه‌هایی که در بیرون از منزل آقای قاضی پخش شده بود در کجا چاپ شده و به وسیله چه کسانی پخش می‌شود؟

ج: نمی‌دانم...

به دنبال این بازجویی که خلاصه آن نقل شد، بازجو در گزارش خود به مقام عالی ریاست ساواکا! چنین می نویسد :

گزارش

«محترماً به عرض عالی می رساند به فرموده شما، از آقای سید جعفر خسروشاهی بازجویی به عمل آمد که نتیجه از لحاظ مبارک می گذرد :

1- نامبرده اظهار می دارد که بنده قبل از آمدن آقای قاضی، در منزل آقای بیجارچی واقع در کوچه قره باغی ها بودم که شنیدم آقای قاضی به وسیله قطار می آید. روی این اصل به منزل ایشان رفتم و تقریباً پنجاه شصت نفر نیز در آنجا بودند که از عده حاضر، آقایان میرزا حاجی برلی، میرزا اسماعیل، آقای انگجی، شیخ هدایت غروی و حاج میرزا هاشم شکوری را شناختم.

2- وی اظهار می دارد که در منزل آقای قاضی، یک کفاس اعلامیه ها را پخش می کرد ولی آدرس وی را نمی داند.

3- مشارالیه اظهار داشت که آقای استقی در پشت میکروفون از استقبال مردم از طرف آقای قاضی تشکر کرد و بنده نیز قرائت کلام الله مجید می کردم.

4- وی در جواب این سؤال که چه کسانی اعلامیه ها را در خیابان پخش کرده و در کجا اعلامیه ها چاپ شده بود، اظهار می دارد که نمی دانم و اضافه می کند که چون کار داشتم زود از منزل آقای قاضی خارج و کسانی که سخنرانی کرده اند، نمی شناسم.

5- به نظر اینجانب نامبرده از گفتن حقایق خودداری و طبق پرونده موجود، مشارالیه از افراد ناراحت می باشد و فعالیت هایی بر خلاف مصالح کشور می کرده... امضاء».

ص: 198

... دو سه سال قبل از وفات، تلفنی از برادر خواستم که خاطرات خود را از آغاز تا پیروزی انقلاب بنویسد (1) اما اخوی برای نوشتن خاطرات تمایلی نشان نداد و اینجانب با

اصرار از وی خواستم لااقل ماجرای استقبال از آیت الله قاضی طباطبایی و قرآن و شعرخوانی خود را در بیت ایشان، بازگو کند که به علت کهولت سن و کسالت، عذرخواهی نمود ولی به اصرار حقیر، در تاریخ 23/9/93 - دو ماه قبل از وفات - یکی دو صفحه با عنوان: «شروع انقلاب»، در سربرگ محل کار و چاپخانه خود، نوشت و ارسال کرد که با شعری که پس از حمله دژخیمان شاه به مدرسه فیضیه، خود خوانده بود، آغاز شده، که متن آن چنین است:

چاپ رنگین شرق، تاریخ 93/23/9

شروع انقلاب

فصل بهار وقت سیر گل و گیاه است *** افسوس شیعیان را هنگام سوز و آه است

اسلامیان ضعیف و از کار افتاده *** زردستی و بهایی دارای عزّ و جاه است

یابن الحسن کجایی بر شهر قم گذر کن *** قم دشت کربلا و فیضیه قتلگاه است

طلّاب علم دین را بی شرم شه پرستان *** بر خاک و خون کشیدند، گفتند حکم شاه است

موقع آمدن مرحوم آقای قاضی همه رفته بودند پیشواز، ما هم طبق وظیفه شرعی، با سید روحانی پیشنماز مسجد محل شعبانی، عموزاده علامه طباطبایی، از هیئت صبح

ص: 199

1- او حاضر نشد پس از انقلاب هیچ پست و مقامی را بپذیرد و گفت وظیفه من مبارزه بود و اکنون وظیفه‌ی پدیدگرا است که اگر صلاحیت دارند، امور را اداره کنند، من کار اداری بلد نیستم...

جمعه رفتیم استقبال. از منزل آقای قاضی، میدان شهرداری، تا گورستان طوبائیه ملت بود. پس از اتمام، دو سه روز بعد دو سه نفر آمدند اخطار کردند که بروید ساواک البته طبق نامه اخوی دو سه روز مهلت دادند.

رفتم پیش آقای کربلایی محمد ابراهیم پریس، نوحه خوان هیئت حسینی شتربان، شاه دوست بود و در ختم جلسه، شاه را دعا می کرد، گفت در ساواک من فامیل دارم به نام جعفر رستگار، توصیه می کنم. رفتم ساواک که بازجویی آنجاست. بعداً حاجی حمید طهباز را آوردند دو نفر در یک سلول بودیم، البته ما را شکنجه جسمی نکردند ولی شکنجه روحی بود. جلوی درب سلول مأمور ایستاده بود خیلی خواهش و التماس می کردیم که درب را بگشاید برویم - برای - وضو و نماز، اعتنا نمی کرد، پس از یکی دو ساعت باز می کرد، وقتی ما برای وضو می رفتیم، موکت سلول را آب پاشی می کردند که ما را فلج نمایند. شاید درد پاها از آنجا مانده. بالأخره پس از چند روز ما را بردند پیش رئیس که آن موقع جناب سرهنگ سلیم بود. برخلاف جعفر رستگار، تا ما را دید با عصبانیت گفت: پدر سوخته ها چرا رفتید؟ بنده مجال ندادم به حاج حمید، گفتم: تیمسار! رادیو و تلویزیون دست شما است، با بلندگو اخطار می کردید پیشواز ممنوع است. آن وقت اگر می رفتیم ما را اعدام می کردید، مخصوصاً تمامی مردم تبریز در خیابان در مراسم شرکت داشتند. پس چرا ما را گرفته اید؟ گفت شما مردم را دعوت و سوق داده اید. گفت: شما مردم را ریخته اید به خیابان... گفتم ما به آن مقام بزرگی نرسیده ایم که مردم به حرف ما آن طور حرکت نمایند، این را گفتم یک کشیده محکم بر من زد و گفت: «پدر سوخته ها! بروید که از شر شماها خلاص شویم» و ما را آزاد کردند. اما به شرط آنکه دیگر بر ضد مصالح عالیه! فعالیت نکنیم!...

چندان که بر شمریم از ماجرای عشقت *** اندوه دل نگفتم، الا یک از هزاران

سید جعفر خسروشاهیان

ص: 200

... تلفنی از اخوی دعوت کردم که طبق معمول سنواتی، ایام عید نوروز برای «صله ارحام» و بازدید از «کتابخانه» به قم بیاید و بخشی از بقیه خاطرات «هزاران» را هم حضوراً بشنویم!... پاسخ مثبت نداد و گفت: «امسال حال ندارم و بعید می‌دانم که برسم!»! و نرسید.

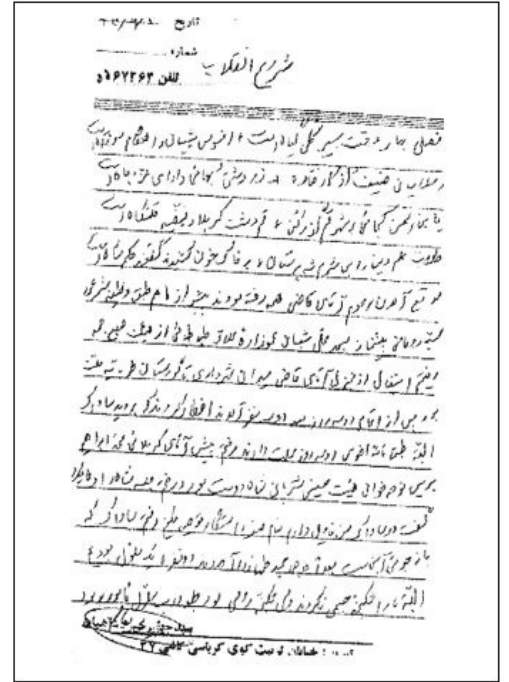
آقا سید جعفر پس از 85 سال زندگی با عزت و تقوی، در اواخر اسفند 93 به جای عزیمت به قم، این بار به سوی دیار باقی عزیمت کرد و به رحمت حق پیوست.

غفرالله له و لنا و لمن سبقونا بالایمان

سید هادی خسروشاهی

قم: 94/12/1

ص: 201



صفحه اول نامه مرحوم سید جعفر خسرو شاهی

حجّت الاسلام والمسلمین حاج سید رضا خسروشاهی، فرزند آقای حاج سید جعفر خسروشاهی، یکی از مدرسین حوزه علمیه قم و ادامه دهنده راه آباء و اجداد است. برای تکمیل بحث «خاندان» از ایشان درخواست کردم که شرح حال خود را بنویسند و ایشان به درخواست «عمو» چنین نوشتند:

«اینجانب در مهرماه سال 1338 در تبریز چشم به جهان گشودم، در دوران طفولیت به همراه والد محترم آقای حاج سید جعفر خسروشاهی که خود از معتمدین بازار و مدّاحان اهل بیت عصمت و طهارت هستند، در هیأت های مذهبی حضور یافته و قرائت و حفظ و ترجمه قرآن و احادیث را آموختم. از همان دوران بچگی علاقه به روحانیت در من موج می زد؛ به طوری که اقدام به جمع آوری عکس علمای سلف نموده و از نگاه کردن به عکس آنان لذت می بردم و رسیدن به مقامات آن ها را آرزومی کردم.

پس از گذراندن نه کلاس از علوم جدید، پی بردم که چیزی جز تحصیل علوم دینی جان تشنه مرا سیراب نمی کند، لذا گام در مسیر تحصیل علوم دینی نهادم و با حضور در موسسه ولی عصر تبریز، صرف و نحو و منطق و معانی و بیان و معالم را در محضر اساتید آن زمان فرا گرفتم و بر طبق رسم حوزه های علمیه، ضمن فراگیری علوم دینی، به امر تدریس نیز مشغول بودم و کتاب مطوّل و علم کلام را در مدرسه طالبیه و صادقیه تبریز آموختم. سپس در هیجده سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به شهر قم هجرت نمودم و کتاب قوانین و لمعه و رسائل را در محضر اساتیدی چونان حضرات آیات: شیخ علی اشتهاردی و شیخ احمد پایانی و شیخ محسن دوزدوزانی فرا گرفتم و مکاسب و کفایه را در محضر حضرت آیت الله ستوده تلمذ نمودم.

برای فراگیری علم رجال به مدت چهار سال در مجلس درس حضرت آیت الله سید موسی شبیری زنجانی حاضر شدم، و همزمان با شروع کفایه الاصول، وارد بخش فلسفه و حکمت شدم و به سفارش حضرت آیت الله علامه طباطبایی،

در درس آیت الله انصاری شیرازی حاضر شدم، و در همین دوران منظومه و اشارات و اسفار را فرا گرفتم و به مدت چهارده سال در درس عرفان که به صورت خصوصی توسط حضرت آیت الله انصاری شیرازی تدریس می شد، شرکت نموده و مصباح الانس و تمهید القواعد و فصوص را در محضر آن استاد تلمذ نمودم و در حین اشتغال به فراگیری، از امر تدریس غافل نبوده و مشغول تدریس کتاب های چون: رسائل و مکاسب و کفایه بودم و کتاب های مزبوره را بارها تدریس کردم.

پس از طی این مراحل، وارد دروس خارج که مرحله عالی علوم حوزوی است، شدم و برای آشنایی با شیوه های مختلف اجتهاد، در درس اعظام و بزرگان حوزه علمیه قم شرکت نمودم که از آن جمله می توان به حضور یازده ساله در درس خاج فقه و اصول حضرت آیت الله بهجت اشاره کرد و چهار سال نیز در درس خارج حضرت آیت الله حاج سید محمد روحانی شرکت کردم و در ادامه به مدت چهار سال در خارج فقه حضرت آیت الله شیخ مرتضی حائری حاضر شدم و چهار سال نیز موفق به حضور در درس خارج فقه حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی شدم.

البته در طول این مدت، به امر تألیف و کتابت نیز اهتمام ورزیدم که از آن جمله می توان به تعلیقه ای بر کفایه الاصول اشاره نمود که در حال تکمیل است و رسالاتی نیز در مورد تأخیر البیان عن وقت الحاحه و أصحاب الإجماع تألیف نموده ام که در اختیار طلاب قرار داده شده است و طبق روش مرسوم در حوزه های علمیه اجازاتی چند از بعضی آیات و مراجع عظام معاصر دارم و هم اکنون با عنایات خاصه حضرت ولی عصر (علیه السلام) به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارم. والسلام

شوال المکرم 1426ق

قم - سید رضا خسروشاهی

ص: 204

... از نوادگان مرحوم آیت الله سید مرتضی خسروشاهی دو فرزند گرامی اینجانب، جناب آقای سید محمد رضا خسروشاهی و آقا سید محمود خسروشاهی است که هر دو نسب از دو سو دارند و از لحاظ مادری، نوه حضرت آیت الله سید محمد صادق روحانی هستند. آقای سید محمود مسئول اصلی و اداره کننده فعالیت های فرهنگی جدّ امجد - آیت الله سید محمد صادق روحانی مدظله - و والد ماجد - سید هادی خسروشاهی - است و تفصیل شرح حال و نوع فعالیت های وی که انشاءالله خود خواهد نوشت، در چاپ دوم کتاب خواهد آمد!

ص: 205



از سمت راست: سید هادی خسروشاهی، مرحوم آیت الله سید ابوالفضل موسوی، آیت الله شیخ حسین گوگانی و سید جعفر خسروشاهی



از سمت راست: سیدجعفر خسروشاهی، مرحوم آیت الله سید ابوالفضل موسوی و سید مهدی خسروشاهی

ص: 207

نمونه هایی از اعلامیه های اخوان عظام و علمای آذربایجان - و چند سند درباره اخوان -

ص: 209

اعلامیه علما و روحانیون تبریز درباره تصویب نامه انجمن های ایالتی و ولایتی

تاریخ: آبان 1341

بسمه تعالی شأنه العزیز

در تعقیب تلگرافات عدیده حضرات مراجع و آیات عظام قم و نجف (دامت برکاتهم) درباره تصویب نامه اخیر دولت، که برخلاف آیین مقدّس اسلام و قانون اساسی، شرط اسلام و مرد بودن انتخاب کننده و شونده را حذف نموده و قسم به قرآن مجید را مبدّل به کتاب آسمانی نموده اند، بدین وسیله، جامعه روحانیت آذربایجان تا حصول نتیجه قطعی و اعلام صریح الغای مواد سه گانه، پشتیبانی کامل خود را از مراجع بزرگ و پیشوایان دینی اظهار نموده و در دفاع از حریم مقدّس اسلام و قرآن، از انجام هیچ گونه وظیفه دینی خودداری نخواهند نمود.

الاحقر احمد اهری، العبد ابوالقاسم گرگری، الاحقر سیّد محمّد بادکوبی، الاحقر حسن الحسینی انگجی، الاحقر کاظم دینوری، الاحقر الحاج سیّد مرتضی مستنبط، الاحقر سیّد احمد خسروشاهی، الاحقر عبدالله مجتهدی، الاحقر سیّد ابوالفضل خسروشاهی، الاحقر جواد سلطان القرایی، الاحقر عبدالله سرایی، الاحقر محمّد توتونچی، الاحقر علی الموسوی مولانا، الاحقر

ص: 211

1- در این بخش فقط نمونه هایی چند از اعلامیه های علمای مبارز و روحانیون تبریز، از جمله اخوانعظام، درباره مسائل نهضت اسلامی ایران، ضد رژیم طاغوتی، نقل می شود.

جعفر الاشراقی، الاحقر محمد علی قاضی طباطبایی الهاشمی، الاحقر سیّد مهدی دروازه ای، الاحقر سیّد محمد علی انگجی، الاحقر سیّد محمد فقیه، الاحقر عبدالحسین غروی، الاحقر محمود الموسوی خلخالی، الاحقر محسن آیت الله زاده شریانی، الاحقر سیّد کاظم الموسوی اهرابی، الاحقر حسین هشترودی، الاحقر سیّد مرتضی خلخالی، الاحقر مصطفی الموسوی مولانا، الاحقر زین العابدین نوبخت، الاحقر سیّد محمد علی خلخالی.

تصویر



متن تلگرافی که علما و آیات تبریز به حضور آیت الله بهبهانی مخابره نموده اند

تهران، حضرت مستطاب آیت الله العظمی آقای بهبهانی (دام ظلّه العالی)

پس از تقدیم مراتب ادعیه خالصه و تشکرات صمیمانه، معروض می دارد:

در اقدامات حضرت مستطاب عالی و حضرات آیات عظام قم و نجف اشرف و سایر شهرستان ها (دام ظلّهم) در موضوع الغای تصویب نامه دولت، راجع به مداخله زنان در انتخابات و تبدیل حلف قرآن به کتاب آسمانی و الغای قید اسلام، جامعه روحانیت آذربایجان و قاطبه مسلمانان این سامان، هم رأی بوده و بدین وسیله به حضور مقدّس مراتب شرکت در تمام اقدامات آن ذوات مقدّس را 6/ج 2/82 مطابق 41/13/8

الاحقر سید محمد بادکوبی، الاحقر احمد اهری، الاحقر جواد سلطان القرایی، الاحقر علی الموسوی مولانا، الاحقر عبدالله مجتهدی، الاحقر سیدابوالفضل خسروشاهی، الاحقر سیداحمد خسروشاهی، الاحقر جعفر اشراقی، الاحقر مصطفی الموسوی مولانا، الاحقر الحاج سید مرتضی مستنبط غروی، الاحقر محمد علی قاضی طباطبایی، الاحقر محمد بن آقا شیخ حسین مرحوم توتونچی، الاحقر عبدالله مجتهدی سرابی، الاحقر حسن الحسینی انگجی، الاحقر الجانی علی الغروی العلیاری، الاحقر شیخ حسن ویجویه، الاحقر سید مهدی دروازه ای، الاحقر سید مرتضی خلخالی، الاحقر محمدحسین سبحانی، الاحقر سید یوسف هاشمی، الاحقر علی بن الحسین شهیدی، الاحقر محسن آیت الله زاده شریانی، الاحقر عبدالحسین غروی، الاحقر علی شفیعی، الاحقر رضا باغمیشه ای، الاحقر میرزا علی لمسه چی، الاحقر محمود الموسوی خلخالی، الاحقر عبد مناف واعظی، الاحقر میرزا آقا عظیمی، الاحقر علی اکبر محدث، واعظ چرندابی، اقل ابوالقاسم گرگری.

ص: 213

من تکرانیکه طاه و آیات تبریز بحضرت آیه الله بیهانی معارضه نموده اند

تهران

حضرت مستطاب آیه الله العظمی آقای بیهانی دام ظلّه الهالی

پس از تقدیم مراتب ادبیه خالصه و تشکرات سیمانه معروض میدارد در اقدامات حضرت مستطاب عالی و حضرات آیات نظام قم و نجف اشرف و سایر شریفاتنا دام نظام درموضوع الفقه تصویبنامه دوازده راجع بمداخله زنان در انتخابات و تبدیل حلقه قرآن بکتاب آسمانی و المناقید اسلام جامعه روحانیت آذربایجان و قایبه مسلمانان اینسامان هم دای بود و بدینوسیله بحضرت مقدس مراتب شرکت در تمام اقدامات آنذوات مقدس را ابراز و مشتق است مراتب معروضه را به جناب آقای نعت وزیر البلاغ فرماید.

ج ۶ ۸۶/۲ مطاب ۴۱/۸/۱۳

الاحقر سید محمد بادکوبی	الاحقر احمد اهری	الاحقر جواد سلطان قرانی
الاحقر علی الموسوی مولانا	الاحقر عبدالله مجتهدی	الاحقر سید ابوالفضل خسروشاهی
الاحقر سید احمد خسروشاهی	الاحقر جعفر الانصاری	الاحقر مصطفی الموسوی مولانا
الاحقر الحاج سید مرتضی مستطاب غروی	الاحقر محمد علی قاضی طباطبائی	
الاحقر محمد بن آقا شیخ الحسین مرحوم نونوچی	الاحقر عبد الله مجتهدی سرانی	
الاحقر حسین الحسینی انجوی	الاحقر الجانی علی الفروی علی باری	
الاحقر شیخ حسن ویجویه	الاحقر سید مهدی دروازهای	الاحقر سید مرتضی خلیفائی
الاحقر محمد حسین سبحانی	الاحقر سید یوسف الهاشمی	الاحقر علی بن الحسین شهیدی
الاحقر محسن آیه آیزاده ثریانی	الاحقر عبد الحسین غروی	الاحقر علی شهبازی
الاحقر رضا بانوی	الاحقر میرزا علی لسته چی	الاحقر محمود الموسوی خلیفائی
واعظ چیر ندایی	الاحقر میرزا آقا عظیمی	الاحقر علی اکبر محدث
	الاحقر ابوالقاسم کرگر	

چاپخانه شاع تبریز

بسم الله الرحمن الرحيم

در راه تشیید مبانی اسلام و استقرار حکومت مشروع و قانونی، جامعه روحانیت آذربایجان خود را موظف به اعلام مراتب ذیل به تمام جهانیان می داند و در راه تنویر افکار عمومی اقدامات دولت را در شؤون حساس زندگی ملت یعنی در موضوع مذهب، اقتصاد، فرهنگ و دانشگاه، انتخابات مجلسین، سیاست خارجی، سیاست داخلی حقایق زیر را با کمال صراحت به اطلاع عموم می رساند:

1. اقدامات دولت در موضوع مذهب

اصل ماده 27 متمم قانون اساسی تصریح می نماید که استقرار هر نوع قانونی در مملکت موقوف است به عدم مخالفت آن با موازین شرعیه و تشخیص این امر را اصل ماده دو متمم قانون اساسی صریحاً به عهده مراجع تقلید واکذار و نظریه آن را مطاع و متبع شناخته است. در برابر دو اصل مذکور که در مورد دفاع از اسلام و حقانیت قوانین اسلامی تنظیم و تدوین گردیده است، اقدامات خلاف قانون دولت عبارت است از: پشتیبانی از اشاعه دهندگان مراکز فساد و عاملین خلاف ضرورت اسلام و بی اعتنائی به تعلیمات و احکام آسمانی و جلوگیری از اصل امر به معروف و نهی از منکر و ممانعت از انتشار نظریات و اعلامیه های مراجع مسلم تقلید بر خلاف اصل ماده دو متمم قانون اساسی.

2. در موضوع اقتصاد

دولت که وظیفه داشته و دارد که از لحاظ اقتصادی رفاه ملی را تأمین نماید و از استقلال اقتصادی مملکت دفاع نماید، نه تنها با توسل به سیاست های مخرب

ص: 215

1- این اعلامیه در واقع در تبیین اهداف نهضت اسلامی ایران از طرف علمای آذربایجان صادر شده و دارای اهمیت ویژه ای است.

اقتصادی مانند سیاست دروازه های باز و نظایر آن عجز خود را در مسأله اقتصاد نشان داده ، بلکه در اثر همین بی کفایتی و بی توجهی وضع بازار محتضر و فقدان درآمد عمومی ، مملکت را تا پرتگاه اضمحلال اقتصادی کشانده است . حالیه وضع طوری شده که کشوری که وارث ثروت های سرشار و صاحب ذخایر قیمتی نفت و محصولات نفتی است ، دست گذاری به هر اجنبی می گشاید و در انتظار وام های خارجی که شوم ترین نفوذ سیاسی اجنبی را به دنبال دارد، دقیقه شماری می کند.

3. در موضوع فرهنگ و دانشگاه

امروز بر همه مسلم گردیده است که برنامه فرهنگ و دانشگاه نه جواب ده احتیاجات مملکت است و نه با تعالیم اسلامی و حتی نه با برنامه های ملل مترقی مطابقت دارد و در راه مبارزه با بی سوادی نیز، اگر از سخن پراکنی های بیهوده دولتی صرف نظر کنیم ، دولت با مقرر داشتن شهریه و یا به عبارت دیگر با مقرر نمودن مالیات بر تحصیل و در دانشگاه با مقرر کردن مبلغ هنگفت و کمرشکن، فرزندان ملّتی را که گفتیم مبتلا به درد خانمان سوز فقر اقتصادی است ، از ورود به مدارس و دانشگاه ها عملاً ممنوع داشته است .

4. در موضوع انتخابات مجلسین

بدون شک هیچ یک از اعمال خلاف شرع و قانون دولت به اندازه دسپیس آن در انتخاب افتضاح آمیز نبوده است ؛ در حالی که قاطبه ملّت با ابراز کمال انزجار از انتخابات فرمایشی، خود را کاملاً کنار کشیده و نقش تماشاچی را ایفا می کرد، دولت به نام ملّت ستمدیده، کاندیداهایی که علناً مخالفت خود را با فتاوی مراجع محترم تقلید نشان دادند، بر ملّت تحمّل نمود و آقای نخست وزیر بنا به عادت همیشگی در مقابل آرای مأخوذه در تبریز (وکیل اول 2283 رأی ، وکیل آخر 1222 رأی ، کیهان شماره 6048 مورّخه 28/6/42) بالصراحه اعلام نموده که گویا کمی آراء در اثر مصادف شدن انتخابات با فصل خرمین دهقانان و به بیلاق کردن ایلات و عشایر بوده (کیهان، شماره 6046، مورّخه 28/6/42)، ولی

اعتصابات عمومی بازارها و اصناف، ابراز تنفرهای طبقات مختلف مردم و احکام تحریم مراجع تقلید و بالاخره عدم وجود ایلات و عشایر را در شهر فراموش نموده که از متجاوز از سیصد هزار نفر جمعیت دّومین شهر ایران، تنها دوهزار و خرده ای از ترس توقیف حقوق - انفصال خدمت - و اجبار سازمان های پلیس رأی داده و در سایر شهرستان ها نیز همین قانون اجرا می شده، ولی معلوم نیست این وکلای بی موکل به چه نحو خود را وکیل قاطبه ملت خواهند نامید. به عبارت واضح تر، دولت در مسأله انتخابات یعنی حیاتی ترین مسأله ملت، بی شرمی را به جایی رسانده که از برملا شدن این آمارهای ضد و نقیض در رفراندوم و انتخابات نیز هیچ گونه شرمی ندارد. علی هذا جهانیان باید بدانند که مصوبات این مجلس از نظر ملت ایران دارای هیچ گونه ارزش و اعتباری نبوده و نیست و نیز امضا کنندگان اعلامیه حقوق بشر بدانند که ملت ستمدیده و رشید ایران از این همه همکاری و سکوت آنان کمال انزجار را داشته و به دولت های بزرگی که در برابر خواسته های مردم از افراد ضد دینی و ملی حمایت می کنند، با دیده تنفر نگریده و روحانیت نیز از طرف ملت بدین وسیله کمال تنفر خود را اظهار می دارد.

5. در زمینه سیاست خارجی

معلوم است دولتی که هیچ گونه ریشه ای حتی در میان ملت خود ندارد، چگونه می تواند در بین دول دیگر وجهه و اعتباری داشته باشد. محافل بین المللی امروزه به مملکت ما به نظر مستعمره ای که طلای سیاهش را به رایگان از دست می دهد و در عوض فقر و اسارت دریافت می دارد، نگاه می کنند. امروزه همه می دانند که بیگانگان، صنایع نفتی ما را در ید قدرت خود دارند و در واقع خون و شیریه حیاتی ملت ما را بی رحمانه می مکند. آیا نه این است که دولت، مسؤول این یغماگری ثروت عظیم ملی است؟ کیست که نداند این انتخابات فرمایشی نیز به همین منظور یعنی تاراج بیشتر ثروت های بی کران و عظیم نفتی ما صورت نگرفته است؟ کیست که نداند همین مجلسین دوره بیست و یکم برای صحنه گذاشتن بر

ص: 217

6. در زمینه سیاست داخلی

اختناق و فشارها و عدم آزادی بیان و قلم و صدها تضییقات دیگر، موضوع هایی هستند که ملت مبارز ایران با آن ها آشناست و راه مبارزه خود را با این همه ستم ها و حق شکنی ها به خوبی می شناسند، فقط در این مورد، مخاطب جامعه روحانیت آذربایجان ، ملل مرفی جهان عموماً و ملت های مسلمان خصوصاً می باشد.

ما با صدای رسا به سمع تمام جهانیان می رسانیم که ملت ستمدیده ایران در زیر این همه فشارها - حبس و تبعید - شکنجه ها و کشتارها، دیگر به ستوه آمده است . مبارزات شجاعانه ملت ایران ، تعطیل چهار روز اخیر مردم آذربایجان ، انعکاسی از صدای ملت ستم کشیده ای است که در زیر ضربات بی رحمانه دولت غیر قانونی فعلی ، به قیمت جان و مال و هستی خود مبارزه می کنند. ملت ایران امروز با توجه به فرامین دین مقدس اسلام و علی رغم فشارها و حبس ها و زجر و شکنجه ها که متوجه رهبران دینی و ملی مخصوصاً حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی و سایر آیات و حجج الاسلام و اساتید دانشگاه است ، با تمام قوا خود را برای ادب کردن عناصر ناپاکی که به حریم مقدس اسلام و حاکمیت ملی ایران اسائه ادب نموده اند، آماده کرده است و به همین عنایات خاصه حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تحت لوای آزادی بخش مراجع محترم تقلید تا تحقق تمام آمال دینی و ملی، این نهضت مقدس ادامه خواهد داشت و به طور قطع پیروزی نهایی از آن ملت خواهد بود.

حسن الحسینی انگجی، سید محمد بادکوبه ای ، ابوالقاسم گرگری ، احمد اهری ، محمد علی قاضی طباطبایی، عبدالله مجتهدی، سید احمد خسروشاهی، سید مرتضی مستنبط غروی ، عبدالله مجتهدی سرابی ، عبدالحسین غروی ، سید محمد علی انگجی ، جعفر اشراقی ، محسن شریانی ،

محمّد غروی توتونچی ، محمود الموسوی الخلیجالی ، عبدالحمید شریانی ، سیّد یوسف الهاشمی ، حسن شریعت الانقی ، حسین گوگانی ، سیّد مهدی دروازه ای، سیّد محسن دهخوارقانی ، حسن ناصرزاده ، محمّد حسین انزایی ، ولی الله اشراقی ، سیّد کاظم شبستری .

از طرف علمای آذرشهر: حسن رسولی - حسین طباطبایی - علیقلی آذرشهری .

از طرف علمای مرند: علی اکبر المرندی - الحاج سیّد خلیل الحسینی .

و ده ها امضای دیگر.

ص: 219

برادران دینی! جامعه روحانیت آذربایجان نخست بهترین درودهای خود را به شما برادران غیور دینی اهداء می نماید.

با جرأت تمام اظهار می دارد که جانبازی و قدم های راسخ شما در اجرای نیات مقدسه حضرات آیات عظام و مراجع تقلید و روحانیت مذهب جعفری که در برابر دشمنان قرآن و اسلام برداشته اید مورد تقدیر (حضرت ولی عصر ارواحنا فداه) می باشد.

در این چند ماه اخیر که دشمنان دین و عمال استعمار سیاه قدم های ناپاکی برای هتک احترام مقدسات دینی برداشته اند شما برادران غیور متقابلاً جمعی با رفتن به گوشه های زندان های تاریک و دسته ای با آرامیدن در تیره خاک و گروهی با تحمل نامالیمات گوناگون با حفظ نظم و آرامش از طرف خودتان جهان تشیع را در برابر سایر ملل سربلند نموده اید.

هیئت حاکمه پلید ابدآ به نصایح حضرات آیات عظام و مراجع تقلید و اعلام و به دیانت و احساسات شما وقعی نگذاشته و تعطیل عمومی و بی سابقه بازارهای ایران خصوصاً تهران و تبریز و مشهد و اصفهان و قم را، که نشانه بارز پشتیبانی از حریم دین و روحانیت و اظهار مخالفت با اعمال هیئت حاکمه جبار و مقاصد شوم آن ها بود، نادیده گرفته و از این مدت تعطیل طولانی عمومی در سراسر کشور مخصوصاً تعطیل بی سابقه تبریز، مرکز آذربایجان، که بیشتر از یک هفته بود، درس عبرت نگرفته تا از راهی که بالأخره منجر به سقوطش خواهد شد برگردد، بی اهمیت تلقی نموده در عوض با سرنیزه و شکنجه های وحشیانه و دیکتاتوری بی رحمانه پاسخ داده، این رویه ظالمانه اش را ادامه می دهد و با آنچه درخور قدرتش می باشد در هتک دین و سرپرست های دینی و رهبران مذهبی و گویندگان ارجمند دینی و سایر طبقات متدینین و از آزار به آنان دریغ نمی کند.

دشمنان دین توهین به مقدسات دینی را به جایی رسانیده اند که یگانه عزیز عالم

روحانیت و مثال عالی فضیلت و تقوی و جان نثار مذهب جعفری در این عصر، حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی، و سایر آیات و حجج الاسلام و مبلغین و اساتید دانشگاه و دانشمندان را زندانی و خلاصه عموم طبقات را به انواع مختلف آزار نموده که نیاز به تذکر نیست و بر همه مشهود است و با این اعمال وحشیانه و نیت فاسده خود را در تمام دنیا رسوا کرده و در سراسر جهان در نظر مردان خردمند سرفاکنده شده است و برای بازگرداندن آبروی از دست رفته خود دست و پا می زنند تا جایی که اخیراً ورق پاره هایی به عنوان «مصلحین حوزه علمیه قم» منتشر و از حنجره های مزدور، شایعاتی برای ایجاد شکاف در صفوف روحانیت داده اند ولی آنان باید بدانند که اتحاد و همفکری پیش آمده در چند ماه اخیر در میان تمام حضرات آیات و روحانیون جهان تشیع در عصر غیبت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه بی سابقه بوده است و اعلامیه ها و فداکاری های آن ذوات معظم مشیت محکمی است که بر دهان آنان کوفته می شود...

شما برادران غیور که کاملاً بر نیت فاسد آن ناپاکان واقف هستید، در فداکاری خودتان ثابت قدم باشید، دست انتقام حقیقی در کمین آنان بوده و در این جهان پیش از آخرت پاداش این خونخواران را خواهد داد و حقاً بدون مبالغه عرض می نمایم احساسات دینی همگانی که روز به روز فزونی می یابد نشانه صریح توجهات حضرت ولی عصر ارواحنا فداه می باشد و «علمای آذربایجان» در راه دین قدم های مؤثری برخواهند داشت و به یقین پیروزی با همه خواهد بود و تکیه گاه همه، قدرت لایزال الهی در تحت سرپرستی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه و جانشینان عالیقدر آن حضرت در این عصر می باشد.

در خاتمه دوام سعادت و توفیقات همگانی را از درگاه حضرت احدیت جل شأنه مسئلت می نماید. والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته 21 محرم 1383

جامعه روحانیت آذربایجان

ص: 221

متن تلگراف علمای مهاجر به تهران پس از قیام خونین پانزده خرداد به

امام خمینی

1342/27/4

تهران - شماره 306 - وسیله ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور

محضر مبارک آیت الله العظمی آقای خمینی مرجع عالی قدر تقلید

رونوشت: حضرت آیت الله محلاتی

رونوشت: حضرت آیت الله قمی (دامت برکاتهم)

روحانیون شهرستان های ایران پس از تقدیم سلام به جناب عالی و ابراز تأثر از پیشامدهای ناگوار و اهانت به مقام شامخ روحانیت و مرجعیت، برای اظهار همدردی و پشتیبانی از هدف مقدس روحانیت از شهرستان ها به تهران حرکت نموده، استخلاص حضرت عالی و کلیه محبوسین حوادث اخیر و موقوفیت شما را برای اعلاى کلمه اسلام از خداوند متعال خواستاریم .

الحاج بحر العلوم الرشتی، الحاج سیّد محمود ضیابری الرشتی، حسین الموسوی الخادمی الاصفهانی، علی بن ابراهیم همدانی، مرتضی الحائری، روح الله کمالوند، حاج سیّد حسین رودباری رشتی، الاحقر علی اصغر صالحی کرمانی، نصرالله الموسوی بنی صدر همدانی، الاحقر عبدالله مجتهدی تبریزی، محمود علوی شیرازی، الاحقر سیّد یوسف الهاشمی تبریزی، الاحقر عبدالرسول قائمی آبادانی، الاحقر عبدالجواد همایونشهری، حسین الحسینی الیزدی الشیرازی، محمّد جعفر طاهری شیرازی، الاحقر علی آقا یقطینی شیرازی، الاحقر سیّد احمد خسروشاهی تبریزی، محمّد حسن النجفی الرفسنجانی، الاحقر محمّد الموسوی الشمس آبادی اصفهانی، محمّد هاشمیان، الاحقر حسین گوگانی تبریزی، الاحقر الفانی محمّد تقی مراغه ای، الاحقر سیّد احمد پیشوا کازرونی، الاحقر السیّد عبدالله موسوی شبستری، الاحقر رفیع مدرس تبریزی بستان آبادی، الاحقر محمّد الصدوقی الیزدی، الاحقر احمد امینی مراغه ای، العبد مجتبی العراقی، سیّد مهدی یثربی کاشانی، حسینعلی منتظری نجف آبادی، ابراهیم امینی نجف آبادی .

ص: 222

تهران - شماره ۴۰۶ - وسیله راست سازمان اطلاعات و امنیت کشور

محضر مبارک آیت الله العظمی آقای خمینی مرجع عالیقدر تقلید

رونوشت: حضرت آیت الله محلاتی

رونوشت: حضرت آیت الله قمی دامبرکاتهم

روحانیون شهرستانهای ایران پس از تقدیم سلام به جناب عالی و ابراز تأثر از پیشامدهای ناگوار و اهانت به مقام شامخ روحانیت و مرجعیت برای اظهار همدردی و پشتیبانی از هدف مقدس روحانیت از شهرستانها به تهران حرکت نموده، استخلاص حضرتعالی و کلیه محبوسین حوادث اخیر و موقفت شما را برای اعلاي کلمة اسلام از خداوند متعال خواستاریم.

الحاج بحر العلوم الرشتی - الحاج سید محمود شبیری الرشتی - حسین الموسوی الخادمی اصفهانی - علی ابن ابراهیم همدانی - مرتضی الحائری - روح الله کمالوند - حاج سید حسین رودباری رشتی - الاحقر علی اصغر صالحی کرمانی - نصر الله الموسوی بنی صدر همدانی - الاحقر عبد الله مجتهدی تبریزی - محمود علوی شیرازی - الاحقر سید یوسف الهاشمی تبریزی - الاحقر عبد الرسول قائمی آبادانی - الاحقر عبد الجواد همایونشهری - حسین الحسینی الیزدی شیرازی - محمد جعفر طاهری شیرازی - الاحقر علی آقا یقطینی شیرازی - الاحقر سید احمد خسروشاهی تبریزی - محمد حسن النجفی الرفسنجانی - الاحقر محمد الموسوی الشمس آبادی اصفهانی - محمد هاشمیان - الاحقر حسین گوگانی تبریزی - الاحقر الفانی محمد تقی مراغه ای - الاحقر سید احمد پیشوا کازرونی - الاحقر السید عبد الله موسوی شبستری - الاحقر رفیع مدرس تبریزی بستان آبادی - الاحقر محمد الصدوقی الیزدی - الاحقر احمد امینی مراغه ای - العبد مجتبی العراقی - سید مهدی یثربی کاشانی - حسینعلی منتظری نجف آبادی - ابراهیم امینی نجف آبادی.

متن اعلامیه جمعی از علما و روحانیون درباره بازداشت امام خمینی (رحمه الله) و مهاجرت علما و روحانیون از مناطق مختلف به تهران، «ألا إنَّ حزب الله هم المفلحون»

تاریخ: خرداد 1342

بعد از طلوع آفتاب دین مقدس اسلام، دینی که بر پایه عدل بناگذاری شده: (انَّ الله یأمر بالعدل)، دینی که به منظور حکومت جهانی پی ریزی گردیده: (لیظهره علی الدین کله)، دینی که فقط حکومت خدایی را به رسمیت شناخته: (و یكون الدین کله لله)، دینی که بر کلیه شؤون، مقررات به خصوصی برای همیشه مقرر داشته، دینی که صلاحیت اشخاص را در امر حکومت، در چهارچوبه علم و تقوا و فضیلت منحصر کرده است، بعد از پیدایش این چنین دیانت کامل و جامع، همواره منافقین و معاندین، به زور سر نیزه و قدرت های مادی در قیافه های مختلف به منظور هدم اصول اساسی دین مقدس - که مهم ترش حکومت قانون است - تلاش های فراوانی نموده، با حبس و زجر و تبعید و کشتن پیشوایان آن، خواسته اند نور خدا را خاموش نمایند، ولی خوشبختانه مبارزات پی گیر حامیان دین، بالاخص مقامات عالیه روحانی، سدّ بزرگی در مقابل استعمار و استثمار و بیدادگری های ظالمانه ایجاد کرده و می کند.

شواهد زیادی برای این مطلب در طول چهارده قرن، خاصه در یکصد سال اخیر، از زمان مرحوم میرزای شیرازی بزرگ، صفحات تاریخ را پر کرده است و ما را بی نیاز از بیان نمونه می نماید. شاهد زنده این مدّعا، مبارزه اصیل و پردامنه حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی و سایر آیات عظام و حجج اسلام و مبلغین گرامی است که در برابر منطق صحیح و افکار عالیه و حمایت صریح مراجع ارجمند و پیروانشان از دین، هیأت حاکمه نتوانست تاب مقاومت بیاورد و نخواست به ملت ستمدیده و مسلمان ایران آزادی بدهد. لذا به طور ناگهانی، بزرگان نامبرده را ربود، تا خفقان را کامل تر و به خیال خود مبارزه را خنثی نماید، لیکن مسلمانان غیور تهران و قم و شهرستان ها، با فدا کردن عزیزان

خود، به اعتصاب و اقدامات عمومی دست زدند و بار دیگر روحانیون، پیشرو و رهبر مبارزه گردیدند و حضرت آیتالله العظمی آقای شریعتمداری و حضرت آیت الله العظمی آقای میلانی، برای حمایت از هدف مقدّس و قدردانی و پشتیبانی از فداکاری های سلسله مجاهدین، خصوصاً حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی، به تهران قهرمان و ماتم زده، مهاجرت و سایر آیات عظام و حجج اسلام شهرستان ها را نیز به این عمل دعوت فرمودند و مجدّداً جامعه روحانیت رهبری نهضت آزادی بخش ملت برای حکومت قانون را به عهده گرفتند.

اینک از جهت قدردانی و سپاسگزاری ملت مسلمان ایران و برای ضبط در تاریخ، نام مبارک جمعی از این آقایان ذیلا یادآوری می شود:

- از قم: حضرت آیت الله العظمی آقای نجفی حائری، آیت الله آقای سید محمد حسین طباطبایی؛

- از همدان: آیت الله آقای آخوند ملاعلی، آیت الله آقای سید محمد جلالی، آیت الله آقای شیخ محمد حسین بهاری، آیت الله آقای شیخ رضا انصاری؛

- از یزد: آیت الله آقای شیخ محمد صدوقی؛

- از کرمان: آیت الله آقای شیخ علی اصغر صالحی؛

- از شیراز: آیت الله سید محمد جعفر طاهری؛

- از خرمآباد: آیت الله آقای حاججزایری؛

- از کاشان: آیت الله آقای سید مهدی یشربی؛

- از تبریز: آیت الله حاج عبدالله مجتهدی، آیت الله سید احمد خسروشاهی، آیت الله سید یوسف هاشمی، آیت الله آقای شیخ حسین گوگانی؛

- از رشت: آیت الله آقای حاج سید محمود ضیابری، آیت الله آقای سید حسین رودباری؛

- از آبادان: آیت الله آقای شیخ عبدالرسول قائمی؛

- از اهر: آیت الله آقای شیخ حسین اهری، آیت الله آقای سید جعفر اهری؛

- از نجف آباد اصفهان: آیت الله آقا شیخ حسین علی منتظری؛

- از اصفهان: آیت الله آقای حاج آقا سید حسین خادمی، آیت الله آقای حاج آقا محمد شمس آبادی، آیت الله حاج شیخ عبدالجواد جبل عاملی.

البته بر همه روشن است که امکان دارد نسیاناً، نام بعضی از آقایان از قلم افتاده باشد و همچنین لازم به توضیح نیست که مهاجرت همه رجال علم و فضیلت به مرکز برای رعایت سایر وظایف دینی امکان پذیر نمی باشد.

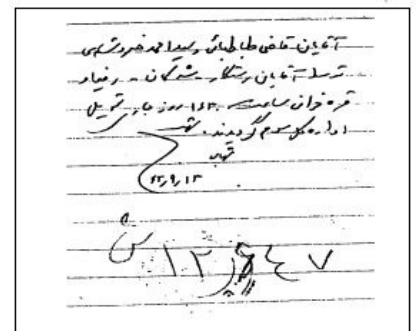
در هر صورت، علمای اسلام و مراجع عالی قدر، اثبات نمودند که برای صیانت قوانین و نوامیس دین مقدّس اسلام، از هر گونه فداکاری دریغ ندارند. ما منتظریم که با یاری پروردگار، عاجلاً به مقاصد عالیّه نایل شویم.

از طرف جمعی از روحانیون تهران.

پس از انتشار این اعلامیه ها بود که دستگیری علمای تبریز آغاز شد:

«آقایان قاضی طباطبایی و سید احمد خسروشاهی توسط آقایان رستگار، ترکمان، رفیعا و قره خوانی ساعت 16:30 روز جاری تحویل اداره کل سوم گردیدند.» شهابی 13/9/42 - ش 12647

تصویر



ص: 226

... به دنبال دستگیری علمای تبریز و اعزام آنها به زندان قزل قلعه - تهران، اعتراضات مراجع و علمای بزرگ طی تلگراف هایی آغاز گردید که فقط به دو نمونه اشاره می کنیم :

متن تلگراف حضرت آیت الله العظمی آقای خویی درباره علمای دستگیر شده آذربایجان :

مشهد- حضرت آیت الله آقای میلانی (دامت برکاته)

خبر گرفتاری و حبس و زجر عده ای از حجج اسلام و وعاظ عظام آذربایجان اخیراً اضافه بر جنایات سابقه از حبس علماء اعلام و دانشمندان و متدینین محترم و آقای هاشمی نژاد در مشهد، موجب تأسف عمیق گردید. با استنکار از این اعمال خلاف دین و عدالت، از حضرت تعالی انتظار داریم برای استخلاص این ذوات مقدّس که گناهی جز دعوت حق ندارند، [اقدام] لازم نموده، نتیجه را اعلام فرمایید.

ابوالقاسم الموسوی الخویی

متن تلگراف علمای عظام تبریز به حضرات آقایان زندانی :

حضرت حجت الاسلام آقای حاج سید محمد علی قاضی طباطبایی

رونوشت: حضرت حجت الاسلام آقای خسروشاهی.

رونوشت: حضرت حجت الاسلام آقای دروازه ای.

رونوشت: واعظ دانشمند آقای انزایی .

رونوشت: دانشمند معظّم آقای ناصرزاده .

از توقیف حضرت تعالی عموم اهالی متأثر و ناراحت اند با اعلام پشتیبانی خود، استخلاص و موفقیت حضرت تعالی را از خداوند متعال خواستاریم .

الاحقر احمد اهری ، الاحقر سید محمد بادکوبه ای ، اقل قاسم گرگری ، الاحقر عبدالله مجتهدی، الاحقر حاج سید مرتضی مستنبط غروی ، الاحقر عبدالله

ص: 227

دفتر نخست وزیر، شماره 3675، تاریخ ثبت: 26/3/18، محرمانه

وزارت کشور

عین مشروحه میرابوالفضل خسروشاهی، ساکن تبریز که درخواست معافیت از لباس متحدالشکل نموده، برای آگهی و صدور پاسخ مقتضی فرستاده می شود.

نخست وزیر

وزارت داخله، اداره کل امور کشور، اداره سیاسی، نمره 49268/2787 به تاریخ 1318/10/5

جناب آقای نخست وزیر

در پاسخ امریه شماره 3675 - 26/3/18 متضمن عین مشروحه آقای میرابوالفضل خسروشاهی، ساکن تبریز که درخواست صدور پروانه پوشیدن لباس روحانیت نموده، معروض می دارد:

در این خصوص، دستور لازم به فرمانداری تبریز داده شده بود. اینک بر طبق گزارش فرمانداری نامبرده، مدارک او در کمیسیون تجدید نظر مورد قبول واقع نگردیده و بر طبق رأی شماره 187 - 13/2/15 نباید لباس روحانیت بپوشد.

از طرف وزیر کشور (امضا): فریدونی

(حاشیه): بایگانی

ص: 229

1- در این بخش تعدادی از اسناد ساواک و شهربانی تبریز و مرکز، درباره اخوان عظام و برای جلوگیری از اطناپ بدون شرح و توضیح نقل می شود. بعضی از این اسناد مربوط به سال 1318ش و دوران محدودشدن استفاده از لباس روحانیت است. (مجموعه اسناد مربوط به دو برادر بزرگوار در ساواک و شهربانیتبریز، به شکل کتابی مستقل چاپ خواهد شد.)

۳۱
دفتر نخست وزیر، شماره ۳۶۷۵، تاریخ ثبت: ۱۸/۳/۲۶، محرمانه
وزارت کشور
عین مشروحه میرابوالفضل خسروشاهی ساکن تبریز که درخواست معافیت از لباس متحدالشکل نموده برای آگهی و صدور پاسخ مقتضی فرستاده می شود.
نخست وزیر

۳۲
وزارت داخله، اداره کل امور کشور، اداره سیاسی، نمره ۲۷۸۷/۴۹۲۶۸
به تاریخ ۱۳۱۸/۵/۱۰
جناب آقای نخست وزیر
در پاسخ امریه شماره ۳۶۷۵ - ۱۸/۳/۲۶ متضمن عین مشروحه آقای میرابوالفضل خسروشاهی ساکن تبریز که درخواست صدور پروانه پوشیدن لباس روحانیت نموده معروض می دارد:
در این خصوص دستور لازم به فرمانداری تبریز داده شده بود، اینک بر طبق گزارش فرمانداری نامبرده، مدارک او در کمیسیون تجدید نظر مورد قبول واقع نگردیده و بر طبق رأی شماره ۱۸۷ - ۱۵/۲/۱۳۰ باید لباس روحانیت بپوشد.
از طرف وزیر کشور  [حاشیه] پایگانی

مدیر کل سوم ، تیمسار قائم مقام

برابر گزارش مأمور ویژه راجع به بسته شدن مساجد، دائم بازاریان را تحریک می نمایند که بعضی از مساجد که بسته شده ، باز کنند و در مجلسی که تشکیل بود، تصمیمی گرفته می شود، بعداً دستور داده می شود که موضوع با حکومت گفتگو شود. اگر در آخرین مرتبه ترتیب اثر داده نشد، مبادرت به چنین عملی نمایند. در بین گزارش شهربانی در ساعت 18:45 روز 27/7/42 در «مسجد صمصام خان» پس از ادای نماز، مشاهده شده آقای سید احمد خسروشاهی و محمد علی قاضی طباطبایی و بخشایش و بکایی و عده [ای] دیگر از واعظین به تدریج بعد آقای دروازه ای بالای منبر رفته و پس از ذکر چند مسأله شرعی گفت: من به امر آقایان بالای منبر آمدم و آقایانی که به مسجد آمده اند، برای پشتیبانی من نیست ، بلکه از بستن مسجد جلوگیری می نمایند و من طبق معمول شب شنبه ها در همین محل بالای منبر خواهم رفت . در مسلمانان آنقدر رگ غیرت سراغ دارم که نگذارند مسجد بسته شود. هر مصیبتی را می توان تحمّل کرد، جز مصیبتی که با دین بستگی دارد. مقصود ما تشنج و بلوا نیست ، اشخاصی که درب مسجد را می بندند، نظر به ایجاد تشنج دارند و گفت : ما غیر از هدایت مردم نظری نداریم ، [ما می گوییم] آن قدر فاحشه خانه و شرابخانه در اطراف مسجد نباشد. بعد یکی از آقایان را برای صحبت دعوت کرد. آقای میرزا محمد حسن بکایی بالای منبر رفته ، اظهار داشت: خیلی اشخاص ظالم از قبیل فرعون و چنگیز و قارون تاکنون به دنیا آمده اند، ولی هیچ یک این طور ظلم

ص: 231

نکردند، درب مسجد را نبستند، مسجد جایگاه عبادت است . هر گونه مطبوعات آزاد است ، همه چیز می نویسند و مانع ندارد، یک مکتب اسلام که جز سعادت مردم چیز دیگری نمی نویسد، توقیف شده ! همه گونه زن های رقص وارد می شوند، جلوی آن ها را نمی گیرند و از زن های رقص به مجلس می فرستند تا در سرنوشت مردم دخالت نمایند. در مملکت که هیئت حاکم ظالم باشد، مصیبت است ، من چه کرده ام که در عرض چهار ماه چهار مرتبه به منبر نمی روم ، غیر از اینکه گفته ام رشوت و بی عدالتی نباشد چه گفته ام؟

در ساعت 20:30 مجلس خاتمه یافت .

اسفندزاد

رونوشت برابر اصل است

ص: 232

موضوع: ورود به تبریز شماره: 1721

ارزیابی: الف - 1 تاریخ وقوع: 43/23/5

تاریخ وصول: 43/24/5

تاریخ گزارش: 43/25/5

طبق اطلاع واصله از تبریز آقای غروی نام که شخص معممی می باشد، جهت معالجه از نجف به تهران عزیمت و به علت گرمی هوای تهران روز 23/5/43 به تبریز وارد و در منزل میرزا عبدالحسین غروی اقامت نموده است .

گفته می شود مشارالیه حامل پیامی از آیت الله خوبی به سید ابوالفضل خسروشاهی بوده ، مبنی بر اینکه از ایراد هر گونه مطالب علیه آیت الله شریعتمداری و همچنین تأسیس دارالتبلیغ اسلامی خودداری نماید و بلکه از این امر پشتیبانی کند.

ضمناً عده ای از روحانیون و وعاظ از وی دیدن نموده اند.

ص: 233

اطلاعیه	
موضوع : ورود به تیزر	شماره : ۱۷۲۱
عطف : پسترد	تاریخ وقوع : ۴۳/۵/۲۳
ارزئای : الف - ۱	تاریخ وصول : ۴۳/۵/۲۴
	تاریخ گزارش : ۴۳/۵/۲۵

طبق اطلاع واسله از تیزر آقای غروی نام که شخر ممعی میباشد جهت معالجه از نجف بشهران هزمت حملت گوی هوای - تهران روز ۴۳/۵/۲۳ به تیزوارد ود رهنزل میرزاعبد الحسین غروی اناامت نمود ما ست .

گفته میشود . مشارالیه حامل پهای آزیت اله خوش بهه سید ابوالفضل خسروشاهی بوده . پیش بر اینکه از ایراد هرگز مستطالب علیه آیت اله شریعتداری و همچنین تأسیس در ارتالیغ اسلانی خود داری نباید بلکه از این امیشتیانی کند .

ضمناً عدّه ای از روحانیین و عووظ از وی دیدن نموده اند .
گیرندگان :

تاریخ: 43/24/5

شماره: 4323

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره دفتر کل

کشف رمز شهربانی: تبریز، شماره: 5/182/1/5، تاریخ اصل: 24/5، تاریخ وصول: 5/24

اداره اطلاعات

آقای غروی (1) که شخص معتمی می باشد روز 23 ماه جاری با هواپیما به تبریز

وارد و در منزل آقای میرزا عبدالحسین غروی ساکن گردیده . طبق اطلاع، وی جهت معالجه از نجف الاشرف به تهران آمده به علت گرمی هوای تهران جهت استراحت چند روزه به تبریز مسافرت کرده است ، ولی شایع است مشارالیه حامل پیام از آیت الله خویی به سید ابوالفضل خسروشاهی بوده که تذکر داده است از ایراد مطالب بر علیه آیت الله شریعتمداری و همچنین تأسیس دارالتبلیغ اسلامی خودداری و بلکه از این امر پشتیبانی شود و از ساعت ... صبح دیروز نیز عده ای از روحانیون و وعاظ جهت ملاقات با ایشان به منزل میرزا عبدالحسین غروی تردد داشتند.

سرهنگ 2 تیری

به عرض برسد 5/25

دفتر ویژه 5/24

اقدام شد 5/25

بایگانی 43/25/5

ص: 235

1- آیت الله حاج میرزا علی غروی تبریزی در آن دوران از شاگردان فاضل آیت الله خویی بود... و بعدها جزو مراجع نجف به شمار می رفت... و در برگشت از سفری به کربلا، توسط عوامل رژیم بعثی صدام بهشهادت رسید.

تاریخ: 43/13/4

شماره: 3411

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره دفتر کل

کشف رمز شهربانی: تبریز، شماره: 1342/5، تاریخ اصل: 13/4/43، تاریخ وصول: 43/13/4

خدمت ریاست اداره اطلاعات

سید ابوالفضل خسروشاهی برادر سید احمد خسروشاهی که تاکنون سوابق فعالیت مضرّه ندارد، دو روز است که در موقع وعظ در مسجد حاج محمد قلی تلویحاً خود را وابسته به آقای آیت الله خویی قلمداد و نسبت به اقدامات آیت الله شریعتمداری در مورد تأسیس دارالتبلیغ اسلامی در قم انتقاد [نمود] که اظهارات وی مورد اعتراض عده ای از طرفداران آقای شریعتمداری واقع گردیده . مراتب جهت اطلاع اعلام و مراقبت ادامه دارد. سرهنگ عطایی - دایره 6

مشخصات کامل خواسته شده ، نتیجه مراقبت را هم گزارش نمایند. 4/13

تصویر



ص: 237

حضرت آیت الله العظمی آقای شریعتمداری دام ظلّه العالی

با عرض سلام و تقدیم ادعیه خالصه، جریان اخیر گرفتاری جوانان متدین و حافظ قرآن و اتهامات ننگین و ناروایی که از طرف دادگاه های نظامی بر بعضی آن ها وارد و وضع بقیه هم روشن نیست، باعث اندوه فراوان و نگرانی و ناراحتی عموم گردیده و مخصوصاً مراجعات مکرر خانواده های گرفتار شدگان و تظلم و بیچارگی آنان ما را بر آن داشت که به مقام تصدیع برآمده و از ناحیه مبارک عالی که مرجع و ملجأ مسلمین هستید، تقاضا نماییم آنچه در حق این جوانان متدین و مسلمان که غیر از داعیه دینی انگیزه دیگری نداشته و اهل قرآن و نماز و مبلغ حقایق اسلامی هستند و حفظ خون آن ها وظیفه شرعی هر فرد مسلمان است، بذل توجه و اقدام فرموده اید، لطفاً مرقوم فرمایید که برای رفع نگرانی و تشویش به اطلاع عموم و بالخصوص خانواده آن ها اعلام شود.

حسن شریعت الاثقی، علی غروی علیاری، محمد علی قاضی طباطبایی، الأحقر رضا توحیدی، حسن الحسینی انگجی، الاقل عبدالله مجتهدی، عبدالحمید شریانی، سید محمد علی انگجی، محمود الموسوی خلخالی، عبدالحسین غروی، الأحقر کاظم دینوری، محمد غروی تبریزی، الأحقر سید احمد خسروشاهی، الأحقر سید یوسف الهاشمی، نصرالله شبستری، الأحقر علی الموسوی مولانا، الأحقر عبدالله مجتهدی سرابی، جواد سلطان القرایی.

شعبان 92

بسمه تعالی

حضرات حجج اسلام و علماء اعلام دامت برکاتهم

با ابلاغ سلام و تحیات

مرقوم محترم ملاحظه گردید. معروض می دارد که حقیر در خصوص زندانیان

ص: 238

1- این نامه به پیشنهاد اینجانب که در آن تاریخ به علت نزدیکی ماه مبارک رمضان به تبریز رفته بودم، تهیه شد و دوستان ارجمندی از وعاظ محترم و جوان تبریز، آن را پی گیری نمودند و در نتیجه، نامه برای دفاع از جوانانی که تازه دستگیر شده و به زندان افتاده بودند و احتمال اعدام آنها می رفت، از طرف علمایعظام امضا شد و به آیت الله شریعتمداری ارسال گردید و پاسخ معظم له نیز رسید که ملاحظه می نماید.

مذکور اقدامات مکرری نموده ام و امید به فضل الهی که خالی از اثر نباشد و از خداوند متعال مسئلت می دارم که نتیجه مطلوبه کاملاً حاصل شده و موجب آسودگی گردد.

والسلام علیکم ورحمه الله

سید کاظم شریعتمداری

تصویر



ولادت و تحصیلات

یکی از شخصیت های پرتلاش و فرهیخته خاندان خسروشاهی ، عالم فرزانه و محقق یگانه استاد سید محمد هادی خسروشاهی معروف به سید هادی خسروشاهی است . وی یک ساعت و نیم پس از نیمه شب چهارم شعبان 1356 ق، برابر با 1317ش در شهر تبریز، در خاندانی آراسته به دیانت و فقاہت به دنیا آمد و نشو و نماى خود را در محیطی آکنده از علم ، سیاست و دیانت آغاز کرد و در دامن پدر بزرگوارش پرورش یافت .

تحصیلات مقدماتی را نزد استادانی همچون: علامه میرزا علی اکبر نحوی ، میرزا علی اکبر یالقوز آغاجی ، آیت الله حاج میرزا عبدالکریم ملایی تبریزی، آقا میرزا آقا باغمیشه ای و آقا میرزا علی اصغر باغمیشه ای، در حوزه علمیه تبریز به پایان رسانید و پس از رحلت پدر معظمش ، در 1332 ش ، در حالی که پانزده سال بیش نداشت و نخستین تألیف خود را در شرح حال پدر فرزانه اش در کارنامه خویش ثبت کرده بود، عازم قم شد.

نوجوانی وی ، با مسائل نهضت ملی شدن صنعت نفت و مظلومیت بهت انگیز آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی و شهید نواب صفوی مصادف شده و دوری از مرکز مبارزه برایش دشوار بود. از این رو، راه هجرت در پیش گرفت ، تا در عین اشتغال به تحصیل و پی گیری اهداف تحقیقاتی ، به کانون های تحولات نزدیک تر باشد و خود را برای آینده ای نه چندان دور آماده سازد و چنین بود که در تهران، به سرعت به دیدار

آیت الله کاشانی و آیت الله طالقانی و شهید نواب صفوی رفت و از هواداران سرسخت جمعیت فدائیان اسلام شناخته شد و به موازات آن، به تحصیل در حوزه علمیه قم پرداخت و باب حادی عشر را نزد آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده، قوانین را در محضر آیت الله حاج میرزا مصطفی اعتمادی، مکاسب را در خدمت آیت الله حاج شیخ علی مشکینی، آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله حاج میرزا باقر مرندی، کفایه الاصول را از آیت الله سلطانی و آیت الله حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی، منظومه را از آیت الله جعفر سبحانی و اسفار را از علامه سید محمدحسین طباطبایی فراگرفت و در درس عرفان و اخلاق از محضر مرحوم حاج آقا حسین فاطمی قمی و مرحوم شیخ عباس طهرانی و علامه سید محمدحسین طباطبایی استفاده کرد و در تفسیر از محضر حضرات آیات: حاج میرزا علی اصغر باغمیشه ای، حاج میرزا علی اکبر محدث و حاج شیخ حسین شنب غزالی و علامه طباطبایی، در تبریز و قم، بهره برد و پس از اتمام دوره سطح در درس خارج آیت الله حاج آقا حسین بروجردی، امام خمینی (یک دوره اصول)، آیت الله شریعتمداری و علمای بزرگ دیگر حوزه علمیه قم در فقه، تفسیر، اصول، کلام، فلسفه، رجال و... حضور یافت.

ایشان همچنین در سفر به عراق، در نجف اشرف به مدت چند ماه در درس های آیت الله سید ابوالقاسم خویی و آیت الله سید محمود شاهرودی شرکت جست و به علت نداشتن مجوز اقامت مجبور به ترک عراق گشت و به ایران مراجعت نمود. استاد سید هادی خسروشاهی در پرتو تلاش و کوشش در راه تحصیل علم و معرفت به دریافت اجازاتی در: امور حسبه، نقل حدیث و اجتهاد از حضرات آیات: امام خمینی، سید ابوالقاسم خویی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید کاظم شریعتمداری، سید محمد هادی میلانی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید محمدصادق روحانی، شیخ مرتضی حائری، سید احمد زنجانی، میرزا عبدالجواد عاملی اصفهانی، میرزا ابوالفضل زاهدی قمی نایل آمد که در بخش پایانی، دست نوشته های آن بزرگان نقل خواهد شد.

استاد سید هادی خسروشاهی، از محققان پرکار در زمینه تألیف و ترجمه و تحقیق به شمار می رود. شمار آثار استاد به دوزبان فارسی و عربی، با صرف نظر از صدها مقاله چاپ شده در نشریات اسلامی ایران و جهان اسلام، حدود 150 جلد کتاب متنوع می شود که حدود پنجاه جلد آن ها، تاکنون چندین بار در داخل و خارج از ایران چاپ و انتشار یافته و بعضی از آن ها، بیش از سی بار تجدید چاپ شده است.

علاوه بر این، استاد در جمع آوری، تویب، تنقیح و نشر آثار بزرگان و شخصیت ها و اساتیدی چون: سید جمال الدین حسینی اسدآبادی، علامه محمد حسین طباطبایی، آیت الله سید محمود طالقانی، حاج شیخ مهدی سراج انصاری، سید محمد محیط طباطبایی، سید ابوالفضل موسوی زنجانی، محمد نخشب، سید غلامرضا سعیدی... کوشا بوده و از این رهگذر، خدمات ارزنده ای در حفظ و نشر دقیق و عمیق فرهنگ و اندیشه های اصیل اسلامی انجام داده است.

بیشتر کتاب ها و آثار استاد خسروشاهی، در زمینه مسائل اجتماعی، سیاسی، تاریخی و عمدتاً بر محور نیازهای جامعه اسلامی است که در روشنگری نسل جوان معاصر، بی شک تأثیری به سزا و نقشی در خور دقت و توجه داشته است و این موضوع برای کسانی که از سال ها پیش در جریان ادبیات و فرهنگ اسلامی قرار داشته اند، واضح و تردیدناپذیر است؛ چه او جوان ترین نویسنده و مؤلفی بود که نام و مقاله اش در کنار شخصیت هایی چون: شهید مطهری، آیت الله طالقانی، مهندس بازرگان، صدر بلاغی و دکتر سید جعفر شهیدی قرار داشت و ورد زبان نسلی بود که قصد داشت با اتکا به آموزه های بنیادین الهی، جهادی عظیم به راه اندازد و اسلام را به عرصه سیاست بازگرداند.

حضور مجدّانه در عرصه فرهنگی

حضور استاد سید هادی خسروشاهی در عرصه های علمی و فرهنگی، حضوری جدی و فعال بوده است. او از سال 1332 تاکنون، با اغلب مطبوعات ممتاز و وزین اسلامی

از جمله: مکتب اسلام، مکتب تشیع، معارف جعفری، راه حق، ندای حق، وظیفه، مجموعه حکمت، نور دانش، آئین اسلام، مسلمین، آستان قدس و... همکاری مستمر و تنگاتنگ داشته و مقالاتی روشنگرانه خود را تقدیم علاقه مندان و شیفتگان معارف اسلامی و انسانی کرده است.

پس از پیروزی انقلاب، بیشترین همکاری قلمی خود را، به روزنامه اطلاعات اختصاص داد و البته با جراید دیگر نیز - اعم از چپ و راست و میانه! - همکاری هایی داشته و معتقد است که «همه جراید، بالاخره خوانندگانی دارند و ما در آن ها، بدون وابستگی سازمانی! حرف های خود را می زنیم...»!

فعالیت در سطح جهانی

استاد با شرکت در کنفرانس ها و کنگره های اسلامی در کشورهای اروپایی و اسلامی از جمله: پاکستان، مصر، الجزائر، سوریه، عربستان، ترکیه، لبنان، انگلیس، آلمان، اطریش، سوئیس، ایتالیا، قطر و عراق و... همواره به عنوان نماینده توانای حوزه علمیه قم فعال بوده(1) و در مسأله تقریب بین مذاهب اسلامی از فعالان این حرکت

اصلاحی از نیم قرن پیش - به شهادت اسناد و نامه های موجود - به شمار می رود.(2)

در همین زمینه، استاد با اغلب حرکت های اسلامی معاصر و رهبری آن ها در جهان اسلام ارتباط فرهنگی و پیوند نزدیکی داشته اند. چیزی که این امر را بدیهی می کند، اسناد و مدارک بازمانده از ساواک است که نشان می دهد رژیم پهلوی در کنار شخصیت های درجه اول نظام و مجاهدان بزرگ، از نام سید هادی خسروشاهی نیز وحشت داشت و به علت پیچیدگی فعالیت ها و رازداری و عدم تظاهر او، قادر به کنترل فعالیت های چند جانبه او نبود.(3)

ص: 246

1- محمد شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ج 2، ص 357 و ج 3، ص 309.

2- نامه های علامه قمی به ایشان در پنجاه سال پیش، که در کتاب «سرگذشت تقریب» اخیراً توسط مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی در تهران چاپ شده، گویای حقیقت سابقه و چگونگی اینمسأله است.

3- مجموعه اسناد ساواک درباره استاد، در دو مجلد به زودی چاپ و منتشر خواهد شد.

استاد سید هادی خسروشاهی به اقتضای روح تلاشگر و خستگی ناپذیر برای گسترش فعالیت های علمی، فرهنگی و سیاسی خود، در جهت روشنگری نسل جوان، به سال 1352 ش مرکز بررسی های اسلامی قم را، به مثابه واحدی پر تحرک از حوزه علمیه قم تأسیس کرد و در سال 1361 مرکز فرهنگی اسلامی اروپا را در شهر رم - ایتالیا پایه گذاشت که هر یک از این دو موسسه مهم، ده ها کتاب و نشریه ارزشمند اسلامی را منتشر ساخته است. از جمله نشر قرآن مجید و نهج البلاغه و ترجمه آن ها به زبان های: انگلیسی، ایتالیایی، آلمانی؛ اقدامی که در نشر فرهنگ اسلامی در سطح جهانی و بین المللی از ارزشی بالا و والا برخوردار است و سهم مهمی در شناساندن مکتب فکری و علمی تشیع به جهان معاصر داشته است.

انتشار چند مجله هفتگی و ماهانه به زبان های: عربی، انگلیسی، ایتالیایی، از جمله فعالیت های رسانه ای - فرهنگی استاد بود. مجله هفتگی العالم چاپ لندن، که به همت ایشان - و با همکاری وزارت ارشاد - تأسیس گردید، به مدت 15 سال به انتشار خود ادامه داد.

این مشی و روش در مدت اقامت سه ساله ایشان در مصر - قاهره - نیز محصولی در حدود پنجاه جلد کتاب درباره تشیع، اهل بیت و انقلاب اسلامی داشت که مجموعه آثار نه جلدی سید جمال الدین حسینی اسدآبادی، در 3500 صفحه، منتشر شده توسط مکتبه الشروق - قاهره، نمونه ای از آثار این تلاش جاودانه فرهنگی است.

همگام با شخصیت های مبارز و جهانی

ویژگی جالب و ارزشمند استاد سید هادی خسروشاهی، ارتباط گسترده در ایران با شخصیت های برجسته مبارز و مجاهد است که در طلیعه آن ها: امام خمینی، آیت الله کاشانی، تواب صفوی، آیت الله طالقانی، علامه موسی صدر، مهندس بازرگان و ده ها شخصیت فرهیخته دیگر قرار دارند، و البته این ارتباطات حتی مرزهای ایران را در می نوردد و جهادگران دنیای عرب و اسلام، چون مصر و الجزائر و فلسطین و لبنان و هند و پاکستان و ترکیه و سودان و سوریه و عراق و... و بلاد اروپایی را شامل می شود و شخصیت هایی چون: ملا سعید نوری،

عمر التلمسانی، مصطفی مشهور، دکتر مصطفی السباعی، شیخ محمد محمود صراف، پروفیسور حمیدالله حیدرآبادی، شیخ محمد سید طنطاوی، دکتر فرید نصر واصل، محمد قطب، ابوالاعلی مودودی، نجم الدین اربکان، برهان الدین ربانی، احمد بن بلا، روژه گارودی، دکتر کلیم صدیقی، شیخ حسن ترابی، شیخ عباس مدنی، صادق المهدی و ده ها شخصیت فرهیخته و معروف دیگر را به کانون فرهنگ درخشان ایران اسلامی پیوند می دهد.

استاد خسروشاهی در هر جا که حضور داشته، از کمترین فرصت ها و ناممکن ترین موقعیت ها، نتیجه ها گرفته و با قلمی آتشین، با ظلم و ستم مبارزه کرده است. برای این امر، اگر هیچ دلیلی در دست نداشتیم، همانا مقدمه شورانگیز او بر کتاب «السیاسه الحسینیه» علامه بزرگوار کاشف الغطاء کافی بود که سابقه روحیه انقلابی گری وی اثبات شود. استاد در عنوان جوانی به ترجمه این کتاب اقدام کرده و مقدمه اش را، با سینه ای پر از درد، و سری پر از شور، و قلمی پر از التهاب، در زادگاهش تبریز نوشته و در سال 1376 ق به دست چاپ سپرده است. وی در بخشی از این مقدمه، شجاعت و صلابت را به اوج رسانده است. (1)

نوشتن چنین مقدمه ای، در آن سن و در اوج بدمستی های ساواک و افسران بی قید رژیم پهلوی، چون تیمسار! مهرداد و سرهنگ سلیمی (تبریز) و مقدم و فردوست و نصیری و ثابتی (تهران) بدیعی و مهران (قم) و... به شجاعت فراوانی نیاز داشت و خطرات سهمگینی را می توانست به دنبال داشته باشد.

... پس از فدائیان اسلام و اعدام رهبران آن، نخستین اعلامیه ای که در مخالفت با بهایی گری و سلطه اقتصادی ایادی استعمار شصت سال قبل - 1377 ه - از قم منتشر گردید، امضای سید هادی خسروشاهی را داشت. نشر این اعلامیه، با نخستین دستگیری ایشان به وسیله شهربانی قم همراه بود. متن اصلی اعلامیه چنین بود:

ص: 248

1- این بحث استاد اخیراً در کتاب «فلسفه نهضت حسینی» چاپ کلبه شروق - قم، نقل شده است.

«1. مستخرجه از پرونده کلاسه 22 - 528 طبق گزارش شماره 202/5 - 37/21/3

شهربانی قم: سید هادی خسروشاهی و چند نفر دیگر اعلامیه‌هایی مربوط به تحریم مصرف پستی کولا چاپ و منتشر نموده‌اند که در اجرای تحقیق معلوم گردیده است سید هادی خسروشاهی، برادر سید ابوالفضل خسروشاهی از روحانیون تبریز می‌باشد...»

اسناد ساواک در این باره، در کتاب تاریخی حوادث 15 خرداد، تألیف برادر مکرم جناب آقای جواد منصوری به تفصیل آمده و نشان دهنده نگرانی باند سرمایه داران وابسته به حزب بهایی گری و رژیم است. (1)

تصویر



شکایت شرکت «ثابت پاسال» از نشر اعلامیه مربوط به تحریم پستی کولا و گزارش ساواک در این باره

ص: 250

1- برای بررسی تفصیلی موضوع و اهمیت سیاسی آن در آن برهه، به کتاب فوق مراجعه شود.

.. یکی از ابعاد زندگی استاد سید هادی خسروشاهی، فعالیت های سیاسی وی می باشد. این فعالیت ها، از اوان نوجوانی وی شروع شد و چون محیط تبریز را برای وجود پر شور خود تنگ می دید، راه هجرت در پیش گرفت و قم، عُنس آل محمد (صلوات الله علیهم)، را برای تحرکات خویش انتخاب کرد. فعالیت های اساسی وی در این زمینه، با حضور در مجامع حساس سیاسی از سال 1332 آغاز شد و پس از آشنایی نزدیک با آیت الله طالقانی و شهید مجاهد نواب صفوی، صورتی اثرگذار به خود گرفت به طوری که از آن دوران تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، بارها و بارها در شهرهایی چون قم، تهران و تبریز دستگیر، زندانی یا تبعید شد و هرگز از آرمان های عدالت گسترانه خویش دست نکشید. آخرین محل تبعید وی در سال 1357 (1)،

انارک یزد به مدت سه سال بود که با آغاز انقلاب اسلامی، همراه مبارزان دیگر آزاد شد و خود را به جبهه مقدّم مبارزه رساند.

از واتیکان تا قاهره

... پس از پیروزی انقلاب اسلامی، استاد سید هادی خسروشاهی نخست به مدت دو سال، به عنوان نماینده امام خمینی (قدس سره) در وزارت ارشاد اسلامی خدمت کرد و سپس با حکم رسمی دولت جمهوری اسلامی، مسئولیت سفارت ایران را در واتیکان بر عهده گرفت و به عنوان سفیری کار آشنا، به مدت پنج سال در ایتالیا - بلکه قسمت عمده اروپا - به فعالیت پرداخت که از خدمات این دوره وی، می توان به تأسیس مرکز فرهنگی اسلامی اروپا در رم و تأسیس و نشر ماهنامه ای به زبان های ایتالیایی و انگلیسی و مجله هفتگی عربی العالم در لندن - با هزینه وزارت ارشاد - اشاره کرد.

استاد در ایتالیا، علاوه بر چاپ ترجمه قرآن مجید و نهج البلاغه به زبان ایتالیایی و نشر ماهنامه ای به نام جهان نو، در مدت پنج سال خدمت مستمر خود، در مجموع بیش از 160 کتاب و نشریه را به زبان های: فارسی، عربی، ایتالیایی، انگلیسی و

ص: 251

1- تبعید ایشان، هم زمان با تبعید آیت الله پسندیده و آیت الله مکارم به این منطقه بود.

فرانسه چاپ و در جهان توزیع کرد،⁽¹⁾ که مقدار اندکی از اسناد، عکس ها و نامه های

مربوط به این خدمات ، در پایان کتاب نگاهی بر زندگی استاد سید هادی خسروشاهی آمده است.⁽²⁾

استاد خسروشاهی ، علاوه بر زبان های ترکی و فارسی و عربی ، با زبان های انگلیسی و ایتالیایی نیز آشنایی دارد. او پس از مراجعت به ایران ، ضمن ادامه اشتغال در وزارت امور خارجه (به عنوان مشاور عالی وزیر) در دانشگاه های تهران از جمله در دانشکده حقوق دانشگاه تهران و دانشکده روابط بین الملل (وابسته به وزارت امور خارجه) به تدریس نیز پرداخته است .

پس از آن ، به عنوان رئیس نمایندگی سیاسی ایران در مصر، چند سال را در قاهره به سر برد و با خدماتی سبب شگفتی مقامات رده بالای فرهنگی - علمی مصری را فراهم آورد و به حق، سفیری روحانی نام گرفت . دیدارها و مباحثه های دامنه دار او با علمای مذهبی مصر و مسئولین و شیخ الازهر سبب اعجاب آن ها شد، و این ارزش کمی نیست که مقام بزرگی چون شیخ الازهر به مقام علمی وی اعتراف نموده و در محافل و مجالس رسمی الازهری، به فضل وی اشاره کرده است.⁽³⁾

ص: 252

-
- 1- بنگرید به: ایران شناسی در اروپا و ژاپن، ویراسته رودی متی و نیکی کدی ، ترجمه مرتضی بنیاسدی ، صص 133-176 (ایران شناسی در ایتالیا).
 - 2- گزارشی از خدمات علمی و سیاسی استاد را در کتابی که در سال 1380 ش با عنوان واتیکان ، دنیایاسلام و غرب، منتشر ساخت ، می توان دید. این کتاب ، در اصل در بردارنده مواضع انقلابی جمهوری اسلامی ایران درباره مسائل بین المللی مرتبط با نظام دینی و اخلاقی مسیحیت است که در تشکیلاتپاپ ژان پل دوم - رهبر کاتولیک های جهان - و پایتختش، واتیکان، خلاصه شده است و نشانی است از وظیفه شناسی ، تکلیف بانی ، هوشیاری ، مرزبانی و اقدامات اساسی و کار ساز و مهم سفیری که تماموقت و توانایی خویش را مصروف داشت ، تا با اقتدار در چنین عرصه اثرگذاری ظاهر شود و نقشخطیر خویش را به انجام برساند. کتاب «نگاهی بر زندگی استاد» هم زوایای ناشناخته بسیاری از فعالیت های فرهنگی - سیاسی ایشان را نشان می دهد.
 - 3- رک: مقاله مندرج در مجله علوم سیاسی، چاپ قم ، ش 25، مورّخ بهار 1383.

تألیفات، ترجمه ها، تحقیق، باهتمام :

کثرت تألیفات و ترجمه ها و کتاب هایی که به اهتمام ایشان چاپ شده اند و نشان دهنده شصت و پنج سال تلاش در جبهه علم و فرهنگ و سیاست است، بیش از 150 جلد می باشد که در ایران (تبریز، تهران، قم)، ایتالیا (رم)، مصر (قاهره) و ترکیه (اسلانبول) چاپ و منتشر شده اند که فهرست تعدادی از آن ها به قرار زیر است :

- 1 - مجموعه آثار علامه سید محمد حسین طباطبایی 24 جلد (6000 صفحه) (چاپ چهارم)
- 2 - مجموعه آثار سید جمال الدین حسینی (چاپ قاهره) 9 جلد (3500 صفحه) (چاپ دوم)
- 3 - مجموعه آثار استاد سید غلامرضا سعیدی 10 جلد (5000 صفحه) (چاپ اول)
- 4 - اسناد نهضت اسلامی ایران 10 جلد، 6000 صفحه (چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی) (چاپ دوم)
- 5 - حدیث روزگار، مجموعه ای از خاطرات مستند (20 جلد آن منتشر شده است)
- 6 - امام علی (ع) صدای عدالت انسانی 5 جلد، 2500 صفحه (ترجمه) (چاپ پانزدهم آن اخیراً منتشر گردید)
- 7 - یادنامه امام موسی صدر 940 صفحه قطع بزرگ (چاپ اول، چاپ مؤسسه فرهنگی امام موسی صدر)
- 8 - اسلام و هیئت (ترجمه) 580 صفحه (چاپ پنجم)
- 9 - تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن (تقریر بحث های تفسیری آیت الله سبحانی) 340 صفحه (چاپ پنجم)
- 10 - نهضت آزادیستان و شهید شیخ محمد خیابانی (تألیف) 408 صفحه

- 11 - تقة الاسلام تبریزی شهید نامدار عاشورا (تألیف) 530 صفحه
- 12 - جمال الدین الحسینی (تألیف و تحقیق) - عربی - 480 صفحه
- 13 - اسناد وزارت خارجه ایران درباره سید جمال الدین حسینی (تألیف و تحقیق) 464 صفحه
- 14 - فدائیان اسلام: تاریخ، عملکرد، اندیشه (تألیف) 332 صفحه، (چاپ سوم)
- 15 - قصه التقرب (تحقیق و اهتمام) 500 صفحه
- 16 - فی سبیل الوحده والتقرب (مجموعه مقالات به عربی) - (تألیف) 472 صفحه
- 17 - اسلام سیاسی - تاریخ حرکت النهضه تونس - (ترجمه) 168 صفحه
- 18 - حرکت های اسلامی معاصر (تألیف) 216 صفحه
- 19 - حقیقه علاقه عبدالناصر بالثوره الاسلامیه فی ایران - عربی - تألیف، چاپ قاهره، 280 صفحه
- 20 - عبدالله بن سبا بین الواقع والخیال - عربی - (تألیف) 146 صفحه (چاپ دوم، قاهره - تهران)
- 21 - اسلام و صلح جهانی (ترجمه) 318 صفحه (چاپ هفتم)
- 22 - ما چه می گوئیم؟ (ترجمه) 128 صفحه (چاپ بیست و پنجم)
- 23 - عدالت اجتماعی در اسلام (ترجمه) 522 صفحه (چاپ بیست و پنجم)
- 24 - واتیکان، دنیای اسلام و غرب (تألیف) 240 صفحه
- 25 - اهل البیت فی مصر (تحقیق و اهتمام) 522 صفحه - عربی - (چاپ دوم)
- 26 و 27 - تاریخ جمعیت اخوان المسلمین (ترجمه) جلد اول 456 صفحه، جلد دوم 492 صفحه (چاپ دوم)
- 28 - مسائل نهضت های اسلامی (ترجمه) 224 صفحه (چاپ دوم)
- 29 - نهضت های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران (ترجمه) 212 صفحه، (چاپ دوم)

- 30 - اخوان المسلمین، بزرگترین جنبش اسلامی معاصر (ترجمه) 230 صفحه، (چاپ سوم)
- 31 - حرکت اسلامی فلسطین (تألیف) 264 صفحه (چاپ دوم)
- 32 - حرکت اسلامی الجزائر (تألیف) 208 صفحه (چاپ اول)
- 33 - حرکت اسلامی سودان (تألیف) 248 صفحه (چاپ اول)
- 34 - زندگی و مبارزه نواب صفوی (تألیف) 464 صفحه (چاپ سوم)
- 35 - دو مذهب (تألیف) 126 صفحه (چاپ بیست و ششم)
- 36 - پژوهش درباره انجیل و مسیح (ترجمه) 192 صفحه (چاپ سوم)
- 37 - مصلح جهانی - از دیدگاه شیعه و اهل سنت - (تألیف و ترجمه) 200 صفحه (چاپ سوم)
- 38 - اسلام یا مارکسیسم (ترجمه) 144 صفحه، چاپ هشتم
- 39 - سرگذشت تقریب (تحقیق و ترجمه) 560 صفحه (چاپ اول)
- 40 - گفتگویی با علماء الازهر (تألیف) 136 صفحه، چاپ دوم
- 41 و 42 - نبرد اسلام در آفریقا (تألیف) جلد اول 214 صفحه، جلد دوم 196 صفحه (چاپ دوم)
- 43 - نهضت های اسلامی افغانستان (تألیف) 230 صفحه
- 44 - «بشر مادی»: مجموعه آثار دکتر محمد نخشب (به اهتمام) 380 صفحه
- 45 - فلسفه نهضت حسینی (تألیف و ترجمه) 160 صفحه
- 46 - انقلاب اسلامی و امام خمینی (ترجمه) 256 صفحه
- 47 - دفاع از سید جمال الدین حسینی (تألیف) 132 صفحه (چاپ پنجم)
- 48 - بیداری اسلامی در تونس (تألیف) 240 صفحه
- 49 - اخوان المسلمین چه می گویند؟ (تألیف) 392 صفحه (چاپ اول)
- 50 - انقلاب در مصر (تألیف) 284 صفحه (چاپ اول)

بدین ترتیب و در اینجا فقط از برخی آثار استاد نام برده شد، برای دریافت فهرست

کامل آثار ایشان به کتاب «نگاهی به زندگی استاد» و «آشنایی با مجموعه ای از آثار استاد» که هر دو به همت جناب آقای سید محمود خسروشاهی تهیه و تنظیم و از سوی «کلبه شروق» - قم منتشر شده است، مراجعه شود.

به موازات همه این امور افتخارآمیز، استاد سید هادی خسروشاهی هفته نامه بعثت را از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی از قم منتشر ساخته که هم اکنون وارد سی و هفتمین سال انتشار خود شده و در این مدت 1530 شماره از آن منتشر شده است .

استاد چند سال پیش، با نشر فصلنامه ای با عنوان تاریخ و فرهنگ معاصر که به نشر حقایق و روشن ساختن زوایای تاریک تاریخ معاصر ایران و جهان اسلام می پردازد، سهم مهمی از تاریخ نگاری معاصر را به خود اختصاص داده و در صدد گشودن راهی نو در گستره فرهنگ انسانی معاصر بوده است . نشر این فصلنامه شش سال ادامه یافت که مجموعه آن شامل بیش از شش هزار صفحه است...

کتابخانه و یادگاری ماندگار

یکی از آخرین آثار ماندگار استاد سید هادی خسروشاهی، تأسیس کتابخانه عمومی «مرکز بررسی های اسلامی» می باشد که در زمینی به مساحت 5 هزار متر مربع با 4 هزار متر زیربنا در چهار طبقه طراحی و در منطقه پردیسان قم ساخته شده و از مهرماه 1394 نیز به طور رسمی آغاز به کار کرده است. (1)

استاد خسروشاهی

کتابخانه شخصی خود را که مشتمل بر ده ها هزار جلد کتاب و نشریه و اسناد تاریخی و منابع آرشیوی است، وقف حوزه علمیه قم نموده و در این کتابخانه برای استفاده عموم قرار داده است.

ص: 256

1- کتابخانه در روز عید غدیر 1436 هـ- مهرماه 1394 با سخنرانی مقدماتی استاد و سپس سخنرانیات الله العظمی حاج شیخ جعفر سبحانی (از مراجع تقلید) و جناب آقای دکتر علی لاریجانی (ریاست محترم مجلس شورای اسلامی) به طور رسمی افتتاح گردید و مورد استفاده عموم به ویژه اساتید و طلاب محترم حوزه علمیه قم قرار گرفت.

این کتابخانه دارای ویژگی‌ها و امکاناتی است که می‌تواند پاسخگوی نیازهای اهل علم و سایر اقشار در شهر قم باشد و هماهنگ با همه استانداردهای بین‌المللی است.

کتابخانه در حال حاضر دارای مخزنی با ظرفیت یکصد هزار جلد کتاب به همراه سالن اجتماعات و دو سالن جداگانه مطالعه برای آقایان و بانوان و مخزنی برای نشریات و کتب مرجع می‌باشد و علاوه بر بخش اداری شامل دفتر مدیریت، نمازخانه، 6 اتاق اداری برای کارکنان، 3 اتاق مجهز برای سکونت محققینی که بخواهند چند روزی در کتابخانه اقامت کنند و یک میهمان‌سرای 150 متری مستقل است که در واقع این کتابخانه را، نسبت به اغلب کتابخانه‌های موجود در قم، متمایز می‌کند و با توجه به اینکه این کتابخانه دارای شبکه کامل کامپیوتری با استفاده از تکنولوژی جدید می‌باشد، امکان استفاده به صورت دیجیتال و دسترسی به شبکه کامپیوتری و اینترنت در سالن‌های مطالعه نیز برای کاربران فراهم شده است.

و: نام ماندگار...

این بود نگاهی اجمالی به تاریخ زندگی و آثار پربار و فعالیت‌های شخصیت پرکار و کوشایی که از یک خاندان گران‌مایه برآمده و عمر خود را در راه احیای حقایق اصیل و پاسداشت و بزرگداشت واقعیت‌های انسانی اسلام گذاشته، دین‌خدا را باری و در هر جا که احساس ضرورت کرده، به کار و تکاپو پرداخته است. در واقع ایشان یکی از ذخایر ارزشمند معاصر ایران در عرصه سیاست، تاریخ، فرهنگ، ادب و مبارزه است که حضور پررنگی در حساس‌ترین قلمروها داشته است و این امر سبب ماندگاری و درخشش نام وی در سلطه خاندان و در بخشی از کتاب مشعشع تاریخ انقلاب اسلامی ایران خواهد شد.

کریم فیضی

قم - 1394

ص: 257

... پس از تنظیم این یادداشت در سال 1394، از استاد آثار و تألیفات دیگری نیز به چاپ رسیده است که ده جلد آن‌ها درباره مسائل سیاسی جهان اسلام و عرب بوده و بیست جلد نیز مجموعه «خاطرات مستند» ایشان می باشد.

خاطرات مستند استاد، شامل خاطرات تاریخی ارزشمندی درباره شخصیت‌های برجسته ایران و جهان اسلام است که از این مجموعه تاکنون بیست جلد منتشر شده و سی جلد دیگر نیز در دست تنظیم و یا آماده نشر است.

امیدواریم که این مجموعه در چند مجلد هم به طور کامل و یکجا منتشر گردد که بی تردید یکی از منابع اصلی تاریخ معاصر خواهد بود.

استاد سید هادی خسروشاهی، اجازاتی را در زمینه های مختلف از مراجع عظام و علمای کرام حوزه های علمیه قم، مشهد و نجف دریافت داشته که اینک متن بعضی از آن ها را از نظر می گذرانید:

1. امام خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوه والسلام على محمد وآله الطاهرين ولعنه الله على اعدائهم اجمعين.

وبعد، جناب مستطاب، سیدالاعلام و ثقه الاسلام آقای سید هادی خسروشاهی - دامت افاضاته - از قبل اینجانب مجاز هستند در امور حسبیّه و شرعیّه که در عصر غیبت ولیّ امر (عجل الله فرجه) از مختصات فقیه جامع الشرائط است. فله التّصدی لما ذکر مع مراعات الاحتیاط. و نیز مجاز هستند در اخذ سهمین مُبارکین و صرف آن در اعاشه خودشان به نحو احتیاط و صرف سهم سادات را در صورتی که بقیّه ماند، به محلّ مقررّه شرعیّه و بقیّه سهم مبارک امام(علیه السلام) را به اینجانب برای صرف در حوزه های علمیه و اوصیه (ایده الله تعالی) بما اوصی به السلف الصالح من ملازمه التقوی و التّجنّب عن الهوی و التّمسک بعروه الاحتیاط فی الدین و الدنیا و أرجو منه ان لایسانی من صالح دعواته و السّلام علیه و علی اخواننا المؤمنین و رحمه الله.

بتاریخ: 20 شهر صفر المظفر 1386، روح الله الموسوی الخمینی (مهر)

ص: 259

2. آیت الله سید ابوالقاسم خوئی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على خير خلقه و أفضل بريته محمد و عترته الطاهرين .

و بعد، جناب مستطاب، عماد الاعلام ثقه الاسلام آقای آقا سید هادی خسروشاهی (دامت تأییداته) از قبیل اینجانب در تصدّی امور حسیّه که منوط به اذن و اجازه حاکم شرع است، مأذون و مجاز می باشند و همچنین مأذونند که آنچه از سهم مبارک امام (علیه السلام) دریافت می دارند، به مقدار معاش خود از آن صرف، و مابقی را از جهت اقامه حوزه های علمیه، به اینجانب ایصال نمایند و آنچه از سایر وجوه شرعیّه قبض می نمایند، در موارد مقرر در محل خود صرف کنند و البته احتیاط را که طریق نجات است، در جمیع امور خود مراعات کنند.

و السلام علیه و علی سائر إخواننا المؤمنین و رحمه الله و برکاته .

6 شهر جمادی الاولی 1384، ابوالقاسم الموسوی الخوئی (مهر).

تصویر



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على أشرف البرية محمد و آله الطاهرين و اللعن على اعدائهم اجمعين .

و بعد، جناب مستطاب، ركن الاسلام و المسلمین ، الفاضل البارع آقای آقا سید هادی خسروشاهی (دامت ایامه) مجازند در نقل احادیث و روایاتی که بالواسطه روایت می کنم ، به طریقی که علامه بزرگوار آیت الله النوری (قدس سره) در خاتمه مستدرک الوسائل ثبت نموده اند، و نیز مأذون له و مجازند در تصدی به امور حسبیّه با مراقبت کامل در تشخیص جهات حکمیّه و موضوعیّه آن ها، بر طبق احتیاطات و در اخذ وجوه و حقوق و صرف هر یک در مصرف مناسب آن ، بر طبق مقررات شرعیّه ، و در اخذ سهم امام (علیه الصلوة و السلام) و مأذونند به مقدار ثلث آن را در مواردی که مصلحت بدانند، بر طبق احتیاطات و موازین فقهیّه مورد مصرف قرار دهند، در مابقی به حقیر مراجعه نمایند.

و أوصیه و نفسی بملازمه التقی و الأخذ بالحائضه فی جمیع الأمور، و المرجو منه (دامت معالیه) أن یدکرني فی خلواته بصلح دعواته و السلام علیه و علی من أتبعه من إخواننا المؤمنین و رحمه الله و برکاته .

محمد هادی الحسینی المیلانی 12 صفر/ 84 (مهر)

تصویر



4. آیت الله سید کاظم شریعتمداری

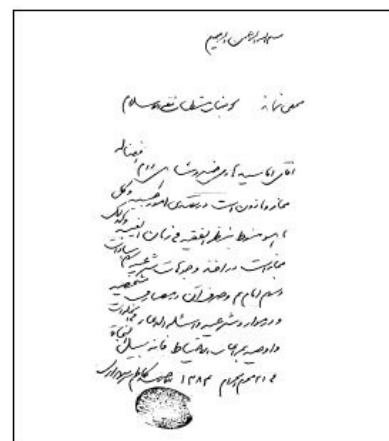
بسم الله الرحمن الرحيم

مخفی نماند که جناب مستطاب ثقه الاسلام، آقای آقا سید هادی خسروشاهی (دام افضاله) مجاز و مأذون است در تصدّی امور حسیّیه و کُلّ امور منوط به نظر الفقیه فی زمان الغیبه و کذلک، مجاز است در اخذ وجوهات شرعیّه سهم سادات و سهم امام هم، و صرف آن در مصارف شخصیّه و در موارد شرعیّه و اسئلُ الدّعاء فی الخلوات و اوصیه بمراعات الاحتیاط، فآته سبیل التّجاه .

فی 21 محرّم الحرام 1384

الأحقر سید کاظم شریعتمداری (مهر)

تصویر



ص: 263

5. آيت الله شيخ ابوالفضل زاهدى قمى

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين.

وبعد، فإنَّ الجناب العالم العامل و الفاضل الكامل ، عماد العلماء العظام ، ثقة الاسلام السيد هادى الخسرو شاهيان (حفظه الله تعالى) قد بذلَ عمره الشريف فى تحصيل العلوم الدينيه و حضرَ محضرَ الأساتيد فى ايران و العراق . و جدَّ و اجتهد، حتَّى بلغ مرتبه الاجتهاد، فله العمل بما استنبط على وفق سائر العلماء و يحرم عليه التقليد فيما اجتهد و أوصيه بالتقوى و السداد و أن لا ينسانى من صالح الدعاء.

و السلام عليه و على سائر اخوانى المؤمنين و رحمه الله و بركاته .

تحرير آ فى سادس شهر شوال المكرّم سنه 1386 هجرى قمى .

ابوالفضل القمى الزاهدى / مهر.

6. آيت الله سيد احمد زنجانى

كما كتبه العلامة الزاهدى (دام بقاءه) بلغ السيد المعظم (دام توفيقه) مرتبه الاجتهاد، فله العمل بما يستنبطه على وفق اعلام الدين ، وفقه الله لما يحب و يرضى .

كتبه الحقيق، الفانى احمد الحسينى الزنجانى.

سادس شوال سنه 1386 / مهر.

7. آيت الله شيخ مرتضى حائرى

باسمه تعالى شأنه

الأمر كما رقمه العلمان ، فالمولى المعظم إليه ، قد بلغ بحمد الله تعالى مرتبه الاجتهاد، فليشكر الله سبحانه على ذلك . مرتضى الحائرى.

ص: 264

8. آيت الله سيد صادق روحاني

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف بريته محمد وآله الطيبين الطاهرين واللعن على أعدائهم أجمعين إلى قيام يوم الدين .

وبعد، فإنّ جناب العالم الحجّه ، الحاج السيد هادي الخسرو شاهيان (حفظه الله و أيدّه) ممّن تمسّك بالعروة الوثقى واعتكف عشرين سنة في مدينة قم حرم اهل البيت (عليهم السلام) باذلا جهده في تحصيل العلوم الشرعيّة و المعارف الإلهيّة بحضوره على الأساتذة العظام و الفقهاء الكرام ، حتّى بلغ بحمد الله و فضله مرتبه الاجتهاد، فله العمل بما يستنبطه من الاحكام و أوصيه (دام بقاه) بالا احتياط ، فأنّه ليس بناكب عن الصّراط من سلّك سبيل الاحتياط .

13 محرم الحرام سنة 1394

محمد صادق الحسيني الروحاني / مهر.

9. آيت الله سيد كاظم شريعتمداري

بسمه تعالى

صح ما رقم و الأمر كما رقم .

سيد كاظم شريعتمداري / مهر

10. آيت الله عبدالجواد اصفهاني

بسمه تعالى

الأمر كما ذكره الاعلام (دام بقائهم) فقد بلغ بحمد الله تعالى مرتبه الاجتهاد فليشكر الله على ذلك .

عبدالجواد جيل عاملی اصفهانی.

ص: 266

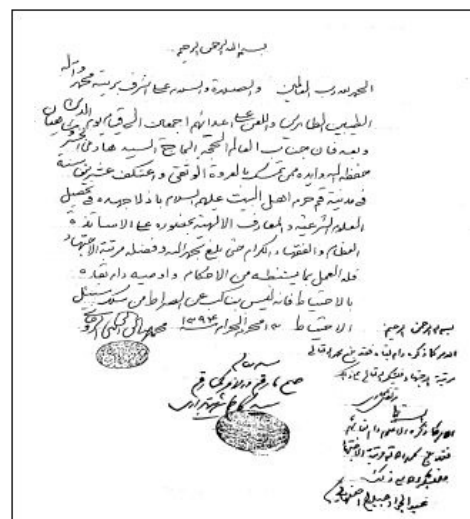
11. اجازه ای از آیات عظام

بسم الله الرحمن الرحيم

الأمر كما ذكره (دام بقائه)، فقد بلغ بحمد الله تعالى مرتبه الاجتهاد فليشكر الله تعالى على ذلك .

مرتضى الحائري .

تصوير



تصوير تصديق اجتهاد از چند تن از فقهای عظام

ص: 267

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاه والسلام على أشرف الأولين والآخرين سيّدنا ومولانا أبي القاسم محمد بن عبد الله، خاتم النبيين وعلى خلفائه الأئمه الاثني عشر المعصومين، صلاه مترادفه متواصله من الآن إلى قيام يوم الدين .

وبعد، فإنّ السيّد السنّد الواجد شرافتي الحسب والنسب والحاوي لمكارم الوراثه والمكتسب، زیده الفضلاء الاعلام، نتيجته آيات الله العظام، مولانا السيّد هادي، نجل آيت الله السيّد المرتضى بن العلامة الأجلّ الحاج السيّد محمّد بن علي بن أبي الحسن الحسيني الخسروشاهي التبريزي (زيد فضاله و كثر في ابناء العلماء والسادات امثاله) لما وفقه الله تعالى للثم مرقد جدّه باب مدينه علم النبي (صلوات الله عليهما) فأراد التأسى بالسلف الصالح في انخراط نفسه في حملته تلك العلوم والروايه عنهم ولحسن ظنّه استجاز عني ولما وجدته أهل ذلك فبادرتُ إلى إجابته وأجزته أن يروى عني جميع ما صحّت لي روايته عن كافه مشايخي الأعلام، الخاص منهم والعام قُطان العراق والقاهره والبلد الحرام .

فليرو السيّد المعزّي إليه عني عنهم بجميع طرقهم وأسانيدهم المسطوره في إجازاتهم وأخصّ بالذكر منها الطرق الخمسه التي أروى بتلك الطرق عن أوّل مشايخي آيت الله العلامة خاتمه المجتهدين والمحدثين مولانا الأجلّ الحاج الميرزا حسين النوري النجفي الخاتمه المتوفى بها (1320) وهي مستطره في خاتمه كتابه الجليل (مستدرک الوسائل) و مشجره في الطومار الموسوم بمواقع النجوم، فليرو (دام فضاله) عني عنه بجميع تلك الطرق المتّصله إلى باب مدينه العلم لمن شاء وأحبّ مراعيًا للتقوى مراقبًا للمولى جلّ جلاله ملازمًا للاحتياط فإنه سبيل النجاه داعيًا لي بالغفران في الحياه والممات .

حرّره بيد المرتعشه في مكتبته العامه في النّجف الاشرف في الثاني عشر من صفر عام ستّه وثمانين وثلثمائه والف.

الفاني الشهير بأقا بزرگ الطهراني (مهر).

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على إفضاله ونواله و الصّ لموه و السّلام على سيّدنا محمّد وآله ، سيّما ابن عمّه و وصيّّه و خليفته من بعده سيّدنا أميرالمؤمنين أبي الحسين و والد الريحانتين مولانا علي بن ابي طالب (روحي و روح العالمين له الفداء)

و بعد، قد استجاز عتّى عماد الأعلام ، حجّه الإسلام الحاج السيد هادي خسروشاهي (دامت بركاته) نجل آيت الله الحاج السيّد مرتضى خسروشاهي (طاب ثراه) في روايه الآثار المرويّه عن النّبى الأكرم(صلى الله عليه وآله) و عترته الميامين ، الاثمه الهداه (عليهم افضل التّحيات و الصلوات) بطرقى التي تربو على ما أتى طريق أودعتها في الإجازة الكبيره المشهوره بالمسلسلات و أكثر تلك الأسانيد تنتهي إلى مولانا العلامه المجلسى صاحب بحار الأنوار (رضوان الله تعالى عليه) فللمستجيز المحترم (دام علاه و زيد في ورعه و تقاه) أن يروى عتّى تلك الطّرق المعتمره حتّى تنتهي إلى أرباب الكتب الأربعة و منهم (رضوان الله تعالى عليهم اجمعين) إلى ساداتنا الأئمه المعصومين (عليهم افضل التّحيات و الصلوات) مراعيّاً للشروط المعتمره عند أهل الروايه و الإجازة و أرجو منه (حفظه الله و أبقيه) سلوك سبيل الحزم و الاحتياط ، فإنّه سبيل التّجاه.

و السلام عليه و على إخواني المؤمنين خير ختام .

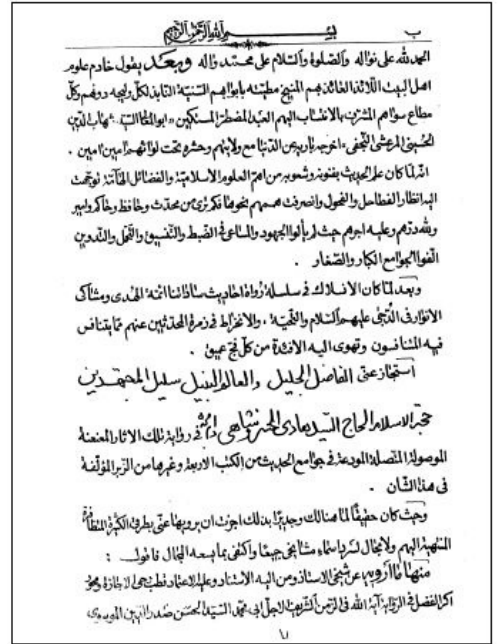
حرّره الداعي خادم علوم أهل البيت و السفاره أبوالمعالى

شهاب الدين الحسيني المرعشي النجفي

في شهر رجب المرجّب 1410 / مهر (1)

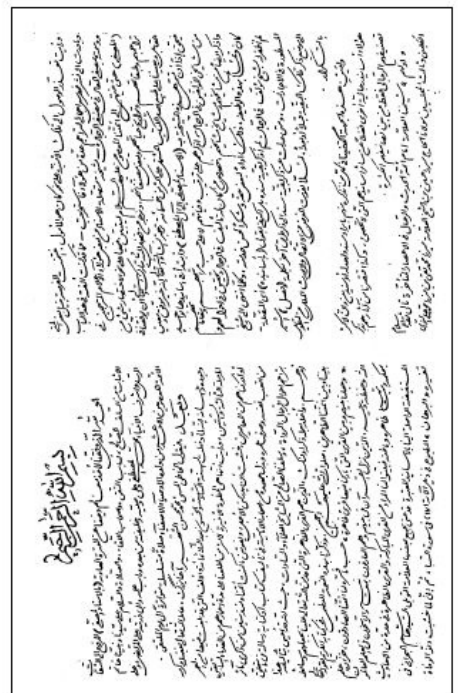
ص: 270

1- آيت الله مرعشى نجفى و شيخ آقا بزرگ تهرانى، اجازة ديگرى نيز داده اند كه چون بسيار مفصل است و شامل ده ها صفحه مى باشد، فقط تصوير چند صفحه از اول و آخر آن ها نقل مى شود.





صفحه آخر اجازہ مبسوط...



صفحه اول و دوم اجازه نامه مبسوط مرحوم آیت الله آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی

ومن آئمة المرجع والتعديل والتأله المأخوذة أصلها من كتبه مشعورة ، وجعل (دش) في بعض
كتب الرجال رمزاً إلى استيفان نقل خبره .
« فصل »

ومن آبي مسرور الكشي (ومن) الشيخ أبي الحسن علي بن محمد بن تقي الدين الشاذلي بن محمد
والفضل بن شاذان وداكتر الرواية عنه الكشي في كتابه القبوله « حديث الصريح في الساجد » وقد
ينقل عنه منقول قال ابن تقي الدين « والظاهر أن هذا ما فرغ من كتابه (وهو يروي عن) شيخه
بن شاذان المذكور وقد قرأ عليه كتبه ويروي عنه من كتبه وهو الذي من كتاب « الديباج » وشيخه
بعض الأسماء . وحيث وثقنا بأوردنا إيداعه في هذه الشيخة المعجزة من سلسلة تميزنا
الأعلام الذين اطلعنا على توظيفهم شيئاً من تراجم أعماد أهل البيت عليهم السلام من
المشايخ والقرابة والحكماء حسن خدمتهم لأهل القري الطاهرة العرفاء من العروة العظيمة
وثقنا اتصال سلاسل هؤلاء الأعلام بعضها ببعض وانتمها جميعاً إلى سعاد من علم الله ومها بل
وحيد . فلهذا لا تنال وتعالى في التمام ونصلي وسلم على نبينا الأكرم وسيدنا الأكرم محمد
سنة العرب والجموع على آله الطاهرين الطيبين المعصومين أئمتنا وادنا وشفا لنا صلوات الله
اجميين من الآن إلى يوم الدين . بحسب ربه تعالى على السنين محمد بن علي بن أبي طالب في شهر
آب الحرام سنة ١٣٥٦

صفحه آخر اجازة مبسوط آقا شيخ آقا بزرگ تهرانی

تأیید و گواهی برخی مراکز علمی - فرهنگی

وزارت آموزش و پرورش

اداره: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش .

شماره: 815

تاریخ: 53/6/3

آقای هادی خسروشاهیان، دارنده شناسنامه شماره 50295 صادر شده از تبریز، متولد 1317، اجازه اجتهاد متعلق به شما، در یکصد و بیست و پنجمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخ 25/1/1353 مطرح گردید، صحت و صدور اجازه مذکور از مراجع مسلم اجتهاد محرز شناخته شد.

وزیر آموزش و پرورش (امضا)

تصویر



ص: 276

بسمه تعالی

گواهینامه مدارج علمی

به موجب تصویب نامه شماره 56932 مورخ 9/6/1362 هیأت محترم وزیران، و به استناد بخشنامه شماره 4052/4 مورخ 28/12/1363 سازمان امور اداری و استخدامی کشور، طبق گواهی حضرات اساتید حوزه علمیه قم و تشخیص و ارزیابی هیأت ممتحنه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، رتبه علمی جناب مستطاب حجّت الاسلام و المسلمین آقای سید هادی خسروشاهی، فرزند سیّد مرتضی به شماره شناسنامه 50295 در حدّ دوره دوم خارج، تأیید و صادر می گردد.

مسئول دفتر ارزیابی مدارج علمی :

محمدطاهر ربّانی

رئیس هیأت ممتحنه :

ابراهیم جلیلی

مسئول نظارت و عضو هیأت مدیره دفتر :

سید حسین موسوی تبریزی

نماینده ولیّ فقیه و سرپرست دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

محمد عبایی خراسانی

واحد مدارج علمی 28/11/69

(مهر)

ص: 277



بیتنا

کوهنیا مباح علمی

پنج
شماره

بوجب تصویر شماره ۵۶۹۳۲ مورخ ۱۳۶۹/۶/۶۹ بیت محرم فزیران بیتنا
 بخش شماره ۴۰۵۱ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۸ سازمان انوار و ادبی استخدا کوهنیا
 حضرت اساتید حوزه علمیه قم و تفسیر و ازربانی بیت محمد و تبلیغات اسلامی از جمله مآثر تربیتی
 جناب استاد علامه الاسلام و المولانا های ایمان و سرمدی فرزند سید مرتضی
 شماره ششماره ۵۰۲۹۵ در صد دوره دوم خارج نماید و صادر می گردد.

سوال و شلر زبانی بیرون علمی
 مخاطبان زبانی

سوال نظارت و صورت نامه فر
 سید محمد موسی تبریزی

موضوعاتی زبانی
 سید محمد موسی تبریزی

زینت نموده
 سید محمد موسی تبریزی

فایده های غیر ذلالت و غیر ذلالت
 حوزه علمیه قم
 و امور مدارج علمی



بسمه تعالی

دفتر تبلیغات اسلامی

حوزه علمی قم

تاریخ: 30/6/67

شماره: 812/19

به: وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

از: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم

موضوع: ارزیابی مدارج علمی

بعد التَّحِيَّه و السَّلَام :

محترماً پیرو ارزیابی مدارج علمی جناب مستطاب، حضرت حجّت الاسلام و المسلمین سید هادی خسروشاهی، فرزند سید مرتضی، به استحضار می رساند که بنا به تأیید کتبی هیأت ممتحنین دفتر تبلیغات اسلامی، معظمّ له بر اساس مصوبه شماره 56932 هیأت محترم وزیران، مشمول دوره دوم خارج (اجتهاد) می باشند.

محمد طاهر ربّانی / مسئول دفتر ارزیابی مدارج علمی

تصویر



ص: 279

جمهوری اسلامی ایران

دانشگاه تهران

شماره: 605 / 2597

تاریخ: 68 / 22 / 3

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

بسمه تعالی

استاد محترم جناب حجت الاسلام هادی خسروشاهی

با سلام ، بدین وسیله از همکاری جناب عالی که تدریس در دوره کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی را قبول فرموده و وظایف محوله را به نحو احسن انجام داده اید، تشکر و قدردانی می نماید.

توفیق جناب عالی را در راه خدمت به دین و دانش از درگاه ایزد منان مسألت دارد.

دکتر سید حسین صفایی

رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی

تصویر



ص: 280

نمونه هایی از اسناد ساواک

درباره :

استاد سید هادی خسروشاهی

سند شماره 1(1)

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

- خیلی محرمانه -

از: ساواک قم

شماره: 2983 رقم

تاریخ: 43/20/12

پیوست: یک نفر متهم با 12 برگ

به: ریاست ساواک تهران

درباره: اعزام سید هادی خسروشاهی، فرزند سید مرتضی

پیرو تلگراف شماره 649 - 43/9/12

نامبرده فوق که یکی از محرکین تظاهرات روز 8/12/43 (که مصادف با وفات امام جعفر

ص: 281

1- چون مجموعه اسناد ساواک درباره استاد و فعالیت ها و مبارزات ایشان در داخل و خارج ، به صورت کتاب مستقلی در دو جلد، به زودی در 500 صفحه منتشر خواهد شد، فقط چند نمونه از آن اسناد - و بعضی ها به طور ملخص - جهت اطلاع خوانندگان محترم این کتاب در اینجا نقل می شود.

صادق و روز زد و خورد در مدرسه فیضیه قم) می باشد، همراه با 12 برگ پرونده اعزام گردید. به طوری که از اطلاعیه های موجود در پرونده مشارالیه استنباط می گردد، وی به طور کلی در تحریکات روحانیون از ابتدا در فعالیت بوده و به طوری که گفته می شود نامبرده از نویسندگان نشریه بعثت و انتقام می باشد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت قم : ح . بدیعی

تصویر



ص: 282

در ساعت 10:40 روز 21/12/43 دو نفر زندانی غیرنظامی به نام های :

1. هادی شهرت خسروشاهی، فرزند مرتضی

2. حسین شهرت نبی پور، فرزند حسن

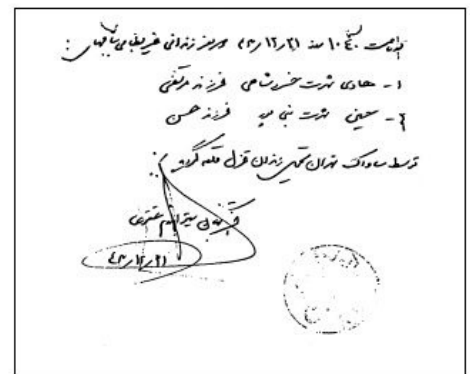
توسط ساواک تهران تحویل زندان قزل قلعه گردید.

افسر نگهبان

ستوان دوم غفوری

43/21/12

تصویر



اعلام وصول دو نفر از دستگیرشدگان در قم که توسط ساواک به زندان قزل قلعه تحویل شدند!

سند شماره 3

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

- خیلی محرمانه -

از: اداره کل سوم 316

شماره: 316/45268

تاریخ: 44/28/9

به: ریاست ساواک استان مرکز

درباره: نشریه بعثت

پیرو شماره های 28222/316 - 7/6/44 و 35080/316 - 44/8/7

خواهشمند است دستور فرمایید از نتیجه اقدامات معموله این اداره کل را آگاه سازند.

مدیر کل اداره سوم - مقدم

سابقه 44/30/9

تصویر



ص: 284

تحقیقات فعلی نشان می دهد که اعلامیه مورد بحث به عنوان نابود باد اسرائیل با امضای دانشجویان حوزه علمیه قم از ناحیه آقای نجفی نبوده و موضوع چاپ اعلامیه خود آقای نجفی که در معروضه شماره 1039/21 - 18/3/46 این ساواک به آن اشاره شده از حدود شایعات تجاوز نکرده و تاکنون اعلامیه مزبور در منطقه این ساواک مشاهده نشده لکن آیت الله سید حسن حجت اظهار داشته که از اعلامیه نجفی به تعداد زیادی در تهران منتشر و حتی به همین مناسبت، ساختمان یکی از فروشگاه های وابسته به کلیمیان در تهران به وسیله مردم آتش زده شده است .

به استحضار می رساند که طبق تحقیقات معموله تاکنون این نتیجه حاصل شده که تهیه اعلامیه نابود باد اسرائیل به وسیله سید هادی خسروشاهی، داماد سید صادق روحانی، و شیخ عبدالرحیم ربانی پلی کپی و منتشر شده و شخصی به نام شیخ نوایی اصفهانی معمم ساکن طبقه دوم مدرسه فیضیه که یکی از عاملین توزیع بوده شناسایی شده که نسبت به دستگیری وی اقدام خواهد شد.

ضمناً مشارالیه از تاریخ پخش اعلامیه تاکنون در قم مشاهده نشده است . با توجه به مفاد امریه شماره 24211 - 316 - 22/3/46 به استحضار می رساند که بازرسی از منزل مشارالیه به نظر ضروری می رسد و در صورتیکه دستگاه پلی کپی از منزل وی کشف گردد، شک و شبهه ای باقی نخواهد ماند، هر نوع مقرر فرمایند اجرا گردد.

رئیس ساواک قم - مهرا

رونوشت برابر اصل است در پرونده 161611

ص: 285

سند شماره 5

نخست وزیر

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

- خیلی محرمانه -

از: اداره کل یکم

شماره: 316/44540

تاریخ: 46/10/4

به: ریاست ساواک قم - خیلی محرمانه -

درباره: سید هادی خسروشاهی

بازگشت 1241/21 - 46/28/3

با پیشنهاد آن ساواک مبنی بر بازرسی منزل نامبرده فوق، موافقت حاصل است. خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به بازرسی منزل وی با انجام تشریفات قانونی در موقعیت مناسب اقدام و نتیجه را اعلام دارند.

مدیر کل اداره سوم - مقدم

رهبر عملیات - صابری

رئیس بخش 316 - باصری نیا

رئیس اداره یکم عملیات - ثابتی

اصل در پرونده 161611

در پرونده سید هادی خسروشاهی بایگانی گردد. 46/10/4

ص: 287

از اداره کل بکم
 شماره
 تاریخ
 پیوست
 شماره استعلام بکم

وزارت آموزش عالی
 معاونت امور دانشجویی
 معاونت تحصیلی و آموزشی
 معاونت فرهنگی و اجتماعی
 معاونت پژوهشی و فناوری
 معاونت ارتباطات و اطلاعیه
 معاونت توسعه مدیریت و منابع
 معاونت هماهنگی امور دانشجویی
 معاونت هماهنگی امور بین المللی
 معاونت هماهنگی امور محلی
 معاونت هماهنگی امور حقوقی و مشاوره
 معاونت هماهنگی امور مالی و اداری
 معاونت هماهنگی امور برنامه ریزی و محاسبه
 معاونت هماهنگی امور رفاهی و ورزشی
 معاونت هماهنگی امور سلامت و ایمنی
 معاونت هماهنگی امور حقوق بشر و حقوق شهروندی
 معاونت هماهنگی امور حقوق معلولین
 معاونت هماهنگی امور حقوق معلولین

در باره: ...
 تاریخ: ۱۳۹۷/۰۳/۲۸
 شماره: ۴۶/۳/۲۸-۲۱/۱۳۹۷

با اینجمله در آن سابقه پیشین در خصوص ...
 موافقت حاصل است خواهشمند است دستور فرمایید
 نسبت به بازرس شدن و به انجام تشریفات لازم
 در خصوص مناسب اقدام و نتیجه را اعلام دارند. هـ

مدیرکل اداره علوم - مقدم

رئیس عملیات - مابری
 رئیس بخش ۳۱۶ - مابری
 رئیس اداره بکم عملیات - مابری

۱۳۹۷/۰۳/۲۸
 ۱۵۸۹۷
 ۴۴۸۰/۰۳
 ۳۱۶
 بایگانی شود
 خلیجی محترم
 ۴۴۸۰

گیرنده: ریاست ساواک استان مرکز تاریخ: 44/13/10

فرستنده: ساواک قم شماره: 2038/ق م

شماره عطف: 16412/20 الف - 44/5/7

پیوست: به شرح نامه

موضوع: سید هادی خسروشاهی، فرزند سید مرتضی

1- سید هادی خسروشاهی به طور کلی فعالیت گذشته را ندارد ولی اصولاً در جهت مخالف است. در حال حاضر تمایل بیشتری به خمینی دارد و با آیت الله شریعتمداری روابط خوبی ندارد و آقای شریعتمداری در باطن از وی ناراضی و ناراحت است، حتی اینکه گفته شده نامبرده از نویسندگان نشریه بعثت و انتقام است مبتنی بر اطلاعی است که یکی از نزدیکان آیت الله شریعتمداری داده است ولی دلیل و مدرکی ارائه نشده است و تاکنون هم اطلاعات بیشتری که مؤید صحت اظهارات مزبور باشد به دست نیامده است.

2- به قراری که گفته می شود چند نفری که گرداننده نشریات بعثت و انتقام هستند، قسم خورده اند که حافظ اسرار نشریات مزبور باشند و پخش آن ها هم یا وسیله پست است که جمع آوری می شود یا اینکه شبانه و دیروقت هنگامی که طلاب در خواب هستند به حجره آن ها انداخته می شود.

3- ارتباط سید هادی خسروشاهی با نهضت آزادی ایران مبتنی بر اطلاعیه 12785/312 - 20/3/40 مرکز می باشد و در قم جمعیت مزبور سازمان صحیحی ندارد و فعالیتی به نام جمعیت مزبور دیده نشده است.

4- تألیفات جدید وی یکی (کتاب مسلمانان هند و کشمیر) است که به پیوست ایفاد می گردد و دیگری به نام (امام علی) است که ترجمه مشارالیه می باشد. این کتاب به وسیله چاپخانه فراهانی در تهران، بازار بین الحرمین به چاپ رسیده است.

5- از ارتباط وی با نشریات، اطلاعی در دست نیست و در حال حاضر هم فعالیت مخالفی ندارد، ولی بطور کلی روحاً مخالف با سازمان های اداری است

6- ارتباط وی با جمعیت اخوان المسلمین مبتنی بر اطلاعیه 49511/3 الف - 38/18/12 می باشد که در آن متذکر شده اند سید هادی خسروشاهی اداره کننده مجله مکتب اسلام است که این مجله از انتشارات جمعیت اخوان المسلمین سوریه است. (1) در صورتیکه صاحب امتیاز

مجله درس هایی از مکتب اسلام، ناصر مکارم است و سید هادی خسروشاهی بعضی اوقات مقالاتی در مجله مزبور می نویسد و دلیلی که مجله مزبور وابسته به جمعیت اخوان المسلمین باشد به دست نیامده است .

7- از شرکت انتشار در قم سابقه ای نیست .

8- در ماه های اخیر در قم کتاب جدیدی از انتشارات مهندس مهدی بازرگان یا سران نهضت آزادی منتشر نشده است

ص: 290

1- نوع اطلاعات و گزارش های ساواک جالب است... «مکتب اسلام» قم، گویا به عقیده ساواک، از انتشارات جمعیت اخوان المسلمین سوریه!! است.

- خیلی محرمانه -

- خیلی فوری -

از: اداره کل سوم

شماره: 316/28222

تاریخ: 44/7/6

به: ریاست ساواک استان مرکز

درباره: سید هادی خسروشاهی، فرزند مرتضی

بازگشت به شماره 1226/20 الف - 44/17/1

اخیراً اطلاعی واصل گردیده که نامبرده بالا، واسطه مستقیم امور انتشارات نهضت آزادی ایران است و نویسندگان نهضت آزادی، بیشتر نوشته های خود را به وسیله او در تهران و قم به چاپ می رسانند. وی تاکنون چند جلد کتاب به قلم مهندس مهدی بازرگان، به نام او در قم و تهران به چاپ رسانیده و همچنین علاوه گردیده که مشارالیه واسطه اخذ مقالات مربوط به نهضت آزادی و رسانیدن آن به محل چاپ یا پلی کپی اینگونه نشریات است و با شرکت انتشار واقع در خیابان باب همایون سرای صبا هم ارتباط دارد.

با توجه به اینکه قبلاً آن ساواک ضمن نامه شماره 27174/20 الف مورخه 22/12/43 وی را از نویسندگان نشریه بعثت و انتقام و همچنین محرک در فعالیت های روحانیون شناخته و به موجب ضمائم همین نامه، طلبه مذکور را رابط بین روحانیون مخالف و دریافت کننده اعلامیه ها و داشتن همکاری با جمعیت اخوان المسلمین مصر و اخذ کننده تلگرافات چاپ شده علمای قم از چاپخانه ها و داشتن ارتباط

خیلی نوری

اداره کل مطبوعات - تهران
 شماره ثبت: ۳۲۴۲۸۰۰۰۰۰
 تاریخ: ۱۳۵۴
 پست: ۱۹۱
 شماره چاپخانه: ۱۳۵۴/۱۲۲۶ - تلف: ۴۴۱/۱۱۶

سازمان اطلاعات و ارتباطات
خیلی نوری
 دبیر: ... محمد هادی خیرشاهی - تهران

بازگشت به شماره ۱۳۲۶ / ۰ - تلف: ۴۴۱/۱۱۶

اخیراً «اطلاعی» واصل گردید که تا سرحد بالا واسطه مستقیم امور انتشارات
 نهج آزادی ایران است و پیوندگان نهج آزادی بیشتر نوشته های خود را
 بواسطه اود رتوران رقم بچاپ میرسانند - وی تاکنون چند جلد کتاب ب نام مهتدس
 مهدی بازرگان بنام اود رقم بچاپ رسانیده و همچنین علاوه بر آن به
 که مشارالیه واسطه اخذ مقالات مربوط به نهج آزادی رسانیده آن به
 چاپ باقی کسی اینگونه نشریات است با حرکت انتشار واقع در میان باب همین
 برای همایون اربابان دارد .

با توجه ب اینکه قبلاً آن ساواک ضمن نامه شماره ۲۲۱۷۴ / ۰ بلسان سرعه
 ۳ / ۱۲ / ۴۴ بوی را از پیوندگان نشریه بهشت و نظام و همچنین معرفی در فعالیتهای
 روحانیین شناخته بمرحوب تمام ضمن نامه طلبه مذکور را بک بین روحانیین
 مخالف و دریافت کننده اطلاعیه ها و اشنه همکاری با جمعیت احرار المسلمین مصر
 و گذر کند و تگرات چاپ شده طای فر از چاپخانه ها و اشنه ارنه

خیلی محترمانه
 ۱۳۵۴/۸

سازمان اطلاعات و امنیت کشور - ساواک - دارای بولتن های خبری گونه گونی بود که برای هدف هایی خاص و با طبقه بندی های محرمانه ، سرّی و... تهیه می شد و در دسترس ادارات و یا اشخاص مورد نظر قرار می گرفت .

از جمله این بولتن ها، بولتن نوبه ای ساواک تحت عنوان «روحانیون»، «روحانیون و قشریون مذهبی و گروه های برانداز مذهبی» و «روحانیون و گروه های افراطی مذهبی» بود که هر سه ماه یک بار، و سپس هر شش ماه یک بار منتشر می گردید.

نخستین شماره این بولتن های سرّی ، که در تاریخ 25/3/50 منتشر شد، شامل حوادث سه ماهه اوّل سال 1350 و آخرین آن ها که در بردارنده حوادث شش ماهه اوّل سال 1357 بود، در تاریخ 8/7/57 انتشار یافت .

البته گزارش ها و مدارک باقیمانده از ساواک درباره روحانیون ، تنها در این سری از بولتن ها نیامده ، بلکه گزارش ها و اسناد فراوان دیگری نیز درباره مبارزات روحانیت ، بازداشت ها، تبعیدها، شهادت ها، شایعه پراکنی ها، مخدوش کردن چهره های برجسته روحانی ، جریان سازی ها و طراحی توطئه ها وجود دارد که با گذشت بیش از سی سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ، هنوز در اختیار عموم و یا علاقه مندان به مسائل تاریخ معاصر قرار نگرفته ، در حالی که این اسناد و مدارک و گزارش ها، در واقع مربوط به عموم مردم ایران است و ضرورت آشنایی با ماهیت رژیم شاهنشاهی و شناخت چگونگی مبارزات روحانیت ایجاب می کند که همه آن ها حداقل در اختیار مورّخین صاحب نظر معاصر قرار گیرد تا در تکمیل آنچه نوشته اند و یا می نویسند، با بصیرت بیشتری اقدام کنند.

اخیراً دفتر ادبیات انقلاب اسلامی - وابسته به حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ایران - با چاپ کتاب ساواک و روحانیت ، مجموعه ای از این بولتن ها را در اختیار همگان قرار داده که در این جا، بولتن ویژه مورخ 14/4/57 را که درباره روحانیون تبعیدی است و سپهد مقدم آن را به اطلاع شاه رسانده ، نقل می کنیم .

در این بولتن، ساواک فعالیت و تأثیر اقدامات روحانیون تبعیدی را به درجه اول و دوم طبقه بندی کرده، و گروه اول را طرفداران جدی خمینی معرفی نموده که از نظر ساواک، عامل اصلی تحریکات بوده اند و نظم و امنیت منطقه را به خطر انداخته اند.

مطالعه گزارش سه برگه ای ساواک و مشاهده اسامی روحانیون تبعیدی، بی شک برای خوانندگان جالب خواهد بود.

در مورد آخرین بولتن که در برگزیده اسامی روحانیون و علمای تبعیدی است، یادآوری دو نکته بی مناسبت نیست:

اول اینکه نام آیت الله سید مرتضی پسندیده، برادر بزرگ حضرت امام (قدس سره)، در فهرست اسامی به چشم نمی خورد. شاید مأمورین ساواک از گزارش اینکه پیرمرد هشتاد و پنج ساله ای را به انارک یزد تبعید نموده اند، خود شرم کرده اند!

نکته دوم آنکه ساواک، شغل و موقعیت علمی همه روحانیون، علما و اساتید تبعیدی حوزه های علمیه را وعظ دانسته و همه را واعظ! معرفی کرده است، تا اعلی حضرت! در تخیل خود چنین تصور کند که فقط بعضی از وعاظ با رژیم وی مخالفت دارند!

شاید به همین دلیل بود که در مصاحبه اش با اولیویه وارن خبرنگار فرانسوی، در مورد مَلاها گفت: «امروز فکر نمی کنم که واقعاً بتوان از گرفتاری در مورد مَلاها صحبت کرد.

س) در مورد آیت الله خمینی چطور؟

ج) او را مخصوصاً به عراق تبعید کرده ایم!

س) آیا هیچ بخشی از روحانیت ایران، پشت سر او نیست؟

ج) نه، در اینجا هیچ کس با او کاری ندارد، به جز تروریست ها و یا افراد به اصطلاح مارکسیست اسلامی که گاهی نام او را به زبان می آورند، فقط همین (1).

ص: 295

1- متن کامل مصاحبه شاه با «وارن» در کتاب وی به نام شیر و خورشید، صص 161 - 159 (تهران، امیرکبیر) نقل شده است.

بیماری خود بزرگ بینی و نادانی، آن چنان شاه را مغرور ساخته بود که حتی به گزارش ناقص ساواک خود نیز توجه نداشته که حداقل گروه اول از روحانیون تبعیدی را طرفداران جدی خمینی، معرفی کرده است!

و البته هر شخص آشنا با الفبای مسائل ایران، به خوبی می داند هواداران امام(قدس سره) هرگز منحصر در گروه معدودی نبودند، اما شاه از لجاجتی شاهانه خود دست بر نمی دارد و در پاسخ به تاریخ خود!، می نویسد:

میل ندارم از کسی نام ببرم و فقط می خواهم عقیده ام را بگویم که بسیاری از «ملاها»، با «عالی جناب قم»، هم عقیده نیستند... (1).

به هر حال، مطالب بولتن و اسامی تبعیدشدگان را که عیناً نقل می شود، در ادامه می خوانید: (2).

ص: 296

1- محمد رضا پهلوی، ترجمه دکتر حسین ابوترابیان، پاسخ به تاریخ، ص 235.

2- فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر، صاحب امتیاز و مدیر مسؤول، سید هادی خسروشاهی، شماره 6 و 7، صص 392 - 390. متن کامل مطالب این بولتن، در مجموعه اسناد ساواک درباره استاد آمده است. علاقه مندان به آن کتاب و یا به فصلنامه مراجعه نمایند.

سری

- 1 -

نخست وزیر

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

امنیت داخلی

شماره: 4157/312 تاریخ: 37/14/4

بولتن: ویژه

درباره: روحانیون و وعظ تبعیدی به نقاط مختلف کشور

این بولتن شامل 2 برگ است.

از شرف عرض پیشگاه مبارک شاهنشاه آریا مهر گذشت.

ملاحظه فرمودند.

سپهبد مقدم (امضا)

2537/14/4

تصویر



ص: 297

در قم و برخی دیگر از نقاط کشور، متعاقب حوادث اخلاص گرانه که در یک سال اخیر به وقوع پیوست و منجر به کشته شدن چند تن از اخلاص گران گردید، افراطیون مذهبی، به ویژه طرفداران روح الله خمینی با دامن زدن به احساسات مذهبی مردم، تلاش هایی در جهت استمرار فعالیت های اخلاص گرانه و بهره گیری از این فعالیت ها به منظور کشاندن سایر قشرهای اجتماعی به سوی این گونه فعالیت ها معمول داشتند.

در نتیجه این تلاش ها که تقریباً جنبه مستمر داشته، حوادث اخلاص گرانه فوق در چهلمین روز کشته شدگان حوادث اخلاص گرانه دی ماه سال 1366 (1) قم، در شهر

تبریز و در پی آن در شهرهای یزد، جهرم و اهواز و مجدداً روزهای 19 و 20/2/37، در شهر قم تکرار گردید.

این فعالیت ها در 15 خرداد و متعاقب آن در 27/3/37 (چهلمین روز کشته شدگان حوادث قم) به صورت تعطیل بازار و مغازه های تعدادی از شهرهای کشور تجلی یافت.

در فاصله زمانی مذکور، تعداد 63 نفر از روحانیون اخلاص گر و افراطیون مذهبی که به نحوی در این فعالیت ها دخالت داشتند، طبق آرای کمیسیون های امنیت اجتماعی به محکومیت هایی از یک تا سه سال اقامت اجباری در مناطق دیگر کشور محکوم گردیده اند و آرای کمیسیون های مذکور در مورد آن ها به مورد اجرا گذارده شده است. تبعید عناصر مذکور، همواره وسیله و مستمسکی برای تبلیغات انحرافی عناصر و گروه های مخالف بوده است.

از طرفی، فعالیت های اخلاص گرانه عناصر تبعیدی فوق از لحاظ شدت و کیفیت، به یک درجه و نسبت نبوده است. لذا افراد مورد بحث، بر حسب سابقه و شدت فعالیت ها، در دو گروه جداگانه به شرح لیست پیوست، طبقه بندی شده اند.

ص: 298

1- منظور از تاریخ 2536، تاریخ شاهنشاهی است! که درستش 1356 است.

تصویر

-۲-

در تم ویرمی، پکار زینطاق گنور متعاقب حوادث اخلاک‌گرا نه که در ریگسال اخیر موقوف
بپوست و شجره کشته شد ن چند تن را اخلاک‌گرا نگره به «افراطین مذ هبسی»
بهیژه طرف ارا ن روح اله عیبی باد امنرد نه با احساسات مذ هبسی مرد م، تلاشهایی
در رحبت استنار فعالیتها را اخلاک‌گرا نه و پپوره گوی از این فعالیتها بنظور کتاند ن
سایر کتراهای اجنامی بسوی یکونه فعالیتها معمولد اشندد .

در نتیجه این تلاشها که تقریبا جنبه مستمر داشته ه حوادث اخلاک‌گرا نه قسوق
در چهلین روز کشته شد گان حوادث اخلاک‌گرا نه د بهاء سال ۳۶ تم د رشبهر
شهرورد ریسی آن د رشبهرهای یوزد ه جهرم واهوارومسد د اریزهای ۹۱ و ۲۰/۲۷
در شبهر تم نکرار کرد به .

این فعالیتها در ۱ خرداد ویداماقب آن د ر ۲۷/۳/۲۷ [چهلیمسوق
کشته شد گان حوادث تم] بصورت تعطیل بازار و سازه های تمداد و ازشهرهای
کتور شجلی بافت .

در فاصله زمانی مذ کور تمداد ۳ و نهار از رومانین (اخلاک‌گرا نرا طوقن مذ هبسی که
بنحود ران فعالیتها د حالت د اشندد طبق آرا* کمسیونهای امنیت اجنامی
به مسکونیتها اشی از یک نامه سالانیت اچارید رنا طوقن بگر کتور مسکوقوم
کرد به داند و آرا* کمسیونهای مذ کور رنرد آنها بمرود اچارا* گد ارد ه شد ه است .
شیمید عامر مذ کور همواره وسیله وسنکی برای تبلیغات انحرافی هتا مسوق
کروههای مخالف بوده ه است . از طرفی فعالیتها را اخلاک‌گرا نه عامر ترمیمه دوقون
از لحاظ شدت و کیفیت به یک د رجه ونسبت نبرده ه است، لذ افراد مورد بحبت
برحسب ساقه و شدت فعالیتها د ر دگر و به جد اگاه بشرح لیست پیوست
طبق بندی شد هاند .

نظریه / . . .

تصویر

عناصری که فعالیت های آن ها علیه امنیت منطقه ، درجه 1 تشخیص داده شده ، کسانی می باشند که از طرفداران جدی خمینی و افراطیون مذهبی بوده و در مساجد و منابر، یا از طریق صدور اعلامیه و یا به طریق دیگر، مردم را علیه نظم و امنیت منطقه تحریک نموده و حوادثی به وجود آورده اند.

کسانی که درجه 2 تشخیص داده شده اند، افرادی می باشند که در منابر، مطالب نامناسبی در تأیید تلویحی از خمینی بیان نموده و یا از برخی مسائل مملکتی انتقاداتی کرده اند که عمل آن ها تحریک آمیز تلقی شده است ، ولی اعمال آن ها به شدت اعمال عناصر درجه 1 نبوده است .

مراتب ، جهت استحضار، از شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می گذرد.

از شرف عرض پیشگاه مبارک شاهنشاه آریا مهر گذشت.

ملاحظه فرمودند. سپهبد مقدم (امضا)

.14/4/2537

ص: 300

سیری

-۳-

نظریه:

عناصری که نمائندگیهای آنها طبعاً امنیت منطقه در وجه و تشخیص داده شد و کسانی میباشد که از طرفه ازان چند یغمتی و اقرا طومین مذ هسی بود و در رسا چد و بنا برنا از طریق صد ورا علامه ویا بطرفه د بگرمرد م راعلیه نظم و امنیت منطقه تحریک نموده وحوادث بی وجود آورد هاند .

کسانی که در وجه و تشخیص داده شد هاند افراد ی میباشد که در رسا بر مصادیب نامناسبی در رسانید تلویحی از عمتی بیان نموده ویا از برخی مسائل مسلکتهی انتقاد اسی کرد هاند که عمل آنها تحریک آمیز تلقی شده هاست ولی اعمال آنها بشدت اعمال ماضیه در وجه و نبوده است .

مراتب جهت استحضار از شرف عرض بهشگاه مبارک ملوکاته میگذرد .



 سیری

پیوست شماره یک

فهرست اسامی عناصر تبعیدی که فعالیت و تأثیر اقدامات آنان درجه اول بوده است .

تصویر

سری				
فهرست اسامی عناصر تبعیدی که فعالیت و تأثیر اقدامات آنان درجه اول بوده است				
ردیف	اسم	شمسرت	شغل	مدت تبعید
۱	عماد	شعبی	وکیل	۳ سال
۲	سید جهان و	عسوقی	وکیل	۳ سال
۳	سید احمد	گلشن	وکیل	۳ سال
۴	محمد صادق	صادق کوی	وکیل	۳ سال
۵	سید مرتضی	فیضی	وکیل	۳ سال
۶	محمد رحیم	ریاضی شماری	وکیل	۳ سال
۷	محمد علی	گراسی	وکیل	۳ سال
۸	حسن	نوری (نوری هند آس)	وکیل	۳ سال
۹	محمد عواد	دجانی گریانی	وکیل	۳ سال
۱۰	محمد	سزوی	وکیل	۳ سال
۱۱	محمد الهمید	محمد عواد	وکیل	۳ سال
۱۲	اموالی	خرطی	وکیل	۳ سال
۱۳	شیرین گل	گلایم	وکیل	۳ سال
۱۴	سید	صادقی	وکیل	۳ سال
۱۵	چراغی	شمسگاری	وکیل	۳ سال
۱۶	کاظم	زاده بوزیدی	وکیل	۳ سال
۱۷	حسن	بهرمنگاری	وکیل	۳ سال
۱۸	عبدالله	محمودی	وکیل	۳ سال

سری

۱۹	طن محمد	د ستغیب	واضع	۳ سال	سبز
۲۰	طن اسفر	د ستغیب	واضع	۳ سال	سراوان
۲۱	طنی	مشا زاده د میرانی	د بهر	۳ سال	رامهریز
۲۲	طنی	مراد عالی ارنگه ای	واضع	۳ سال	انارک
۲۳	سید طنی	عانه ای	واضع	۳ سال	ایرانشهر
۲۴	حسین	صنادی	واضع	۳ سال	چابهار
۲۵	محمد تقی	حالی د اسماعیلی	واضع	۳ سال	سردخت
۲۶	حسن	ایمانی	واضع	۳ سال	میوان
۲۷	شکرال	طاهری	واضع	۳ سال	سردخت
۲۸	د مراد بن	رحیمی	واضع	۳ سال	ایرانشهر
۲۹	محمد سیدی	روشن موسوند	واضع	۳ سال	زابل
۳۰	حسین	آضادی	واضع	۳ سال	چابهار
۳۱	رمضانعلی	چنتی رشوی	واضع	۳ سال	مهاباد
۳۲	کاظم	نورمحمدی	واضع	۴ سال	میوان
۳۳	مرتضی	ناظم زاده زمردی	کاتب	۱ سال	سبزجان

سری

فهرست اسامی عناصر تبعیدی که فعالیت و تأثیر اقدامات آنان، درجه دوم بوده است.

تصویر

سری					
پیوست شماره دو					
فهرست اسامی عناصر تبعیدی که فعالیت و تأثیر اقدامات آنان درجه دوم بوده است					
ردیف	اسم	شهرت	شغل	مدت تبعید	محل تبعید
۱	حسین	سلیمان	خرازی فروش	۳ سال	تربت جام
۲	قاسم	دغلی	بازرگان	۳ سال	تویسرکان
۳	ناصر	کارم شکاری	واظ	۳ سال	انارک
۴	ملا حسین	غره مند	فروش فروش	۳ سال	غوی
۵	محمد مهدی	ربانی رانکوهی	واظ	۳ سال	رود سر
۶	محمد مهدی	گربا سچی تبرانی	واظ	۳ سال	انارک
۷	هادی	پارک بن	واظ	۱۸ ماه	سردشت
۸	سید توری	آصف آگاه	واظ	۱۸ ماه	دره گز
۹	یحیی	تزیلی	واسطه معاملات	۱ سال	پاره
۱۰	حبیب اله	طاهری	واظ	۱۸ ماه	باسوج
۱۱	محمد رضا	اصفهان	واظ	۳ سال	کرج
۱۲	علی اکبر	شمس	زرگر	۳ سال	بهباز
۱۳	محمد	مشاوره و مبرای	د سر	۳ سال	مشکین شهر
۱۴	مظفر	شخصی د ی	کارمند	۳ سال	گنبد کاووس
۱۵	عاص	پورمحمد باهنرکی	واظ	۳ سال	زاسل
۱۶	محمد	احمدی فروتانی	واظ	۳ سال	سقز
۱۷	جلال	طاهری حسین آبادی	واظ	۳ سال	سها باد

سری

سمری			
۱۸	جلیل	مطهری	واصف ۱ سال
۱۹	شیب‌الدین	حسینی	واصف ۲ سال
۲۰	فاصل	حسینی و کاله	واصف ۱ سال
۲۱	حسین	عند لیب زاده	واصف ۱ سال
۲۲	میشس	صباح حسینی	واصف ۱ سال
۲۳	احمد	زبان گوهانی	واصف ۱ سال
۲۴	محمد طی	حیدری	واصف ۱ سال
۲۵	رضا	خانی	مؤاز و فروز ۱ سال
۲۶	محمد طی	موسویان	واصف ۱ سال
۲۷	عبدالرزاق	زین‌الدین	واصف ۳ سال
۲۸	ناش‌آله	کریمی	واصف ۳ سال
۲۹	محمد	رائسی	واصف ۱ سال
۳۰	علی‌اسغر	معموسی	واصف ۱ سال

سمری

موضوع: ملاقات چند نفر از روحانیون با آیت الله خمینی(1)

روز چهارشنبه 47/7/1 ساعت 10:30 صبح، سید هادی خسروشاهی، فخرالدین حجازی، شیخ هادی امینی و شخصی به نام فواکھی (فاکھی) با آیت الله خمینی در منزلش ملاقات و ضمن مذاکرات معموله پیرامون سیاست دولت ایران و اقدامات به عمل آمده علیه این سیاست، نامبردگان از خمینی سؤال نموده اند به وسیله چه کسی می توانند از ایران پول برای خمینی بفرستند و خمینی پاسخ داده است توسط محمد صادق لواسانی ساکن تهران می توانند حواله نمایند. این ملاقات مدت یک ساعت به طول انجامیده است.

ملاحظات:

اشخاص مورد بحث در مراسم حج شرکت و از طریق مکه به نجف وارد شده اند، ضمناً نسبت به تعیین این که نامبردگان چه مطالبی پیرامون سیاست دولت ایران ایراد نموده اند، اقدام شده است. شبرنگ

رونوشت برابر اصل است. اصل در پرونده 67908 می باشد.

در پرونده فخرالدین حجازی بایگانی. 47/2/2

تصویر



ص: 306

... در اینجا فقط چند نمونه از نامه های واصله از مراجع عظام و اساتید و بزرگان درج می شود و چند صد نامه دیگر، در کتاب مستقلی تحت عنوان : نامه ها، چاپ خواهد شد.

نامه هایی از امام خمینی (ره) :

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب مروج الاحکام و ثقه الاسلام آقای آقا سید هادی خسروشاهی دامت افاضاته

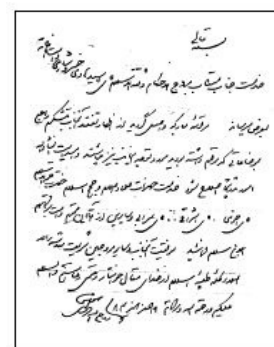
به عرض می رساند مرقومه مبارکه واصل گردید، از اظهار تقدیر آنجناب متشکرم، راجع به موضوعاتی که مرقوم داشته بودید، مورد توجه اینجانب نیز می باشند و امید است انشاءالله امور تدریجاً اصلاح شود. خدمت حضرات علماء اعلام و حجج اسلام حضرت حجه الاسلام آقای اخوی، آقای اشراقی، آقای سرابی و سایرین از آقایان محترم دامت برکاتهم ابلاغ سلام نمایید. موفقیت آنجناب و سایر مروجین شریعت مقدسه را در اعلاء کلمه طیبه اسلام از خدای متعال خواستار و ملتمس دعا هستیم.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته .

19 صفر المظفر 84

روح الله الموسوی الخمينی

تصویر



خدمت جناب مستطاب سید الاعلام وثقه الاسلام آقای آقا سید هادی خسروشاهی دامت افاضاته

به عرض می رساند مرقوم محترم که حاوی تفقد آنجناب بود موجب تشکر گردید، از گرفتاری تجار محترمی که مرقوم داشته بودید، متأثر شدم و از خدای متعال رفع گرفتاری آنان و اصلاح امور عموم مسلمانان جهان را مسئلت دارم. و جنابعالی کوشش نمایید در این موقعیت از اختلاف کلمه آقایان محترم که مرقوم فرموده بودید، به هر نحو صلاح می دانید جلوگیری فرمایید که وسیله ای برای پیشرفت مقاصد شوم دشمنان اسلام خدای نخواستہ فراهم نشود و انشاءالله با اتحاد کلمه، مشکلات موجود را برطرف نماییم. دوام توفیقات آنجناب را در خدمت به دیانت مقدسه خواستار و ملتمس دعا هستم، والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته .

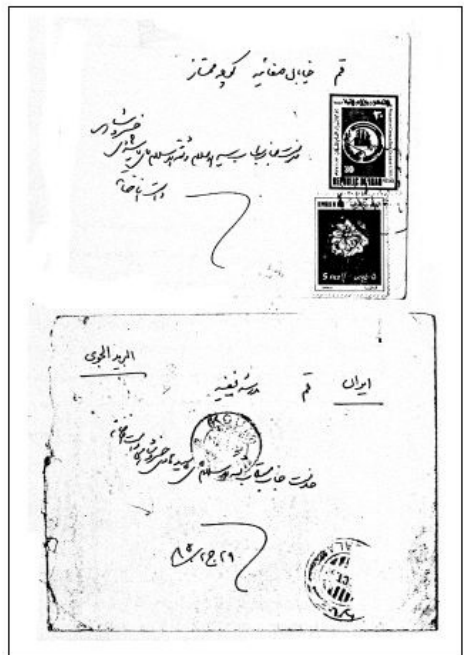
به تاریخ 28 ربیع المولود 84

ممکن است در آنجا صاحبان اغراض نسبت هایی به حقیر له یا علیه بدهند، بنده در این میدان ها داخل نیستم .

روح الله الموسوی الخمینی

تصویر





تصویر پاکت نامه های حضرت امام خمینی از نجف اشرف

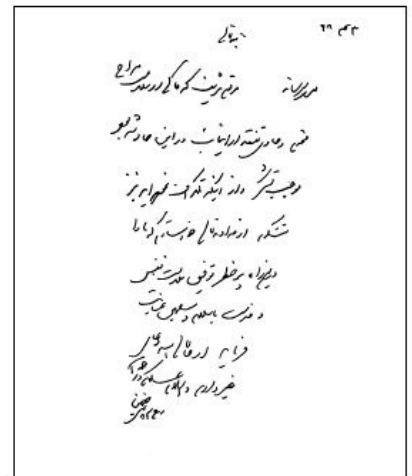
- نامه ها در صفحات پیشین نقل شده است -

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم و حاوی تفقد از اینجانب در این حادثه بود، موجب تشکر و از اینکه تلگراف نموده اید نیز متشکرم. از خداوند تعالی خواستارم که ما را در این راه پرخطر، توفیق سلامت نفس و خدمت به اسلام و مسلمین عنایت فرماید، از جنابعالی امید دعای خیر دارم، والسلام علیکم ورحمه الله .

روح الله الموسوی الخمینی

تصویر



ص: 310

حکم امام خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجّت الاسلام، آقای سید هادی خسروشاهی (دامت افاضاته)

با توجه به سوابقی که جناب عالی در امر تبلیغات و مطبوعات دارید، به نمایندگی از طرف اینجانب در وزارت ارشاد ملی در قسمت مطبوعات و تبلیغات داخلی و خارجی و دایره روابط بین المللی اسلامی به وظیفه اسلامی و ملی خویش به بهترین وجه عمل نمایید.

از کارمندان محترم وزارت ارشاد می خواهم تا با ایشان همکاری های لازم را بنمایند. توفیق جناب عالی را از خداوند متعال خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی

58/23/9

تصویر



ص: 311



نامه آیت الله خوئی ، به تاریخ 28 صفر 1382ق ، نجف

سید آیت الله
 قلم
 ۹۳
 ۲۳
 محبت و درود بر سر من از رحمت بزرگ و موصوفه بزرگ رسیدن به توفیق
 درج ۱۰۰ در پیشگاه موقر شوم سرسریک و توفیق گویانم این است که به
 دعوت و توفیق اعلیٰ و در حقیقت در دعوت حضرت توفیق و توفیق بزرگ
 جرات و در دعوت به کار و یک بعد مراد هم در حقیقت به توفیق آید
 همزمان دعوت طهارت عرض نمودم و توفیق توفیق همزمان با توفیق
 به توفیق توفیق در توفیق در توفیق در توفیق در توفیق در توفیق
 و طبع در توفیق و توفیق توفیق در توفیق در توفیق در توفیق
 و توفیق توفیق توفیق توفیق توفیق توفیق توفیق توفیق توفیق
 و توفیق توفیق توفیق توفیق توفیق توفیق توفیق توفیق توفیق

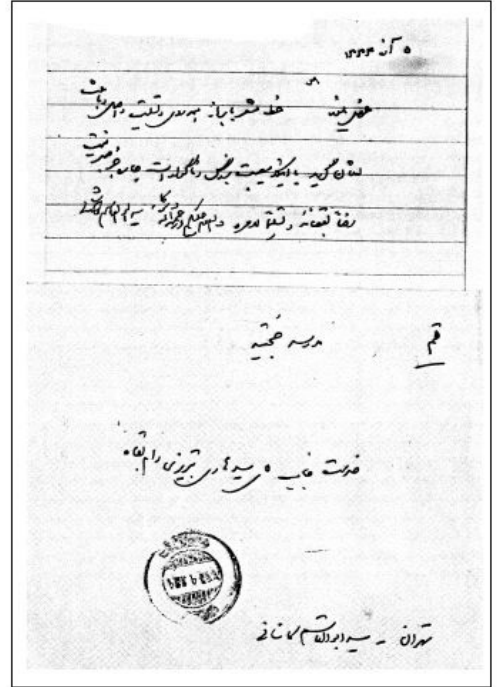
نامه آیت الله میلانی ، به تاریخ 23/3/1386 هـ، مشهد



نامه دیگری از آیت الله میلانی ، مشهد



نامه سوم از آیت الله میلانی ، مشهد



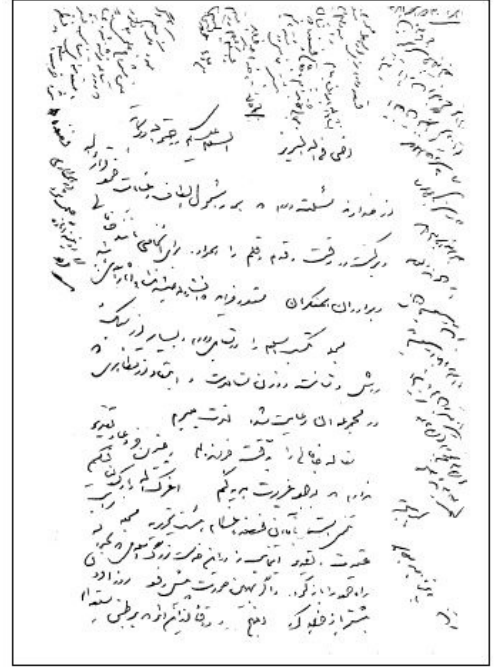
نامه آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی به تاریخ 5 آذر 1334، تهران



نامه مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای ، به تاریخ 30 رمضان 1377ق ، مشهد، خطاب به استاد خسرو شاهی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 خدیو شتاب بجز اولاد سلیمان و سید صافی سرزده ای
 من بعدم سهم و کت نامت عزت آنرا بجای که شتر است
 بنامت دولت خدیو سعید آید آید انظری و عرضی - تم - بود و در جیب
 کت که گوید ایست بر است بیس اینها از این مسلمانان هم دم
 در ایران سخن اسلام و در جوانان و علم مجاهدان که امن در صفات این
 در و در سلیمان و صفات ایران در ایالتی اطلاع فرماید سلامتی و رفعت بیشتر
 بجای و علم آنان هم در اوضاع و احوال بزرگ است می نامیم و السلام علیکم و علی آباء
 ۳۹/۱/۹ تم مؤلفان

نامه آیت الله حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی از مراجع عظام تقلید، قم



نامه علامه شیخ محمد تقی قمی از قاهره ، به تاریخ 30 ذی الحجه 1381ق

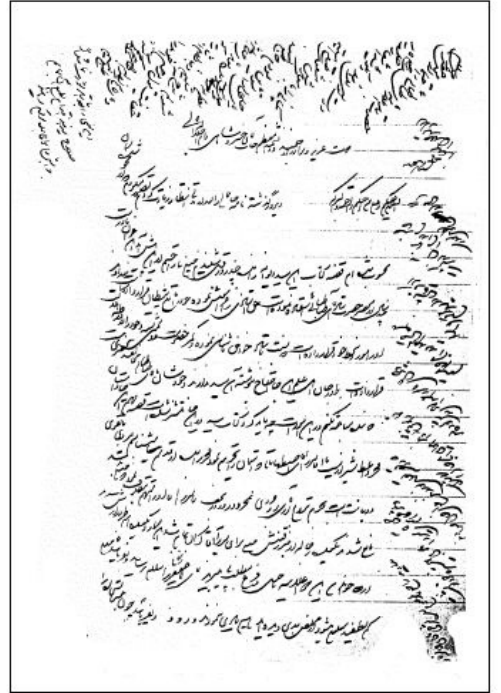


صفحه اول از نامه امام موسی صدر، لبنان - بیروت

متن کامل این نامه در مجله «تاریخ و فرهنگ معاصر» ویژه نامه امام موسی صدر و کتاب «خاطرات مستند درباره امام موسی صدر» چاپ شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم
 فضيلة الاخ لهديته ايمونا ذلبي عادي عسود مشاهير دام فضله
 الصوم عليكم ورحمة الله وبركاته ، ان شاء الله ان يحفظكم
 ويرعاكم ، وبعد فقد ابدت رغبة كريمة في ترجمة كتابه الفاضل
 الكتيب - دراسة عن مشيخة طرزة كتيب - ارجال الدولارات)
 باللغة الفارسية وطبعت ونشره من قبل مركز البحوث
 الاسلامية في مدينة قم المقدسة .
 يصدق ان ادانت مع هذه الكريمة الكريمة المشاهير
 مدينة الترجمة ومراجعة الكتاب من سلامة العلية والجمالية ،
 والعناية بالخراج الفيزيائي ، والمرونة في اتمام الترجمة وتلافي
 شكرة معزخ لهوية فكره مشاهير جهده . سائما له انه ان
 سيد خطاه وجميع المنصب في خدمة الدين وذهب أهل البيت
 سلام الله عليهم ، والسلام على ربه ورحمة الله وبركاته .
 ١٣٩٨/٨/١٤ هـ - محمد مهدي شمس الدين

نامه ای از آیت الله شیخ محمد مهدی شمس الدین ، بیروت، به تاریخ 12/1/1398ق



نامه ای از فیلسوف معاصر جلال الدین آشتیانی ، نجف

با سرعاً لى
 برادران شهیدان و شهادت و شرفی هم بر شما در محدودت . نامه بود و نام
 بیست و هفت نفران میان ما رسید . از همگی که با آیت ای جی هاشمی فرموده و در پی
 فرزند ششم و امید دارم با اهتمام بسیار آن چنانی و قدرت آید . شرفی
 فرزند ای این شهید دارم و فرزند . نامه این شهید بر آن بیست و هفت نفر
 فرزند من است .
 در مورد آنوقت به زمین الهی که از دست من رسیده و بخت است و به جای
 بر روی زمین بر این زمین است که اگر من آنجا باشم تا چه اندازه از دست
 برای خداست . بدون شک در این دو روزی توان خود را
 و با تمام من در این است که آیا من است در آن بیست و هفت نفر است
 نیز و باقی معادل من که در ایران ایجا من همه هست و در
 هم فرزند و هم آت و ای را که برای آن است که ای من که ای من
 آت ای همه که از فاجعه ای من است و در آن ای من که ای من
 ای من و ای من ای من ای من ای من ای من ای من ای من ای من
 نیز میاد که اگر من بر این دنیا در هر هست من است با ای من از
 او است و ای من ای من ای من ای من ای من ای من ای من ای من
 به این شرفی من است . ای من ای من ای من ای من ای من ای من
 و ای من ای من ای من ای من ای من ای من ای من ای من ای من
 به حال ای من ای من ای من ای من ای من ای من ای من ای من
 ای من ای من ای من ای من ای من ای من ای من ای من ای من

نامه ای از آیت الله شهید سید محمد حسینی بهشتی - هامبورگ

همانطور که ملاحظه می‌نمایید، نام سردار در این نسخه امده است. آنچه خوانده‌ام
 از این نسخه را همین‌گونه آنرا یک بار خوانم که می‌بینم که باید در آن
 باشد تا جای که در آن آفت‌نویس کرده که با وقت بیست و نه از آن
 خواهد بود که پس از آنکه های که برای حاکم در آن نسخه است. اما آن
 صبر خواهد داشت. حاکم است. معلوم است همانطور که می‌بینم در هر
 فعلی است. داشته است. از این تا آخر تمام تمام نام و کلام
 دیگر در آن نسخه از کار می‌رود. با داشته است.
 در وقت آنکه عازم تشریف می‌رود. امید دارم با جهت و تشریح
 شما فرمایید که آن هر چه زودتر تهیه و ارسال شود. از آنجا که
 در آن نسخه در هر دو نسخه آن است. در آنجا که در هر دو نسخه آن است
 فرستادم. امید دارم آن را در روزی در راهی که با فرمای الهی باشد
 خواهد بود که در آنجا که با داشته است.
 و این هم تمام است.

صفحه دوم نامه

ص: 331

ترجمه نامه:
 برادر عزیز و محترم حضرت سیدهادی خسروشاهی
 مؤرخ اخوان المسلمین در مورد تقریب بین مذاهب اسلامی (شیعه و سنی)
بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمین و الصلوة والسلام علی اشرف المرسلین سیدنا محمد و آله و صحبه و من و آله من بعده و بعد:

دعوت «اخوان المسلمین» از همان آغاز که به دست مرشد اول امام حسن البنا تأسیس شد، دعوت همه مسلمانان به وحدت بود با همه اختلاف مذاهب و رویکردهای دینی و فکری؛ چرا که مسلمانان به خاطر تفرقه و نزاع و اختلافهایی که به نفرت و دشمنی کشید، ذلیل و خوار شدند. پروردگار سبحان می فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» و می فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ.»

اساس اندیشه ما را در این باره در (مشهور) «بیاپه های فکری و اصول بیست گانه» می توان یافت: قرآن کریم و سنت مطهره دو منبع قانونگذاری اند.

ما هیچ مسلمانی را که قرآن به شهادتین دلرد و به مقتضای آن عمل می کند، مدام که به کاری کفر آمیز دست نزند تکفیر نمی کنیم.

گفتند مشهوری نیز همه جا منتشر و به عنوان قاعده طلایی شناخته شده است که «در موارد انفاق، با یکدیگر همکاری می کنیم و در موارد اختلاف، یکدیگر را معذور می داریم». معنی این قاعده واضح است: زیرا انفاق معمولاً در اصول است و اختلاف در فروع.

همت امام شهید حسن البنا رحمة الله علیه در گفتار و کردار، مصروف همین امر بود و من از او تصویری در سال ۱۳۲۵ هجری در گردهمایی دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه قاهره دیدم که در کنار علمای عصر خود منجمله عبدالحمید سلیم شیخ (وقت) الازهر و شیخ امین الحسینی مفتی فلسطین و محمد تقی قمی و عده ای دیگر دیده می شود.

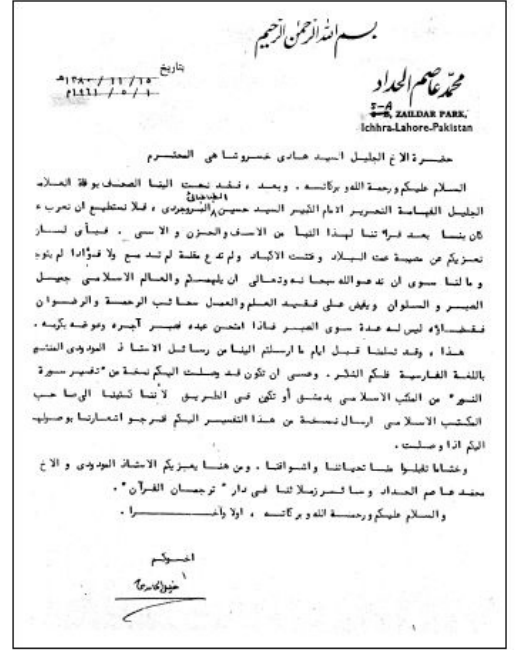
علاقه عملی اخوان المسلمین به شیعه در ایران و سایر کشورها از دهه پنجاه این قرن (قرن بیستم میلادی) و بعد از برپایی انقلاب ایران شاهد این معنی است.

بیشترین نیاز مسلمانان این است که صفوف خود را افشرد کنند و همه یک سخن شوند. دیگر، چندی ها که دشمن را بر آنها مسلط ساخت و نیروهایشان را سست کرد، پس است!

اختلاف میان شیعه زیدی یا اثنی عشری از پاره ای فروع تجاوز نمی کند زیرا همگی شهادت به لا اله الا الله و محمد رسول الله می دهند و همه قرآن کریم را منبع اول و سنت مطهره را منبع دوم تشریع می دانند و همه رو به قیله واحد دارند. دین در برابر حوالهای عامه سر فرود نمی آورد و اکنون وقت آن رسیده است که این فتنه را فرو بخواباند و زبانه اش را خاموش سازد.

وبالله التوفیق
 ۲۷ رجب ۱۴۲۲ - قاهره - مصطفی مشهور

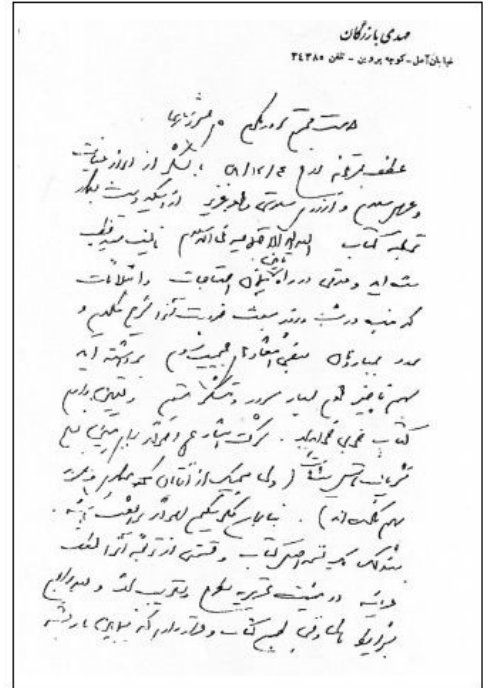
ترجمه نامه مصطفی مشهور، درباره تقریب بین مذاهب اسلامی به تاریخ ۲۷ رجب ۱۴۲۲ق، قاهره



نامه ای از شیخ خلیل حامدی - از رهبران جماعت اسلامی پاکستان -

به تاریخ 15/11/1380ق، لاهور

ص: 335



صفحه اول نامه مرحوم مهندس مهدی بازرگان، سال 1338، تهران



نامه جورج جرداق - مؤلف كتاب الامام على صوت العدالة الانسانيه -

به تاريخ 1959م ، بيروت

دوست ارجمند، سلام بر شما و بر همه دوستان عزیز و گرامی!

چندی پیش پاسخ نامه سرکار را به آدرسی که در تهران تعیین کرده بودید، فرستادم، و ان شاءالله که رسیده است.

موضوع تازه ای که موجب اصلی نوشتن این مختصر شد، اینکه چندی پیش به دعوت هیأت مؤسسين مسجد آخن به آنجا مسافرت کردم. مسجد خوبی در کنار دانشگاه ساخته شده است و در قسمت زیر آن نیز، قسمتی برای سکونت امام ساخته شده است که مشتمل بر همه لوازم زندگی است. در شهر آخن در حدود یک هزار مسلمان از نقاط مختلف زندگی می کنند که اکثر جوان و دانشجو هستند. چند شهر دانشجویی دیگر نیز نزدیک آخن از جمله گُلن و بُن و دوسلدورف، و... به هر حال مرکز فعالیت مناسبی است.

ضمن مذاکره با مؤسسين مسجد که چند تن از برادران تحصیل کرده عرب و سنی هستند، احساس کردم آن ها آماده اند یک امام لایق شیعی برای آنجا انتخاب شود. با توجه به مطلبی که در نامه مرقوم فرموده بودید، مناسب دیدم به جناب عالی اطلاع دهم تا در صورتی که علاقه مند به فعالیت در یک چنین مرکز مناسبی باشید، نظر خودتان را اطلاع دهید، تا اقدامی کنم و آن ها مستقیماً با خود شما تماس بگیرند.

با توجه به اینکه خانه در آنجا هست، مبلغ یک هزار مارک در ماه برای اداره زندگی یک خانواده سه نفری کافی است، و اگر نیمی از این مبلغ، از همان محل هزار تومانی که در نامه قبل مرقوم فرموده بودید، تهیه شود، تأمین بقیه آن همین جا آسان است. ضمناً از قراری که بانیان مسجد می گفتند، زمینه ای هست که پس از تسلط بر زبان، چند ساعتی درس یا کنفرانس مربوط به شرق شناسی و اسلام شناسی در دانشگاه آخن برای امام مسجد گذارده شود که حقوق آن برای تأمین قسمتی از هزینه زندگی او کافی خواهد بود. خواهشمند است نظر خود را در این باره زودتر مرقوم فرمایید و چون مطلب هنوز قطعی نشده، فعلاً خود شما و کسانی که برای مشورت لازم است اطلاع پیدا کنند، از آن خبر خواهید داشت. خواهشمند

زیاده ایام سعادت مستدام باد، مُخلص: محمد حسینی بهشتی، 15/5/45

تصویر



نامه آیت الله سید محمد حسینی بهشتی از آلمان

ص: 340

1- شهید بهشتی، به علت فعالیت های علمی - فرهنگی در قم، از سوی حاکمیت طاغوت، مجبور به ترک این شهر گردید و به تهران آمد، ولی در تهران نیز به فعالیت خود ادامه داد، آن گاه از سوی مرجعیت وقت برای آغاز یک حرکت فرهنگی - اسلامی قصد سفر به اروپا را کرد، که معلوم شد ایشان «ممنوع الخروج» هستند!... مرحوم آیت الله سید محمد هادی میلانی و آیت الله سید احمد خوانساری اینمشکل را حل کردند و ایشان رهسپار آلمان، مرکز اسلامی - فرهنگی هامبورگ شدند و در آنجا به نشراندیشه اسلامی در سطح اروپا پرداختند و آن گاه که احساس کردند وسعت کار، همکاری دوستان و آشنایان را می طلبد، افرادی که مورد وثوقشان بود را به همکاری در اروپا دعوت کردند و به همین منظور، طی نامه ای به تاریخ 15/5/1345 از اینجانب خواستند که برای اداره «مرکز اسلامی آخن» و امامت در مسجد آن و تدریس اسلام شناسی در دانشگاه، نظر خود را برای ایشان بنویسم تا تصمیم نهایی و قطعی گرفته شود که بنا به دلایل علمایی! این توفیق نصیب اینجانب نشد.

نامه اکرم زعیترا

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 11/5/1968

عمان ،

جناب برادر استاد سید هادی خسروشاهی!

السّلام علیکم ورحمه الله و برکاته و بعد:

از مدّتی پیش کتاب اصل الشّیعه و اصولها را که از تألیفات امام محمدحسین آل کاشف الغطاء است ، به عنوان هدیه ای گران بها از سوی جناب عالی دریافت کرده بودم . اما کار من ، آن زمان اجازه مطالعه آن را به من نداد، ولی در این ایام فرصتی پیدا کردم که به من رخصت داد به مطالعه کتاب هایی که در کتابخانه ام انباشته بود، بپردازم و از همین جا به مطالعه کتاب اصل الشّیعه و اصولها پرداختم . من آن را با اشتیاق خواندم و در واقع آن را همچون خرمی درو کردم ؛ برای اینکه خیلی مایل بودم ریشه و کنه اصول تشیع را از زبان یکی از بزرگان حجج والا مقام به دست آورم و از سوی دیگر، من شخصاً استاد محمد حسین کاشف الغطاء را از 37 سال پیش می شناختم و آن ایامی بود که ایشان مؤتمر اسلامی قدس را نور باران کرد و امامت جماعت نماز را در مسجد الاقصی به عهده گرفت . خداوند آن را از غربت دور سازد و از دست تبهکاران صهیونیست برهاند!

و همین طور من پس از آن ، ایشان را در نجف زیارت کردم تا از برکات و جودی وی بهره مند شوم . کتاب را خواندم و از آن بسیار فرا گرفتم و بسیاری از چیزهایی را که نمی دانستم ، از آن آموختم و در پایان به این نتیجه رسیدم که باید این کتاب را هر مسلمانی ، اعم از شیعه و یا سنی ، بخواند و مطالعه کند . شیعه بخواند تا اصول مذهب خود را صادقانه بفهمد و آگاه شود و راه غلو و انحراف نیپماید و به خوبی درک کند که بخشی از چمن زار محمدی است ، و سنی نیز آن را بخواند و بداند آنچه که در برابر چشم او پرده ای کشیده ، و آنچه که در ذهن او در رابطه با مذهب شیعی جای گرفته است ، او هام بی پایان است ، و عامل آن ، غلو و افراط گرایی بعضی از شیعیان ، و جهل و نادانی گروهی از سنیان نسبت به اصول شیعه است .

در واقع کتاب امام کاشف الغطاء، برای تقریب بین دو مذهب است و مسلمانان

ص: 341

را به وحدت اسلامی می خواند و اینکه سنی و شیعه، هر دو از آبشخور رسول الله سیراب می شوند.

من به شما اطمینان می دهم که نشر این کتاب به زبان فارسی و عربی، در بیشترین میدان ها جهاد فی سبیل الله بوده، و دعوت برای برتری کلمه الله است. خداوند شما را زنده بدارد و حفظ کند و مسلمانان را از کوشش های نیک شما بهره مند سازد.

مخلص: اکرم زعیتر. (1)

تصویر



ص: 342

1- سفیر اسبق اردن در ایران، مؤلف کتاب معروف سرگذشت فلسطین، ترجمه آیت الله هاشمیرفسنجانی و یکی از شخصیت های برجسته اخوان المسلمین در اردن.

دفتر امام خمینی تاریخ: 13/7/58

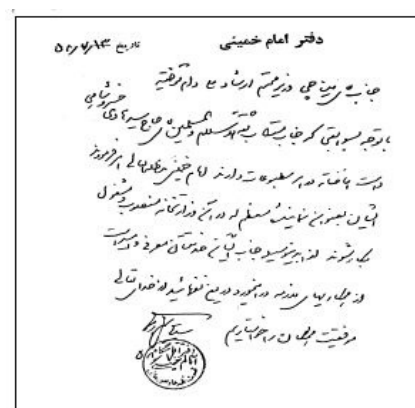
جناب آقای میناچی، وزیر محترم ارشاد ملی (دام توفیقه)

با توجه به سوابقی که جناب مستطاب ثقه الاسلام والمسلمین آقای حاج سید هادی خسروشاهی (دامت افاضاته) در امر مطبوعات دارند، امام خمینی (مدظله العالی) امر فرمودند: ایشان به عنوان نماینده معظم له در آن وزارتخانه منصوب و مشغول به کار شوند، لذا بدین وسیله جناب ایشان خدمتتان معرفی و امید است از همکاری های لازمه در این مورد دریغ نفرمایید. از خدای تعالی موفقیت همگان را خواستاریم.

دفتر اقامتگاه امام خمینی

سید هاشم رسولی

تصویر



متن دستخط جناب حجت الاسلام والمسلمین سید هاشم رسولی، مسئول دفتر امام خمینی در قم، به تاریخ 13/7/58 ش که امر امام خمینی را به وزیر وقت ارشاد ابلاغ نموده است.

ص: 343

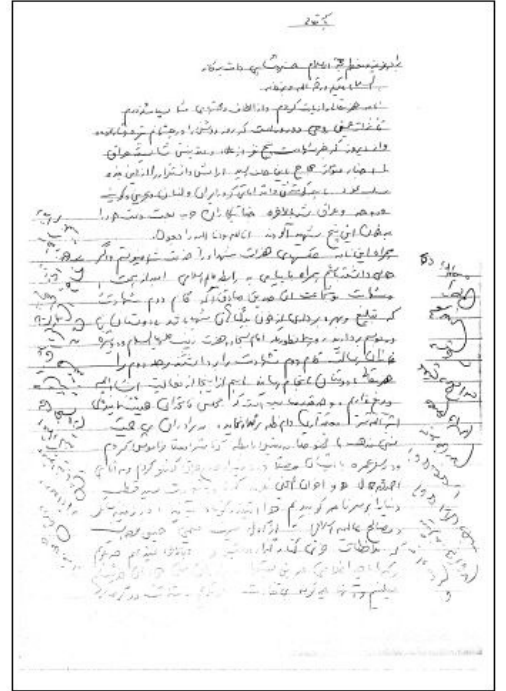
۹۰ (۱۰۰)

محمود فخرالدین حجازی

فخرالدین حجازی در تاریخ ۱۳۴۵/۱۱/۱۹ ش. به تاریخ ۱۳۴۵/۱۱/۱۹ ش. تهران

نامہ ای از مرحوم فخرالدین حجازی، به تاریخ ۱۳۴۵/۱۱/۱۹ ش، تهران

نامہ ای از مرحوم فخرالدین حجازی، به تاریخ ۱۳۴۵/۱۱/۱۹ ش، تهران



نامه آیت الله شیخ محمد مهدی آصفی، عراق

محضر انور امام امت ، آیت الله العظمی السید روح الله الخمینی مد ظله العالی .

برای چاپ و نشر و توزیع کتب و منشورات و مجلات اسلامی به السنه مختلفه عالم که نمونه هایی از آن ها تقدیم می گردد که گامی در راه صدور انقلاب اسلامی است و سال قبل ، جمعاً در نیم میلیون نسخه در دنیا توزیع شده است، با توجه به وضع کشور، آقایان حاج مصطفی محمدزاده و حاج عبدالحسین محمدزاده تعهد می کنند که مبلغ یک میلیون تومان ، در طول سال آینده برای این منظور از وجوهات صرف کنند که موقوف به اجازه حضرت عالی است و وجه فوق زیر نظر اینجانب و آقای حاج عبدالحسین محمدزاده ، فقط برای چاپ و نشر آثار اسلامی و در مسیر انقلاب اسلامی و به زبان های عربی ، فرانسه ، اردو و انگلیسی خواهد بود. 59/12/12

المخلص: سید هادی خسرو شاهی

بسمه تعالی

مجازند بپردازند، ان شاء الله موفق باشند. (روح الله الموسوی) / مهر.

تصویر



اجازه ای از امام برای هزینه کردن وجوه شرعی در نشر آثار اسلامی به تاریخ 12/12/1359، تهران

ص: 347

بعد التَّحِيه و السلام

محترماً معروض می دارد: دولت جمهوری اسلامی ایران در لندن محلی دارد که گروهی از علاقه مندان انقلاب اسلامی پیشنهاد کردند آنجا را به یک مرکز اسلامی وابسته به ایران اسلامی تبدیل کنیم. ملک آن متعلق به وزارت امور خارجه است و فعلاً به شکل مخروبه بلا استفاده مانده است.

حضرت آقای خامنه ای و حضرت آقای هاشمی و جناب آقای دکتر ولایتی، با اصل موضوع موافق هستند. از لحاظ مالی هم شیعیان خلیجی مقیم انگلیس می توانند هزینه ساختمان را تأمین کنند.

در لندن دو میلیون مسلمان اقامت دارند که نیم میلیون آن ها شیعه خلیجی، پاکستانی و ایرانی هستند و نیاز به یک مرکز اسلامی واقعی، کاملاً محسوس است.

در صورت موافقت حضرت عالی، زیر نظر وزارت امور خارجه، با حفظ مالکیت وزارت مزبور، می توانیم یک مرکز اسلامی مفید در قلب اروپا بنیاد نهیم.

أدام الله بقاءکم

المخلص سید هادی خسروشاهی

24/4/64 - 26 شوال المکرم 1405 هـ -

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر ولایتی، وزیر محترم امور خارجه

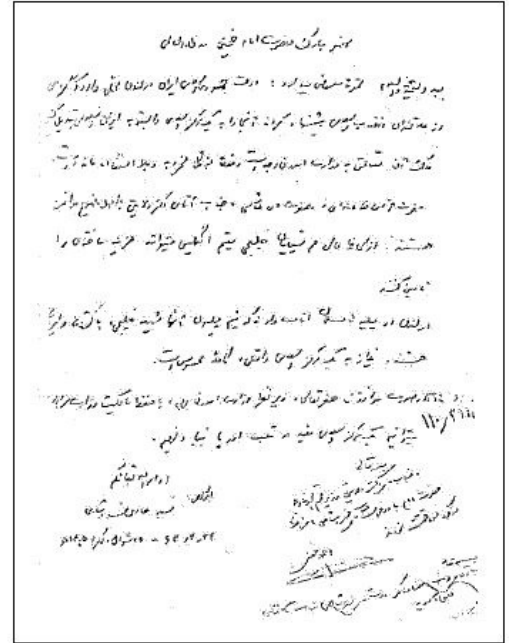
حضرت امام، با درخواست جناب آقای خسروشاهی با شرایط مذکور موافقت نمودند.

احمد خمینی (امضاء)

بسمه تعالی

جناب آقای عرب، ضمن مذاکره با جناب آقای خسروشاهی، اقدامات مقتضی به عمل آورید. دکتر ولایتی

ص: 348



متن اصلی نامه به امام خمینی درباره ضرورت تأسیس یک مرکز اسلامی در لندن و موافقت امام، با خط «احمد خمینی»

نامه شورای نگهبان با امضای آیت الله صافی گلپایگانی

در مورد صدور استوارنامه برای سفارت

جمهوری اسلامی ایران

شورای نگهبان شماره: 1570

تاریخ: 1359/21/12

پیوست: ندارد

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای محمد علی رجایی - نخست وزیر

عطف به نامه شماره 74842 - 59:/17/12

موضوع مورد سؤال در شورای نگهبان مطرح و مورد بحث قرار گرفت و نظر شورا به شرح ذیل اعلام می شود:

طبق اصل 128 قانون اساسی ، رئیس جمهور استوارنامه سفیران را امضا می نماید و تصویب صلاحیت سفیر با رئیس جمهور نیست .

دبیر شورای نگهبان

لطف الله صافی (امضاء)

حاشیه شهید رجایی

برادر هاشمی!

رونوشت نظر شورای نگهبان را برای آقای رئیس جمهور ارسال و از ایشان درخواست امضای استوارنامه آقای خسروشاهی را بکنیم .

11/1 - رجایی .

ص: 350

جمهوری اسلامی ایران

وزارت امور خارجه

اداره: کارگزینی ورفاه

شماره: 16/3066

تاریخ: 8/2/1360

بسمه تعالی

جناب آقای حجت الاسلام سید هادی خسروشاهی

از تاریخ ورود به محل مأموریت ، به سمت سفیر جمهوری اسلامی ایران در واتیکان منصوب می شوید.

محمد علی رجایی

نخست وزیر (امضا)

تصویر



ص: 352

ابوالاعلیٰ مودودی
 و۔ اے۔ فہماز پارک، اجیرہ
 لاہور۔ ۱۱ (پاکستان)

تاریخ: ۲۵۔۷۔۸۰
 حوالہ: ۱۸۷
 موضوع: ۸۸/۱/۸۰

الآخ الجید ہادی غسوتنا ہی المعتبتہم
کثر اللہ من اشکناکم

السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ . وبعد . ہمیں ان کو تو اعلیٰ ما تشکرکم من السلام لہم
تلقینا الیوم من البیرید ثانیة رسالتنا بالینة :
برامہ انقلاب اعلیٰ قانون اساسی در اسلام - غراطات درکتب مہمیان - انجیل و مسیح و
القرانی فکر حین - حقیقت مسیحیت - دفاع از سید جمال الدین حمتی - مہادی اسلام و فلسفہ
احکام .

و کذا کہ کتا تلقینا قبل مد رسالہ منکم وکان الآخ غلیل تمام بالترہ ظہما فی حینہا
و من اذ بکھنکم الجہود التي تیزد لوہبا لنشر اعدوہ الاسلامیة فی بلادکم و ترجمہ
مؤلفانہا انی لنتکتم العسیریۃ ندعو اللہ تعالیٰ ان یشد ازمکم و یقدی لاعدکم . و نہ اکتہ نا
فی الآخ غلیل ان یوایکم جمیع ما شہروا علیہم من کتبنا حتی تكون لہم جموعہ
کاملہ من مؤلفانہا .

و اخیر برترو ان تلفوا تہیاننا و تکرنا و قدہ ہرنا لجمیع الشناج العظام فہی
فہم النذیر رأینا منہم مہارات طبییة فی تأیید الضعیف الباکستانی اثنہ العدا ان
العندی ی علی پاکستان و ولد کان لمدونہ شناج ایران اشرہ . الطیبی فی عدوس الناس
جزا ہم اللہ عن الاسلام خیر الجزا . و اقرہ .

یلعوا سلامنا جمیع من لہم من الامعان و الضایعہ ذہبا فیما فیلدہ الشہسہم
محمد الصا دی السوہا فی حجابہ اللہ .

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ اولاً و آخراً

امیرکم
 ابوالاعلیٰ مودودی

نامہ دیگرى از ابو الاعلی المودودى

ص: 353

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صاحب المعالي والفيلسوف العالم الميرزا محمد هادي حسيني
 رئيس مركز البحوث الإسلامية - الجزيرة العلمية - طهران
 وصيف مدير المعهد الإسلامي - طهران

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته
 الكرم ورجح المسلمين في كل مكان عنا حبة هذا الميرزا الفاضل
 من روضات القدس أنزل في القراءات من جدي الناس وتبليغ
 من الرعي والقرآن. أما ربه الله علينا جميعاً في كل وقت
 بالهدى والهدى والسلام. وقد توفيت مجلة المسلم والمؤمنين
 أمام أمتهم وانصروا بحول الله جميعاً. لربنا الظلم والظلم
 عليهم وتكفير النصارى والميرزا والاسلام الكليلين الموشاة
 كما أمرت في الإسلام. برزده

تؤلف الكرم والعالم الميرزا أشكركم على جعلكم العلية العظيمة
 ورسالتكم الكريمة. ومن الشقة بنا وفوقكم الأمانة الملائمة
 الكريمة. ورحمة الله أنه يكون هذه كما لم يكن من قبل
 وأما بعد فتننا في كل العالم المصعب ما خلق هذه العلم
 والبرية والإسلام والسليمة في كل مكان.

تأليف بالنسبة للتأليف المودعة عندكم في سال
 معاليكم الكريمة للندوة على وسيله سائياً على نالكم
 الرأي والسياسة من التفتي:

أما بالنسبة لرائنا في الشقة، الذين مشرة المعززة
 التي ما بينت ستفهم قامة مع تفتي والطلاب المملو المود
 ذكرهم في الآخرة. منهم من طلة العلم من شوقه على
 التفتي والسياسة والسلام البشري. وتفتي الأكون
 بعد التفتي من فضلة البشري التفتي على التفتي من التفتي

صفحة أول نامه دكتور نصر فريد واصل (مفتي مصر)

وهذا واجب عام يقع على عاشر الكلام والمؤمنين وعلى أئمة
 العلم والأئمة وعلى جميع المسلمين وصدق بالحق والحقانية
 الحقة وكشف الغيب من القيمة في عام العاقبة والجمعة
 من سنة الفجر لله برزق الزمان والمدائح من
 الحمد لله بالهدى والهدى المستمارة من المسلمين وتتميم
 بآيات الله من الرزق العاقبة والهدى المستمارة
 من كل ما لا يترك الحياة والدين.

وفقنا الله جميعا لما يحب ويرضى. ولله الشكر والحمد
 وشكره الذي لا يحد ولا ينقطع والحمد لله
 والشكر والثناء والحمد لله الذي لا يحد ولا ينقطع
 عقابهم الذين يهدونهم في كل زمان أو مكان
 والسلام على من أتبع الهدى من الهدى من الهدى
 والهدى من الهدى من الهدى من الهدى من الهدى
 والسلام على من أتبع الهدى من الهدى من الهدى
 والسلام على من أتبع الهدى من الهدى من الهدى

دكتور نصر فريد واصل
 مفتي الديار المصرية
 وعضو مجمع البحوث الإسلامية
 واستاذ الدراسات العليا
 بجامعة الأزهر الشريف

القاهرة ١٣٠٠ سنة ١٤٢٠ هـ

صفحة آخر نامه دكتور نصر فريد واصل (مفتي مصر)



نامه احمد زكى يماني - مدير مركز اسلامى الفرقان -، لندن



نامه شيخ احمد محمّد احمد الطيب - رئيس جامعه الازهر (شيخ كنونى الازهر) -

نمونه ای از دیدگاه ها - در شصت سال پیش -

اشاره

- حکومت دموکراسی در سایه ایدئولوژی و اصول تعلیمات اسلامی

- حکومت دموکراتیک جمهوری اسلامی

ص: 359

اطلاع از قوانین اسلامی، نه تنها برای ما که مسلمان هستیم، بلکه برای تمام مردم اهل تحقیق، از ضروریات است. به این مناسبت، مقاله زیر - که دارای جنبه های علمی و تحقیقی است - درج می گردد. البته در این مقاله، تا آنجا که مقدور بوده، اختصار رعایت شده است. سالنامه گلستان

حکومت دموکراسی

حکومت دموکراسی، بر عکس حکومت دیکتاتوری - که قدرت در دست یک نفر متمرکز می گردد - به حکومتی می گویند که قدرت در دست توده مردم بوده و ملت با میل و اراده و آرای خود، حکومت را انتخاب و بر سر کار آورده باشند.

دانشمندان سوسیولوژی (Sociologie) می گویند: جامعه دموکراتیک و حکومت دموکراسی، اجتماع و حکومتی است که اختلافات زیادی در طبقات آن دیده

ص: 361

1- این بحث در سال 1336 ش، در حالی که نگارنده بیست بهار عمر را پشت سر نهاده بود، نوشته شد و متأسفانه به علت «اختناق»، مدیر محترم سالنامه گلستان چاپ تهران، به حذف بخش هایی که به نمونه الگوی جامعه و کشور اسلامی مربوط می شد، اقدام کرد که به انسجام مطلب لطمه زد ولی به هر حال، از آقای جواهری مدیر محترم سالنامه گلستان باید سپاسگزار بود که در آن دوران بحرانی لزوماً ایجاد حکومت دموکراتیک جمهوری اسلامی را علی رغم نظارت و رقابت نهادهای امنیتی! و پلیسی در سالنامه گلستان، به دست چاپ سپرد و سپس آن را به طور مستقل و فقط به قیمت سه ریال چاپ و منتشر نمود.

نمی شود و اگر هم پیدا شد، در آن اموری که به همه ملت مربوط است، همه مساوی و برابر بوده و دارای حقوق یکسان می باشند. منظور ما هم از حکومت دموکراتیک اسلامی، مصداق واقعی همین نظریه دانشمندان سوسیولوژی است.

اسلام و دموکراسی

واژه دموکراسی که از چندی پیش به کار گرفته می شود، تا انقلاب کبیر فرانسه به کار برده نمی شد و اروپا از دموکراسی خبری نداشت، ولی پس از انقلاب فرانسه، ملل اروپائی بیدار گشته و علیه حکومت های استبدادی - ضدّ ملّی قیام کرده و خواستار آزادی و دموکراسی شدند.

اما این نهضت ها، جنبش های واقعی نبودند، بلکه نهضت دموکراتیک واقعی، چهارده قرن قبل شروع و پی ریزی شد؛ زیرا اسلام در آن وقت که به قول برتراند راسل: «اروپا در قعر توحش و ظلمت جهل می زیست»، به جهانیان اعلام داشت که: همه مردم در مقابل قانون مساوی اند و همه مردم در حقوق عمومی و سیاسی برابرند و عرب را بر عجم، سفید را بر سیاه، غنی را بر فقیر مزیت و برتری نیست و تنها عامل برتری، تقوا و پرهیزکاری است و: (انّ اکرمکم عندالله اتقیکم)⁽¹⁾، و البته مراد از

تقوا، پرهیز کردن انسان از هر چیزی است که برای خود و دیگری ضرر دارد.

نمونه ای از دموکراسی اسلامی

آری، اعلامیه دموکراسی اسلامی، چهارده قرن پیش، توسط پیغمبر بزرگ اسلام منتشر شد و نجات دهنده بشریت، با ندای روح بخش خویش آن را اعلام کرد.

پیامبر خود مظهر کامل دموکرات هاست؛ چنان که عملاً این موضوع را اثبات نمود و در حقوق و معاملات، فرقی بین سفید و سیاه، برده و آزاد نگذاشت و حتی روزی که ابوذر غفاری به یک عبد زنجی در مقابل آن حضرت با حال خصمانه گفت: ای

ص: 362

پسر سیاه! حضرت خشمناک شد و فرمود: پسر سفید، هیچ مزیتی بر پسر سیاه ندارد، مگر با تقوا و عمل صالح!

ابوذر دانست که کار خوبی نکرده است، رویش را بر زمین گذاشت و به مرد سیاه گفت: بلند شو و پایت را بر صورت من بگذار! و بدین وسیله می خواست که کفاره گفتارش را بدهد.

در اوایل نهضت عظیم و جهانی اسلام بود که عده ای از بزرگان قریش و ثروتمندان عرب، پیش پیشوای اسلام آمدند و گفتند: «ما با تو چطور بنشینیم، در حالی که تو با اشخاصی امثال بلال حبشی، سلمان فارسی، صهیب رومی، عمار یاسر و غیر اینها از بردگان و مردم عادی می نشینی! آنها را از خود دور کن، تا به مجلس تو بیاییم و دعوت تو را گوش دهیم».

پیغمبر اسلام این حرف را رد کرد و نپذیرفت. آنها گفتند: پس برای ما یک روز و برای آن ها یک روز معین کن! پیغمبر در جواب این آیه را خواند:

ای پیغمبر، سخن یاهو سرایان را گوش مکن. این مردم بی بضاعت و پا برهنه را دور خود نگهدار. اینها مردان خدا هستند.

دموکراسی در ادیان دیگر

این نمونه ای بود از دموکراسی در دین اسلام، اما دموکراسی در مکتب ادیان دیگر اصولاً وجود خارجی ندارد؛ مثلاً دین براهمه، اعضای جامعه را به چهار قسمت تقسیم می کند و اعلاترین و اشراف ترین این طبقات را براهمه و کهنه قرار داده و پست ترین طبقه را هم به نجس ها! یعنی اشخاص دون پایه اختصاص می دهد.

یکی از قوانین این نظام غلط، قانونی است به نام منو (Manou) که به موجب آن:

اشراف می توانند اموال مردم طبقه دون پایه را مالک شوند و حتی این طبقه حق شکایت ندارد و اگر سرپیچی نموده و تلاش بنمایند، به گوش های آنها سُرَب گذاخته ریخته و زبانشان را پاره کرده و یا قطعه قطعه شان کنند!⁽¹⁾

ص: 363

1- ر.ک: حضاره الهند، تألیف دکتر گوستاو لوبون، چاپ قاهره .

قوم یهود، تنها خود را پسر و ملت خدا می دانند و حتی در تشریفاتشان، بین یهودی و غیر یهودی فرق گذاشته اند و در احکام، «ربا» را بین خودشان حرام و نسبت به دیگران حلال کرده اند.

در کتاب تلمود آمده است: «یهود از ماده خدا و دیگران از ماده شیطان آفریده شده اند و لذا اگر کسی یهودی را اذیت کرد، او واجب القتل است»!

ابرا فانیل می گوید: «ملت یهودی لیاقت حیات جاوید را دارد». مناحیم که یکی دیگر از بزرگان قوم یهود است، می گوید:

ای جماعت یهود، شما بشر هستید، اما ملل دیگر بویی از بشریت نبرده اند؛ زیرا که آن ها از روح نجس هستند، اما روح یهود، منشأش روح خداست.

باز در کتاب تلمود می نویسد:

قتل افراد غیر یهودی مباح است و دزدی از اموال دیگران جایز است. اگر یهودی یک کیسه پول که مال غیر یهودی باشد، پیدا کند، مال خودش است و جایز نیست که آن را به غیر یهودی بدهد؛ زیرا که اموال عالم، از آن یهوداست.

اینهاست نمونه هایی از طرز فکر رهبران یهود! در واقع مذهب تحریف شده یهود سراسر خرافات بوده و مذهبی است که خاخام ها آن را درست کرده اند و معلوم است که صاحبان چنین طرز فکری، تا چه حد به اصول دموکراسی پای بند خواهند بود!

به طور کلی، دموکراسی، در قاموس یهود معنی ندارد و اگر هم داشته باشد، مختص ملت یهود است و کس دیگری هم حق حیات در محیط یهود را ندارد. حکومت پوشالی اسرائیل که توسط امپریالیست ها در فلسطین تأسیس شد و اکنون هم توسط آنها تقویت شده و نگهداری می شود، نمودار روشنی از اوضاع دموکرات مآب اعتقادی یهود است.

حمله تجاوزکارانه اخیر به کشور و ملت مصر و فجایع بی شماری که در صحرای

سینا و غزه انجام دادند، به مثابه مظهری روشن از رفتار دموکراتیک یهود است. قصه یک میلیون آواره فلسطینی (1) را هم لابد می دانید.

در دین مسیحی فعلی - که آن هم ساخته پاپ ها و کشیش هاست - هیچ کار خلاف اخلاق و ضد دموکراتیکی، نشد ندارد!

طرز رفتار دول مسیحی و زمامداران آن ها - که گویا سمبل آزادی و دموکراسی و انقلاب کبیر! هستند - با ملل ضعیف، همچون حمله اخیر فرانسه و انگلستان به مصر و کشتار وحشیانه ملت قهرمان الجزایر و مردم مبارز عدن و عمان نشانه ای است از احترام مسیحی ها به آزادی و استقلال دیگران؛ زیرا اگر روح دموکراتیک در یهودی ها و مسیحی ها وجود خارجی داشت، اعمال آنها این قدر وحشیانه و ضد بشری نبود.

جنایات و اعمالی که دستگاه انگلیزیسیون (Inquisition) یا تفتیش عقاید و افکار پاپ ها و کشیش ها، در قرون وسطی مرتکب شده، هنوز از خاطره ها نرفته است. عقوبت ها و شکنجه های ضد انسانی (از قبیل قطع مفاصل، بستن متهم به چند اسب و کشیدن آن ها در جهات مختلف، سوزاندن محکوم، دریدن شکم، مثله کردن و گوش و بینی بریدن و...) که پاپ ها و کشیش ها درباره مردم متفکر و روشن اندیش روا داشتند، رسوایی ادعای دروغین فعلی آنان را هم روشن می کند.

ظلم های فاحش، اختلافات طبقاتی شدید، سرمایه داری جنایت بار، انحصارهای بزرگ، کارتل ها و تراست های خون آشام، در سایه حکومت های فعلی دول تابعه دین فعلی مسیح - که ربطی به دین اصلی مسیح ندارد - بر ما ثابت می کند که همه حرف های آنان درباره آزادی، حقوق بشر، دموکراسی، دفاع مشترک از شرق و حمایت از ملل ضعیف، دروغ است و همه این ها ماسک های خوش ظاهری است برای استعمار و استثمار.

و اینک نمونه روشن تری از دموکراسی در آمریکا:

دموکراسی در آمریکا

هم اکنون در آمریکای مترقی و متمدن، سیاه پوستان به جرم سیاه پوستی، توسط افراد

ص: 365

1- هم اکنون (1395 ش) تعداد آنها بالغ بر هشت میلیون نفر شده است.

فرقه ک. ک. ک (کوکلوس کلان) لینچ می شوند. قانون لینچ - که اساس فعالیت جمعیت ک. ک. ک بر آن استوار است - یک قانون صد در صد وحشیانه و ضد بشری است که به وسیله جمعی از مبتلایان به بیماری سادیسزم به وجود آمده و اساس این قانون، بر اصل اعدام و زجر سیاه پوستان قرار گرفته است.

طرز لینچ کردن آن است که فرد سیاه پوست را به مکان دور افتاده ای برده و پس از شکنجه بسیار، به صلیبی می آویزند و او را خفه می کنند، سپس افراد ک. ک. ک در اطراف معدوم به رقص و تفریح مشغول می شوند و برنامه آخر خود را - که آتش زدن جنازه است - اجرا می کنند.

همین امروز، سیاهان در ایالت ماساچوست، وضع خاصی دارند و نباید به اتومبیلی که یک راننده سفیدپوست آن را می راند، سوار شوند! مراکز تفریحشان مجزاست و خانه هایشان در کوی مخصوصی قرار دارد، و اتوبوس های جداگانه دارند و حق انتخاب مشاغل، بالخصوص مشاغل آزاد را ندارند!

آری، این است نمونه ای از مفهوم دموکراسی در قاموس زمامداران آمریکا.

از این رسواتر و افتضاح آمیزتر، قضیه اوایل مهرماه امسال است: در مهرماه 1336، در شهر لیتل راک آمریکا، اغتشاشات نژادی شدیدی روی داد و سفیدپوستان دانشجو و روشنفکر! از ورود دانش آموزان و دانشجویان سیاه پوست به دبیرستان ها و دانشکده ها جلوگیری کردند و پس از کشته شدن عده ای و مجروح شدن عده ای دیگر، اغتشاش موقتاً خاموش شد، ولی برای جلوگیری از تجدید منازعات، چند لشکر در آمریکای جنوبی به حال آماده باش در آمدند! اینهاور از نیویورک با عجله به واشنگتن آمد، ولی اینها و جنایات بالاتر از این در آمریکا موجب اعدام نمی شود؛ زیرا آمریکا، جنگل دلار است!

با این حال، بعضی از نویسندگان ایرانی، آمریکا را پایگاه آزادی و اردوگاه دموکراسی می نامند! ولی به قول فروغی در سیر حکمت در اروپا: «در قرن ما، الفاظ معانی خود را از دست داده اند».

و البته حالا می شود بالاتر از این را گفت؛ یعنی الفاظ در موارد ضد خود به کار

برده می شود؛ مثلاً- اردوگاه های امپریالیستی را اردوگاه دموکراتیک می نامند، ولی پایگاه های مسلمانان مبارز را مرکز ماجراجویان و وحشیان ... نام می گذارند، البته این هم یکی دیگر از اختراعات قرن بیستم در غرب می تواند باشد!

دموکراسی در شوروی ، قطب مقابل آمریکا

در دنیای امروزی ، اغلب حکومت ها و دولت ها، مدّعی دموکراسی هستند، ولی عملکردشان، ماهیت همه آنها را نشان داده و به ما می فهماند که بدترین نوع اصول دیکتاتوری ، در سایه دموکراسی آنان اجرا می شود، اما چون دنیا، دنیای فریب است ، عدّه ای می گویند: اگر در جامعه ای همه افراد ملت تساوی حقوقی ندارند، نباید به حکومت آن ، نام غیر دموکراتیک نهاد و اگر محدودیت هایی در رژیم های دموکراسی است ، این عدّت دموکراتیک نبودن حکومت نیست و بنابراین ، لابد در قاموس حضرات ، برای رژیم دموکراسی ، تنها نام آن کفایت می کند و اگر در عمل مانند حکومت دیکتاتوری و بلکه بدتر از آن با ملت مظلوم رفتار شود، نباید حرف زد؛ زیرا عنوان دموکراسی کافی است! مظاهر دموکراسی تک حزبی کمونیستی در شوروی و جنایات و قتل عام های استالین، رهبر پرولتاریا! بر همگان روشن است و نیازی به معرفی روش دموکراتیک کارگری! نیست .

دموکراسی در کشورهای غربی

نمونه ای از چگونگی دموکراسی را در سمبل کشورهای غربی یعنی در سایه حکومت دموکراسی آمریکا برای شما نوشتیم ، ولی اگر از همه امپریالیست های غربی شاهد بیاوریم ، مطلب درباره طرز حکومت امپریالیستی خیلی مفصّل می شود، به همین عدّت به طور کلی می گوئیم:

در کشورهای غربی ، دموکراسی واقعی وجود ندارد و همه این دموکراسی ها، پسا دموکراسی یا دموکراسی دروغین و قلابی هستند و حتی اگر فرض کنید در کشورهای

غربی از نقطه نظر ظاهری و سیاسی دموکراسی موجود است، اما از دموکراسی واقعی و مساوات اقتصادی اصولاً و بطور کلی، خبری نیست.

دموکراسی در ممالک آسیا و آفریقا

امروز در آسیا و آفریقا، کارگر و رنجبر کارخانه، دوازده ساعت و یا بیشتر کار کرده و جیب صاحب کارخانه را پر می کند، ولی خودش با زن و بچه هایش، اگر هم به نان شب محتاج نباشد، قطعاً با شکم سیر نخواهد خوابید.

و یا فلان ثروتمند، دارای آپارتمان ها و ویلاهای بیلاقی و... می باشد، اما آن زن رخت شو، یا آن زحمت کش، در بیغوله ها و حفره هایی به نام خانه اجاره ای! و یا حاشیه نشینی در خرابه ها، به زندگی؟! ادامه می دهد.

جنوب و شمال شهرهای این ممالک با یکدیگر تفاوت کلی دارند، پایتخت آن ها با شهرستان ها قابل مقایسه نیست، و یک رئیس دولتی تحت عنوان دموکراسی، شدیدترین فشارها را بر ملت تحمیل می کند و نمی داند که دنیا، دیگر دنیای ملت هاست و حکومت زور و سر نیزه، قابل دوام نیست.

مضحک تر از همه اینجاست که همه این حکومت های ضدّ ملی و به اصطلاح دموکراتیک، اعلامیه حقوق بشر را امضا کرده و مدّعی هستند که به مفاد و مواد آن عمل می کنند؛ در صورتی که یکی از مواد همین اعلامیه این است که بشر آزاد به دنیا آمده و باید آزاد باشد، اما در همه دنیا، همه دولت ها، مخالفین عقیده خود را سرکوب می کنند و باز مفتخرند که رژیم مملکت آنها دموکراتیک است!

حکومت دموکراتیک در سایه اصول اسلام

تا آنجا که امکانات به ما اجازه می داد و با در نظر گرفتن اختصار، نمونه هایی از دموکراسی شرق و غرب را باز گفتیم، ولی اگر خلاصه تر و روشن تر تحلیل کنیم، باید گفت:

دموکراسی غربی، عبارت است از دموکراسی سیاسی (البته به صورت ظاهر) و

دموکراسی شرقی هم عبارت است از: دموکراسی اقتصادی و تکامل صنعت و توسعه ماشینیسیم در تمام قسمت های تولیدی.

و به طور کلی، بنابر اصول مارکسیسیم: «تا ماشینیسیم تکامل نیافته، تحقق دموکراسی امکان پذیر نخواهد بود و همه چیز، تابع بلا قید و شرط روش های اقتصادی است و تشکیلات سیاسی، اصولاً با روش تولیدی اجتماع مطابقت نموده، از آن متابعت می کند».

و دموکراسی آسیا و سایر دموکراسی های امروزی هم عبارت است از: دموکراسی مطلق! ولی یک فرد متفکری که قضاوتش دینامیستی باشد، قطعاً معتقد می شود که: دموکراسی واقعی و سیستم حکومت دموکراتیک، تنها در سایه اصول اسلام و اجرای قوانین آن می تواند تحقق پذیر باشد.

در حکومت جمهوری دموکراتیک اسلامی، (1) هم دموکراسی اقتصادی و هم دموکراسی سیاسی - هر دو با هم - وجود دارد که خالی از نقایص و مضارّ انفرادی و اجتماعی دموکراسی های سیاسی و اقتصادی امروز می باشد.

آری، در حکومت دموکراتیک اسلام، اختلافات طبقاتی، نزاع های نژادی، تبعیض های ضدّ بشری، حق کشی ها، ظلم ها، اجحافات و... به هیچ وجه راه نداشته و کوچک ترین فرد عادی از مردم و عضوی از اعضای جامعه، با بزرگ ترین رهبر، برابر و یکسان است.

دین اسلام، دین دموکراسی حقیقی است. در مساجد و معابد، تمامی مسلمین، بزرگ و کوچک یکسان اند، اشراف به افراد حق تقدّم ندارند، غنی و فقیر متفاوت نیستند.

ص: 369

1- دقت بفرمایید که این مبحث در سال 1336 ش و پس از پیروزی کودتای ننگین 28 مرداد و اقدامات امپریالیسم آمریکا و انگلیس علیه ملت ایران در اعاده رژیم سلطنتی در ایران منتشر شده است. امام خمینی در مصاحبه ای در پاریس، گفتند: حکومت دموکراتیک اسلامی، برتر از حکومت های دموکراتیک غربی است. (مراجعه شود به صحیفه نور)

تاریخ به خوبی نشان می دهد که در پرتو حکومت دموکراتیک اسلامی چه می گذشته است .

در زمان حکومت حقه علی (علیه السلام) عقیل، برادر ایشان که در تنگدستی به سر می برد، بارها آمد و از آن حضرت خواست که به او اضافه حقوق بدهد. علی (علیه السلام) فرمود: همه در برابر قانون یکسان اند و مزیتی بر هیچ کس نیست .

عقیل مدتی از حقوق دریافتی خود کسر کرد و روزی علی (علیه السلام) را با عده ای به میهمانی دعوت نمود و پس از صرف طعام ، باز مسئله دریافت اضافه حقوق! را مطرح ساخت و ماجرای میهمانی را هم گفت .

علی (علیه السلام) فرمود: حالا- که تو می توانی از حقوق خود قدری کسر کرده و میهمانی بدهی ، پس بهتر است که من خود این مبلغ را کم کنم و بین افرادی که استحقاق بیشتری دارند، تقسیم کنم .

و در زمان یکی از خلفای ثلاثه ، بیت المال و یا غنایم جنگی را میان مردم تقسیم کرده بودند و به همه یک پیراهن معمولی رسیده بود. به خلیفه - که به اصطلاح امروز رئیس جمهور و یا رئیس حکومت می شود - مثل همه افراد ملت ، یک پیراهن رسیده بود.

خلیفه روزی بالای منبر موعظه می کرد. یکی از افراد عادی و ساده ملت متوجه شد که قبای خلیفه ، از قبای همه مردم بلندتر است . از جا برخاست و به خلیفه اعتراض کرد که مساوات را مراعات نکرده است ؟ او هم در جواب گفت: من بیش از اندازه معمولی سهمی برنداشته ام ، ولی چون قد من بلند است ، فرزندم حق خود را بر من بخشید و من از حق او و خودم این قبای بلند را آماده کرده ام . آن شخص قانع نشد و رفت از فرزند او پرسش کرد و بالأخره معلوم شد که خلیفه راست می گفته است !.

پس از رحلت پیشوای اسلام محمد (صلی الله علیه و آله) و به دنبال اینکه عمر بن خطاب ، خلیفه مسلمین شد، در زمان او یکی از پادشاهان نصرانی - که تحت حمایت امپراطوری روم بود - مسلمان شده بود و برای شرکت در کنگره بزرگ و جهانی اسلامی (حج) به مکه

آمده بود. البته شاه هم، نباید مثل بنده و شما باشد! بلکه بایستی آجودان لشکری و کشوری داشته و با اسکورت حرکت کند!

مردم مسلمان آن سامان، آجودان و اسکورت ندیده بودند و به رسمیت نمی شناختند و در عالم خیال می گفتند: مگر همه با هم مساوی نیستیم، پس این همه تشریفات برای چیست؟

عده زیادی به تماشا آمده بودند، حق هم داشتند؛ چون تا آن وقت از آن بازی ها ندیده بودند. در ضمن تماشاچیان و تظاهر کنندگان، عرب پابرهنه ای هم با لباس پاره و کهنه اش آمده بود و به غلام ها و دستگاه شاه غسان نگاه می کرد.

مرد عرب، در عالم خلسه فرورفته بود و بی آنکه متوجه باشد، ناگاه پایش را روی عبای عالی قیمت شاه غسان گذاشت و این امر بر شاه گران آمد؛ زیرا گمان می کرد مانند دوره سابقش، یک فرد بی سر و پا و برهنه، نمی تواند علاوه بر اینکه به شاه نزدیک شود، عمدتاً یا سهواً عبایش را هم لگدمال کند! و لذا عصبانی شد و سیلی محکمی بر گوش عرب بیچاره نواخت.

مرد عرب، شخصاً خلیفه را ملاقات نمود و جریان را به او گفت. خلیفه، شاه را احضار کرد و پس از تحقیق گفت: «در حکومت دموکراسی اسلام، هر نوع تجاوزی به حقوق افراد ممنوع است. اینک بر طبق قوانین جاری، باید رضایت خاطر آن مرد را جلب کنی!»

شاه غسان گفت: آخر او عبای مرا کثیف کرد. خلیفه گفت: معاوضه آن لگدکوبی بر عبا بود، نه سیلی زدن؛ زیرا در قانون اساسی حکومت اسلام، قرآن مجید می فرماید: (السن بالسن و الأذن بالأذن...).

شاه چون دید همه افراد بدون کوچک ترین ملاحظه ای در مقابل قانون اسلام مساوی هستند، تسلیم شد ولی برای اینکه مرد عرب را راضی کند، حاضر شد هزار درهم به مرد عرب بدهد، اما او نپذیرفت.

شاه گفت: یک اسب هم اضافه می کنم، ولی مرد عرب نپذیرفت. این مبلغ تا ده

هزار درهم افزایش یافت، ولی طرف همچنان در زدن سیلی پافشاری می کرد.

شاه بالاخره یک شب مهلت خواست و در همان شب مخفی شد و با همراهانش فرار کرد و به قسطنطنیه روم پناه برد و در آنجا از اینکه مسلمان شده بود، معذرت خواست! و باز نصرانی شد؛ زیرا به نظر او قانون مسیح خوب بود؛ زیرا مسیح می گوید: «اگر کسی سیلی به یک طرف صورت زد، آن طرف صورتت را پیش بیاور!».

امپراطور او را محترم داشت و چندین برابر ثروت سابقش، به او پرداخت.

ولی این قضیه کوچک - در نظر بنده و شما - به اصطلاح ما، مهم ترین موضوع روز شد و از طرف حکومت اسلام یادداشت اعتراض آمیزی در مورد پناه دادن به یک فراری مجرم، تسلیم امپراطوری عظیم روم شد و طی آن، دولت اسلام خواست که او را تحویل مسلمین بدهد.

این اولتیماتوم اثر نکرد و امپراطوری روم، از تحویل او امتناع ورزید و شاه از کرده خود پشیمان شد و طی اشعاری گفت:

به خاطر یک سیلی، اشراف نصرانی شدند و اگر صبر می کردم، ضرری نداشت.

ای کاش پست ترین زندگی را در شام داشتم و بدون گوش و چشم، شب و روز به سر می بردم! ای کاش وقتی که مبتلا به چنین نکبتی شدم، به گفته عمر برگشت می کردم!

قضیه به اینجا خاتمه نیافت و خلیفه به امپراطوری روم اولتیماتوم داد که: به زودی مجبور خواهی شد او را تسلیم کنی! و سپس لشکری از مسلمین آراست و به جنگ امپراطوری روم رفت و حدود سوریه را - که آن روزها قسمتی از خاک امپراطوری روم بود - تصرف کرد. امپراطور، چون پایه حکومت و امپراطوری اش را لرزان دید، شاه غسان را تسلیم نمود.

... شاه غسان را بدون آزار و اذیت پیش خلیفه آوردند. خلیفه آن مرد عرب را که سیلی خورده بود، خواست و مرد عرب بدون اینکه اعتنایی بکند، سیلی محکمی بر گوش پادشاه غسان نواخت و پی کارش رفت.

این نمونه ها و جریانات و آن گفتارها، نمونه ای از طرز حکومت دموکراتیک

اسلامی بود، ولی افسوس که پس از چندی، وضع دگرگون گشت و پس از رحلت پیشوای بزرگ اسلام، حضرت محمد(صلی الله علیه و آله)، و پایمال شدن حقوق حضرت علی(علیه السلام) حامی واقعی رنجبران و زحمت کشان، عناصر زر دوست و خودپرست، از پیشروی اسلام جلوگیری کردند و سیستم اداره حکومت جمهوری اسلامی را تغییر دادند،(1) تا

اینکه در زمان بنی امیه، آثار «فرد پرستی» پدیدار گشت و آن ها پایه های دنیای نوینی را که اسلام در بنای آن کوشش بسیار کرده و بی دریغانه در راه آن فعالیت نموده بود، متزلزل ساختند و اصول پوسیده و انحطاطی حفظ منافع خصوصی در سایه خفقان حکومت وقت و زور و سر نیزه دوباره تجدید حیات نمود.

تشریفات دربارهای روم و ایران، در دربار خلفا یا پادشاهان اموی تجدید گردید و اصول تبعیض، تملق، زورگویی و تجاوز به حقوق زیردستان به حوزه اسلامی نیز راه یافت و نخستین بذر نارضایتی و انقلاب در قلوب ملل تابعه کاشته شد.

طبقات اجتماعی پس از ظهور اسلام

در دوره بنی امیه در اثر موفقیت ها و فتوحاتی که نصیب اعراب بادیه نشین شده بود، جنون تقوُّق ملی و نژادی را روا داشتند، و شعار: (اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ) (2) و گفتار

محمد(صلی الله علیه و آله) که: بین سپید قرشی و سیاه حبشی فرقی نیست، یکباره به فراموشی سپرده شد و در نتیجه صدق و صفا و حدود و قیود انسانی که در صدر اسلام وجود داشت، در دوره حکومت بنی امیه و بنی العباس از بین رفت.

غالباً ثروتمندان و سرمایه داران از پرداخت مالیات و اجرای فرایض مذهبی و کمک به نیازمندان سرباز می زدند و مانند خلفا و درباریان، منافع شخصی را بر مصالح

ص: 373

1- در این باره بهتر است به کتاب خلافت اور ملوکیت تألیف سید ابوالاعلی مودودی، و اجتماعی در اسلام تألیف سید قطب، ترجمه اینجانب، چاپ بیست و پنجم، نشر کلبه شروق مراجعه شود.

2- حجرات (49)؛ 10.

عمومی و مسلمین ترجیح می دادند. و همین جریانات سبب شد که از قرن دّوم هجری ، بسیاری از ساکنان و اهالی ممالک مفتوحه و توده هایی که از نهضت اسلام به امید مساوات و برابری و شکسته شدن سدهای قدیم پشتیبانی و استقبال کرده بودند، با راه ها و وسایل مختلف ، علیه دستگاہ خلافت به مبارزه برخیزند و مخالفت خود را از طریق قیام های استقلال طلبانه و بر ضد حکومت مرکزی اسلامی اعلام دارند.

دموکراسی علی (علیه السلام)

امام علی (علیه السلام)، درخشان ترین چهره عالم اسلام ، مظهر کامل یک زمامدار دموکرات و رهبر حکومت دموکراسی واقعی است ، ایشان در نهج البلاغه می فرمایند :

... همه سربازیم و همگان از یک ناموس دفاع می کنیم و به جانب یک هدف پیش می رویم ، من که در محور نیرو قرار دارم و آنانی که به نام «فرمانده» و «سردار»، شما را سان می بینند و فرمان می دهند، در تمام تکالیف سپاهی با تمام افراد و نفرات یکسانیم ، هیچ یک را بر دیگری حق تقوّق و برتری نیست .

نهایت ، از آنجایی که در مسائل جنگ در روز پیکار، سطح اطلاعات و آشنایی همه ، بر یک میزان نیست و نیز در بردباری و حوصله که قائمه بنیان جنگ و راهنمای سپاه به پیروزی و موفقیت است ، همه یکسان نتوانند بود.

مقرّرات نظام ایجاب می کند که یکی «افسر» و جمعی «سرباز» باشند ولی اشتباه نشود، منصب فرماندهی - تا هر پایه که باشد - در قانون «مساوات» فصل و عنوانی باز نمی کند و جهت فرماندهان ، در برابر وظیفه و تکلیف به هیچ وجه استثنا قائل نمی شود.

به افسری که پرچم لشکر، تحت اداره و فرمان او پیش می رود و گروهی ، به راهنمایی نقشه و طّراحی فکرش حمله می کنند، اجازه نمی دهند این افتخار را بر دیگران تحمیل نموده ، حتّی ضعیف ترین سربازان را با نظر تحقیر و توهین نگاه کند.

ما همه با هم برادر و برابریم، منتها عظمت و وظیفه اقتضا می کند به عناوین اعتباری و فرضی «افسر» و «سرباز» با هم کار کنیم و با هم به «نتیجه» و «هدف» برسیم. من و هر که افسر است، حق ندارد پنهان از لشکریان، رویه محرمانه در پیش گیرد و روابط شخصی و فردی برقرار سازد. آری، سپاهیان همه با هم محرم و هم رازند... (1).

این است نمونه ای از طرز فکر پیشوایان اسلام، کور باد کسی که این حقایق عالی را ببیند و باز منکر حق و حقیقت باشد.

روش های اجتماعی و بهترین آن ها

اصولا و به طور کلی باید گفت که در میان جوامع بشری بیشتر از سه روش اجتماعی حاکم نبوده و نیست (2):

1. روش استبداد که مقررات و سرنوشت مردم را به دست یک فرد می دهد و هر چه دلخواه او بوده باشد، به مردم تحمیل می کنند.
 2. روش حکومت اجتماعی که اداره امور مردم به دست قانون گذارده می شود و یک فرد با یک هیأت، مسؤول اجرا می شوند.
 3. روش دینی که اراده تشریحی خدای جهان، در میان مردم توسط همه مردم حکومت کرده و اصل توحید و اخلاق فاضله و عدالت اجتماعی را تضمین می نماید.
- در روش اول و دوم، تنها مراقب افعال مردم اند و کاری با اعتقاد و اخلاق ندارند و به مقتضای آن ها، انسان در ماورای مواد قانونی، یعنی در اعتقاد و اخلاق آزاد می باشد؛ زیرا ماورای قوانین اجتماعی، ضامن اجرا ندارد.
- تنها روشی که می تواند صفات درونی انسان و اعتقاد را ضمانت نموده و اصلاح کند، روش دین است که به هر سه جهت: اعتقاد، اخلاق و اعمال رسیدگی می نماید.

ص: 375

1- نهج البلاغه، ترجمه مرحوم جواد فاضل .

2- وحی یا شعور مرموز، علامه سید محمد حسین طباطبایی .

گوستاو لوبون ، مورّخ برجسته فرانسوی ، در کتاب معروف خود درباره طرز حکومت اسلامی می نویسد :

... در واقع ، طرز حکومت اسلامی ، نوعی حکومت دموکراسی بوده که تحت نظر یک نفر فرمانروای مقتدر ، تمام مردم از وضع و شریف ، امیر و فقیر با هم مساوی بودند و رعایت حقوق کاملاً به عمل می آمد؛ چنان که راجع به پادشاه غسان که بعد از جنگ «یرموک» ایمان آورده بود، اجرا شد.

وضع زنان

پیشوای اسلام ، حضرت علی (علیه السلام) به نفع زنان و بردگان دستوراتی تعلیماتی دادند؛ از جمله در هشتم ذیحجه ، مطابق 7 مارس 632 میلادی ، در مکه خطاب به مردمی که گردش حلقه زده بودند، چنین فرمودند :

... ای مردم ! حقّی شما از زنان خود دارید و حقّی هم آن ها از شما دارند... با زنان خود به محبّت و مهربانی رفتار کنید....

و اما در خصوص برده ، به آن ها بخورانیید همان غذایی را که خود می خورید و به آن ها همان لباسی را بپوشانید که خود می پوشید و اگر خطای غیر قابل گذشتی از آن ها سر زد، باید آن ها را از خود جدا کنید؛ چه این بیچارگان هم بندگان خدایند و نباید با آن ها بدرفتاری نمود....

ای مردم! به سخنانم توجّه کنید و بدانید که تمام مسلمانان با هم برابر و برادرند، بلکه همه شما به منزله یک جان هستید. ای مردم! مراقب باشید تا کاری برخلاف عدل و داد از شما سر نزنند.

اهمیت فضایل و اخلاق

مورخ مشهور سدیو در تاریخ خود، درباره طرز رفتار و سلوک مسلمین که در واقع نتیجه و محصول طرز فکر مترقی آن هاست ، می نویسد:

... فقیرترین آن ها در اهمیت به حفظ خانواده و عائله خود، در قبال قبول ننگ و

عار، مثل بزرگ ترین ثروتمند آن هاست . کوچکی اصل و نسب آن ها، از وصول به بهترین مقامات مانع نیست ، ملاک برتری و فضیلت افراد را در حسب و نسب منحصر نکرده اند، بلکه فضایل و اخلاق را معتبر می شمارند؛ زیرا که این ها در آنچه که از قرآن ، درباره اهمیت کسب فضایل اخلاقی و اعمال صالحه و بشر دوستانه درک کرده اند، با ایمان و پابرجا هستند و روی همین اصل ، پیشوایان اسلام خود مشغول کار می شوند و املاک مردم را از شرّ غاصبین حفظ می کنند....

این هاست نمونه های مختصری از اعترافات دانشمندان بزرگ جهان و چون نمی خواهیم مطلب خیلی مفصّل شود به نقل دو شهادت دیگر، بدون تفسیر پرداخته و به بحث خاتمه می دهیم .

دومینیک سوردل

دومینیک سوردل ، در کتاب اسلام، که جزء انتشارات مجموعه چه می دانم؟ در پاریس چاپ شده ، در فصل سوم: قانون اسلامی ، ضمن اجرای قانون کارمندان دولت می نویسد :

اسلام ، حکومتی الهی است که افراد آن حکومت ، همه با هم برابند؛ زیرا در اسلام طبقه ممتاز یافت نمی شود و شکل آرمانی اجتماع همین است ، چون قانون به نحوی تغییرناپذیر معین گردیده

پروگره ایسلامیک

در نشریه پروگره ایسلامیک ، درباره اسلام و دموکراسی می نویسد :

مغرب زمین ، امروز می بالد که قهرمان تمدن و دموکراسی بوده است و واژه اخیر، یک کلمه یونانی است که در قرن اخیر مرسوم گردیده است . اعراب مسلمان ، اولین کسانی بودند که دموکراسی حقیقی را در روی زمین گسترش دادند.

قرآن، مساوات تمام افراد بشر را اعلام می کند. اسلام هیچ گونه امتیاز طبقاتی را قبول ندارد و اختلاف نژاد در آن مفهوم ندارد و برادری بین المللی، یکی از اصول اساسی اسلامیت است.

پس باید گفت: سیستم حکومت اسلامی نه اشرافی و آریستوکراسی است و نه دسپوتیستی و دیکتاتوری، بلکه یک نوع دموکراسی واقعی است که جز پاکی و درستی را موجب امتیاز نمی داند.

این دموکراسی، اول بار در کشوری که در سراسر آن بت پرستی و الهه سازی و نادانی و جهل و زورگویی و ظلم و ستم وجود داشت، تبلیغ و اجرا شد. چه دینی جز اسلام می توانست از تمام طوایف کوچک و قبیله های عرب - که اغلب بر ضد یکدیگر قیام می کردند و با هم سر جنگ داشتند - یک امت به وجود آورد؟

فقط دموکراسی اسلامی بود که این معجزه را نشان داد که یک غلام سیاه آزاد شده، سردار یک لشکر از مسلمانان گردد. به راستی، اسلام یگانه دینی است در جهان که می توان نام آن را دین بین المللی برای تمام بشریت گذاشت.

بشریت چه می خواهد!!

اکنون بشریت امروز، خواستار دموکراسی است، ولی آنچه مسلم است این است که: این دموکراسی، اگر دموکراسی اسلامی نباشد، بشریت به آرزوی خود نخواهد رسید.

نتایج حاصله از دموکراسی های مسخره و منحط امروزی - اعم از غربی یا شرقی - قطعاً به نفع ملت ها نخواهد بود؛ زیرا امپریالیست ها و عمال ارتجاع، تحت عنوان دموکراسی، شدیدترین فشارها را بر ملت ها تحمیل خواهند کرد و صدای هر کسی را در گلو خفه و خاموش خواهند ساخت و آنچه که تجربه و حس روزانه در شرق و غرب به ما نشان می دهد، عکس گفته های دموکرات ها! را ثابت می نماید.

آری، تجربه و حس به ما می فهماند که دموکراسی های امروزی، جز پسوند

دموکراسی (دموکراسی دروغی، قلابی، پوشالی...) چیز دیگری نیستند.

ما ایمان داریم که نجات جامعه ما و عالم بشریت، تنها در سایه سیستم حکومت دموکراتیک اسلامی است و شک نداریم که اسلام، یگانه مکتب انسان دوستی و دین آزادی عمومی و عدالت اجتماعی است؛ چنان که یکی از خاورشناسان نامی و شهیر قرن اخیر، پروفیسور نیکلسون، در ضمن تاریخ اسلامی می گوید:

تا پیش از ظهور این دیانت، در تمام ممالک متمدن و غیر متمدن روی زمین تساوی حقوق نوع بشر وجود نداشت و اختلافات طبقاتی به حدی بود که اشراف قوم می توانستند ده ها بلکه صدها نفر از مردم زیردست خود را بکشند و مورد تعرض واقع نشوند.

حتی تحصیلات عادی و ابتدایی (خواندن و نوشتن) مخصوص طبقات عالی بود، ولی اسلام آمد و به دستور قرآن، فرمان آزادی نوع بشر را اعلام داشته، فرمود: برتری انسان فقط در علم و پرهیزکاری است و سایر مزایای نژادی و طبقاتی به کلی ملغی می باشد.

از اینکه پروفیسور نیکلسون می گوید: حتی تحصیلات ابتدایی مخصوص طبقات عالی بود، تعجب نکنید؛ زیرا طبقات عالی! برای ادامه دادن به تسلط جابرانه خویش، توده مردم را از علم محروم می سازند؛ زیرا آنان می دانند که اگر ملت رشد علمی و فکری یافت، دوران اقتدار و آقایی آنان سپری می شود.

آری، جامعه بی علم و فرهنگ، جامعه ای عقب افتاده و منحط است. جامعه ای که مردم آن از علم و فهم بهره ای نداشته باشند، برای استقرار حکومت اشراف و دیکتاتورها

لازم است و روی همین اصل است که آنان سعی می کنند ملل رنجبر جهان، همیشه در جهل و جمود، لا مذهبی و شهوت پرستی غوطه بخورند.

بی سبب نیست که اسلام، این همه مردم را به علم و تحقیق و فهمیدن و تعقل دعوت می کند. اسلام می داند اگر ملتی علم داشت، بیدار می شود و اگر بیدار شد، زیر

بار زور و ستم و حرف ناحق و دیکتاتوری نمی رود، اما...

بیخشد که از مطلب دور افتادم. گفتیم که نجات بشریت در دموکراسی اسلامی است؛ زیرا به تجربه، در صدر اسلام، ثابت شده که دموکراسی اسلامی، بالاترین نوع دموکراسی هاست که جامع بین دموکراسی سیاسی و دموکراسی اقتصادی می باشد و بشر آزاداندیش و مترقی، اگر بخواهد که به آرمان و ایده آل خود برسد، به جز در مکتب اسلام، در هیچ یک از مرام ها، هدف خود را نخواهد یافت.

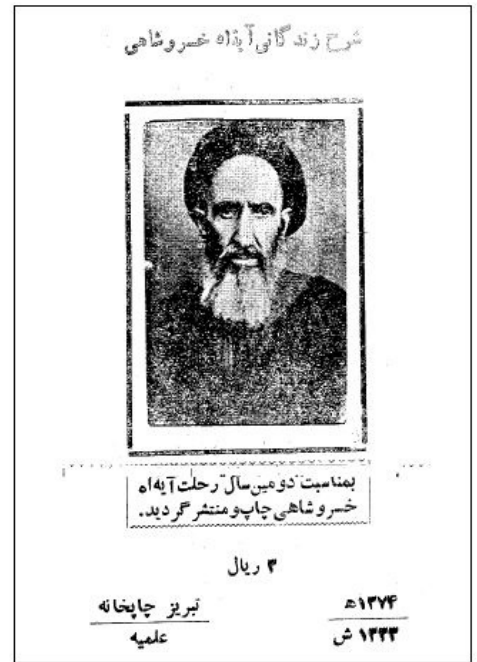
و ما امیدواریم سیر تکاملی بشر، روزی به منتهای درجه کمال و ارتقای خود برسد و انسان های رنجبر در سایه سیستم حکومت دموکراسی اسلامی، در صلح و صفا به سر برده و زندگی شرافتمندانه و سعادت‌مندانه ای داشته باشند.

قم - آذرماه 1336

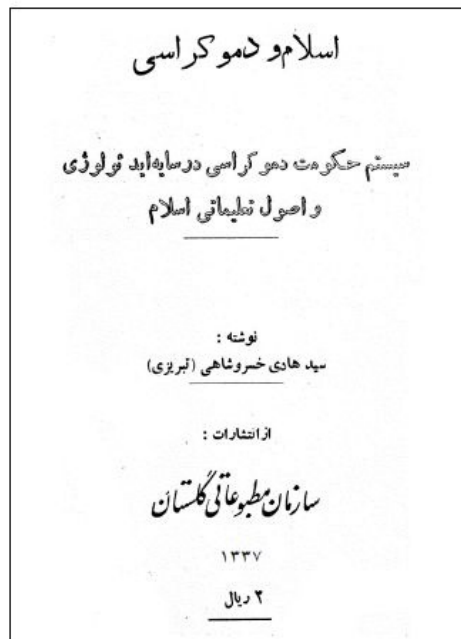
سید هادی خسروشاهی (1)

ص: 380

1- این بحث، همانطور که در مقدمه اشاره شد، در تاریخ فوق یعنی 60 سال قبل، در سالنامه «گلستان» چاپ تهران منتشر گردید و سپس به شکل رساله ای بطور مستقل تجدید چاپ شد.



روی جلد رساله ای درباره زندگی آیت الله خسروشاهی (متن رساله در این کتاب آمده است)



تصویر روی جلد رساله «اسلام و دموکراسی»، چاپ دوم، تهران، 1337

ص: 382

1 : شاگردان آیه الله سید مرتضی خسروشاهی

محمد الوانسانز خویی

ص: 383

آیت الله سید مرتضی خسروشاهی بعد از مراجعت از نجف اشرف، در تبریز اقامت نمود و به تدریس معارف الهی و متون دینی پرداخت که به شرح حال تعدادی از شاگردان تربیت شده در مکتب ایشان اشاره می شود:

1. آیت الله سید احمد خسروشاهی: شرح حال وی در بخش خاندان ذکر شد.

2. آیت الله سید جواد خطیبی (1299 ش - 1391 ق): فقیه پرهیزگار آیت الله حاج سید جواد خطیبی در سال 1299 ش در محله خطیب تبریز در خانواده شادروان سید ابراهیم متولد شد. نسب شریفش به حضرت سید الشهداء (علیه السلام) منتهی می شود. در سال 1323 ش وارد حوزه علمیه تبریز شد و در مدرسه طالبیه سکنی گزید و در محضر فرزادگانی همچون آیت الله سید مرتضی خسروشاهی به تحصیل پرداخت و بعد از مدتی اقامت در مدرسه طالبیه، به قم سفر نمود و نزدیک به ده سال از اساتید آن دیار بهره مند گردید و آن گاه برای تکمیل تحصیلات رهسپار عتبات عالیات شد و یک سال در حوزه کهن نجف اشرف به تحصیل پرداخت.

وی سپس به قم بازگشت و هفت سال در آن شهر زیست و در اواخر سال 1342 ش به تبریز بازگشت. آیت الله خطیبی هم زمان با تحصیل، به تدریس شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایه الاصول در حوزه علمیه قم می پرداخت که تعداد

زیادی از طلاب علوم اسلامی در آن شرکت می کردند. برنامه تدریس وی بعد از مراجعت به تبریز ادامه پیدا کرد و حوزه درسی اش پرورش دهنده شاگردان فاضل و دانشمند بود.

آیت الله خطیبی دنیایی از صفا، معنویت و خلوص بود. دشمنانش نیز به خصوصیات و صفات خوب او اعتراف داشتند، چه رسد به دوستانش که شیفته و مرید اخلاق و رفتار و معنویت او بودند! او در فقه و فقهات و در عمل به احکام نورانی شریعت محمدی و از نظر سیر و سلوک و پای بندی به احکام الهی و تقید

به موازین شرعی، اُسوه و الگوی معاصران بود. در سال 1349 ش مبتلا به

بیماری سختی شد و متأسفانه معالجات و تلاش های پزشکان مؤثر واقع نگردید و

در تاریخ 21/4/1350 ش دوستان و علاقه مندانش را در سوگ خویش داغدار نمود. پیکر مطهر ایشان با غم و اندوه فراوان و با تشییع جمع کثیری از مردم در

قبرستان محله خطیب و در کنار مزار مادرش به خاک سپرده شد. نوشته سنگ مزار وی چنین است :

مرفد شریف عالم ربانی حضرت حجت الاسلام و المسلمین آیت الله فقیه آقای حاج سید جواد خطیبی (اعلی الله مقامه) که عمر خویش را در تدریس و تربیت محصّـهـمـین علوم دینیّه و ترویج آثار مذهب حقّه جعفریّه صرف نموده است ، در شب دوشنبه نوزدهم جمادی الاولی سنه 1391 هجری درست در پنجاه سالگی داعی حق را لبیک گفتند. جزاه الله عن الإسلام و أهله خیراً. (1)

3. آیت الله سید عبدالله شبستری (1334 - 1420 ق) : آیت الله سید عبدالله، فرزند ثقه الاسلام سید اسدالله، فرزند میر بابا در شهرستان شبستر متولد شد. پس از دوران ابتدایی ، در سال 1350 ق به تحصیل علوم اسلامی روی آورد و مقدمات و علوم

ص: 386

ادبی را پیش پدرش و حاج میرزا رسول هریسی، و کتاب های مطول، شرح شمسیه و شرح منظومه را نزد آیت الله سید مرتضی شبستری فرا گرفت. در سال 1356ق به حوزه علمیه تبریز پیوست و در مدرسه طالبیه مشغول خواندن شرح لمعه پیش علامه شیخ ابراهیم بادکوبه ای و آیت الله سید علی مولانا شد و کتاب قوانین الاصول و دیگر متون حوزوی را در نزد حضرات آیات حاج میرزا محمود دوزدوزانی، سید مرتضی خسروشاهی، شیخ حسین شب غزانی، حاج میرزا کاظم مجتهد شبستری و حاج میرزا محمد توتونچی آموخت.

در اواخر سال 1360ق به قم رفت و باقی درس شرح لمعه را نزد آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی به پایان رساند و دروس خارج را نزد فقهایی چون حضرات آیات: سید محمد حجّت کوهکمری، سید محمد تقی خوانساری، میرزا محمد فیض قمی، سید صدرالدین صدر، شیخ محمد کبیر قمی، شیخ عباسعلی شاهرودی، شیخ عبدالنبی عراقی، و دروس کلام و حکمت را در محضر آیت الله سید حسین قاضی طباطبایی تبریزی خواند.

در سال 1366ق جهت معالجه به تهران رفت و در پی درخواست عده ای از مؤمنین در مسجد حاج میرزا احمد واقع در خیابان مولوی به وظایف دینی اشتغال ورزید. وی در تهران از تحصیل باز نماند و در درس حضرات آیات شیخ علی مدرس تهرانی (خارج کفایه الاصول)، شیخ محمد تقی آملی، سید احمد خوانساری و سید ابوالحسن رفیعی قزوینی (خارج فقه، اصول و حکمت) شرکت کرد و در ضمن به ارشاد و وعظ پرداخت و همراه آیت الله سید مرتضی شبستری و افراد خیر، به تجدید بنای مسجد سپهسالار واقع در خیابان چراغ برق پرداخت.

در سال 1394ق پس از گذشت 28 سال خدمت در تهران، به مشهد مقدس رضوی رفت و پس از استقرار در آن شهر، شروع به تدریس فقه، اصول، تفسیر و اقامه جماعت در حرم مطهر (دارالسلام) کرد. و پس از 22 سال اقامت در جوار حضرت ثامن الائمه 7 در اوایل سال 1416ق به حوزه علمیه قم آمد و فقط به

تدریس تفسیر قرآن و احیای مراسم مذهبی اشتغال داشت و در این اوقات غالباً بر اثر کسالت و شدت بیماری در منزل بستری بود.

آثار علمی وی عبارت اند از: 1. (عربی)؛ 2. الألفاظ الالهیه فی الخطابات القرآنیه (عربی، قم، 1416ق)؛ 3. النکاح و الطلاق؛ 4. درایه الحدیث؛ 5. زبده الأحکام (رساله عملیه، عربی، تهران، 1389ق)؛ 6. سوانح حیات، گزیده ای در شرح حال خود و بخشی از خاطرات؛ 7. صیغ العقود؛ 8. کتاب الأربعین، شرح چهل حدیث عرفانی و اخلاقی (فارسی، قم، 1414)؛ 9. مصباح الهدایه یا مفتاح السعاده (دو جلد)، جلد اول این کتاب در تهران چاپ شده و جلد دومش خطی است؛ 10. نماز شب.

سرانجام آیت الله شبستری در صبح روز چهارشنبه 12 خرداد ماه 1378 ش برابر با 17 صفر 1420ق در یکی از بیمارستان های تهران درگذشت و پیکر پاکش عصر روز پنجشنبه در قم تشییع و پس از ادای نماز میت به وسیله آیت الله سید محمد وحیدی شبستری در قم، ابتدای قبرستان ابوحنیفین به خاک سپرده شد.

4. آیت الله سید محمد حجّت کوه کمری (1310 - 1372ق) : آیت الله سید محمد حجّت کوه کمری از شاگردان معروف آیت الله سید مرتضی خسروشاهی است. در مدت اقامت در تبریز از محضر ایشان بهره مند بود. او فرزند آیت الله سید علی، نسبش به سید محمد مصری ملقب به حجازی از اولاد امام سجاد 7 می رسد. در سال 1310ق در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، از اساتید فقه، اصول، ریاضیات، معقول، طب قدیم، طب جدید، فیزیک و شیمی بهره برد.

در 1330ق به نجف مهاجرت کرد و فقه و اصول را از محضر حضرات آیات: سید محمد کاظم یزدی، شیخ الشریعه اصفهانی، آقا ضیاء الدین عراقی، میرزا حسین نائینی، شیخ علی گنابادی و شیخ علی قوچانی، و رجال و حدیث را در محضر سید ابو تراب خوانساری، و ریاضیات و فلکیات را نزد علامه سردار کابلی یاد گرفت. او

تحصیل را همچنان ادامه می داد، تا آنکه مریض شد و به خواست پدر به تبریز آمد و پس از وفات آیت الله سید محمد کاظم یزدی و آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی به نجف بازگشت و سال ها از محضر اساتید آنجا استفاده کرد و خود در مسجد شیخ و مقبره میرزای شیرازی به تدریس پرداخت .

در 1349ق به ایران آمد و در قم سکنی گزید و به تدریس خارج فقه و اصول استدلالی پرداخت . آیت الله حجّت در بسیاری از علوم اسلامی استاد و صاحب نظر بود، نظرش دقیق ، رأیش استوار و حوزه درسی اش مملو از شاگردان فاضل و متقی بود. در فهم سخنان اهل بیت تیزبین و در استخراج معانی آن ها دقیق و نکته سنج بود. پس از رحلت آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی به انجام امور مذهبی و اداره حوزه علمیه قم مشغول گردید.

سید علی کوه کمری (پدرش)، شیخ عبدالله مامقانی، شیخ الشریعه اصفهانی ، میرزا محمد حسین نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی، سید حسن صدر کاظمی، سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد باقر بیرجندی، شیخ عبدالکریم حائری یزدی ، میرزا محمد تهرانی، شیخ اسدالله زنجانی، شیخ علی کاشف الغطاء، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء و شیخ احمد کاشف الغطاء، از مشایخ اجتهاد و روایت او بودند.

از آثار عمرانی ایشان ، مدرسه علمیه حجتیه در قم است که در بیست جمادی الآخره 1364ق در قم افتتاح گردید.

آثار علمی او در زمینه های فقه ، اصول و حدیث است که متأسفانه به دلیل وفات ناگهانی نیمه تمام ماندند.

وی در قم به رحمت حق پیوست و در مقبره خصوصی در مدرسه حجتیه دفن گردید. در سوگ وی بسیاری از شاعران عرب ، فارس و ترک به مرثیه گویی پرداختند.

5. آیت الله سید محمد علی موسوی زرین (1278 - 1361ق): آیت الله سید محمد علی موسوی زرین ، فرزند مرحوم حجت الاسلام سید عبدالرحیم، در سال 1287ق

ص: 389

در روستای زرین در پنج کیلومتری شرق اهر متولد شد. نسب شریفش با 36 واسطه به امام موسی بن جعفر (علیه السلام) می رسد. وی در حوزه های علمیه هریس، اهر، تبریز و مشهد به فراگیری علوم آل محمد 6 پرداخت و از اساتیدی چون شیخ علی مجتهد هریسی، و حضرات آیات شیخ احمد قراجه داغی، شیخ محمد علی فخرالعلماء، میرزا صادق آقا مجتهد تبریزی، میرزا ابوالحسن آقا انگجی، آقا سید محمد مولانا، آقا سید مرتضی خسروشاهی، حاج آقا حسین قمی، میرزا محمد آخوندزاده، شیخ علی اکبر نهاوندی و شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی استفاده کرد و به مقام بلند علمی نایل آمد. وی در طول تحصیل با عده ای از مفاخر آذربایجان مانند شیخ عیسی سدید، و حضرات آیات: سید ابوالفضل حسینی منیقی، سید مهدی انگجی، سید ابراهیم دروازه ای، سید علی مولانا و سید احمد خسروشاهی هم دوره بوده است.

صلاحیت علمی آیت الله موسوی زرین در جریان متحدالشکل شدن لباس، از طرف آیت الله حاجی میرزا احمد آقا قراجه داغی و آیت الله حاجی میرزا ابوالحسن آقا انگجی تأیید شد و دولت اجازه پوشیدن لباس روحانیت به او داد. در نامه ای که در تاریخ 28/11/1311 ش از طرف حکومت قراجه داغ ابلاغ شد، درباره ایشان چنین آمده است:

نظر به اجازه نامه محدثی از طرف حضرتین آیتین آقای حاجی میرزا احمد آقا قراجه داغی و آقای حاجی میرزا ابوالحسن آقا انگجی (دامت برکاتهما) به جناب آقای آقا میر محمد علی موسوی ساکن قریه زرین من محال اهر دارای ورقه هویت 246، مطابق نمره 5 از نامه 2 قانون متحدالشکل در پوشیدن لباس روحانیت مجاز خواهد بود و اداره محترم نظمیہ متعرض ایشان نخواهند شد. محل مهر حکومت قراجه داغ.

ایشان در سال 1320 ش برابر با 1361 ق رخ در نقاب خاک کشید و در زادگاه خویش به خاک سپرده شد.

6. آیت الله سید مهدی کماری (1322 - 1402ق): آیت الله سید مهدی کماری قراجه داغی تبریزی، فرزند علامه سید محمد، فرزند آیت الله محمد تقی موسوی کماری تبریزی در بیست و ششم ذی الحجه 1323 در شهر تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، سطح را نزد حضرات آیات: انگجی، سید محمد مولانا، سید مرتضی خسروشاهی و حاج میرزا علی اصغر ملکی تبریزی آموخت و در سال 1346ق به حوزه علمیه قم رفت و سطح را در محضر حضرات آیات میرزا محمد همدانی و شیخ محمد علی حائری قمی به پایان برد و در درس خارج از آیت الله حائری یزدی و آیت الله حجّت کوه کمری بهره مند گردید.

در سال 1350ق به نجف اشرف رفت و نزد حضرات آیات: میرزا محمد حسین نائینی، آقا ضیاءالدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و سید ابوالحسن اصفهانی، درس خود را به انجام رسانید و اجازه اجتهاد گرفت.

وی پس از ده سال اقامت در آن دیار به تهران آمد و در مسجد امامزاده زید 7 واقع در بازار تهران، به اقامه جماعت، ارشاد و تدریس پرداخت.

تألیفات وی بدین قرار است: 1. المباحث العقلیه؛ دو جلد؛ 2. رساله فی الإجازه؛ 3. شرح وسیله النجاه؛ 4. قاعده لاضرر؛ 5. کتاب الحج؛ 6. مباحث الألفاظ، دو جلد.

او در روز چهارشنبه اول ماه رمضان 1402ق در هشتاد سالگی در تهران دار فانی را وداع گفت و پیکر پاکش در ابتدای قبرستان وادی السلام قم به خاک سپرده شد.

7. علامه شیخ عبدالحسین امینی (1320 - 1390ق): علامه حاج شیخ عبدالحسین امینی، فرزند احمد، فرزند نجف علی (امین الشرع) در سال 1320ق به دنیا آمد. و پس از طی مراحل علمی طبق نوشته خود در مقدمه کتاب «شهداء الفضیله» تحصیلات خود را نزد آیت الله سید محمد مولانا و آیت الله سید مرتضی خسروشاهی ادامه داد و سپس به نجف اشرف رفت و در درس آیت الله سید محمد فیروزآبادی و آیت الله سید ابوتراب خوانساری شرکت کرد و از حضرات آیات: سید

آیت الله امینی علاوه بر آثار علمی فراوان، کتابخانه ای به نام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نجف به یادگار گذاشت. او در سال 1390 ق وفات یافت و در کتابخانه اش به خاک سپرده شد.

8. آیت الله میرزا عباسقلی واعظ چرندابی: آیت الله حاج میرزا عباسقلی صادقپور وجدی مشهور به «واعظ چرندابی» در سال 1315 ق مطابق با 1276 ش در شهر تبریز متولد شد. پس از پشت سر گذاشتن دوره طفولیت به اقتضای شوق فطری و استعداد خدادادی به فراگیری علوم اسلامی همت گماشت و در محضر فیض گستر آیت الله آقا شیخ علی شریانی (م 27 ذیقعده 1348) به تحصیل علوم آل محمد پرداخت. در شانزده سالگی با پدرش حاج صادق دلال که مرد بی سواد و پاک سرشتی بود، به زیارت بیت الله الحرام رفت و پس از مراجعت به تبریز، تحصیل علم را دنبال کرد و پیش علامه ذوفنون آیت الله حاج میرزا لطفعلی آقا امام جمعه

(م 1339 ق) که در علم فلک و ریاضیات و اسطرلاب و علوم غریبه تبحر زیاد و ید طولایی داشت، به تحصیل این علوم پرداخت.

آیت الله واعظ چرندابی سطوح عالی فقه و اصول را از حوزه درسی حضرات آیات: حاج سید محمد مولانا (م 18 جمادی الاولی 1363)، شیخ اسماعیل فقیه (م 27 رجب 1361) و حاج سید مرتضی خسروشاهی (م 6 رجب 1372) بهره برد.

در سال 1336 ق مدرسه ای به نام ارشاد در محله «راسته کوچه» در محلی که مشهور به «دیک باشی» است، تأسیس کرد، اما دیری نپایید که از این کار دست کشید و

ص: 392

1- شرح حال مفصل ایشان در کتاب «یادنامه علامه امینی» که به همت مرحوم دکتر سید جعفر شهیدی و استاد محمد رضا حکیمی بارها چاپ شده، آمده است.

شروع به تدریس علوم حوزوی مانند ادبیات و منطق در مدرسه علمیّه طالبیه کرد و با دریافت حق التدریس مختصری از محصلان متمول، امرار معاش می کرد. به سال 1341ق مدیریت مدرسه سرخاب و شتربان را که علمای شهر تأسیس کرده بودند، بر عهده گرفت و بر اثر تلاش های خستگی ناپذیر و خدمات فرهنگی مطلوب مورد تشویق بزرگ مرجع وقت آیت الله حاج میرزا صادق آقا مجتهد تبریزی واقع گردید. واعظ چرندابی در مورد فعالیت های خویش می گوید:

پس از چند سال همان مدرسه را ترک کردم و به وعظ و خطابه و تنویر افکار پرداختم، چون خطابه های من جنبه علمی داشته و با روح عصر موافق می بود، انعکاس و پیشرفت غربی در میان اهالی شهر خصوصاً طبقه فهمیده و محصل پیدا می کرد، و مدت متمادی بدین خدمت مفتخر بودم و در عین حال رشته تحصیل علوم را از دست نمی دادم و در سایه ذوق فطری، به گردآوری کتب متنوعه مشغول شدم تا در عرض سالیان دراز به یاری خداوند بی نیاز، موفق به تشکیل کتابخانه ای شدم که اکنون تعداد کتب و رسائل و مجلات آن قریب به ده هزار جلد بالغ می شود و بیش از سی دوره تفسیر قرآن مجید در کتابخانه شخصی موجود است که در طی سال های متمادی با خون دل جمع آوری شده است. کتابخانه ما از کتب مخطوطه نفیسه نادره مقدار کمی و مابقی تماماً کسوت طبع را پوشیده اند.

سرانجام رادمرد بزرگ عرصه های پژوهش و نگارش در روز چهارشنبه بیست و چهارم اسفند ماه 1345 برابر با سوم ذیحجه الحرام 1386 در زادگاه خویش درگذشت و جهان علم و ادب را داغدار کرد. جسم مطهر ایشان پس از غسل و کفن و تشییع شایسته و با اقامه نماز میت به وسیله آیت الله حاج سید محمد علی انگجی در قبرستان عمومی امامیه دفن گردید. خبر ارتحال این عالم بزرگ اسلامی در مجلات العرفان و مکتب اسلام و روزنامه های کیهان و مهد آزادی درج گردید و کتابخانه شخصی اش طبق وصیت وی در تاریخ 16/7/1346 به کتابخانه آستان قدس رضوی

تحويل داده شد. نوشته سنگ مزار آیت الله واعظ چرندابی بدین قرار است:

هو الحی الذی لا یموت

لازلت تلهج بالتاریخ مجتهداً *** حتی رأیتک فی التاریخ مکتوباً

آرامگاه علامه کبیر حضرت حجّت الاسلام و المسلمین آقای حاج میرزا عباسقلی آقا واعظ چرندابی (قدس سره) که در روز چهارشنبه سوم ذیحجه الحرام 1386 مطابق 24 اسفند ماه 1345 به رحمت ایزدی پیوست و در ردیف مفاخر و نوابغ بزرگ اسلامی در جریده عالم ثبت و ضبط شد.

لاصوت الناعی بفقدک إنه *** یوم علی آل الرسول عظیم

إن كنت قد غیبت فی جدث الثری *** فالعلم و التوحید فیک مقیم

9. آیت الله میرزا عبدالصمد مقدم دانایی (1305 - 1378 ش): آیت الله حاج میرزا عبدالصمد مقدم دانایی در سال 1305 ش در تبریز به دنیا آمد. قرائت قرآن را در شش سالگی به خوبی آموخت و در هفت سالگی به فراگیری علوم جدید پرداخت. پس از اتمام ششم ابتدایی، به عشق فراگیری علوم اسلامی در ردیف طلاب مدرسه طالبیه قرار گرفت و مقدمات و سطوح را از محضر حضرات آیات سید محمد بادکوبه ای، شیخ جعفر شیخ الانمه راسته کوچه ای، میرزا احمد اهری، سید مرتضی خسروشاهی و سید محمد کاظم طباطبایی معروف به «مفید آقا» آموخت. در حدود سال 1368 ق به شهر مقدس قم هجرت کرد و کفایه الاصول، سطوح عالی و تفسیر را از حضرات آیات: حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی، سید محمد باقر سلطانی طباطبایی، سید محمد حجّت کوه کمری، حاج آقا حسین بروجردی، سید محمد تقی خوانساری، سید شهاب الدین مرعشی نجفی و علامه سید محمد حسین طباطبایی آموخت و در حدود سال 1375 ش به زادگاهش مراجعت کرد و به تدریس، اقامه نماز جماعت، تفسیر قرآن مجید و بیان احکام الهی در مسجد گازران و مسجد شعبان پرداخت.

ص: 394

آیت الله مقدم دانایی کتابخانه ای عظیم ، حاوی کتاب های چاپی و خطی داشت . او مزین به فضایل اخلاقی و دارای طبع شعر بود که نمونه ای از اشعارش در سوگ استادش آیت الله خسروشاهی نقل گردید. تألیفات وی عبارت است از:

1. مقالات اخلاقیه یا خطابات مقدمه (فارسی ، تبریز، 1341ش)؛ 2. مناجات دانایی (فارسی ، تبریز)؛ 3. توحید یا خداشناسی (فارسی ، خطی)؛ 4. منظومه ای در منطق (فارسی ، خطی)؛ 5. نوای عندلیب، در اشعار متفرقه (فارسی ، خطی)؛ 6. دیوان اشعار، دو جلد (فارسی ، خطی).

عاقبت این عالم فرهیخته در اواخر شعبان 1420 ق برابر با 5/9/1378 ش در 73 سالگی در تبریز وفات یافت و جسم شریفش پس از تشییع و اقامه نماز میت در قبرستان وادی رحمت در قطعه صدیقین به خاک سپرده شد. نوشته سنگ مزار وی بدین قرار است :

العلماء ورثه الأنبياء

حضرت آیت الله حاج میرزا عبدالصمد مقدم دانایی فرزند مرحوم علی . تولد 1305، وفات 5/9/1378.

از کنار قبر من ای رهگذر چون بگذری *** با بصیرت کن نظر ما را به قرآن یاد کن

فکر خود را هم بکن آماده آذوقه باش *** خانه قبر خودت را با عمل آباد کن

10. آیت الله میرزا عبدالکریم ملایی (1348 ق - 1389 ش) : آیت الله حاج میرزا عبدالکریم ملایی پور قرجه داغی تبریزی ، فرزند کربلایی عباسعلی ، فرزند عبدالکریم در سال 1308 ش مطابق با 1348 ق در شهرستان تبریز دیده به جهان گشود. در هفت سالگی تحصیلات خویش را آغاز کرد و ادبیات فارسی را در محضر پدرش آموخت . او سپس وارد حوزه علمیه تبریز گردید و در مدرسه طالبیه و حسن

ص: 395

پادشاه سکنی گزید و جامع المقدمات و حاشیه ملا عبدالله را از حاج میرزا علی گوگانی، سیوطی، جامی و معالم را از حاج میرزا محمود انصاری، مغنی را از آیت الله حاج میرزا ولی الله اشراقی سرابی، مطول را از علامه شیخ علی اکبر نحوی، شرح تجرید را از آیت الله حاج سید محمد بادکوبه ای، شرح لمعه، شرح منظومه (قسمت منطوق) و رسائل را در محضر حضرات آیات: حاج سید مرتضی خسروشاهی و سید کاظم شریعتمداری و مکاسب محرمة را در نزد حاج شیخ حسین شنب غازی فرا گرفت و در سال 1330 ش به قم مهاجرت نمود و به مدت دوازده سال در مدرسه حجتیه اقامت گزید.

وی در حوزه علمیه قم به تکمیل آموخته های خود پرداخت و باقی مانده شرح منظومه (قسمت حکمت) را از علامه سید محمد حسین طباطبایی، و قسمت بیع و خیارات مکاسب را از آیت الله حاج میرزا محمد مجاهدی و آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی، و کفایه الاصول را از حضرات آیات: سلطانی طباطبایی و مجاهدی کسب فیض کرد و با دوستان فاضلش آیت الله حاج میرزا علی الهامی، حاج میرزا اسماعیل سرابی و حاج میرزا حسین قزوینی به مباحثه پرداخت و سپس در جلسات درس خارج فقه و اصول حضرات آیات: حاج آقا حسین بروجرودی، امام خمینی، شیخ عباسعلی شاهرودی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی و سید کاظم شریعتمداری حاضر شد و به دریافت اجازه شفاهی استنباط و اجتهاد احکام الهی از دو استاد اخیر و اجازه امور حسبه از آیت الله مجاهدی نایل آمد و خودش نیز به برخی از روحانیون اجازه امور حسبه داد. آثار علمی و پژوهشی وی بدین قرار است:

1. تقریرات بحث خمس آیت الله بروجرودی (عربی، قم، 1366 ش)؛
2. تقریرات بحث های صلوات، حج، منجزات مریض، قضا، طهارت آیت الله بروجرودی (عربی، خطی)؛
3. تقریرات یک دوره اصول و مطهرات آیت الله شاهرودی (عربی، خطی)؛
4. تقریرات اصول آیت الله شریعتمداری (عربی، خطی)؛
5. نثر اللالی فی شرح نظم اللالی (فارسی، قم، 1365 ش)؛
6. صیغ نکاح و طلاق (فارسی، قم، 1360 ش)؛
7. موضح رموز الرسائل در شرح بحث قطع رسائل (عربی، خطی).

وی فقیهی پارسا، مُجدد، خوش برخورد، دارای پشتکار و عالمی عامل است. وی حدود شصت سال به تدریس ادبیات عربی، معالم، منطق، تجوید، لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه الاصول و خارج فقه پرداخت و در سال 1389 در قم درگذشت.

11. آیت الله میرزا عبدالمطلب فقیه اردوبادی (1304 - حدود 1378ق): میرزا عبدالمطلب فقیه اردوبادی، فرزند اسماعیل در سال 1304ق در اردوباد متولد شد. در غائله بلشویک ها همراه برخی دیگر از علما به ایران آمد و در ارومیه سکونت گزید. سپس به تبریز رفت و در درس فقه و اصول آیت الله انگجی و آیت الله سید مرتضی خسروشاهی حاضر شد و در اخلاق و تهذیب نفس از آیت الله حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی بهره ها برد و سرانجام ارومیه را برای اقامت خود انتخاب کرد و در پی بعضی از حوادث و بیم از حکومت، در بازار به فرش فروشی پرداخت. آیت الله شیخ محمد فوزی، از شاگردان وی، درباره استادش می گوید:

ایشان از نظر فضل و معلومات جزء علمای بنام و طراز اول ارومیه به شمار می رفت و به اقامه نماز جماعت و وعظ و خطابه و تدریس در مسجد خود اشتغال داشت.

آثار وی بدین ترتیب است:

1. تقریرات درس طهارت آیت الله انگجی (خطی)؛ 2. کتابی درباره امام زمان (عج) (خطی)؛ 3. دعوت محمدیه (چاپی)؛ 4. حاشیه بر العروه الوثقی (خطی).

سرانجام در جمادی الآخره 1378ق مطابق با دی ماه 1337ش در 74 سالگی در ارومیه وفات کرد و در قبرستان شیخان قم دفن گردید.

12. آیت الله میرزا علی الهامی (1303ش - ...) : آیت الله حاج میرزا علی الهامی کلوانقی، در سال 1303ش مصادف با 1343ق در روستای کِلَوَانَق واقع در 32 کیلومتری شمال غربی بستان آباد در خانواده ای کشاورز به دنیا آمد. در شش سالگی قرآن کریم و برخی از کتاب های فارسی متداول در آن روز را در زادگاهش آموخت و

ص: 397

سپس در سنین نوجوانی به تبریز آمد و در مدرسه طالبیه صرف و نحو را از مرحوم میرزا حسین علی و حاشیه را از میرزا علی گوگانی، شرح باب حادی عشر، شرح تجرید الاعتقاد و کشف المراد را از آیت الله سید محمد بادکوبه ای، شرح لمعه را از آیت الله حاج سید ابراهیم دروازه ای، رسائل را از آیت الله حاج سید مرتضی خسروشاهی و قسمتی از مکاسب را از آیت الله حاج میرزا فتاح شهیدی فراگرفت و با حضرات آیات: حاج میرزا حسین ایوبی، حاج میرزا عبدالکریم ملایی و میرزا محمد فیض زرنقی به مباحثه پرداخت.

در سال 1364 ق راهی حوزه علمیه قم گردید و در مدرسه فیضیه و حجتیه سکونت نمود. بخش دیگر مکاسب را از آیت الله حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی، کفایه الاصول را از آیت الله سید محمد باقر سلطانی طباطبایی و تفسیر را نزد علامه سید محمد حسین طباطبایی آموخت و با دوستانی همچون حضرات آیات: سید مهدی روحانی، حاج میرزا علی احمدی میانجی، سید کاظم حسینی میانجی، شیخ احمد آذری قمی و برخی دیگر به مباحثه تفسیر پرداخت.

وی پس از پایان دوره سطح، در درس های خارج فقه و اصول حضرات آیات: سید محمد حجت کوه کمری، حاج آقا حسین بروجردی، شیخ عباسعلی شاهرودی، سید محمد رضا گلپایگانی، سید کاظم شریعتمداری و امام خمینی (به مدت پانزده سال) حاضر گردید و سال ها از فضل و دانش آن ها استفاده نمود و از حضرات آیات بروجردی، سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خوبی، سید مرتضی خسروشاهی، سید محمد تقی خوانساری و شیخ محمد علی اراکی اجازه امور حسبه دریافت داشت و آثار علمی وی چنین است:

1. توضیح المسائل (فارسی، قم، 1384 ش)؛ 2. مناسک حج (خطی)؛ 3. حاشیه بر تکمله المنهاج (خطی)؛ 4. حاشیه بر العروه الوثقی (خطی).

از فعالیت های وی در طی سال های اخیر تبلیغ و ارشاد مردم در شهرهای تهران، قزوین، میاندوآب و تدریس سطوح مختلف حوزوی و قضاوت پانزده ساله در دیوان عالی کشور است، او هم اینک در حوزه علمیه قم سکونت دارد و پسرش شهید صادق الهامی از شهیدان سرافراز انقلاب اسلامی است.

13. آیت الله میرزا علی قزلبچه ای (1305ش - ...) : آیت الله حاج میرزا علی الهی فر معروف به «قزلبچه ای»، فرزند ملا محمود، فرزند ملا رفیع، فرزند شیخ حسن، فرزند شیخ آقا در سال 1305ش برابر با 1345ق در روستای قزلبچه از محال عباسی شهرستان بستان آباد در خانواده ای روحانی که پدرانش از سلسله جلیله روحانیت بودند، متولد شد.

در سال 1324ش به تبریز آمد و به مدت شش سال در آن شهر اقامت کرد و کتاب های حاشیه، سیوطی، مغنی، جامی، مطول را در نزد حاج میرزا علی اکبر قاری و علامه شیخ علی اکبر نحوی و شرح لمعه را از آیت الله سید احمد خسروشاهی، رسائل را از آیت الله حاج سید هادی خسروشاهی (حاتمی) و بخشی از مکاسب را در محضر آیت الله سید مرتضی خسروشاهی فرا گرفت و سپس در 1329ش به قم رفت و از درس آیت الله حاج آقا حسین بروجردی و امام خمینی استفاده کرد. سپس به نجف اشرف مهاجرت نمود و قسمت باقیمانده مکاسب را نزد آیت الله حاج میرزا احمد اهری آموخت و از درس خارج فقه و اصول حضرات آیات: سید ابوالقاسم خویی، شیخ حسین حلی، سید محسن حکیم، سید عبدالهادی شیرازی بهره مند شد و در این ایام با آقایان سید محمد رجایی، شیخ جواد دشتی، حاج سید محمد باقر کاشانی هم درس و هم بحث گردید و پس از ده سال اقامت در نجف اشرف به تبریز آمد. آثار علمی ایشان چنین است:

1. تقریرات بحث اجاره و حج آیت الله حکیم (خطی)؛ 2. تقریرات مباحث الفاظ و خیارات مکاسب آیت الله حلی (خطی)؛ 3. تقریرات بحث مکاسب آیت الله خویی (خطی).

ایشان دارای اجازات امور حسبه و روایی از آیت الله خویی و آیت الله سید محمد هادی میلانی است و از سال 1342ش همگام با روحانیت مبارز آذربایجان علیه ظلم و ستم مبارزه کرد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی سه بار در جبهه های حق علیه باطل حضور یافت و سال ها امامت جمعه موقت تبریز را برعهده داشت.

14. آیت الله میرزا کاظم تبریزی (1340 - 1416ق): آیت الله حاج میرزا کاظم قارویی تبریزی، فرزند حاج فرج الله در سال 1300ش برابر با 1340ق در «محلہ دوچی تبریز» متولد شد. ادبیات و سطوح را در محضر استادانی چون میرزا علی اکبر نحوی، حاج میرزا علی اصغر فقیهی باغمیشه ای، حاج میرزا محمود انصاری، فاضل دنبرانی، ملا احمد تاهباز و آیت الله سید مرتضی خسروشاهی فراگرفت و سپس به زنجان و تهران رفت و در تهران فلسفه را از آیت الله شیخ محمد علی شاه آبادی و آیت الله میرزا مهدی آشتیانی یاد گرفت و در سال 1361ق همراه علامه شیخ محمد تقی جعفری به نجف اشرف رفت و در مدرسه بخارایی سکونت کرد و در سطوح عالی، خارج فقه و اصول، تفسیر و رجال حضرات آیات: شیخ موسی خوانساری، شیخ مرتضی طالقانی، شیخ محمد علی کاظمی، سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا علی آقا قاضی طباطبایی، شیخ محمد کاظم شیرازی، سید هادی خراسانی، شیخ جعفر بدیری، شیخ محمد رضا آل یاسین، شیخ محمد حسین تهرانی، سید ابراهیم اصطهباناتی، سید محسن حکیم، شیخ حسین حلی، میرزا باقر زنجانی، سید محمود شاهرودی، سید محمد هادی میلانی، سید علی بهبهانی رامهریزی و سید ابوالقاسم خویی شرکت کرد و هم زمان با تحصیل به تدریس سطوح عالی و خارج فقه و اصول پرداخت.

وی در پی یک بیماری طولانی در صبح 18 رجب 1416 برابر با 20 شهریور 1374 چشم از جهان فرو بست و پس از اقامه نماز به امامت آیت الله سید تقی قمی در قبرستان ابو حسین قم به خاک سپرده شد. (1)

15. آیت الله میرزا محسن کوچه باغی (1305 - 1390 ش): حاج میرزا محسن طالب حقیقت معروف به «کوجه باغی» در دوم مهرماه سال 1305 برابر بایست و

ص: 400

دوم ربیع المولود 1345 در محله کوچه باغ شهرستان تبریز متولد شد. پدرش از علمای تبریز بود.

میرزا محسن دوران کودکی را در کنار پدر و مادر خویش سپری کرد و پس از آموختن قرآن کریم در شش سالگی به مدرسه اعتماد که بعدها به انوری تغییر نام داد، رفت و در سال ششم دبستان شاگرد ممتاز در ایران شناخته شد و کتاب تاریخ اسلام تألیف کارلایل را به عنوان جایزه دریافت نمود.

پس از فراغت از کلاس نهم دبستان در عصر اختناق رضاخان پهلوی وارد مدرسه طالبیه گردید و دروس مقدماتی، مغنی و مطول را در نزد آیت الله میرزا باقر ویجویه ای و حاج شیخ حسن معصومی یکی پس از دیگری آموخت و کتاب های شرح لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه الاصول، شرح اشارات و منظومه را از محضر استادان بنامی همچون حضرات آیات: میرزا باقر ویجویه ای، شیخ جعفر شیخ الاثمه، حاج میرزا عبدالله مجتهدی تبریزی، سید علی مولانا، سید حسن انگجی، سید محمد کاظم مفید، شیخ حسین شب غازی، حاج میرزا فتاح شهیدی و حاج سید ابوالقاسم قاری یاد گرفت و آن گاه در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات: حاج میرزا فتاح شهیدی، حاج سید مرتضی خسروشاهی و حاج میرزا رضی زنوزی حاضر شد و از آن ها بهره ها برد.

وی در حالی که هنوز از عمرش 23 سال سپری نشده بود، در سال 1368 ق به عتبات عالیات مهاجرت نمود و در شهر مقدس نجف اشرف و کربلای معلّی از دروس فقه و اصول حضرات آیات: سید محسن حکیمخویی، سید عبدالله شیرازی، سید عبدالهادی شیرازی، شیخ حسین حلی، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء و سید محمد هادی میلانی استفاده نمود و در همان سال و در راه به عراق در جوار بارگاه ملکوتی حضرت سید الشهداء (علیه السلام) با دست های مبارک آیت الله سید محمد هادی میلانی ملبس به لباس روحانیت گردید و پس از ده سال اقامت در حوزه علمیه نجف اشرف و کسب فیض از فقیهان آن دیار به تبریز مراجعت کرد و این

سفرهای زیارتی و علمی به نجف اشرف ادامه داشت که به سبب کهولت دیگر ادامه نیافت. وی در اثر شایستگی و استعداد وافر موفق به دریافت اجازات متعدد اجتهاد و نقل حدیث از علمای بنام جهان اسلام گردید. آثار علمی و تحقیقی وی چنین است:

1. تقریرات درس آیت الله شیخ حسین حلی (خطی)؛ 2. تقریرات درس صلوات مسافر آیت الله خویی (خطی)؛ 3. تقریرات درس اصول آیت الله خویی (خطی)؛ 4. تصحیح حاشیه آیت الله شهیدی بر مکاسب شیخ انصاری (عربی، تهران، 1380ق)؛ 5. تصحیح حاشیه آیت الله شهیدی بر وسیله النجاه (مطبوع)؛ 6. آداب الحرمین (فارسی - عربی، تبریز، 1398ق)؛ 7. انیس العابدین (فارسی - عربی، تبریز، 1396ق)؛ 8. تصحیح بصائر الدرجات (عربی، تهران، 1380ق)؛ 9. سرد المقال فی أحوال الصفا (عربی، تبریز، 1380ق)؛ 10. شفیع المذنبین (فارسی - عربی، تبریز، 1377ق)؛ 11. البرهان علی وجود صاحب الزمان (عج) (فارسی - عربی، تبریز، 1413ق).

او شصت سال تمام به تدریس متون فقهی، اصولی، ادبی و فقه خارج مشغول بود و اخیراً به رحمت خدا رفت.

16. آیت الله میرزا محمد مجاهدی (1324 - 1380ق): آقا میرزا محمد مجاهدی تبریزی، فرزند حاج میرزا علی اکبر مجاهد، فرزند آخوند ملا سلیمان حسن آبادی در سال 1324ق/1285ش در شهر تبریز به دنیا آمد. دروس حوزوی را در زادگاهش فرا گرفت و یکی از اساتید او آیت الله سید مرتضی خسروشاهی بود. ایشان در جوانی به قم آمد و به تحصیل پرداخت. او در جوار مرقد منور کریمه اهل بیت، حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) در محافل علمی نخبگانی همچون حضرات آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (1276 - 1355ق)، میرزا محمد همدانی (1315 - 1365ق)، سید محمد حجت کوه کمری (1310 - 1372ق) و حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی (1292 - 1380ق) حضور یافت و از حضرات آیات: سید ابوالحسن اصفهانی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و سید محمد هادی میلانی (25 شعبان 1366ق)

اجازه اجتهاد، از سید محسن حکیم اجازه روایی (20 رمضان 1372ق) و از سید محمد حجّت کوه کمری (6 رمضان 1366ق) اجازه امور حسبیّه دریافت نمود.

آیت الله مجاهدی، پس از کسب کمالات علمی و عملی، در حوزه علمیه قم شروع به تدریس و تربیت طلاب کرد و بیست بار مکاسب و شانزده بار کفایه الاصول را تدریس نمود. او استادی مهربان، دلسوز، دقیق، نکته سنج و موشکاف بود و به صورت دقیق و ریشه ای معضلات کفایه را می شکافت و بیان می کرد.

ایشان در مسجد امام حسن عسکری(علیه السلام) و مدرسه حجّتیّه تدریس می نمود و بسیاری از فضلا و محصلین علوم دینی در محفل علمی اش شرکت می کردند.

شماری از شاگردان آن بزرگوار، هم اکنون در ردیف عالمان، مدرسان، واعظان، محققان، نویسندگان، فقیهان و مراجع تقلید هستند.

آیت الله میرزا محمد مجاهدی بسیار مهذب، وارسته و متقی بود. خوش برخوردی، مواسات با مردم، دستگیری از فقرا، رسیدگی به وضع معیشتی طلاب، تحمّل سختی ها و مشکلات زندگی، دوری از گناه، دقت، فهم درست مطالب علمی، علاقه سرشار به علم و عمل و مهم تر از همه بُعد شجاعت و غیرت دینی ایشان زبانزد خاص و عام بود، اگر در جایی منظره ای می دید که مخالف با شؤون اسلامی است، به وظیفه شرعی خویش عمل می کرد و خلاف مقررات الهی را از هیچ کسی بر نمی تافت. در خانه اش همواره به روی مراجعین باز بود، ولی در عین حال از مطرح شدن می هراسید. فرزند بزرگ ایشان می گوید:

من در طول سال هایی که در خدمتشان بودم، ندیدم که در یکی از اعیاد در خانه بماند که مبادا دو نفر به دیدن ایشان بیاید. از این مسأله کراهت داشتند که مبادا مطرح بشوند و صبح زود از خانه بیرون می رفتند.

آن فقیه فرزانه، در عمر کوتاه خود آثار علمی خوبی به یادگار گذاشته که عبارت اند از:

1. الهدایه الی رموز الکفایه (عربی، خطی)؛ 2. نقد اللالی فی فروع العلم الاجمالی (عربی، خطی)؛ 3. قید الفوائد و کشکول (عربی - فارسی، خطی)؛ 4.

إلزام النواصب بإمامه عليّ بن ابي طالب (عربي، خطي)؛ 5. المعارف و العقائد و الاخلاق، چهار جلد (فارسي، خطي)؛ 6. شرح سيوطي؛ 7. تفسير سوره حمد.

این استاد نامدار حوزه علمیه قم، پس از سال ها تهذیب نفس، تحقیق، تربیت شاگردان و پروراندن فرزندان صالح، بر اثر عارضه سرطان خون در بیمارستان بازرگانان تهران جان به جان آفرین تسلیم کرد. با انتشار خبر رحلت این عالم فرهیخته بازار تهران و دروس حوزه به مدت یک هفته تعطیل شد و پیکر پاکش پس از تشییع شایسته و اقامه نماز میت به امامت مرجع تقلید وقت، آیت الله حاج آقا حسین بروجردي - با وجود کهولت، کسالت و تب - در مقبره آیت الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد. نوشته سنگ مرقد مطهر وی که آیت الله سیّد شهاب الدین مرعشی آن را نوشته، چنین است:

هو الباقي

قد ارتحل من هذه النشأة الدنيّة إلى دارالسرور العالم الجليل و الحبر التّيبيل و من جدّ و اجتهد في التدريس و تربيته المتعلمين بحيث كان من جهابذه الأساتذه في الحوزه العلميه من يهوى إليه أفنده الطلبة من كلّ فجّ حضرت حجّه الاسلام و المسلمین آيه الله الميرزا محمّد المجاهدي التبريزي (طاب ثراه) و كانت الجثّه ماواه توفى (قدس سره) في عشاء الأربعاء بعشرين من ثاني الربيعين سنه ثلاث مائه و ثمانين بعد الألف من الهجره، 1380. (1)

17. آیت الله میرزا ولی الله اشراقی سرابی (1289 - 1350 ش): آیت الله حاج میرزا ولی محمّد اشراقی سرابی از شاگردان برجسته آیت الله خسروشاهی در سال 1329 ق در روستای شیره جین سراب به دنیا آمد. پدرش شادروان کربلایی هاشم شخصی با ایمان و زارع بود.

در هفت سالگی به فراگیری کلام الهی پرداخت و تحصیلات ابتدایی را در

ص: 404

مکتب خانه زادگاهش، نزد حاج میرزا عبدالحمید شیره جینی به خوبی یاد گرفت. آن گاه به شهرستان سراب عزیمت نمود و مقدمات علوم عربی را از محضر آیت الله حاج میرزا محمد تقی نوری سرابی و دیگران اخذ کرد و سپس در حالی که هفده بهار از عمرش سپری شده بود، در سال 1346 ق راهی حوزه علمیه تبریز گردید و در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات: حاج میرزا محمود دوزدوستانی، سید مرتضی خسروشاهی، حاج میرزا فتاح شهیدی، حاج میرزا ابوالقاسم گرگری حاضر شد و از فیوضات علمی آن ها بهره برد و آن گاه به تدریس کلام، تفسیر و سطوح خارج فقه پرداخت و از استادان بزرگ حوزه های علمیه نجف، قم، مشهد و تبریز موفق به دریافت اجازات روایت و اجتهاد گردید.

مشایخ علمی و روایی وی عبارت اند از حضرات آیات: 1. حاج میرزا ابوالحسن انگجی، 2. حاج شیخ عبدالکریم حائری، 3. سید ابوالحسن اصفهانی، 4. حاج میرزا محمود دوزدوستانی، 5. سید محمد حجّت کوه کمری، 6. سید مرتضی خسروشاهی، 7. سید کاظم شریعتمداری، 8. سید ابوالقاسم خویی، 9. سید شهاب الدین مرعشی، 10. حاج میرزا عبدالله مجتهدی سرابی، 11. حاج میرزا فتاح شهیدی، 12. حاج میرزا ابوالقاسم گرگری، 13. شیخ عبدالنبی عراقی، 14. سید محمد هادی میلانی، 15. سید محسن حکیم.

آیت الله اشراقی فعالیت های اجتماعی، تبلیغی و علمی وسیعی داشت و قائل به وجوب تعیینی نماز جمعه بود. حاصل تلاش های خستگی ناپذیر و مطالعات حدود شانزده ساعته وی در طول شبانه روز، تحریر، تحقیق و تدوین بیش از 45 عنوان کتاب در رشته های مختلف علمی مانند تاریخ اهل بیت، تفسیر، علوم قرآنی، فقه، اصول، حدیث، رجال، تراجم و کلام گردید که امید است به همت فرزندان او به چاپ رسد. سرانجام وی در سوم محرم 1392 برابر با 1350 ش در تبریز بدرود حیات گفت و پس از تشییع شایسته در گورستان محله امیرخیز معروف به قوم تپه به خاک سپرده شد. سپس بر اثر تخریب قبرستان یاد شده در سال های اخیر، پیکرش به قبرستان وادی رحمت منتقل گردید و در قطعه هنرمندان دفن شد. نوشته سنگ مرقد وی چنین است:

مرقد فقیه مفسر، محقق عالی قدر آیت الله حاج میرزا ولی الله اشراقی (أعلى الله مقامه) مؤلف 48 جلد کتاب بزرگ و رساله تحقیقی در علوم و معارف اسلامی 1287 - 1351 ش.

در حاشیه های راست و چپ و بالا و پایین مزار عبارات زیر آمده است:

تألیفات مطبوع: 1. اثبات الرجعه؛ 2. اثبات الآیات؛ 3. توضیح آیات الاحکام؛ 4. جمعه را در یابید؛ 5. اثبات الوظیفه؛ 6. بدائع الحکمه.

تألیفات خطی: 1. الإرشاد، شش جلد؛ 2. اثبات الآیات، دو جلد؛ 3. إثبات الرجعه، دو جلد؛ 4. الجمعه ما الجمعه؛ 5. تفصیل الآیات؛ 6. تفسیر آیات الاخلاق؛ 7. سایر تألیفات در مباحث فقه و اصول .

18 - آیت الله سید اسماعیل اصفیایی (1328-1410 ق)

آیت الله حاج سید اسماعیل اصفیایی شندآبادی فرزند میرعبدالله در سال 1328 ق در روستای «شندآباد» از توابع شهرستان «شبرستان» به دنیا آمد. قرآن، ابواب الجنان، گلستان سعدی، تاریخ معجم، تنبیه الغافلین و نصاب الصبیان را در مکتب خانه شندآباد فراگرفت و سپس به شبستر آمد و در نزد آیت الله حاج میرزا کاظم آقا شبستری به تکمیل علوم دینی پرداخت. آنگاه به حوزه علمیه تبریز رفت و در محضر آیت الله انگجی و آیت الله حاج سید مرتضی خسروشاهی به تحصیل سطوح عالی پرداخت و در کنار تحصیل به تدریس و امامت مسجد امامزاده سید حمزه روی آورد و به تفسیر قرآن کریم اشتغال ورزید.

ایشان اواخر عمر شریف را در قم سکنی نمود و به تهذیب و تزکیه نفس پرداخت، برخی از ویژگی های اخلاقی مانند تواضع و فروتنی، رقت قلب، پرهیز از مقام و جاه طلبی، دلسوزی و رسیدگی به طلاب، عشق به حضرت ولیعصر (عج)، توجه به حاجات مردم، و نظم در کارها سبب گردید که مورد توجه علمای بزرگ قرار گیرد. فرزندش سید محمد اصفیایی در مورد توجه وی به روزه های استحبایی می نویسد:

ص: 406

ایشان از سال 1342 روزه مستحبی را از اول ماه رجب شروع نموده و به استثنای ایام عید فطر و قربان و روز عاشورا، افطار نکرد و پس از گذشت یک سال، سحری را هم از برنامه خود حذف نمود و فقط برای استحباب سحور، مقدار یک استکان شیر می خورد و تا سال 1356 به همین منوال گذشت و پس از آن فقط ایام مندوب الیه ماه ها را امساک می کرد و در ایامی که روزه نبود، فقط صبحانه و شام می خورد.

وی علاقه فراوانی به بنیانگذار جمهوری اسلامی داشته و در اوایل انقلاب اسلامی به امامت جمعه شهرستان مراغه منصوب شد که بنا به مصالحتی بعد از مدت کمی به قم مراجعت نمود.

آثار و تألیفات وی چنین است :

1. تحقیق و چاپ محاسبه النفس تألیف سید بن طاووس؛ 2. کشف الریبه (چاپ مکرر).

وی در تاریخ بیست و ششم آذرماه 1368 ش مطابق با هیجدهم جمادی الاول 1410 ق وفات نمود و در باغ بهشت (مقبره علما) به خاک سپرده شد. زمانی که خبر رحلت ایشان به آیت الله اراکی رسید فرمود: اصفیایی از اصفیا بود. و نیز وقتی که آیت الله بهاءالدینی خبر ارتحال او را شنید فرمود: ایشان در آنجا (جهان آخرت) حکومت دارد.

فرزندانش عبارت است از :

1. روحانی وارسته، حاج سید عبدالله فاطمی نیا از افاضل علمای آذربایجان، مقیم تهران.

2. دانشمند نسخه پژوه، سید محمد اصفیایی.

3. سید علی اصفیایی.

4. سید محسن اصفیایی. (1)

ص: 407

آیت الله حاج میرزا محمود حسنی نسیان شتربان معروف به «شتربانی»، فرزند حسن در سال 1335 ق برابر با 1294 ش در محله «شتربان» تبریز دیده به جهان گشود و بعضی از علوم ادبی را به طور خصوصی خواند و آنگاه در 15 سالگی به مدرسه حسن پادشاه رفت و مقدمات علوم ادبی را از آیت الله حاج میرزا حسین ایوبی، حاشیه را از آیت الله حاج میرزا علی عسگر باغمیشه ای، قسمت عمده معالم را از آیت الله حاج میرزا علی اکبر مرندی، بخشی از لمعه را از آیت الله سید ابراهیم دروازه ای، رسائل را از آیت الله حاج میرزا محمود دوزدوزانی، مکاسب را از آیت الله حاج میرزا جواد سلطان القرایی و جلد اول کفایه الاصول را از آیت الله دوزدوزانی بهره برد و سپس برای تکمیل آموخته های خویش به مشهد رفت و جلد دوم کفایه الاصول را نزد آیت الله حاج میرزا احمد کفایی خواند و بعد در جلسات خارج فقه آیت الله سید یونس اردبیلی حاضر شد و پس از آن مشهد را به سوی قم ترک کرد و بعد از اندک مدتی اقامت در آنجا به امر آیت الله حاج آقا حسین بروجردی به تبریز عزیمت نمود و در مدرسه حسن پادشاه به تدریس پرداخت.

ایشان در کنار تدریس در حوزه علمیه تبریز در ردیف شاگردان برجسته آیت الله حاج میرزا فتاح شهیدی، آیت الله حاج سید مرتضی خسروشاهی و آیت الله حاج میرزا رضی زنوزی قرار گرفت و سال ها در محضر آن ها کسب فیض نمود و در حاشیه آن از تفسیر آیت الله حاج سید کاظم شریعتمداری و کلام آیت الله حاج سید مرتضی مستنبط استفاده نمود و در طول تحصیل با بزرگانی چون آیت الله حاج میرزا جواد آقا تبریزی، آیت الله سید یوسف مدنی تبریزی، آیت الله حاج میرزا ولی الله اشراقی سرابی و سید موسی اهری به مباحثه پرداخت. وی از آیت الله سید ابوالقاسم خویی، آیت الله سید محسن حکیم، آیت الله سید محمد هادی میلانی، آیت الله سید عبدالهادی شیرازی، آیت الله سید کاظم شریعتمداری، امام خمینی، آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی، آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی، آیت الله شیخ محمد تقی بهجت، آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی، آیت الله سید علی خامنه ای اجازه امور حسبه و از آیت الله

حاج شیخ یوسفعلی ممقانی و آیت الله مرعشی نجفی اجازه نقل اخبار و احادیث دارد و خود ایشان نیز به عده ای از افاضل اجازه روایتی داده است.

برخی از آثار علمی و قلمی وی چنین است :

1. ارشاد الحج؛ 2. میزان السعاده؛ 3. سفرنامه جبهه و جنگ؛ 4. زندگینامه چهارده معصوم؛ 5. جنگ و جهاد از دیدگاه قرآن؛ 6. ترجمه رساله الحقوق؛ 7. برادران سفر بخیر؛ 8. تقریرات بحث (باب عدّه) آیت الله اردبیلی؛ 9. تقریرات بحث فقهی آیت الله شهیدی؛ 10. تقریرات بحث فقهی آیت الله خسروشاهی.

ایشان در سال 1331 ش به سفارش علمای وقت آذربایجان و درخواست مردم منطقه باسمنج، در آن دیار رحل اقامت افکند و بیش از نیم قرن در آن شهر مشغول خدمات علمی، دینی، فرهنگی و عمرانی بود. برخی از خدمات ایشان که به کمک اهالی خیر محل صورت گرفته، چنین است :

1. تأسیس بیمارستان 25 تخت خوابی با هزینه حاج علی صباح امیرخیزی؛ 2. احداث دبیرستان باقرالعلوم با هزینه خانواده حیدرنامی؛ 3. احداث دبستان ثامن الائمه با هزینه خانواده حیدرنامی؛ 4. تجدید بنای مسجد امام حسن (علیه السلام)؛ 5. تجدید بنای مسجد امام حسین (علیه السلام)؛ 6. تجدید بنای مسجد شهداء؛ 7. تجدید بنای مسجد قلعه (ولیعصر فعلی)؛ 8. تجدید بنای مسجد دیزج؛ 9. احداث مسجد حاج ابدال؛ 10. تجدید بنای مسجد جانقور؛ 11. تجدید بنای مسجد شادباد؛ 12. تبلیغ و ترویج احکام الهی در مسجد ملا حسن واقع در خیابان مفتوح؛ 13. اقامه نماز ظهر و عصر در مسجد امام حسین (علیه السلام)؛ 14. اقامه نماز مغرب و عشاء در مسجد قلعه (مسجد امام حسین (علیه السلام)).

معظم له ساکن باسمنج بوده و از علمای طراز اول آن منطقه به شمار می رفت. او در بین علمای آذربایجان موصوف به فضل و تقوا بوده و با اعمال و رفتار بسیار نیکوی خود موجب آبروی اسلام و روحانیت شده است. وی در دوران جنگ تحمیلی علیه ایران 12 بار عازم جبهه های حق علیه باطل شده و خاطرات تلخ و شیرین بسیاری از آن روزها به یاد دارد. (1)

ص: 409

آیت الله حاج سید مهدی علوی، فرزند سید ابوالقاسم، فرزند میر علی اکبر از سادات موسوی و از نسل پاک امام موسی بن جعفر (علیه السلام) می باشد. نسب نامه آیت الله علوی مورد تأیید نسب شناس خبیر آیت الله سید محمود مرعشی نجفی و فرزندش آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی می باشد. وی در سال 1310 ش در «بخشایش» در خانواده ای مذهبی و زحمتکش به دنیا آمد. پدرش آقا سید ابوالقاسم شخصی متدین و به حرفه بنّایی اشتغال داشت. ایشان تحت سرپرستی پدر و مادرش پرورش یافت و قرآن مجید و خواندن و نوشتن را در زادگاه خویش فرا گرفت و در سن 13 سالگی به شهر تبریز مهاجرت نمود. وی در بدو ورود به تبریز در مدرسه مبارکه طالبیه سکونت کرد و مشغول فراگیری علوم اسلامی گردید. معظم له دروس سطوح را در محضر اساتید وقت آن زمان از جمله: فقیه نامدار آیت الله حاج میرزا فتّاح شهیدی و آیت الله حاج سید مرتضی خسروشاهی فراگرفت و پس از ده سال اقامت در تبریز در سال 1333 ش راهی شهر مقدّس قم شد و در محضر اساتید حوزه چون: آیت الله سید کاظم شریعتمداری، آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی و آیت الله میرزا هاشم آملی زانوی ادب بر زمین زد و سالیان بسیاری از علم آنان بهره مند شد و از برخی از استادان حوزه مانند: آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی، آیت الله سید محسن حکیم و آیت الله سید کاظم شریعتمداری اجازه نقل حدیث و امور حسبه دارد... فقیه سعید همزمان با تحصیل به تدریس شرح لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه الاصول، درس خارج فقه، تألیف کتاب و تبلیغ احکام دینی در ایام تعطیلی حوزه علمیه قم پرداخت و از این رهگذر موجب بهره وری فرهنگی، معنوی و اخلاقی مردم شد.

آثار ایشان اعم از چاپی و خطّی عبارت است از:

1. گفتار علوی، 5 جلد؛ 2. داستان های علوی، 4 جلد؛ 3. پنج گفتار؛ 4. حقوق والدین بر فرزندان از دیدگاه اسلام؛ 5. آیین دوستی از دیدگاه قرآن و حدیث؛ 6.

سیمای اخلاق اسلامی، 2 جلد؛ 7. حاشیه بر عروه الوثقی؛ 8. تقریرات درس صلاه جمعه و جماعت و نماز مسافر بحث آیت الله حاج آقا حسین بروجردی؛ 9. تقریرات درس اصول آیت الله میرزا هاشم آملی؛ 10. فهرست العناوین و الموضوعات.

معظم له از محضری خوش و اخلاقی شایسته و زندگی ساده و توأم با قناعت برخوردار بود و از دقایق زندگی اش بهره می برد. فرد پرکار و پر مطالعه ای بود و بر دقت در نقل و استناد به منابع معتبر اصرار می ورزید. به آنچه می گفت عمل می کرد و همواره خدا را حاضر و ناظر خویش می دانست. در بیان حق ابایی نداشت و پاس کسی را نمی داشت، در عبادت خدا و راز و نیاز با او خالص بود و نام خدا همیشه بر زبانش جاری بود.

حجّت الاسلام والمسلمین سید صادق تیبانی در مورد نماز استسقاء مرحوم آیت الله علوی در روستای «ممدیل» می گوید :

روزی با یکی از اهالی ممدیل رویه رو شدم. وی از احوال آن مرحوم جو یا شد. گفتم که ایشان رحلت نموده است.

با شنیدن این خبر سخت متأثر شده و به شدت گریست!!

سپس از کرامت ایشان چنین تعریف کرد که مردم روستا به جهت خشکسالی از آن مرحوم تقاضا می کنند که نماز استسقاء بخوانند. ایشان قبول کرده و می فرمایند: شما بروید به صحرا، من هم پشت سر شما می آیم.

هوا هم صاف و بی ابر بود! پس از مدّتی دیدم آن مرحوم پابرنه، در حالی که اوراد و اعمال مخصوص نماز را انجام می دهد، آمد و نماز استسقاء را به جا آورد.

پس از نماز سر بر سجده نهاد و عرضه داشت :

پروردگارا! تا بر سرم باران نبارانی سر از سجده بر نمی دارم!

مدتی طولانی گذشت. سپس به تدریج ابرها نمایان گردید و باران بسیار خوبی بارید و ایشان هم سر از سجده برداشتند.

این عالم ربّانی پس از شصت و هشت سال زندگی پربرکت در شهر قم بدرود حیات

گفت و پس از تشییع و اقامه نماز میّت به امامت آیت الله سید موسی شبیری زنجانی در قبرستان ابو حسین جنب آرامگاه استادش، آیت الله سید کاظم شریعتمداری در خاک آرمید. رو نوشت مضعع وی بدین قرار است :

العلماء باقون مابقی الدهر

مرقد عالم ربانی و فقیه صمدانی از افتخارات حوزه علمیّه قم، حضرت آیت الله حاج سید مهدی علوی بخشایشی که عمر خود را صرف پیشبرد فرهنگ اسلام و تألیفات سودمند نمود، به تاریخ 7/4/1377 در سن 68 سالگی در جوار کریمه اهل بیت آرمید.

لازم به یادآوری است که علاوه بر این بزرگان، آیت الله سید مرتضی خسروشاهی در مدت زمان طولانی اقامت خود در تبریز، ده ها و بلکه صدها نفر از طلاب و فضلاّی حوزه علمیّه تبریز را در مکتب علمی - فقهی - معنوی خود تربیت نمود که پرداختن به شرح حال همه آن بزرگواران در این مختصر نمی گنجد.

ص: 412

2 : درباره كتاب مشكاه المصابيحى التعادل و التراجيح

سيد هادى خسرو شامى

ص: 413

بی شک پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام عظیم الشان راحل قدس الله نفسه الزکیه و برپایی حکومت اسلامی بر مبنای ولایت فقیه بزرگترین رویداد تاریخ اسلام در دوران غیبت کبرای حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و نیز روشن ترین دلیل و برهان عینی و عملی بر حقیقت مبانی اعتقادی - فکری مکتب تشیع، و بر پویایی و توانایی فقه امام جعفر صادق صلووات الله علیه بر حل معضلات جامعه بشر، و اداره امور انسان ها در پیشرفته ترین دوران های علمی و پیچیده ترین شرایط و روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه انسانی است.

بخشی از این توانایی و پویایی فقه جعفری محصول تلاش های طاقت فرسا و مخلصانه ای است که توسط فقیهان وارسته و عالمان زاهد و خداترس در دوران های سیاه اختناق و تحت فشار فرساینده محرومیت های مضاعفی که از هر سو بر جامعه تشیع و به ویژه روحانیت فداکار شیعه تحمیل می شد انجام گرفته است.

بدون تردید از جمله فقیهان وارسته ای که در این مجاهدت توانفرسا در مقدم ترین صفوف کاروان فقاهاست قرار دارد و از بنیانگذاران تفکر فقهی معاصر شیعه به شمار می آید، استاد فقه های قرن اخیر و تالی رتبه معصوم - در علم و عمل - شیخ مرتضی انصاری دزفولی رضوان الله علیه است.

ابتکار عملی، نبوغ فکری، وارستگی معنوی و تبلور کمالات و فضائل اخلاقی از ویژگی های برجسته این شخصیت کم نظیر است.

اکنون که انقلاب اسلامی ملت بزرگ ایران به رهبری خلف صالح امام راحل (ره)، حضرت آیت الله خامنه ای، دوران سازندگی و سازماندهی جامعه نوین و مرفعی

اسلامی را طی می کند، آنچه بیش از هر چیز دیگر شرط اصلی موفقیت و سلامت

در این مرحله حساس می باشد، ارائه راه حل های رهگشا و طرح های چاره ساز فقهی است که علاوه بر ویژگی اصالت فقهی و اسلامی از ویژگی همپایی با شرایط و روابط پیچیده جهان حاضر نیز برخوردار باشد.

کاوش های محققانه و مجتهدانه صاحب نظران با دیدگاه های گوناگون در ابعاد مختلف اندیشه فقهی شخصیتی چون شیخ اعظم انصاری (قدس سرّه) که تبلور قوی ترین تفکر فقهی عصر اخیر است می تواند گامی مؤثر در جهت تحقق این هدف بزرگ باشد.

بدین جهت، و نیز به منظور آشنایی هر چه بیشتر مجامع علمی و تحقیقی جهان با گوشه ای از دستاوردهای عظیم حوزه های علمی شیعه، و نیز با هدف آشنایی هر چه بهتر و بیشتر نسل نوحاسته انقلاب با مفاخر تاریخ پرافتخار جامعه اسلامی که در عرصه اندیشه و عمل عالی ترین تبلور فضیلت و کمال انسانی اند، تصمیم به برپایی کنگره جهانی شیخ انصاری گرفته شد.

مقدمات اجرای این تصمیم - علی رغم همه دشواری ها که بر سر راهش بود - در پرتو عنایات و توجهات مقام معظم رهبری و ولی امر مسلمین جهان حضرت آیت الله خامنه ای، فراهم شد و هم اکنون در آستانه برپایی این همایش عظیم اسلامی و علمی قرار داریم.

آنچه اکنون در پیش روی شماست بحثی است که تحت عنوان «مشکاه المصاییح فی التعادل و التراجیح» به قلم حجت الاسلام و المسلمین سید هادی خسروشاهی به دبیرخانه کنگره واصل، و پس از بررسی هیأت علمی جهت ارائه در ویژه نامه برگزیده شد.

ضمن تشکر و سپاس از نویسنده محترم مقاله، از خدای متعال طول عمر با عزت و سلامتی برای مقام معظم رهبری - که همه این دستاوردهای عظیم علمی و فرهنگی از برکات حسن نظر و عنایت ایشان است - مسئلت داریم.

ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم

دبیر کنگره شیخ اعظم انصاری (قدس سرّه)

محسن اراکی - 73/4/5

ص: 416

نام مؤلف کتاب: آیت الله العظمی سید محمد خسروشاهی (رضوان الله علیه)

تاریخ تألیف: 1269 ه-ق.

چاپ اول نجف: 1310 ه.

قطع: رحلی.

تعداد صفحات: 363 صفحه.

رساله های ضمیمه: 57 صفحه.

مؤلف کتاب مرحوم آیت الله آقا سید محمد حسینی تبریزی معروف به «مجتهد خسروشاهی» از علمای بزرگ شیعه و از شاگردان بنام و بزرگ استاد استادان و نابغه دوران، مرحوم شیخ مرتضی انصاری است.

مؤلف بزرگوار در سال 1229 هجری قمری در شهر مقدس کربلا، در خانواده ای اهل علم و تقوا، دیده به جهان گشود و دوران کودکی و مراحل ابتدایی و مقداری از مراحل عالیّه تحصیل را در همان شهر گذراند و سپس در خدمت پدرش آیت الله آقا سید علی حسینی خسروشاهی که از اجلّه علمای آن عصر بود، به نجف هجرت نمود و مشغول ادامه تحصیلات عالیّه، در حوزه علمیه نجف گردید.⁽¹⁾

در آن زمان که مرحوم مؤلف در حوزه علمیه نجف به تحصیلات خود ادامه می داد، حوزه علمیه نجف در اوج شکوفایی بود و اقامت و فیوضات شخصیت برجسته علمی، همچون استاد اعظم شیخ انصاری در نجف، به آن حوزه علمیه رونق فراوانی بخشیده بود و مغزها و استعدادها از کشورها و شهرهای مختلف اسلامی به سوی نجف سرازیر شده بودند و شاید آیت الله آقا سید محمد خسروشاهی هم به خاطر استفاده از درس شیخ انصاری، حوزه کربلا را ترک گفت و در نجف رحل اقامت

ص: 417

1- مقدمه کتاب «نثرات الكواكب علی خيارات المكاسب»، تألیف آیت الله سید مرتضی خسروشاهی، مقدمه از سید هادی خسروشاهی، ص 11، چاپ قم، نشر انصاریان.

افکنند. معظم له در درس استاد بزرگ شرکت نمود و از محضر او بهره ها برد و در سایه فکر مّوآج و استعداد سرشار و تلاش و کوشش فراوانش چنان به سرعت پیش رفت که در اوایل اقامتش در نجف به مرحله اجتهاد رسید و به نوشتن تقریرات درس استاد خود موفق گردید و سپس به تدریس پرداخت.

مؤلف به فقاهت و علمیت استاد اعظم شیخ انصاری اعتقاد کامل داشت و تا شیخ زنده بود، محضر وی را مغتنم می شمرد و در اوایل کتاب «مشکاه المصاییح»، استاد خود را چنین توصیف می کند: «... و الحبر الأفضّل البحر الخضم و الطود الأشمّ، قدوه الأنام و فرید الأيام، نخبه الأعلام و المولی القمقام، حجّت الاسلام و مصباح الظلام، صدر المحقّقین و بدر المدقّقین، کاشف أسرار رموزات الدلائل و شمس فقهاء الأواخر و الأوائل، أزهد عبّاد الأبرار و أعبّد زهّاد الأخیار، أعلم فقهاء الأعصار و أفقه علماء الأمصار، شیخنا الاستاذ و ملاذ العباد، مصطفی المصطفی و مرتضی المرتضی، علم الهدایه و التقی، أعنی: جناب الشیخ المرتضی - أدام الله توفیقه و مدّ عمره و تأییده - و لا زالت ریاض علمه ممطوره و أعلام فضله مرفوعه...»⁽¹⁾ سپس به جریان تألیف خود،

«مشکاه المصاییح»، اشاره کرده می گوید: ثمره ای از ثمرات باغ علمش را چیدم و دژهایی از دریای علمش را استخراج نموده و آنچه هم به ذهن قاصر خودم رسید بر آن افزودم... و در آن مهمات مسائل اصول را که در ابواب اصول درج نشده بود، درج کردم و آن را مطابق ترتیب درس استاد تنظیم نمودم نه به ترتیب کتابش؛ زیرا آن موقع هنوز خود شیخ بحث «تعداد و تراجیح» را ننوشته بود.⁽²⁾

آری کتاب «مشکاه المصاییح» از جمله آثار علمی آن مرحوم در اصول فقه و درباره تعداد و تراجیح است که به سال 1269 هـ - از تألیف آن فارغ شده و در سال 1310 در حال حیاتش در 363 صفحه در قطع بزرگ، با حواشی فرزند برومندش، آیت الله سید احمد خسروشاهی، در نجف اشرف چاپ شده است.

ص: 418

1- مشکاه المصاییح، چاپ نجف: 3.

2- همان مدرک: 3.

علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره «مشکاه المصابیح» می نویسد: مشکاه المصابیح در اصول فقه درباره تعادل و تراجیح است و آن را علامه حاج سید محمد بن علی بن ابی الحسن الحسینی خسروشاهی تبریزی (متوفی در حدود 1312) نوشته و عنوان تفصیلی آن «التعادل و التراجیح» می باشد و به سال 1269 از تألیف آن فارغ شده، و در سال 1310 در حال حیات مؤلف در نجف به طبع رسیده است و این کتاب را برای پسرش آقا سید احمد مرقوم داشته و تقریض هایی هم بر آن نوشته شده است.⁽¹⁾

مرحوم علامه سید محسن امین در کتاب «أعیان الشیعه» در دو جا از آیت الله آقا سید محمد خسروشاهی اسم برده و تصریح کرده است که وی از شاگردان شیخ انصاری بوده و کتاب «مشکاه المصابیح فی التعادل و التراجیح» و رساله ای در وضع الفاظ از تألیفات اوست.⁽²⁾

مؤلف، تقریض دو تن از شخصیت های بزرگ علمی آن عصر را در آخر کتابش آورده است. از جمله یکی از مؤلفان، که همانام خود مؤلف است و در میان دوستانش به «ابن داود» معروف بوده، در ضمن تقریضی بر کتاب «مشکاه المصابیح» نوشته است: «... ولعمری کتابک لأصول الأحكام کالعمود للخیام و قد استحسنه أحاسن القوم مادحه ایاکم فی کل لیله و یوم استفتیت فیہ بنخبه العقل عن نقل النقل...»⁽³⁾

«به جانم سوگند کتاب تو در اصول احکام مانند ستون خیمه است و آن را احاسن قوم (شیخ انصاری) نیکو شمرده اند...».

در تقریض دیگری که آن را جناب شیخ مهدی بن شیخ علی بن شیخ جعفر مرقوم داشته، پس از حمد و ثنا و درود بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نوشته است: «... ولقد سرحت بکر الفکر فی هذا التحقیق الأنیق و أطلقت عنان النظر فی مسرح هذا التدقیق الرشیق الذی سمحت به فکره جامع المعقول و المنقول و مستنبط الفروع من الاصول قطب دائره

ص: 419

1- الذریعه: 61 21، شماره 3955.

2- أعیان الشیعه: 273 9، 427.

3- مشکاه المصابیح: 362.

الاجتهاد والكمال و منبع الفضل و الافضال، من اليه انتهى فضل علماء زمانه و منه انبعث تحقيقات فضلاء أوانه المرتضع من ثدى التحقيق و المتربى فى حجر التدقيق، فوجدته بحمد الله تعالى جامعاً لمحاسن التحقيقات الأنيقه و التدقيقات الرشيقه منبأ عن طول باع مؤلفه...».

سرانجام نویسنده این تقریض، مقام علمی مرحوم آیت الله آقا سید محمد خسروشاهی را ستوده و کتاب «مشکاه المصابیح» را بهترین کتاب در موضوع خود معرفی کرده است، تا آنجا که گفته :

«فهو الحرى بأن يرسم بالتبر لا بالمداد و الحبر و أن يكتب بالنور على وجنات الحور...»⁽¹⁾

«و آن سزاوار است با آب طلا ترسیم شود نه با مرکب، و با نور روی پره‌های فرشتگان نوشته شود.»

مؤلف در آخر کتاب، خود و موقعیت علمی پدرش را این چنین توصیف می کند : «... هذا غاية ما قصدنا بيانه. و أنا الحقير محمد بن علي بن أبي الحسن الحسيني الحائري مولدآ، و الغروي مسكنآ، التبريزي أبآ، الشهير بالخسروشاهی جدآ... و قد وقع الفراغ من تأليف هذا الكتاب الذى عنيت بجمعه و تهذيبه و تأليفه و ترصيفه... أعنى «مشكاه المصابيح» فى التعادل و التراجيح فى سنة 1269 هـ - لقرنتى عيني أحمد و أبى الحسن و ذلك بعد أن أتممت من العمر الثلاثين و دخلت فى عشر الأربعين...».

و سپس درباره والد ماجدش می نویسد: «... ثم انّ المرجو من أعزّ الناس علىّ و أكرمهم لدىّ، أعنى جناب الوالد الماجد، جامع المعقول و المنقول، حاوى الفروع و الأصول مشيد مبانى مسائل الحلال و الحرام ممهد قواعد الشرائع و الأحكام، معلّم معالم أصول الحقائق، مفسّر مقاصد رموز الدقائق، زبده العلماء و المحقّقين، عمده الفقهاء و المدقّقين، السيد المعزى اليه الأعظم - السيد على الحسينى التبريزى

ص: 420

الخسروشاهی - أن يصلح ما يجد من الخلل و النقصان و الخطأ و النسيان...» (1).

چنانکه ملاحظه می فرمایید مرحوم مؤلف، کتاب «مشکاه المصابیح» را برای دو فرزند و نور چشم خود، آقا سید احمد و آقا سید ابوالحسن، نوشته و این زمانی بود که مؤلف سه دهه از عمر خود را سپری کرده و داخل در دهه چهارم شده بود.

مؤلف سپس از پدرش درخواست نموده اگر در این کتاب نقص و عیبی مشاهده نماید با لطف و بزرگواری خود اصلاح فرماید و این نهایت خضوع و خشوع او را در مقابل پدر نشان می دهد.

... پس از نوشتن همین کتاب بود که آوازه شهرت علمی مؤلف در مجامع علمی پیچید و زبانزد علما و فضلا واقع گردید و لذا گفته اند مقام علمی وی در حوزه نجف، آنچنان بود که بعد از استادش، از مراجع دینی به شمار می رفت و در حوزه درسش جمع کثیری از فضلا و طلاب شرکت می نمودند. (2)

علامه بزرگوار، شیخ آقا بزرگ تهرانی، در مجلد اخیر «نقباء البشر فی القرن الرابع عشر» در این زمینه چنین اشاره می نماید: «السید العالم الورع التقیّ الجلیل، الحاج سید محمد بن علی بن ابی الحسن الحسینی الخسروشاهی التبریزی، من العلماء الأعلام و المراجع العاّمه... صاحب التعادل و التراجیح المطبوع، الموسوم بمشکاه المصابیح الذی ألفه 1269، و الرساله الباقیه الذی ألفه 1276 و رساله فی الحقیقه الشرعیّه، فرغ منها 1268، کلّها طبعت سنه 1310 و علیه تقاریض کثیره...» (3)

مؤلف کتاب «زندگی و شخصیت شیخ انصاری» ضمن برشمردن شاگردان مرحوم شیخ انصاری در ردیف 202، درباره مرحوم آیت الله سید محمد خسروشاهی این چنین نوشته است:

«فرزند سید علی بن ابوالحسن حسینی خسروشاهی تبریزی از علمای امامیه، زاهد، متقی و از شاگردان شیخ بوده و کتاب «مشکاه المصابیح» از تألیفات ایشان می باشد و

ص: 421

1- مشکاه المصابیح: 361 - 362.

2- مقدمه «نثرات الكواكب...»: 11.

3- نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، مجلد خطّی، از حرف «میم» تا «ی»، صفحه 53.

در تبریز دار فانی را وداع گفته و جنازه اش در رواق مطهر حضرت امیرالمؤمنین به خاک سپرده شد. فرزندش به نام سید احمد نیز از اجله اهل علم بوده که در سفر حج به سال 1326 هـ- وفات نمود و در بقیع مدفون گردید». (1)

به هر حال، کتاب «مشکاه المصابیح» یکی از غنی ترین و مشروح ترین کتب اصول، درباره «تعادل و تراجیح» است که شامل تقریرات درس استاد اعظم شیخ انصاری (قدس سره) و نظریات خود مؤلف، مرحوم آیت الله سید محمد خسروشاهی می باشد... و با توجه به این نکته که بحث استاد اعظم، شیخ انصاری در این موضوع و در کتاب گرانسنگ «رسائل» صفحاتی بیش نیست، ولی این کتاب در 365 صفحه در قطع بزرگ چاپ شده است، اهمیت آن بر اهل علم کاملاً روشن می گردد.

امید آن که توفیق تجدید چاپ آن نصیب گردد تا اساتید و فضلاء معاصر از مباحث پرمایه و ارزشمند آن بهره مند شوند.

در اینجا اشاره به این نکته بی مناسبت نمی باشد که به ضمیمه کتاب «مشکاه المصابیح» چند رساله علمی در فقه و اصول نیز از همان مؤلف عالیقدر چاپ شده که به اجمال به معرفی آن ها نیز اقدام می شود که بی شک از بحر مواج استاد اعظم، در تألیف و تصنیف آنها استفاده شده است :

1- رساله فی التقیه :

این رساله در موضوع «تقیه» است و از آثار فقهی مؤلف می باشد. رساله در 28 صفحه بزرگ به ضمیمه کتاب «مشکاه المصابیح» در سال 1310 هـ- ق در نجف چاپ شده است و از صفحه 334 با این جمله آغاز شده: «ثم انه لما كانت مسأله التقیه من المسائل المهمه الكثيره الجدوى و عامه البلوى و الأخباری فی خصوصها متظافره بل متواتره...» و تا صفحه 362 ادامه دارد.

ص: 422

1- زندگی و شخصیت شیخ انصاری، آیت الله شیخ مرتضی انصاری (سبط الشیخ)، چاپ سوم، تهران، صفحه 305.

این رساله نیز درباره بعض مسائل فقهی است و در آخر کتاب «مشکاه المصایح» در 40 صفحه بزرگ به همراه حواشی فرزند مؤلف با امضای «ابن المصنّف» (آقا سید احمد) چاپ شده است.

علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره این رساله می نویسد: الرساله الباقریّه تألیف سید محمد بن علی بن ابی الحسن الخسروشاهی تبریزی در رابطه با بعضی از مسائل خیرات است و آن را در سال 1276 تألیف کرده که در سال 1310 هـ- در حال حیات مؤلف به ضمیمه «مشکاه المصایح» در نجف چاپ شده است. مؤلف در این رساله به نظرات یکی از اساتید و مشایخ خود، شیخ میرزا باقر بن احمد، امام جمعه تبریز (متوفی رجب 1286) در رابطه با بعضی مسائل خیرات اعتراض کرده... (1) و به

همین لحاظ این رساله را «رساله باقریه» نامیده است.

3- رساله فی بیان وضع الألفاظ و الحقیقه الشرعیّه :

این رساله در موضوع وضع الفاظ و حقیقت شرعی است که مؤلف آن را در سال 1268 هـ- ق تألیف کرده و در سال 1310 در آخر کتاب «مشکاه المصایح» در نجف چاپ شده است، این رساله از صفحه 40 آغاز تا صفحه 157 ادامه دارد، (2) بنابراین

کتاب «مشکاه المصایح» که به ضمیمه سه رساله دیگر در یک مجموعه چاپ شده است، بالغ بر چند صد صفحه می باشد و همه این کتاب به خط محمد خیابانی است. مؤلف آثار و کتب خطی دیگری هم داشته که ظاهراً همه آنها از بین رفته است، (3)

مرحوم آیت الله سید محمد مدت کوتاهی پس از طبع این کتاب وفات کرد.

وی در اواخر عمر به زادگاه نیاکانش، تبریز، مراجعت نمود و در همان شهر دعوت حق را لبیک گفت و جنازه اش را فرزند برومندش، آقا سید احمد، به نجف اشرف

ص: 423

1- الذریعه: 11: 126.

2- الذریعه: 2: 47، چاپ تهران.

3- مقدمه «نثرات الكواكب»: 11.

انتقال داد و در حرم مطهر مولای متقیان علی (علیه السلام) به خاک سپرده شد. (1)

- نورالله مضجعه بانوار رحمته -

خاندان مؤلف

اصل این خانواده که گروهی از علما و فقهای بزرگ تبریز را تشکیل داده اند، از آذربایجان است که از «خسروشاه» (2) بوده و بعداً به تبریز آمده و در آنجا ساکن شده است و از آن

به بعد، خاندان وی به «خسروشاهی» معروف شده اند. خاندان خسروشاهی تبریز، بیش از چند قرن سابقه روحانیت و فقاہت دارند. از جدّ اعلای این خاندان «ابوالحسن خسروشاهی» تا به امروز، چندین نسل بلاانقطاع از علما و پیشوایان دینی بوده و برخی از آنان به مقام عالی اجتهاد و مرجعیت نائل آمده اند.

به نوشته صاحب «آثار الحجّه»، «تمامی اسلاف این خاندان به تقوا و پرهیزکاری و طهارت و پاکی و ایثار و بذل در راه دعوت به خدا و ارشاد مردم به تعالیم اسلامی معروفند و چرا چنین نباشد؟ در حالی که از خاندان اهل بیت (علیهم السلام) هستند و نسب آنان با 36 واسطه به امام حسین بن علی بن ابیطالب (علیه السلام) می رسد...» (3)

سید هادی خسروشاهی قم : مهر 1373

ص: 424

1- الذریعه: 11: 126.

2- اکنون شهری است در 20 کیلومتری تبریز.

3- «آثار الحجّه»: 2: 233، تألیف شیخ محمد رازی، چاپ قم، 1322.



صفحه اول از کتاب «مشکاه المصابيح، فى التعادل و التراجيح» چاپ نجف اشرف 1261 هجرى قمرى



صفحه دوم کتاب مشكاة

ص: 426



صفحه سوم كتاب مشكاه

أمكن التصريح هو المفروض وعدم وجود الأصل لا التقليد ما لا يلحقه
 التقليد على وجوبه وما التقليد غالباً الرمز كون قدوة كل حال من التقليد
 على حد سواء فلا يصح لتقليد بعضهم لبعض أو لا يصح لهم التصريح
 من جهة ضد الأصل لا سيما في علمها الفهم ولا يخفى بقول المهديين وقد كانوا يفتنون
 وقد عثر البعض الوصول للجملة من الألفاظ العارضة المأخوذ من الألفاظ
 الألفاظ العارضة من علم جوار العمل بالحقبة من دون التصريح من الرتبة الألفاظ
 يكون مرجحاً المصنف عن الرتبة إلى المصنف عن العارضة من وجوبه في الوجود
 المجهول بالجملة لا يرد في ذلك ما من وجوب المصنف من القول بكونه المصنف
 من باب التمسك وعندهم كما لا يرد في ذلك ما من وجوب المصنف من القول بكونه المصنف
 يخبر بقرائن العمل بالأعمال على ما على وجوب المصنف من التمسك وعندهم جوار العمل
 بالذليل قبله من أصل الفقه إلى آخره حتى يستغنى الفقه إلى كتابه لا يرد
 يعثر على جملة من العارضة على وجه لا يبيح له علم إجمالي للفتن إلى الشك
 وذلك لأن العمل الإجمالي من قبل العادة المحدثه والفتنة عقلاً ولا في ألبتة
 المصنوع ولو لم يكن أحداً إلا ما بين لا يجوز أن يستعمل إلا أنظر إلى الفتنة
 العمل بالأعمال بابتداء حديثه بل الغرض أن العمل الإجمالي بهما العلم
 بل على حديثه كما لا يخفى ثم قد كانت مسئلة الفتنة من المسائل المتقدمة
 الكثرة بعد كحاشية البلوغ الأختار فخصوصها بمناقضة رتبة الألفاظ
 الجملة منها فلا بأس بان تحذف هذا الكتاب بأبوابه من أصله أو أن يفتن
 في الفتنة وهو جارياً في تمام الفقه والظاهر من الألفاظ الأصل الوتيرة
 كالفتنة والفتنة فاقوا الأصل الوتيرة والوهج كقولهم وهو من سبب من
 يتخذ بمعنى الفتنة والفتنة من الضامة وكذا اصطلاحاً من عمل الفتنة
 ضد العلم إبتداءً من أصله أو الكثرة كالمعنى والفتنة والفتنة
 وهو العادة فقط هو الفتنة في قولهم وعمل الفتنة وهو اصطلاح الفتنة

صفحة 334، و اخرا اصل كتاب مشكاه و آغاز «رساله التقيه»

ص: 430



صفحه اول «رساله الباقریه فی بعض المسائل الفقهیه» چاپ نجف، ضمیمه کتاب مشکاه



صفحه 363، صفحه آخر کتاب و تقریض: شیخ مهدی بن الشیخ علی بن الشیخ جعفر

(از علمای نجف اشرف)

ص: 433

3 : پاسخ صدرالمتألهين به سؤالات خواجه نصیرالدين طوسی از شيخ شمس الدين خسروشاهی

تصحیح :

علی اصغر حقدار

ص: 435

رساله «الجواب عن الأسئلة النصيرية» از رساله های دقیق فلسفی است که توسط صدر المتألهین در پاسخ سه پرسش که خواجه نصیرالدین طوسی از معاصرش شمس الدین خسروشاهی پرسیده، نگارش یافته است. این سه پرسش عبارتند از:

1- وجود حرکت بدون وصف سرعت یا بطوء نیست، بنابراین سرعت و بطوء در تحقق حرکت های خاص مؤثر است و از طرفی تحقق سرعت و بطوء در گرو زمان است. در نتیجه زمان در تحقق حرکت های خاصی مؤثر است، در این صورت چگونه می توان حرکت خاصی را علت وجود زمان دانست؟

2- حکما گفته اند: آنچه برای امکان وجود و عدمش حاملی نیست، محال است که پس از نیستی موجود گردد، و یا پس از موجود شدن معدوم گردد و از طرفی گفته اند: نفس انسان حادث است ولی فناء آن محال است. اکنون سؤال می شود: اگر حامل امکان وجود آن بدن است، چه مانعی دارد که حامل امکان عدم آن هم بدن باشد. و اگر به خاطر این که نفس مجرد از ماده است حامل امکان عدم برای آن متصور نیست به همین دلیل باید امکان وجود هم نداشته باشد، و در نتیجه وجود شیء از اول محال خواهد بود.

3- اگر سبب صدور کثیر از علت واحده (خدا) کثرتی است که در ذات معلول اول است، اکنون سؤال می شود که این کثرت از کجا حاصل شده است؟ اگر از علت نخست صادر شده از دو حالت بیرون نیست:

الف: با هم صادر شده اند و لازمه آن این است که صدور کثیر از مبدء نخست به

واسطه کثرت در معلول نخست نباشد. (به عبارت دیگر کثیر از واحد بی واسطه صادر شده باشد).

ب: به ترتیب صادر شده اند، در این صورت معلول اول، معلول اول نخواهد بود.

و اگر کثرت مزبور از علت نخست صادر نشده است، پس جایز است که کثرتی بدون استناد به علت نخست تحقق یابد.

و همه فروع یاد شده باطل است.

... این پرسش ها آن روز بی جواب ماند تا این که چهار قرن گذشت و صدرالمتألهین شیرازی - که گویا دست آفرینش او را برای حل این گونه معضلات فلسفی پرورش داده بود - از راه رسید و آنها را پاسخ گفت. متن سؤالات با پاسخ های وی به آنها در حاشیه دو کتاب: «شرح الهدایه الاثیریة» و «مبدء و معاد» به صورت خطی منتشر گردیده است، و سپس در مجله «کلام اسلامی» چاپ شده است. (1)

شایسته است از فاضل محترم جناب آقای علی اصغر حقدار که زحمت مقابله دو نسخه رساله و تصحیح و تعلیق آن را بر خود هموار ساخته و رساله را آماده چاپ نمودند، تقدیر و تشکر کنیم.

توجه

این رساله به این دلیل در این بخش نقل شد که در بخش اصلی کتاب و در ضمن بحث از موقعیت علمی شمس الدین خسروشاهی اشاراتی به این رساله شده بود... و ما برای تکمیل آن بحث، رساله صدرالمتألهین را در پاسخ به سؤالات خواجه نصیرالدین طوسی عیناً نقل کردیم.

ص: 438

1- مجله «کلام اسلامی»، صاحب امتیاز آیت الله استاد شیخ جعفر سبحانی، چاپ حوزه علمیه قم، سالچهارم، شماره 15، صفحات 104 - 93.

الحمد لمنور النفوس بأنوار العلم والايمان، وهادى الخلائق برسال الرسول و انزال القرآن، وصلى الله على نبيّه سيّد الانس و الجان، وآله و أولاده المطهّرين عن أرجاس الجاهليّه و الطغيان، المقدّسين عن أدناس الطبيعه و العصيان.

و بعد فإنّ الحكيم الفاضل و الأستاذ (1) (2) الواصل، الكامل فى تتبع الكمالات البشريه،

و الفائق فى استخراج العلوم الالهيه و الطبيعيه، و استنباط الأصول التعليميه و الخلقيه، نصير الملّه و الدّين محمّد الطوسى - نور الله عقله الشريف بالفيض - قد بعث رساله الى بعض معاصريه و هو الفاضل النحرير و العالم البصير، شمس الدين الخسروشاهى و سأل (3) عنه ثلاث مسائل (4) معضله، و طلب عنه الكشف عن وجوه اعضالها و الحلّ لعقد

اشكالها، فلم يأت ذلك المعاصر بجواب، و نحن نريد بعون الله و تأييده أن نتفصّل عن تلك المضائق المعضله الدقيقه، و نأتى بجواب شافٍ كافٍ عن هاتيك المسائل المشكله العميقه و أتى لمثلّى مع قصور الخلقه و عجز القوّه و ضعف البشريه الخروج من هذه العهده، كان الفضل بيدالله و القدره من عنده و الحكمه من فيضه و الحلم من لديه «وَ أَنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (آل عمران/ 164) فلنذكر الرساله بألفاظه الشريفه و عباراته اللطيفه، ثمّ نردف لها بالجواب مستمدّاً من فضل العليم الوهاب.

ص: 439

1- ما جاء فى الهامش لهذا التحقيق هو موارد اختلاف نسخه «الف» مع نسخه «ب» (هامش كتاب المبدء والمعاد لصدر المتألّهين).

2- الاستاد الكامل الواصل.

3- سئل منه ثلاثه.

4- (معضله) ساقط من النسخه.

لما كانت الكتابه وسيله الى تواسل من دانت افندتهم و تفاصلت المنتهم و السؤال ذريعه الى استفاده الخبر، لمن كان حصره عليه شديداً ممن كان باعه اليه مديداً؛ رأى الخادم الداعى محمد الطوسى التوسل بهما الى جناب العالى الفاضل، المحقق المدقق، شمس الملّه و الدين، برهان الاسلام و المسلمين سيد الملوك و السلاطين، قدوه العلماء المتأخرين، سلطان الحكماء المحققين - أدام الله ميامن أيامه و سهّل سبيل مرامه و المذق عليه صوت انعامه و وفق في افتتاح كل أمره و اختتامه، سيما لا ادراك مبتغاه و وصله الى ما يتمناه -.

فهذا مبلغ التحية و الخدمه و الدعاء بدوام العزّ و مزيد النعمه، ثم جعل مفتاح للباسطه مسائل علميه و مصباح للفارقه مباحث حكميه للشيخ - حرس الله علوه و قرن بالسعاده عشيه و غدوه بافاضه مالدیه فيها و ينعم بافاده ما يقرّر أنه عليه منها - فانّ من حق العلم، أن لا يحرم طلابه و من كرامه الفضل أن يتفضّل به أربابه و رأيه الشريف أعلى و بالاضافه [بالافاضه] فيما يحاوله أولى و الأسئلة هذه :

[السؤال] الأوّل :

لما امتنع وجود حركه من غير أن يكون على حدّ معيّن من السرعة و البطؤ و جب أن يكون للسرعه و البطؤ مدخل في وجود الحركات الشخصيه، من حيث هي شخصيه، و السرعة و البطؤ غير متحصلي الماهيه، ألا بالزمان، فاذن للزمان مدخل في علميه الحركات الشخصيه، فكيف يمكن أن يجعل حركه معيّنه علّه لوجود الزمان، ولا يمكن أن يقال : الحركه من حيث هي حركه علّه للزمان و من حيث هي حركه ما متشخصه بها [بالزمان] كما أنّ الصوره من حيث هي الصوره، سابقه على الهيولى و من حيث هي صوره ما متشخصه بها؛ لأنّ الحركه ليست من حيث هي حركه، علّه للزمان و ألا لكان لجميع الحركات مدخل في علميه أنّما هي علّه للزمان من حيث هي حركه خاصّه متعيّنه في الخارج فما وجه حلّ هذا [\(1\)](#) الاشكال [؟]

ص: 440

[السؤال الثاني]:

ما بال القائلين: بأنّ ما لاحامل لامكان وجوده وعدمه، فأنّه لا يمكن أن يوجد بعد العدم، أو يعدم بعد الوجود، حكموا بحدوث النفس الانسانيه و امتنعوا عن تجويز فنائها، فإن جعلوا حامل امكان وجودها البدن، فهلاً جعلوه حامل امكان عدمها أيضاً؟ و ان جعلوها لأجل تجرّدها عن ما يحلّ فيه، عادم حامل لامكان العدم كيلا يجوز عدمها بعد الوجود، فهلاً جعلوها لأجل ذلك بعينه، عادم حامل لامكان الوجود، فيمتنع وجودها بعد العدم في الأصل، و كيف ساغ لهم ان جعلوا جسمًا مادّيًا حاملا لامكان جوهر مفارق مبائن الذات ايّاه، فإن جعلوها من حيث كونها مبدء للصوره النوعيه لذلك الجسم ذات حامل لامكان الوجود، فهلاً جعلوها من تلك الحثيه بعينها ذات حامل لامكان العدم، و بالجمله ما الفرق بين الأمرين في تساوي النسبتين [؟]

[السؤال الثالث]:

ان كان سبب صدور الكثير عن العله الواحده كثره في ذات المعلول الأوّل، كالوجوب و الامكان و التعقّل على ما فعل [قيل]: فمن أين جئت تلك الكثره إن صدرت عن العله، فلا يخلو اما ان صدرت معاً، أو على ترتيب؟ فإن صدرت معاً، لم يكن سبب صدور الكثره عن العله الأولى كثره في ذات المعلول الأوّل، و إن صدرت على ترتيب، لم يكن المعلول الأوّل معلولا أولاً، و إن لم يصدر عن العله الأولى، فمن الجائز أن يحصل كثره من غير استناد الى العله الأولى و كلّها محال. فما وجه التفصّي عن هذه المضائق؟

و المتوقع من كرمه العميم و لطفه الجسيم، أن يعذر الخادم الداعي على هذا التجاسر، فيستخدمه فيما يستأهله، فأنّه متمثل لما يأمره، و الله تعالى يمدّ في الأيام العاليه و يقربها بنعمه المتواليه. «أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (الأحقاف/ 33) و بإجابته الدعاء جدير، و السلام.

أقول: و من الله العصمه و التوفيق و بيده زمام الإلهام فى التحقيق.

[الجواب عن السؤال الأول]

أمّا الجواب عن المسأله الأولى، فهو بتمهيد أنّ العارض على ضربين: عارض الوجود و عارض الماهية. أمّا عارض الوجود فكالسواد و الحركه و غيرهما من عوارض الجسم و غيره، سواء كانت مفارقة أو لازمه الوجود، و أمّا عارض الماهية فكطبيعه الفصل لطبيعه الجنس المتقوم بها فى الوجود دون الماهية، فإنّ ماهية الجنس لا يحتاج الى الفصل بحسب المعنى و المفهوم، فيكون كالعرض اللاحق لها مع أنّه لا يوجد إلا بأحد(1)

الفصول المحصّله أيها فى الكون المقومّه لها فى التحقيق و كالمشخصات، فإنّ نسبة الشخص الى طبيعه النوع و ماهيته كنسبه الفصل الى طبيعه الجنس و ماهيته فى ذاته متحد فى الوجود مع الماهية و عند التحليل عارض للماهية مقومّ لتحصّلها، و من هذا القبيل عروض الوجود للممكن، فإنّ وجود كلّ موجود ممكن من عوارض ماهيته الكلّيه لا من عوارض هويته الشخصيه، و عارض الماهية أيضاً كعارض الوجود، قد يكون لازماً كلوازم الماهيات، و قد يكون مفارقاً كالفصل للجنس و الشخص للنوع.

إذا تقرّر هذا، فنقول: عروض الزمان المعيّن للحركه المتعينه التى يتقدر بها ليس من قبيل عروض عارض الوجود لمعروضه، بل من قبيل عارض الماهية لتلك الماهية، فالحركه الخاصه يتقوم بالزمان المعيّن فى الوجود، و لكنّ الزمان المعيّن عارض لماهية الحركه من حيث هى حركه [فى الذهن]، فهو كالعلة المفيده(2) لها بحسب الوجود، و هى

كالعلة القابله له بحسب الماهية.

هذا كلّ فى ظرف التحليل العقلى، و أمّا فى الخارج فكلاهما شىء واحد ذاتاً و وجوداً،(3) لاعليّه و لامعلوليه بينهما، و لعارض و لامعروض أصلاً.

[الجواب عن السؤال الثانى]

و أمّا الجواب عن المسأله الثانيه، فنقول: إنّ البدن الانسانى استدعى باستعداده

ص: 442

1- بالفصول المحصّله فى الكون و المقومه.

2- (المفيده) ساقط من النسخه.

3- (وجوداً) ساقط من النسخه.

الخاص من واهب الصور على القوالب، صورته مدبّره متصرفه فيه تصرفاً يحفظ بها شخصه ونوعه، فوجب صدورهما عن الواجب الفياض، لكن وجود صورته يكون مصدرآ للتدابير البشرية والأفاعيل الانسيه الحافظه لهذا المزاج الاعتدالي لا يمكن ألا بقوّه روحانيه ذات ادراك وعقل وفكر(1) و تمييز، فلامحاله تقيض من المبدء الفيّاض الّذى

لابخل ولا منع ولا تقتّر فيه جوهر النفس و حقيقتها،(2) فإذن وجود البدن(3) بامكانه

الاستعدادىّ ما استدعى الآ صورته مقارنة له، متصرفه فيه بما هي صورته مقارنة، و وجود المبدء الفيّاض اقتضى صورته متصرفه ذات حقيقه مفارقه أو ذات مبدء مفارق، و كما أنّ الشىء الواحد يجوز أن يكون جوهرآ من جهه و عرضآ من جهه أخرى كماهيه الجوهر الموجوده فى الذهن، لما تحقق أنّ صورتها العقليه، جوهر بحسب الماهيه، عرض بحسب الوجود الذهني العلمى، بل كيف، وكذا يجوز أن يكون شىء واحد مجعولا من جهه و غير مجعول من جهه أخرى كالوجود و الماهيه لشىء واحد، فكذلك يجوز أن يكون شىء واحد كالنفس مجردآ من حيث كونه ذاتا عقليه و ماديا من حيث كونه متصرفآ فى البدن حادثه بحدوثه زايله بزواله، و أمّا من حيث حقيقتهما أو مبدئهما، فغير مسبوقه باستعداد البدن، ألا بالعرض و لافاسده بفساده، و لا يلحقها شىء من مثالب [نقايس] الماديات ألا بالعرض، فتدبّر [معياد مشرقى]

هذا ما سنع لها فى سالف الزمان على طريقه أهل النظر، و أمّا الذى نراه الآن فى تحقيق الحال و رفع الاعضال، فهو أنّ للنفس الانسانيه مقامات و نشآت ذاتيه بعضها من عالم الأمر و التدبير «قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» (الأسراء/ 85) و بعضها من عالم الخلق و التصوير: «وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ» (الأعراف/ 11)، فالحدوث و التجدد أنّما يطراء لبعض نشآتها، فنقول: لمّا كانت للنفس ترقيات و تحولات من نشأه(4) ثانيه و الى ما بعدها، فإذا ترقّت و تحوّلت من عالم الخلق الى عالم

ص: 443

1- (فكر) ساقط من النسخه.

2- (حقيقتها) ساقط من النسخه.

3- (البدن) ساقط من النسخه.

4- أولى و لانشأه.

الأمر يصير وجوده وجوداً عقلياً الهياً لا يحتاج حينئذٍ الى البدن و أحواله و استعداده، فزوال استعداد البدن أيها لا يضرها(1) دواماً و بقاءً، بل(2) تعلقاً و تصرفاً. إذ ليس حال

النفس في أول حدوثها كحالها عند الاستكمال و مصيرها الى العقل الفعّال، فهي بالحقيقه جسمانيّه الحدوث و روحانيه البقاء، و مثالها كمثل الطفل و حاجته الى الرحم أولاً و استغنائه عنه أخيراً و كمثل الصيد و الحاجه في اصطياده الى الشبكه أولاً(3) و

الاستغناء في بقائه عنها أخيراً، ففساد الرحم و الشبكه لا تنافي بقاء المولود و الصيد ولا يضره.

ثمّ اعلم انّ العله المُعَيَّده عند التحقيق عله بالعرض و ليست عليّتها كعليّته العلل الموجهه حتى يقتضى زوالها زوال المعلول، و ما ذكره من قولهم: «كلّ ما لاحمل لا مكان وجوده و عدمه، فأنه لا يمكن أن يوجد بعد الوجود»، لا يستلزم القول بان لاحمل لا مكان وجوده و عدمه؛ فأنه لا يمكن أن يوجد بعد الوجود، إذ ربما يكون وجوده السابق من غير حامل كافياً في رجحان وجوده اللاحق على عدمه، فلا يحتاج في وجوده البقائي الى فاعل و حامل لا مكانه.

من نظر و أمكن [أمعن] في مراتب الاكوان الخلقية الانسانيه قبل حدوث النفس وجد أنّ مادّه النطقية، أي حامل امكان الصوره الجماديه النطقية، بعد أن تصوّرت بصورتها و استكملت بها زال عنها ذلك الامكان و لم تزل عنها تلك الصوره، بل صارت أقوى و أكمل ممّا كانت أولاً، حيث صارت صوره نباتيه بحسب امكانها الاستعدادى النباتي و صوره النبات لا تقصر عن فعل الجماد أيضاً، و كذا الحال في صيرورتها صوره حيوانيه، لما حقّق في موضعه انّ هذه الاستكاملات المترادفه و الانقلابات ليس الا ضرباً من الاشتداد الجوهرى، لا بأن يفسد صوره و يحدث صوره أخرى مباينه للأولى، كيف و الحكماء اثبتوا للطبائع حركه جبليّه الى غايات ذاتيه، و

ص: 444

1- يضرها.

2- (بل تعلقاً و تصرفاً) ساقط من النسخه.

3- (أولاً) ساقط من النسخه.

لكل ناقص شوقاً غريزياً إلى كماله، وكل ناقص اذا وصل إلى كماله، اتحد به وصار وجوده وجوداً آخر، وهذه الحركة الجبلية في هذا النوع الانساني إلى جانب القدس معاين مشهود لأصحاب البصيره.

فإذا بلغت النفس الانسانية [الانسانيه] في استكمالها وتوجهاتها إلى مقام العقل واتحدت بالعقل الفعّال، بعد ان كانت عقلاً منفعلاً أخلعت عن المادة والحدثان وتجردت عن القوه والامكان وصارت باقيه بقاء الله من غير تغير وفقدان، وبالجمله تحقيق هذا المبحث و تنقيحه إنما يتيسر لمن علم كيفية اتحاد النفس بالعقل الفعّال ومصيرها إلى المبدء المتعال وكل مُيسر لما خُلِقَ له.

[الجواب عن السؤال الثالث]

و أما الجواب عن المسأله الثالثه، فتبيين الحق فيه يحتاج إلى مقدّمتين :

[المقدمه] الأولى : انّ كلّ ممكن في الخارج زوج تركيبى، كما أورده الشيخ في الالهيات الشفاء من قوله: «و الذى يجب وجوده بغيره دائماً فهو أيضاً غير بسيطه الحقيقه. لأنّ الذى له باعتبار ذاته غير الذى له من غيره وهو حاصل الهويه منها جميعاً فى الوجود، فلذلك لا شىء غير واجب الوجود تعرى عن ملابسه ما بالقوه، و الامكان باعتبار ذاته» هو ماهية الكليه، و الذى له من غيره هو وجوده، و تحصّله الشخصى، فهو يته منتظمه من هاتين الجهتين، انتظام الجسم من المادة و الصوره، و لهذا اسند القوه و الامكان إلى الماهيه استنادهما إلى المادة و اسند الفعلية و الوجوب إلى الوجود، استنادهما إلى الصوره و ان كان بين هذا التركيب و تركيب الجسم من المادة و الصوره فروق مذكوره فى مواضعها.

[المقدمه] الثانيه : انّ الصّادر من الجاعل و ما هو المجمعول بالذات و الحقيقه من هاتين الأمرين أعنى الماهيه و الوجود، هو الوجود لا الماهيه، لأنّ الماهيه هى التى له من نفسه و الوجود هو الذى من غيره، و الصادر ما يكون من غيره لا ما يكون من ذاته، و نحن قد أثبتنا هذه الدعوى ببراهين كثيره قطعيه فى كتبنا و تعاليقنا و رسائلنا ممّا لا مز يدعليه.

ص: 445

ولقد أحسن بعض محققي العرفاء من فضلاء فارس حيث قال :

«ان كان معلول فهو مرگبه [مرگب] في طبيعته من جهتين: جهه يشابه الفاعل و محاكيه، و جهه بها يباينه و ينافيه؛ إذ لو كان بكله من نحو الفاعل كان نفس الفاعل لاصداراً منه، فكان نوراً محضاً، ولو كان بكله من نحو متبائن الفاعل استحال أيضاً أن يكون صادراً منه، فأيضاً من عنده؛ لأن تقيض الشيء لا يكون صادراً عنه، فكان ظلمه محضه و الجهه النورانيه يسمى وجوداً و الجهه الظلمانيه هي المسماه ماهيته، فالمعلول من العله كالظل من النور يشابهه من حيث ما فيه من النوريه و يباينه(1) من حيث ما فيه من

شوب الظلمه، فكما أنّ الجهه الظلمانيه في الظل ليست فائضه من النور، لأنّها يضاد النور و به تقع المبانته بينهما، فكيف يكون منه؟ فلذلك، الجهه المسماه ماهيه في المعلول، غير فائضه من العله؛ إذ بها تقع المبانته بينهما. فثبت صحه قول من قال: أنّ الماهيه غير مجعوله و لافائضه من العله، فإنّ الماهيه ليست إلا ما به الشيء هو هو فيما يمتاز به عن غيره من الفاعل و من كلّ شيء» انتهى.

فثبت من احدى هاتين المقدمتين، أنّ الماهيه لها تحصّل في الخارج، هذا بحكم المقدمه الأولى؛ لأنّها جزء الموجود في الجملة و جزء الموجود في الجملة موجود في الجملة و من ثانيهما، أنّ الماهيه غير صادرة و لا مجعوله، فثبت أنّ المعلول الأول، مشتمل عن أمرين: أحدهما الوجود و هو أمر بسيط صادر عن أمر بسيط هو المبدء الأعلى، فالواحد من جميع الوجوه لا يصدر عنه بالذات إلا واحد بسيط، لكن هذا الواحد البسيط ما يحقّق في مرتبه أمران: أحدهما نفسه، و الآخر هو الماهيه، إذ لا تقدّم و لا تأخر لأحدهما على الآخر، و إلا لكانت الماهيه على أيّ التقديرين مجعوله، بل الوجود فيما عدا الواجب تعالى مجعول بحسب مرتبه ذاته بذاته، مصداق لحمل الماهيه عليه و يطابق الحكم بها عليه.

فالمعلول من جهه وحدته الوجودي، صادر عن العله الأولى و من جهه كثرته الواقعه فيه لا بالجعل، واسطه لصدور الكثره الخارجيه، فالكثره سبب الكثره و
الوحده

ص: 446

1- على بينه.

سبب الوحده، ألا انّ جهه الوحده فى العله أقوى، ولهذا صارت الكثره العقليه أى التحليليه فى المعلول الأوّل ينشأ للكثره التفصيليه فيما بعده، فصدر بتوسط وجوده من المبدء الأعلى، عقل آخر وتوسط ماهيته منه فلك، و كما انّ الماهيه النوعيه مشتمل على مفهومى جنس و فصل فيما يوجد من جهتها كالفلك يشتمل على مادّه و صورته و هكذا الكلام فى صدور ثالث المراتب.

فبهذا الطريق يمكن تصحيح صدور الأشياء عن المبدء البسيط الأعلى، و أمّا الذى ذكره فى الكتاب [الكتب] من غير هذا الطريق، فشىء منها لا يخلو عن قصور و خلل، و لهذا لم يقنع هذا العلّامه المحقّق نصير الدين الطوسى - نور الله عقله الشريف بالفيض القدوسى - بما ذكره من هذا البحث فى شرح مقاصد الاشارات، مع انه أجلى ممّا ذكره غيره بحسب التقيق و التهذيب، أمّا الذى ذكره هذا ملخصاً، فهو قوله: «إذا فرضنا أن يصدر عن مبدء أول و هو (أ) مثلاً شىء وليكن (ب)، و هو أولى مراتب معلولاته، ثمّ - انّ - من الجائز أن يصدر عن (أ) بتوسط (ب) شىء وليكن (ج) و عن (ب) وحده شىء وليكن (د)، و عن (ب) بالنظر الى (أ) شىء فصار فى ثانيه المراتب ثلاثه أشياء» (1).

ثمّ ساق الكلام على هذا المنوال حتى ظهر جواز صدور أشياء كثيره لاتحصى عددها فى مرتبه واحده، ثمّ قال بعد تمهيد هذا :

«إذا صدر عن المبدء الأوّل [شىء كان لذلك الشىء هويه مغايره للأوّل بالضروره و مفهوم كونه صادراً عن الأوّل] غير مفهوم كونه ذا هويه ما، فإذا هيينا أمران معقولان : أحدهما: الأمر الصادر عن الأوّل و هو المسمّى بالوجود، و الثانى: هو الهويه اللازمه لذلك الوجود و هو المسمّى بالماهيه فهى من حيث الوجود، تابعه لذلك الوجود. لأنّ المبدء الأوّل لو لم يفعل شيئاً لم يكن ماهيه أصلاً، لكن فمن حيث العقل يكون الوجود تابعاً لها ثمّ اذا قيست المهييه وحدها الى ذلك الوجود، عقل الامكان، فهو لازم لتلك الماهيه بالقياس الى وجودها [وإذا قيست لاولحدها بل بالنظر الى المبدء الأوّل عقل الوجوب بالغير فهو لازم لتلك الماهيه بالقياس الى وجودها] مع النظر الى المبدء الأوّل

ص: 447

ولذلك جاز اتصاف كل واحد من الماهية والوجود بالامكان والوجوب و أيضاً إذا اعتبر كون الوجود الصادر عن المبدء وحده قائماً بذاته، لزمه تعقل ذاته، وإذا اعتبر ذلك له مع الأول، لزمه أن يكون عاقلاً - للأول، فهذه ستة أشياء، واحد منها في أولى المراتب وهو الوجود، وثلاثة في ثانیها... الى آخر ما ذكره» (1).

وأما الذى یرد علیه من القصور والخلل، فهو من وجوه :

[الوجه] الأول: انّ ما ذكره أولاً أنّه من الجائز عن أن یرصدر عن (أ) بتوسط (ب) شىء، وعن (ب) وحده شىء، ممنوع مقدوح فى هذا المقام فانّ حیثیه وجود المعلول الأول عن المبدء الأول و حیثیه كونه متوسط بينه وبين المعلول الثانى أمر واحد بلا تعدد، لا فى الذات ولا فى الاعتبار وكذا القول فى تجویز أن یرصدر عن (ب) بالنظر الى (أ) شىء، فانّ وجود (ب) فى نفسه هو بعینه وجوده بالنظر الى (أ)، إذ لو تغاير وجود المعلول الأول فى نفسه عن وجوده الارتباطى عند المبدء الأعلى، لكان هناك جعلان : جعل الوجود فى نفسه، وجعله مرتبطاً الى الحقّ والمفروض خلافه.

[الوجه] الثانى: انّ قوله: «مغاير الوجود و الماهیه بحسب الفعل، و انّ الصادر هو الوجود بالذات دون الماهیه» و ان كان صحيحاً حقّاً كما سبق، إلا انّ الحكم بكون الماهیه تابعه له، متأخره عنه واقعه فى ثانيه المراتب ليس بحق، إذ ليس فى الخارج بينهما تقدّم و لتأخّر، لأنّ الوجود الصادر عن المبدء هو فى نفسه و فى مرتبه ذاته بحيث يكون مصداقاً لحمل الماهیه عليه و الحكم بها عليه، كيف؟ و لو كانت متأخره عن الوجود، تابعه له لكانت معلوله له، فيلزم أن يكون أمر واحد هو ذلك الوجود بوجه واحد مبدء لصدور الكثرة عنه و هو ماهیه العقل الأول و وجود العقل الثانى، و كذا على ما قرره من حصول أشياء ثلاثه فى ثانيه المراتب عن وجود الصادر الأول، صدور الكثرة عن البسيط بوجه واحد و هو عين الوقوع فيما وقع الهرب عنه بعینه.

[الوجه] الثالث: انّ اعتبار كون الصادر الأول وجوداً قائماً بذاته و اعتبار كونه عاقلاً لذاته شىء واحد بالذات و الاعتبار جميعاً، بلا تقدّم و لتأخّر أصلاً، كما حقّقه هو - قدّس سرّه - و سائر الحكماء من أنّ وجود الجوهر المفارق تعيّن و عقله لذاته و كونه

ص: 448

عاقلا و معقولا شىء واحد من غير تفاوت و تغاير فيه، لا فى الذات و لا فى الاعتبار و كذا كونه عاقلا للأول تعالى و كونه صادراً عنه شىء واحد و حيثيه واحد بلا اختلاف جهه وجهه. ألا ترى أنّ كونه تعالى موجوداً فى ذاته و كونه عاقلاً لذاته بذاته و كونه مبدءاً للأشياء و مریداً لها، كلّها اعتبارات لشىء واحد بحيثيه واحده؛ إذ كثره هذه الاعتبارات و الاطلاقات لا توجب انثلاماً فى احديته الحقه و بساطته المحضه، (1) تعالى

ذلك علواً كبيراً.

واعلم أنّه ليس كلّ حيثيه و اعتبار منشأ لصدور أمر فى الخارج، بل مبدء الشىء العيني لا بدّ أن يكون أمراً حاصلًا فى الأعيان، و لو كان مجرد كثره هذه الاعتبارات المذكوره فى كلامه أو فى كلام غيره منشأ لصدور أشياء كثيره فى الخارج، لم تقع الحاجه فى صدور الموجودات الجسمانيه عن المبدء الأول الى اثبات كثره العقول، بل يكفى فى صدور تلك الكثرات الخارجيه عن المبدء الأول، اعتبار كثره و افرة من أمثال هذه الاعتبارات فى الصادر الأول، ككونه موجوداً، و صادراً، و معقولا و معلولا، و شيئاً، و أمراً، و ممكنًا عاماً، و ممكنًا خاصاً، و مفهوماً، و جوهرًا، و مجرداً عن المواد، و ثانيًا فى الوجود، و جزءاً للمجموع الحاصل منه و من مبدئه، الى غير ذلك من المفهومات التى كلّها تصلح أن يكون حكاية عن وجود واحد.

لكن الحكماء المحققين لم يعتبروا فى الصادر الأول لأجل صدور الكثير عن المبدء الأول الآ الوجود و الماهيه، و ربما عبّروا عنهما بالوجوب و الامكان، تعبيراً عن الشىء بلازمه الاعتبارى. و ربما عبّروا عنهما بالتعقلتين المذكورتين، لما بيّنا، فجعلوا الوجود و الوجوب مبدء لعقل آخر، و الماهيه و الامكان مبدء لفلك آخر، ثمّ جعلوا الماهيه لتقومها من المختلفات مبدء لاختلاف الماده و الصوره الخارجيتين فى جوهر الفلك، أعنى: النفس و الجسم، و لذلك قال الشيخ الرئيس فى الاشارات :

«و معلوم أنّ الاثنين إنّما يلزمان من واحد من حيثيتين، و لحيثيتى اختلاف هناك الآ ما كان لكل شىء منها أنّه بذاته امكانى الوجود و بالأول واجب الوجود و أنّه يعقل ذاته

ص: 449

و يعقل الأول، فيكون لما له من عقله الأول الموجب لوجوده و بما له من حاله عنده مبدء لشيء، و بما له من ذاته مبدء لشيء آخر. (1)

فكلامه صريح في أنّ غير هذه الاعتبارات التي أوردتها، ليس بمعتبر عنده و صريح أيضاً في أنّ اعتبار عقله (2) الأول و وجوبه و كونه موجوداً عند الأول، كلّها حيثيه واحده

هي احدى الحثيتين اللتين في ذات الصادر الأول و كذا القياس في اعتبار أنّ له ماهية و امكانه، و تعقله لماهية، حيثيه واحده هي أخرى منهما، ثمّ قال: «و لأنّه معلوم فإذا مانع من أن يكون هو متقوماً من مختلفات أي هو بحسب الماهية، إذ ماهيته بما هي ماهية متقوماً منها»، و قوله: «و كيف لا، و له ماهية امكانيه و وجود من غيره واجب» اشاره الى منشأ كثرته بحسب الماهية من المختلفات كالجنس و الفصل، لا الى بيان ترّكبه من الماهية و الوجود، كما قرره الشيخ المحقق لعدم الحاجة اليه بعد ذكره سابقاً. ثمّ قال: «ثمّ يجب أن يكون الأمر الصوريّ منه مبدءاً للكائن الصوريّ و الأمر الأشبه بالماده مبدءاً للكائن المناسب للماده». (3) انتهى.

أقول: هذا الكلام يمكن أن يكون متفرعاً على أول ما ذكره من الاختلاف، أعني: وجوب الوجود بالغير، و امكان الماهية في نفسها من الصادر الأول. و عليه حمله المحقق في شرحه، فيكون في الاشارة الى صدور العقل الثاني الذي هو صورته عقليه في الخارج بلا ماده من جهة الوجود، الذي هو أمر صوري لكونه محصلاً للماهية، بل نفس ما به حصولها، و صدور الفلك الأول الذي هو صورته مادية ناقصه مفتقره الى ما يكملها و يخرجها من القوه الى الفعل من جهة الماهية التي هي أمر مادي؛ إذ لا تحصل لها عقلاً و خارجاً إلا بالوجود، فالهيوالي [كالهيوالي] التي لا يحصل [تحصل] لها في الخارج إلا بالصورة، إلا أنّ بين القبيلتين فرق من وجوه بينت في موضعها انشاء الله تعالى. (4) تمت

الرساله بعون الله، سنه 1313.

ص: 450

1- شرح الاشارات: 248 / 3.

2- العقل.

3- شرح الاشارات: 248 / 3.

4- تمت الرسالة، سنه 1314.

4: شیدای سحر

آیت الله سید احمد خسروشاهی

سعید عباس زاده

ص: 451

خاندان خسروشاهی از خاندان های اصیل فقهی و روحانی آذربایجان است که روحانیت و فقاہت در آن دودمان سالیان متمادی - شاید 200 یا 300 سال - جریان و استمرار داشته است.⁽¹⁾

بزرگان بسیاری از این خاندان در عرصه دانش و فضیلت ظهور کرده اند. برخی از آن ها از ستارگان پرفروغ علم و فضیلت به شمار می روند؛ که از جمله آن ها می توان آیت الله سید ابوالحسن خسروشاهی، از علمای قرن سیزدهم هجری را نام برد. این مرد بزرگ که یکی از فقهای نامدار شیعه است، جدّ اعلای خاندان خسروشاهی به شمار می رود. فرزاندانی که از این خاندان در عرصه اجتهاد ظهور کرده اند، عبارتند از:

1- آیت الله سید علی خسروشاهی: وی از علمای اواخر قرن سیزدهم بود که به کربلا و نجف اشرف هجرت کرد و در آنجا ماندگار شد.

2- آیت الله سید محمد حسینی خسروشاهی: وی فرزند آیت الله سید علی خسروشاهی است و در سال 1312 ه. ق در کربلا متولد شد و نزد بزرگانی چون شیخ انصاری به کمالات علمی و معنوی نایل گشت.

از وی آثاری چون مشکاه المصابیح فی التعادل و التراجیح، رساله فی التقیه، رساله الباقریه، رساله فی بیان وضع الالفاظ و الحقیقه الشرعیه به چاپ رسیده است.

ص: 453

1- علمای معاصرین، خیابانی، ص 252.

شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه، کتاب الاوضاع اللفظیه وی را معرفی کرده است. (1)

3- آیت الله سید احمد خسروشاهی، جدّ آقا سید احمد در سال 1228 هـ. ق در تبریز متولد گردید و پس از فراگیری مقدمات و فقه در تبریز، برای تکمیل دانش خود به نجف هجرت نمود و از محضر بزرگانی چون حاج میرزا حبیب الله رشتی، فاضل ایروانی و آقا شیخ حسن ممقانی - که از استادان معروف حوزه علمیه در عصر خود بود - چندین سال بهره برد. او از جمله شخصیت هایی بود که در عرفان و در مسیر معنویت نیز سیر و سلوک کرده بود و به ایمان و اخلاص شهرت داشت.

از سید احمد، آثاری چون حجیه القطع و الظن و البرائه و حاشیه برمشکاه المصابیح فی التعادل و التراجیح به یادگار مانده است.

4- آیت الله سید مرتضی خسروشاهی در سال 1372 هـ. ق در تبریز متولد گردید و دروس مقدماتی را در زادگاه خویش فرا گرفت و سپس به مشهد مسافرت نمود و از محضر اساتیدی چون آیت الله سید ابوالحسن انگجی استفاده نمود. وی مدتی نیز در درس آیت الله نائینی و آیت الله حائری یزدی شرکت کرد.

از وی آثار ارزشمندی چون فوائد الافهام در شرح قواعد الاحکام، نثرات الکواکب علی خيارات المکاسب و رسائل جداگانه در مسائل متفرقه نیز به جای مانده است.

آیت الله سید ابوالفضل خسروشاهی، آیت الله سید احمد خسروشاهی و آیت الله سید هادی خسروشاهی از فرزندان آیت الله سید مرتضی خسروشاهی هستند.

ولادت

آیت الله سید احمد خسروشاهی در 26 ربیع الثانی 1330 هـ. ق به دنیا آمد و در

ص: 454

1- الذریعه، ج 2، ص 479 و ج 3، ص 11.

دامان خاندان علم و فضیلت پا به مکتب گشود. پدرش سید مرتضی خسروشاهی نخستین معلّم وی بود. پدرش مردی بود که علم و عمل و پارسایی او زبانزد خاص و عام بود و یکی از مراجع بزرگ و صاحب نفوذ خطه آذربایجان به شمار می رفت.

تحصیل

آقا سید احمد نزد پدرش، مقدمات و قسمتی از سطح را فراگرفت و سپس همراه ایشان، راهی شهرهای سمنان و مشهد گردید. این مسافرت به دنبال تبعید آیت الله سید مرتضی خسروشاهی به دو شهر یادشده بود؛ چون وی از جمله کسانی به شمار می رفت که در برابر سیاست های فرهنگی رضاخان قد علم کرد و در جریان کشف حجاب در سال 1314 ش سخت برآشفت. بدون تردید رژیم وقت این موضع گیری را از یک عالم بزرگی در موقعیت سید مرتضی آن هم در آذربایجان بر نمی تافت. فلذا چاره حکومت در این بود که این عالم فرزانه را - همراه عده ای دیگر - از تبریز که هسته مرکزی جریانات به شمار می رفت، دور سازد. آیت الله سید احمد خسروشاهی هر چند در آن زمان در سنین جوانی بود، لکن هر چه بود، او نیز در کنار پدر، طعم تلخ تبعید و دور شدن از خانه و زندگی را دریافت و از این سختی ها و لحظه های تلخ زندگی پدر، درس آموخت.

وی پس از آن که در شهر مقدس مشهد اقامت یافت، دومین مرحله از تحصیلات خود را در جوار امام رضا(علیه السلام)، نزد استادان بزرگ حوزه علمیه مشهد فرا گرفت.

در آن زمان، حوزه علمیه مشهد که به جهت حضور استادان معروف، موقعیت مناسبی داشت، آقا سید احمد را مدت ها در مشهد ماندگار ساخت و سرآغاز زندگی مبارک و توأم با علم و فضیلت برای وی گردید. آیت الله حاج حسین قمی، آیت الله میرزا ابوالحسن انگجی و آیت الله آقا میرزا احمد آقازاده خراسانی از استادان بزرگ حوزه علمیه مشهد در آن عصر بودند.

آیت الله سید احمد خسروشاهی پس از سپری شدن دوران تبعید پدر، همراه وی به تبریز بازگشت و نزدیک دو سال در این شهر، در کنار پدر ماندگار گردید، لکن برای

تکمیل تحصیلات دوباره هجرت دیگری را آغاز نمود و این بار برای تکمیل علوم و رسیدن به کمالات معنوی، حوزه علمیه قم را برگزید. وی 4 سال در محضر آیت الله حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم زانوی تواضع به زمین زد و خوشه چین دانش و معارف آن بزرگ مرد علم و عمل بود و سپس مدتی نیز در درس آیت الله سید محمدتقی خوانساری و آیت الله سید محمد حجت کوه کمره ای شرکت کرد و در اصول و فقه، به مراحل عالی نایل گشت. وی در حوزه علمیه قم تدریس را آغاز کرد.

آثار

آثاری که از وی به جای مانده است، حکایت از تبّخّر ایشان در علوم مختلف دارد. آثار او که متأسفانه هنوز چاپ نشده است، عبارت است از :

1- رساله فی حرمة التشبه بالكفار (رساله در حرام بودن تشابه به کفار)؛

2- رساله فی جواز النافله لمن علیه الفریضه (رساله در جواز نافله برای کسی که نماز واجب دارد)؛

3- رساله فی المواعظ؛

4- الحواشی علی التبصره؛

5- الحواشی علی العروه. (1)

بازگشت به تبریز

آیت الله سید احمد خسروشاهی پس از اقامت طولانی در قم، راهی آذربایجان گردید. داستان بازگشت وی به زادگاه خویش بسیار آموزنده است.

آیت الله اراکی که در آن زمان از فضیلتی حوزه علمیه قم به شمار می رفت و خود از نزدیک شاهد این ماجرا بود، پس از یادآور شدن متن نامه آیت الله خوانساری به

ص: 456

آیت الله سید مرتضی خسروشاهی، واقعه را این گونه بیان می کند :

بسمه تعالی

حضرت مستطاب حجت الاسلام و المسلمین حاج سید مرتضی خسروشاهی

- دامت برکاته العالیه -

به عرض عالی می رساند ان شاء الله تعالی، مداوم در کمال استقامت و صحت موفق و مؤید باشید و این سال جدید بر وجود شریف و سایر بستگان محترم مبارک و مسعود باد... موضوع توقف حضرت معظم له (آقا سید احمد) در قم مذاکره شد، موکول به اجازه حضرت تعالی نمودند و البته چنین هم هست و توقف ایشان گذشته از اینکه برای خود ایشان روحاً و جسماً اصلح است، نظر به حال جامعه مسلمین و حوزه علمیه و اسلام هم رجاء به اصلحیت هست. لهذا مقتضی است که حضرت تعالی هم مفارقت ایشان بر خود هموار نموده و اجازه توقف ایشان را به خط شریف صادر فرماید تا برای ایشان حجت باشد. در خاتمه، دوام سعادت و سلامت وجود شریف را از درگاه خداوند متعال سائلم و ملتتمس دعا.

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

المخلص محمدتقی خوانساریجالب این جاست که آیت الله سید مرتضی خسروشاهی با درک نیاز اهالی به حضور عالمی چون سید احمد، با ماندن وی در حوزه علمیه قم موافقت نمی کند و ایشان را به شهر تبریز فرا می خواند. ایشان نیز برخلاف میل باطنی خود که ماندن در قم بود، رضایت خدا را در رضایت پدر می داند و راهی تبریز می گردد.

آیت الله اراکی می گوید: «... در مورد نامه ای که به خط من است، ابوی موافقت نکرد، ایشان نیز بلافاصله به تبریز مراجعت نمود... من به ایشان خیلی علاقه داشتم مردی مخلص بود و اهل علم و معرفت... و بعدها هر وقت به قم می آمدند، دیدار ما تجدید می شد...»⁽¹⁾

ص: 457

سادات خسروشاهی که در خطّه آذربایجان زندگی می کردند، به مردانی پاک، اصیل و با ایمان و اخلاص شهرت داشتند. از این میان، آیت الله سید احمد، پس از پدر، آوازه اش بلندتر و اخلاصش زیانزد بود. سید احمد در دوران جوانی که در قم حضور داشت، پا به مسیر عرفان گذاشت و در این راه تلاش های زیادی نمود و به مراحل از سیر و سلوک نایل گشت. استاد وی در این طریق، مردی به نام آقا شیخ رضا بود که خود از انسان های بزرگ و پارسا به شمار می رفت.

آیت الله آقا سید هادی خسروشاهی در این خصوص می گوید: «درباره چگونگی سیر و سلوک و مراحل عرفانی برادر بزرگوارم که آیت الله اراکی به آن اشاره می کند، شهید استاد مطهری سخت پی گیر امر بود و حتی برای همین منظور، مشتاقانه به دیدار ایشان شتافت ولی اخوی اظهار نکرد و ظاهراً اکنون تنها آیت الله اراکی، آیت الله سید حسن بُدّلا و شیخ العرفاء، آیت الله میرزا حسن مصطفوی، در این زمینه اطلاعاتی دارند... البته اخوی در مورد استادشان به نام آقا شیخ رضا، به نگارنده آن هم پس از اصرار زیاد نقل کردند، با این شرط که تا زنده است به طور مکتوب جایی نقل نگردد. مرحوم اخوی اعتقاد عجیبی به این مرد ناشناخته داشت و وی را از اولیاء الله می دانست و پس از فوت آقا شیخ رضا می گفت: کمر من شکست و دیگر ره به جایی نبردم...»

در ارتباط با زهد و تقوای آیت الله سید احمد خسروشاهی، گفته شده است:

«آن مرحوم به پدر بزرگوارش حاج سید مرتضی آقا نقل فرموده که در قم به نماز شب مواظبت داشتم. بعضی از شب ها که به واسطه کثرت مطالعه دیرتر می خوابیدم بیدار نمی شدم، هاتقی صدایم می کرد: آقا، آقا! یا می گفت: سید احمد، سید احمد! بیدار می شدم، شخص هاتقی را نمی دیدم، ولی پس از بیدار شدن می دیدم که وقت نماز شب است. می دانستم که مَلِک است، چنان چه در روایات وارد شده که مؤمن مواظب نماز شب را ملک بیدار می کند اگر بخواب بماند.»⁽¹⁾

ص: 458

آیت الله سید احمد خسروشاهی در همان روزهای آغازین شکل‌گیری انقلاب اسلامی، از سال 1341 به این قافله پیوست تا پیروزی ملت ایران در برابر سلسله پهلوی، در این مسیر قرار گرفت.

نقش وی در انقلاب اسلامی ایران، رهبری و هدایت این جریان در تبریز بود. او در کنار امام خمینی و سایر بزرگان، در این جهت از هیچ تلاشی دریغ نرزید.

وی در کنار شهید قاضی طباطبایی و سایر علمای انقلاب تبریز، نهضت اسلامی را در آذربایجان تقویت کرد و از این طریق در فراگیر ساختن حرکت‌های اسلامی نقش بزرگی را ایفا نمود. اگر در تاریخ انقلاب، از تبریز به عنوان دومین شهری یاد می‌شود که پس از جریان قم، خروش بر می‌دارد، قطعاً این زمینه و بستر خروش و حماسه مرهون تلاش‌های بزرگانی چون سید احمد خسروشاهی بود.

در سال 1341 در جریان خونین 15 خرداد، وقتی امام خمینی از تبت تفرقه افکنانه رژیم مطلع می‌گردد که در صدد ایجاد اختلاف در بین علما و بدبین ساختن برخی از بزرگان به نهضت است، پیش از هرگونه اقدام رژیم، افرادی را به مراکز استان و شهرهای مهم اعزام می‌کند و علمای بزرگ را از نیت دولت وقت آگاه می‌سازد و بزرگان را به استمرار حرکت انقلابی فرا می‌خواند. در این حرکت، مخاطب امام خمینی در آذربایجان آیت الله سید احمد خسروشاهی و آیت الله سید قاضی طباطبایی بود که پیام امام خمینی توسط آیت الله سید هادی خسروشاهی به علما می‌رسد. وی خاطرات خود را از این واقعه، این‌گونه به نگارش درآورده است :

«برادر بزرگوام (آقا سید احمد) روابط صمیمی و دوستانه‌ای با حضرت امام خمینی از دوران تحصیل در قم داشت. در واقع، با امام در درس مرحوم آیت الله حائری، مؤسس حوزه علمیه، هم‌دوره بود و در مدرسه دارالشفاء حجه‌ای در کنار حجه‌ای ایشان و آیت الله سید صادق لویسان داشت... و الفت بین امام و ایشان مشهود بود... در آغاز قیام و پیش از حوادث خونین 15 خرداد، آقای شیخ حسن صانعی به سراغ من آمد که حاج آقا با شما کار دارند... بلافاصله به خدمت ایشان رفتم، فرمودند: این حرکتی که از قم آغاز شده، اگر توسط آقایان علمای بلاد تعقیب و پی‌گیری نشود،

دستگاه فکر می کند که قم تنها است، آن وقت نتیجه مطلوب به دست نمی آید. خوب است جناب عالی به تبریز و دیگر بلاد آذربایجان تشریف ببرید و با آقای اخوی (آقا سید احمد) و آقای مجتهدی و آقای قاضی و بقیه علما تماس بگیرید، موضوع را بگویید و خطرات را گوشزد کنید و متن تلگراف های آقایان قم را نشان دهید تا آقایان بلاد هم اقدام کنند.»

امام خمینی هزینه سفر آیت الله سید هادی خسروشاهی را هم می پردازد. آیت الله خسروشاهی پیش از آن که ساواک از جریان اطلاع یابد، با علمای تبریز و چند شهر دیگر آذربایجان صحبت می کند و پیام امام را به آن ها می رساند. حاصل تلاش های آیت الله خسروشاهی، بیداری مردم این سامان و پیوستن آذربایجان به انقلاب بود.

آری، انقلاب اسلامی چنان چه در شهرهایی چون تهران و قم به رهبری روحانیت آگاه به گونه ای فراگیر آغاز می گردد، در آذربایجان نیز این حرکت را روحانیون انقلابی روز به روز گسترده ساخته و آتش آن را در دورترین نقاط این خطه شعله ور نگاه می دارند. هر چند در این مسیر با خطرات و مرارت هایی نیز روبه رومی گردند.

آیت الله سید احمد خسروشاهی در اعتراض به دستگیری امام خمینی پس از کشتار 15 خرداد، این اعلامیه را صادر می کند :

بسم الله الرحمن الرحيم

مردم مسلمان آذربایجان! واقعه شوم و جانگداز 12 محرم قلوب عموم طبقات را جریحه دار ساخت و سبب شد که عده ای از علمای این استان نیز مانند سایر نقاط ایران به مرکز مهاجرت نموده و عملاً برخلاف تمام شایعات و دروغ پردازی ها، اتحاد و اتفاق و همدردی و پشتیبانی خود را ابراز نمایند و بالتیجه در جلسات مذکور شرکت نموده و در اصلاح امور تا حد امکان بکوشند. هدف اساسی علمای مهاجر علاوه بر ابراز پشتیبانی، دو مطلب بود: 1- استخلاص عموم بازداشت شدگان این حادثه از آیات عظام و مبلغین و سایر طبقات. 2- تعقیب این نهضت مقدس که صلاح دین و ملت و بقای استقرار کشور بستگی کامل به آن دارد.

نهضت که عموم طبقات طرفدار آن بوده و از دادن تلفات جانی و مالی خودداری

ص: 460

نموده است متأسفانه قبل از عملی شدن این دو امر و به جای تقدیر از حسن نیت علمای بزرگ که با گذشت و فداکاری در اصلاح امور صمیمانه کوشش می کنند، ما را به همراه گروهی از علما شبانه دستگیر نموده و جبراً به شهرهای خود اعزام داشتند و برخلاف مقام اصول آزادی و قانون کشور همه گونه آسایش را از ما سلب کردند. اکنون جای بسی خوشوقتی است که قسمت اول این هدف تا حدی (نه به طور کامل) صورت عمل به خود گرفته است و حتی دیروز خبر آزاد شدن حضرت آیت الله العظمی خمینی - دامت برکاته - در سراسر کشور با شور و اشتیاق عجیب عموم مردم و مسلمانان روبه رو گردید. البته جامعه روحانیت و علمای بزرگ به همین مقدار اکتفا نکرده و هدف های مقدس دینی خود را تعقیب خواهد کرد و نهضتی را که با پشتیبانی عموم طبقات به وجود آمده خواهد داد یعنی با تمام قوا حداکثر کوشش خود را به کار خواهد گرفت تا در محیطی آرام و از طریق مسالمت آمیز مشکلات دینی و اجتماعی خواسته های مردم غیور و مسلمان را اصلاح نماید و در این راه از ارواح طیبه ائمه اطهار و از حضرت ولی عصر استمداد و از پشتیبانی همه جانبه ملت مسلمان برخوردار خواهد بود.

14 ربیع الاول

الاحقر سید احمد خسروشاهی

رهبری مردم

عوامل اطلاعاتی رژیم پهلوی به تعقیب و جریان سازی علیه آیت الله خسروشاهی و دوستانش می پردازند. این واقعیت در سندی که از اداره اطلاعات رژیم پهلوی (ساواک) به دست آمده است، به خوبی آشکار می گردد:

مدیر کل اداره سوم:

مقتضی به عرض تیمسار قائم مقام ساواک برسد: به فرموده تیمسار قائم مقام سازمان اطلاعات و امنیت کشور با استفاده از دوروز تعطیلات به آذربایجان عزیمت

ص: 461

و اینک نتیجه بررسی های محوله را ذیلا به استحضار می رساند.

1- در نتیجه اقدامات قبلی و پی گیری های مداوم آن، اختلاف نسبتاً زیادی بین روحانیون طراز اول تبریز به علت تندروری های آقایان میرزا محمد علی قاضی طباطبایی و سید احمد خسروشاهی و چند تن دیگر ایجاد و به تدریج معتقد شده اند که سخنرانی های دو نفر مذکور که معمولاً روزهای چهارشنبه و پنج شنبه هر هفته پس از خاتمه نماز جماعت در مساجد شعبان و حاج میرزا یوسف مجتهدی به عمل می آید و ارتباطی با مسایل مذهبی ندارد و بحال به ضرر جامعه روحانیون منجر خواهد گردید.

2- اکثریت بازرگانان و اصناف که با توجه به رکود فعلی بازار مایل به ادامه کسب و کار خود در محیط آرام هستند تا حد زیادی به حقایق امور پی برده و مایل نیستند که بیش از این تحت تأثیر و تلقینات سوء بعضی از روحانیون قرار گیرند.

3- با کمال تأسف مشاهده گردید مقامات قضایی لشکر 7 متهمانی را که در مورخه 14/7/42 (روز افتتاح مجلس) به علت تحریک مردم به بستن بازار از طرف شهربانی دستگیر و تحت تعقیب قانونی شده بودند به فاصله یک ساعت آزاد نموده است. این روش مقامات لشکر که برخلاف انتظار رویه قبلی بوده است، بسیار تأثیر سوئی بخشیده و علاوه بر تجری آزادشدگان منجر به این گردیده است که شهربانی تبریز از دستگیری و معرفی سایر متهمین خودداری نماید.

4- مسجد معروف به «قلعه بیگی» که از طرف شهربانی بسته شده بود و به وعظ ناراحت اجازه رفتن بالای منبر داده نمی شد، مجدداً باز شده و چندین نفر از روحانیون مخالف و وعظ ناراحت بالأخره باعث گمراهی مردم و موجب وقوع حوادث نامطلوب خواهند شد. با توجه به نزدیک شدن ماه رمضان مصلحت منطقه چنین ایجاب می نماید که در درجه اول اشخاص مشروحه زیر به وسیله شهربانی و با پشتیبانی و راهنمایی های ساواک دستگیر و به مراکز اعزام گردند مشروط به اینکه حداقل به مدت یک سال از مراجعت آنان به آذربایجان قویاً جلوگیری شود در غیر این صورت

ص: 462

بدون تردید نتیجه معکوس گرفته خواهد شد :

1- میرزا محمد علی قاضی طباطبایی 2- سید احمد خسروشاهی 3- میرزا محمد علی انگجی 4- شیخ جعفر اشراقی 5- حاج سید مهدی دروازه ای

6- حاج میرزا محمد حسن انزایی

الف) در صورتی که پس از دستگیری نامبردگان باز هم سایرین از اعمال خود دست برندارند اشخاص مشروحه زیر متعاقباً دستگیر و حداقل به مدت یک سال از منطقه طرد گردند :

1- حاج میرزا عبدالله مجتهدی

2- حاج میرزا حسن ناصرزاده

3- میرزا حسین گوگانی

4- اسحق (عیسی) اهری

5- سید جواد هشترودی

6- میرزا محمد حسن بکایی

ب) به احتمال قریب به یقین دستگیری سری اول مخصوصاً ردیف 2 و 3 عکس العمل هایی ایجاد و حوادث سوئی به بار خواهد آورد. برای جلوگیری از خطرات احتمالی و با توجه به اینکه در جریانات چند ماه اخیر در نتیجه تدابیر متخذه هیچگونه حادثه سوئی در منطقه رخ نداده است، مقامات استانداری و انتظامی و امنیتی عقیده مندند که به محض احساس خطر و به منظور جلوگیری از وقوع حوادث نامطلوب این اختیار قبلاً به استانداری داده شود که حداکثر به مدت یک هفته حکومت نظامی اعلام و طبق مقررات آن رفتار شود.

ت) به موازات دستگیری سری اول در تبریز و برای اینکه عکس العمل هایی در

ص: 463

سایر نقاط استان نشان داده نشود، اجازه داده شود که درباره چند نفر از روحانیون مخالف و ناراحت منطقه من جمله اردبیل، آذرشهر، اهر به همین منوال اقدام گردد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت آذربایجان شرقی

روزهای سخت

سخت گیری رژیم در ارتباط با علما، کاری را پیش نبرد، بلکه بسیاری از روحانیون که اسامی آن ها در لیست سیاه قرار گرفته بود، بیش از پیش خود را نشان دادند. اگر تا آن زمان این حرکت ها به صورت سازمان یافته نبود، پس از برخورد رژیم با روحانیت، سازمان یافته گردید. هر یک از علما بنا بر وظیفه ای که در برابر دین و مردم مسلمان احساس می کردند، در صحنه مبارزه حضور یافتند. علمای اعلام تبریز هر شب در یکی از مساجد جمع می شدند و ضمن بیان مسائل اسلامی، مردم را در جریان حوادث سیاسی قرار می دادند. مردم استقبال پرشوری از این مجالس به عمل می آوردند. رژیم در 12 آذر 1342، حاج سید احمد خسروشاهی، حاج آقا علی قاضی طباطبایی، حاج سید مهدی دروازه ای و دو تن از وعاظ به نام آقا حاج میرزا حسن ناصرزاده و حاج میرزا محمد حسن انزایی را دستگیر و به زندان قزل قلعه تهران بردند.

به دنبال دستگیری روحانیون تبریز، اهالی غیرتمند این شهر دست به اعتصاب زدند و بازار و مغازه های خیابان ها بسته شد. این اعتصاب تا چهار روز دیگر ادامه داشت. رژیم شاه به منظور سرکوب اعتصاب کنندگان حکومت نظامی اعلام کرد و عده ای از مردم را بازداشت نمود.

سرانجام

آیت الله خسروشاهی همراه چند تن از دوستان مبارز خود، 45 روز در زندان قزل قلعه تهران بود و پس از آن، 15 روز دیگر نیز در زندان ویژه سلطنت آباد بود. وی پس از آزادی از زندان نیز همچون سایر علمای مبارز، در منزلی تحت مراقبت بود. این

ص: 464

بزرگواران هر چند در آن سال ها به ظاهر شکست خوردند و رژیم نیز با سرکوب ساختن نهضت 15 خرداد سال 1342، خود را پیروزمند این نبرد تلقی کرد، لکن آنچه که در سال 1356 در تبریز اتفاق افتاد - که جرقه اش سراسر ایران را نیز شعله ور ساخت - دقیقاً نتیجه همان تلاش هایی بود که در سال 1342 انجام گرفته بود.

در سال 1356، پس از قیام شهر قم، دومین شهری که توانست به این نهضت بپیوندد، شهر تبریز و در واقع منطقه آذربایجان بود که مدت ها تحت رهبری بزرگانی چون آیت الله سید احمد خسروشاهی قرار داشت.

... وی در 28 خرداد سال 1356، در تبریز به رحمت حق پیوست. پیکرش با حضور کم نظیر مردم تشییع گردید و سپس از شهر تبریز به مشهد مقدس انتقال یافت و در جوار امام رضا(علیه السلام) به خاک سپرده شد. (1)

ص: 465

1- نقل از کتاب: «گلشن ابرار»، ج 3، ص 477 و به بعد، تهیه و تدوین جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، زیر نظر پژوهشکده باقرالعلوم(علیه السلام)، «نشر معارف».

5 : درباره مرکز بررسی های اسلامی و: کتابخانه عمومی

سید محمود خسروشاهی

ص: 467

الف) پیشینه :

«مرکز بررسی های اسلامی» با هدف نشر و اشاعه فرهنگ و تفکر اصیل اسلامی در مقیاسی وسیع و جهانی در دهه 50 شمسی - 1352 - توسط حجت الاسلام والمسلمین استاد سید هادی خسروشاهی، در حوزه علمیه قم تأسیس شد و بلافاصله به عنوان یکی از واحدهای فرهنگی - علمی وابسته به حوزه علمیه شکوفای قم، فعالیت های خود را در عرصه های مختلف و در سطح جهانی آغاز کرد و در نخستین گام ها، موفق به ارائه برنامه هایی نو در ساحت اندیشه اسلامی و عرضه و نشر کتاب ها و رسائل فکری گردید که ویژگی اصلی آن توجه به مقتضیات زمان و مکان و شناخت نیازهای جدید و عصری بود.

البته با توجه به فشارهای سیاسی رژیم سابق، به خصوص مخالفت ها و اشکال تراشی های سازمان های رسمی وابسته به دولت، «مرکز» به ثبت رسمی نرسید، ولی با پشت سر نهادن مراحل مختلف و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با موافقت «وزارت ارشاد اسلامی» به طور رسمی به ثبت رسید و فعالیت های خویش را در زمینه های متعدد گسترش داد.

ب) اکنون :

مرکز بررسی های اسلامی با الطاف خداوند متعال، با اتکا به سابقه و تاریخ تقریباً نیم قرنی خویش و تجربیات متعدد فرهنگی و علمی در سطح جهانی، با واحدهای

ص: 469

هشتگانه زیر به فعالیت های خویش ادامه می دهد و در جهت پر کردن خلأهای فکری و فرهنگی نسل جوان، گام برمی دارد.

1- واحد تحقیقات و پژوهش با محوریت :

الف: جمع آوری و تدوین آثار اسلام شناس فرهیخته و حکیم برجسته عصر ما، استاد علامه سید محمدحسین طباطبایی... که تاکنون 23 جلد از مجموعه 24 جلدی آثار ایشان چاپ و منتشر شده است.

ب: جمع آوری و تحقیق آثار فیلسوف شرق و مصلح اجتماعی بزرگ سید جمال الدین حسینی اسدآبادی که در 9 جلد تنظیم و نخست در قم و سپس در و در 3500 صفحه و تحت عنوان «الآثار الکامله» انتشار یافته است.

ج: مجموعه «تاریخ حرکت های اسلامی معاصر» در 20 جلد که تاکنون 8 جلد آن نشر یافته است.

د: مجموعه «اسناد نهضت اسلامی ایران» در 12 جلد که تاکنون 10 جلد آن در 8000 صفحه منتشر شده است.

ه: جمع آوری و تدوین آثار متفرقه استاد سید هادی خسروشاهی در 30 جلد که 15 جلد از آن قبلاً منتشر شده و 15 جلد دیگر در حال آماده سازی و چاپ است.

2- واحد تاریخ، اسناد و خاطرات، مشتمل بر طرح ها و پروژه های زیر :

1- علمای آذربایجان و خاندان فقاها و سیاست (همین کتاب)

2- زندگی و مبارزات شهید شیخ محمد خیابانی - نهضت آزادیستان - (چاپ شده است)

3- زندگی و مبارزات شهید نامدار، ثقه الاسلام تبریزی (چاپ شده است)

4- اسناد وزارت خارجه انگلیس درباره سید جمال الدین اسدآبادی (چاپ شده است)

ص: 470

5- اسناد وزارت خارجه ايران درباره سيد جمال الدين اسدآبادي (چاپ شده است)

6- يادنامه امام موسی صدر، جلد 1 و 2 در 900 صفحه (چاپ شده است)

7- يادواره آيت الله سيد ابوالقاسم كاشاني (چاپ دوم)

8- يادواره شهيد نواب صفوی (چاپ سوم)

9- يادواره ها و يادمان ها (2 جلد)

10- اسناد ساواک درباره استاد سيد هادي خسروشاهي (آماده چاپ)

11- حديث روزگار (خاطرات مستند استاد) در 50 جلد كه تاكنون 20 جلد آن منتشر شده است.

12- مصلح اجتماعي، امام موسی صدر (چاپ شده است)

3- واحد اينترنت و فضاي مجازي، مشتمل بر :

1- سايت استاد سيد هادي خسروشاهي به نشانی www.khosroshahi.org (شامل آثار، مقالات، مصاحبه ها، اخبار و...)

2- سايت «مرکز بررسی های اسلامی» به نشانی www.iscq.ir

4- واحد نشر الكترونيك

اين واحد به توليد نرم افزارهاي چند رسانه اي می پردازد. از محصولات اين واحد، نسخه اول و دوم مجموعه آثار استاد با همكاري مؤسسه كامپيوتري «نور» منتشر شده است. نرم افزار سيد جمال الدين اسدآبادي نيز با همكاري مركز تحقيقات كامپيوتري «علوم اسلامي» و «مجمع تقريبات بين مذاهب اسلامي» به انجام رسیده است.

5- واحد نشریات، مشتمل بر :

الف: ویژه نامه های «تاریخ و فرهنگ معاصر» درباره مسائل روز و رجال (تاكنون 3 مجلد از آن منتشر شده است.)

ص: 471

ب: فصلنامه «تاریخ و فرهنگ معاصر» که به مدت 6 سال (در 24 شماره بالغ بر 6000 صفحه) منتشر گردیده و جزء منابع اصیل تاریخ معاصر ایران اسلامی است.

ج: هفته نامه بعثت با 38 سال سابقه انتشار مستمر، که بیش از 1550 شماره آن منتشر شده و انتشار آن همچنان ادامه دارد.

6- واحد انتشارات :

واحد نشر مرکز بررسی های اسلامی تا امروز بیش از 30 عنوان کتاب و رساله را در ده ها هزار نسخه به زبان های: فارسی، عربی، انگلیسی، ایتالیایی و آلمانی منتشر کرده است که از آن میان می توان به چاپ قرآن مجید و نهج البلاغه و شرح زندگی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به زبان های مختلف - عربی، انگلیسی، ایتالیایی و فرانسه - اشاره کرد. اغلب این کتاب ها به طور رایگان در سطح جهانی توزیع شده اند.

«کلبه شروق» هم به عنوان یکی از واحدهای نشر «مرکز»، تاکنون بیش از 25 عنوان کتاب را به چاپ رسانده است.

در این میان، «مرکز» با مؤسسات انتشاراتی دیگر در قم همچون: دارالعلم، دارالفکر، دارالتبلیغ، شفق، نسل جوان، انتشارات امام عصر (عج)، خرم، بوستان کتاب و برخی مؤسسات انتشاراتی تهران مانند: مؤسسه اطلاعات، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بعثت، شرکت سهامی انتشار، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مؤسسه تحقیقاتی صدر و مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی و در تبریز با نشر سروش، سعدی، صابری و هاشمی ارتباط و همکاری داشته است.

«مرکز فرهنگی اسلامی اروپا - رم - ایتالیا» در واقع یکی دیگر از شاخه های واحد انتشارات «مرکز» در خارج از کشور بود که چاپ 165 کتاب، نشریه، رساله و مجله به زبان های: فارسی، ایتالیایی، عربی، انگلیسی و فرانسوی را به انجام رسانده و در سطح اروپا منتشر ساخته است.

«مرکز فرهنگی - اسلامی مصر» واحد دیگری در قاهره بود که با نظارت مستقیم استاد سید هادی خسروشاهی و همکاری «مکتبه الشروق الدولیه»، «دارالهدف» و ... به

ص: 472

تألیف، تحقیق و همکاری در نشر 50 جلد کتاب و رساله، درباره تشیع و اهل بیت و تاریخ معاصر ایران اسلامی پرداخته است.

7- واحد پخش و توزیع :

این واحد با افتتاح مرکز شماره یک «کلبه شروق» برای عرضه آثار و محصولات علمی، فرهنگی و اجتماعی در ابتدای خیابان صفائیه قم، فعالیت خود را از چندین سال قبل آغاز نموده که محل مراجعه طلاب و فضلاء حوزه علمیه و دیگر طبقات علمی و فرهنگی می باشد.

8- واحد کتابخانه :

در این قسمت به معرفی اجمالی این واحد می پردازیم تا دانشوران و اهل تحقیق و پژوهش با این بنیاد علمی و فرهنگی آشنایی پیدا کنند و در جریان بخش های گوناگون و زیرساخت های متعدد و خدمات مختلفی که ارائه خواهد کرد، قرار بگیرند.

با توجه به شرایط فعلی حوزه علمیه قم و به لحاظ تغذیه و رفع نیازهای مبرم به معارف و اعتقادات و معنویت، نخست باید ضرورت تأسیس و سازماندهی چنین کتابخانه عظیمی و سپس نقش آن در برطرف کردن خلأهای فرهنگی و به خصوص جایگاه آن در رشد و گسترش روحیه علمی و اشاعه فکر و فرهنگ در میان طلاب داخلی و خارجی حوزه و دانشجویان و جوانان را به اجمال بیان کنیم.

این کتابخانه دارای ویژگی ها و مشخصات و امکاناتی است که می توان گفت جوابگوی نیازهای خیل انبوه اهل علم خواهد بود و می تواند نمونه ای از یک مرکز فرهنگی با استانداردهای بین المللی به شمار برود که از جنبه های مختلف نسبت به کامل بودن آن اندیشیده شده و اهتمام لازم به کار گرفته شده است که به بخشی از این ویژگی ها و مشخصات و امکانات علمی، اداری و رفاهی کتابخانه اشاره می کنیم :

کتابخانه عمومی «مرکز بررسی های اسلامی» در زمینی به مساحت 5000 مترمربع با 4000 متر زیربنا در 4 طبقه طراحی شده است.

ص: 473

برای ساخت این مجموعه عظیم، از تیم مهندسی «ارگ بنیس» که یکی از مجرب ترین تیم های مهندسی کشور به شمار می رود، کمک گرفته شده است و نقشه کل ساختمان توسط این گروه تهیه، طراحی و آماده شده و زیر نظر مهندسین مجرب مؤسسه «نورگستر - قم» اجرا شده است و از این رو نحوه ساخت کتابخانه و به خصوص معماری داخلی و خارجی آن از برجستگی های لازم برخوردار می باشد.

با توجه به اینکه کتابخانه در قالب یک محوطه وسیع علمی قرار گرفته و از چند سو در نزدیکی مراکز مختلف علمی دیگر مانند دانشگاه مفید، دانشگاه قم و دانشگاه ادیان و مذاهب قرار دارد، برای طراحی و ساخت آن گزینه های پنجگانه زیر در نظر گرفته شده است :

1- محوطه و حیاط مرکزی با توجه به فضای نیمه باز کتابخانه و اطراف آن؛

2- تأمین نور کتابخانه از طریق کنترل نور روز به عنوان هدف و توجه به مفهوم مخزن؛

3- جداسازی تردد و فضای خواهران و برادران و حل فضاها در طبقه همکف؛

4- ایجاد فضایی شفاف جهت رهیابی داخل به خارج و نمایان بودن دسترسی ها؛

5- الهام و بهره گیری از مظاهر معماری اسلامی - ایرانی.

بدین ترتیب ساختمان کتابخانه مرکز بررسی های اسلامی، پس از بررسی های متعدد با توجه به اقلیم پروژه و با توجه به عملکرد فعلی و آینده آن و با توجه به الگوهای بومی منطقه، طراحی و ساخته شده است.

از این بخش که بگذریم، نوبت به بخش های مختلف کتابخانه و ظرفیت های پیش بینی شده در آن می رسد که فعلا در سه محوطه: زیرزمین، طبقه همکف و طبقه اول قابل توصیف است :

1- زیرزمین با مساحتی بالغ بر 1278 متر شامل بخش های زیر است :

- مخزن کتاب با ظرفیت 100 هزار جلد کتاب در حدود 500 متر مربع؛

- سالن اجتماعات یا محل برگزاری همایش ها با ظرفیت 150 نفر در 200 متر مربع؛

- سرویس های ضروری بهداشتی، آبدارخانه و تأسیسات.

2- طبقه همکف یا سالن مطالعه مشتمل بر بخش های زیر :

- سالن مطالعه آقایان با ظرفیت اولیه 160 نفر در حدود 320 مترمربع؛

- سالن مطالعه بانوان با ظرفیت 160 نفر در بیش از 325 مترمربع؛

- محوطه انتخاب کتاب در 40 مترمربع؛

- محوطه سمعی - بصری در 60 مترمربع؛

- مخزن نشریات و کتب مرجع با مخزن باز موقت، با ظرفیت 15000 جلد کتاب در حدود 80 مترمربع.

3- طبقه اول یا فوقانی که مشتمل بر بخش های زیر است :

- تعداد 3 اتاق در بیش از 92 متر که جهت سکونت و استفاده محققینی که بخواهند برای مدتی در محل کتابخانه اقامت نمایند، ساخته شده است. (به اضافه امکانات رفاهی)؛

- بخش اداری شامل دفتر مدیریت و 6 اتاق در 180 مترمربع؛

- سالن و نمازخانه جهت انجام فرائض مذهبی؛

- «مهمان سرا» برای اقامت مهمانان داخلی یا خارجی، واحدی مستقل در بیش از 150 متر با امکانات لازم.

بدین ترتیب و بر اساس آنچه به اجمال ذکر شد، مرکز بررسی های اسلامی، در واقع کتابخانه ای را آماده بهره برداری نموده که در نوع خود جامع بوده و امکانات و شرایط مناسبی دارد که طبیعتاً جوابگوی مراجعین خواهد بود و سالن همایش ها و اتاق محققین و اتاق صحافی و نمایشگاه، در کنار سالن مطالعه جداگانه برای آقایان و بانوان، از امتیازات آن به شمار می رود.

پیش بینی بخشی برای آرشیو و نگهداری اسناد و نشریات از دیگر ویژگی های این کتابخانه است که در آن، منابع و اسنادی که از نیم قرن پیش توسط مؤسس محترم جمع آوری شده و علاوه بر ایران، نشریات بسیاری از کشورهای دیگر را هم در بر می گیرد.

همچنین فصلنامه ها، ماهنامه ها و سایر نشریات جدید هم - که نخست در اختیار

اعضای کتابخانه قرار می‌گیرد- پس از تکمیل و صحافی به تدریج به مخزن کتابخانه اضافه می‌گردد.

برای تسهیل در امر مطالعه، امکان استفاده از نرم افزارهای اسلامی و آثار بزرگان دینی به وسیله شبکه کامپیوتری در سالنی مجزا در کتابخانه برای مراجعه کنندگان فراهم شده است.

با توجه به اینکه مؤسس محترم این مجموعه عظیم استاد سید هادی خسروشاهی، آن را به حوزه علمیه و اهل علم اهدا نموده و کتابخانه شخصی خویش را هم که مشتمل بر ده ها هزار جلد کتاب، نشریه، اسناد تاریخی، عکس و منابع آرشیوی است، برای استفاده عموم وقف نموده است؛ امید می‌رود که این عمل از نظر دانشمندان، دانشوران، عالمان و محققان تلقی به قبول شود و با حسن نظر و بذل توجه، با اهداء کتاب ها و کتابخانه های شخصی، مرکز بررسی های اسلامی بتواند خدمتی در خور و مناسب به کتاب دوستان و اصحاب تحقیق و پژوهش حوزه علمیه قم ارائه نماید.

و اکنون به یاری خدا با بازگشایی فاز نخست، کتابخانه مرکز بررسی های اسلامی پذیرای قدم اهل مطالعه و تحقیق می‌باشد و امید می‌رود که به زودی این کتابخانه با توسعه لازم و افتتاح مخزن باز برای مراجعین محترم و محققان، به یکی از غنی ترین و جامع ترین کتابخانه های استان قم تبدیل شود.

والله الموفق

قم - حوزه علمیه

ذی الحجه 1436 - مهر ماه 1394

ص: 476

6 : مراسم افتتاح کتابخانه عمومی مرکز بررسی های اسلامی

تنظیم :

مدیریت نشریه «بعثت»

ص: 477

متن کامل سخنان حجت الاسلام و المسلمین استاد سید هادی خسروشاهی در مراسم افتتاحیه کتابخانه مرکز بررسی های اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليكم جميعاً ورحمه الله وبركاته. خیرمقدم عرض می کنم خدمت همه حضار محترم، آیات و حجج اسلام و فضایل عظام، به ویژه استاد بزرگوارمان حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ جعفر سبحانی و برادر عزیزمان جناب آقای دکتر لاریجانی ریاست محترم مجلس شورای اسلامی که به رغم اشتغالات زیادی که دارند، در مراسم افتتاح کتابخانه حضور یافتند.

کتابخانه بنده در واقع از سال 1329 یا 30 شمسی تأسیس شد که 11 سالم بود! یک کتاب به نام نیچریه یا ناتورالیسم از سید جمال الدین اسدآبادی، به قیمت ده ریال خریدم که در واقع نخستین هسته تأسیس کتابخانه شد و علاوه بر آن، همان کتاب هم باعث شد که برویم آثار سید را جمع کنیم و آن را دنبال کنیم که در نتیجه معلوم شود سید، فقط همان رساله نیچریه را ندارد، بلکه مجموعه ای از رسائل و مقالات دارد که ما پس از پیگیری و تنظیم و تحقیق، آن ها را در 7 جلد در قم و در 9 جلد در قاهره در 3500 صفحه چاپ کردیم.

بدین ترتیب ما به جمع آوری کتاب مشغول شدیم و بعد آمدیم قم. در قم هم همیشه کتاب های جدید را تهیه می کردیم.

علی رغم مشکلات شدید مالی که آن زمان داشتیم و من یادم است که دو نفر در قم همیشه به کتابفروشی‌ها بدهکار بودند، یکی حضرت آیت الله خامنه‌ای بودند، دومی هم بنده.

... این مجموعه کتاب‌ها که جمع شد، من فکر می‌کردم با این همه کتاب چه کنیم؟ یکبار حدود هزار جلد توسط آقای انصاریان دادیم به کتابخانه‌ای در اراک، یک مقداری اهدا کردیم به کتابخانه‌های دیگر از جمله کتابخانه مکتب اسلام و... بعد فکر کردم که خود یک کتابخانه تأسیس کنیم و همه اینها را در آنجا قرار دهیم.

یادم می‌آید که کتابخانه مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی نخست در دو اطاق یا حجره بود در یک مدرسه علمیه کوچکی که در خیابان ارم، کنار حمام ارم، ایشان این مدرسه را ساخته بودند، و بالأخره همت کردند و کتابخانه‌شان را توسعه دادند که اکنون یکی از معظم‌ترین کتابخانه‌های دنیا به شمار می‌رود.

به هر حال ما کتاب‌ها را جمع کردیم و الان هم مجموعه خوبی تهیه شده است و بالغ بر هفتاد - هشتاد هزار جلد کتاب که سی - چهل هزار آن فهرست نویسی شده و بقیه به تدریج منتقل و اقدام خواهد شد.

حضرت آیت الله سبحانی فرمودند کتب مرحوم والد و خاندان را چه کردیم؟ که عرض کردم آنها هم از تبریز منتقل شده و در قم است و آنها را هم به این کتابخانه می‌آوریم.

به هر حال: من حیث المجموع فکر می‌کنم کتابخانه مرکز، کتابخانه خوبی باشد و برای آغاز کار بودجه شخصی بود، ولی در مراحل بعدی حضرت آقای دویست تومان - به اصطلاح امروز - به ما قرض دادند که بعدها گفتیم این بدهی را کی پس بدهیم؟ گفتند کسی از شما مطالبه کرده؟ ما هم دیگر از آن تاریخ به ایشان نگفتیم که دویست میلیون تومان از شما قرض گرفته بودیم!

به یاری حق یواش یواش اینجا تکمیل شد و ناگهان آقای مهندس آقایی - مسئول محترم پروژه - گفتند که حدود 600 میلیون تومان بدهکار هستیم، ما هم گفتیم بیایید به طور موقت برنامه را تعطیل کنیم. که ناگهان جاء رجل من اهل خراسان و حدود

700 - 600 میلیون تومان بدهی‌ها را دادند. پول زمین را دادند که 120 میلیون تومان

بود و ماقسطی می پرداختیم به سازمان زمین شهری و البته تهیه زمین هم به لطف و توصیه جناب آقای لاریجانی امکان پذیر شده بود و ما بدین ترتیب قرض ها را دادیم و به تکمیل کتابخانه پرداختیم و از جناب آقای حسن سلیمانی هم تشکر می کنیم که از خدام آستان قدس رضوی هستند و در این امر بانی خیر شدند.

کتابخانه الان به مرحله ای رسیده است که ده هزار از طلاب و خانواده های آنها که در این منطقه ساکن هستند می توانند از آن استفاده کنند، لیل و نهار! البته کتابخانه باز است برای استفاده همه مردم قم و کتابخانه عمومی است.

از جناب آقای مختاری مدیر محترم کتابخانه شیعه شناسی - که به نظرم تشریف ندارند - سؤال کرده بودند این کتابخانه چه مزیتی دارد؟ ایشان جواب خوبی داده و گفته بودند: کتاب های اینجا حتی چاپی هایشان نوعاً یک نسخه است که مؤسس محترم آنها را از تمام دنیا جمع آوری کرده و آورده است. و این یک واقعیتی است، از بعضی کتاب ها که اینجا هست و چاپی هم هست، فقط یک نسخه در ایران است! برای نمونه اشاره کنم که بنده هفت بار برای شرکت در کنفرانس اندیشه اسلامی به الجزایر سفر کرده ام و هر بار که آمدم سه چهار کارتن - این نمونه اش است البته - کتاب آوردم که چاپ مغرب العربی، یعنی تونس و مراکش و الجزایر بود. کتاب ها اینجا جمع است، بقیه هم انشاءالله اضافه خواهد شد. امیدواریم از فردا افتتاح شود و اهل این منطقه از آن استفاده کنند، بقیه طلاب و فضلالی قم هم که البته در خدمتشان هستیم.

مسائل خاص فنی و... را جناب آقای مهندس آقایی بیان می کنند که مسئول دفتر خدمات حوزه و ده هزار واحدی که ساختند بودند و زحمت اینجا را هم ایشان و آقای مهندس علی عرب که از قدیم خدمت والدشان در وزارت خارجه بودیم، پذیرا شدند.

به یک نکته اشاره کنم: حضرت آیت الله سبحانی برای اقامه نماز باید زودتر تشریف ببرند، جناب آقای دکتر لاریجانی هم که قاعدتاً جلسه دیگری دارند، که باید شرکت کنند. بنده بیشتر از این مزاحم نمی شوم، از آقای مهندس آقایی خواهش می کنم تشریف بیاورند اینجا و در چند دقیقه یک گزارشی ارائه بفرمایند. خیلی ممنون. والسلام علیکم.

متن کامل سخنان حضرت آیت الله سبحانی (مدظله) در مراسم افتتاحیه کتابخانه مرکز بررسی های اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از درگذشت پیامبر گرامی 6، جلوگیری از نگارش سخنان پیامبر خدا، اثر سوئی در حراست از فرهنگ اسلامی نهاد؛ زیرا سخنان رسول خدا بسان قرآن، از حجیت بالایی برخوردار است و هر دو از وحی الهی سرچشمه می گیرند، چیزی که هست در قرآن لفظ و معنی هر دو از سوی خداست، ولی در حدیث گفتار از پیامبر و معنی از جانب خداست.

حالا- انگیزه منع نگارش حدیث چه بود؟ فعلا درباره آن سخن نمی گوئیم ولی یادآور می شویم که در چنین شرایطی سخن گفتن احبار و رهبان به ظاهر مسلمان در مسجد نبوی کاملا آزاد بود و از این طریق یک رشته داستان های بی اساس که ساخته علمای یهود و نصاری بود، وارد فرهنگ اسلامی شد و چه بسا ساده لوحان آنچه را که از این گروه می شنیدند به پیامبر نسبت می دادند.

منع نگارش حدیث تا سال 143 ادامه داشت ولی بر اثر فشار بزرگان، نگارش و حدیث گویی کاملا آزاد گشت و در سایه آن، انواع علوم در کشور اسلامی گسترش یافت و کتابخانه های عظیمی پدید آمد و در این مورد شیعه در حفظ سرمایه های ملی و ارزش های دینی سهم به سزایی داشت، از باب نمونه :

1. شاپور بن اردشیر شیعی در بغداد کتابخانه بیت الحکمه را پایه گذاری کرد و در آن ده هزار جلد کتاب گرد آورد که اغلب آنها به خط مؤلفان بوده است.

2. سید مرتضی (436 - 355 ه.ق) دارای کتابخانه عظیمی بود، که به فزون از هشتاد هزار جلد می رسید و از آن جا که هشتاد سال نیز عمر کرد، او را ذوالثمانین می خواندند.

3. پس از فاجعه مغول، نصیرالدین طوسی که پیوسته بازدارنده هولاکو از فساد بیشتر بود، توانست در شهر مراغه چهارصد هزار جلد کتاب فراهم آورد و با ساختن

رصدخانه، دانشمندانی را که هر کدام به گوشه ای رفته بودند در آن منطقه گرد آورد و به بازسازی علوم طبیعی و ریاضی و فلسفی و غیره پردازد.

شما می توانید با سیر در کتاب های تراجم به خدمات علمای اسلام به ویژه شیعه دست یافته و ارزش گذار باشید. البته این را هم باید گفت گاهی جاهلان بر اثر تحریک قدرتمندان کتابخانه ها را آتش می زدند. از باب نمونه سال 447 کتابخانه شیخ طوسی در بغداد طعمه حریق شد و هجوم سلاجقه به بغداد و برچیده شدن بساط حکومت آل بویه که شیعی و یا تمایلات شیعی داشتند، به حناپله جرأت داد که به چنین جنایتی دست بزنند.

گاه و بیگاه در اثر سهل انگاری متصدیان، برخی از کتابخانه ها طعمه حریق می شود و بخش اعظم سرمایه ملی دود و خاکستر می گردد. تلخی فاجعه سوختن کتابخانه استان اصفهان در چند سال پیش هنوز در خاطره ها هست.

بیان پیشین ناظر به یک نوع تضييع و نابودی ثروت ملی بود، ولی در طول تاریخ دلالاتی بودند که پیوسته کتاب های علمای اسلام را که غالباً به صورت خطی بود به ثمن بخشی خریداری نموده، روانه غرب می کردند. شاید نسل حاضر تصور کند که این کار، مربوط به عصر حاضر است در حالی که تاریخ برخلاف آن را گواهی می دهد. ابن خلکان در کتاب وفیات الاعیان، جلد 2، صفحه 340 در ترجمه ابن الیمین (م 613) نقل می کند: یکی از حرفه های او خرید کتاب های نفیس و ارسال آنها به سرزمین روم بود.

در کتاب جوله فی دور الکتب الامریکیه، صفحه 47 می نویسد: دانشگاه برنستون آمریکا از یک یهودی در بغداد کتابخانه ای را به قیمت 000/73 دلار خریداری نمود و به آمریکا منتقل کرد. فراموش نمی کنم در سال های 1315 یا 1316 شمسی در ایران شایعه ای ساختند که دولت وقت تصمیم گرفته است کتاب های موجود در خانه های شخصی را ضبط کند و همه را به دریا بریزد، سپس دلالاتی آموزش دیده را وادار کرد که به خرید کتاب ها پردازند و به جای این که به دریا بریزند به کیسه غریبان ریخته شد.

در سال 1356 هجری شمسی برای رسیدگی به امور دانشجویان ایرانی که با ایمان به آمریکا می روند و پیراسته از ایمان به ایران برمی گردند، از طرف شخصی که وابسته به حضرت امام بود، به آمریکا اعزام شدم تا موضوع را از نزدیک مطالعه کنم، از این جهت چند ولایت را که بیشتر دانشجویان ایرانی در آنجا تحصیل می کردند رفتم که یکی از آنها ایالت «نیوجرسی» بود. مرکز ایالت شهر دانشگاهی است که دانشگاه آن در سال 1305 ق تأسیس شده بود. این دانشگاه بخش شرقی عظیمی داشت، فردی که راهنمای ما در این قسمت بود ما را به بخش شرق شناسی برد که کتابخانه مهمی داشت در میان کتاب های خطی یک نسخه از کتاب التبیان شیخ طوسی را مشاهده کردم که مایه تأسف من شد؛ زیرا مرحوم استاد بزرگ: آیت الله حجت با زحمات زیادی توانست اجزاء این کتاب را از اطراف و اکناف ایران و شاید عراق جمع کند و سرانجام در اصفهان در دو مجلد رحلی به امر او چاپ شود. در کتابخانه نیوجرسی «خطوط میر» فراوان بود، شماره های زیادی حتی از روزنامه های اطلاعات و کیهان وجود داشت که به ترتیب از ایران ارسال می شد و سرانجام تجلید می گشت.

شرح این هجران و این خون جگر *** این زمان بگذار تا وقت دگر

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: احتفظوا بکتابکم فانکم سوف تحتاجون الیهما. در طول تاریخ حضور تا آغاز غیبت کبری، از طرف علمای شیعه قریب ده هزار جلد کتاب نگارش یافته که اکثر آنها در اختیار ما نیست و اگر شیخ کلینی (م 329) و شیخ صدوق (م 381) و شیخ طوسی (م 460) بخش عظیمی از این کتاب ها را در جوامع خود جای نداده بودند، الان ما در بخش فقه کاملاً فقیر و بیچاره بودیم.

در اینجا لازم است از حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای حاج سید هادی خسروشاهی دامت برکاته تقدیر و تشکر کنم که در این منطقه که فاقد کتابخانه عمومی است، دست به تأسیس چنین کتابخانه ای بسیار آبرومند زده است که می تواند نیاز علما و طلاب و دانشمندان و دانشجویان دانشگاه ها را برطرف کند. چنین خدمت بزرگ فرهنگی صدقه جاریه است، جناب مؤسس در خانواده ریشه دار علمی بزرگ

شده است. والد معظم ایشان مرحوم آیت الله سید مرتضی خسروشاهی (م 1373) او نیز فرزند آیت الله سید احمد خسروشاهی (م 1327 ه. ق) او نیز فرزند آیت الله سید محمد خسروشاهی و هکذا، همگی از شخصیت های علمی نجف اشرف و آذربایجان بودند.

شرف تتابع کابر آعن کابر *** کالر مح انبوب علی انبوب

البتة مدیریت کتابخانه باید دو شیوه را در پیش گیرد :

1- در مورد دانش آموزان و برخی از دانشجویان که با کتاب های محدودی سر و کار دارند، کتاب در اختیار آنها بگذارد تا در سالن کتابخانه، مشغول مطالعه شوند.

2- در مورد محققان باید شیوه «قفسه باز» در پیش گیرد تا فرد محقق بتواند وارد مخزن شود و کتاب های مورد نیاز را برگزیند و در غرفه خاصی مشغول تحقیق شود و در غیر این صورت کار تحقیق سامان نمی پذیرد.

لابد مؤسس محترم که خود از نویسندگان دیرینه حوزه هستند، این موضوع را در نظر گرفته اند. البتة این کار باید با در نظر گرفتن آیین نامه داخلی کتابخانه صورت پذیرد.

اینجانب از اهل خیر درخواست می کند که به نیازهای این کتابخانه و تکمیل آن بپردازند تا این صدقه جاریه برای همگان مایه خیر و برکت باشد.

در پایان درود خود را به شهدای حادثه منا، که در این روزها اتفاق افتاده، فرستاده و این مصیبت عظمی را به حضرت ولی عصر (عج) و خانواده های شهیدان تسلیت می گویم.

قم - جعفر سبحانی 18 ذی الحجه الحرام برابر با 1394/12/7

ص: 485

متن کامل سخنان آقای دکتر علی لاریجانی رئیس محترم مجلس شورای اسلامی در مراسم افتتاحیه کتابخانه مرکز بررسی های اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت سروران گرامی سلام عرض می کنم و از اینکه در این روز فرخنده یک کار فرهنگی ارزشمند در منطقه پردیسان افتتاح می شود، این را به فال نیک می گیریم و از اینکه حضرت آیت الله العظمی سبجانی هم در این افتتاحیه حضور پیدا کردند و صحبت های خیلی جذابی هم ارائه فرمودند، این هم انشاءالله باعث حرکت پربرکت در این منطقه خواهد شد.

البته از استاد گرامی جناب آقای خسروشاهی هم انتظار همین بود که این مجموعه فاخر فرهنگی را تبدیل به یک جریان مستمر در جامعه بکنند. آقای خسروشاهی خصوصیتشان این است که یک فرد دانشمند خوش سلیقه است، از ابتدایی که در فعالیت های علمی در قم حضور داشتند و در مجلات قلم می زدند، نشانگر این بود که همیشه به مسائل مهم عالم اسلام حساس هستند ودقت نظر دارند و از یک فکر باز برخوردار هستند. و یکی از ویژگی هایی که کارهای ایشان را جذاب می کرد، این بود که کتاب های بزرگان را هم خوب تنظیم می کردند و انتخاب های درست داشتند، مخصوصاً آثار مرحوم علامه طباطبایی را که ایشان منقح و چاپ کردند، آن را هم خیلی باسلیقه چاپ کردند.

البته در گذشته اینقدر امکانات چاپ به وفوری امروز نبود، ولی همان زمان هم از یک خوش سلیقگی در تنظیم کتاب، ایشان برخوردار بودند، کتاب ها را هم خوب انتخاب و تنظیم می کردند، چاپش هم چاپ ارزشمندی بود و کتاب ها با این سلیقه ایشان خواندن داشت.

البته خصوصیت دیگری هم در ایشان بود و آن اینکه دنیادیده بودند. گاهی راجع به

مسائل عالم اسلام حرف زدن از لابه لای کتاب ها یک جور نگاه به عالم اسلام است، یک وقتی نگاه ملموس داشتن به شرایط و مسائل عالم اسلام، ایشان به خاطر حضور عینی که مخصوصاً پس از انقلاب در جاهای مختلف داشتند، از یک دنیادیدگی برخوردار بودند. من غالب آثاری را که ایشان اخیراً چاپ کردند، البته به همان میزان که برای ما ارسال می کنند می خوانم - چقدر از آنها را ارسال کرده اند نمی دانیم...! - ولی آثاری که از ایشان به دست ما رسیده است، نشان می دهد که یک پختگی در مسائل مخصوصاً با شرایط امروز در کارهای قلمی شان دارند. دیدم آثاری را از اخوان المسلمین، از مسائل دنیای اسلام، مخصوصاً پس از این بیداری اسلامی چاپ شده و غالب اظهارات و نوشته های ایشان خیلی پختگی در آن هست، این نشان می دهد که هم سوابق تاریخی عالم اسلام را خوب دریافت کردند و هم چون ارتباط ملموس با شخصیت های مهم و امروزمین در مسائل عالم اسلام داشتند، حرف هایشان حرف های بسیار دقیق و قابل استفاده است. و چون از نظر فرهنگی و دینی به مسائل نگاه می کنند و هم مسائل سیاسی، لذا آثارشان در این بُعد که خیلی هم به درد ایران امروز می خورد، بسیار اثربخش و مفید است.

ایشان در کنار کارهایشان - همانطور که توضیح داده اند - کتاب های زیادی هم جمع آوری کرده اند که این هم از خوش سلیقگی است که این کتاب ها را تبدیل کردند به کتابخانه عمومی و بسیار تجربه خوبی را از خودشان به یادگار گذاشتند. این اگر در کشور ما باب شود که بزرگان ما که کتاب های زیادی را در دست دارند به خاطر تحقیقاتشان، در نهایت این را تبدیل به یک مرکز عمومی بکنند، یک اثر ارزشمند است.

دولت البته کتابخانه های عمومی درست می کند، شهرداری ها هم معمولاً از این کارها می کنند، اما کارهای دولتی آنقدر عمیق نیست غالباً و انتخاب کتاب ها و... همه حالت لیستی دارد برای همه جا و سطح کار و اینها از یک دقت نظر برخوردار نیست. کاری که کتابخانه آقای خسروشاهی دارد انجام می دهد، یک کتابخانه برگزیده است

لذا کتابخانه ایشان دیدن دارد واقعاً، متفاوت از کتابخانه های عمومی دیگر است. از این جهت ما نهایت سپاسگزاری را از ایشان داریم و حتماً باید دولت هم کمک کند که این مرکز زودتر کارش تمام شود و تبدیل شود به یک مرکز فعال.

توصیه های حضرت آیت الله سبحانی هم خیلی توصیه های درستی است برای اینکه از این کتابخانه درست استفاده شود، ایشان ظاهراً از قبل پیش بینی کردند و اتاق هایی را در نظر گرفتند برای اهل تحقیق که اگر آمدند و کتابخانه را دیدند و نیاز داشتند در اینجا بمانند و به طور مستمر تحقیق کنند، از این اتاق ها هم استفاده کنند و این هم کمک می کند که این مرکز، یک مرکز علمی باشد.

انتخاب این امر در پردیسان که یک مجموعه بزرگی شده است در شهر قم و متأسفانه امکانات شهری در اینجا خیلی کم است، این هم باز انتخاب درست و خوش سلیقه ای ایشان را در این امر نشان می دهد. یعنی یک کمبودی در پردیسان حس می شد، با تأسیس این کتابخانه الحمدلله این هم جبران شده است.

من در سال های اخیر دیدم در استان قم کتابخانه های تخصصی ایجاد شده، آقای استاد جعفریان کتابخانه ای در تاریخ درست کردند، در حدیث ایجاد شده، این هم کار بسیار ارزشمندی است، یعنی اینکه کتابخانه های تخصصی ایجاد شود، برای کسانی که تتبع می کنند کار را ساده می کنند. همین مؤسسه ای که حضرت آیت الله سبحانی هم دارند کتاب های کلامی در آنجا هست، برای کسانی که در رشته کلام می خواهند کار کنند، بهترین آثار را آنجا جمع کرده اند، کار را برای محققین ساده می کنند. این هم از چیزهایی بود که در گذشته ما نداشتیم، و رشد کارهای پژوهش در قم اقتضا می کرد که چنین کتابخانه هایی به وجود بیاید که الحمدلله این دقت و فراست هم بوده و به وجود آمده، ما از همه این تلاش ها تشکر می کنیم.

از استاد خسروشاهی واقعاً سپاسگزاریم که این همت را کردند، وقت گذاشتند و همت کردند این بنا را تأسیس کردند. کمک هایی که اشاره شد در قبال وقتی که گذاشتند و پیگیری هایی که کردند، خیلی کار مهمی نبود و ارزش گفتن هم نداشت اینجا پشت تریبون، ولی ایشان برای تشکر نام بردند و گفتند...

مهم همت و تلاش ایشان بود که این کار را به ثمر رساند. ما از ایشان سپاسگزاریم و انشاءالله کمک های دیگر هم باید بشود که این کار به نتیجه برسد.

از خداوند متعال توفیق و سعادت برای ایشان و همه حضار محترم خواستاریم.

وصلی الله علی محمد و آل محمد.

سخنان جناب آقای مهندس آقایی در مراسم افتتاحیه کتابخانه مرکز بررسی های اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

بنده هم خیرمقدم عرض می کنم خدمت حضرت آیت الله سبحانی و همچنین جناب دکتر لاریجانی ریاست محترم مجلس شورای اسلامی و استاندار محترم قم و همچنین سایر عزیزان و بزرگوارانی که در مجلس حضور دارند. بنده هم تبریک عرض می کنم عید سعید غدیر خم را خدمت بزرگواران و همچنین به دلیل بروز فاجعه غم بار منا و از دست رفتن صدها تن از عزیزان هموطنمان، تسلیت عرض می کنم.

همین طور که حاج آقا خسروشاهی فرمودند من یک گزارش کوتاهی باید عرض کنم از روند ساخت این کتابخانه. چون وقت محدود است خیلی خلاصه عرض می کنم.

در سال 1387 حاج آقا خسروشاهی تصمیم گرفتند کتابخانه ای را احداث کنند و آثار و کتاب های ارزشمند نفیسی را که دارند در آن نگهداری کنند تا مورد استفاده عموم مردم قرار گیرد. بنا به توصیه حاج آقا نواب زمین در شهرک پردیسان انتخاب شد به دلیل اینکه حدود ده هزار واحد مسکونی برای طلاب عزیز در شهرک پردیسان در حال ساخت بود و فاقد کتابخانه...

نهایتاً با همکاری وزارت مسکن و شهرسازی زمینی که الان در آن حضور داریم به مساحت 5 هزار مترمربع واگذار شد به ایشان با پرداخت هزینه در چارچوب ضوابطی که سازمان مسکن و شهرسازی داشتند. بر اساس همین زمین، طراحی لازم انجام شد و

همین طور که فرمودند با هزینه شخصی حاج آقا خسروشاهی و کمک یکی دو نفر از خیرین که اسمشان را فرمودند - حاج آقا سلیمانی و همچنین کمکی که حاج آقا نواب داشتند - عملیات ساخت کتابخانه شروع شد و ادامه پیدا کرد. فراز و نشیب هایی داشت به دلیل مسائل مالی، اما به طور کلی این بنا در مساحتی حدود 3600 متر مربع و با هزینه زیاد، آماده بهره برداری شد. البته ساختمان نواقصی دارد به دلیل کمبود بودجه ای که هست، قسمت های مهم مثل موتورخانه تأسیسات و آسانسورها و همین طور تکمیل محوطه سازی انجام نشده و این کارها باقی مانده است. همچنین قسمت مهمی که باید روی آن تأکید شود، سیستم پیشرفته و مدرن آتش نشانی و اطفاء حریق است که برای این ساختمان لازم است و چون هزینه بالایی دارد فعلاً سیستم معمولی نصب شده است.

این کتابخانه دارای دو سالن مطالعه برای بانوان و آقایان، مخزن کتاب، سالن اجتماعات، سالن مطالعه اساتید و اطاق های تحقیقاتی می باشد و همچنین دارای یک مهمانسرا است که در طبقه فوقانی ساخته شده است. در این ساختمان از لحاظ زیرساخت تمام تأسیسات مدرن در آن لحاظ شده است و به محض تأمین بودجه می توانیم سیستم های پیشرفته را چه از لحاظ تأسیساتی چه از لحاظ صوتی و از لحاظ حفاظتی و اطفاء حریق در آن نصب کنیم و البته پایه گذاری ساخت طبقه چهارم هم انجام پذیرفته که در صورت به وجود آمدن شرایط، اضافه خواهد شد.

چون وقت کم است من صحبت هایم را خلاصه می کنم. عرض کنم که ساخت این کتابخانه کمک بزرگی به رشد طلاب و همچنین استفاده ای که طلاب می توانند بکنند، داشته و همین اطراف این ساختمان که کتابخانه ساخته شده حدود 5 هزار واحد است که خانه های طلاب است و در آن زندگی می کنند. در طول مدت روندی که این ساختمان در حال ساخت بود، بارها و بارها مراجعه کردند و زمان افتتاح و بهره برداری این ساختمان را جویا می شدند که الحمدالله در این روز عزیز افتتاحیه انجام شد و

انشاءالله به طور کامل می تواند مورد استفاده طلاب عزیز قرار بگیرد و انشاءالله نواقص این ساختمان از لحاظ سیستم های تأسیساتی، آسانسور و حفاظتی هم انجام می شود که بتواند به طور کامل مورد استفاده بزرگواران و طلاب عزیز قرار گیرد و البته حاج آقا خسروشاهی تأکید کردند که هرچه زودتر این کتابخانه به طور رسمی وقف شود ولی متأسفانه چون هنوز فاقد پروانه و پایان کار هستیم، این امر هنوز تحقق نیافته است که امیدواریم با همت مسؤلان شهرداری این امر تحقق یابد.

ص: 491

... در سفر یک هفته ای به تبریز به تاریخ شهریورماه 1395 شمسی، مطابق با ذی الحجه الحرام 1437 قمری، در بخش باقیمانده از منزل قدیمی 120 ساله پدری که مهد علم و تقوی، فقاہت و سیاست بود، توفیق الهی یار شد و بازبینی نهایی از این کتاب به عمل آمد که شاید خالی از نقصان نباشد و به همین دلیل انتظار داریم با یادآوری های دوستان و علاقمندان به شرح حال و تاریخ زندگی علمای عظام بلاد، در چاپ دوم، آن را بتوانیم کامل تر ارائه نماییم.

البته پذیرایی یک هفته ای تنها داماد خاندان جناب آقای منسوب به خاندان یکی از مشاهیر علمای تبریز، آیت الله حاج میرزا محمود دوزدوزانی رحمه الله، کمکی در تنظیم نهایی کتاب بود...

... و بی تردید آنچه که به دست آمد، با توجه به ظرائف و لطایف امر و کثرت اسناد و عکس ها و مدارک تاریخی، و تراکم مطالب، خود از فضل الهی و توفیق سبحانی بود. و ذلک من فضل الله یؤتیه من یشاء من عباده.

سید هادی خسروشاهی تبریز - 95/15/6

فهرست ها

اشاره

(اعلام، اماکن، کتب)

ص: 493

- آقا بزرگ تهرانی، 79، 419، 423، 454
- آقابزرگ حکیم، 54
- آیزنهاور، 366
- آیه الله العظمی آقای میلانی، 225
- ابرافانیل، 364
- ابراهیم بادکوبه ای، 387
- ابراهیم جلیلی، 277
- ابراهیم دروازه ای (آیت الله)، 390، 398، 408
- ابراهیم سلماسی کاظمی، 121
- ابن ابی اصیبعه، 43
- ابن العبری، 43، 44
- ابن الفوطی، 44
- ابن المصنّف، 62
- ابن الیمین، 483
- ابن جوزی، 44
- ابن خلکان، 483
- ابن داود، 64
- ابن فقیه، 36
- ابواسحاق شیرازی شافعی، 44
- ابوالاعلی مودودی، 248، 373
- ابوالحسن اصفهانی (آیت الله)، 54، 389، 391، 392، 400، 402.

ابوالحسن الحسينى التبريزى ، 97

ابوالحسن انگجى ، 54، 47، 405، 454، 455

ابوالحسن حسينى خسروشاهى ، 424

ابوالحسن خسروشاهى ، 25، 453

ابوالحسن رفيعى قزوينى ، 387

ابوالحسن سعدبن هبه الله بن حسن راوندى ، 38

ابوالفضل حسينى ، 390

ابوالفضل خسروشاهى ، 454

ابوالقاسم جواهرى ، 454

ص: 495

ابوالقاسم خویی (آیت الله)، 124، 398، 399، 400، 405، 408

ابوالقاسم قاری، 401

ابوالقاسم کاشانی (آیت الله)، 471

ابوالقاسم گرگری (آیت الله)، 221، 405

ابوالقاسم موسوی، 401

ابوتراب خوانساری، 338، 389، 391

ابوذر غفاری، 362

ابوعلی حمزه بن عبدالعزیز، 37

ابوعلی حمزه بن عبدالعزیز سالار، 32

ابوعلی سینا، 44

ابومنصور سدیدالدین، 44

احتشام لیقوانی، 32

احمد آذری قمی، 398

احمد آقازاده خراسانی، 455

احمد اهری (آیت الله)، 211، 399

احمد تاهباز، 400

احمد خسروشاهی (آیت الله)، 181، 211، 225، 385، 390، 399، 418، 451، 454، 455، 456، 458، 459، 460، 461، 462، 463، 464،

485

احمد خوانساری (آیت الله)، 340، 387

احمد قراجه داغی، 24، 390

احمد کاشف الغطاء، 389

احمد کسروی، 31

احمد کفایی، 408

استاد مشکوه، 46

استالین، 367

عیسی اهری، 169، 463

اسدالله زنجانی، 389

اسماعیل اصفیایی، 406

اسماعیل امیرخیزی، 19

اسماعیل پیمان، 165

اسماعیل سرابی، 396

اصطخری، 36، 39

اکرم زعیترا، 342

الله سیز حسن خان، 137

امام جعفر صادق(ع)، 415، 484

امام حسین(ع)، 424

امام خمینی(ره)، 396، 398، 399، 408، 459، 460

امام رضا(ع)، 180، 455، 465

امام زمان(عج)، 397، 485

امام سجاد(ع)، 388

امام علی(ع)، 422، 424

امام فخرالدین رازی، 43

امام موسی بن جعفر(ع)، 390، 410

امام موسی صدر، 85، 247، 471

ص: 496

امیر خیزی ، 19

ایوانف ، 19

بابامحمد گازر، 36

باقر اسکویی، 24

باقر زنجانی(آیت الله)، 400

باقر مجتهدی، 24

باقر ویجویه ای، 401

بامداد، مهدی ، 18

بروجردی(آیت الله)، 81، 86

بهاءالدين نوری(آیت الله)، 75

بهبهانی(آیت الله)، 75

برتراندراسل ، 362

بلال حبشی ، 363

بهرام چوبین ، 31

پسنديده(آیت الله)، 251

پاپ ژان پل دوّم ، 252

پیشه وری ، 84، 162

تقی قمی، 400

توقتمش خان ، 31

تیمسار مهرداد، 135، 136، 137، 168، 170، 248

ثقه الاسلام تبریزی، 470، 25

جعفر اشراقی(آیت الله)، 212، 463

جعفر اهري ، 225

جعفر بدیری، 400

جعفر خسروشاهی، 181

جعفر سبحانی (آیت الله)، 48، 479، 480، 481، 482، 485، 486، 488.

489

جلال الدین بلخی، 37

جمال الدین اسدآبادی، 245، 470، 471

جمال الدین طباطبایی، 24

جواد پیمان، 165

جواد تبریزی (آیت الله)، 408

جواد خطیبی (آیت الله)، 385، 386

جواد دشتی، 399

جواد سلطان القرایی، 211، 408

جواد فاضل، 375

جواد ملکی تبریزی (آیت الله)، 68، 397

جواد هشترودی، 170، 463

چارلز برنی، 36

حجت (آیت الله)، 76

حبیب الله رشتی، 67، 454

حسن الحسینی انگجی (آیت الله)، 211

حسن الخادمی، 128

حسن بُدَلا، 458

حسن سلیمانی، 481

حسن صدر کاظمی، 389

حسن مامقانی ، 67، 454

حسن مصطفوی ، 152، 458

حسن ناصرزاده، 136، 463، 464

حسین اهری (آیت الله)، 165، 225

حسین ایوقی، 398، 408

حسین بحرالعلوم ، 225

حسین بدلا، 152

حسین بروجردی (آیت الله)، 394، 396، 398، 399، 404، 408

حسین حلی، 399، 400

حسین خادمی ، 226

حسین رودباری ، 225

حسین شنب غازانی، 54، 378، 401

حسین علیزاده خسروشاهی ، 37

حسین علی منتظری (آیت الله)، 226

حسینعلی واعظ ، 54

حسین قمی (آیت الله)، 54، 147، 390، 455

حسین گوگانی ، 165، 225، 463

حسین موسوی تبریزی ، 277

حسین نائینی، 388

حسین هشترودی ، 212

حضرت عبدالعظیم ، 165

حضرت محمد(ص)، 419، 482

حیدر عاملی ، 71

خسر و پرویز، 31

خواجہ محمد، 38

خواجہ نصیرالدین طوسی، 45، 435، 437، 477، 482، 483، 484

دومینیک سوردل، 377

رسول جعفریان، 488

رسول ہریسی، 387

رضا انصاری، 225

رضا حسینی، 79

رضاخان، 84، 134، 147، 162، 455

رضی زنوزی (آیت اللہ)، 408

روح اللہ کمالوند (آیت اللہ)، 225

زرین کوب، 19

زین العابدین عاملی، 46

سپہبد مقدم، 297

سراج انصاری، 245

سرہنگ سلیمی، 136، 137

سعید عباس زادہ، 451

سلمان فارسی، 363

سلیمان حسن آبادی، 402

سید قطب، 373

سید ہادی خسرو شاہی، 399، 413، 416، 424، 454، 458، 459، 460، 469، 470، 471، 472، 476، 479، 484، 486، 487

ص: 498

492، 490، 489، 488

شاپورین اردشیر شیعی، 482

شرف الدین یعقوب رومی، 36

شهیدی (آیت الله)، 76، 77، 82

شمس الدین خسروشاهی، 45، 435، 437، 438، 439

شمس ملک آراء، 75

شهاب الدین مرعشی نجفی، 387، 410، 396، 480

شهاب، محتشم 43

شیخ الازهر، 252

شیخ الشریعه اصفهانی، 388

شیخ سلار، 35، 38

صادق طاهباز، 54

صادق عباس زاده، 492

صادق لواسانی، 459

صادق مجتهد تبریزی، 393

صدرالدین صدر، 387

صدرالمتألهین، 48، 437، 438

صمدخان شجاع الدوله، 32

ضیاء الدین عراقی (آیت الله)، 54، 388، 389

عباسعلی شاهرودی، 387، 396، 398، 404، 410

عباسقلی واعظ چرندابی، 392

عبدالجواد جبل عاملی، 226

عبدالحسین امینی (آیت الله)، 391

عبدالحسين غروي (آيت الله)، 212

عبدالحميد بن المولى ، 38

عبدالحميد شيره جيني، 405

عبدالرسول قائمي (آيت الله)، 225

عبدالصمد مقدم دانايي، 87، 394

عبدالعلي كارنگ ، 21، 36

عبدالكريم امام جمعه ، 25

عبدالكريم حائري يزدي (آيت الله)، 389، 402، 456، 459

عبدالكريم ملايي (آيت الله)، 395، 398

عبدالله سرايي ، 212

عبدالله شبستري، 386

عبدالله فاطمي نيا، 407

عبدالله مامقاني (آيت الله)، 124، 127، 389

عبدالله مجتهدي (آيت الله)، 165، 211، 225، 401، 405

عبدالمطلب فقيه اردوبادي، 397

عبدالنبی عراقی (آيت الله)، 387، 405

عبدالهادي شيرازي (آيت الله)، 399، 401، 408

عزيز دولت آبادي ، 18

علي آونساري قراجه داغي، 25

ص: 499

علی احمدی میانجی (آیت الله)، 398

علی اصغر حقدار، 435، 438

علی اصغر صالحی، 225

علی اصغر فقیهی باغمیشه ای، 400

علی اصغر ملکی تبریزی، 391

علی اصفیایی، 407

علی اکبر مرندی (آیت الله)، 408

علی اکبر نحوی، 399، 400

علی اکبر نهاوندی (آیت الله)، 390

علی اکبر واعظ، 125، 128

علی الموسوی مولانا (آیت الله)، 212

علی الهامی، 396، 397

علی بهبهانی، 400

علی حسینی خسروشاهی، 417، 421

علی خامنه ای (آیت الله)، 408، 415، 480

علی خسروشاهی، 453

علی دوانی، 173

علی شریانی، 392

علی صباح امیرخیزی، 409

علی عرب، 481

علی عسگر باغمیشه ای، 408

علی قاضی طباطبایی، 400

علی قوچانی، 388

علی کاشف الغطاء(آیت الله)، 389

علی کوه کمری، 389

علی گنابادی، 388

علی گوگانی، 398

علی لاریجانی، 479، 481، 486، 489

علی مجتهد هریسی، 390

علی مولانا(آیت الله)، 387

علی واعظ خیابانی، 80

عمران علیزاده، 55

عمرین خطاب، 370

عیسی جزایری، 225

عیسی سدیدی، 390

عین الدوله، 32

غلامرضا، انصاف، 20

غلامرضا سعیدی، 245

فاضل ایروانی، 67، 454

فاضل دنبرانی، 400

فتّاح شهیدی(آیت الله)، 398، 405، 108، 410

فخرالدین رازی، 44، 45، 79

فریدالدین داماد، 44

فضل الله راوندی، 38

قاضی طباطبایی(آیت الله)، 135، 175

قطب الدین راوندی، 38

کاظم تبریزی، 400

کاظم حسینی میانجی، 398

کاظم دینوری، 211

کاظم شبستری، 406

کاظم شریعتمداری (آیت الله)، 396، 398، 405، 408، 410، 412

کاظم قارویی تبریزی، 400

کاظم مجتهد شبستری (آیت الله)، 387

گوستاولوبون، 363، 376

لطف الله صافی (آیت الله)، 350

لطفعلی امام جمعه، 392

لطفعلی تبریزی، 25

محمد هادی میلانی (آیت الله)، 340

مدنی (آیت الله)، 137

محسن آیت الله زاده شریانی، 212

محسن اراکی (آیت الله)، 416

محسن اصفیایی، 407

محسن امین (آیت الله)، 419

محسن حکیم (آیت الله)، 398، 399، 400، 401، 405، 408، 410

محسن قاضی تبریزی، 25

محسن کوچه باغی، 400

محسن مدیرالمحدثین، 69

محقق طوسی، 44، 46

محمد آخوندزاده، 390

محمد آقازاده ، 54، 147

محمد اشراقی سرابی، 404

محمد اصفیایی، 406، 407

محمد بادکوبه ای، 394

محمد باقر بیرجندی، 389

محمد باقر سلطانی طباطبایی (آیت الله)، 394، 398

محمد باقر کاشانی، 399

محمد بزرگ ، 36

محمد تقی آملی، 387

محمد تقی جعفری، 14، 400

محمد تقی خوانساری (آیت الله)، 147، 387، 394، 398، 456، 457

محمد تقی موسوی کماری تبریزی (آیت الله)، 391

محمد تقی نوری سرابی، 405

محمد تونچی ، 212، 387

محمد تهرانی، 389

محمد جعفر طاهری ، 225

محمد جلالی ، 225

محمد حجّت کوه کمری (آیت الله)، 387، 388، 394، 398، 402، 403، 405، 456

محمد حسن انزلی، 463، 464

ص: 501

- محمد حسن بکایی، 463
- محمد حسین آل کاشف الغطاء (آیت الله)، 341
- محمد حسین اصفهانی، 54
- محمد حسین الغروی النائینی (آیت الله)، 91
- محمد حسین انزلی، 136
- محمد حسین بهاری، 225
- محمد حسین طباطبایی (آیت الله)، 225، 245، 247، 375، 394، 398، 470، 486
- محمد حسین غروی اصفهانی (آیت الله)، 391
- محمد حسین نائینی، 389، 392
- محمد حسینی تبریزی، 417
- محمد خسرو شاهی، 63، 417، 419، 420، 453، 485
- محمد خیابانی، 63، 423، 470
- محمد رازی، 81
- محمد رجایی، 399
- محمد رضا گلپایگانی (آیت الله)، 398، 408
- محمد شفیع، 37، 38
- محمد شمس آبادی، 226
- محمد صدوقی (آیت الله)، 225
- محمد صدیق، 79
- محمد طاهر ریانی، 277
- محمد طوسی، 439، 440
- محمد عبائی خراسانی، 277
- محمد علی اراکی (آیت الله)، 398

محمدعلی الغروی الاوردوبادی (آیت الله)، 104

محمد علی انگجی (آیت الله)، 212، 393، 463

محمدعلی ، تربیت ، 18

محمدعلی رجائی ، 352

محمد علی شاه آبادی (آیت الله)، 400

محمدعلی صفوت ، 18

محمد علی فخرالعلماء، 390

محمد علی قاضی طباطبائی (آیت الله)، 212، 463، 464

محمد علی کاظمی، 400

محمد علی موسوی زرین، 389

محمد فقیه ، 212

محمد فوزی، 397

محمد فیروزآبادی، 391

محمد فیض زرنقی، 398

محمد فیض قمی، 387

محمد قطب ، 248

محمد کاظم شیرازی، 400

محمد کاظم طباطبائی (آیت الله)، 394

محمد کبیر قمی، 387

ص: 502

محمد مجاهدی، 396، 402، 394، 398

محمد محیط طباطبایی، 245

محمد مولانا (آیت الله)، 54، 390، 391، 392

محمد هادی میلانی (آیت الله)، 399، 400، 401، 402، 405، 408

محمود اصفهانی زاده، 37

محمود اصولی خویی، 25

محمود الموسوی خلخالی، 212

محمود انصاری، 400

محمود خسرو شاهی، 467

محمود دوزدوزانی (آیت الله)، 387، 405، 408، 492

محمود شاهرودی (آیت الله)، 400

محمود شتربانی، 408

محمود ضیابری (آیت الله)، 225

محمود لولاجیان، 162

محمود مرعشی نجفی، 410

محمود نظام العلماء، 24

مدرس خیابانی، 22

مرتضی انصاری، 61، 63، 415، 416، 417، 421، 453

مرتضی حائری (آیت الله)، 225

مرتضی خسرو شاهی (آیت الله)، 385، 387، 388، 390، 391، 392، 394، 397، 398، 400، 401، 402، 405، 406، 408، 412، 454، 455، 485، 457

مرتضی خلخالی (آیت الله)، 212

مرتضی شبستری (آیت الله)، 387

مرتضی طالقانی (آیت الله)، 400

مرتضی مستنبط (آیت الله)، 211، 408

مسیح تهرانی (آیت الله)، 75

مصطفی الموسوی مولانا (آیت الله)، 212

مصلحی اراکی، 151

مظفرالدین شاه، 35

ملاصدرای شیرازی، 46

ملک ابن السعود، 85

ملک ناصر صلاح الدین داود، 43

منصوره، رفیعی، 21

موسی اهری، 408

موسی شبیری زنجانی (آیت الله)، 412

موید طوسی، 43

مهدی آشتیانی (آیت الله)، 400

مهدی آقابزرگ (آیت الله)، 54

مهدی اصفهانی (آیت الله)، 54

مهدی انگجی (آیت الله)، 390

مهدی بازرگان، 247

مهدی دروازه ای (آیت الله)، 136، 165، 212، 463، 464

ص: 503

مهدی روحانی، 398

مهدی علوی بخشایشی، 410، 412

مهدی کماری (آیت الله)، 391

مهدی، مجتهدی (آیت الله)، 18

مهدی یثربی (آیت الله)، 225

مینوریسکی، 21

نادر میرزا، 18

نجیب راهب محاسب مصری، 43

نظام الدین عبدالحمید، 37

نواب صفوی، 251، 471، 480

نیکلسون، 379

ولی الله اشراقی سرابی (آیت الله)، 77، 147، 404، 408

هادی خراسانی، 400

هادی طهرانی (آیت الله)، 53

هاشم آملی (آیت الله)، 410

هاشم الحسینی، 122

هاشم قزوینی، 54

یاقوت حموی، 36

یوسف الهاشمی، 212، 165، 225

یوسف طباطبایی، 24

یوسفعلی ممقانی، 409

یوسف مدنی تبریزی (آیت الله)، 408

یونس اردبیلی (آیت الله)، 134، 408

- آثار الحجّه ، 81، 147، 424
- آثار باستانی آذربایجان ، 38
- آیات بینات ، 44
- آیین دوستی از دیدگاه قرآن و حدیث، 410
- ابواب الجنان، 406
- اثبات الآیات، 406
- اثبات الرجعه، 406
- اثبات الوظیفه، 406
- اخوان المسلمین، بزرگترین جنبش اسلامی معاصر، 255
- اخوان المسلمین چه می گویند؟، 255
- ارشاد الحج، 409
- اسفار، 45
- اسلام سیاسی - تاریخ حرکت النهضه تونس -، 254
- اسلام و صلح جهانی، 254
- اسلام و هیئت، 253
- اسلام یا مارکسیسم، 255
- اسناد نهضت اسلامی ایران، 253، 470
- اسناد وزارت خارجه ایران درباره سید جمال الدین حسینی، 254
- اصل الشیعہ و اصولها، 341
- اعیان الشیعہ ، 64
- الآثار الكامله، 470
- الإرشاد، 406

الاسفار، 46

الألطف الالهيّه في الخطابات القرآنيه، 388

الايضاح اللفظيّه، 454

البرهان على وجود صاحب الزمان (عج)، 402

البلدان، 39

التبيان، 484

الجمعه ما الجمعه، 406

الجواب عن الأسئلة النصيريّه، 437

ص: 505

- الحقيقه الشرعيه، 453
- الحوادث الجامعه ، 43
- الحواشى على التبصره، 152، 456
- الحواشى على العروه ، 152
- الحواشى على العروه، 456
- الدّر النظيم في فضائل القرآن و الذكر الحكيم، 388
- الذريعه ، 85، 454
- الرّساله الباقيه في المسائل الفقهيّه ، 62
- إلزام النواصب بإمامه علىّ بن ابي طالب، 404
- الكرام البرره ، 43، 71
- المباحث العقليه، 391
- المعارف و العقائد و الاخلاق، 404
- النكاح و الطلاق، 388
- الهدايه إلى رموز الكفايه، 403
- امام على(ع) صدای عدالت انسانی، 253
- امطار الدّرّفي مقدار الكرّ، 86
- انقلاب اسلامي و امام خميني، 255
- انقلاب در مصر، 255
- انيس العابدين، 402
- اهداء الحقيير الى اخيه البارع البصير، 85
- اهل البيت في مصر، 254
- أعيان الشيعة، 419
- بدائع الحكمه، 406

«بشر مادی»: مجموعه آثار دکتر محمد

نخشب، 255

پژوهش درباره انجیل و مسیح، 255

پنج گفتار، 410

تاریخ جمعیت اخوان المسلمین، 254

تاریخ حرکت های اسلامی معاصر، 470

تاریخ مختصرالدول، 44

تاریخ معجم، 406

تاریخ و فرهنگ معاصر، 296

تتمه آیات البینات، 44

تحقیق و چاپ محاسبه النفس تألیف سیّد بن طاووس، 407

ترجمه رساله الحقوق، 409

تسهیل التناول، 86

تصحیح بصائر الدرجات، 402

تصحیح حاشیه آیت الله شهیدی بر مکاسب شیخ انصاری، 402

تصحیح حاشیه آیت الله شهیدی بر وسیله النجاه، 402

تعادل و تراجیح، 64

تعلیقهاستدلالاته، 86

تفسیر آیات الاخلاق، 406

تفسیر سوره حمد، 404

تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، 253

تفصیل الآیات، 406

تقریرات بحث اجاره و حج، 399

- تقریرات بحث فقهی آیت الله خسروشاهی، 409
- تقریرات بحث فقهی آیت الله شهیدی، 409
- تقریرات بحث مکاسب، 399
- تقریرات درس آیت الله شیخ حسین حلی، 402
- تقریرات درس اصول آیت الله خوبی، 402
- تقریرات درس اصول آیت الله میرزا هاشم آملی، 411
- تقریرات درس صلوات مسافر آیت الله خوبی، 402
- تقریرات درس صلاه جمعه و جماعت و نماز مسافر بحث آیت الله حاج آقا حسین بروجردی، 411
- تقریرات درس طهارت آیت الله انگجی، 397
- تقریرات مباحث الفاظ و خیارات مکاسب، 399
- تلمود، 364
- توحید یا خداشناسی، 395
- توضیح آیات الاحکام، 406
- توضیح المسائل، 398
- ثقہ الاسلام تبریزی شهید نامدار عاشورا، 254
- جامع المقدمات، 396
- جمعه را در یابید، 406
- جنگ و جهاد از دیدگاه قرآن، 409
- جوله فی دور الکتب الامریکیه، 483
- حاشیه بر العروه الوثقی، 397، 398
- حاشیه بر تکمله المنهاج، 398
- حاشیه بر رسائل شیخ انصاری، 86
- حاشیه بر شرایع، 86

حاشیه بر شرح لمعه ، 86

حاشیه بر عروه الوثقی ، 86، 411

حاشیه بر قوانین ، 86

حاشیه بر مشکاه المصابیح فی التعادل و التراجیح ، 454

حاشیه صید و ذباجه ، 86

حاشیه ملاً عبدالله ، 396

حجیه القطع و الظن و البرانه ، 454

حدیث روزگار ، 471

حدیث روزگار ، مجموعه ای از خاطرات مستند ، 253

حرکت اسلامی الجزائر ، 255

حرکت اسلامی سودان ، 255

حرکت اسلامی فلسطین ، 255

حرکت های اسلامی معاصر ، 254

حسین قزوینی ، 396

حضاره الهند ، 363

حقوق والدین بر فرزندان از دیدگاه اسلام ، 410

حقیقه علاقه عبدالناصر بالثوره الاسلامیه فی ایران ، 254

ص: 507

داستان های علوی، 410

دایره المعارف سرزمین ، 39

درايه الحديث، 388

دعوت محمدیه، 397

دفاع از سيد جمال الدين حسينی، 255

دو مذهب، 255

ديوان اشعار، 395

رسائل ، 54، 385، 396، 399، 401، 408، 410، 422

رسائل مفردہ در مسائل متفرقه ، 86

رساله عملیه ، 86، 152

رساله الباقریه، 453

رساله فی الإجازة، 391

رساله فی التقيه ، 86، 61، 453

رساله فی المواعظ ، 152

رساله فی المواعظ، 456

رساله فی بیان وضع الالفاظ، 453

رساله فی جواز النافله لمن عليه الفريضة، 152، 456

رساله فی حرمه التشبه بالكفار، 152، 456

روضات الجنان ، 36، 37، 38

رياض العلماء، 38

ريحانه الادب ، 38، 70

زندگینامه چهارده معصوم، 409

زندگی و شخصیت شیخ انصاری ، 61، 67، 421

زندگی و مبارزه نواب صفوی، 255

روزه العاده فی نیه العباده، 86

سرگذشت تقریب، 255

سفرنامه جبهه و جنگ، 409

سوانح حیات، 388

سیر حکمت در اروپا، 366

سیمای اخلاق اسلامی، 411

شذرات الذهب، 44

شرح اشارات، 401

شرح الهدایه الأثریه، 48، 438

شرح باب حادی عشر، 398

شرح تجرید الاعتقاد، 396، 398

شرح چهل حدیث عرفانی و اخلاقی، 388

شرح‌خيارات، 151

شرح زندگی پیامبر اسلام، 472

شرح سیوطی، 404

شرح‌حقوق، 151

شرح لمعه، 86، 385، 387، 396، 398، 399، 401، 410

شرح منظومه، 387، 396

شرح وسیله النجاه، 391

شفیع المذنبین، 402

شواهد الربوبیه، 54

شهداء الفضیله، 391

شیر و خورشید، 295

صیغ العقود، 388

ص: 508

- صبيغ نكاح و طلاق، 396
- طبقات الشافعيه ، 44
- طبقات ناصري ، 43
- عبدالله بن سبأ بين الواقع والخيال، 254
- عدالت اجتماعى در اسلام، 254
- علمای معاصرین ، 72، 80
- عيون الانباء، 43، 45
- عيون الحكمه ، 44
- فدائيان اسلام، 254
- فلسفه نهضت حسيني، 255
- فوائد الافهام در شرح قواعد الاحكام، 454
- فهرست العناوين و الموضوعات، 411
- فى احكام الصرفه المستحدثه ، 86
- فى سبيل الوحده والتقريب، 254
- قاعده لاضرر، 391
- قرآن ، 211، 388، 393، 394، 401، 406، 410، 472، 482
- قصه التقريب، 254
- قمع الشكوك عن لباس المشكوك ، 86
- قوانين الاصول، 54، 387
- قيد الفوائد و كشكول، 403
- كتاب الأربعين، 388
- كتاب الحج، 391
- كشف الريبه، 407

کشف المراد، 398

کفایه الاصول، 54، 134، 385، 387، 396، 397، 398، 401، 403، 408، 410

کنزالحسینی، 79، 80

گزیده ای در شرح حال خود و بخشی از خاطرات، 388

گفتار علوی، 410

گفتگویی با علماء الازهر، 255

گلستان، 406

ما چه می گوئیم؟، 254

مباحث الألفاظ، 391

مبدأ و معاد، 48، 438

منتزّه الاخبار، 86

مجلد الطهاره، 86

مجموعه آثار استاد سید غلامرضا سعیدی، 253

مجموعه آثار سید جمال الدین حسینی، 253

مجموعه آثار علامه سید محمد حسین طباطبایی، 253

مختصر البلدان، 36، 39

مختصر الکلام فی حکم السلام، 86

مختصر منطق شفا، 44

مسائل نهضت های اسلامی، 254

مسالك و ممالک، 36، 39

مستدرک الوسائل، 268

مشکاه المصابیح، 61، 62، 63، 64، 65، 66، 70، 413، 417، 418، 419، 420، 421، 423، 425، 453

ص: 509

- مصباح الهدايه يا مفتاح السعاده، 388
- مصلح اجتماعى، امام موسى صدر، 471
- مصلح جهانى - ازديدگاه شيعه واهل سنت -، 255
- مطول ، 54، 396، 399
- معالم، 396
- معجم البلدان ، 36
- مغنى، 396، 399
- مقالات اخلاقيه يا خطابات مقدميه، 395
- مكاسب ، 54، 134، 385، 396، 398، 401، 408، 410
- مناجات دانايى، 395
- مناسك حج، 398
- منچستر، 36
- منظومه، 401
- منظومه اى در منطق، 395
- موانداالفهام فى قواعد الاحكام ، 85
- مواعظ و منابر، 86
- موضح رموز الرسائل، 396
- ميزان السعاده، 409
- نبرد اسلام در آفريقا، 255
- نثارات الكواكب ، 66
- نثارات الكواكب على خيارات المكاسب، 85، 454
- نثر اللالى فى شرح نظم اللالى، 396
- نزهه القلوب، 36

نصاب الصبيان، 406

تقواء البشر، 66، 68، 71، 66

نقد اللالی فی فروع العلم الاجمالی، 403

نوی عندلیب، 395

نهج البلاغه، 472، 375، 247

نهج البيان، 138

نهضت آزاديستان و شهيد شيخ محمد خيابانی، 253

نهضت روحانيون ايران، 174

نهضت های اسلامی و انقلاب اسلامی ايران، 254

نيچريه يا ناتوراليسم، 479

واتيكان، دنياي اسلام و غرب، 254

وحي يا شعور مرموز، 375

وفيات الاعيان، 483

هدايه الأئمه الى زيارت الأئمه، 85

يادنامه امام موسى صدر، 253

ص: 510

فهرست اماکن

آبادان، 225

آخن، 339

آذربایجان، 31، 36، 70، 73، 74، 76، 77، 79، 80، 84، 87، 106، 135، 168، 169، 211، 213، 390، 399، 409، 424، 453، 455، 456، 458، 459، 460، 461، 462، 465، 470، 485

آذربایجان شرقی، 170

آذرشهر، 170، 464

آلمان، 246

اراک، 480

اردبیل، 170، 464

اروپا، 251، 340، 362، 472

ارومیه، 397

اصفهان، 226، 483، 484

الجزایر، 246، 365، 481

انگلیس، 125، 246، 348

اهر، 170، 390، 464

اهواز، 298

ایران، 43، 103، 225، 248، 264، 294، 373، 389، 397، 401، 415، 465، 481، 483، 484

باسمنج، 409

بستان آباد، 399

بغداد، 43، 482، 483

پاریس، 377

پاکستان، 246

تبریز، 33، 43، 59، 61، 70، 71، 73، 75، 77، 81، 82، 83، 134، 137، 147، 163، 175، 180، 385، 386، 389، 390، 392، 394، 397

492 ،480 ،472 ،465 ،464 ،463 ،460 ،459 ،457 ،456 ،455 ،454 ،423 ،422 ،412 ،410 ،408 ،405 ،402 ،401 ،400 ،399

تونس، 481

تهران، 33، 74، 81، 173، 224، 251، 387، 388، 391، 400، 404، 460، 464، 472

جبل قاسيون، 44

جهرم، 298

خرم آباد، 225

خسروشاه، 424

خوی، 163

دمشق، 43، 44

رشت، 225

رضائیه، 163

ص: 511

رم، 251

روم، 370، 372، 373، 483

زنجان، 400

سراب، 77

سردرود، 32، 39

سمنان، 83، 134، 147

سوئیس، 246

سوریه، 372

شام، 43، 372

شبستر، 163، 386، 406

شوروی، 135، 367

شیراز، 136، 225

عجب شیر، 163

عدن، 365

عراق، 119، 295، 401، 484

عربستان، 101

عمان، 365

فرانسه، 252، 362، 365

فلسطین، 364، 365

قاهره، 251، 363، 470، 472، 479

قسطنطنیه، 372

قم، 38، 76، 81، 106، 137، 147، 151، 162، 211، 213، 224، 225، 251، 298، 385، 387، 388، 389، 396، 397، 398، 402، 405،

408، 410، 411، 424، 456، 457، 458، 459، 460، 465، 469، 470، 472، 479، 480، 481، 486، 488، 489

قهبستان، 43

کاشان ، 225

کاظمین ، 108 ، 121

کربلا ، 63 ، 106 ، 401 ، 417 ، 453

کرمان ، 225

کرمانشاهان ، 123

کُتن ، 339

لبنان ، 246

لندن ، 348

مراغه ، 407 ، 482

مراکش ، 481

مرند ، 163

مشهد ، 76 ، 81 ، 106 ، 147 ، 151 ، 175 ، 387 ، 390 ، 405 ، 408 ، 454 ، 455 ، 465

مصر ، 246 ، 247 ، 252 ، 365

مکه ، 376

نجف ، 59 ، 60 ، 61 ، 62 ، 64 ، 67 ، 70 ، 76 ، 78 ، 79 ، 81 ، 82 ، 106 ، 151 ، 211 ، 213 ، 341 ، 385 ، 388 ، 389 ، 391 ، 392 ، 399 ، 401 ، 402 ،

405 ، 417 ، 418 ، 421 ، 422 ، 423 ، 425 ، 433 ، 453 ، 454 ، 485

نہاوند ، 106

نیویورک ، 366

واتیکان ، 251 ، 252 ، 352

واشنگتن ، 366

همدان ، 225

هند ، 43

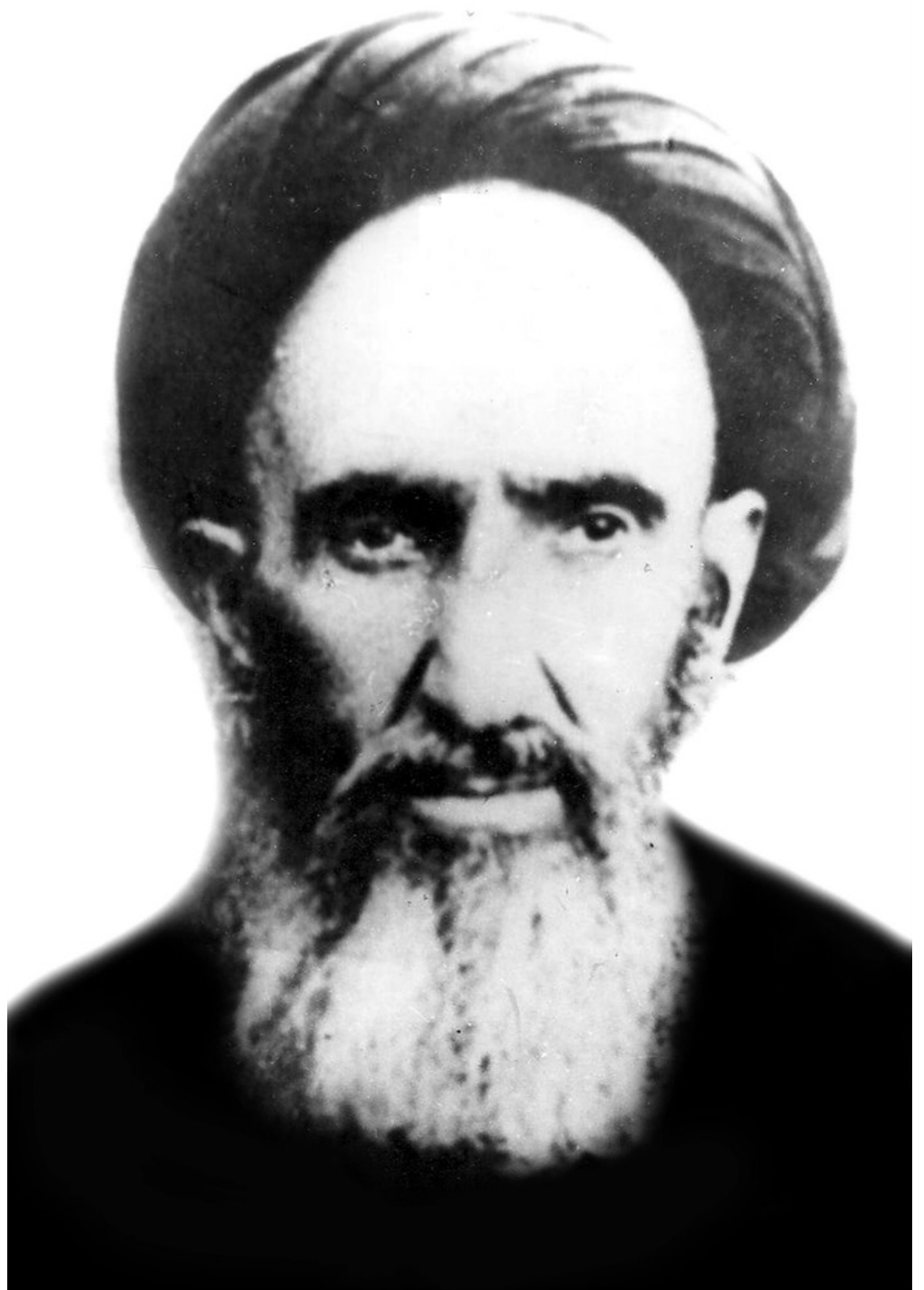
یزد ، 225 ، 295 ، 298

ص: 512



قدیمی ترین عکس از آیه الله سید مرتضی خسروشاهی در نجف اشرف، در یک قرن پیش در کنار

فرزندان: آقا سید ابوالفضل و در بغل آقا سید احمد قرار دارند



آیه الله سید مرتضی خسروشاهی در اواخر عمر

بِسْمِ اللَّهِ

ذخيرة العباد ليوم الحساب

رسول و جواب كه مطابق است باذناوى حضرت منطاب
ملاذ الشيخ و عماد الشريعة سيد العلماء والمجاهدين
ظهير الملكة والدين ذابناه في العالمين

افاى افا سيد ابوالحسن

الموسى الاصفهاني اذ امانة طلحة و متعة المسلمين

* (بطول بقائه) *

و محشيت است بخاشية حضرت منطاب لتبديلتند و الحبر العتمد ملاذ لاسلا
و ملجاء الأعلام قدوة الفقهاء والمبحرين اذ امانة في العالمين الزاهد الفقيه
الورع النقي افاى افا سيد محمد تقي الموسوي الخونساري متعة

* (المسلمين بطول بقائه) *

و بخاشية سيد الفقهاء والمجاهدين اذ امانة في العالمين النقي الورع

الحاج السيد مرتضى الشيرازي الخوسري شاه

متعة المسلمين بطول وجود الشريف

* (امين يارب العالمين) *

١٣٤٤



آیه الله سید مرتضی خسروشاهی پس از تشییع جنازه مرحوم آیه الله میرزا فتاح شهیدی (شارح مکاسب شیخ انصاری). در سمت چپ آیه الله شیخ حسین شنب غزالی و آیه الله سید مهدی دروازه ای (در نوجوانی) دیده می شوند



اقامه نماز برای جنازه آیه الله شهیدی در آرامگاه طوبانیه جنب دانشگاه تبریز توسط آیه الله خسروشاهی (31/9/10) آیه الله سید کاظم اهرابی، آیه الله سید علی مولانا، آیه الله میرزا ولی الله سرابی (در صف اول) و آیه الله سید مصطفی مولانا، امام جمعه تبریز و علمای دیگر در صفوف خلفی دیده می شوند

ص: 517



به هنگام دفن مرحوم آیه الله شهیدی در آرامگاه طوبانیه

ایستاده: آیه الله سید ابراهیم دروازه ای، آیه الله سید کاظم اهرابی، آیه الله سید مهدی دروازه ای

آیه الله میرزا ول یالله سرابی

نشسته: آیه الله سید مرتضی خسروشاهی

تصویر



تصویر



تصویر



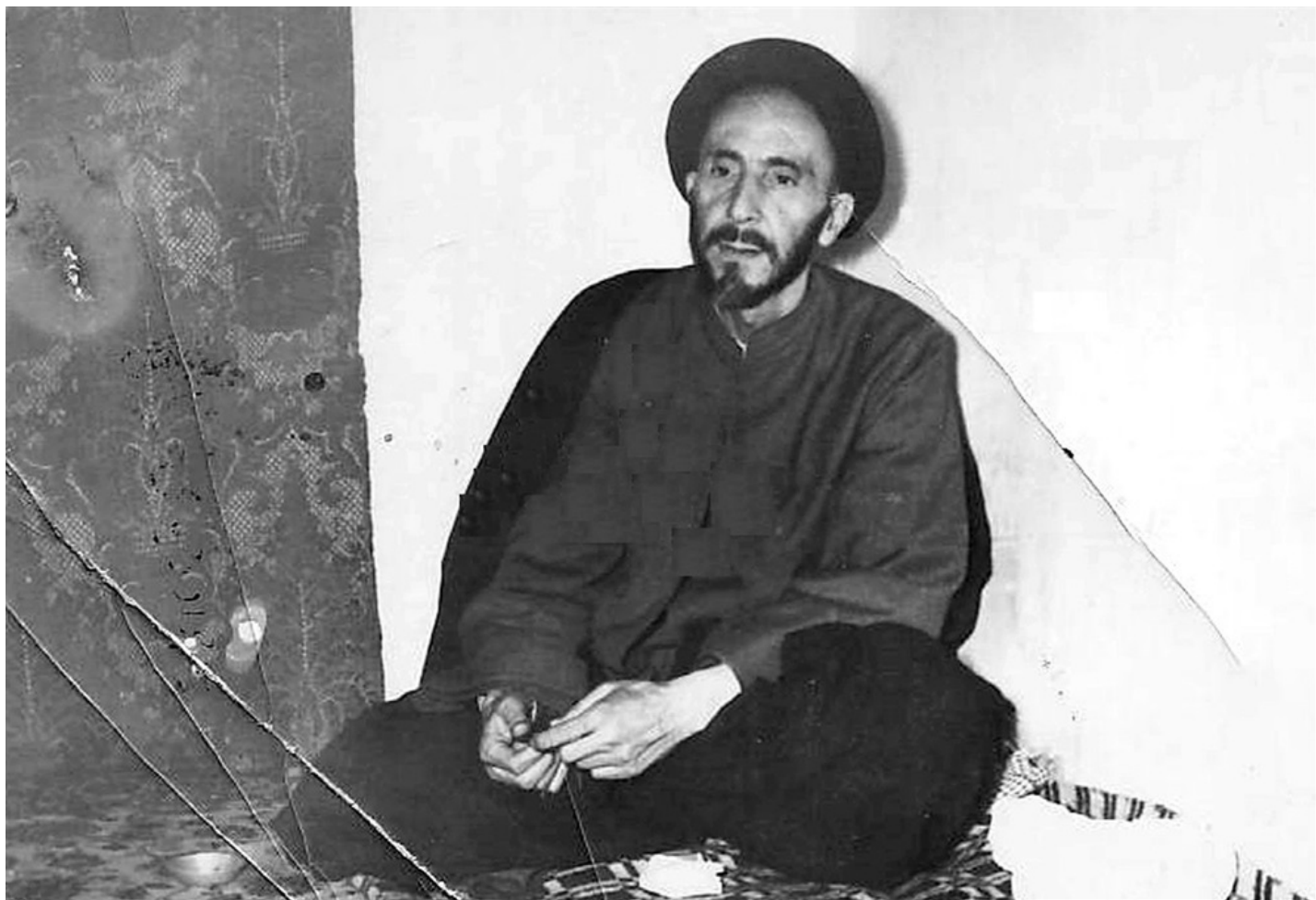
تصاویری از مراسم تشییع آیه‌الله سید مرتضی خسروشاهی در خیابان های تبریز 1332 شمسی



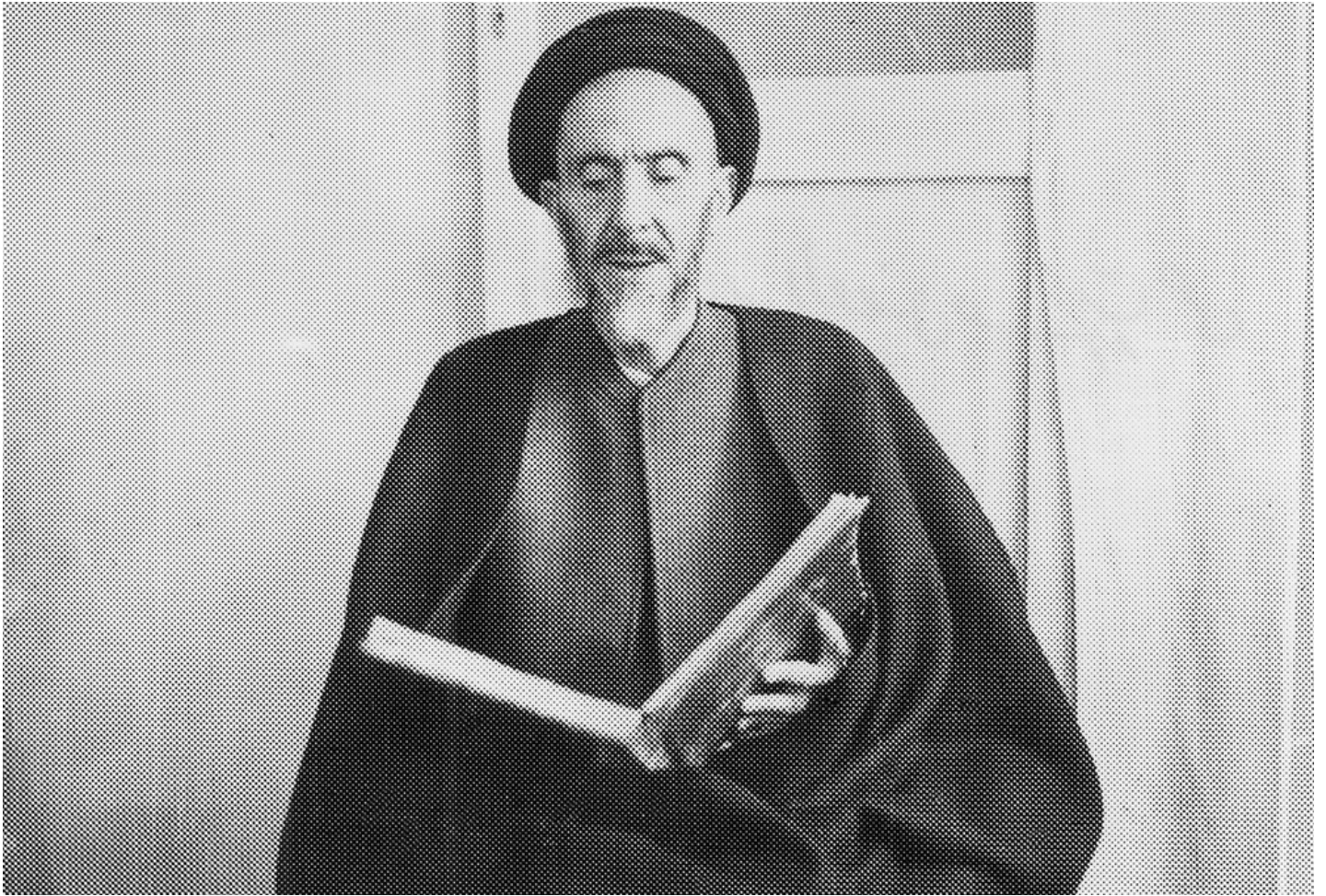
گوشه ای از مراسم تشییع...



انبوهی از مردم با ایمان تبریز در مراسم تشییع جنازه آیه الله سید مرتضی خسروشاهی



آیه الله سید ابوالفضل خسروشاهی در منزل ساده و طلبگی

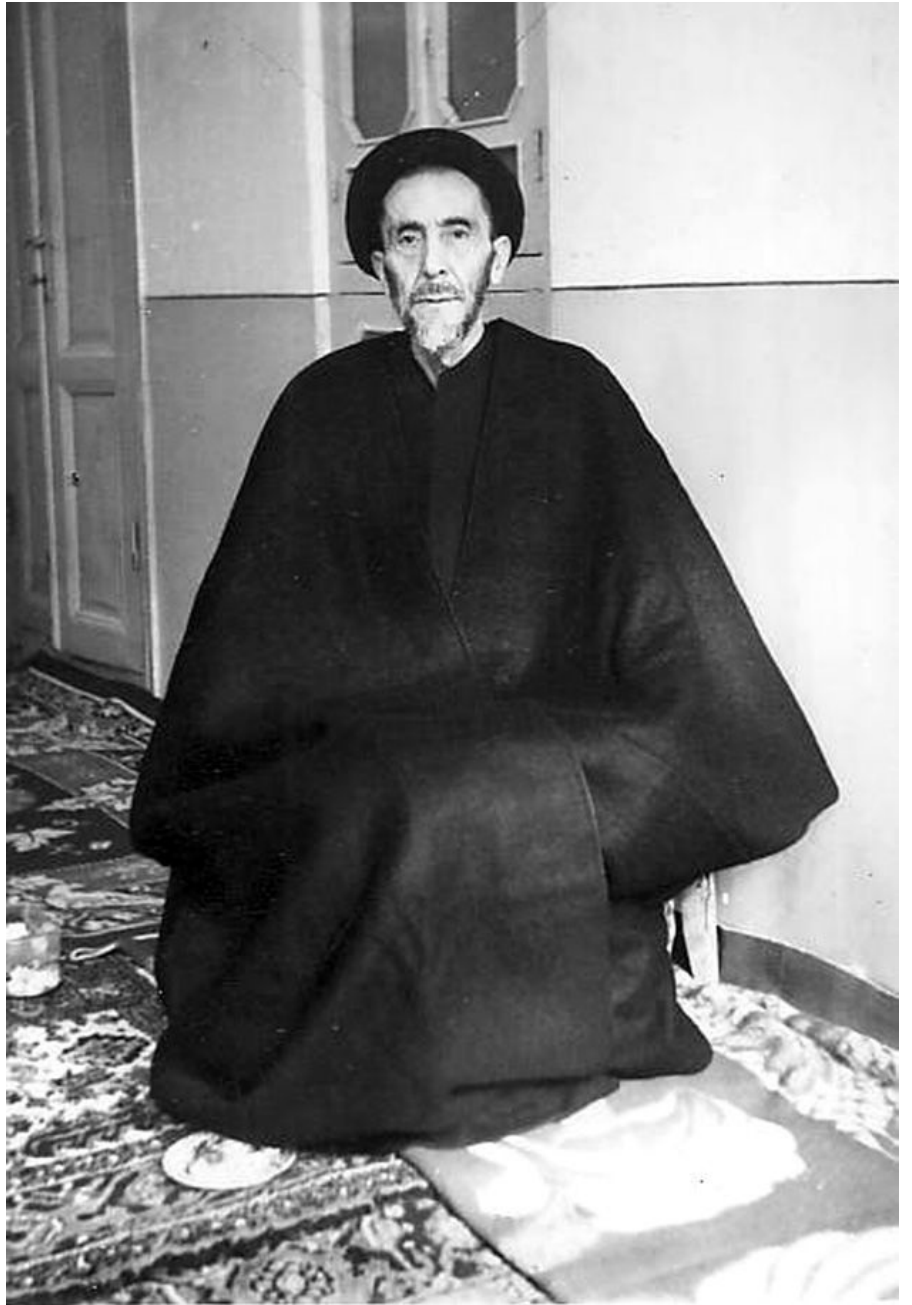


آیه الله سید ابوالفضل خسروشاهی در حال تدریس

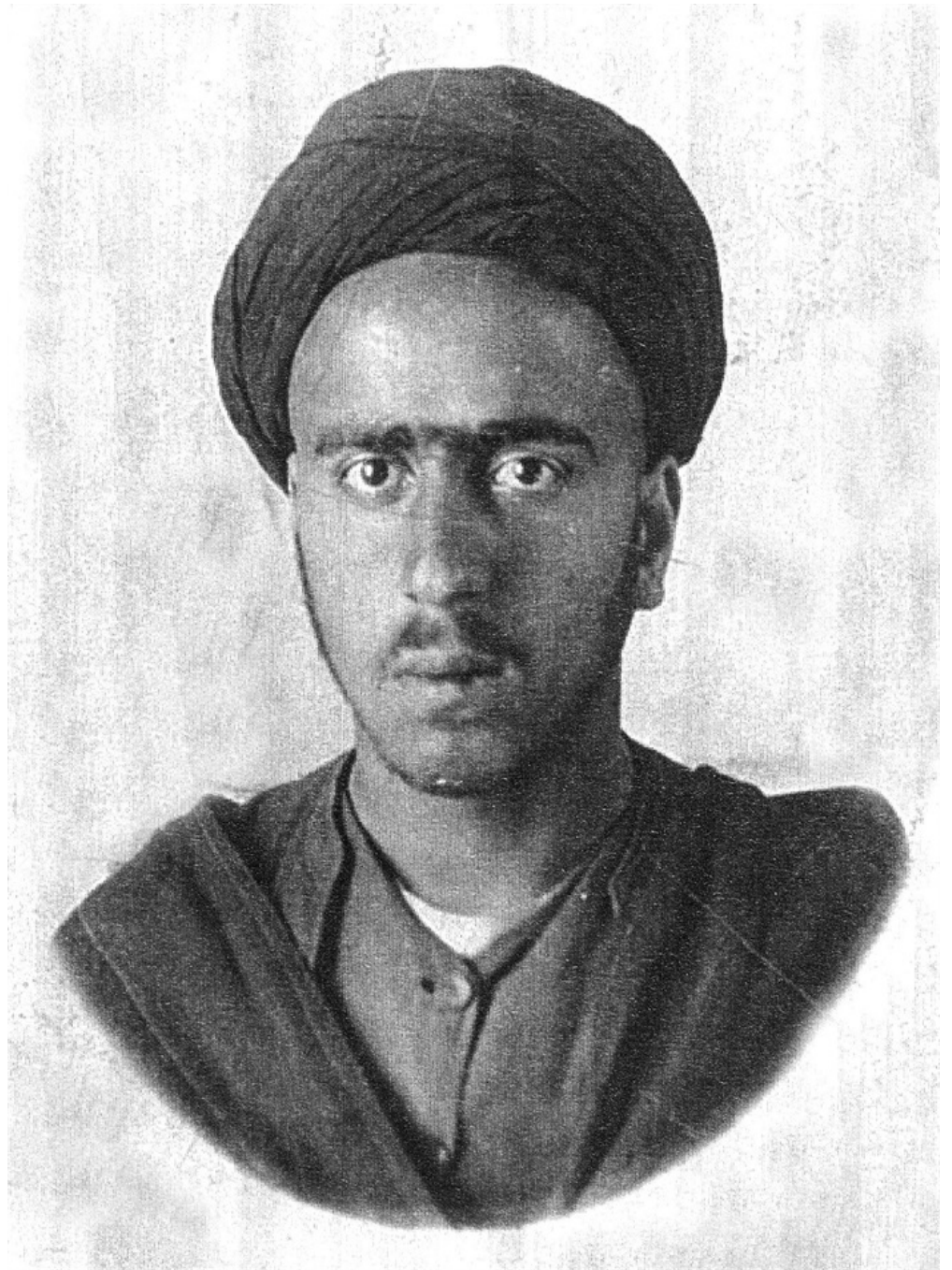
ص: 522



آیه الله سید ابوالفضل و آیه الله سید احمد خسروشاهی



آخرین عکس از آیه الله سید ابوالفضل خسروشاهی در منزل اخوی سید جعفر خسروشاهی



آیه الله سید احمد خسروشاهی در دوران نوجوانی و تحصیل در حوزه علمیه قم

بسم الله الرحمن الرحيم

فدت زینت حضرت محمدتعالی السلام علیکم وعلیٰ آله وعلیٰ صحبه کرامه

۳ صص
۷۲

بومریدان حقیقتاً که بغیر فقه مرقوم آیه و اهل بیت

طابراه حقه بومریدان و محرق قلبت است که خردان
با صاحب ترفیع فقه باشد و بی بی با و سایر بزرگان کاشان

طول عمر و صبر جمید و اجر جزیر معرفت تو راجع بدو است

رساله که مرقوم فرموده با آقا صاحب آقا باقر مذکور شده

اینجا هم خریدار ندارد بنابر این چون اینجا و کجا فرقی ندارد

و اگر بعداً دستور نظارت رسید اطلاع کنی

میدان مخصوصاً در این امام ولی الله علیه السلام

دعا کنم که آنکه در کجا وجود مبارک او اعنه الله

وظیفه ختمیه خود و ششام در خانه صوم

امام سلامت و مدت وجودش نیز از درگاه

فدق تمام سلسله فیما بین الله عزوجل



متن دستخط آیه الله محمدعلی اراکی در تسلیت به آیه الله سید احمد خسروشاهی به مناسبت فوت والد ماجد



آیه الله سید احمد خسروشاهی در حال تدریس در منزل



... و عکسی دیگر

ص: 527





آیه الله سید احمد خسروشاهی

نماز جماعت در مسجد پدری بازار تبریز

ص: 528

بسمه تعالی

ذخیره العباد لیوم المعاد

در سئوال و جواب که مطابق است با فتاوی
حضرت مستطاب ملاذ الشیعه و عماد الشریعه سید
العلماء و المجتهدین ظهیر الملة و الدین آیه الله
فی العالمین آقای آقا سید ابو الحسن آقا الموسوی اصفهانی
قدس سره و محشی است به حاشیه حضرت مستطاب
حجة الاسلام و المسلمین آیه الله فی الارضین الزاهد
الفقیه آقای آقا سید احمد آقا الحسینی الخسرو شاهی تمتع الله
المسلمین بطول بقائه الشریف آمین یارب العالمین
۱۳۸۸ هجری قمری

تبریز پنجاه ششمین

روی جلد رساله عملیه آیه الله آقا سید احمد خسرو شاهی



آیه الله سید احمد خسروشاهی در اواخر عمر

طرف راست دکتر ابوالقاسم مجتهدی برادر آیه الله حاج میرزا عبدالله مجتهدی...



اقامه نماز بر جنازه مرحوم آیه الله سید احمد خسروشاهی، توسط آیه الله سید ابوالفضل خسروشاهی، آیه الله شهید سید محمدعلی قاضی طباطبائی و آیه الله میرزا حمید شریانی و مرحوم حاج آقا منیری، در صف اول دیده می شوند



تشیع باشکوهی از آیه الله سید احمد خسروشاهی به عمل آمد... همه علما و بزرگان و اقشار مختلف تبریز، در آن شرکت نمودند. در دریف اول آیه الله سید محمدعلی انگجی، آیه الله میرزا حمید شربیانی، آیه الله قاضی طباطبائی، حجه الاسلام والمسلمین میرزا مجید واعظی دیده می شوند. در صفوف بعدی: آیه الله سید مرتضی مولانا، آیه الله سید ابوالحسن مولانا، آیه الله شیخ نصرالله شبستری و... دیده می شوند



تشییع جنازه از منزل به سوی آرامگاه



تصویر دیگری از مراسم تشییع پرشکوه آیه الله سید احمد خسروشاهی توسط هزاران نفر از مریدان و مقلدان و مردم مسلمان تبریز

مجلس ترحیم

تلمة فی الدین لایسدهاشی ء

نظر بفرارسیدن اولین هفته رحلت أسفناك حضرت مستطاب
حجة الاسلام و المسلمین سید الفقهاء و المجتهدین آية... آقای

حاج سید احمد آقا خسر و شاهی

اعلیٰ ا.... مقامه که با فقدان عظیم خویش قلوب عموم علمای اعلام
و قاطبة اهالی محترم و علاقه مندان را جریحه دار نموده و در این
ضایعه خسارت علمی بزرگی بر جامعه علم و فقاہت وارد گشته و یک
شخصیت بارز دینی از صف مبارزان اسلامی از دست رفته مجلس
ترحیمی روز پنجشنبه ۱۲ رجب مطابق ۹ تیر ماه از ساعت ۸
صبح در مسجد مقبره منعقد و ساعت ۱۰/۵ ختم خواهد شد
بدیهی است برای عرض تسلیم بساحت اقدس حضرت بقية ا....
فی العالمین ارواحنا فداہ عموم اهالی و طبقات محترم و علمای
اعلام و مبلغین دینی و عزاداران حسینی و کسبه و اصناف برای
تعظیم و بزرگداشت شعائر مذهبی و قدردانی از خدمات دینی
آن بزرگوار در این مجلس سوگواری شرکت خواهند فرمود

سید محمد علی قاضی طباطبائی

نشانی: روبروی راسته بازار - مسجد مقبره

بیانیه بزرگداشت توسط شهید آیه الله قاضی طباطبائی



شهید آیه الله قاضی طباطبائی و آیه الله سید ابوالفضل خسروشاهی در مجلس ترحیمی

که آیه الله قاضی طباطبائی برای یادبود آیه الله سید احمد خسروشاهی برگزار کرده بود

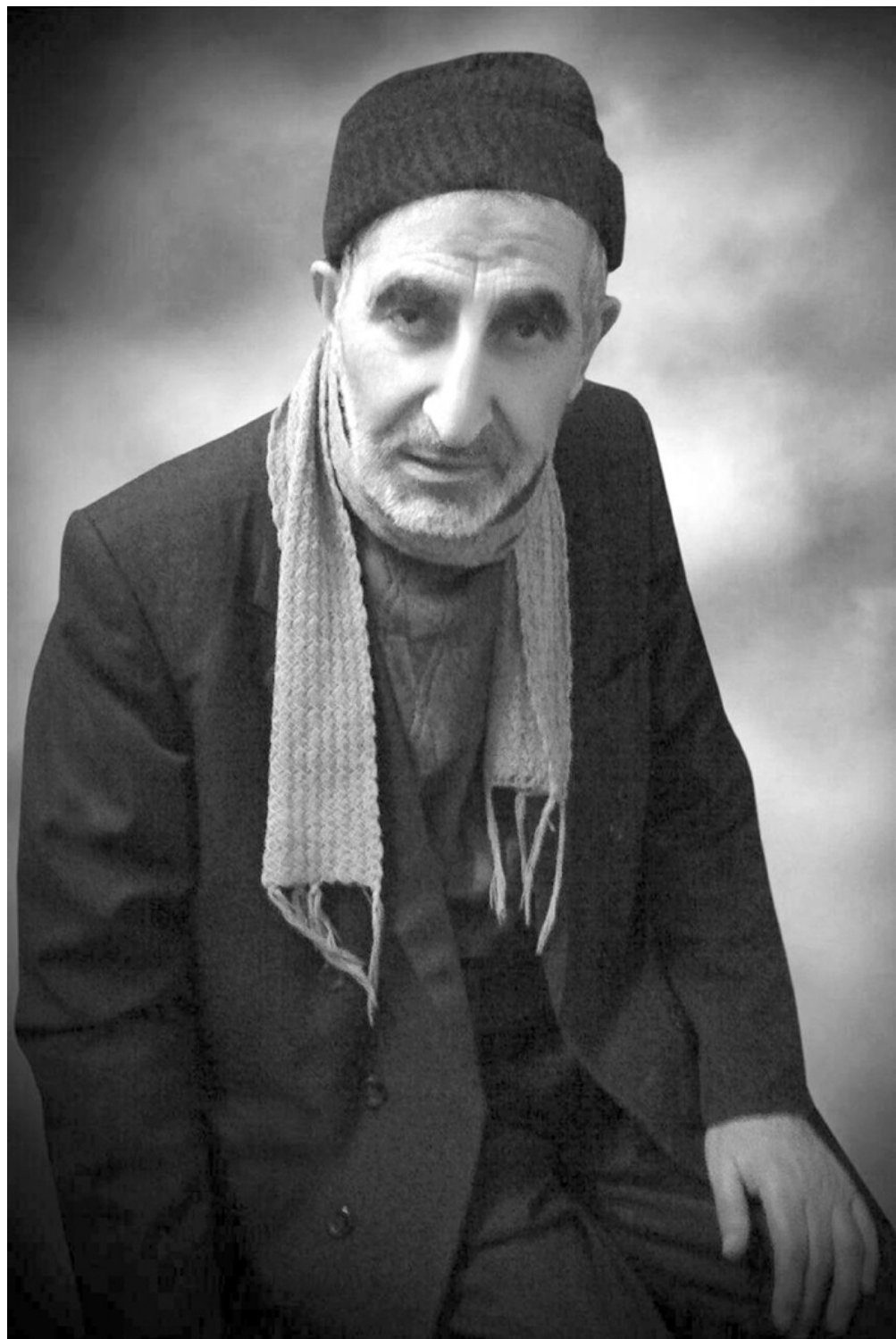




حجه الاسلام سيد جواد خسروشاهی، تنها فرزند مرحوم آيه الله سيد ابوالفضل خسروشاهی، ايستاده در کنار مرحوم آيه الله شريعتمداري

- تنها عكس باقيمانده از وي -

ص: 537



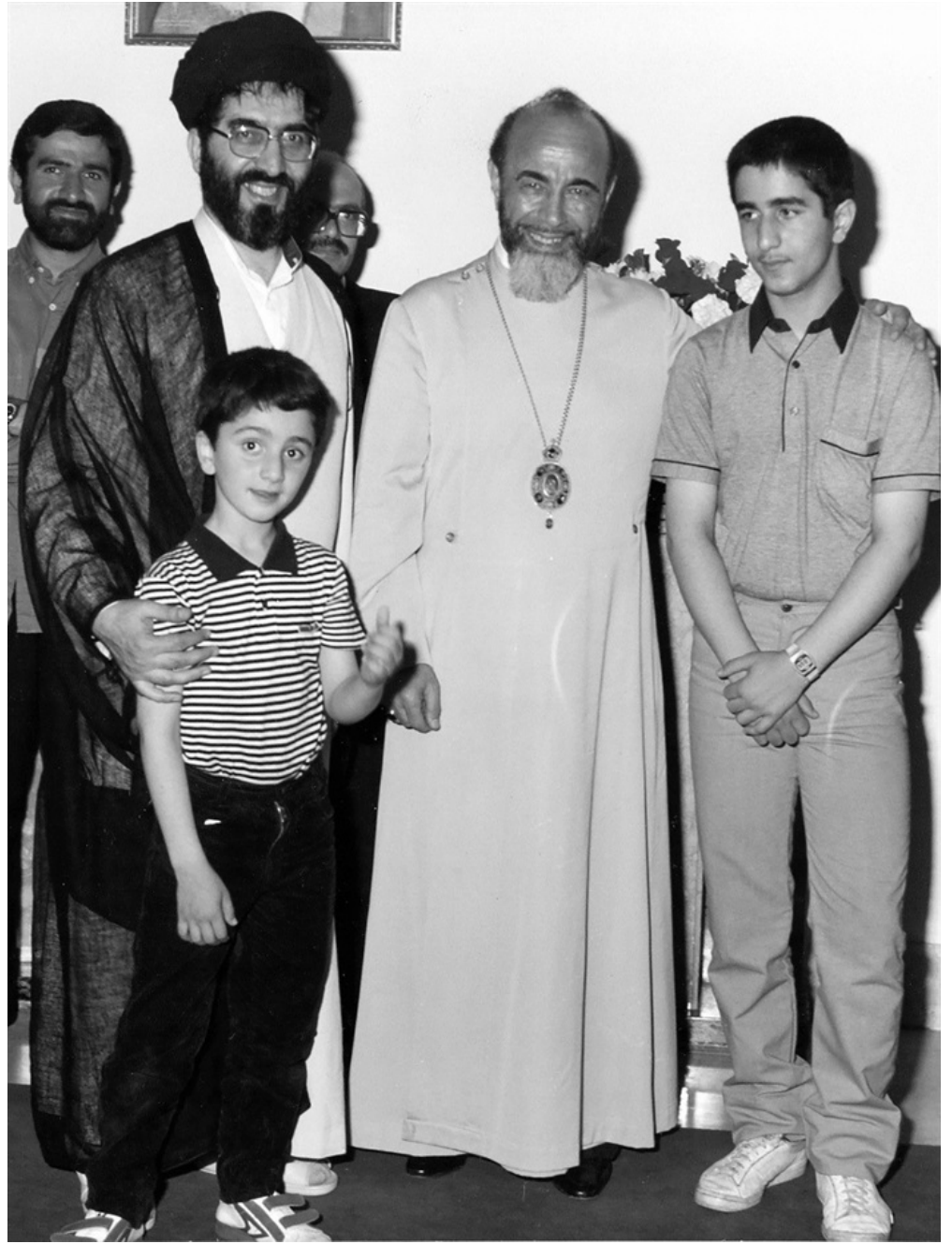
عمده الاخیار، حاج سید جعفر خسروشاهی



حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج سید رضا خسروشاهی

از اساتید حوزه علمیه قم

ص: 539

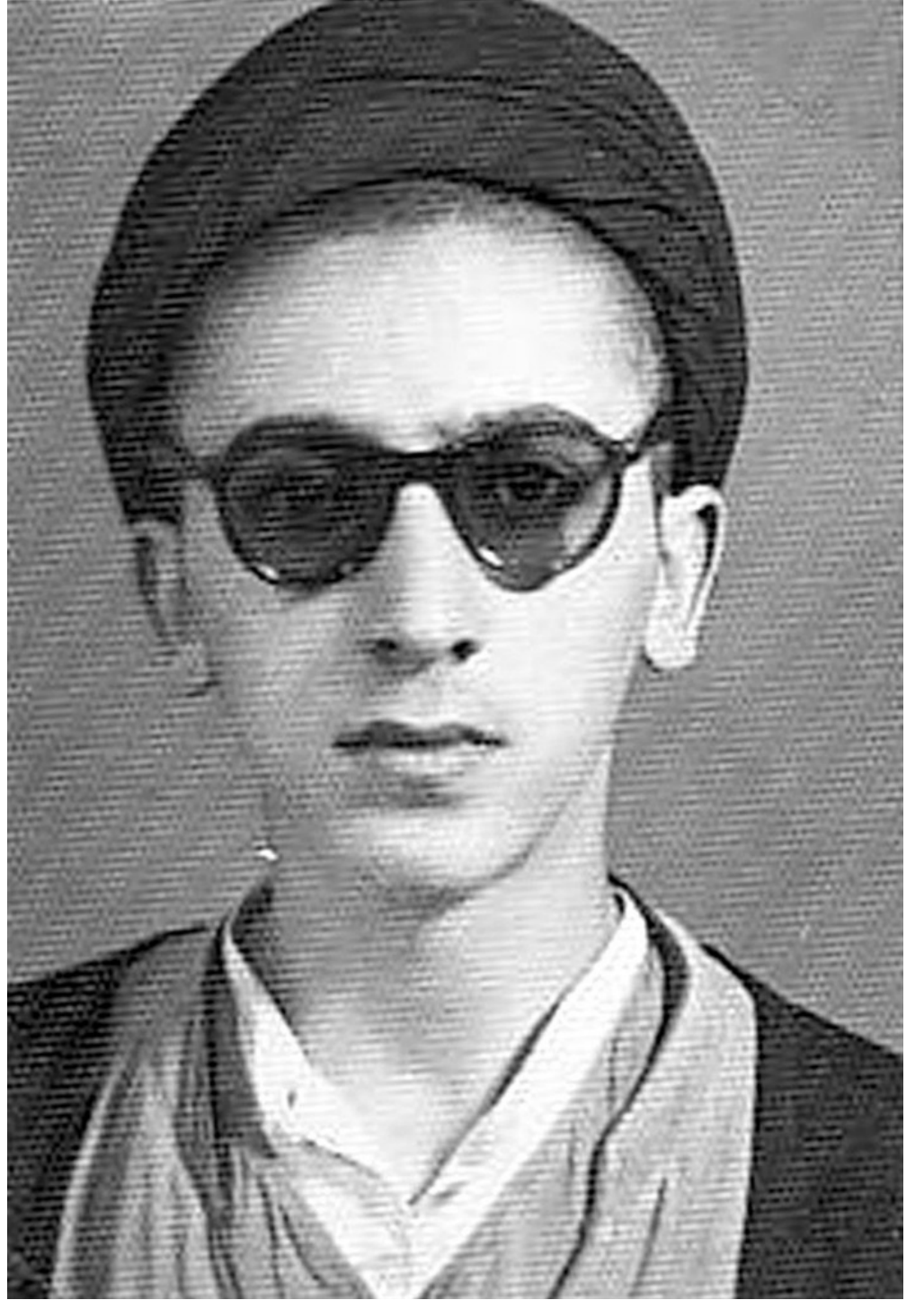


سید محمد رضا خسروشاهی و سید محمود خسروشاهی

در کنار اسقف کاپوچی در واتیکان

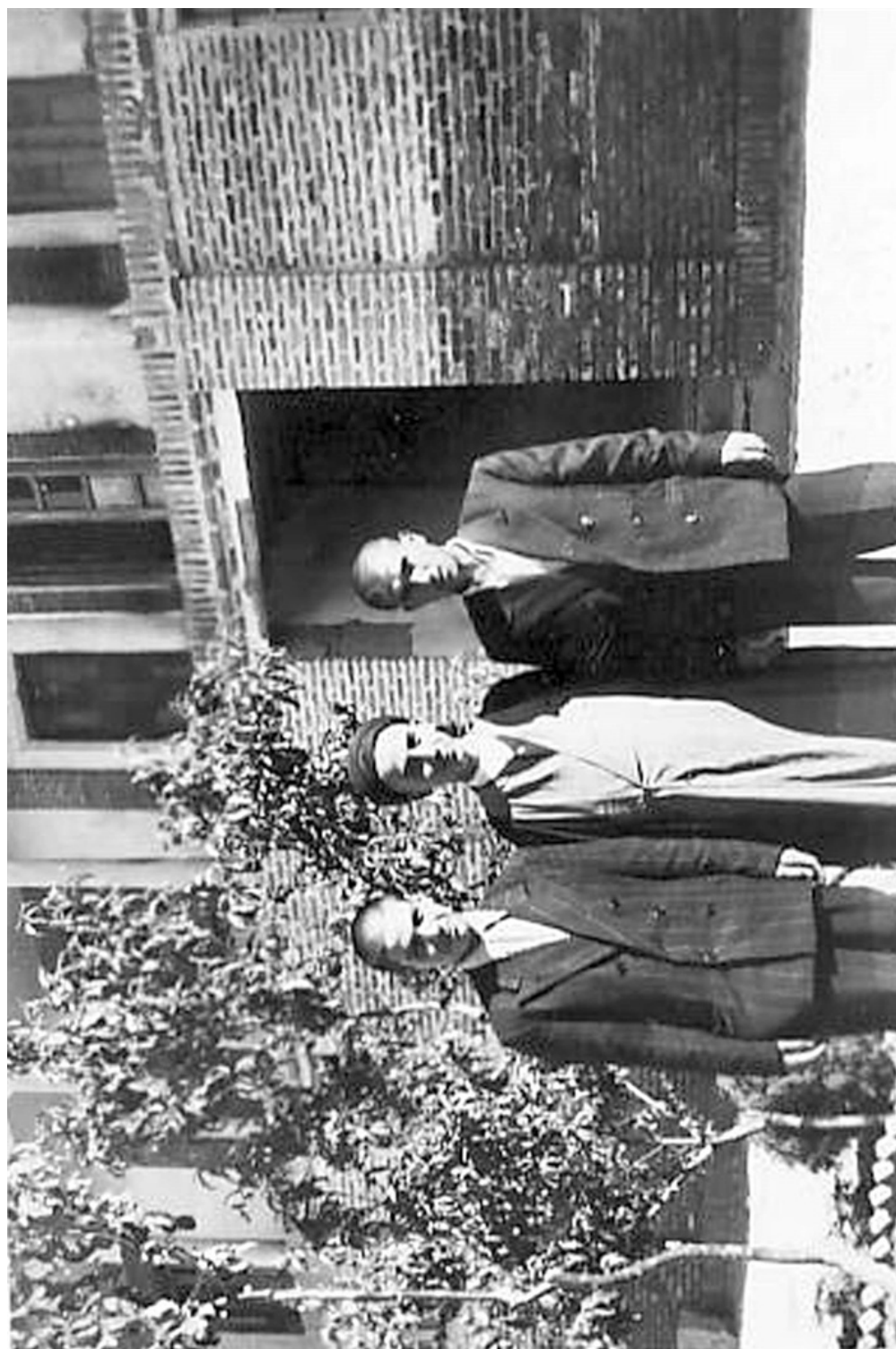


فرزندان: سید محمد رضا خسروشاهی و سید محمود خسروشاهی





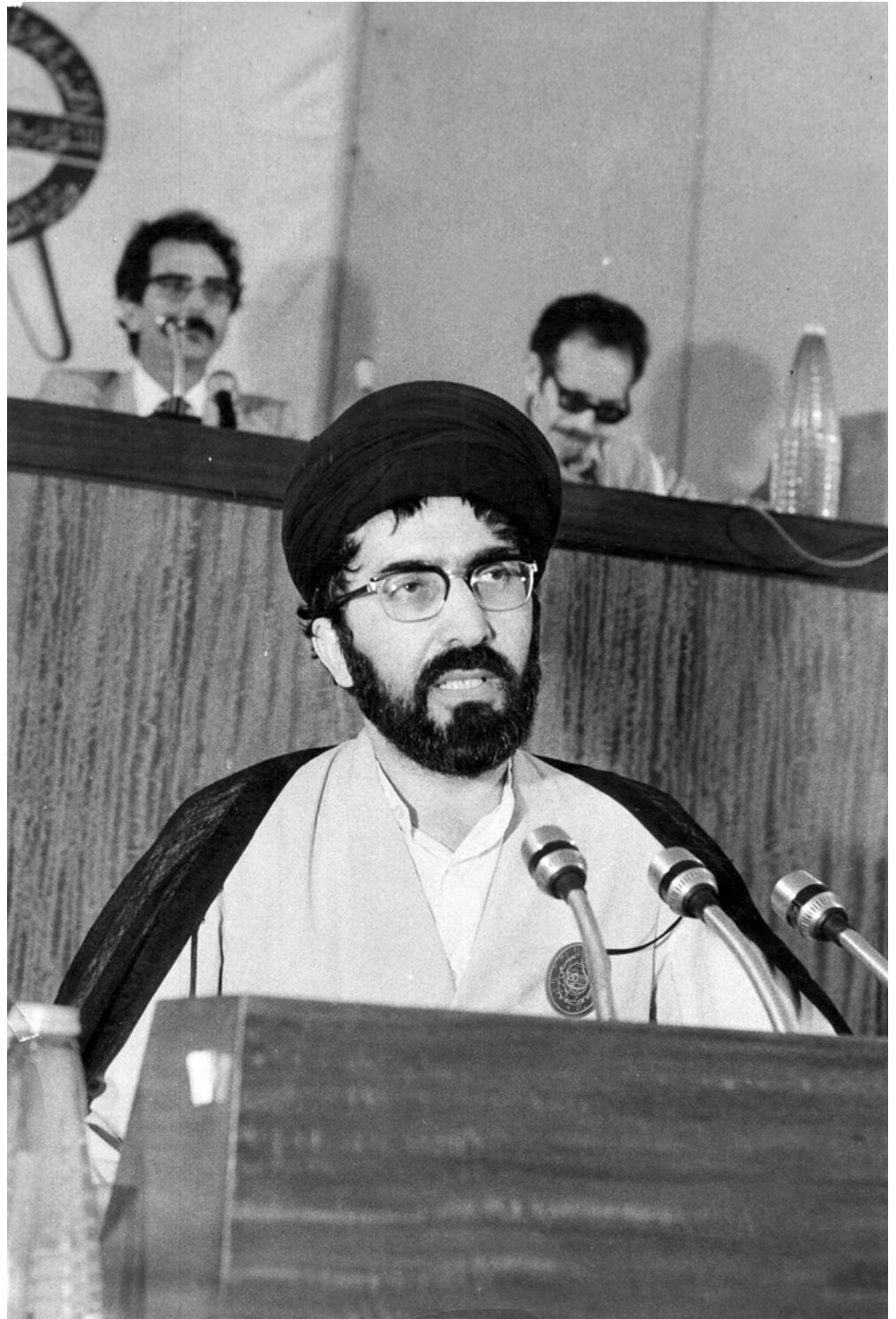
دو عکس از: سیدهادی خسروشاهی در آغاز طلبگی در تبریز به سال 1370 هجری قمری



و این عکس به تاریخ 14 شوال 1372 هجری قمری در مدرسه «خواجه علی اصغر» تبریز برداشته شده است!



سید هادی خسروشاهی در حوزه علمیه قم



سید هادی خسروشاهی به هنگام سخنرانی در کنفرانس بین المللی اندیشه اسلامی در الجزایر

و ابلاغ پیام امام خمینی (ره) به مسلمانان - 1359 شمسی

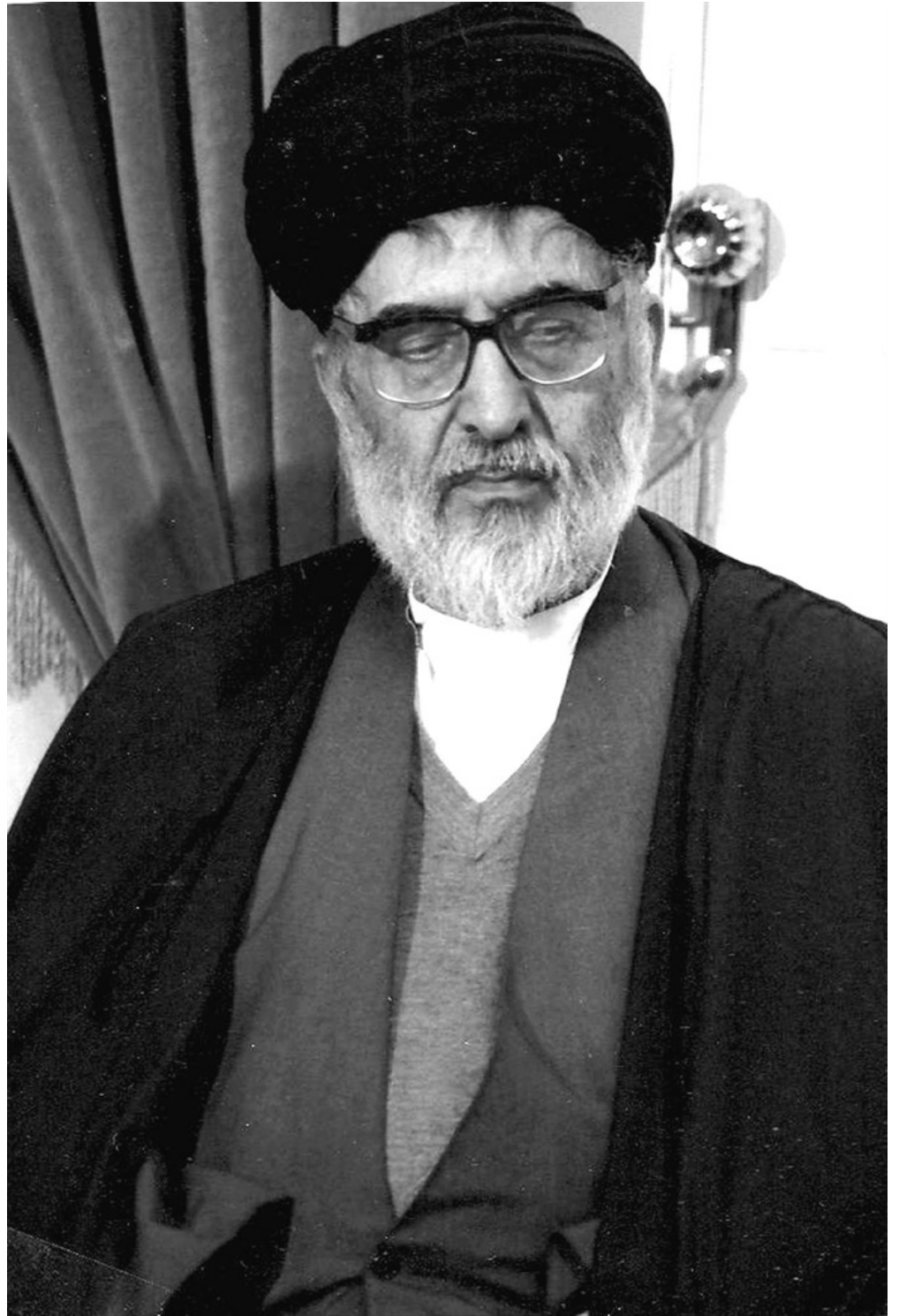


در سفارت جمهوری اسلامی ایران در واتیکان 1361 شمسی



... پس از مراجعت از واتیکان ... در قم 1365

ص: 549

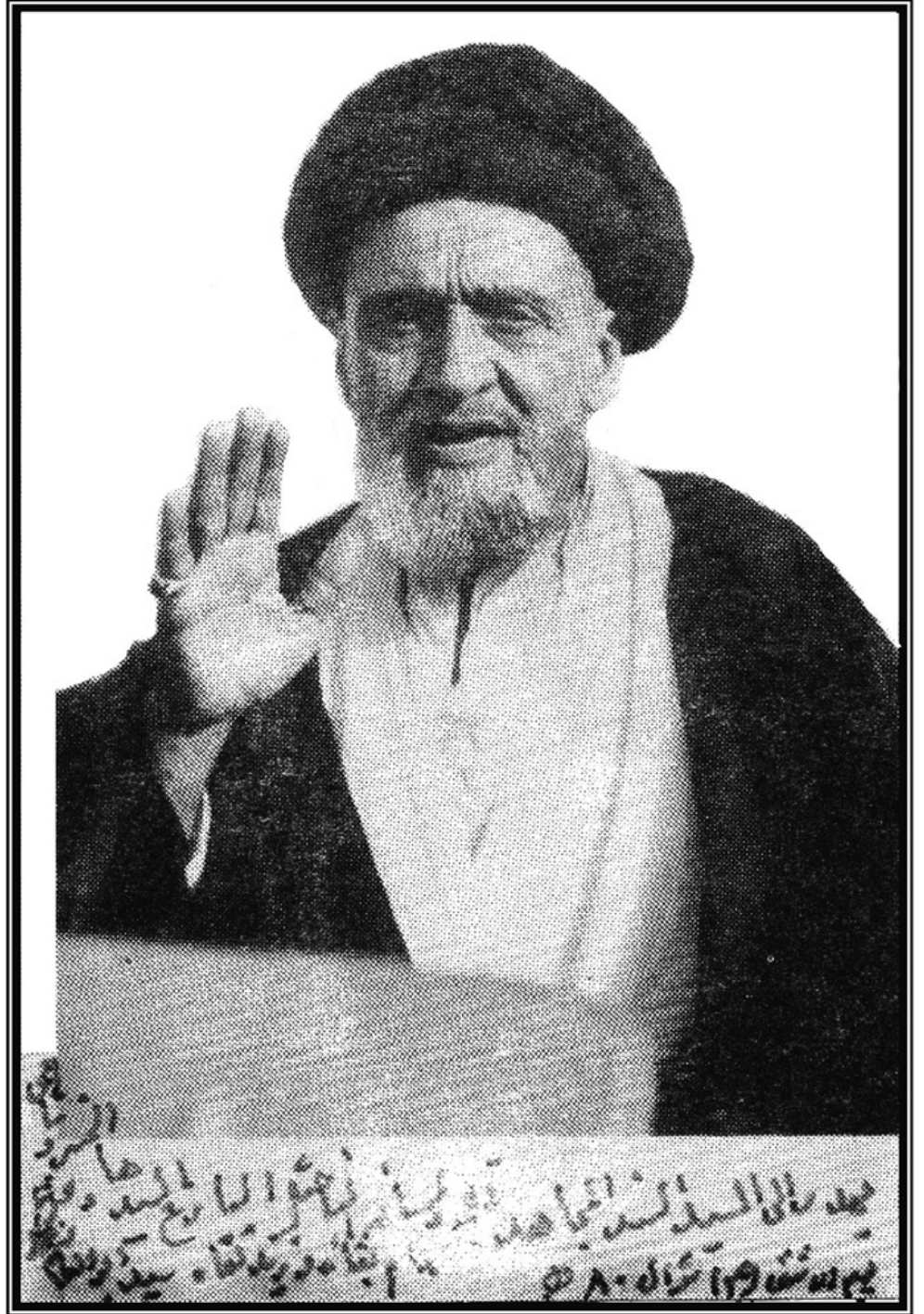


در سفارت جمهوری اسلامی ایران در قاهره - مصر 1375 شمسی

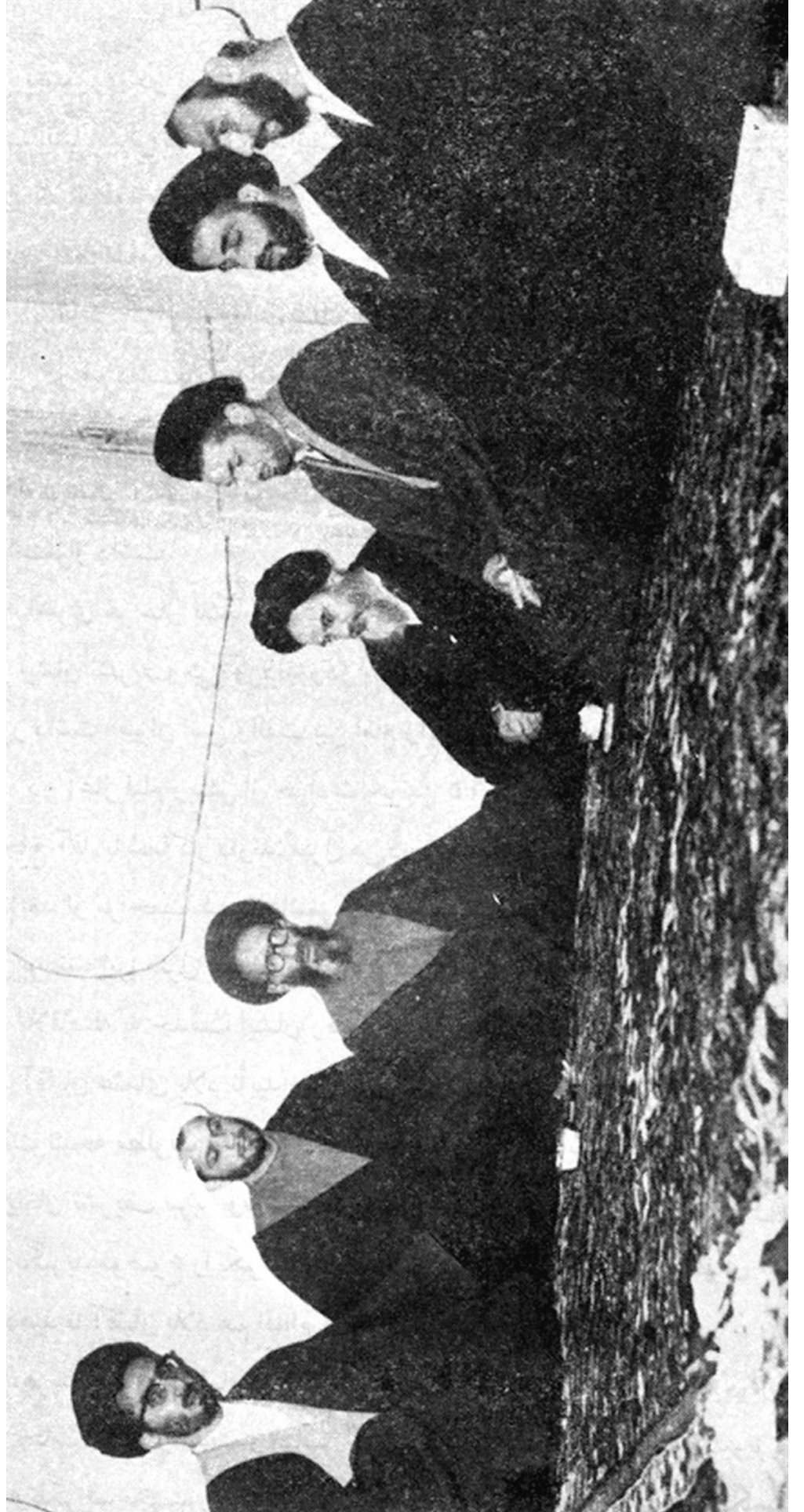


... پس از بازگشت از مصر در تهران 1385 شمسی

ص: 551



يهدى الى السيد السند المجاهد بقلمه ولسانه الفاضل البارع السيد هادي الخسروشاهي دام بقاءه وزيد تقاه، سيد ابوالقاسم الكاشاني، يوم الاثنين 14 شوال



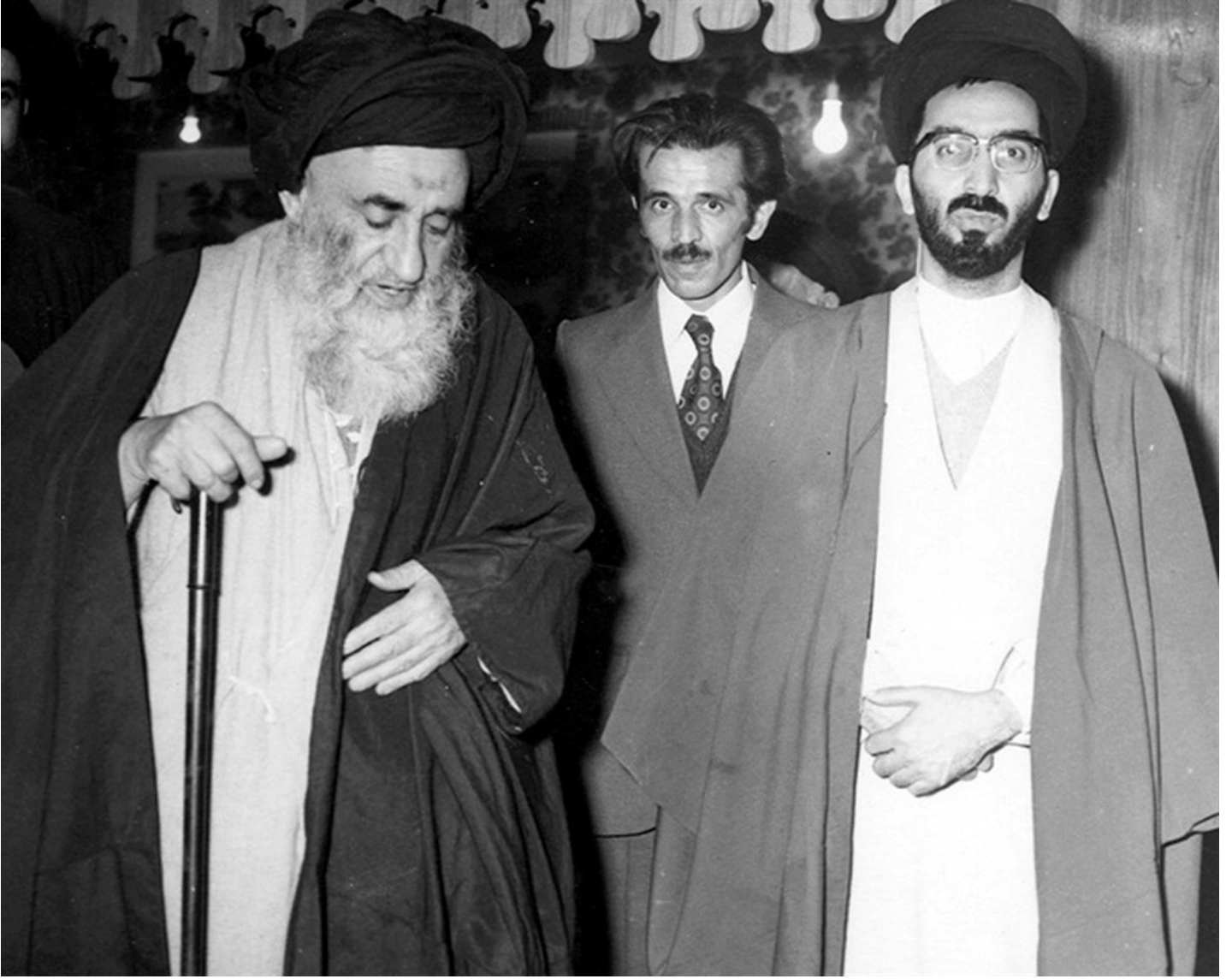
اخوی بزرگوار سید احمد خسروشاهی در کنار حضرت امام خمینی (قدس سره) در منزل، قم، سال 1342

آقایان: شیخ حسن صانعی، سید مهدی دروازه‌ای، سید بیوک اهری، شیخ عیسی اهری و سید هادی خسروشاهی در عکس دیده می‌شوند

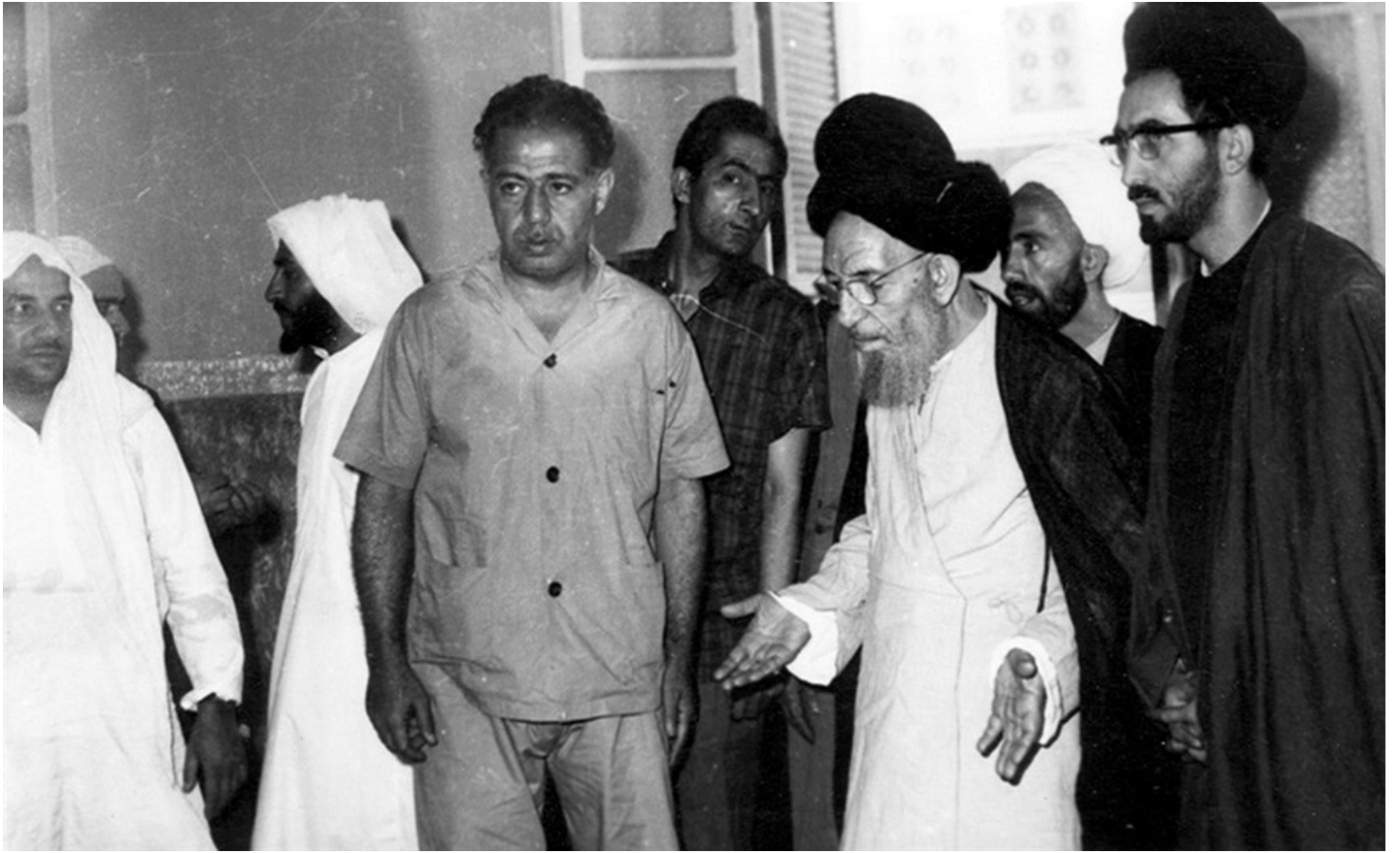
ص: 555



در دیدار با امام خمینی (قدس سره)، پس از حوادث 15 خرداد 42



در دیدار با آیه الله مرعشی نجفی



در کنار آیه الله سید محسن حکیم

ص: 557



با مرحوم آیه الله شریعتمداری در بازدید از بیمارستان سهامیه قم



سیدهادی خسروشاهی، آیه الله سیدمرتضی پسندیده، آیه الله شیخ ناصر مکارم شیرازی، شیخ عباس

ضیغمی (واعظ) در تبعیدگاه انارک 1375



دکتر علال الفاسی (رہبر حزب استقلال مغرب) علامہ بزرگوار آیہ اللہ سید محمد حسین طباطبائی،

سیدہادی خسروشاهی

ص: 559



دیدار با پاپ ژان پل دوم، واتیکان



با سفرای جمهوری اسلامی ایران در کنار رهبر معظم انقلاب آیه الله سید علی خامنه ای حفظه الله

- در دوره ریاست جمهوری -



شهید شیخ برهان الدین ربانی (رئیس جمعیت اسلامی افغانستان)، آیة الله شیخ محمد واعظ زاده،

سیدهادی خسروشاهی، آیة الله شیخ محمدعلی تسخیری

ص: 561



از راست: سیدهادی خسروشاهی، علی اکبر رشاد، جرج جرداق مؤلف مسیحی کتاب امام علی (ع)

رحیمیان، مسیح مهاجری، سید محمود دعائی



دکتر سید جعفر شهیدی، سیدهادی خسروشاهی، جرج جرداق، علامه شیخ محمدتقی جعفری



سیدهادی خسروشاهی، شیخ سعید شعبان (رئیس حرکت اسلامی لبنان)، شیخ مصطفی مشهور (مرشد اخوان المسلمین مصر)، علامه آیہ اللہ سید محمد حسین فضل اللہ، شهید سید محمد باقر حکیم



سیدهادی خسروشاهی، استاد فتحی یکن (رهبر جماعت اسلامی لبنان)



با قاضی احمد حسین امیر جماعت اسلامی پاکستان به هنگام اهداء مجموعه تفسیر نفیس «تفهیم القرآن» تألیف مولانا مودودی



در حال سخنرانی در کنفرانس بزرگداشت علامه اقبال لاهوری - استانبول

المؤتمر العالمي للسيد جمال الدين الأسدآبادي (الأفغاني)

INTERNATIONAL CONFERENCE OF SAYYED JAMAL-UD-DIN ASSADABADI



سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

March - 1997



سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی



کنفرانس بین المللی بزرگداشت سیدجمال الدین اسدآبادی تهران

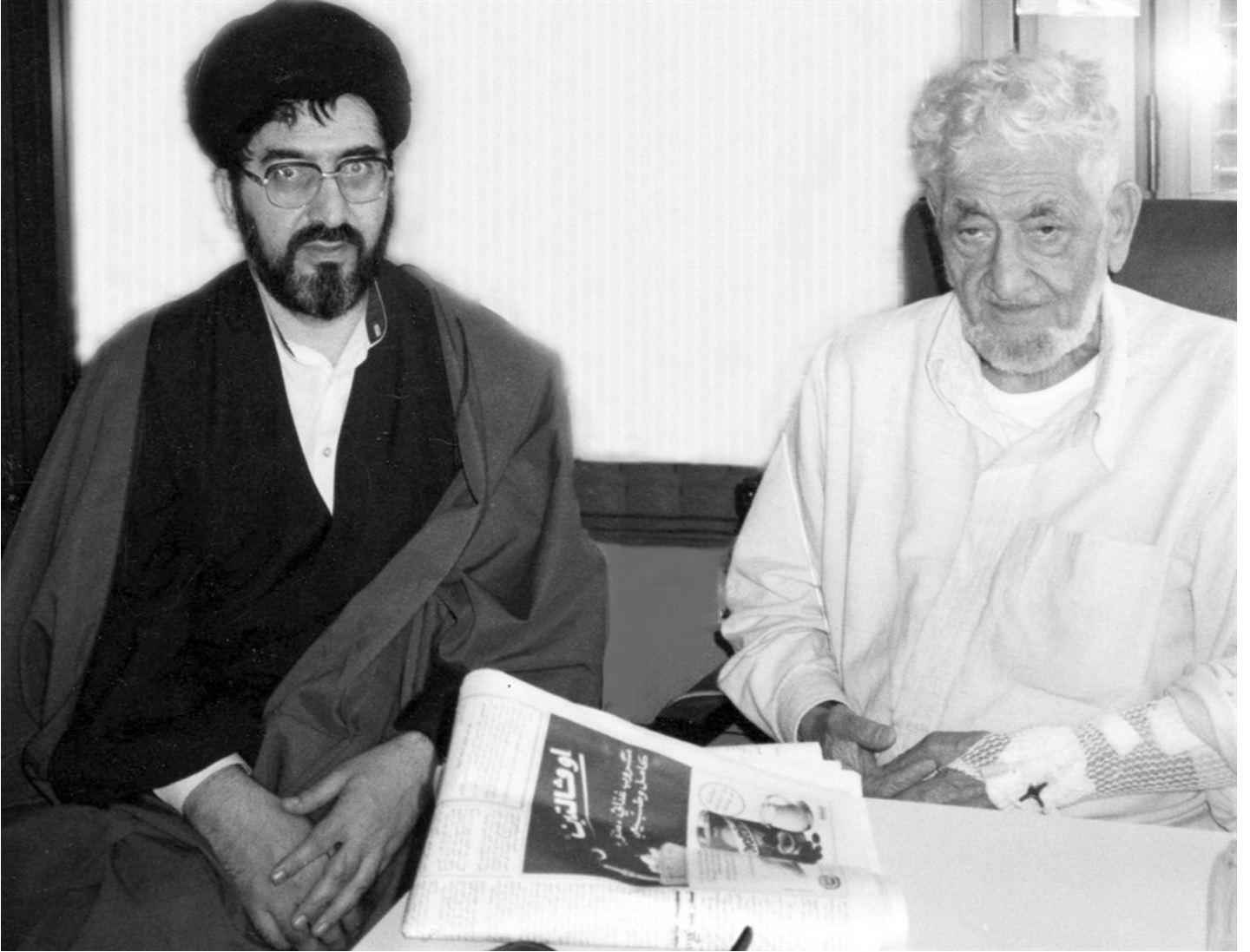
سید هادی خسروشاهی، آیه الله واعظ زاده خراسانی، مرحوم استاد علی دوانی، استاد دکتر جاوید اقبال (فرزند اقبال لاهوری)

ص: 565

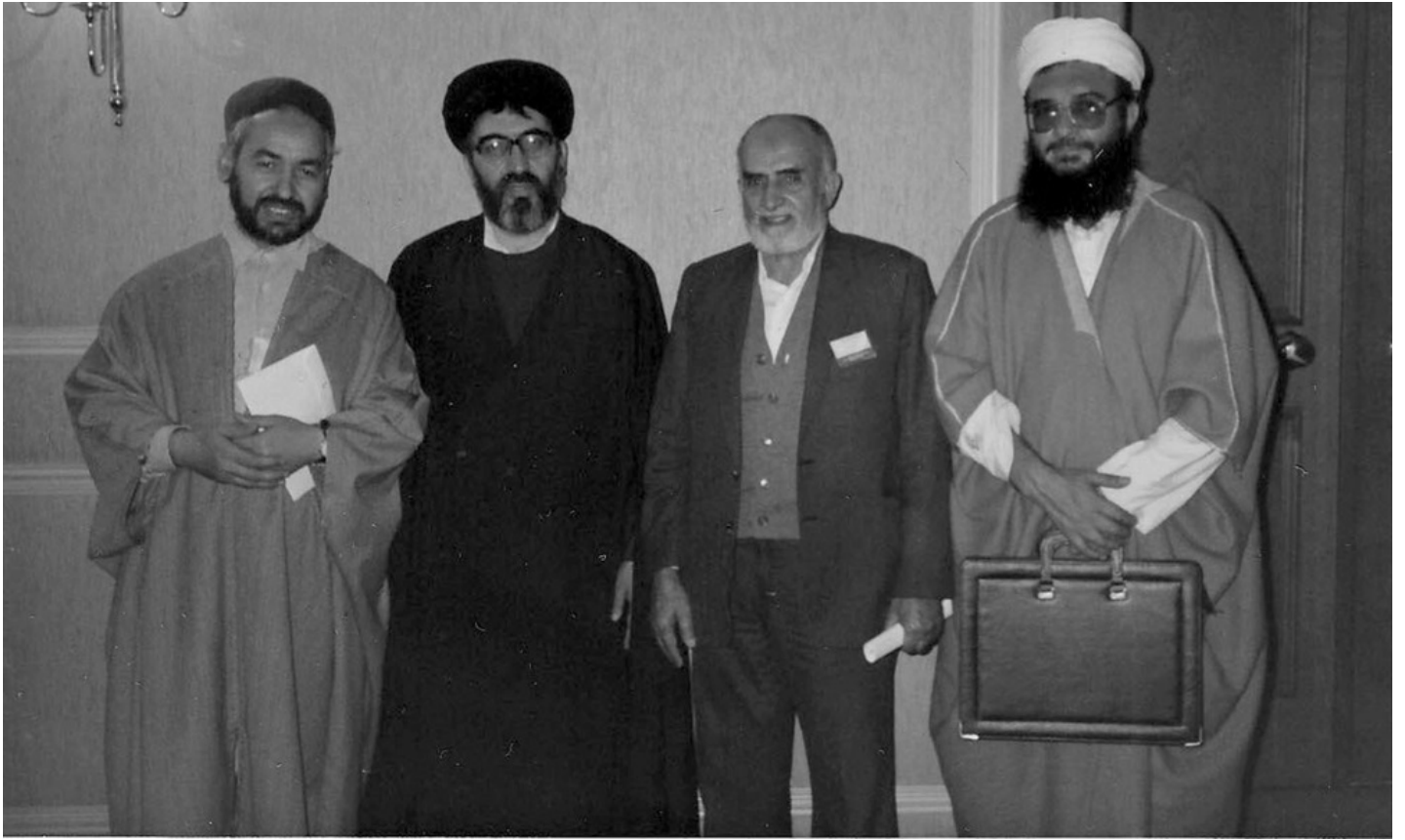


در کنفرانس بین المللی بزرگداشت علما جبل عامل - لبنان





با شیخ عمر التلمسانی، (مرشد اسبق اخوان المسلمین مصر) در لوگانو- سویس

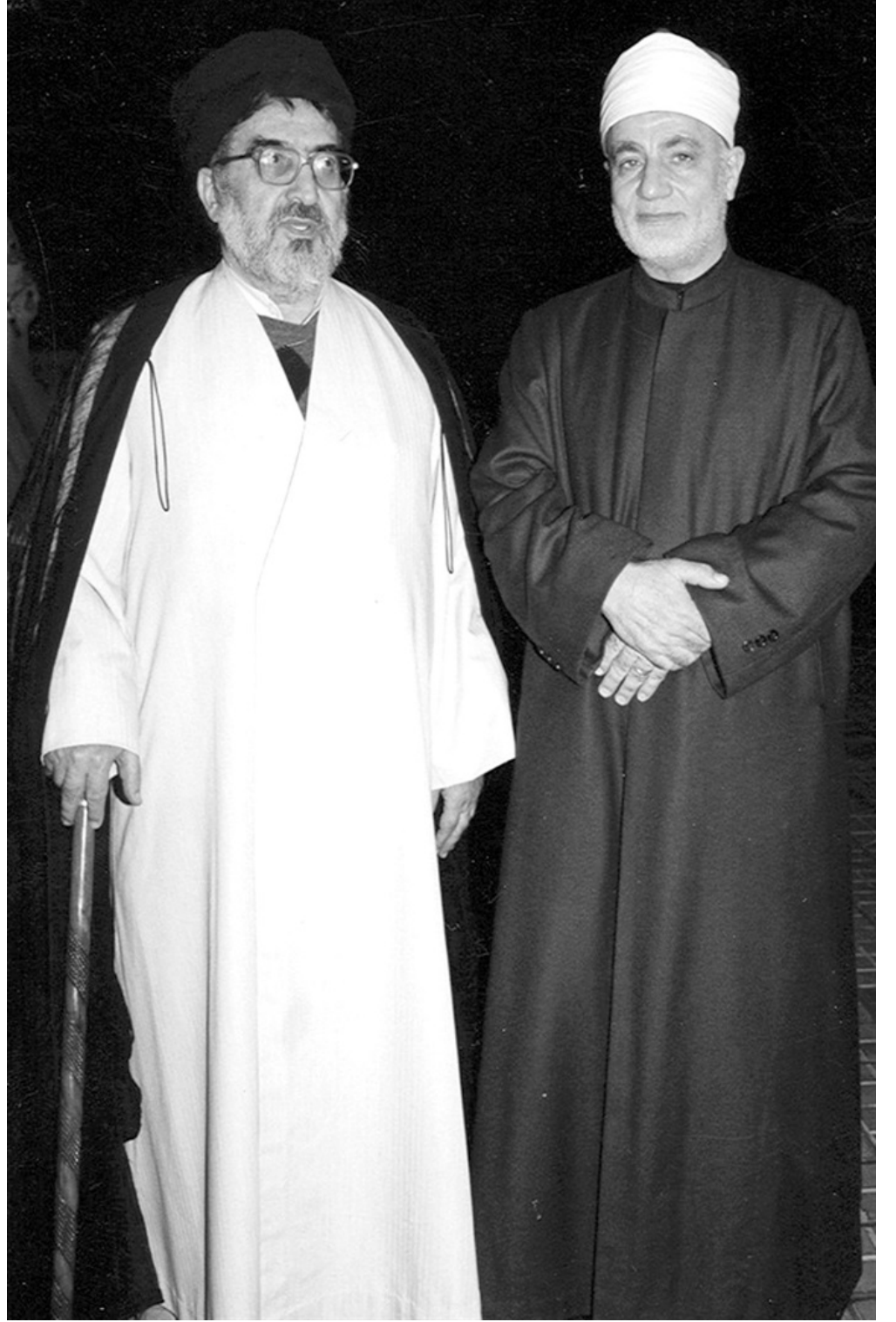


از راست: شهید شیخ منصور (از رهبران جهادی افغانستان) مرحوم شیخ مصطفی مشهور (مرشد سابق اخوان المسلمین مصر) سیدهادی خسروشاهی،
شیخ راشد الغنوشی (رهبر حزب النهضة تونس)



از راست: محمدصادق الحسینی، آیه الله محمدعلی تسخیری، آیه الله واعظ زاده خراسانی، سیدهادی خسروشاهی، عبدالله تقی الدین قمی (دبیر دارالتقرب مصر) و علی المؤمن در نشست تقرب بین مذاهب قاهره

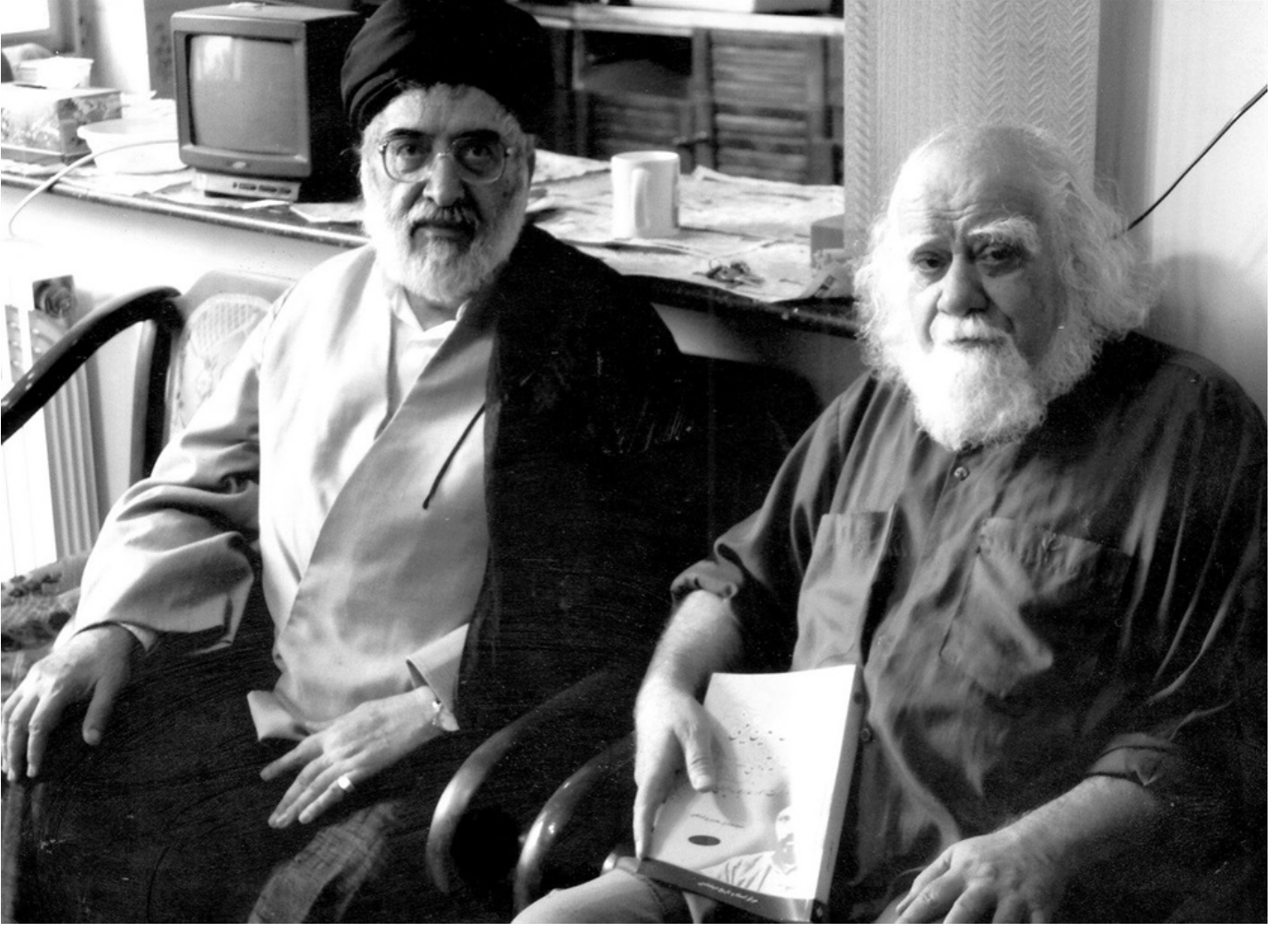




شیخ فرید نصر واصل (مفتی مصر) - قاهره



دیدار با شیخ سید محمد طنطاوی (شیخ الازهر) - قاهره



با استاد محمدرضا حکیمی، پژوهشگر معاصر



با استاد سید محمد محیط طباطبائی، محقق و مورخ بزرگ معاصر



آیه الله رسولی محلاتی، آیه الله ناصر مکارم شیرازی، سید هادی خسروشاهی در «دارالقرآن» قم -



با آیه الله شیخ جعفر سبحانی در بنیاد نهج البلاغه قم

ص: 572



حضرت آیه الله سبحانی قبل از آغاز سخنرانی



بازدید آیه الله سبحانی از مخزن کتابخانه



سخنرانی استاد سید هادی خسروشاهی در مراسم افتتاح رسمی

کتابخانه عمومی مرکز بررسی های اسلامی

در عید غدیر سال 1394 قم





سخنرانی حضرت آیه الله شیخ جعفر سبحانی در مراسم افتتاحیه کتابخانه





سخنرانی آقای دکتر لاریجانی در مراسم افتتاحیه



گروهی از فضلا و شخصیت های حاضر در سالن اجتماعات کتابخانه

ص: 579



ردیف اول: دکتر علی لاریجانی، آیه الله علیاری، آیه الله علوی بروجردی، آیه الله شیخ جعفر سبحانی، حجج الاسلام: هاشم زاده هریسی، سید صادق شیرازی، سید ابوالحسن نواب آقایان: محمد عرب و حسن سلیمانی



ردیف اول از چپ: آقای استاندار محترم قم، آیه الله شیخ محمدعلی گرامی، سید هادی خسروشاهی، آیه الله شیخ جعفر سبحانی، حجج الاسلام: هاشم

زاده هریسی، سید صادق شیرازی، سید ابوالحسن نواب

آقایان: محمد عرب و حسن سلیمانی

ص: 580



آیات: سبحانی، علوی بروجردی، علیاری و آقایان دکتر علی لاریجانی، سیدهادی خسروشاهی به هنگام مراسم آغاز افتتاحیه



گوشه ای از مخزن کتابخانه



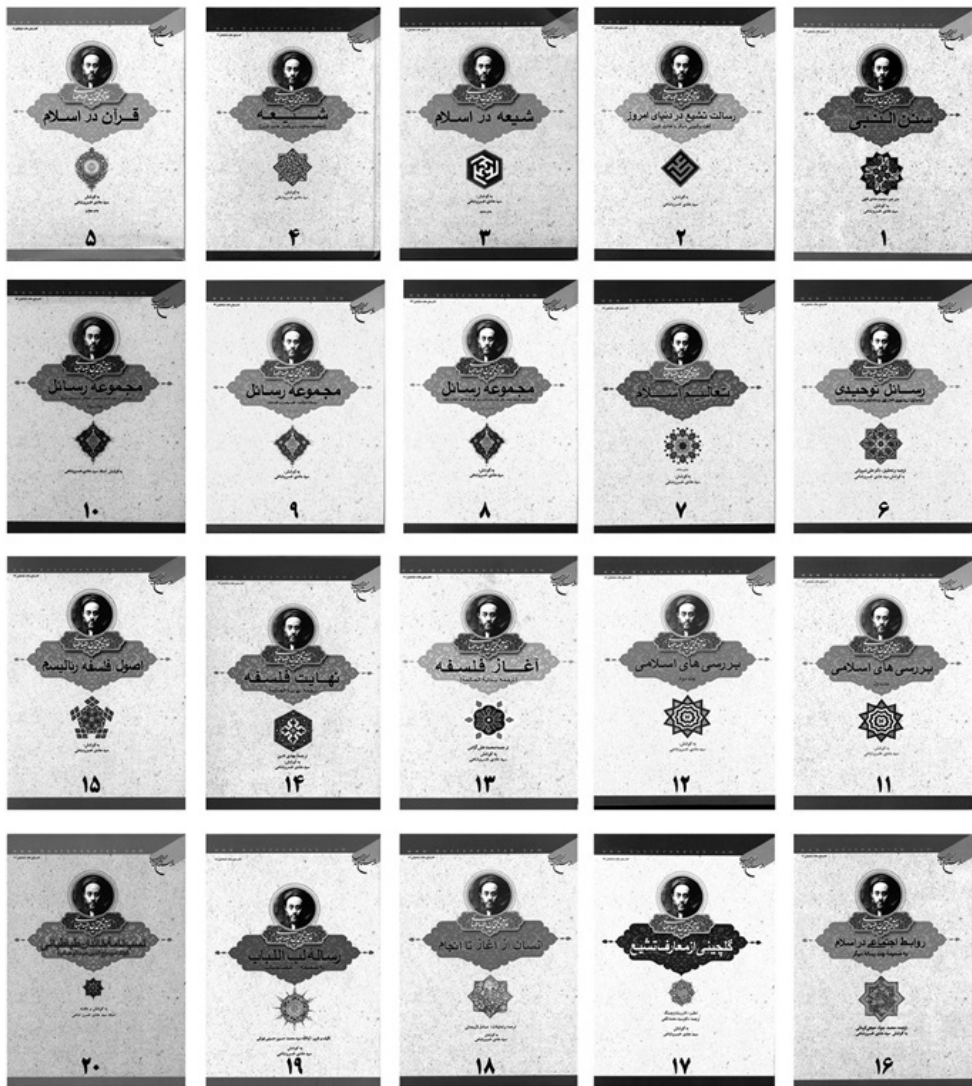




نمایی از کتابخانه مرکز بررسی های اسلامی در پردیسان قم

مجموعه آثار علامه طباطبائی

به کوشش و مقدمه: استاد سید هادی خسروشاهی



مجموعه حرکت‌های اسلامی

تالیف و ترجمه: استاد سید هادی خسروشاهی

ناشر: انتشارات اطلاعات

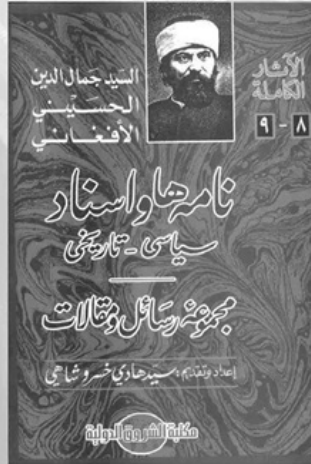


تلفن مرکز فروش (کلبه شروق) ۰۲۵-۳۷۸۳۸۱۴۴

چاپ قاهره

مجموعه آثار سيد جمال الدين اسد آبادي

به كوشش: استاد سيد هادي خسروشاهي

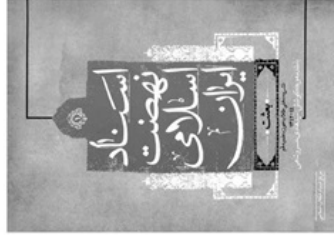


مرکز پخش: قم، ابتدای خیابان شهدا (صفائیة) / کلبه شروق / تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۳۸۱۴۴

تازه‌های مرکز اسناد انقلاب اسلامی و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به کوشش استاد سید هادی خسروشاهی



و شهید شیخ محمد خیابانی
نهضت آزادستان



پشت
نشریه مخفی طلاب حوزه علمیه قم
۱۳۴۲-۴۴



اعلامیه‌های صادر شده با
امضای حوزه علمیه قم



اعلامیه‌ها و بیانیه‌های
فصلا و طلاب حوزه علمیه قم



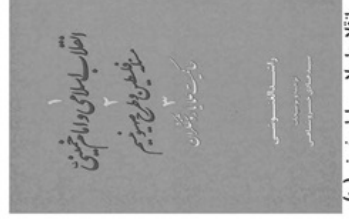
انتقام
نشریه مخفی طلاب حوزه علمیه قم
۱۳۴۲-۴۴



فی سبیل الوحدۃ و التقرب



حرکت اسلامی سوادان



انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره)
مسئله فلسطین و طرح صهیونیسم



اهل بیت (ع) در مصر

تلفن مرکز فروش (کلبه شروق) ۰۲۵-۳۷۸۳۸۱۴۴

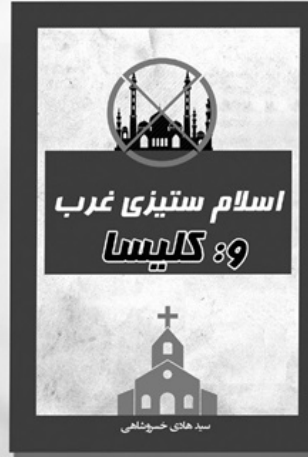
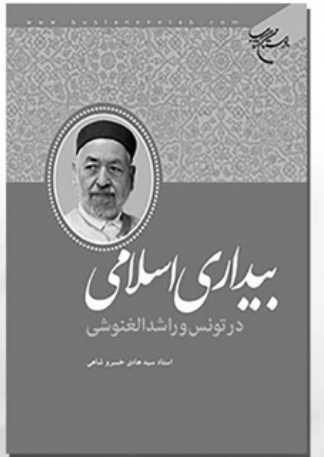
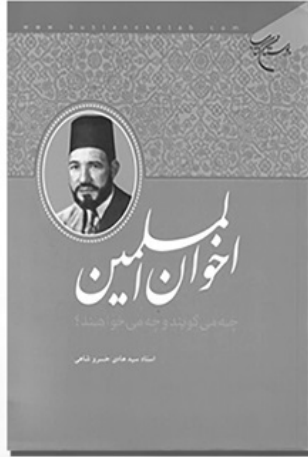
مجموعه خاطرات مستند

استاد سید هادی خسر و شاهی



مرکز پخش: ابتدای خیابان صفائیه، کتابفروشی کلبه شروع، تلفن: ۳۷۸۳۸۱۴۴

نمونه های دیگر از مجموعه آثار



درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر/ 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباچه ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

